
بسم الله الرحمن الرحيم

قانون و قانون‌گذاری

از دیدگاه رهبر شهید انقلاب اسلامی رحمه‌الله‌علیه

(اجلاسیه‌های سالیانه رهبر شهید با نمایندگان مجلس شورای اسلامی)

گردآوری و تنظیم:

جواد آقایان

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی

بهار ۱۴۰۵

شناسه:خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-
Khamenei, Sayyed Ali, Leader of IRI, 1939
عنوان و نام پدیدآور: قانون و قانون‌گذاری از دیدگاه رهبر شهید انقلاب اسلامی ﷺ
(اجلاسیه‌های سالیانه رهبر شهید با نمایندگان مجلس شورای اسلامی)
مشخصات نشر: قم: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورا ی اسلامی، ۱۴۰۵ ش.
مشخصات ظاهری:۳۵۲ ص.
شابک:۷ -۶-۸۹۶۳۱-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
یادداشت: کتابنامه: ندارد.
موضوع: خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره قانون و قانونگذاری
موضوع: Khameni, Seyyed Ali, Leader of IRI, 1939 - -- Views on law and Legislation
موضوع: خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها
موضوع: Khamenei, Sayyed Ali, Leader of IRI, 1939- -- Messages and speech
موضوع: قانون و قانونگذاری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
law and Legislation -- Religious aspects -- Islam
شناسه افزوده:آقایان، جواد، ۱۳۷۳ ، گردآورنده
شناسه افزوده: ایران. مجلس شورای اسلامی. مرکز تحقیقات اسلامی
رده بندی کنگره:BP۱۶۹/۲۵
رده بندی دیویی:۲۹۷/۳۲۴
شماره کتاب شناسی ملی:۱۰۲۴۵۲۴۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

قانون و قانون‌گذاری از دیدگاه رهبر شهید انقلاب اسلامی ﷺ
(اجلاسیه‌های سالیانه رهبر شهید با نمایندگان مجلس شورای اسلامی)
ناشر: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورا ی اسلامی
گردآوری : جواد آقایان
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۵/ شمارگان: ۵۰۰ نسخه
طراح جلد: حمید بالنده / صفحه آرا: سادات حسینی
شابک: ۷-۶-۸۹۶۳۱-۶۲۲-۹۷۸
مرکز پخش:
قم، سالاریه، خیابان میثم تمار، میثم ۱ ، پلاک ۱۲ مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، تلفن: ۳۲۱۲۸۰۰۰

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار ۱۵
مقدمه ۱۹
کلیات ۲۵
جمهوری اسلامی راهی نو در برابر تمدن مادی ۲۹
مردم‌سالاری دینی حرفی نو در مقابل نظام سلطه جهانی ۳۰
مطرح‌کردن فکر و راه نو در مقابل بشر ۳۲
جمهوری اسلامی بهترین راه برای تبلیغ راه و فکر نو اسلامی ۳۳
قوه‌ی مقننه تهیه‌کنندهٔ نرم‌افزار حرکت، راه و فکر نو اسلامی ۳۳
مسئولیت نمایندگی جهت تحقق راه و فکر نو اسلامی ۳۵

فصل اول
جایگاه مجلس شورای اسلامی

مجلس، قوه‌ی مفکره ۳۹
نسبت قوه مفکره با ارزش‌های انقلاب ۴۰
نسبت قوه مفکره با جامعه ۴۱
مجلس، در رأس امور ۴۳
مجلس، عصاره‌ی فضایل ملّت ۴۴
مجلس، مظهر عزت ملی، اقتدار و استحکام نظام ۴۵
مجلس از افتخارات نظام انقلابی و کشور ۴۶
مجلس، جایگاه سیاسی مهم ۴۷

مجلس سنگری در برابر افزون‌خواهی استکبار و نقطه اتکا مردم ۴۹
مسئله غزه، یکی از مصادیق بین‌المللی حضور مجلس ۴۹
تأثیر انواع حالات حضور مجلس در امور سیاسی و بین‌المللی ۵۰
مجلس، از ارکان اصلی مدیریت سیاسی کشور ۵۰
مجلس و نمایندگان جزء اجزای مدیریت کشور ۵۲
خصوصیات لازم کسب جایگاه حقیقی مجلس ۵۳
یک: احساس مسئولیت در مقابل تکالیف الهی و مقام عبودیت ۵۳
دو: استقلال ۶۱
سه: شجاعت ۶۳
چهار: فرزانگی و به‌کارگرفتن فکر، علم و تخصص ۶۴

فصل دوم

مبانی دینی قانون‌گذاری

اسلامی بودن؛ عامل تفاوت مجلس کشور با مجالس کشورهای دیگر ۶۹
شأن بی‌نظیر مجلس شورای اسلامی ۷۰
تفکر اسلامی؛ عامل مشروعیت نظام اسلامی، رهبری و مجلس ۷۲
ضرورت بودن مسئله اقلیت و اکثریت و امضای آن توسط اسلام ۷۴
تعلق ولایت به خداوند در بینش اسلامی ۷۴
ولایت الهی بودن نمایندگی و قانون‌گذاری ۷۵
اعمال ولایت الهی؛ پایه مردم‌سالاری دینی ۷۵
مجلس مظهر اعتماد، محصول رأی و اراده مردم ۷۸

فصل سوم

شأن قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی

فلسفه قانون، وضع قاعده ۸۲
قانون به منزله عنصر شأنیت بخش به مجلس ۸۳
مسئله قانون‌گذاری؛ عامل ارزش و جایگاه مجلس ۸۴

اهداف قانون‌گذاری ۸۵
تحقق‌بخشی به فکر نو اسلامی و پیشرفت کشور ۸۵
استقرار و پیاده‌سازی احکام اسلامی ۸۵
پیشرفت و توسعه با نسخه بومی ضمن استفاده از تجربه دیگران ۸۵
ماهیت قانون‌گذاری: ریل‌گذاری و تعیین نقشه راه حرکت ۸۶
قانون‌گذاری؛ به منزله ریل‌گذاری ۸۷
ریل‌گذاری؛ یعنی آماده‌کردن مسیر برای نیروهای اجرایی ۸۹
جهت قانون‌گذاری: استحکام‌بخشی به بخش‌های سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ۸۹
ویژگی‌ها و خصوصیات مجلس ۹۱
مجلس؛ مصداق مسجد و عبادتگاه به معنای واقعی کلمه ۹۱
لزوم جهت‌گیری کلی مجلس به‌سوی اهداف و ارزش‌های متعالی اسلامی ۹۳
لزوم پرهیز از دوقطبی شدن در قانون‌گذاری ۹۵
لزوم داشتن مشی انقلابی توسط مجلس ۹۶
لزوم همکاری مجلس با سایر قوا برای تشکیل یک کل و مجموعه واحد ۹۷
لزوم رعایت اولویت‌ها در قانون‌گذاری ۱۱۶
لزوم اصلاح ساختار بودجه ۱۲۸
شناسایی آسیب‌های مجلس و رفع آن آسیب‌ها ۱۳۱
لزوم تصویب اعتبارنامه، تشکیل کمیسیون‌ها و شروع به کار سریع مجلس ۱۳۲
حضور سیاسی در فضای کشور و جهان ۱۳۳
موضع‌گیری هوشیارانه، وظیفه مجلس در مقابل نقشه و سلطه جهانی ۱۳۵
ویژگی‌ها و خصوصیات قانون خوب ۱۴۰
منطبق بودن و معارض نبودن قانون و اجرا با احکام اسلامی ۱۴۰
منطبق با اسناد بالادستی بودن قوانین ۱۴۲
تبیین اصول قانون‌گذاری در سیاست‌های کلی تقنین ۱۴۵
نسبت قانون‌گذاری با سیاست‌های کلی نظام ۱۴۶
متقن بودن قانون ۱۴۷
جامع، کامل و ماندگار بودن قانون ۱۴۷

باکیفیت، دقیق و دارای انسجام با بقیه قوانین ۱۴۹
قابلیت اجرایی قانون ۱۵۰
تأویل ناپذیر، صریح و واضح بودن قانون ۱۵۴
مبتنی بر کار کارشناسی بودن قانون ۱۵۵
رعایت اولویت‌های داخلی در قانون ۱۶۰
لزوم تجلی «آرمان‌گرائی» و «واقع‌بینی» در قانون ۱۶۱
لزوم تنقیح، رفع تراکم و تعارض قوانین ۱۶۱
مبتنی بر لایحه بودن قانون بجای طرح ۱۶۶
قانون‌گذاری برای اجرای کامل برنامه‌های پیشرفت و توسعه ۱۶۸
لزوم توجه به شعار سال در اولویت قانون‌گذاری ۱۷۱
لزوم تبیین رسانه‌ای قوانین ۱۷۱
نفوذ نداشتن افراد و دستگاه‌های مختلف در تدوین قانون ۱۷۲
پرهیز از وضع قوانین زمینه‌ساز فساد ۱۷۳
ویژگی‌ها و خصوصیات نمایندگان مجلس ۱۷۳
نقش حقیقی نمایندگان در اداره و هدایت کشور ۱۷۵
الزامات معرفتی و اخلاقی نمایندگان ۱۷۸
الزامات و شاخصه‌های رفتاری نمایندگان ۲۰۳
الزامات و شاخصه‌های نماینده انقلابی ۲۳۸

فصل چهارم

شأن نظارت مجلس شورای اسلامی

نظارت نماینده بر خود (خودمراقبتی، تقوای فردی) ۲۵۵
لزوم تقویت استحکام ارتباط با خداوند جهت انجام وظیفه سنگین خود ۲۵۵
لزوم خودسازی و مراقبت از خود ۲۵۶
توجه به تأثیر کلام و تصمیم خود در فضای عمومی جامعه ۲۶۴
توجه به سنگینی مسئولیت و عدم امکان توبه و جبران پس از پایان آن ۲۶۴
ملاک بودن کسب رضای الهی ۲۷۲

رعایت اخلاص در مجلس ۲۷۶
بیان سرفصل‌های مهم وظایف نمایندگان در سوگندنامه ۲۷۸
حفظ حرّیّت و صراحت نمایندگان با تقوا و صداقت کافی ۲۸۱
لزوم آگاهی از توانایی‌ها و آسیب‌های خودمان ۲۸۲
نظارت نمایندگان بر مجلس (تقوای جمعی) ۲۸۲
نظارت مجلس بر خویشتن؛ راهکار تأمین و تضمین اقتدار مجلس ۲۸۲
لزوم حفظ شأن و جایگاه مجلس توسط خود نمایندگان مجلس ۲۸۳
لزوم حفظ هیبت و اقتدار مجلس توسط نمایندگان ۲۸۴
لزوم رعایت تقوای فردی و جمعی ۲۸۵
تقوای جمعی یعنی خودنظارتی ۲۸۶
نداشتن تقوای جمعی در مجلس؛ عامل سقوط نمایندگان دارای تقوای فردی ۲۹۲
لزوم محاسبه جمعی مجلس شورای اسلامی ۲۹۲
مجلس؛ یک نهاد پرسشگر و در عین حال پاسخگو ۲۹۳
نشانه‌های زنده و سالم نگه‌داشتن مجلس ۲۹۷
نظارت مجلس بر سایر نهادها ۳۰۰
هدف از نظارت مجلس بر سایر نهادها: «ارتقای کارآمدی دولت» ۳۰۰
رعایت انسجام ملی در مسئله نظارت ۳۰۱
چارچوب نظارت مجلس بر دولت؛ دوگانه تقریب یا تخریب ۳۰۲
همکاری با دولت در استفاده از ابزارهای نظارتی مجلس ۳۰۶
لزوم تأکید اساسی به جایگاه دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی ۳۰۸
لزوم احترام به سلایق و فعال‌نکردن گسل‌های جناحی کشور ۳۰۹
پرهیز از ایجاد اختلاف با استفاده نادرست از ابزارهای نظارتی مجلس ۳۱۲
پرهیز از افراط در بکار گیری ابزارهای نظارتی ۳۱۴

فصل پنجم

توصیه‌هایی برای سال آخر دوره مجلس

عدم تفاوت سال آخر با سال‌های دیگر ۳۲۰
سال آخر مجلس؛ سال پاسخگویی مخصوصاً در پیشگاه خداوند ۳۲۱
تعیین اولویت‌ها و اهم‌ها و دنبال‌کردن آن‌ها در سال آخر مجلس ۳۲۲
تکمیل لوایح و طرح‌ها و ناقص نگذاشتن آن‌ها در سال آخر مجلس ۳۲۳
پرهیز از دچار بی‌حوصلگی شدن و تأثیر در برنامه ششم در سال آخر ۳۲۳
پرهیز از تأثیرگذاری عامل انتخابات در تغییر رفتار نمایندگان در سال آخر ۳۲۴
پرهیز از جلب پشتیبانی منطقه‌ای برای رأی آوردن دوره بعد مجلس ۳۲۴
پرهیز از نزدیک‌شدن به صاحبان قدرت و ثروت ۳۲۵
پرهیز از تأثیر وجاهت‌طلبی بر حرف‌ها و شعارها برای رأی آوردن ۳۲۵

فصل ششم

شاخصه و ویژگی‌های ادوار مجلس

مجلس چهارم، امتزاج اخلاق و سیاست ۳۲۹
مجلس کوشا در راستای اهداف نمایندگی و نزدیک‌شدن به جایگاه حقیقی ۳۳۰
مجلس به تمام معنا مردمی ۳۳۱
مجلس ششم؛ تلاشمندی دشوار ۳۳۲
از تحریم انتخابات تا کارهای مغایر اصول نظام ۳۳۲
مجلس هفتم؛ دارای رویکرد ارزشی ۳۳۳
مجلسی هماهنگ با دولت ۳۳۷
مجلس هشتم، مواضع سیاسی درست ۳۳۸
مجلس یازدهم، مجلس انقلابی ۳۳۸
یکی از مجالس قوی و انقلابی دوران انقلاب ۳۳۹
مظهر امید و انتظار مردم ۳۴۰
ساده‌زیستی و تواضع در برابر مردم ۳۴۰
شنیدن حرف مردم و در عین حال ندادن وعده‌های غیرممکن ۳۴۱

شناخت مشکلات کشور و قانون‌گذاری بر اساس آن ۳۴۱
تصویب قانون راهبردی جهش تولید دانش‌بنیان ۳۴۲
تصویب قانون مهم اقدام راهبردی در مسائل هسته‌ای برای خروج از حیرت ۳۴۳
مجلس دوازدهم؛ برجسته، ممتاز و دارای وزن حقیقی ۳۴۳
نتایج و توصیه‌های سیاستی برای نمایندگان مجلس ۳۴۵

پیوست ها ۳۴۹
سیاست‌های کلی ابلاغی قانونگذاری رهبر شهید انقلاب ۳۴۹

بـرای ایفـای نقشـی در تـراز ملّـت مبعوث شـده، مقدمـات و الزامـات گوناگونـی نیز مورد نیـاز اسـت کـه در این مجـال مختصـر، صـرفاً بـرادران و خواهران گرامـی را بـه مطالعه‌ی دقیـق و جـدّی تفاصیـل فرمایشـات قائـد عظیم‌الشـأن شـهید اعلـی الله مقامـه الشریف در دیدارهـای سـالیانه‌ی نماینـدگان مجلـس شورای اسلامی بخصـوص سـال‌های اخیر کـه واجـد ارزش تـجربی و عملیّاتـی مهمی اسـت، توصیـه می‌نمایم.

پیام رهبر انقلاب به مناسبت سالروز افتتاح مجلس شورای اسلامی

و آغاز سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم،

۱۴۰۵/۳/۷

پیشگفتار

بی‌شک قانون و قانون‌گذاری ستون فقرات نظم اجتماعی و حکمرانی مطلوب است؛ زیرا با تعیین حقوق و تکالیف افراد و نهادها، رفتارها را قابل پیش‌بینی می‌کند و از هرج‌ومرج، خودسری و اعمال سلیقه جلوگیری می‌نماید. قانون‌گذاریِ سنجیده به حل مسائل کلان کشور و نیز تعارض‌ها کمک نموده، امنیت و عدالت را تقویت می‌کند و امکان پاسخ‌گویی و نظارت بر قدرت را فراهم می‌سازد. همچنین، قوانین به عنوان چارچوبی مشترک برای فعالیت اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کنند و با ایجاد ثبات و اعتماد عمومی، زمینه توسعه، سرمایه‌گذاری، و مشارکت مدنی را فراهم می‌آورند؛ به شرط آنکه قوانین شفاف، عادلانه، قابل اجرا و متناسب با نیازهای روز جامعه تدوین و به‌درستی اجرا شوند.

در جمهوری اسلامی ایران قانون و قانون‌گذاری از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که نقش محوری در تنظیم روابط اجتماعی، تضمین نظم عمومی، تعیین حدود شرعی، حقوقی و اداره کارآمد کشور از طریق ایجاد چارچوب‌های الزام‌آور، امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری در تصمیم‌گیری‌های فردی و حکمرانی را دارد. اهمیت قانون‌گذاری در ساختار جمهوری اسلامی از آن جهت است که قانون‌گذاری باید در چارچوب قانون اساسی و موازین شرعی صورت گیرد و با تعیین قواعد روشن، از تمرکز و اعمال سلیقه در قدرت جلوگیری کرده و مبنایی برای نظارت، پاسخ‌گویی نهادها و تضمین حقوق مردم را فراهم آورد.

قانون و قانون‌گذاری در اندیشه رهبران ایران اسلامی به‌ویژه رهبر شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است. در نگاه معظم له، قانون و قانون‌گذاری - به‌مثابه ستون فقرات اداره جامعه اسلامی - صرفاً مجموعه‌ای از قواعد خشک اداری نیست، بلکه «نفسِ جاری در کالبد جامعه» و ستونِ استواری است که خیمه‌ی عدالت و امنیت بر آن برافراشته می‌شود. تجلی «عقلانیتِ دینی» در سامان‌دهی زندگی جمعی و ضامنِ عدالت، امنیت و پیشرفت

اسـت. ایشـان قانون را مرزِ پایان‌یافتنِ سـلیقه‌گرایی‌ها و آغـازِ انتظام اجتماعـی می‌دانند؛ مرزی کـه اگـر مخدوش شـود، حتـی نیت‌های خیر نیـز می‌توانـد به بی‌نظمـی، تبعیض و تضییـع حقـوق مـردم بینجامد. از ایـن منظـر، قانون‌گرایی نه یـک توصیه اخلاقـیِ فردی، بلکـه یـک تکلیف عمومی و ملی اسـت: همه، از شـهروند عـادی تا کارگـزار عالی‌رتبه، در برابـر قانـون یکسـان‌اند و هیـچ مصلحتـی نبایـد بهانه‌ای بـرای دورزدن قانـون و تضعیف حاکمیت آن شـود.

در ایـن چارچـوب، قانون‌گـذاری جایگاهـی ممتـاز پیـدا می‌کنـد؛ زیـرا «قانـون خـوب» می‌توانـد مسیـر کـشور را در جهـت عدالـت اجتماعـی، صیانـت از کرامـت انسـانی و تأمیـن منافـع عمومـی تنظیـم کنـد و کارآمـدی نظام دینـی را به نمایـش بگـذارد. از منظر ایشـان قانون‌گـذاری بایـد ناظـر بـه نیازهـای واقعی جامعـه، منبعـث از شریعـت، مبتنی بـر کارشناسـی دقیـق، آینده‌نگـر و هم‌زمـان وفـادار بـه مبانـی اسلامـی و قانـون اساسـی باشـد. هـر قانونی کـه بدون توجه بـه آثار اقتصـادی، اجتماعـی و فرهنگی تصویب شـود، یـا از اسـتحکام فقهـی، حقوقـی و انسـجام درونی بـرخوردار نباشـد، به‌جای حل مسـئله، بـر مسـائل می‌افزایـد و اعتمـاد عمومـی را فرسـوده می‌کنـد؛ بنابرایـن، شـأن قانون‌گذاری تنهـا «تصویب متن» نیسـت؛ بلکه سـاختن یک نظام حقوقی منسـجم اسـت کـه قابلیت اجرا داشـته باشـد، بـا قوانین بالادسـتی تعارض پیـدا نکنـد، و راه سوءاسـتفاده و رانت را مسـدود سازد.

از سـوی دیگر، ایشـان نسـبت به خطـر «قانون‌گریـزی» و «قانـون‌زدایی» هشـدار داده‌اند؛ چـه آنجا کـه اجرای قانـون با فشـار صاحبان قـدرت و ثروت سسـت می‌شـود، و چه آنجا کـه قانون به ابـزاری برای توجیـه منافع گروهـی تبدیل می‌گـردد. در چنین وضعـی، نه‌تنها عدالـت آسیـب می‌بینـد، بلکه سـرمایه اجتماعـی و اعتماد مـردم نیز تضعیف می‌شـود. در مقابـل، تقویـت حاکمیـت قانـون بـه معنـای تقویـت پاسـخگویی، شـفافیت و مبارزه مؤثـر بـا فسـاد اسـت؛ زیـرا فسـاد غالـباً از شـکاف میـان «قانـون نوشته‌شـده» و «قانـون اجراشـده» تغذیـه می‌کنـد. هرچـه ایـن فاصله کمتر شـود، امـکان ویژه‌خـواری و تبعیض

کاهش می‌یابد و مسیر مشارکت سالم مردم در پیشرفت کشور هموارتر می‌شود.

در این منظومه، «مجلس شورای اسلامی» نه یک نهادِ تشریفاتی، که تجلی‌گاهِ اراده‌ی ملی و دیده‌بانِ تیزبینِ حقوقِ مردم است. نمایندگان مجلس، به‌عنوان معمارانِ عمارتِ حقوقی کشور، بارِ سنگینِ امانتی الهی و مردمی را بر دوش دارند. در اندیشه‌ی رهبر شهید انقلاب، نماینده‌ی مجلس، پاسدارِ حریمِ قانون است و این رسالت، دوشادوشِ تقنین، جایگاهی قدسی می‌یابد. نماینده‌ی تراز، کسی است که نه در بندِ حواشیِ سیاسی، بلکه در پیِ گره‌گشایی از کلاف‌های پیچیده‌ی مشکلاتِ معیشتی و فرهنگی مردم است. قانون‌گذاری، تلاشی است بس دشوار که نیازمندِ «عقلانیتِ انقلابی» است؛ ترکیبی از فقاهت، تخصص و شناختِ دقیقِ نبضِ تپنده‌ی جامعه است.

نماینده‌ای که با وسواس و تعهد، به دنبالِ وضعِ قوانینی «کارآمد، متقن و دور از رانت» است، در حقیقت در حالِ جهاد برای پاسداری از حیثیتِ جمهوری اسلامی است. مجلس باید خانه‌ی قانون‌گرایی باشد؛ و نمایندگان، پیش از هر کس، نخستین پایبندان به حریمِ قانون. قانون‌گریزیِ احتمالی در میانِ صاحب‌منصبان و نمایندگان، همچون موریانه‌ای است که پایه‌های اعتمادِ مردم را می‌جود؛ بنابراین، «التزامِ عملیِ وکیل به قانون»، شرطِ اولِ وکالت است.

در نهایت، قانون و قانون‌گذاری در اندیشه قائد شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیوندی عمیق با «مردم‌سالاری دینی» دارد: قانون، میثاقی است میانِ حاکمیت و مردم؛ و مجلس، ضامنِ بقایِ این میثاق است. جامعه‌ای که در آن، قانونِ صریح، قاطع و عدالت‌محور حکم‌فرماست، جامعه‌ای است که در سایه‌ی تدبیر و توکل، از تلاطم‌های تاریخی عبور کرده و به سمتِ آرمان‌های بلندِ انقلاب اسلامی، با گام‌هایی استوار، راه خواهد پیمود. قانون، از سویی حافظ حقوق مردم است و از سوی دیگر مهارکننده قدرت؛ هم ابزار تحقق عدالت و هم زمینه‌ساز ثبات و امنیت است. جامعه‌ای که قانون در آن محترم شمرده شود و قانون‌گذاری در آن متکی بر حکمت،

عدالـت و واقع‌بینـی باشـد، از تصمیم‌هـای مقطعـی و هیجانـی فاصلـه می‌گیـرد و تـوان حرکـت مسـتمر به‌سـوی آرمان‌هـای انـقلاب اسلامی را پیـدا می‌کنـد. ازاین‌رو، پیشـرفت حقیقـی و پایـدار، بـدون قانون‌گـرایی عمومـی و قانون‌گـذاری دقیـق و مسـئولانه ممکـن نیسـت؛ و هر گامی در مسیر اعتلای کشور، ناگزیر باید بر شـانه‌های قانون اسـتوار باشـد.

حـال بـا توجـه بـه توصیـه رهبـر عزیز انـقلاب حضـرت آیـت‌الله سیـد مجتبـی خامنه‌ای (حفظـه الله)، در پیـام بـه اجلاسیـه سـوم مجلـس شورای اسلامی خطـاب بـه نمایندگان مجلـس فرمودنـد: «بـرای ایفـای نقشـی در تـراز ملّـت مبعوث شـده، مقدمـات و الزامات گوناگونـی نیز مورد نیاز اسـت کـه در این مجال مختصـر، صرفاً بـرادران و خواهران گرامی را بـه مطالعـه‌ی دقیـق و جـدّی تفاصیـل فرمایشـات قائـد عظیم‌الشـأن شـهید اعلی الله مقامـه الشریـف در دیدارهـای سـالیانه‌ی نماینـدگان مجلـس شورای اسلامـی بخصوص سـال‌های اخیـر که واجد ارزش تـجربی و عملیّاتی مهمی اسـت، توصیـه می‌نمایم». مرکز تحقیقـات اسلامـی مجلـس پروژه تحقیقاتـی سیاسـت‌های کلان قانون‌گـذاری در پرتـو اندیشـه رهبـر شـهید در سـال ۱۴۰۳ آغـاز کـرد کـه بخشـی از مطالب ناظـر بـه دیدارهای سـالیانه معظّمٌ‌لـه بـا نماینـدگان مجلـس شورای اسلامـی بـود کـه در ایـن چکامـه تقدیم حـضور اندیشـمندان، فرهیختـگان و نخبـگان خواهد شـد.

علی نهاوندی

رئیـس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس

خرداد ۱۴۰۵

مقدمه

قانـون و قانون‌گـذاری در هـر نظام سیاسـی، نقش تعیین‌کننـده‌ای در جهت‌دهـی به حرکت جامعـه، تنظیـم مناسـبات عمومـی، تحقـق عدالـت و پیشـرفت کـشور ایفـا می‌کنـد. در جمـهوری اسلامـی ایـران نیـز مجلـس شورای اسلامی به عنـوان رکن اساسـی مردم‌سـالاری دینـی و نهـاد قانون‌گذاری کشور، مسـئولیتی خطیر در طراحی و تدویـن «نرم‌افزار اداره کشور» بـر عهـده دارد. از همین رو، شـناخت مبانـی، اصول، سیاسـت‌ها و الزامـات قانون‌گذاری از منظـر رهبران انقلاب اسلامی، ضرورتـی اجتناب‌ناپذیر برای نمایندگان مجلس، پژوهشـگران حوزه تقنیـن و تمامـی دسـت‌اندرکاران حکمرانی به شـمار می‌رود.

تدویـن ایـن کتـاب در پاسـخ بـه مطالبـه و توصیـه رهبر معظـم انـقلاب اسلامـی، حضرت آیت‌الله‌العظمـی سیـد مجتبی خامنـه‌ای (حفظـه‌الله)، صورت گرفته اسـت. معظمٌ‌له در پیام خود به مناسـبت آغاز سـومین سـال فعالیـت مجلس دوازدهـم، نماینـدگان مجلس شورای اسلامـی را بـه مطالعه دقیـق و جدی فرمایشـات قائد عظیم‌الشـأن شـهید انـقلاب اسلامی، حضـرت آیت‌الله‌العظمـی سیـد علـی خامنـه‌ای (اعلـی الله مقامـه الشریـف)، در دیدارهای سـالیانه بـا نماینـدگان مجلـس شورای اسلامی، به‌ویـژه در سـال‌های اخیر، توصیـه فرمودند و ایـن بیانـات را واجـد ارزش‌هـای تـجربی، راهبـردی و عملیاتـی مهـم بـرای ایفـای نقـش نمایندگـی در تـراز انـقلاب اسلامی دانسـتند. این کتاب تلاشـی اسـت برای پاسـخ‌گویی به همیـن مطالبه و فراهم‌آوردن دسترسـی نظام‌منـد به منظومه فکری رهبر شـهید انقلاب درباره مجلـس، قانون‌گـذاری و نظارت.

اسـناد و منابـع اصلـی ایـن پژوهـش، تمامـی اجلاسیه‌هـا و دیدارهای سـالیانه رهبر شـهید انـقلاب اسلامـی بـا نماینـدگان مجلـس شورای اسلامـی از سـال ۱۳۶۸ تـا ۱۴۰۴ اسـت. این مجموعـه ارزشـمند کـه دربردارنده بیش از سـه دهه تجربه عملـی حکمرانـی، قانون‌گذاری و

تعامـل با مجالس مختلف جمهوری اسلامی اسـت، یکـی از غنی‌ترین منابع برای شـناخت مبانـی و سیاسـت‌های تقنیـن در نظـام جمـهوری اسلامی به شـمار می‌آید.

روش تحقیـق ایـن اثر، «تحلیـل مضمـون (Thematic Analysis) اسـت.» در ایـن روش، متن تمامـی بیانـات و اجلاسیه‌هـای مورد مطالعـه بـه‌صورت کامـل کدگـذاری و تحلیل شـده و سـپس مضامیـن پایـه، سـازمان‌دهنده و فراگیر اسـتخراج گردیده اسـت.

بـرای ایـن کار، ابتـدا تمامـی اجلاسیه‌هـا و دیدارهای سـالیانه رهبر شـهید انـقلاب اسلامی بـا نماینـدگان مجلـس شورای اسلامـی بـه همـراه پیام‌هـای مکتوب ایشـان در آغـاز و پایان دوره‌هـای مختلف مجلس از سـال ۱۳۶۸ تـا ۱۴۰۴ (در مجموع ۳۸ سـخنرانی و پیام مکتوب) جمـع‌آوری شـد. سـپس متن‌هـا بـه‌صورت دقیـق مطالعـه شـده و تمـام عبـارات مرتبـط کدگـذاری اولیـه شـدند. در ایـن مرحلـه بـه تعـداد ۶۹۶ کـد و مضمـون اولیـه حاصل شـد. سـپس ایـن مضامین با توجـه به اشـتراکات معنـایی و ارتباطـات مفهومی طبقه‌بنـدی و در قالـب مضامین سـازمان‌دهنده بازتعریف شـدند. این فراینـد به درک بهتر سـاختار بیانات و شـناخت نظـام اندیشـه رهبر شـهید کمـک می‌کند.

در گام نهایی، مضامین سـازمان‌دهنده به‌صورت یک شـبکه مفهومی سـازمان‌دهی شدند که در آن ارتباطـات میان مفاهیم مشـخص شـد. از این طریـق، مضامین فراگیـر به‌عنوان نتیجه نهـایی تحلیـل اسـتخراج شـدند و تصویـری یکپارچـه از دیدگاه‌های ایشـان دربـاره جایگاه مجلـس و قانـون و قانون‌گذاری ارائه گردیـد. (مضامین سـازمان‌دهنده و فراگیر در جدول زیر بیان شـده است)

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده
جایگاه مجلس شورای اسلامی	مجلس، قوه‌ی مفکره
	مجلس، در رأس امور
	مجلس، عصاره‌ی فضایل ملّت
	مجلس، مظهر عزت ملی، اقتدار و استحکام نظام
	مجلس، جایگاه سیاسی مهم
	مجلس، از ارکان اصلی مدیریت سیاسی کشور
	خصوصیات لازم کسب جایگاه حقیقی مجلس
مبانی دینی قانون‌گذاری	اسلامی بودن؛ عامل تفاوت مجلس کشور با مجالس کشورهای دیگر
	تعلق ولایت به خداوند در بینش اسلامی
	ولایت الهی بودن نمایندگی و قانون‌گذاری
شأن قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی	فلسفه قانون، وضع قاعده
	اهداف قانون‌گذاری
	ماهیت قانون‌گذاری: ریل‌گذاری و تعیین نقشه راه حرکت
	جهت قانون‌گذاری: استحکام‌بخشی به بخش‌های سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی
	ویژگی‌ها و خصوصیات مجلس
	ویژگی‌ها و خصوصیات قانون خوب
	ویژگی‌ها و خصوصیات نمایندگان مجلس
شأن نظارت مجلس شورای اسلامی	نظارت نماینده بر خود (خودمراقبتی، تقوای فردی)
	نظارت نمایندگان بر مجلس (تقوای جمعی)
	نظارت مجلس بر سایر نهادها
توصیه‌هایی برای سال آخر دوره مجلس	توصیه‌هایی برای سال آخر دوره مجلس

شاخصه و ویژگی‌های ادوار مجلس	مجلس چهارم، امتزاج اخلاق و سیاست
	مجلس پنجم، مایه آرامش مردم
	مجلس ششم؛ تلاشمندی دشوار
	مجلس هفتم؛ دارای رویکرد ارزشی
	مجلس هشتم، مواضع سیاسی درست
	مجلس یازدهم، مجلس انقلابی

حاصل این فرایند، دستیابی به شبکه‌ای منسجم از مضامین و مفاهیم کلیدی در حوزه قانون‌گذاری، نظارت، جایگاه مجلس، ویژگی‌های نمایندگان و الزامات حکمرانی تقنینی است که ساختار محتوایی کتاب حاضر بر اساس آن سامان یافته است. تلاش شده است تا ضمن حفظ امانت در نقل و بازنمایی دیدگاه‌ها، تصویری جامع، نظام‌مند و کاربردی از اندیشه تقنینی رهبر شهید انقلاب اسلامی ارائه شود.

ساختار کتاب در شش فصل تنظیم شده است:

فصل نخست: جایگاه مجلس شورای اسلامی؛ این فصل به تبیین منزلت مجلس در نظام جمهوری اسلامی می‌پردازد و مفاهیمی همچون مجلس به عنوان رکن مدیریت کشور، قوه مفکره نظام، عصاره فضائل ملت، مظهر مردم‌سالاری دینی و جایگاه آن در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. هدف این فصل، ترسیم جایگاه حقیقی مجلس و نقش آن در نظام حکمرانی اسلامی است.

فصل دوم: مبانی دینی قانون‌گذاری؛ در این فصل، مبانی مشروعیت و هویت قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی تبیین شده و نسبت میان حاکمیت الهی، مردم‌سالاری دینی، قانون اساسی و نهاد قانون‌گذاری مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این فصل، روشن ساختن بنیان‌های نظری و دینی تقنین در نظام اسلامی است.

فصل سوم: شأن قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی؛ این فصل گسترده‌ترین بخش کتاب را تشکیل می‌دهد و به فلسفه قانون، اهداف قانون‌گذاری، ویژگی‌های قانون مطلوب،

الزامـات تقنیـن، اولویت‌هـای قانون‌گـذاری، آسیب‌شناسـی فراینـد تقنیـن و شـاخص‌های نماینـده تـراز انـقلاب اسلامی می‌پـردازد. هدف اصلـی این فصـل، ارائه منظومـه‌ای جامع از اصـول و سیاسـت‌های قانون‌گـذاری مطلوب از منظر رهبر شـهید انقلاب اسـت.

فصل چهارم: شـــأن نظارت مجلس شـــورای اسلامی؛ در این فصـل، ابعاد مختلـف نظارت مورد بررسـی قـرار گرفتـه اسـت؛ از خودنظارتـی و تقوای فـردی و جمعـی نماینـدگان گرفته تا نظـارت مجلـس بر سـایر نهادها و دسـتگاه‌های اجـرایی. هدف ایـن فصل، تبیین فلسـفه، حـدود و الزامات نظـارت کارآمد و مسـئولانه در نظام اسلامی اسـت.

فصل پنجـــم: توصیه‌هایـــی برای ســـال پایانی دوره مجلـــس؛ ایـن فصـل مجموعـه‌ای از رهنمودهـای راهبردی رهبر شـهید انقلاب برای نمایندگان در سـال پایانـی دوره نمایندگی را گـردآوری کرده اسـت؛ توصیه‌هایی که می‌توانـد در جمع‌بندی عملکرد، تکمیـل مأموریت‌ها و حفظ سـرمایه اجتماعی مجلس راهگشـا باشـد.

فصل ششـــم: ادوار مجلس شـــورای اسلامی؛ در این فصـل، ارزیابی‌هـا و تحلیل‌هـای رهبر شـهید انـقلاب دربـاره مجالـس مختلف جمـهوری اسلامـی ارائه شـده اسـت. مطالعه این فصـل، تصویـری تاریخـی از نقـاط قـوت، ضعف، فرصت‌هـا و تجربیـات مجالـس گوناگون در اختیـار خواننـدگان قـرار می‌دهد و امـکان بهره‌گیـری از این تجـارب برای آینـده را فراهم می‌سازد.

ایـن کتاب صـرفاً مجموعـه‌ای از گزاره‌هـا و توصیه‌هـای پراکنده نیسـت، بلکه تلاشـی برای بازسـازی یـک منظومه فکری منسـجم درباره مجلـس، قانون‌گـذاری و نظـارت در جمهوری اسلامـی ایران اسـت. از این رو، مطالعـه آن می‌تواند بـرای نمایندگان محتـرم مجلس شورای اسلامـی، مدیـران، سیاسـت‌گذاران، پژوهشـگران و دانشـجویان حوزه‌هـای حقـوق عمومی، علوم سیاسـی و مطالعـات حکمرانی مفید و راهگشـا باشـد.

به‌ویـژه بـه نماینـدگان محتـرم مجلـس شورای اسلامی توصیه می‌شـود ایـن اثر را نـه صرفاً به عنـوان یـک متن تاریخـی یـا مجموعـه‌ای از بیانـات، بلکـه به‌مثابـه راهنمایی عملـی برای

ایفـای مسـئولیت نمایندگـی در تـراز انقلاب اسلامـی مورد مطالعه قـرار دهنـد. محتوای این کتـاب حاصل بیش از سـه دهه تجربه، هدایت و رصد مسـتمر عملکـرد مجالس مختلف از سـوی رهبر شـهید انقلاب اسلامی اسـت و می‌تواند در شـناخت رسـالت نمایندگی، ارتقای کیفیـت قانون‌گـذاری، تقویت نظـارت و افزایش کارآمدی مجلس نقش مؤثـری ایفا کند. امید اسـت ایـن اثر بتوانـد گامی هرچنـد کوچک در جهـت تحقق این هدف و پاسـخ بـه مطالبه رهبر معظـم انقلاب اسلامی باشـد.

و الحمدلله رب‌العالمین

کلیات

ما قبل از انقلاب در این کشور چیزی به نام مجلس شورا را تجربه کرده بودیم. هرکس که آن مجلس و آن اوضاع و آن تاریخ را دیده یا لمس کرده یا در آثار خوانده است، قدر این مجلس و این انقلاب را می‌داند؛ قدر آن مجاهدت‌هایی را می‌داند که باعث شد در طول بیست و یک سال، یک روز مجلس شورای اسلامی تعطیل نشود. البته آن مجلس هم فرآورده اسلام بود. اگر مبارزات اسلامیِ مؤمنینِ به اسلام و علمای بزرگ نمی‌بود، آن مجلس هم شروع نمی‌شد؛ منتها آن مجلس منحرف شد. دو آفت بر آن مجلس مسلط شد: یکی تعطیل و توقّف، یکی انحراف. انحراف مجلس هم این بود که نمایندگان به وظیفه نمایندگی خود عمل نکردند. بعد از مجلس سوم و چهارم به این‌طرف، چهار، پنج دوره مجلسِ دوساله تشکیل شد که تقریباً بر اساس انتخاب مردم بود؛ اما بعد دیگر انتخاب و گزینشی نبود و مردم حضور نداشتند! هیچ‌کس به‌قدر کسانی که آن وضعیت را دیدند یا لمس کردند یا شنیدند و فهمیدند، قدر این مجلس شورای اسلامی و این محیط قانون‌گذاری آزاد و این گزینش مردمیِ حقیقی را نمی‌داند. خدا را شکر بگزارید که شما را جزو کسانی قرار داد که بتوانید در چنین جایگاه مهم و رفیعی حضور پیدا کنید؛ برای او فکر کنید و تصمیم بگیرید و برای انجام وظیفه، کار و تلاش و مجاهدت کنید. این کشور به تلاش و مجاهدت، بسیار احتیاج دارد[۱].

در یک‌صد سال اخیر، همواره تشکیل مجلسی که با مشارکت مردم پدید آید و قانونمندشدن مدیریت‌ها و نظارت‌پذیری مدیران و تحقق‌بخشیدن به هدف‌ها و ضوابط مبارک اسلام را در قالب قوانین رسا و شفاف تضمین کند در صدر خواسته‌های ملت ایران و رهبران دینی و ملی در مبارزات پرهزینه‌ی آنان قرار داشته است و برای تحقق مجلسی که عقل اجتماعی و روح مشورت را در راه پیشرفت کشور و سامان‌بخشیدن به مصالح ملت و تعالی اسلامی به کار گیرد، جان‌های پاک بسیاری فدا شده و خون‌های شریفی بر زمین ریخته است. امروز ما مدیون همه‌ی آن انسان‌های بزرگ از شیخ فضل‌الله و بهبهانی و

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

مدرس تا شـهدای انقلاب در سی‌سـال اخیر و شـهیدان مجلس شورای اسلامـی می‌باشیم[۱].

در ایـن کـشور، ده‌هـا سـال نـام مشروطیـت وجـود داشـت؛ امـا در دوران سـلطنت خاندانِ منحـوسِ زیان‌بـار خفّـت‌آورِ پهلـوی بر ایـران، مجلـس در حقیقـت کأن لم‌یکن بـود؛ جز در همـان برهـه کوتاهـی کـه مرحـوم آیـت‌الله کاشـانی و نهضـت ملی حرکتـی کردنـد و مجلس جانـی گرفـت و الّا بقیـه آن پنجـاه سـال، هر چـه بود، اسـم بـود بی‌مسـمّا؛ ظاهر بـود بی‌لُبّ و بی‌معنـا. ایـن، از آن دوران پنجاه‌سـاله قریب به بیسـت سـال قبل از دوران پنجاه‌سـاله هم در ایـن کـشور، مشروطیـت بود کـه مجموعاً، بـا تعطیل‌هـا و انسـدادها و به توپ بسـتن‌ها و غیـره، تقریـباً در حدود چهـار دوره، مجلسِ شورای ملّی درسـت شـده در اوّلِ مشروطیت کار کـرد. تاریـخِ آن مجالـس، بسیـار عبـرت‌آور اسـت و واقعاً یکایـک ملت ایـران، بـرای این‌که بداننـد جمـهوری اسلامی و انـقلاب اسلامی بـه این کشور و ایـن ملت چه داده اسـت، باید آن گذشـته را بخواننـد. تـا ندانیـم چگونه بوده‌ایـم، نخواهیم دانسـت که امروز چـه در اختیار داریـم. در آن چنـد سـال اولیـه، تا وقتـی که هـنوز مجلس، آن مجلـسِ تحت نفوذ سـلطان و سـردار و دولـت و سـلطنت و سـفارتخانه خارجـی نبـود، مجلسـی بود کـه با وجـود ابتدایی بـودن، تأثیـر خـود را در اوضـاع کـشور می‌گذاشـت. هر جـا که اندکی نشـانه سـلطه خارجی بـود، آن مجلـس، باقدرت تمـام می‌ایسـتاد. اولتیماتوم روس بود، مجلس ایسـتاد. اسـتقراض از خارجی‌هـا بود، مجلس ایسـتاد. قـرارداد وثوق‌الدوله بود، مجلس ایسـتاد. امثـال مدرّس‌ها در آن مجلـس، کم‌وبیـش بودند. آن‌هایی هم که گذشـتِ زمان نشـان داد نمی‌توانند همیشـه مـدرّس باقـی بماننـد و مثل مدرّس باشـند در سـایه حضور مردانِ مسـتقلِ با ایمانـی از قبیل مـدرّس، خیابانـی و امثـال آن‌هـا، یک حالـت واقعی مردمـی به آن مجلـس دادند.

ایـن، از آن دو دوره اوّلیـه کـه وضعیتش این‌گونه بـود. بعد از آنکه نفوذ سیاسـت‌های خارجی در همـان مجلـس، با همان اشـخاصْ پیدا شـد، کار بـه آنجا رسید کـه نخسـت‌وزیر بعد از کودتـا - حسـن مشیرالدولـه پیرنیا - وقتـی کابینه خـودش را در مجلس شورای ملـی ارائه کرد و مجلـس یکـی دو نفـر از وزرایـش را رد نمـود، بـه مجلـس گفت: همسـایه جنوبی مـا یعنی

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.

انگلیس مایل‌اند این دو نفر در کابینه باشند و مجلس رأی داد. به‌صرف تمایل همسایه جنوبی دروغی، دو وزیرِ ابتدا رد شده، رأی مجلس را به دست آوردند و اما از آنجا که انگلیس، غاصبِ هند و بحرین بود و در خلیج فارس حضور داشت، آن را همسایه جنوبی می‌نامیدند و حتّی تا زمان پهلوی‌ها هم، انگلیس همسایه جنوبی نامیده می‌شد! آن کشور که در اروپا واقع بود و هزاران کیلومتر با ایران فاصله داشت، اسمش همسایه بود! چون این همسایه ناخوانده دروغین، تمایل داشت که دو نفرِ مورد نظرش در کابینه مذکور باشند، نه مشیرالدوله خجالت می‌کشید به مجلس بگوید که همسایه جنوبی، مایل است این دو نفر باشند و نه مجلس خجالت کشید از این‌که به خاطر میل همسایه جنوبی، حضور دو وزیری را که نمی‌خواست، قبول کند. همان مجلسی که قبلاً در مقابل اولتیماتوم روس و قرارداد وثوق‌الدوله و بقیه قضایا ایستادگی کرده بود، کارش به اینجا رسید.

بنده، مواردی را که مجلس اوّل و دوم ایستادگی کرد، یادداشت کرده‌ام که احتمالاً به ده یا نزدیک به ده مورد می‌رسد. آن مجلس، مجلسی بود که محکم ایستاده بود؛ ملت را به نشاط آورده بود و دولت‌ها را نیز تقویت کرده بود. اگر چه دولت‌های آن روز، ذاتاً دولت‌های ناتوان و مریضی بودند و بسیاری از آن‌ها ساختمانِ ذهنی‌شان، اساساً ساختمانِ باج دادن به گردن‌کلفت‌های غربی بود؛ اما بالاخره، این مجلس، همان‌ها را تا آنجا که ممکن بود، حفظ می‌کرد. این مجلسی که به خاطر همان دوره‌های اوّلیه در تاریخ سرافراز ماند، به‌تدریج کارش به آنجا رسید که بعضی از نمایندگانش، جرئت مخالفت نداشتند! بعضی در جلساتِ به خیال خودشان مسئله‌دار، حضور پیدا نکردند. مگر وقتی شما حضور پیدا نکردید، مسئولیتتان از بین می‌رود؟ شما نماینده‌اید و باید احساس مسئولیت داشته باشید. بعضی از آن‌ها افتخار می‌کردند که در آن جلسه‌ای که سلطنت ایران به خاندان فاسد و ننگین پهلوی داده شد، حضور نداشتند! در حالی که بایستی می‌بودند و مخالفت می‌کردند. بعضی وابسته و فاقد استقلال بودند. شجاعت هم داشتند؛ اما آن شجاعت را در جهت باطل و خلاف حق به کار می‌گرفتند. جیب‌ها و شکم‌هایشان از مال حرام، پر بود. طمعِ رشوه، طمعِ رسیدن به مقامات، طمعِ کمکِ فلان‌کسی که ممکن

است قدرت را در دست بگیرد یا امروز بر سر قدرت است، چنان آن‌ها را گیج می‌کرد که نمی‌فهمیدند مسئولیت چیست. احساس مسئولیت نبود، استقلال نبود، شجاعت نبود، آگاهی و معرفت و فرزانگی نبود و کار به آنجا رسید و الّا اگر مشروطیت در آغاز کار، منطبق با خواسته رهبران واقعی و مخلص و مؤمن آن نهضت - که بلاشک برترین آن‌ها علمای بزرگ بودند - و هرکس منکرِ این حقیقت شود، منکرِ ضروریات و واضحات شده است. چنان که عده‌ای منکر می‌شوند و امروز برای گذشته ما تاریخ می‌نویسند و حقایق را انکار می‌کنند - به پیش می‌رفت، کشور ما پنجاه سال در حسّاس‌ترین مقاطع تاریخ جهان، از قافله عقب نمی‌ماند. ما پنجاه سال ضرر کردیم. ما ملت ایران، به خاطر تسلّطِ آن قلدر بی‌سواد و خاندان و فرزندان و کسان و همراهانش؛ یعنی تسلّط قدرت‌های مسلّط بر این کشور - که در نیم‌قرن آخرِ قبل از پیروزی انقلاب، انگلیسی‌ها و بعد هم امریکایی‌ها بودند - و نیز به خاطر کوتاهی مجلس، ضرر کردیم و دچار خسران شدیم. مجلس می‌توانست از اوّل جلو این ضرر را بگیرد. شما به تاریخ دوران مشروطیت که نگاه کنید، می‌بینید هر جا مجلس از خود قدرتی نشان داد در مقابل آن قدرت، همه مجبور شدند راه و روش خود را اصلاح کنند؛ لذا، دشمن در مجلسِ آن وقت نفوذ کرد. ﴿تِلْکَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا کَسَبَتْ وَلَکُمْ مَا کَسَبْتُمْ﴾[1] این‌ها عبرت است[2].

شما این مجلس را، با این وجدان بیدار، تلاش خوب، فعالیّت به‌موقع و نگرش به مسائل معنوی، با مجالس فرمایشی گذشته این کشور در دوران طواغیت - که واقعاً نمی‌شود اسم مجلس بر آن‌ها گذاشت - مقایسه کنید. واقعاً حیف است که انسان اسم مجلس را ملوّث کند به این‌که آن‌ها را هم مجلس بنامد؛ مگر آن دوره‌های اوّل والّا اسم مجلس شورا، برای آنچه که در دوران رژیم پهلوی - بعد از دوره چهارمِ مجلس شورای ملّی سابق - گذشت، بسیار نامناسب است. مجلس ما را با مجالس دنیا مقایسه کنید. انصافاً حالا تا آن حدّی که ما می‌شناسیم. اگر گوشه‌وکنار، مجلسی هست که ما خبر نداریم، آن بحث دیگری است مثل این مجلس، از لحاظ توجّه، دقّت، اهتمام، وجدان بیدار، تلاش بجا

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۱.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۳/۰۳/۱۱.

و نگـرش بـه مسـائل معنوی، بنده سـراغ نـدارم. بحمـدالله مجلس مـا، با ایـن خصوصیّات، اوّلیـن مجلس دنیاسـت[۱]. مجلس، بحمـدالله مجلسِ خوبی اسـت. در طـول زندگی تاریخی ایـن ملـت، مـردم ما مجلـس حقیقـی را بعد از انـقلاب تجربـه کردند. قبـل از انـقلاب - جز دو سـه دوره - مجلـس مردمـی در ایـن کـشور وجـود نداشـت. یکـی دو دوره در اوایـل، بعد هـم یـک دوره در وسـط، مجلـس مردمـی و ملـی بـود. در همـان مجالـس ملی هم کـه مردم انتخـاب می‌کردنـد، به سـراغ فلان معلّم یـا فلان کارگر یا فلان روحانی که در شـهری مشـغول خدمتگـزاری اسـت - نه روحانیون خیلـی نام و نشـان‌دار - نمی‌رفتند؛ بلکه سـراغ خوانین و اشـراف‌زاده‌ها و شـاهزاده‌ها می‌رفتنـد. بـه خاطر تربیت‌هـای غلطی که وجود داشـت، حتّی مـردم هم آن‌هـا را انتخـاب می‌کردند[۲].

هیچ‌کـس در ایـن مجلس وجود نـدارد که نخواهد این مملکت به شـکل صحیـح و اسلامی و همـراه بـا اسـتقلال، نوسـازی شـود. هیچ‌کـس وجـود نـدارد کـه نخواهد فقـر از بیـن مردم ریشـه‌کن شـود. هیچ‌کس وجـود ندارد کـه نخواهد برای مـردم رفاه بـه وجود آیـد. در مجالسِ دوران قبـل از انـقلاب، کسـانی بودنـد کـه می‌گفتند جیـب ما پُر شـود، ملک ما حفظ شـود، سـود مـا تأمین گردد؛ مردم هـم بروند هر کار می‌خواهنـد بکنند! اگر ایـران را آب فرامی‌گرفت، خانه‌هـا خـراب می‌شـد و هـزاران نفر از گرسـنگی می‌مردنـد، برایشـان مهمّ نبـود. در مجلسِ اسلامی بعـد از انـقلاب، چنین چیزی متصوّر نیسـت[۳].

جمهوری اسلامی راهی نو در برابر تمدن مادی

ایـن قانونی که شـما داریـد تنظیم می‌کنیـد، در واقع نرم‌افـزار حرکت عظیم این کشور اسـت؛ یـک کـشور، یـک ملـت، هفتـاد میلیـون جمعیـت کـه فی‌نفسـه یـک چیـز بسیـار خطیر و بسیـار عظیمـی اسـت؛ در هر کجـای دنیا که باشـد، با هر جور مردمی که باشـد، مسـئولیت سـنگینی اسـت، لیکـن در شـرایط ما، مسـئله از این‌ها بالاتر اسـت؛ مسـئله، این اسـت که

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

همیـن کـشور شـما، این انقلاب شـما، این نظام جمهوری شـما، راه نـوی را در برابر پای بشـرِ امروز گشـوده اسـت. این‌هـا تعـارف نیسـت، این‌هـا عمـق و متن تفکری اسـت کـه انقلاب اسلامـی و جمهوری اسلامی بر اسـاس او تشـکیل شـده.

دنیـای امروز - نـگاه کنیـد بـه اطراف دنیـا، نـگاه کنید بـه نظام‌هـای اقتصادی - بـر پایه‌ی نجـات انسـان تشـکیل نشـده. ایـن چیزی نیسـت کـه امروز احتیـاج بـه برهان و اسـتدلال داشـته باشـد. به قله‌هـای رفیع تمدن امروز یـا دمکراسـی‌های رایج و نامـدار امروز نگاه کنید و ببینیـد دعواهـا در آنجـا بر سـر چیسـت. نظام‌هـا بر مـحور و بـر روی کاکل چه کسـانی و چـه چیزهـایی دارند حرکـت می‌کنند و می‌چرخند؛ چقدر برای انسـان، برای کرامت انسـان، بـرای انسـان بما هـو انسـان ارزش قائل‌انـد و دل می‌سوزانند؛ چقدر برایشـان حقـوق ملت‌ها ارزش دارد و می‌تـوان از حـدود حقـوق خـود در تجـاوز بـه حقـوق دیگـران کاسـت و مانع از تجـاوز بـه حقوق دیگران شـد. ببینید در دنیـا این حرف‌ها چقـدر محور تحـرک و فعالیت و فکـر انسان‌هاسـت. خبـری از این چیزها نیسـت.

امـام یک‌وقتـی فرمودنـد: بعضـی منتظرند کـه دنیا پـر از ظلم و جور بشـود، تـا امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بیایـد. بعـد ایشـان فرمودنـد: دنیا امروز پـر از ظلم و جور اسـت، مگـر نمی‌بینیـد در دنیا چه می‌گـذرد؟ مگـر نمی‌بینیـد با ملت‌هـا چه می‌شـود؟ مگر نمی‌بینیـد با انسـانیت چه جوری دارد رفتـار می‌شـود؟ مگر نمی‌بینیـد عدالت چگونه به‌کلـی در انزوا اسـت؟ نمونه‌های فراوانِ هرروزه‌ی همیشـگی همه‌جایی این ظلم و جور را انسـان دارد در دنیا مشـاهده می‌کند. نظام جمـهوری اسلامی فریاد رسـا و بلنـد و متکی به تفکری اسـت که در قبال ایـن حرکت عظیم و وحشیانـه و کورانه بلند شـده؛ یک چنین مسـئله‌ای اسـت[1].

مردم‌سالاری دینی حرفی نو در مقابل نظام سلطه جهانی

در میانـه‌ی امـواج طوفانیِ دنیایی کـه در آن، افزون‌طلبان سـلطه‌گر با سیطـره‌ی متعرضانه‌ی خـود اسـتقلال و هویـت ملت‌هـا را نشـانه گرفته و تـا توانسـته‌اند عرصـه را بر عزم ملـی آنان

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

تنگ‌تر کرده‌اند، ملت ایران با اراده‌ای راسخ بر ترفندهای پیچیده دشمنان فائق آمده و در راه عزت و آزادگی به رهنمائی اسلام و قرآن، گردنه‌های دشوار را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد. مجلس مؤمن و مستقل و شجاع و مدبّر، نماد پایداری و ثبات الگویی از مردم‌سالاری است که انقلاب اسلامی در برابر چشم جهانیان قرار داد و ملت بزرگ ایران با اتکال به خدا و با عزم راسخ خود آن را ماندگار کرد[۱].

گشایش نهمین دوره‌ی قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی - به خواست خداوند حکیم و قدیر - پیام پرقدرتی است که ملت ایران، جهان معاصر را با آن مخاطب می‌سازد و حقایق ماندگاری را در حافظه‌ی افکار عمومی ملت‌ها ثبت می‌کند. پیروزیِ عزم ملّی بر حجم انبوه دشمنی‌ها، ساختِ استوار و مستحکمِ نظامِ برخاسته از انقلاب اسلامی، نقش یگانه و بی‌بدیل ایمان و بصیرت در شکل‌دهی به مسیر زندگی و سرنوشت یک ملّت و آن‌گاه، تصویر راستین از ملّتی که برای نخستین‌بار مردم‌سالاری اسلامی را نه با زبان، که با مجاهدت دشوار خود به میدان آورده و دعویِ انزوای دین از زندگی اجتماعی را باطل ساخته، از جمله‌ی این حقایق اثرگذار و ماندگار است[۲].

شما در یک نظامی رکن اساسی واقع شدید - مجلس شورای اسلامی یک رکن اساسی است - که این نظام در وسط دنیای آشفته‌ی مادی سر برآورده و دارد ندای معنویت می‌دهد؛ مسیر حرکت دنیای مادی را تخطئه می‌کند. خب، طبیعی است که با دشمنی‌ها مواجه می‌شود. اینکه بعضی هی اشکال می‌کنند - گوشه‌کنایه، صریح - که آقا دنیا را با خودتان مقابل نکنید، به نظر من حرفی از سرِ نیندیشیدن است. شما وقتی که داعیه‌ی حکومت معنوی و دینی دارید، وقتی می‌گوئید مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی، این خودش اولِ دعواست[۳].

شماها خب نماینده‌ی مجلسید، اطّلاعاتتان خیلی زیاد است؛ می‌دانید که تعداد

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴

پایگاه‌های اطّلاعاتی و اینترنتی و تلویزیونی و ماهواره‌ای و مانند این‌ها علیه جمهوری اسلامی چقدر است و چقدر پول در شبانه‌روز دارد مصرف می‌شود و چقدر انسان، چقدر مغز در به قول خودشان اتاق فکرها می‌نشینند برای جمهوری اسلامی فکر می‌کنند؛ این‌جور است. البتّه جمهوری اسلامی هم سینه سپر کرده، سرش را بالا گرفته، قدم‌های بلندی دارد برمی‌دارد و دارد پیش می‌رود؛ آن‌ها موفّق هم نشدند. خب، پس بنابراین مدیریّت کشور مدیریّت آسانی نیست؛ شما در یک چنین مدیریّتی دخیل هستید؛ من این را می‌خواهم بگویم؛ این موجب می‌شود که همه‌ی اجزای این مدیریّت مراقبتشان را مضاعف کنند. شما مدیرید، باید بدانید چه‌کار دارید می‌کنید؛ دولت هم همین‌جور، قوّه‌ی قضائیّه هم همین‌جور، دستگاه‌های گوناگون دیگر هم همین‌جور؛ هر کسی که نقشی در این مدیریّت دارد باید بداند که چه کار بزرگ و مهمّی را دارد انجام می‌دهد[1].

مطرح‌کردن فکر و راه نو در مقابل بشر

این که گاهی از بعضی زبان‌ها شنیده می‌شود - که درست است - که ما با نظام مسلطِ بر دنیا چالش داریم و مسئله داریم، یک واقعیت است. طبیعت اسلام این است؛ «فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی» این معنای اسلام است. یعنی ایمان بالله به‌تنهایی کافی نیست؛ کفر به طاغوت، مقدمه‌ی صحت و صداقت و قبولی ایمان بالله است. کفر به طاغوت یعنی چه؟ یعنی همین نظام‌های سلطه‌ی موجود در دنیا. این معنایش این نیست که جمهوری اسلامی ایران حالا تفنگ دست گرفته است که راه بیفتد این‌طرف و آن طرف، با نظام‌های دنیا بجنگد؛ نه، این که خیلی ساده‌لوحانه است. بحث بر سر مطرح‌شدن یک فکر نو، یک راه نو در مقابل بشر است؛ مثل دعوت انبیاء، دعوت انبیاء همین‌جور است؛ ﴿الّذین یبلّغون رسالات الله﴾[2]. [3]

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴

۲. سوره احزاب، آیه ۳۹.

۳. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱

جمهوری اسلامی بهترین راه برای تبلیغ راه و فکر نو اسلامی

اصل قضیه در دعوت انبیاء، تبلیغ است؛ برسانند. این رساندن، راه‌های مختلفی دارد، یکی از بهترین راه‌هایش این است که یک مجموعه‌ی مبتنی بر این تفکر به وجود بیاید و بتواند نشانه‌های بارز این تفکر را در خودش جمع کند و آن را در مقابل جهانیان بر سر دست بلند کند. این کاری که جمهوری اسلامی در صدد است بکند، این است.

یک نظام اسلامی عادلانه‌ی مبتنی بر تفکرات اسلامی به وجود بیاوریم، این را بلند کنیم سرِ دست بگیریم به دنیا نشان بدهیم هیچ لزومی ندارد که لشگرکشی به جایی انجام بگیرد یا نسبت به نظام‌های گوناگون با تحرک نظامی به شکل‌های مختلف برخورد شود؛ مطلقاً لازم نیست همین کافی است که این را نشان بدهیم و شما ببینید آن روزی که امام این فریاد رسا را بلند کرد، چنان این فریاد در اعماق دل ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان در موارد زیادی، نفوذ کرد و طرف‌دار پیدا کرد که هیچ تبلیغی از طرف ما نمی‌توانست - تبلیغات کتابی و نوشته‌ای و سخنرانی - این‌جور این پیام را به دنیا برساند؛ به دل‌ها منتقل کند. طبیعت این فریاد، طبیعت این بیان و این عرضه این است که دل‌ها را جذب می‌کند. ما این را می‌خواهیم آن وقت در این کار بزرگ، یعنی تشکیل چنین نظامی با این خصوصیات، قوای مختلف سهیم‌اند؛ قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه، قوه‌ی قضائیه و قوه‌ی مقننه - همان‌طور که عرض کردیم - تهیه‌کنندهٔ نرم‌افزار این حرکت عظیم است. ببینید چقدر مسئله مهم است[1].

قوه‌ی مقننه تهیه‌کنندهٔ نرم‌افزار حرکت، راه و فکر نو اسلامی

آغاز این مجلس با ورود در دهه‌ی چهارم انقلاب هم‌زمان شده است. در این دهه، گفتمان اصلیِ انقلاب، پیشرفت و عدالت است؛ پیشرفت در همه‌ی ابعاد علمی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی و عدالت همه‌جانبه در توزیع فرصت‌ها و امکانات مادی و معنوی. عنصر پیشرفت، باید نگاه ما را به استعدادهای بی‌شمار پراکنده در میان ملت، معطوف

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

سازد و ظرفیت‌های تولید و خلاقیت و درخشش توانائی‌های گوناگون در همه‌ی زمینه‌ها را در نگاه ما برجسته کند و عنصر عدالت باید نابرخورداران از فرصت‌ها و توانائی‌های کشور را، از این مواهب الهی و عمومی برخوردار سازد. مجلس که پدیدآورنده‌ی نرم‌افزار اصلی حرکت کشور است باید لحظه‌ای از این تکلیف غفلت نورزد[۱].

راجع به مجلس، آن چیزی که تکیه‌ی اصلی من روی آن است، این است که این مسئولیت را قدرشناسی کنید؛ یعنی تقویم و برآورد درستی از این مسئولیت داشته باشید. البته شما آقایان و خانم‌ها این برآورد را دارید؛ ما تذکراً عرض می‌کنیم مسئولیت شما خیلی سنگین است شما می‌خواهید قانون به وجود بیاورید. قانون، نرم‌افزار اداره‌ی کشور است؛ دستگاه‌های اجرایی در حکم سخت‌افزارها هستند. اگر شما بتوانید این نرم‌افزار را هوشمندانه، صحیح، جامع، مؤثر در ابعاد گوناگون زندگی و پُرکننده‌ی خلأها فراهم کنید، سخت‌افزارها کار خودشان را درست انجام خواهند داد. البته سخت‌افزار هم گاهی اوقات تعمیر می‌خواهد، گاهی اوقات روغن‌کاری می‌خواهد، گاهی اوقات دورانداختن می‌خواهد؛ لیکن یک سخت‌افزارِ خوب هم با یک نرم‌افزارِ ناقص و غلط هیچ محصولی نخواهد داشت. شما در واقع در اینجا دارید نرم‌افزار مدیریت کشور یا بخش عمده‌ای از آن را فراهم می‌کنید. البته وظیفه‌ی نظارت و دیگر وظایف مجلس شورای اسلامی هم در جای خود محفوظ است[۲].

و شما ببینید آن روزی که امام این فریاد رسا را بلند کرد، چنان این فریاد در اعماق دل ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان در موارد زیادی، نفوذ کرد و طرف‌دار پیدا کرد که هیچ تبلیغی از طرف ما نمی‌توانست - تبلیغات کتابی و نوشته‌ای و سخنرانی - این‌جور این پیام را به دنیا برساند؛ به دل‌ها منتقل کند. طبیعت این فریاد، طبیعت این بیان و این عرضه این است که دل‌ها را جذب می‌کند ما این را می‌خواهیم. آن وقت در این کار بزرگ، یعنی تشکیل چنین نظامی با این خصوصیات، قوای مختلف سهیم‌اند؛ قوه‌ی مجریه،

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

قـوه‌ی مقننـه، قـوه‌ی قضائیـه و قـوه‌ی مقننـه - همان‌طور کـه عـرض کردیـم - تهیه‌کننده‌ی نرم‌افـزار این حرکت عظیم اسـت. ببینید چقدر مسـئله مهم اسـت. قضیه این نیسـت که ما حـالا توی فلان شـهر با یک نفر دیگـری مثل خودمان معارضـه‌ای انجام دادیـم و ما تبلیغاتی کردیـم و او تبلیغاتـی کـرد و مـا بالاخره بـر او غلبـه کردیم، آمدیم تـوی این مجلـس، توی این محوطـه، روی ایـن صندلی. قضیه این‌ها نیسـت، مسـئله خیلی بالاتر از این‌هاسـت[۱].

مسئولیت نمایندگی جهت تحقق راه و فکر نو اسلامی

قضیـه ایـن نیسـت که ما حـالا توی فلان شـهر با یک نفـر دیگری مثـل خودمـان معارضه‌ای انجـام دادیـم و مـا تبلیغاتـی کردیـم و او تبلیغاتی کـرد و ما بالاخره بـر او غلبه کردیـم، آمدیم تـوی این مجلس، تـوی این محوطـه، روی این صندلی. قضیه این‌ها نیسـت، مسـئله خیلی بالاتـر از این‌هاسـت. انسـانی که وارد این عرصه می‌شـود، مسـئولیتی را قبـول می‌کند که این مسـئولیت یک مسـئولیت خـدایی و یک مسـئولیت عمیق اسـت. به معنـای حقیقی کلمه مسـئولیت اسـت؛ یعنـی «لتسـئلنّ یومئـذ عن النّعیم»؛ از شـما سـؤال می‌شـود. مسـئولیت دارید[۲].

اگـر در ایـن کشور، یـک عارضه اقتصادی یـا فرهنگی یا سیاسـی وجود دارد که بـرای ملت یا بـرای اسلام مضـرّ اسـت و یـا این که بـرای ملت، معـوّق رسیدن بـه راه‌های اهـداف هدایت و اهـداف نهـایی و آرمان‌هاسـت، حـلّ این مشـکل به شـما نگاه می‌کند. شـما هسـتید که موظّفیـد. اگـر شـما قانـون تصویـب نکنیـد، دولـت می‌تواند دسـت روی دسـت بگـذارد و بنشینـد و بگوید مـن کاری ندارم بکنم. البتـه دولت چنین کاری نخواهـد کرد. دولت کمک و پشـتیبان و راه‌اندازنده مجلس اسـت و در واقع با لوایح و پیشـنهادها و با کارشناسـی خود، مجلس را یـاری می‌دهد[۳].

اگـر رئیس‌جمهورمـان آدم کارآمد و پُرکاری نبود؛ انسـان دارای احسـاس مسـئولیتی نبود؛ اگر

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

بینـش دینی نداشـت و اگر در راه خـدا مجاهدت نکرده بود، مجلس هر چـه هم قانونِ خوب تصویب می‌کرد، چه فایده داشـت؟ وقتی مجری وجود نداشـته باشـد، قانـون فایده‌ای ندارد. پـس، وجود مجـری خوب، مثل وجود دسـت‌های کارآمد و بازوان تواناسـت. شـما بایـد راه را نشـان دهید و خـط را ترسیـم کنید. مجلـس شورای اسلامی، این‌گونه اسـت؛ لـذا همان‌طور هـم کـه در پیام اخیـر، خدمت آقایـان و خانم‌ها عـرض کردیـم، ارزش یک دقیقه وقت شـما خیلـی زیاد اسـت. نبایسـتی یک دقیقه وقتِ مـقرّر و موظّف مجلس - چـه در کمیسیون‌ها و چـه در داخل صحـن مجلس - تلف و ضایع شـود. باید فعّال حرکت کنید. واقعاً مسـئولیت سنگینی است[1].

اوّل انـقلاب، آن وقتـی کـه صحبت انتخـاب رئیس‌جمـهور بود و مـدام نامزدهـای مختلف مطـرح می‌شـدند، بنـده و یـک نفـر دیگـر از دوسـتانمان، از تهران رفتیـم قم خدمـت امام - آن‌وقت ایشـان قم بودند - در یک‌وقت تنگِ سـختی هم بود، ایشـان هم داخل بودند، بالاخره هـر جور بـود گفتیـم بایـد ببینیم امـام را، چون امام فرمـوده بودند کـه معمّمین مطرح نشـوند، نامـزد نشـوند بـرای ریاسـت‌جمهوری؛ مـا رفتـه بودیم با امـام بحث کنیـم، محاجّـه کنیم که بگوییـم نـه این منع را شـما بردارید تا آقای بهشـتی را ما مطـرح کنیم؛ به نظر مـا بهتر از همه، شـهید بهشـتی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه بود؛ رفته بودیم با ایشـان بحث کنیم سـر این قضیّـه. یک‌قدری گفتیـم و شـنفتیم و ایشـان یـک چیزهـایی گفت، مـا یک چیزهـایی گفتیـم؛ بعد ایشـان به مـا گفتند شـما برویـد مجلـس را نگه‌داریـد؛ بروید دنبـال مجلـس؛ آن‌وقت هـنوز انتخابات مجلـس برگزار نشـده بـود؛ گفتند بروید سـراغ مجلس، مجلس مهم اسـت. توصیه‌شـان به ما - بـه من و آن دوسـتمان - ایـن بود؛ یعنی روی مسـئله‌ی دولت اصرار نکنیـد؛ مجلس از نظر ایشـان مهم‌تر از دولـت و قـوّه‌ی مجریّه بود[2].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.

فصل اول
جایگاه مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی یکی از ارکان اصلی مدیریّت کشور است؛ یکی از ارکان اصلی مدیریّت کشور مجلس شورای اسلامی است؛ بین چند رکن اساسی و اصلی در اداره‌ی کشور، یکی از این ارکان مهم، مجلس شورای اسلامی است. شما اگر حتّی از یک شهر دوردست و کم‌جمعیّت نماینده شده‌اید، انتخاب شده‌اید، آمده‌اید داخل مجلس، باید به مجلس با این چشم نگاه کنید؛ شما در یک چنین جایگاهی قرار دارید در جایگاه مدیریت کشور و در یکی از ارکان مهم و درجه‌ی یک این مدیریّت. مدیریّت کشور یک پدیده‌ی چندضلعی است، یک ضلعش مجلس شورای اسلامی است؛ اضلاع دیگری هم دارد - حالا سه قوّه یا مثلاً فرض کنید نیروهای مسلّح و امثال اینها - لکن یک ضلع مهمّ آن، مجلس شورای اسلامی است. اهمّیّتش این‌قدر است؛ یعنی با این دید بایستی به مجلس نگاه کرد؛ هم بیرون از مجلس، هم داخل خود مجلس باید این نگاه را نسبت به مجلس داشته باشند[1].

مجلس، قوه‌ی مفکره

مجلس قوه‌ی مفکره‌ی کشور است. فکر در لباس قانون تجلی می‌کند، بعد در سراسر وجود کشور سریان و جریان پیدا می‌کند. چیزی که دائم باید در نظر باشد، این است که ببینیم فکر این قوه‌ی مفکره اولاً: نسبتش با ارزش‌های اساسی انقلاب چیست؟ چون این شاخه‌ای روئیده بر بدنه‌ی عظیم و قد کشیده و مستحکم انقلاب است دیگر.

ثانیاً: نسبتش با جامعه، با مشکلات کشور و با نیازهای مردم چیست. یک نگاه به مبدأ، یک نگاه به منتها؛ یک نگاه به خاستگاه، یک نگاه به هدف؛ این باید روشن باشد. اگر این شد، آن وقت قوانین، هم اصیل خواهد بود، درست خواهد بود، صحیح خواهد بود، هم کارآمد خواهد بود. اگر اوّلی نباشد، قانون مثل شاخه‌ی از درخت بریده است؛ اصالت خود را از دست خواهد داد و دیگر قانون اصیلی نیست. اگر دومی نباشد، قانون اصیل است، مشروعیت دارد، اما مقبولیت ندارد. اگر منطبق بر خواست‌های جامعه و نیازهای فوری و به‌روز و نیز نیازهای بلندمدت جامعه نباشد، آن وقت دیگر مقبولیت

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

نخواهـد داشـت به‌حسـب هر مقـداری کـه در آن جهـت کمبـود دارد. این یک نکته اسـت کـه بایـد در نظر باشـد. حالا مـثلاً فرمودید که به سیاسـت‌های ذیـل اصل ۴۴ قانون اساسـی توجـه اسـت. ببینید، این خودش یک شـاخص اسـت. اگر سیاسـت‌های اصـل ۴۴ را قبول داریـم، فـرض کنیـد قانونی بگذرانیـم که با این سیاسـت‌ها نخوانـد، چطور این مردود اسـت از نظـر شـما؟ عیـن همین مسـئله در شـکل کلان مربوط به اصـل ارزش‌های انقلاب اسـت، اصـل مبانـی انـقلاب اسـت. مبانی انـقلاب را باید مرور کـرد؛ فرامـوش نکنید. اینـی که گفته بشـود مـا در نظـرات امام - فـرض بفرمائیـد حـالا تعبیر «تردیـد» نمی‌کننـد، امـا حرف‌هایی می‌زننـد کـه معنایش همـان تردید اسـت - تردید کنیـم، این درسـت نیسـت وصیت‌نامه‌ی امـام، جمع‌بندی‌شـده‌ی فرمایشـات امـام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه مبانـی انـقلاب ماسـت، اصـول انـقلاب ماسـت. امام مـرد بزرگی بـود، آگاه بود. این‌هـا را دائماً در نظر داشـته باشیـد. قانون، موضع‌گیـری و حرکت بر این اسـاس باشـد. ممکن اسـت یک نفـر یک‌جور بفهمـد، یک نفر یـک‌جور دیگـر بفهمـد - این اشـکالی نـدارد - اما بایـد هدف این باشـد، محور این باشـد[1].

نسبت قوه مفکره با ارزش‌های انقلاب

وظیفـه مـا این اسـت کـه از هویّت انـقلاب، اسـاس انقلاب و اسـاس ایـن نظام دفـاع کنیم و ایـن نخواهـد شـد، جز این کـه در نظر داشـته باشیم کـه وظایف مـا در این قانون اساسـیِ بحمـدالله مترقّـی و جامـع - نمی‌گوییـم بی‌عیـب و بی‌نقـص؛ امـا قطـعاً جزو جامع‌تریـن و کامل‌تریـن قوانیـن اساسـی‌ای اسـت کـه امروز در دنیـا وجـود دارد - چیسـت. همیـن قانون اساسـی، مجلـس را رکـن مهم این نظام قرار داده اسـت. اصل قضیه این اسـت کـه این رکن، وابسـته بـه ایـن نظـام الهی اسـت. کسـانِ پُـر کار و پُـرتلاش و پُر فعالیتی هسـتند کـه مایل نیسـتند ایـن نظام بـا کلّیت خـودش یا بـا روحِ اسلامی خـودش باقـی بماند. وظیفـه همه ما ایـن اسـت که در مقابل تسـلّط مخالفـان این انقلاب و ایـن نظام، محکم و با قـدرت باشیم. اگـر خـدای متعـال به بنده هـم - که یک خدمتگـزارِ دارای مسـئولیت هسـتم - توفیق دهد، مثـل شـما وظیفه مـن هم همین اسـت. همـه وظیفه دارنـد در مقابل کسـانی کـه درصددند

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

پایه‌هـای ایـن نظـام را - چـه پایه‌هـای ایمانـی آن را، چـه پایه‌های فکـری آن را، چـه پایه‌های اجـرایی آن را - سسـت کننـد، بایسـتند. این وظیفه اساسـی همه مسـئولان نظام اسـت؛ چه قـوّه مجریّـه و در رأس آن رئیس‌جمـهور، چه قـوّه مقنّنه، چه قـوّه قضاییّه و چه بقیه مسـئولان کـه این حقیر هـم در مجموعه مسـئولان قـرار دارم[۱].

نسبت قوه مفکره با جامعه

توجه به اولویت‌ها و نیازهای جامعه

مجلـس شورای اسلامـی، بـه معنـای حقیقـی کلمـه، مظهـر اراده و حاکمیـت مـردم اسـت و همـان‌طور کـه تشـکیل آن بـا اراده‌ی ملت اسـت، تصمیم‌گیری‌هـا و جهت‌گیـری کلی آن نیـز بایـد طبـق اراده‌ی مـردم و منطبق بـا نیازهـای آنان باشـد. نماینـدگان محترم بـرای این کـه بتواننـد ایـن مقصود را بـرآورده کننـد باید با توده‌هـای مـردم و انتخاب‌کننـدگان خود در تماس و ارتباط باشـند و نیازهای راسـتین و خواسـته‌های بحق آنان را به‌درسـتی و از نزدیک بشناسـند و آن را در مصوبـات مجلـس رعایـت کنند[۲].

قانـون بایـد در پی حـلّ مشـکلات مردم باشـد؛ اولویت‌هـای داخلـی را باید رعایـت کند؛ در درجـه‌ی اوّل درصدد رفع مشـکل مـردم ضعیف و طبقات ضعیف باشـد. در کـشور طبقاتی هسـتند کـه ضعیف‌انـد یا متوسّـط‌اند یا زیر حـدّ متوسّـط‌اند؛ قانون بیشـتر بایـد متوجّه رفع مشـکل این‌ها باشـد. البتّه قانون برای همه اسـت و خیـرِ همه‌ی طبقاتِ کـشور را می‌خواهد فرقـی نمی‌کنـد؛ اما این در اولویّت اسـت، چون مسـئله‌ی طبقات ضعیف، مشـکلات فعلی زندگی اسـت؛ قانـون درصدد برطرف‌کردن این مشـکلات باشـد[۳].

---

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

توجه به تأثیرات فرهنگی و تربیتی قانون در جامعه

یک جنبه‌ی دیگری وجود دارد و آن، تأثیر فرهنگی و تربیتی قانون در جامعه است. هر قانونی که شما بگذرانید، ولو به‌حسب ظاهر این قانون ارتباط با مسائل تربیتی و فرهنگی هم ندارد - یک قانون اقتصادی فرض بفرمائید - این یک اثر مستقیم یا غیرمستقیم فرهنگی و اخلاقی و تربیتی بر روی مردم دارد. رفتارها و خلقیات و تربیت‌ها اثر متقابل دارند؛ هم اخلاق در رفتار تأثیر می‌گذارد، هم رفتار بر اخلاق تأثیر می‌گذارد. شما ببینید ﴿ثُم کانَ عاقبةَ الَّذینَ اَساءُوا السُوأی﴾[1] کار بد که می‌کنیم، روی دل ما اثر می‌گذارد، روی اخلاق ما اثر می‌گذارد، گاهی روی برداشت‌ها و تلقی‌های ما اثر می‌گذارد؛ دلبستگی که پیدا می‌کنیم، این دلبستگی روی ذهنیات ما اثر می‌گذارد. اعمال و رفتار از یک طرف و اخلاق و تربیت از یک طرف؛ این‌ها تأثیر متقابل دارند. قانون هم همین‌جور است دیگر. شما هر قانونی بگذارید، مربوط به حمل‌ونقل جاده‌ای باشد، مربوط به گمرک باشد، مربوط به اقتصاد باشد، مربوط به سیاست خارجی باشد، هرچه باشد، یک آثار تربیتی و اخلاقی هم دارد؛ به این جنبه از قانون توجه بشود. اگر ما قانونی می‌گذاریم که روح قانون‌پذیری را در مردم تقویت می‌کند، این خوب است؛ اگر به‌عکس، قانونی می‌گذاریم که روح قانون‌شکنی و بی‌اعتنائی به قانون را در مردم به وجود می‌آورد - ولو به طور غیرمستقیم - این مرجوح است. اگر قانونی می‌گذاریم که روح قناعت را در مردم تقویت می‌کند، این خوب است؛ اگر به‌عکس، روح اسراف را در مردم تقویت می‌کند، این بد است. اگر روح دین‌داری را در مردم تقویت می‌کند، این خوب است؛ اگر روح لاابالی‌گری را در مردم تقویت می‌کند، این بد است. به این جنبه توجه کنید: تأثیر متقابل حقوق و اخلاق؛ ملازمات مسائل حقوقی و مسائل اخلاقی، این‌ها مسائل بسیار مهمی است[2].

---

۱. سوره روم، آیه ۱۰.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

مجلس، در رأس امور

مجلس قطعاً در رأس امور است - همان‌طور که امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه فرمودند - اما این را هم توجه کنید که «مجلس در رأس امور است» معنایش این نیست که هر یک نماینده‌ای در رأس امور است؛ «مجلس» در رأس امور است؛ یک نماینده، یک نماینده است؛ یعنی نماینده‌ی محترم و عزیزی که مردمِ یک جمع و گوشه‌ای از کشور با شوق و با شور جمع شدند و او را فرستادند مجلس، تصور نکند که او در رأس امور است؛ نه، مجلس در رأس امور است؛ برخوردش را این‌جوری مقایسه کند[1].

سوگند خورده‌اید که مبانی اسلام را و دستاوردهای انقلاب را حفظ کنید؛ خب، این چیز مهمّی است. این کِی ممکن خواهد شد؟ آن وقتی که مجلس واقعاً در رأس امور باشد؛ این کار هم دست شما است. مجلس در رأس امور تعارف نیست که بخواهیم تعارف بکنیم؛ نه واقعاً باید مجلس در رأس امور باشد؛ یعنی تصمیم بگیرد و آن تصمیم اجرائی بشود. البتّه من این را به شما عرض بکنم که در دولت‌های مختلف - هم این دولت کنونی، هم دولت قبلی، هم دولت‌های قبلی؛ همه‌شان از بعد از رحلت امام؛ و در زمان امام، دولت خود بنده - اتّفاق می‌افتاد یک جاهایی در یک تنگناهایی گیر می‌کردیم و الان دولت‌ها گیر می‌کنند که از اختیارات ولیّ‌فقیه استفاده می‌کنند؛ این هست، امّا در همان‌ها هم بنده مکرّراً در نظر داشتم مراقبت بکنم تا آنجایی که ممکن است به مصوّبه‌ی مجلس خدشه وارد نشود. یکی از دولت‌های گذشته آمده بودند یک چیزی می‌خواستند که درست نقطه‌ی مقابل قانون بودجه‌ی آن سال بود؛ آن‌وقت قانون برنامه نبود، قانون بودجه بود هرچه اصرار کردند، من زیرِ بار نرفتم؛ با اینکه مشکلاتی داشتند امّا گفتم ما یک مجلسی داریم که نشسته‌اند تصمیم گرفته‌اند و قانون بودجه را با این‌همه زحمت تصویب کرده‌اند، حالا شما بیا با یک کلمه حرف، همه‌ی قانون را برگردان از این‌طرف به آن طرف؛ اینکه نمی‌شود مجلس را باید در رأس امور قرار داد احترام مجلس، وقار مجلس، هیبت

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

مجلس باید محفوظ باشد[۱].

مجلس، عصاره‌ی فضایل ملّت

امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) درباره‌ی مجلس خب بیاناتی دارند؛ یکی از جملات ایشان این است که فرمودند: «مجلس عصاره‌ی فضایل ملّت است»، یعنی چه؟ یعنی باید عصاره‌ی فضایل ملّت باشد؛ معنایش این است دیگر، وَالّا این‌جور نیست که به طور طبیعی مجلس عصاره‌ی فضایل ملّت باشد باید مجلس را جوری ترتیب داد که عصاره‌ی فضایل ملّت باشد؛ فضایل ملّت چیست؟ ملّت ما الان چه فضایلی دارند؟ مجاهدت، عزّت نفْس، اعتمادبه‌نفس، امید، ایثار، قدرت و توانایی ایستادگی در مقابل مشکلات؛ این‌ها توانایی‌های ملّت ما است؛ از این قبیل توانایی‌ها ملّت خیلی دارد. این توانایی‌ها را ملّت ما در طول این چهل و یکی دو سال انقلاب نشان داده؛ در جنگ تحمیلی نشان داده در مقابل تحریم نشان داده در مقابل زورگویی قدرت‌های غربی و غیرغربی نشان داده؛ این‌ها فضایل ملّت است. باید شما عصاره فضایل ملّت باشید. امام در واقع با این یک کلمه برنامه‌ی کار همه‌ی مجلس‌های ما را تا آخر مشخّص کردند. مجالس ما موظف‌اند خودشان را عصاره‌ی فضایل ملّت قرار بدهند[۲].

مجلس، عصاره ملت است؛ مظهر حکومت مردمی است؛ جایگاه تعیین مسیر حرکت دولت و ملت است؛ مظهر خواست‌های مردم در زمینه سیاست‌های گوناگون - چه داخلی و چه خارجی - است؛ امید مردم است؛ معتمد مردم است؛ پشتیبان دولت است؛ راهگشای کارهای اساسی برای مسئولان نظام و کارگزاران کشور است. این‌ها مسائلی است که امروز بحمدالله در کشور ما عینیّت پیدا کرده است و بیان آن‌ها حرف تازه‌ای نیست[۳].

---

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۲. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰.

مجلس، مظهر عزت ملی، اقتدار و استحکام نظام

مجلس باید مظهر عزّت ملّی و مظهر اقتدار و استحکام نظام باشد؛ مجلس این است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه مجلس، منتخب عموم مردم کشور در جاهای مختلف است که با یک انگیزه‌ای آمده‌اند این شخص را - این برادر را، این خواهر را - انتخاب کرده‌اند و امام فرمودند که مجلس، عصاره‌ی فضایل ملّت است؛ این نکته، نکته‌ی مهمّی است؛ توجّه کنید: عصاره‌ی فضایل، نه عصاره‌ی همه‌ی خصلت‌ها! بعضی از خصلت‌ها جزو فضایل نیست. مجلس بایستی عصاره‌ی فضایل ملّت باشد. فضایل این ملّت هم خیلی زیاد است مجلس نباید نماد تردید باشد، نماد خودکم‌بینی باشد؛ نباید نماد یأس و نومیدی یا نماد عدم اعتنا و عدم مبالات به مسائل کشور باشد. نباید مجلس نشان بدهد که نگاهش به ظرفیّت‌ها و توانایی‌های ملّی، نگاه مأیوسانه است؛ این فضایل ملّت که باید اینجا عصاره آن‌ها جمع بشود، این چیزها است[1].

اینجا نمی‌شود مفصّل تاریخ بگوییم؛ جزو انقلاب‌های بزرگ دنیا در این دو قرن اخیر، دو سه حادثه است؛ یکی انقلاب کبیر فرانسه است، یکی انقلاب کبیر شوروی است، یکی حرکت استقلال‌طلبانه‌ی آمریکا است که همه‌ی این‌ها تقریباً در همین دوره‌ی دویست‌ساله است؛ یعنی حرکت استقلال‌طلبانه‌ی آمریکا مثلاً حدود دویست و سی چهل سال پیش اتّفاق افتاده است - حدود ۱۷۸۳ میلادی چند سال بعد هم انقلاب کبیر فرانسه اتّفاق افتاده، حدود صدسال بعدش هم انقلاب شوروی اتّفاق افتاده؛ این‌ها مال دوره‌ی نزدیک به ما است. شما اگر تاریخ این انقلاب‌ها را ملاحظه کنید، قطعه‌ی چهل سالِ اوّل آن‌ها را با چهل سالِ انقلاب اسلامی مقایسه کنید، انسان از عظمت این انقلاب، پیشرفت این انقلاب، سرعت عمل این انقلاب حیرت می‌کند. آن‌ها هیچ‌وقت نتوانستند با این سرعت، با این شدّت، با این قوّت پیش بروند؛ این ربطی به تحوّلات زمانه و مانند این‌ها ندارد؛ یعنی تحت‌تأثیر این چیزها نیست، عوامل دیگری دارد. ملّت ایران یک چنین چیزی است و شما عصاره‌ی فضایل این ملّتید؛ بایستی با این نگاه به خودتان

۱. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

نـگاه کنیـد، بـا این نگاه بـه مجلس نگاه کنیـد، توقّعاتتـان از مجلـس را با این نگاه بایسـتی تنظیـم بکنید و ان‌شـاءالله بـرآورده کنید[1].

مجلـس انـقلاب در همـه حال بایـد منـادی شـعارهای اصولی انـقلاب و پاسـدار راه و خط ترسیم‌شـده‌ی معمـار و بنیان‌گـذار انقلاب حضرت امـام خمینـی اعلی‌الله‌مقامه باشـد. این، تنها راهـی اسـت که بر نجات و رسـتگاری کشور عزیـز ما از آثـار روزگار سیاه سـلطه‌ی بیگانگان می‌انجامـد و زخم‌هـای کهنـه‌ی دوران ستم‌شـاهی را التیـام می‌بخشـد و رشـته‌های ننگین وابسـتگی و محرومیت را که بیگانگان بخصوص انگلیس و امریکا و مزدورانشـان در گذشـته بـر دسـت‌وپای این ملـت بزرگ تنیـده بودنـد، به‌کلی بـاز می‌کند. در سیزده سـال گذشـته، همیشـه قدرت‌هـای مداخله‌گری که از انقلاب، سیلی‌خورده و از ایران رانده شـده‌اند، سـعی کرده‌انـد. ملت و دولت را از پیمودن این راه منصرف کنند و همیشـه هم شکسـت‌خورده‌اند. مجلـس چهـارم که مـحور تبلیغـات زهرآگیـن رسـانه‌های اسـتکباری و هـدف خدعه‌های جنجالـی آنـان بوده بـه طور ویژه موظف اسـت سرسـپردگی خـود را بـه امام همیشـه فریادگر خـود و پایبنـدی خـود را به راه و خط امام و بیزاری خود را از سـلطه‌ی امریـکا در هر فرصت و موقعیتـی به زبان و عمل، آشـکار سـازد[2].

مجلس از افتخارات نظام انقلابی و کشور

مجلـس شورای اسلامـی از جملهـی افتخـارات کـشور و نظـام انقلابی ما اسـت، زیـرا مظهر اعتمـاد مـردم و محصـول رأی و ارادهـی آنـان و وسیلهـی حـضور تعیین‌کننـده‌ی آنـان در گزینـش گردانـندگان امور کـشور و نیز در تقنیـن قوانین حاکم بر حرکت عمومی کشور اسـت. مـردم، انتخـاب نماینـدگان را وظیفهی دینـی و انقلابی خود میشـمرند و بر پایهـی معیارهای اسلامی اسـت که کسـی را به عنـوان نمایندهی خـود برمیگزینند از این رو سـمت نمایندگی مجلـس، نعمتـی الهـی و مایهـی شـکر و مباهـات اسـت. مجلـس شورای اسلامـی تاکنون بحمـدالله راه اسلام را پیمـوده و در جهـت هدف‌هـای انـقلاب و رهنمودهـای امـام راحـل

۱. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.

(رضواناللّٰهعلیه) سپرده است و انشاءاللّٰه همواره چنین باشد[۱].

مجلس، جایگاه سیاسی مهم

مسئله‌ی مهم دیگر، جایگاه سیاسی مجلس است. شما، نماینده و عصاره و خلاصه‌ی ملت هستید. موضع‌گیری شما در مسائل سیاسی و بین‌المللی به یک معنا حاکی از موضع‌گیری ملت ایران است. این موضع‌گیری، دو گونه می‌تواند باشد: گاهی می‌تواند دشمن را به دخالت بیشتر امیدوار کند؛ او را نسبت به نظام اسلامی، گستاخ و طلبکار و فزون‌طلب و به زیاده‌خواهی تشویق کند؛ می‌تواند هم درست به‌عکس باشد؛ احساس کند که در ملت ایران و نمایندگان او، صلابت، ایستادگی، آگاهی به منافع و مصالح، ایستادگی بر سر منافع ملی و مصالح ملی و ناسازگاری با کسانی وجود دارد که همه‌ی همتشان این است که منافع ملی را به بازیچه بگیرند و راهی برای سیطره‌ی بر این ملت پیدا کنند. امروز مشکل ما با دشمنانی که در دنیا با آن‌ها دعوا داریم، این است؛ برادران و خواهران عزیز! یک نقطه‌ی پُرفایده و پُرسود در یک نقطه‌ی بسیار حساس از لحاظ سوق‌الجیشی - سیاسی و نظامی - در دنیا به نام ایران وجود داشته و سال‌های متمادی در قبضه‌ی قدرت‌های مستکبر بوده است - یک روز روسیه، یک روز انگلیس، یک روز هم امریکا - بعد این ملت آمده با اتکا به یک اندیشه و یک فکر و یک اراده، این کشور را از چنگال این‌ها خلاص کرده؛ این‌ها می‌خواهند دوباره سیطره پیدا کنند؛ همه‌ی دعوا بر سر این است. ما با کسی دعوا نداریم. ما به کسی که می‌خواهد دوباره بر ما سیطره پیدا کند، می‌گوییم نخیر، غلط می‌کنی؛ اجازه نمی‌دهیم. منازعه‌ی نظام اسلامی با کسانی که در پی چالش با این نظام‌اند، سر این قضیه است؛ مشکل دیگری نیست. همه‌ی کشورهای دنیا در تعامل با هم، چالش‌های قهری و طبیعی دارند - اینها که مهم نیست - آنچه مهم است، این است که ملت ایران و نظام اسلامی ایستاده است و می‌خواهد از هویت و استقلال و عزت ملی خود دفاع کند. عده‌ای می‌خواهند بر این اراده و عزم دست‌اندازی کنند؛ دعوا سر این است. مجلس در این دعوای اصولی، اساسی، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز باید

۱. پیام به نمایندگان مجلس سوم شورای اسلامی در پایان دوره سوم مجلس، ۱۳۷۱/۰۲/۲۶.

جایگاه روشنی داشته باشد؛ چون شما نماینده‌ی این ملتید. این ملت را در انتخابات می‌بینید، در تظاهرات و راهپیمایی‌ها می‌بینید، در شعارها می‌بینید در درخواست‌ها و مطالبات می‌بینید؛ می‌بینید این ملت، کیست و چیست. مجلس باید آینه‌ی تمام‌نمای اقتدار ملی و عزت ملی و ایستادگی بر سر منافع ملی و مقابله‌ی با سلطه‌جویان و سیطره خواهانِ جهانی و بین‌المللی باشد. این‌ها ظرفیت‌های مهمی است که مجلس دارد[1].

برادران و خواهران عزیز! شما نماینده مجلس هستید و سیاسی؛ وسط میدانید. شاید برای بسیاری از شما توضیح واضح باشد، لکن حقیقت قضیه این است که امروز آنچه آمریکا - که حالا در نوک پیکان تهاجم به انقلاب و حرکت اسلامی، امریکاست - از ملت ایران می‌خواهد، مسئله سلاح کشتارجمعی و حقوق بشر و حکومت دمکراسی و... نیست، بلکه آنچه آن‌ها از ملت و مسئولان کشور می‌خواهند، تسلیم‌شدن در مقابل اراده ابرقدرتی امریکاست. جز این چیز دیگری نیست، والّا این‌ها به دمکراسی تمایل دارند؟! امروز دمکراسی‌های موردقبول و اعتراف امریکا چه کشورهایی هستند؟ اگر کشورهایی که دولت‌های قانونی و برآمده از انتخابات مردم دارند، یک‌قدم از آنچه که مجموعه نیروهای نظامی می‌خواهند و فکر می‌کنند و به آن معتقدند، تخطّی کنند، نیروهای نظامی مانند عقاب بالای سرشان می‌آیند و آن‌ها را مثل کبکی شکار می‌کنند و کنار می‌گذارند. مگر این‌طور نیست؟ به اطراف خودتان نگاه کنید! چه زمان معتقد به دمکراسی‌اند؟! این‌ها دمکراسی را به عنوان یک شعار ذکر می‌کنند، خودشان هم می‌دانند که مردم دنیا می‌دانند؛ منتها سیاست تبلیغات در دنیا به گفتن و باز گفتن و باز گفتن و تکرارکردن است؛ این سیاست تبلیغاتی و پروپاگاندای رایج در دنیاست. باید بگویند؛ تکرار کنند؛ تکرار کنند، بالاخره در بخشی از مردم اثر می‌کند؛ لااقل مردم عادت می‌کنند که بشنوند؛ والّا این‌ها دنبال مردم‌سالاری نیستند. بسیاری از رژیم‌های موردعلاقه این‌ها اصلاً معنای رأی مردم را نمی‌دانند و مردمشان هم به هیچ وجه نمی‌دانند که رأی‌دادن و انتخاب مسئول در کشور یعنی چه و به آن‌ها هم هیچ اعتراضی ندارند! وقتی که جمهوری اسلامی را بااین‌همه انتخابات بااین‌همه حضور مردم در صحنه‌های مختلف بااین‌همه نشانه‌ها

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.

و نمادهـای مردم‌سـالاری کـه در این کشور هسـت که در کمتـر کشوری در دنیـا وجود دارد - ارتباط مسـئولان با مردم و همدلی‌شـان با آن‌ها، پشـتیبانی‌ها و عواطف مردم و عشـق و علاقه وافـر آن‌هـا به مسـئولان - به نداشـتن مردم‌سـالاری و اسـتبداد و دیکتاتوری متّهـم می‌کنند، معلوم اسـت که مرادشـان چیست[1].

مجلس سنگری در برابر افزون‌خواهی استکبار و نقطه اتکا مردم

شـرایط طوفانـی منطقه و جهان و ماجراجویی‌های بین‌المللی سـلطه‌گران و اتباعشـان، ایران اسلامـی را با اوضاع پیچیده‌تری از گذشـته روبه‌رو سـاخته اسـت. اقتدار کـشور برای مواجهه بـا ایـن شـرایط به هوشـمندی و عزم راسـخ و در دست‌داشـتن ابتـکار عمل از سـوی همه‌ی مسـئولان نیـاز دارد. وظیفه‌ی انقلابی و قانونی شـما نمایندگان محترم آن اسـت که مجلس را سـنگری اسـتوار در برابر ترفند و فسون و افزون‌خواهی گستاخانه‌ی اسـتکبار و نقطه‌ی اتّکای درخشـانِ مردم مؤمن و انقلابی بسـازید[2].

مسئله غزه، یکی از مصادیق بین‌المللی حضور مجلس

مسـئله‌ی غزّه، همچنان مسـئله‌ی اوّل دنیای اسلام اسـت. آنچه من درباره‌ی مسائل خارجی و فعّالیّـت حوزه‌ی دیپلماسـی و ماننـد این‌ها برای مجلس عرض کـردم، یکی از مصادیقش، همین مسـئله‌ی غزّه اسـت؛ آرام نگیرید، سـاکت نمانید؛ کار مهم اسـت. الان درسـت است کـه بـا گذشـت ماه‌هـا، آن شور اوّلیّـه در خیلـی از افراد نیسـت، امّـا حقیقت امر این اسـت کـه همـان اهمّیّـت روزهـای اوّل، امروز وجـود دارد، بلکـه بیشـتر قـدرت مقاومـت روزبه‌روز بیشـتر خودش را دارد نشـان می‌دهد. یک دسـتگاه باعظمت نظامی و سیاسـی و اقتصادی مثـل آمریکا، پشـت سـر رژیم غاصـب صهیونیسـت دارند با یـک گروه مقاومـت می‌جنگند، نتوانسـتند این‌هـا را به‌زانـو دربیاورنـد؛ چـون حمـاس را نمی‌تواننـد به‌زانـو دربیاورنـد، چون مقاومـت را نمی‌تواننـد به‌زانـو دربیاورنـد، دق‌دلی‌شـان را روی مردم خالی می‌کننـد، بمب‌ها را روی سـر مردم، مدرسـه، بیمارسـتان، کودک و زن می‌ریزند؛ نهایت جنایت و سَـبُعیّت دارد

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷.

۲. پیام به مناسبت آغاز به کار دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۰۸.

جلوی چشم مردم دنیا انجام می‌گیرد؛ مردم دنیا هم در واقع دیگر حالا دارند قضاوت می‌کنند علیه رژیم غاصب خبیث. مسئله تمام نشده؛ مسئله همچنان ادامه دارد؛ فعّال باشید ان‌شاءالله[۱].

تأثیر انواع حالات حضور مجلس در امور سیاسی و بین‌المللی

این حضور می‌تواند خیلی مؤثّر باشد حالا انواع حضور؛ گاهی اوقات مثلاً با سفرها و ملاقات‌های رئیس مجلس است؛ مثل همین سفر اخیری که آقای قالیباف داشتند، در این اجلاسی که بود که سفر مفید و پُرفایده‌ای بود که می‌تواند دولت محترم از آن استفاده‌ی زیادی بکند. یا سفرهایی که هیئت‌های بین‌المجالس مجلس می‌کنند یا حتّی بدون اینها، یک بیانیّه؛ فرض کنید؛ مثلاً یک قضیّه‌ای مثل قضیّه‌ی فلسطین پیش می‌آید، مسئله‌ی غزّه پیش می‌آید؛ شما یک بیانیّه بدهید، این در فضای عمومی دنیا کلّی تأثیر بر این مسئله می‌گذارد. یا حتّی بیانیّه هم نه؛ گاهی نطق نمایندگان. بنده گاهی اظهار توقّع کرده‌ام؛ در یک مواردی انتظار هست که نمایندگان در مجلس ناظر به این مسئله‌ی مهمّ سیاست خارجی یک حرفی بزنند، یک نطقی بکنند. در دنیا این کار معمول است؛ مثلاً فرض بفرمایید که رئیس کمیسیون سیاست خارجی فلان چیز را گفته؛ این در دنیا معروف می‌شود. خیلی از کارها را مجالس می‌کنند و دولت‌ها از پشتوانه اقدام مجالس استفاده می‌کنند[۲].

مجلس، از ارکان اصلی مدیریت سیاسی کشور

مجلس شورای اسلامی یک رکن اساسی کشور و نظام اسلامی است. همه‌ی آنچه در نظام اسلامی برجسته و شاخص است، باید در مجلس تبلور و انعکاس یابد؛ ایمان، شجاعت، پیش‌گامی، ایستادگی بر مبانی نظام، ایستادگی در برابر دشمنان، روزآمدی و نوآوری، وحدت و انسجام ملی، کار و تلاش فداکارانه به میدان آوردن همه‌ی ظرفیت‌های فردی و

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

جمعی، نشـانه‌هایی اسـت که می‌تـوان یک مجلس موفـق را با آن شناسـایی کرد[۱].

گفتـن ایـن حرف‌ها کـه مجلس مرکـز آراءِ مردم اسـت، مظهـر اراده مـردم اسـت، اداره‌کننده حقیقی کشور در سـایه قوانین اسـت، یک مرحله اسـت؛ عمـل به این‌ها و تحقّـق این‌ها یک مرحلـه دیگـر اسـت. آنچه ما در جمـهوری اسلامی به آن سـرافرازیم، این دومی اسـت و الاّ در همـه جای دنیـا و در همه‌ی زمان‌ها این حرف‌ها گفته می‌شـود. زمان‌هـای بعد از مشروطیت در همیـن کـشور مـا هم ایـن حرف‌هـا بـود. می‌گفتند مجلـس، می‌گفتنـد قانـون، می‌گفتند انتخـاب؛ لیکـن میان حقیقت و آنچـه که اتّفاق می‌افتـاد و واقعیت امر بود بـا آنچه که گفته می‌شـد، فاصله‌هـای زیـادی وجود داشـت. مـردم مـا حقیقـتاً از دوران مشروطیت تـا قبل از پیروزی انـقلاب اسلامـی، حـضور خـود را در اداره کشور به شـکل قانون‌گـذاری تجربه نکرده بودند؛ شـاید یک یا دو دوره دوسـاله در اوایل کار مجلس شورای ملی - مثلاً دوره دوم، سـوم؛ آن هـم با مناقشـات و خدشـه‌هایی - تا حـدودی این معانی را با خود داشـت؛ امـا آنچه بود، حـرف بـود؛ بر روی کاغذ بـود؛ در امواج هوا بـود، یواش‌یواش همان هم نبود! این‌طوری اسـت کـه وقتی انحراف عمیق شـود، مردم خودشـان را ملزم هـم نمی‌دانند که حتّـی در زبان هم‌نام حقیقـت را بیاورند؛ خطـر اینجاسـت. در دوره قبل از پیروزی انـقلاب، این‌گونه بود.

در سـال‌های متمـادی دیگـر، حتـی اسـمی از آراءِ مـردم و ادّعـا و افتخـار بـه ایـن حرف‌ها هـم دیگـر بـاب نبود؛ همـه چیـز صوری و دروغیـن بـود؛ مصنوعی و سـاختگی بـود؛ هم در دوران دیکتـاتوری صریـح کـه عبارت بـود از دوران رضاخانـی و اواخـر دوران محمّدرضا؛ هم در دوران میانـه کـه یـک مقـدار پوشیـده و خفـی بـود، مـردم رأیی نداشـتند، مجلـس وجود نداشـت، نماینده‌ای نبود؛ دسـتوری و فرمایشـی بود. انسـان وقتی تاریـخ آن دوره را می‌خواند - حـالا برهـه‌ای را کـه خـود مـا در ایـن اواخـر شـاهدش بودیـم و نیـز آن قبلی‌ها را هـم وقتی انسـان می‌خوانـد - می‌بینـد کـه چگونه بـوده اسـت. از مدّتی قبـل از آن که وقـت انتخابات شـود، انتخابـات فراهم می‌کردنـد؛ کار محافل شروع می‌شـد؛ اصرارها، التماس‌هـا، تقرّب‌ها، خوش‌رقصی‌هـا؛ بـرای این که خود را در لیسـت دولت داخل کنند؛ صریح می‌گفتند لیسـت

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.

دولـت، لیسـت دربـار؛ حیا هـم نمی‌کردنـد! انقلاب اسلامـی در میـان کارهـای عظیمی که در ایـن کـشور و در تاریـخ مـا انجـام داد، ایـن کار عظیـم را هـم انجـام داد که مـردم ما طعم حکومـت مـردم در وضع قوانین را چشیدند. شـما نماینـده مردمید؛ این سـالیان و دوره‌هایی کـه بـر این مجلـس محتـرم و کم‌نظیر در عالم گذشـته اسـت، حقیقـتاً سـال‌های مهمّی در تاریـخ مـا بوده اسـت. مردم بـا انگیزه‌های خودشـان بـا سلایق خودشـان با اراده خودشـان با طـرق تحقیقـی که خودشـان داشـتند، رفتنـد تحقیق کردنـد و کسـی را برای حلّ مشـکلات کـشور به مجلس فرسـتادند. الان ترکیب مجلس مـا بحمدالله این‌طور اسـت؛ هر چند ممکن اسـت مـوارد شـذوذی هـم وجود داشـته باشـد. هیـچ جـا کلیّات‌ها به ایـن شـکل مورد نظر نیسـت؛ مجمـوعاً این اسـت. ایـن را بایـد حفظ کنیـد؛ این چیـز خیلی عزیزی اسـت؛ همه بایـد حفـظ کننـد؛ اوّل خود نماینـدگان محتـرم، بعد مردم و مسـئولان[۱].

شـما در یـک نظامـی رکن اساسـی واقـع شـدید - مجلـس شورای اسلامی یک رکن اساسـی اسـت - کـه ایـن نظـام در وسـط دنیای آشـفته‌ی مـادی سـر بـرآورده و دارد نـدای معنویت می‌دهـد؛ مسیر حرکت دنیای مادی را تخطئه می‌کند. خب، طبیعی اسـت که با دشـمنی‌ها مواجه می‌شـود[۲].

مجلس و نمایندگان جزء اجزای مدیریت کشور

مدیریّت کشور که شـما جزو اجزای مدیره‌ی این کشور هسـتید، کار بسیار سـخت، پیچیده، دشـوار و کار بسیـار مهمّی اسـت؛ کشوری بـا موقعیّت ایـران عزیز موقعیت ایـران عزیز یعنی چـه؟ یعنی وسـعت کشور، جمعیّت کـشور، جغرافیای کـشور، تاریخ کشور، اقلیـم متفاوت و متنـوّع کشور؛ این‌ها خصوصیّات کشور ما اسـت و خصوصیّاتی اسـت که ایـران عزیز را جزو کشورهـای مهـم و اسـتثنائی دنیـا قـرار داده؛ واقعش این اسـت؛ یـک چنین کشوری را شـما می‌خواهید مدیریّت کنید[۳].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

خصوصیات لازم کسب جایگاه حقیقی مجلس

اگـر مجلـس شورای اسلامـی چهار خصوصیت داشـته باشـد در جایـگاه حقیقی خـود قرار خواهـد داشـت. بحمـدالله امروز تا آنجا که مـا مشـاهده می‌کنیم، مجلس ایـن خصوصیّات را دارد. لکـن می‌شـود هـر چـه بیشـتر بـه ایـن خصوصیّـات افزود و مراقـب بـود. ایـن چهار خصوصیّـت، عبارت اسـت از: اوّلاً، احسـاس مسـئولیت. ثانیاً، اسـتقلال. ثالثاً، شـجاعت. رابـعاً، فرزانگـی و به‌کارگرفتـن فکر و علـم و تخصّص[1].

یک: احساس مسئولیت در مقابل تکالیف الهی و مقام عبودیت

نظـام جمـهوری اسلامـی اسـاساً بـرای پاسـخ بـه دعـوت پیامبران تشـکیل شـده کـه محور اساسـی آن عبارت اسـت از رسـاندن انسـان به تکامل معنوی که این ممکن نخواهد شد جز در سـایه‌ی ایجاد یک دنیای برخوردار از حسـنات و معروف‌هایی که برای انسـان‌ها زندگی را قابل‌تحمـل و لذت‌بخش بکند که از اساسـی‌ترین آن‌ها هم عدالت اسـت؛ بنابراین تشـکیل جامعـه‌ی عادلانـه یک هدف اسـت؛ اما ایـن هدف، هدف میانه اسـت.

مـا می‌خواهیـم بـه جامعـه‌ی عادلانـه‌ی الهـی، جامعـه‌ی اسلامـی، دسـت پیدا کنیـم برای اینکـه در سـایه‌ی این نظـام الهی بتوانیم خودمان را به تکامل برسـانیم؛ خودمـان را به نقطه‌ی امن‌وامـان برسـانیم. مسـئله‌ی عالـم پـس از مـرگ و حیـات حقیقـی «و انّ الدّار الاخـرة لهی الحیـوان»[2] حیـات واقعـی، حیاتِ بعـد از عبور از این مرحله‌ی زندگی اسـت تأثیـر زیادی در تنظیـم اعمـال و رفتار و کارهـای ما دارد. همین آیاتی که الان تلاوت شـد؛ ﴿قـل انّ الخاسرین الّذیـن خـسروا أنفسـهم و أهلیهم یوم القیامـة الّا ذلک هو الخسـران المبین﴾[3] خسـران واقعی ایـن اسـت. ازدسـت‌دادن مـال، ازدسـت‌دادن جـان، ازدسـت‌دادن عزیـزان، ازدسـت‌دادن لذات زندگی، خسـارت‌هایی اسـت که بر انسـان در این دنیا وارد می‌شـود، اما خسارت‌های حقیقـی این‌هـا نیسـت. گاهـی همیـن چیزهـا کـه بـه نظـر مـا خسـارت و فقـدان می‌آیـد،

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۳/۰۳/۱۱.
۲. سوره عنکبوت، آیه ۶۴.
۳. سوره زمر، آیه ۱۵.

ازدست‌دادن چیزی می‌آید، وسیله‌ای است که ما را از آن خسارت بزرگ، از آن خسارت حقیقی محفوظ نگه می‌دارد؛ لذاست که در دنیای مادی در این زندگی‌ای که ما مأمور به انجام کار و تلاش و مجاهدت در آن هستیم، مسئله‌ی بردن و باختن و جلو افتادن و عقب افتادن و وجهه پیداکردن و وجهه پیدانکردن و محبوب‌شدن و از چشم‌ها افتادن و اینها، مسائل کاملاً درجه‌ی دو و مسائل فرعی به‌حساب می‌آید؛ اصل قضیه آن امر حقیقی است که آن هم با عمل به تکلیف الهی به وجود می‌آید... نگاه کنیم سخت‌ترین کارها هم برای انسانی که نتواند مهار نفس را به دست بگیرد، نتواند بر خواهش‌ها غلبه کند، همین است. نگاه کند ببیند تکلیف چیست، حقیقتاً تکلیف را جستجو کند. وقتی تکلیف را تشخیص داد، آن را با شجاعت با قاطعیت با روی باز با رضایت خاطر با عدم واهمه‌ی از پیامدهای دنیوی - که اگر این را بگویم، اگر این موضع را بگیرم، اگر این‌جور مشی کنم، فلان‌کس چه خواهد گفت، فلان‌کس چه موضعی خواهد گرفت، آینده‌ی من چه خواهد شد، بدون این ملاحظات - انجام دهد. اگر ما نتوانیم بر نفس خودمان، بر خواهش‌های خودمان فائق بیاییم، سخت‌ترین کارهاست و همین سخت‌ترین کارهاست که ما را به برترین اوج‌ها و قله‌ها می‌تواند برساند. اصل، این است؛ اساس، این است[1].

قدر دانستن و شکرگزاری توفیق نمایندگی و خدمت به مردم

قدر این نعمت را باید بدانید، اینکه شما با انتخاب مردم در جایگاه نمایندگی تکیه زدید و می‌توانید در امرونهی کشور، بایدونباید ملت نقش‌آفرینی کنید، خیلی فرصت بزرگی است، خیلی نعمت بزرگی است باید شب‌وروز خدا را شکر کنید این کشور دست مردم نبود، دست نمایندگان مردم نبود، مردم نقشی نداشتند. از اوّلی که مشروطیت و رأی و قانون و مجلس توی این کشور درست شد - به‌جز یکی دو تا مجلس در آن اوائل - مجالس این کشور اصلاً معنی نداشتند مجلس که نبود به هیچ معنا مردم هم نبودند نه مدیران کشور منتخب مردم بودند، نه قانون‌گذاران منتخب مردم بودند، نه مردم اصلاً نقشی داشتند؛ این کشور یک چیز دیگری بود، یک حرکت دیگری بود به برکت انقلاب،

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

ایـن حالـت پیش‌آمده؛ این را خیلی باید قدر دانسـت، خیلی باید مغتنم شـمرد؛ انسـان باید روز و شـب خداونـد متعـال را بر ایـن نعمت بزرگ شـکر کنـد. امیدواریم ان‌شـاءالله خداوند متعـال توفیـق شـکرگزاری و انجـام‌دادن ایـن خدمت را به همـه‌ی ما عنایـت کند[۱].

امیدواریـم کـه خداوند متعال به همه ما توفیق دهد تا شـکر کنیم، نعمت‌هایش را بشـناسیم، راه شـکرگزاری را پیدا کنم و بفهمیم که آنچه تکلیف ماسـت، این اسـت مسـئولیت‌هایی که من و شـما داریم، امانت‌هایی در دسـت ماسـت ﴿وتلک الایـام نداولها بیـن الناس﴾[۲] خدای متعـال، ایـن امانت‌هـا را دست‌به‌دسـت می‌کند و چنـد روزی به ما فرصـت می‌دهد که این امانت‌هـا را نگهداریـم ایـن امانت‌ها را خوب نگهداریـم و با وظیفه‌ی الهی خـوب رفتار کنیم و بیـش از همه چیز، خدا را در نظر داشـته باشیم. این مهمّ اسـت[۳].

توجه به فرصت خدمت و امتحان و عدم غفلت از آن

آنچـه شـما بایـد از این چهار سـال بهـره ببرید، پولی نیسـت که به دسـت می‌آید یـا احترام و شـعاری که به نفع شـما داده می‌شـود یا سرشناس شـدن و به‌دسـت‌آمدن جاه و معروفیت یا نـام چنین‌وچنـان آنچـه از این چهار سـال در درجه‌ی اول بایـد مورد توجه و همت ما باشـد، ایـن اسـت که وقتـی در پیشـگاه خـدای متعـال حاضر شـدیم - که خیلـی هـم زود خواهد بـود؛ یعنی اگر شـما صدسـال هم عمر کنیـد، خیلی زود خواهد گذشـت. واقعاً وقتی انسـان گـذر عمـر را نـگاه می‌کند، می‌بیند خیلی سریع گذشـته؛ مـا غافلیم که خیـال می‌کنیم طول می‌کشـد؛ نه، به‌سـرعت برق می‌گذرد - ذخیره‌ای را در دسـتمان خواهیم داشـت و آن، چهار سـال خدمت و کار است[۴].

ایـن موقعیت‌هـای ظاهری و ایـن عناوین و ریاسـت و مدیریت و نمایندگـی و اعتبار مردمی و این‌هـا می‌گـذرد؛ آنچـه کـه بـرای مـا و شـما باقـی می‌مانـد، عمـل ما اسـت که اگـر عمل

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.
۲. سوره آل‌عمران، آیه ۱۴۰.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۶/۰۳/۰۷.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

نیک و عمل صالح با نیت خوب و درست انجام داده باشیم در این سال‌هایی که بر ما می‌گذرد با این عناوین و با این خصوصیات، ضرر نکردیم اگر چنانچه خدای‌نکرده این دوران مسئولیت و مأموریت و نام‌ونشان و عنوان، برای ما دستاوردی نداشته باشد، یا اگر خدای‌نکرده بر روی ما تأثیر منفی گذاشته باشد و ما را بدهکار کرده باشد، این بدترین سرنوشتی است که ممکن است برای امثال ما و شما، این مسئولیت‌ها رقم زده باشد باید به این مسئله به طور دائم توجه داشته باشیم؛ البته این فرصت - فرصت نمایندگی مردم - یک فرصت مغتنمی است. هر کسی در جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی بتواند یک مأموریتی به دست بیاورد و آن مأموریت را به‌درستی انجام دهد، واقعاً باید خدا را شاکر باشد؛ ولی باید توجه داشت که این فرصت، امتحان بزرگی هم هست ما در حال امتحان‌دادنیم در برجستگی‌های دوران زندگی است که امتحان‌های سخت پیش می‌آید در روال عادی زندگی امتحان هست، لیکن امتحان‌های برجسته و نفس‌گیر معمولاً مال آنجائی است که انسان وارد مقاطع حساس می‌شود که از جمله‌اش همین مسئولیت‌های ماها است. گاهی یک نفر سال‌های طولانی از عمر خود را با امانت و طهارت گذرانده است، بعد می‌رسد به یک مقطع امتحان؛ اگر نتواند در این مقطع امتحان، توانائی خودش را در مهار نفس نشان دهد، لغزش پیدا خواهد کرد. این مقطع حساس، نمایندگی مجلس است؛ مسئولیت‌های دولت‌هایی است؛ مسئولیت‌هایی از قبیل مسئولیت این بنده‌ی حقیر است. این‌ها آن مقاطع حساس زندگی ما است؛ اینجاها باید مواظب خودمان باشیم، مراقب باشیم. گاهی انسان در حال عادیِ زندگی، خوب زندگی می‌کند؛ اما وقتی به پرتگاه رسید، وقتی به نقطه‌ی حساس رسید، وقتی به پیچ خطرناک رسید، نمی‌تواند درست کنترل کند. این را باید به یاد داشته باشیم. «فی تقلّب الأحوال علم جواهر الرّجال»[1] ما خودمان را هم در یک چنین مقاطعی می‌توانیم درست محک بزنیم. معمولاً انسان به خودش خوش‌بین است. ما عیب‌های خودمان را نمی‌بینیم؛ معمولاً محسّنات خودمان را بزرگ‌تر از آنچه که هست، می‌بینیم. این‌طور جاها وقتی که بین خودمان و خدا خلوت کنیم، می‌توانیم ضعف‌های خودمان را، نقص‌های خودمان را پیدا کنیم. یک جا پول

۱. نهج‌البلاغه، قصار ۲۱۷.

هست، یک جا قدرت هست، یک جا وجاهت هست، یک جا شهوات جنسی هست؛ این‌ها امتحان‌های سخت است. آنچه که برای نمایندگان محترم مجلس، برای مسئولان دولتی، برای مسئولان قضائی، برای نیروهای مسلح، برای روحانیون، برای آن کسانی که مجموعه‌ای از این‌ها را با هم دارند، مهم است، این است که با دید نافذِ خودشان مواقع امتحان و مواضع امتحان را بشناسند؛ بدانند که این نقطه، نقطه‌ی امتحان است؛ غفلت نکنیم. اگر توانستیم از این پیچ خطرناک، از این نقطه‌ی حساس از این لب پرتگاه به‌سلامت عبور کنیم، خدا را شاکر باشیم، سپاسگزار باشیم. این، آن نقطه‌ی اصلی و حرف اصلی ما با شما برادران و خواهران عزیز است. در درجه‌ی اول، این نصیحت به خود بنده هم هست؛ به شما می‌گویم تا ان‌شاءالله دل خود این گوینده‌ی حقیر تحت‌تأثیر این حرف‌ها قرار بگیرد و نصیحت شویم، موعظه شویم؛ هم از طرفی قدر موقعیتی را که به ما فرصت خدمت به مردم و خدمت به اسلام و خدمت به کشور و خدمت به نظام را می‌دهد، بدانیم و این را نعمت بزرگ خدا بشماریم؛ هم از آن طرف توجه کنیم که در اختیار داشتن این فرصت، یک خطراتی هم دارد. یک خودروی تروتمیز خوش‌فرمانِ تندرو زیر پای انسان البته موفقیتی است، انسان را به مقاصد می‌رساند؛ اما به همان اندازه خطرات هم دارد؛ باید مراقب بود. این، حرف اصلی ما به شما برادران و خواهران عزیز است. امیدواریم ان‌شاءالله این حرف‌ها در همه‌ی ماها مؤثر باشد[۱].

آنچه برای من و شما می‌ماند و این دعا را مستجاب می‌کند «و لا تهلکنی غمّا حتّی تغفر لی و ترحمنی و تعرفنی الاستجابة فی دعائی»[۲]، عمل امروز ما است که با جدیت باشد، با مجاهدت باشد، بااخلاص باشد، با احساس وظیفه باشد. اگر این‌ها شد، خدای متعال از برخی از کم و زیادها و مسامحه‌ها و مساهله‌ها خواهد گذشت؛ اما مهم این است که ما همتمان بر این باشد که ان‌شاءالله کار را تمیز و طاهر و بی حاشیه و با نیتِ خوب و با جدیت انجام دهیم[۳].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.
۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۰؛ الإقبال ، ج ۱، ص ۳۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۶۸.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

امتحان الهی دانستن مسئولیت نمایندگی

نمایندگی هم برای شما امتحان است. همه حوادث در زندگی فرد مؤمن امتحان است. از حوادث کوچکی که داخل خانه یا محیط کار شما و با دوستانتان و در معاملات روزمرّه‌تان پیش می‌آید تا حوادث بزرگ، تا کارهای تعیین‌کننده، تا یک امضای کارآمد، تا یک سخن مؤثّر که از شما صادر می‌شود، همه‌وهمه امتحان است. ﴿لیبلوکم ایّکم احسن عملاً﴾[۱]. این، خلاصه مطلب است. اساس فهم و رؤیت دینی در باب حیات انسان این است که اگر فرد انسانی، در مجموع این امتحانات از عهده برآمد، سعادتمند و برخوردار از فلاح است. اگر خدای‌نکرده ما در این امتحانات شکست بخوریم و از عهده امتحان برنیاییم، آن وقت خسران است. بین فلاح و خسران، یک لحظه کوتاه فاصله است. آن لحظه کوتاه هم رهین اراده و نیّت و همّت فرد انسانی است. به نمایندگی مجلس به این چشم نگاه کنید. به مسئولیت‌های مهمّ و پر سروصدا و پرآوازه در جامعه به این چشم نگاه کنیم. به شهرت‌ها و مأموریت‌ها و ثروت دنیا و اقتدار اجتماعی و نفوذ مردمی، باید به چشم امتحان نگاه کرد[۲].

تأثیر رفتار، تقوا، امانت اخلاق و احساس مسئولیت نماینده در جامعه

رفتار نمایندگان در تربیت جامعه و سوق‌دادن جامعه به این طرف و آن طرف مؤثر است. اگر تقوا و امانت و اخلاق و احساس مسئولیت و نشاط کار در مجلس دیده شود، این در جامعه اثر می‌گذارد؛ در درجه‌ی اول مردم را نسبت به نمایندگان مجلس علاقه‌مند و خوش‌بین و متعهد می‌کند در درجه‌ی بعد رفتار آن‌ها را به رفتار این نمایندگان عزیز - که خب قله هستند، چهره هستند، برجسته هستند - نزدیک می‌کند. اگر در تعبیراتی که نماینده‌ی محترم مجلس به کار می‌برد؛ چه در نطق‌های پیش از دستور، چه در اظهارات، چه در بگومگوها، ملاحظه شد که ادب وجود دارد، پرهیز از اهانت وجود دارد، پرهیز از تعبیرات ناپسند و سخیف وجود دارد - دیدن این‌ها را انسان احساس می‌کند؛ وقتی انسان

۱. سوره ملك, آیه ۲.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

پای رادیو نشسته است و دارد گوش می‌دهد، می‌فهمد که این آقا می‌توانست در اینجا این تعبیر اهانت‌آمیز را به کار ببرد، ولی به کار نبرد - این در منِ مستمع هم اثر می‌گذارد؛ اما اگر چنانچه نه خدای‌ناکرده عکس این دیده شد؛ یعنی ناپرهیزی در بیان در گفتار در تعبیرات، تعبیرات اهانت‌آمیز یا غیرمؤدبانه یا رفتار غیرمؤدبانه دیده شد، این بلافاصله اثر می‌گذارد. یعنی آن شنونده با اینکه این رفتار را تحسین نمی‌کند درعین‌حال خودش تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. مردم مثل بچه‌ای نیستند که از رفتار پدر تأثیر می‌پذیرد، بدون اینکه زشتی یا خوبی آن رفتار را بفهمد؛ نه، مردم زشتی و خوبی رفتار را می‌فهمند؛ طبیعت قضیه این‌جوری است. شما ملاحظه کنید؛ در محیط‌های مختلف، جماعات مختلف، کسی یک کاری را می‌کند؛ تعبیری را، حرفی را بر زبان می‌آورد؛ انسان خوشش هم نمی‌آید، اما درعین‌حال تأثیر می‌گذارد؛ یعنی تکرار آن رفتار را برای انسان تسهیل می‌کند، آسان می‌کند؛ طبیعت قضیه این است[1].

سرریزشدن رفتار، آداب، خلقیات و چگونگی تعامل نمایندگان به جامعه

بدانید شما مثل یک قله هستید؛ آنچه از دل این قله می‌جوشد بر دامنه و پیکره سرازیر می‌شود. رفتار، آداب، خُلقیات، چگونگی تعامل در مجلس شورای اسلامی، مثل بقیه‌ی قله‌هایی که در کشور وجود دارد بر روی رفتار، آداب، اخلاق و منش آحاد جامعه اثر می‌گذارد؛ این یک امر طبیعی است، یک امر همیشگی است. اگر در مجلس، عقل و فکر و طمأنینه و سکینه و آرامش و محبت حکم‌فرما باشد و از بلندگوهای مجلس این قضیه در سطح جامعه منعکس شود، همین خصوصیات به‌تدریج در جامعه اثر می‌گذارد. اگر در مجلس تشنج باشد، بغض باشد، کم‌کاری باشد، این باز به نوبه‌ی خود در رفتار مردم منعکس می‌شود؛ این تأثیر، طبیعی است. این تأثیر، دفعی و برجسته و نمایان نیست، اما به‌مرور و به‌تدریج آثار خودش را نشان می‌دهد؛ این، مسئولیت مسئولان محترم را افزایش می‌دهد؛ لذا به نظر من، دوستان عزیز و نمایندگان محترم از این نقطه‌نظر هم بر روی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

منـش و رفتار خودشـان یک مراقبت کاملی داشـته باشـند[1].

یک: نوع حق بودن طرح یا لایحه برای مردم بر دوش نمایندگان

کارکـردن بـر روی لوایـح و طرح‌هـا، یـک وظیفه‌ای اسـت به عنـوان ادای حق مـردم - این که حـالا یـک امر قطعی و روشـنی اسـت - یعنـی وقتی لایحـه‌ای به مجلـس می‌آید یـا طرحی را شـما در مجلـس تهیـه می‌کنیـد و می‌خواهید ایـن را در یک بخشـی از بخش‌هـای کشور که می‌توانـد جـدول فعالیـت کلان کشور را پر کنـد، به کار بیندازید، دقت شـما، مراقبت شـما، اهتمـام شـما، تحقیـق شـما، مطالعـه‌ی شـما، که بـه پخته‌شـدن این طـرح یا لایحـه کمک می‌کند، یک حقی اسـت بـرای مردم بر دوش شـما. لایحه‌ای به مجلس می‌آیـد - بنده خودم هـم در مجلـس بودم و این مـوارد را از نزدیک تجربـه کردم - وقتی که لایحه بـه کمیسیون داده می‌شـود و در معـرض دید ایـن نماینده قرار می‌گیـرد، گاهی با این لایحه مثـل یک کار مربوط بـه شـخص خود رفتار می‌کنـد؛ دقت می‌کند، مطالعـه می‌کند، تحقیق می‌کند با کارشـناس می‌نشیننـد مباحثـه می‌کند، مطلـب را در ذهن خود بـه‌صورت محقَّق ترسیـم می‌کند؛ گاهی هـم نـه لایحـه می‌آیـد یـا مـثلاً طرحـی در مجلـس می‌خواهـد تصویـب شـود، ایـن نماینده خیلـی محتـوای لایحـه و طـرح را نمی‌داند، خیلی احسـاس مسـئولیت نمی‌کنـد، رسیدگی نمی‌کنـد؛ نـه در کمیسیـون، نه در صحـن مجلس. ایـن رأی آری یا نه او به یـک چنین لایحه یـا طرحـی، خالی از شـبهه نیسـت؛ رأی ممتنع او هم خالی از شـبهه نیسـت. ما کـه نیامدیم اینجـا بنشینیـم رأی ممتنـع بدهیـم؛ مـا آمده‌ایـم بگوئیم این بشـود، ایـن نشـود. رأی ممتنع مـال آنجائی اسـت که انسـان زحمـت خودش را کشیـد، کار خـودش را کرد، بالاخـره ذهنش بـه جـایی نرسید؛ خـب، اینجا البتـه انسـان رأی ممتنع می‌دهـد؛ مثل فقیـه و مجتهدی که زحمـت خودش را می‌کشـد بـه منابع مراجعـه می‌کند، ادلـه‌ی اجتهادی و ادلـه‌ی فقاهتی را می‌بینـد، بعـد ذهنش به جایی نمی‌رسـد؛ می‌گوید خـب، اینجا احتیاط کنیـد؛ می‌گوید من رأی نـدارم، فتـوا نـدارم رأی ممتنع مال اینجا اسـت؛ اما اینکـه ما مطالعه نکنیـم، کار نکنیم، بعـد بـرای اینکه خودمـان را اسیـر آری یا نـه بی‌دلیل و غیرمسـتند نکـرده باشیـم، می‌گوئیم

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

خیلی خوب، ما رأی ممتنع می‌دهیم! این نمی‌شود. پس یکی از کارهای بسیار مهم و لازم و اصلی در مجلس، همین کار بر روی لوایح است؛ چه لوایحی که دولت می‌فرستد، چه طرح‌هایی که خود شما در مجلس آن‌ها را تنظیم می‌کنید. واقعاً باید کار شود. هرکس اگر اهل اجتهاد در این فن است به‌صورت اجتهادی؛ و اگر چنانچه خودش صاحب‌رأی نیست با مشاوره گرفتن از این و آن به یک نتیجه‌ی قطعی برسد؛ این یکی از کارهای بسیار اساسی است[۱].

لزوم مشاهده اهتمام و جدیت نمایندگان برای بقای اعتماد مردم

بی‌شک نباید متوقع بود که همه‌ی مشکلات در زمانی کوتاه از میان برود. لیکن آنچه مردم را خرسند و خشنود می‌سازد. مشاهده‌ی اهتمام و جدیت نمایندگان و لمس‌کردن آثار محسوس آن است و اگر این انتظار برآورده نشود، اعتماد آنان به برگزیده‌ی خود نیز دیری نخواهید پایید[۲].

دو: استقلال

استقلال نمایندگان و شخصیت متین و استوار آنان، مورد انتظار همه‌ی موکلان است. هیچ تطمیع و تهدیدی نباید نماینده را تحت‌تأثیر بگیرد و او را از شأن و وظیفه‌ی نمایندگی باز دارد. شایسته‌گزینی و ارزش‌گرایی و شجاعت، معیار درست برای قول و فعل نمایندگان است[۳].

آزاد و مستقل‌بودن عامل موفقیت در انجام مسئولیت نمایندگی

اگر بخواهید موفّق باشید - همان‌طور که عرض کردم - بایستی آزاد و مستقل باشید. این که من در قضایای انتخابات با ورود وزرا در کار انتخابات مخالفت کردم، یک علّتش همین است البته علل مختلفی داشت؛ یکی از آن‌ها این است جریان‌های مختلف سیاسی،

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار ششمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۰۶.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.

باید در انتخابات و در همه قضایای کشور شرکت کنند. هیچ قضیه‌ای از قضایای کشور در انحصار یک قشر و یک فکر و یک سلیقه سیاسی نیست. همه باید شرکت کنند. این چیزی است که ما به تجربه دریافتیم که صلاح و پیشرفت کشور، بسته به این است؛ لذا در همین قضیه هم بود که ما در مقدّمات کار، تشویق کردیم که جریان‌های مختلف در امر انتخابات وارد شوند همیشه همین‌طور است و در آینده هم جریان‌های مختلف را برای ورود در میدان‌های اجتماعی تشویق خواهیم کرد؛ اما ما وزرا را صریحاً نهی کردیم و گفتیم وزرا حق ندارند وارد شوند یک علّتش همین است که قوّه مجریّه با قوّه مقنّنه نباید تداخل کند هر دو به عنوان دو قوّه در یک جبهه هستند و برای کشور کار می‌کنند؛ اما دو کار می‌کنند نمی‌شود یک نفر، هم بازیکن و هم داور باشد؛ هم خط معین‌کننده و هم اجراکننده باشد[۱].

نبودن استقلال مجلس به معنای اختلاف داشتن با دولت

بنده به استقلال مجلس خیلی اهمیت می‌دهم و معتقدم واقعاً مجلسِ مستقل یکی از نعم بزرگ است. بعضی تصور می‌کنند، بعضی هم این را هی توی رسانه‌ها مطرح می‌کنند؛ خیال می‌کنند مظهر استقلال از دولت، پریدن به دولت است. این‌جوری نیست. بحث این دولت و آن دولت نیست؛ در همه‌ی دوره‌ها، توی این چند سال می‌دانید دولت‌های مختلفی بودند بنده همیشه همین را تذکر دادم استقلال از دولت معنایش این نیست که آدم باید دائم با دلیل و بی‌دلیل، هی بپرد به دولت؛ به این کارش به آن کارش؛ کارهایی که اصلاً لزومی ندارد انسان اعتراض کند خب، یک قانونی بگذارید برخلاف آن جهتی که او دارد حرکت می‌کند به هر حال این‌ها چیزهای لازمی است[۲].

این استقلالی که بحمدالله قوه مقنّنه ما دارد، چیز خیلی با ارزشی است. استقلال به معنای دعواکردن با دولت و مسئولان اجرایی نیست؛ به معنای ضدّیت و مخالفت نیست - همه قوا باید با هم همدست و همکار باشند و به هم کمک کنند - استقلال به معنای

۱. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.

ایـن اسـت کـه مصلحـت کـشور و مصلحت مـردم نبایـد فـدای هیچ چیز شـود. دسـتگاه مقنّنـه طبیعتش این اسـت که برای جریـان امور به‌وسیله قوه مجریّه، خطوطـی را ترسیم کند؛ ایـن کار را بـا دقّت و بـا وجدان حقیقـی کاری انجام دهد کـه بحمداللّه تاکنون ایـن‌طور بوده اسـت مجلس ما، بـرخلاف آنچه که انسـان در بسیـاری از مجالس دنیا مشـاهده می‌کند که مرکز نزاع‌ها و کشـمکش‌ها و آشـوب‌ها و معاملات بسیار زشـت و خلاف دین و شرع هستند، این‌طور نیسـت این ارزش اسـت؛ ایـن را با همه وجـود نگهدارید[1].

سه: شجاعت

بعضـی از آن‌هـا (اعضـای مجلس ملـی)[2] افتخار می‌کردند که در آن جلسـه‌ای که سـلطنت ایـران بـه خانـدان فاسـد و ننگین پهلوی داده شـد، حـضور نداشـتند! در حالی که بایسـتی می‌بودند و مخالفت می‌کردند بعضی وابسـته و فاقد اسـتقلال بودند. شـجاعت هم داشتند؛ امـا آن شـجاعت را در جهت باطل و خلاف حـق به کار می‌گرفتند. جیب‌ها و شکم‌هایشـان از مـال حـرام، پر بود طمعِ رشـوه، طمعِ رسیدن بـه مقامات، طمعِ کمکِ فلان‌کسـی که ممکن اسـت قدرت را در دسـت بگیرد یا امروز بر سـر قدرت اسـت، چنـان آن‌ها را گیـج می‌کرد که نمی‌فهمیدند مسـئولیت چیسـت. احساس مسـئولیت نبود، استقلال نبود، شـجاعت نبود، آگاهـی و معرفت و فرزانگـی نبود و کار به آنجا رسید و الّا اگـر مشروطیت در آغاز کار، منطبق بـا خواسـته رهبـران واقعی و مخلـص و مؤمـن آن نهضت - که بلاشـک برتریـن آن‌ها علمای بزرگ بودنـد - و هرکـس منکـرِ ایـن حقیقت شـود، منکرِ ضروریات و واضحات شـده اسـت چنـان که عده‌ای منکر می‌شـوند و امروز برای گذشـته ما تاریخ می‌نویسـند و حقایق را انکار می‌کننـد - بـه پیش می‌رفت، کـشور ما پنجاه سـال در حسّـاس‌ترین مقاطع تاریـخ جهان از قافلـه عقـب نمی‌مانـد مـا پنجاه سـال ضرر کردیـم. ما ملت ایـران به خاطـر تسـلّطِ آن قلدر بی‌سـواد و خانـدان و فرزندان و کسـان و همراهانش؛ یعنی تسـلّط قدرت‌های مسـلّط بر این کـشور - که در نیم‌قـرن آخرِ قبل از پیروزی انقلاب، انگلیسـی‌ها و بعد هـم امریکایی‌ها بودند

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰.

۲. داخل پرانتز در بیانات نیست باتوجه به مطالب قبلی، مرجع ضمیر بیان شده است.

- و نیـز به خاطر کوتاهی مجلس، ضرر کردیم و دچار خسـران شـدیم. مجلس می‌توانسـت از اوّل جلـو ایـن ضرر را بگیرد شـما به تاریـخ دوران مشروطیت کـه نگاه کنیـد، می‌بینید هر جا مجلـس از خـود قدرتی نشـان داد در مقابـل آن قدرت، همه مجـبور شـدند راه و روش خود را اصلاح کننـد؛ لذا، دشـمن در مجلـسِ آن وقت نفوذ کـرد: ﴿تلک امة قد خلت لها ما کسـبت و لکم ما کسـبتم﴾[1] این‌ها عبرت اسـت[2].

چهار: فرزانگی و به‌کارگرفتن فکر، علم و تخصص

عمل به تشخیص خود، ضمن بهره‌مندی از نظر کارشناس

وقتـی کـه مـا می‌گوییـم نماینـدگان مجلـس مسـتقل باشـند، یعنی به تشـخیص خودشـان نـگاه کنند. البته از کارشناسـان بایـد مدد بگیرند. کارشناسـان، هـم در وزارتخانه‌ها و هم در دانشـگاه‌ها و هم در خود مجلس هسـتند. بحمدالله امروز ما کارشـناس کم نداریم. من روزی دغدغه کارشناسـان ناسـالم را داشتم و در دوره گذشـته که نمایندگان مجلس در اوّل دوره به ایـن جـا آمـده بودند، هم بـه آن‌ها و هم به مسـئولان کـشور و کارگـزاران امور اجـرایی گفتم که مراقب کارشناسـان باشید. کارشناسـی را شما نمی‌شناسید کیسـت؛ اما ورقه کارشناسی‌اش روی میـز کار شماسـت احیاناً امضای یک کارشـناس مهمّ مؤیّد به امضـای یک مدیر یا یک وزیـر هم روی میز شماسـت بفهمید کارشـناس کیسـت کارشـناس گاهی توجیهـی می‌کند کـه صاحـبِ کار و کننـده کار از فلسـفه آن توجیـه بی‌اطّلاع اسـت مـا در تجربـه طولانی کار اجـرایی بـه این معانـی از نزدیـک رسیدیـم. الان هم مـن مراقب مسـائل هسـتم و کارهایی را کـه به مجلس یـا به دولت و یا بـه بخش‌های مختلف داده می‌شـود، مشـاهده می‌کنم. امروز بحمـدالله مـا دچار کمبود در امر کارشـناس نیسـتم. ما در سـازمان برنامـه و وزارتخانه‌ها و در خـود مجلس، کارشناسـان خوب و مؤمـن و حزب‌اللّهی داریم. از کارشناسـان باید اسـتفاده کـرد؛ اما شـنیدن حرف کارشـناس بـرای سـهولت تصمیم‌گیری و تدبّـر و تأمّـل روی آن، یک حـرف اسـت و رعایـت خواسـت یک مسـئول اجـرایی در امـر لایحه و طـرح قانونـی و غیره،

---

۱. سوره بقره، آیه ۱۳۴.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۳/۰۳/۱۱.

حرف دیگر اســت. دومــی منفی اســت؛ ولی اولی مثبت اســت[۱].

لزوم استفاده از آگاهی علما، تجارب و نظرات شورای نگهبان

نماینــدگان محترم لازم اســت که با دقت و رعایتــی به‌اندازه، مصوبات مجلــس را از مخالفت بــا مــقررات شــرعی، برکنــار بدارند و بــرای این منــظور از آگاهی‌هــای علمای دیــن و تجارب نماینــدگان دوره‌هــای قبل و از همه بالاتر از نظرات شورای محتــرم نگهبان در مراحل تصویب لوایح و طرح‌هــا بهره‌گیری کنند[۲].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.

فصل دوم
مبانی دینی قانون‌گذاری

قضیه‌ی نمایندگی از مردم در تفکر اسلامی، ریشه‌ی بسیار عمیقی دارد. قضیه این نمایندگی، قضیه‌ی پیروی‌کردن از عرف متداول دنیا و چون حالا در دنیا انتخابات هست، دمکراسی هست، ما هم برای اینکه از دنیا عقب نمانیم، نیست؛ مثل بعضی از این کشورهایی که می‌بینید یک صورت دمکراسی‌ای درست می‌کنند، یک چیزی به اسم مجلس تشکیل می‌دهند که هیچ حقیقتی هم ندارد، یا همان جاهایی هم که حالا انتخاباتی هم هست، همین‌طور است مبنای فکری ما از آن قبیل نیست[1].

اسلامی بودن؛ عامل تفاوت مجلس کشور با مجالس کشورهای دیگر

تفاوت عمده‌ای بین مجلس شورای اسلامی و همه پارلمان‌های دنیا وجود دارد و آن، اسلامی بودن است. شوخی نیست؛ امروز صد و پنجاه سال است که برجسته‌ترین و شریف‌ترین عناصر سیاسی و دینی ملت ما پرچم حاکمیت اسلام را بلند کرده‌اند و پایش سینه زده‌اند و بسیاری در این راه جان دادند؛ امثال مدرّس‌ها، آخوند خراسانی‌ها و سید جمال‌الدین‌ها. قضیه این‌طوری است. این، مربوط به امروزِ ما نیست که بگوییم دین و سیاست یکی است، عدّه‌ای هم بگویند یکی است؛ اما یک عدّه هم بگویند نه خیلی هم یکی نیست! حرفِ امروز نیست؛ این حرف، صد و پنجاه سال ریشه دارد پدرِ برجسته‌ترین زبدگان این کشور در راه مبارزه برای این فکر درآمد؛ هزاران جانِ پاک در این راه شهید شدند؛ مدرّسِ به آن عظمت سینه را برای این قضیه سپر کرد؛ اصلاً مشروطیت ایران برای همین پیش آمد، اگرچه بعد منحرفش کردند؛ عدّه‌ای بد و ناشیانه عمل کردند؛ عدّه‌ای هم متّکی به قدرت‌های خارجی زرنگی کردند و آن را از دست مردم قاپیدند؛ بعد هم که امام بزرگوار آمد از اوّل حرکتش را بر این اساس قرار داد و ملت ایران هم این را خواستند و می‌خواهند من به شما بگویم حتی ملت‌های لائیک‌ترین دولت‌هایی که امروز حول‌وحوش ما هستند، همین‌طورند - من حالا اسم آن کشورها را نمی‌آورم، خودتان در ذهنتان مجسّم کنید - یعنی اگر شرایطی ایجاد شود، انسانی مثل امام و زمینه‌ای مثل آن روز در این کشورها به وجود آید و پرچمی بلند شود، همین ملت‌هایی که می‌بینید

---

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

دولت‌هایشان دم از لائیک و لائیسم می‌زنند و هرکس ذرّه‌ای علیه تفکّر سکولاریستی دم بزند یا حرکت کند، پدرش را در می‌آورند، دور این پرچم جمع خواهند شد. اسلام این است و این درست است و به صلاح ملت‌هاست؛ ملت‌ها این را می‌دانند. اگر امروز احکام اسلام در این مملکت اجرا شود؛ یعنی من و شما این توفیق را بیابیم که احکام اسلامی را اجرا کنیم، همه این گره‌ها و مشکلات باز و حل خواهد شد. ما هرچه عقب‌مانده‌ایم، به‌خاطر این است که در این زمینه‌ها یا کوتاهی کرده‌ایم یا نشده است. این فریاد صد و پنجاه سال است که در بین مسلمانان بلند است. مگر می‌شود از آن برگشت؟ حال مظهر این تلاش صد و پنجاه‌ساله که محصول خون هزاران جانِ پاک است - آن‌هایی که شهید شدند، آدم‌های معمولی نبودند که شهید شوند؛ مجاهدان، فداکاران، انسان‌های سرافراز، رشید و شجاعی بودند که وارد میدان شدند و جانشان را دادند - چیست؟ مجلس شورای اسلامی، دولتِ جمهوری اسلامی، نظام اسلامی. اینها، محصول این‌همه تلاش است. فرقِ مجلسِ شورای اسلامی با سایر پارلمان‌های دنیا این است. معنای این‌که باید حکم و قانون منطبق بر اسلام باشد، همین است[1].

شأن بی‌نظیر مجلس شورای اسلامی

غیر از وزن و ملاک حقوقی که در همه‌ی مجالس وجود دارد و همه‌ی مجالس را در سطح عالی می‌نشاند، ما یک معیار دیگری و یک ملاک دیگری داریم که آن عبارت است از وزن حقیقی که این در یک جاهایی هست، در یک جاهایی نیست. با این دید که نگاه کنیم، آن‌وقت معلوم می‌شود که جایگاه مجلس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی کجا است؛ من این را می‌خواهم بگویم. شأن و جایگاه شما به عنوان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی در ایران اسلامی، در این دنیایی که ما داریم مشاهده می‌کنیم بی‌نظیر است. شما مجلس شورای اسلامی هستید. امام رضوان‌الله علیه روی کلمه‌ی اسلامی تأکید کردند. در دوره‌ی اوّل که ما نماینده بودیم، بعضی‌ها همان وقت چیز دیگری می‌گفتند، امام گفتند نخیر، مجلس شورای اسلامی. پس شأن مجلس شورای اسلامی خیلی بالا است؛ یعنی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷.

در مقـام مقایسـه میـان این مجلـس و مجالس دیگـری کـه امروز در دنیا مشـاهده می‌کنید، مـا نمی‌توانیـم بی‌تفـاوت بمانیـم. از امتیازاتی که این مجلـسِ موجود در کشور مـا دارد از اوّل انـقلاب تا حالا، این مجلس شـکل‌های گوناگونی و گرایش‌های سیاسـی گوناگونی داشـته در این تردیدی نیسـت؛ همـه‌ی دوره‌ها یکسـان نبودند[۱].

تفاوتشان و وزن حقیقی مجلس شورای اسلامی متکی به وحی با سایر مجالس

در کنـار این شـأن حقوقـی، یک آزمونگاه دیگـر هم وجود دارد کـه آن را هم باید محاسـبه کرد و آن عبـارت اسـت از شـأن حقیقـی و وزن حقیقی مجلـس. خیلی خب، حـالا فهمیدیم که مجالـس قانون‌گـذاری دموکراسـی‌های دنیـا ایـن اعتبـار را از نظر عـقلا دارند، منتهـا آیا وزن حقیقی این مجالس یکسـان اسـت؟ از لحاظ حقوقی مثل هم هسـتند، امّا از لحاظ حقیقی یکسـان‌اند؟ نـه، آن مجلسـی که متّکی باشـد به وحـی، به دین، متّکی باشـد به انسـان‌های پاک‌دسـت، انسـان‌های مؤمن، پرهیزکار، آن مجلس یکسـان نیسـت با مجلسـی که متشکّل از انسـان‌های لاأُبالـی اسـت؛ حالا به هر دلیلـی در کشور خودشـان انتخاب شـده‌اند، منتها یک انسـان والا نیسـتند، یک انسان برجسته نیسـتند، یک انسـانی که آدم بتواند در مسئله‌ی شـخصی بـه آن‌هـا اطمینـان بکنـد نیسـتند، چه برسـد بـه مسـئله‌ی اجتماعـی و عمومی. مجلسـی که متشـکّل از این‌جور انسـان‌ها اسـت، وزن حقیقی‌اش با آن مجلسـی که متشکّل از انسـان‌های پرهیـزکار و والا اسـت از زمیـن تا آسـمان فـرق دارد. یا فرض بفرمایید مجلسـی کـه همّـش و همّتـش متوجّه به این اسـت که بـه عدالت خدمـت بشـود، از تضعیف ضعفا و از فشـار بر مسـتضعفین به‌شـدت اجتناب داشـته باشـد و جلوی آن بِایسـتد، این مجلس یکسـان نیسـت بـا آن مجلسـی کـه کارش کمـک بـه ظلم اسـت، کمک بـه تبعیض اسـت، کمـک به فاصله‌ی طبقاتی اسـت، کمک بـه آزاردهندگان به افراد بشـر اسـت، مثلاً کمک به قاتلین غزّه اسـت؛ این‌ها یکسـان نیستند[۲].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

تفکر اسلامی؛ عامل مشروعیت نظام اسلامی، رهبری و مجلس

مشروعیت این نظام به تفکّر اسلامی و به استواری بر پایه اسلام است؛ مشروعیت مجلس و رهبری هم بر همین اساس است. امام یک وقت فرمود: «اگر من هم از اسلام روی برگردانم، مردم مرا کنار می‌گذارند». راست هم می‌گفت مردم امام را به اسلام شناختند؛ به‌خاطر فداکاری و عظمت او در راه اسلام دنبالش راه افتادند، که همه ما، بنده و شما هم همین‌طور هستیم اگر ما از این راه منصرف و منحرف شویم، خودمان ضرر می‌کنیم؛ اما این حرکت و جریان راه افتاده و متوقف‌شدنی نیست حقیقتاً نظام اسلامی به ما و امثال من و شما وابسته نیست امام یک وقت می‌فرمود: «نظام اسلامی به من وابسته نیست» ما واقعاً تعجّب می‌کردیم، چون امام خالقِ این انقلاب و در واقع پدیدآورنده این نظام بود و واقعاً تفکیک بین بقای امام و بقای نظام هم برای ما مشکل بود؛ اما امام قُرص و محکم می‌گفت نخیر، نظام اسلامی به من وابسته نیست حالا وقتی امامِ با آن عظمت، وجودش ملازم با وجود نظام نباشد و با نبودن او این مردم انقلاب و اسلام را حفظ کنند، دیگر امثال من چه جای حرف‌زدن دارند که بگوییم اسلام و نظام به من وابسته است! نه؛ صدها نفر از قبیل ما باید قربان اسلام شویم؛ جانمان، مالمان، آبرویمان را بدهیم تا نظام اسلامی بماند و پایه‌های آن استوار شود. آنچه را که دشمن هدف گرفته، این است؛ باید به این موضوع توجّه داشت دشمن، سیاسی و سیاست‌مدار است؛ مغزِ طرّاحِ سیاسی دارد، فکر می‌کند که چه‌کار باید بکند یکی از طراحی‌ها این است که حرف آخر را اوّل نزنند؛ آرام آرام و به‌تدریج طلبکاری ایجاد نمایند و طرفِ مقابل را وادار به عقب‌نشینی کنند به مجردی که عقب‌نشینی کردید، طلبکاری دیگری شروع خواهد شد حالا بعضی‌ها می‌گویند چیزی بدهیم، چیزی بگیریم! بدهیمش درست است، بگیریمش درست نیست؛ هیچ چیز نخواهند داد. شعارهایی را درست می‌کنند؛ ایران را در محور شرارت گذاشته‌اند. فلان کارها را بکنیم تا ما را از محور شرارت بردارند! این شد حرف؟! غلط کردند گذاشتند که حالا بخواهند بردارند دوباره و هر وقت لازم شد، ما را در محور شرارت می‌گذارند اگر قرار است قدرتی این امکان و توان را پیدا کند که اخم‌هایش را در

هـم بکشـد و بگویـد من قـوی هسـتم و می‌زنـم و می‌بـرم و می‌بندم؛ حواسـتان جمع باشـد، انسـان جـا بـخورد، ایـن جاخوردن، حـدّ یقف نـدارد؛ شـما این سـنگر را عقـب می‌نشینید، فـرض کنیـد فلان الحاقیه را قبـول می‌کنید، بعد یـک مطالبه دیگری را مطـرح می‌کنند: فلان دولـت غیرقانونـی را به رسـمیت بشـناسید! باز همان فشـارها و همـان تهدیدها بـه مجردی که فلان دولت غیرقانونی را به رسـمیت شـناختید، باز یک درخواسـت دیگر مطرح می‌شـود: اسـم اسلام را از قانـون اساسـی‌تان بردارید! شـما بایـد ذرّه‌ذرّه عقب بنشینید؛ ایـن حدّ یَقِفی نـدارد. مـن این موضوع را بارهـا به بعضی از مسـئولانی که دچار وسوسـه و واهمه‌هایی بودند، گفتـه‌ام که حدّ یَقفِ فشـار آمریکا کجاسـت؛ آن را مشـخّص کنیـد، که اگر به آنجـا رسیدیم، دیگـر بعـد از آن هیـچ فشـاری علیـه مـا نخواهد بـود من عـرض کنم حـدّ یقف کجاسـت؟ آنجـایی اسـت که شـما - که چنین حقّی را نه شـما دارید، نه من - از طـرف ملت ایران اعلام کنیـد کـه مـا اسلام، جمهوری اسلامـی و حکومـت مردمی را نمی‌خواهیم؛ هرکسـی که شـما مصلحـت می‌دانیـد، بیاید در این مملکت حکومت کند! این حدّ یَقِف اسـت؛ اوّلِ اسـارت مملکـت. مگـر می‌توانیـم؟ من و شـما مگر می‌توانیـم مملکت را به دسـت دشـمن بدهیم؟ مگـر ما چنیـن حقی داریـم؟ این ملت مـا را برای ایـن سـرِ کار نیاورد[1].

رعایت احکام الهی؛ عامل مشروعیت مجلس

مشروعیـت مجلـس به رعایـت احکام الهی اسـت، و در نظـام اسلامی همـه‌ی ارکان و اجزاء نظـام، چنین‌انـد. نماینـدگان محتـرم لازم اسـت که بـا دقـت و رعایتـی به‌انـدازه، مصوبات مجلـس را از مخالفـت بـا مـقررات شـرعی، برکنـار بدارند و بـرای ایـن منـظور از آگاهی‌های علمـای دیـن و تجارب نماینـدگان دوره‌های قبـل و از همه بالاتـر، از نظـرات شورای محترم نگهبـان در مراحـل تصویـب لوایـح و طرح‌ها بهره‌گیـری کنند[2].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.

ضرورت بودن مسئله اقلیت و اکثریت و امضای آن توسط اسلام

خوب، مسئله‌ی اقلیت و اکثریت هم یک ضرورت است؛ اگر چه ما در اسلام به این صورت چیزی نداریم که آنجایی که آراء مختلف شد، اکثریت را بر اقلیت ترجیح دهیم، لکن یک چیز لا بدّ مِنه‌ی است که در مسائل گوناگون بشری پیش می‌آید. وقتی پنج نفر درباره‌ی یک چیزی تصمیم‌گیری می‌کنند، اگر سه نفر بر این امری که به سرنوشت پنج نفر ارتباط دارد اتفاق‌نظر کردند، آن دو نفر قاعدتاً باید تسلیم بشوند؛ این هم یک چیز عقلایی روشنی است که اسلام این‌ها را تصویب و امضای کرده است[۱].

تعلق ولایت به خداوند در بینش اسلامی

ما یک مبنای روشنی داریم در بینش اسلامی، ولایت متعلق به خداست؛ یعنی هیچ احدی بر دیگری ولایت ندارد. این که زیدی که بنده باشم، به عمروی که شما باشید، بگوید آقا شما باید آن‌جور که من می‌گویم عمل کنید؛ نه، این را در اسلام نداریم[۲]. هیچ‌کس بر کس دیگری ولایت ندارد. ولایت مال خداست. اگر خدای متعال برای این ولایت مجرایی مشخص کرد و روشن کرد، این مجرا می‌شود همان مجرای الهی و موردقبول و قابل اتّباع، که این مجرا را خدای متعال مشخص کرده است؛ در اسلام مشخص شده است[۳].

ترسیم شکل اجرایی عبور به ولایت الهی توسط قانون اساسی

قانون و اجرا بایستی با معیارهای خدایی و با مقررات الهی باشد؛ یعنی با احکام اسلامی یا با احکام مشخص یا با کلیات و آنچه که از اسلام دانسته شده و فهمیده شده است، منطبق باشد و معارض نباشد. افرادی هم که مجری هستند، مشخصات و خصوصیاتی دارند؛ باید عادل باشند، فاسق نباشند - خصوصیاتی که در قانون اساسی ما متجسد شده - و قانون اساسی هم همان شکل اجرایی و دالان عبور به سمت آن چیزی است که

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۳. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

ولایت الهی بـرای ما ترسیـم می‌کند[۱].

ولایت الهی بودن نمایندگی و قانون‌گذاری

بنابرایـن، ولایتـی که امروز شـما دارید - قانون‌گذاری، ولایت اسـت - یک ولایت الهی اسـت؛ ریشـه در ولایـت الهـی دارد؛ برخاسـته و پدیـد آمـده از ولایت الهی اسـت. این مردم‌سـالاری دینـی که مـا می‌گوییم، معنایش این اسـت؛ یعنی نماینـده‌ی مجلـس شورای اسلامی از این طریقـی کـه در قانون اساسـی برای مجـاری اعمال ولایت الهی معین شـده، یـک ولایتی پیدا کـرده اسـت که این شـد یک تکلیـف؛ بنابراین آنچه کـه در مجلـس شورای اسلامی تصویب می‌شـود، بـرای مـنِ شـخصی و نوعـی واجب‌الاتّباع اسـت و بایسـتی بـر طبق او عمـل کنم. ایـن مبنـا، مبنای اسلامی اسـت. در نگاه افـرادی که از این مبنـای اسلامی دورنـد، وقتی که به مسـئله نـگاه می‌کنیـد، می‌بینیـد تناقـض و تهافت زیاد اسـت. یـک روز کـه آراء مردم به نفـع یک جماعتی باشـد، آراء مـردم اهمیت پیدا می‌کنـد، جمهوریت اهمیت پیـدا می‌کند «و ان یکـن لهـم الحقّ یأتـوا الیه مذعنیـن»؛ اگـر حق به جانب آن‌ها داده بشـود، حـق را قبول می‌کنند[۲].

قانـون جنبه‌ی الـزام‌آور و حاکمیتی و ولایتی دارد. شـما با قانون دارید اعمـال ولایت می‌کنید بـر جامعـه، اعمال اقتـدار می‌کنید بـر جامعه؛ لـذا قانون الزام‌آور اسـت. این‌هـا به‌جای خود محفوظ و درسـت. یعنی طرف شـما در جامعه که آحاد مردم - از جمله خود شـما - هسـتند در زیر اقتدار قانـون قرار می‌گیرند[۳].

اعمال ولایت الهی؛ پایه مردم‌سالاری دینی

مهم‌تریـن چیـزی که در بـاب مجلـس شورای اسلامی وجود دارد، این اسـت کـه این مجلس مظهـر مردم‌سـالاری دینی اسـت. الگویی کـه نظام اسلامـی در خصوص مردم‌سـالاری دینی

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

به دنیا ارائه داد و در عرصه‌ی سیاست جهانی مطرح کرد، بدون شک تجربه‌ی موفقی از آب درآمد آنچه در آن، هم رأی و اراده و شخصیت و خواست مردم در آینده‌سازی جامعه تأثیر دارد و هم چارچوب این حرکت، ارزش‌های معنوی و الهی است، همان چیزی است که امروز بشریت نیازمند آن است و از نبود آن دارد رنج می‌برد. این جنگ‌ها، استکبارها، ظلم‌ها، شکاف‌های طبقاتی، غارت ثروت ملت‌ها و فقر عجیبی که بر بخش عظیمی از مردم دنیا حاکم است، همه بر اثر نبود معنویت است. این فسادها و احساس پوچی‌ها و هرزه‌درایی‌ها و هرزه‌گرایی‌هایی که در بین نسل‌های گوناگون انسان در سطح دنیا دارد مشاهده می‌شود، همه بر اثر کمبود معنویت است. صدسال پیش، دویست سال پیش، سیصد سال پیش کار را شروع کردند؛ امروز نتایج تلخ آن دارد خودش را نشان می‌دهد؛ مانند همه‌ی حوادث تاریخی که بلافاصله اثر آن معلوم نمی‌شود با گذشت زمان - مثل بیماری‌های دیر بروز و دیر علاج یا بی‌علاج - خودش را در دنیا نشان می‌دهد. علی‌رغم ثروت انبوه و هنگفتی که امروز خیلی از کشورهای به‌اصطلاح پیشرفته‌ی دنیا دارند - این‌همه پول، این‌همه ثروت، این‌همه علم، این‌همه فناوری، این‌همه ریزه‌کاری‌های گوناگون علمی در زندگی بشر - بشر احساس خوشبختی و عدالت و سعادت نمی‌کند و فقر ریشه‌کن نمی‌شود؛ این بر اثر کمبود معنویت است. ما ملت ایران آمده‌ایم معنویت را به شکل جوهری، اصولی و ریشه‌ای - نه به شکل سرِ بار و تعارفی - در الگوی جدیدِ خود گنجانده‌ایم. مردم‌سالاری دینی، این است. مظهر این مردم‌سالاری، مجلس شورای اسلامی است؛ هم شورا است، هم اسلامی است؛ هم انتخاب مردم است، هم جهت‌گیری اسلامی است، که در اصول متعدد قانون اساسی و در سوگند نمایندگی آشکار است. این الگو، بی‌نظیر است. البته طبیعی است که علیه آن تبلیغات کنند - به تعبیر بازاری‌ها - توی سر جنس بزنند و سعی کنند آن را از چشم‌ها بیندازند و بی‌ارزش وانمود کنند؛ این یک ترفندِ شناخته شده است. در دنیا عالی‌ترین دستاوردها و میراث‌های فرهنگی یک ملت را گاهی کوچک می‌کنند و آن ملت را از آن دستاوردها بیزار می‌کنند؛ در دنیا این کارِ شناخته‌شده‌ای است؛ اما حقیقت قضیه همین چیزی است که ما آن را حس می‌کنیم. مجلس، مهم‌ترین مظهر مردم‌سالاری دینی است؛ بنابراین از جایگاه خودتان

غفلت نکنید. توجه داشته باشید اینجا کجاست و مجلس شورای اسلامی یعنی چه. اهمیت تصمیم و موضع‌گیری را در این مجلس مورد غفلت قرار ندهید. اینجا مرکز و قله و به تعبیری ویترین مجموعه‌ی نظام اسلامی است که جلوی چشم قرار دارد[۱].

اگر یک روزی نگاه آن کسانی که صاحب حق‌اند، یعنی آن مردمی که می‌خواهند این ولایت را طبق دستور قانون اساسی به یک شخصی تسلیم کنند - طبق همان چه که در قانون اساسی متخذ از کتاب و سنت تدوین شده - بر خلاف نظرشان بود، آن وقت اسم این آراء عمومی، اسم این جمهوریت، می‌شود عوام‌گرایی؛ توده‌گرایی! و شرح مبسوطی درباره‌ی غلط بودن نظر توده داده می‌شود که گاهی می‌بینید که در نوشته‌ها از فلان نویسنده‌ی قرن سوم چهارم اسلامی گرفته، تا فلان نویسنده‌ی مسلمان، تا زمان ما؛ برتراند راسل و نمی‌دانم گوستاو لوبون درباره‌ی خطرات آراء عامه و تسلط عامه می‌نویسند که فلان‌کس این‌جور گفت که نظر عامه اصلاً غلط است؛ خطاست! یعنی به‌کلی برمی‌گردد ﴿و إذا دعوا إلی الله و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون و إن یکن لهم الحقّ یأتوا إلیه مذعنین﴾[۲] اگر بگویند بیایید طبق شاخص کتاب و سنت عمل کنید - همان مبنایی که عرض کردیم - رو برمی‌گردانند؛ اما اگر چنانچه به نفع خودشان باشد، آن وقت اذعان می‌کنند؛ قبول می‌کنند! بعد قرآن می‌فرماید: ﴿أ فی قلوبهم مرض أم ارتابوا أم یخافون أن یحیف الله علیهم و رسوله﴾[۳]، مرض دارند. مرض در اصطلاح قرآن «فی قلوبهم مرض» یعنی همان اهواء نفسانی که اراده‌ی انسان را تحت تسلط خودش قرار می‌دهد. این غیر از نفاق است «فی قلوبهم مرض» یک مقوله‌ی دیگری است غیر از مقوله‌ی نفاق که البته در مواردی به نفاق هم منتهی می‌شود «أ فی قلوبهم مرض أم ارتابوا» یا نه شک کردند در مبانی اسلامی «أم یخافون أن یحیف الله علیهم و رسوله؛ می‌ترسند خدا و رسول به آن‌ها ظلم کنند. حالا چرا اصل حق و سخن حق را قبول نمی‌کنید؟

تفکر اسلامی این حرف‌ها را ندارد. تفکر اسلامی بر مبنای یک پایه‌ی محکم، برخاسته

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
۲. سوره نور، آیه ۴۹.
۳. سوره نور، آیه ۵۰.

از ولایت الله با شیوه‌ی مشخص و تدوین‌شده‌ی در قانون اساسی جمهوری اسلامی که خدای متعال به انسان‌ها حق داده که یک حقی را به کسی بسپرند، بنا شده که بگویند آقا! شما بیا برای ما این کارها را انجام بده. مردم هم این حق را در آراء خودشان در مجلس در ریاست‌جمهوری در آن چیزهایی که به آراء مردم وابسته است به افراد می‌دهند؛ بنابراین پایه‌ی مردم‌سالاری دینی این است؛ یعنی یک‌پایه‌ی اصیل و عمیق که حقیقتاً مورد اعتقاد است[۱].

مجلس مظهر اعتماد، محصول رأی و اراده مردم

مجلس شورای اسلامی از جملهی افتخارات کشور و نظام انقلابی ما است، زیرا مظهر اعتماد مردم و محصول رأی و ارادهی آنان و وسیلهی حضور تعیین‌کنندهی آنان در گزینش گردانندگان امور کشور و نیز در تقنین قوانین حاکم بر حرکت عمومی کشور است. مردم، انتخاب نمایندگان را وظیفهی دینی و انقلابی خود میشمرند و بر پایهی معیارهای اسلامی است که کسی را به عنوان نمایندهی خود برمیگزینند. از این رو سمت نمایندگی مجلس، نعمتی الهی و مایهی شکر و مباهات است. مجلس شورای اسلامی تاکنون بحمدالله راه اسلام را پیموده و در جهت هدف‌های انقلاب و رهنمودهای امام راحل (رضواناللهعلیه) سپرده است و انشاءالله همواره چنین باشد[۲].

مجلس شورای اسلامی به معنای حقیقی کلمه، مظهر اراده و حاکمیت مردم است و همان‌طور که تشکیل آن با ارادهی ملت است، تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری کلی آن نیز باید طبق ارادهی مردم و منطبق با نیازهای آنان باشد. نمایندگان محترم برای این که بتوانند این مقصود را برآورده کنند باید با توده‌های مردم و انتخاب‌کنندگان خود در تماس و ارتباط باشند و نیازهای راستین و خواسته‌های بحق آنان را به‌درستی و از نزدیک بشناسند و آن را در مصوبات مجلس رعایت کنند[۳].

---

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۲. پیام به نمایندگان مجلس سوم شورای اسلامی در پایان دوره سوم مجلس، ۱۳۷۱/۰۲/۲۶.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.



فصل سوم
شأن قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی



امـام راحل عظیم‌الشّـأن، مجلس را در رأس امور دانسـتند؛ این را می‌تـوان جامع‌ترین تعبیری دانسـت که شـأن مجلس و نیز وظیفـه‌ی آن را در یک جمله‌ی کوتـاه اعلام می‌کند. اگر قانون را راه و مسیـر کـشور به سـمت قلّه‌هـا و مقصدهایی بدانیم که در قانون اساسـی معیّن شـده اسـت، مجلـس، متعهّد ایـن ریل‌گـذاری و رهگشـاییِ حیاتی اسـت. همه‌ی دسـتگاه‌های حکومتـی و مردمـی و همه‌ی آحـاد، وظیفه دارنـد از این مسیر حرکت کننـد. ضمانت اجرای ایـن وظیفـه نیـز - علاوه بـر قـوّه‌ی قضائیّه که مسـئولیّتش تضمیـن اجرای قانون اسـت - در خـود مجلس پیش‌بینی شـده اسـت که حقّ تحقیـق و تفحّص، حقّ ردّ و قبول مدیران ارشـد قـوّه‌ی مجریّـه، حـقّ تذکّـر و سـؤال و اسـتیضاح، از آن جمله اسـت. پس اگر قانون، درسـت و بسـنده و قابـل اجـرا باشـد و از ضمانت‌های اجرای آن به‌درسـتی اسـتفاده شـود، کشور به هدف‌هـای والای خـود دسـت می‌یابـد. این اسـت شـأن والای مجلس و این اسـت تکلیف حیاتـی و مهمّ آن. هنر قانون‌نویسـی و قانون‌گـذاری از برترین‌های نمایندگی اسـت[۱].

مجلـس شورای اسلامـی بـا مصوبـات خـود، راهـی را که دولـت اسلامـی بـرای اداره‌ی کشور بایـد بپیمایـد ترسیم می‌کند و بر ایـن حرکت سرنوشت‌سـاز نظارت می‌نمایـد[۲]. قانون‌گذاری وظیفـه‌ی مهمّ درجـه‌ی اوّل مجلس شورای اسلامی اسـت. قانـون، ریل‌گذاری اسـت، ایجاد نقشـه‌ی راه اسـت بـرای حرکت قـوای اجرائی کـشور؛ قانون این اسـت دیگر. بایسـتی هدف قانـون را پیشـرفت کـشور و خدمت به مردم دانسـت و قـرار داد[۳].

در مورد قانـون و اهمّیّـت قانون‌گذاری باید عرض بکنم درسـت اسـت که شـما برای مجلس دو شـأن قائلید، شـأن قانون‌گذاری و شـأن نظارت - به همان معنایی که «نظـارت» در قانون معنا شـد - امّا شـأن قانون‌گذاری خیلی بالاتر از مسـئله‌ی نظارت اسـت؛ اصل مسـئله برای مجلس، قانون‌گذاری است[۴].

---

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۳/۰۷.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

آن‌گونه که بنده از مجموع قانون اساسی و مفاهیم و معارفی که در انقلاب ما هست و همه چیزهایی که ما را در این باب کمک می‌کند فهمیده‌ام، وظیفه اصلی در نمایندگی، قانون‌گذاری است. البته نظارت بر اجرا و از این قبیل چیزها هم هست. آن‌ها هم بسیار مهم است. اما چیزی که رکن اداره کشور است، عبارت است از وضع قوانین. این‌که نمایندگان، از همه گوشه‌وکنار کشور انتخاب می‌شوند به آن خاطر است که مصالح همه کشور در قانون متجلّی شود. یعنی نماینده شأنش این است که قانونی را بگذراند که این قانون، بتواند کشوری را که دارای مناطق فقیر و دوردست و مناطقی با اقتضائات گوناگون است، اداره کند[۱].

قانون‌گذاری شأن اصلی شما است منتها قانون را دو جور می‌شود گذارد و وضع کرد: خوب و بد؛ می‌شود خوب قانون‌گذاری کرد، می‌شود بد قانون‌گذاری کرد. صرفاً هم بد و خوب‌بودن به این نیست که قانون خوب باشد یا قانون بد باشد؛ نه، گاهی یک قانون خوب را شما وضع می‌کنید؛ اما این وضع، بد است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه در کیفیّت وضع این قانون رعایت دقّت نشده، انسجام با بقیّه‌ی قوانین مراعات نشده، وجود وضوح در قانون رعایت نشده. اوّلاً قانون بایستی باکیفیّت باشد؛ افزایش قانون، زیاد بودن قانون خیلی چنگی به دل نمی‌زند؛ باید قانون باکیفیّت باشد[۲].

قانون باید کارآمد، روان، شفاف، روزآمد و با این حال با نگاه بلندمدت، دارای گستره‌ای هرچه پهناورتر و قابل ماندگاری و یکسره معطوف به نیازهای مردم و منافع عمومی باشد. نگرش جزئی، بخشی، شخصی و یا خدای‌نخواسته با نگاه لجاجت‌آمیز در قانون‌گذاری، بی‌سود و احیاناً زیان‌بار است. اولویت‌ها باید ترجیح یابد، تناقض و تکرار در قوانین باید ریشه‌کن شود و از خرد جمعی و کارشناسی در تدوین قوانین بیشترین بهره گرفته شود[۳].

فلسفه قانون، وضع قاعده

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.

اصل مسئله برای مجلس، قانون‌گذاری است. فلسفه‌ی قانون چیست؟ اصلاً چرا ما قانون لازم داریم؟ برای اینکه ثبات در زندگی ضرورت حیاتی است. اگر ثبات نباشد، جامعه غیر قابل پیش‌بینی باشد، برنامه‌ریزی نمی‌شود کرد. برنامه‌ریزی مبتنی است بر اینکه شما بتوانید به آینده خاطرجمع باشید تا بتوانید برنامه‌ریزی میان‌مدّت یا بلندمدّت بکنید. چه جوری خاطرجمع می‌شوید؟ با قانون. قانون در همه‌ی مسائل - مسائل اقتصادی، مسائل سیاسی، مسائل فرهنگی و غیره - قاعده وضع می‌کند؛ قانون این است[۱].

اگر قانون نباشد، اصلاً زندگی مختل خواهد شد. معروف است در دنیا که قانون بد، بهتر از بی‌قانونی است؛ در حالی که قانون بد یک آفت بزرگی است، امّا می‌گویند از بی‌قانونی بهتر است. پس مسئله‌ی قانون‌گذاری خیلی مهم است[۲]. این اهمّیّت قانون‌گذاری است. خب، اگر قانون نباشد، طبعاً روزمرّگی است، هرج‌ومرج است[۳]. قانون‌گذاری، هم به آحاد مردم امکان می‌دهد برای زندگی خودشان برنامه‌ریزی کنند، هم به مجموعه‌ها و بنگاه‌های گوناگون فرهنگی و اقتصادی و غیره این فرصت را می‌دهد، هم به مسئولان کشورها و دولت‌ها این فرصت را می‌دهد؛ قانون مهم است[۴].

قانون به منزله عنصر شأنیت بخش به مجلس

شأن مجلس، جایگاه مجلس به خاطر شأن قانون است[۵]. آن چیزی که مجلس قانون‌گذاری را ارزش می‌بخشد و جایگاه معزّزی و معظّمی برای او قرار می‌دهد، مسئله‌ی قانون‌گذاری است؛ چون قانون مایه‌ی اصلیِ زندگیِ اجتماعی است. شرطِ الزامیِ زندگیِ اجتماعی و حیاتِ اجتماعی قانون است؛ این کار را مجلس می‌کند و اهمّیّت مجلس عمدتاً از این جهت است[۶].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۵. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۶. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

البتّـه قانـون خیلـی اهمّیّـت دارد، منتهـا از نظـر اعتبـار عقلائـی آن قانونـی بیشـتر معتبـر اسـت کـه متّکی به خـرد جمعـی باشـد. قانون‌هایی در طـول تاریخ بوده و هسـت کـه قانون بـوده، بعضی‌هایـش خوب هـم بوده، بد هـم نبوده، امّـا از مغز یک نفر صادر شـده؛ «یاسـای چنگیـزی» مـعروف اسـت. قانون‌هـای خیلـی معتبر قـوی‌ای وضع شـده و مردم بـر طبق آن عمـل کردنـد، منتهـا از نظر عـقلا این قانونـی که از مغز یک انسـان ناشـی می‌شـود ارزش آن قانونـی را کـه باخـرد جمعـی بـه وجـود می‌آیـد، نـدارد. حالا اگـر آن خـرد جمعی یـک امتیاز دیگـر هم داشـته باشـد و آن اینکه آن مجموعه‌ای که نشسـته‌اند این قانـون را تنظیم کرده‌اند، صاحبـان خـرد - نماینـده‌ی یک ملّت باشـند، یعنی در واقع یک ملّت اسـت کـه دارد قانون می‌گـذارد؛ طبعاً اعتبار ایـن خیلی بالا می‌رود اعتبـار حقوقی مجلس قانون‌گـذاری متّکی به این اسـت؛ اولاً: قانون‌گذار اسـت. ثـانیاً: قانون‌گذاری‌اش ناشـی از خرد جمعی اسـت. ثالثاً: ایـن مجموعه منتخب یک ملّت اسـت؛ ملّت نشسـته‌اند فکر کرده‌اند، ایـن جمع را انتخاب کرده‌انـد بـا اکثریّت آراء فرسـتاده‌اند مجلـس. خب، این شـأن حقوقی مجلـس قانون‌گذاری است[۱].

مسئله قانون‌گذاری؛ عامل ارزش و جایگاه مجلس

در نظـام مـا، مجلـس حـقّاً جایـگاه ممتـازی دارد ایـن حقیقتـی اسـت کـه در محیـط اسلامـی، رأی و خواسـت مـردم در مسیـر، جهت‌گیـری و منـش عمومـی نظام، تأثیـر بنیانی و تعیین‌کننـده‌ای دارد و بایـد داشـته باشـد پس ایـن جایگاه بسیـار والایی اسـت؛ یعنی در حقیقـت یکـی از بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و حسّـاس‌ترین معابری اسـت که نظـم اسلامی از آن به سـمت هدف‌های خود عبور می‌کند مجلس شورای اسلامی، چنین شـأن و جایگاهی دارد[۲].

آن چیـزی که مجلس قانون‌گذاری را ارزش می‌بخشـد و جایگاه مـعزّزی و معظّمی برای او قرار می‌دهد، مسئله‌ی قانون‌گذاری است[۳].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

اهداف قانون‌گذاری

تحقق‌بخشی به فکر نو اسلامی و پیشرفت کشور

قانون‌گـذاری وظیفـه‌ی مهـمّ درجـه‌ی اوّل مجلس شورای اسلامی اسـت. قانـون، ریل‌گذاری اسـت، ایجـاد نقشـه‌ی راه اسـت بـرای حرکت قـوای اجرائی کـشور؛ قانـون این اسـت دیگر. بایسـتی هـدف قانـون را پیشـرفت کـشور و خدمت به مردم دانسـت و قـرار داد[1].

استقرار و پیاده‌سازی احکام اسلامی

هیچ‌کـس نمی‌توانـد بگویـد کـه در ایـن مجلس، کسـانی وجود داشـته باشـند کـه نخواهند احـکام اسلامـی در این کشور مسـتقر و پیاده شـود من چنیـن گمانی نمی‌کنم حتّی کسـانی که از اقلیت‌های مذهبی هسـتند و به‌صورت عقیده شـخصی، اعتقـاد به دین مقدّس اسلام ندارنـد، جمـهوری اسلامـی را پذیرفته‌اند جمهوری اسلامـی، یعنی مجموعه احـکام اسلامی آن‌هـا هـم برای همیـن تلاش می‌کنند هیچ‌کـس در این مجلـس وجود ندارد کـه نخواهد این مملکت به شـکل صحیح و اسلامی و همراه با اسـتقلال، نوسـازی شود هیچ‌کس وجود ندارد کـه نخواهد فقر از بین مردم ریشـه‌کن شـود. هیچ‌کس وجـود ندارد که نخواهد بـرای مردم رفاه بـه وجود آید در مجالـسِ دوران قبل از انقلاب، کسـانی بودند که می‌گفتند جیب ما پُر شـود، ملـک ما حفظ شـود، سـود مـا تأمین گـردد؛ مردم هـم برونـد هـر کار می‌خواهند بکننـد! اگر ایـران را آب فرامی‌گرفت، خانه‌ها خراب می‌شـد و هزاران نفر از گرسـنگی می‌مردند، برایشـان مهـمّ نبـود. در مجلـسِ اسلامی بعـد از انقلاب، چنیـن چیزی متـصوّر نیسـت بنابراین، همه یک چیـز را می‌خواهند[2].

پیشرفت و توسعه با نسخه بومی ضمن استفاده از تجربه دیگران

مـا دنبـال چـه نـوع توسـعه‌ای هسـتیم؟ ایـن نکتـه‌ی اساسـی در بحث‌هـای اقتصـادی و غیراقتصـادی جـاری اسـت. کسـانی دنبـال این هسـتند کـه حرفـی را پرتاب کننـد و ذهن

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

مـردم را از مسـائل اصلـی دور نگـه دارنـد: مدل چینـی، مدل ژاپنـی، مدل فلان مدل توسـعه در جمـهوری اسلامـی بـه اقتضای شـرایط فرهنگـی، تاریخی، مواریـث و اعتقـادات و ایمان ایـن مـردم، یـک مـدل کاملاً بومـی و مختـص به خـود ملت ایـران اسـت؛ از هیچ جـا نباید تقلیـد کـرد؛ نه از بانـک جهانی، نه از صنـدوق بین‌المللی پـول، نه از فلان کـشور چپ، نه از فلان کـشور راسـت؛ هرجا اقتضایی دارد. فرق اسـت بیـن اسـتفاده‌کردن از تجربیات دیگران بـا پیروی از مدل‌هـای تحمیلـی و القـایی و غالـباً هم منسـوخ. بنـده می‌بینـم گاهی بعضی از شیوه‌هـایی کـه در زمینه‌هـای اقتصـادی و فرهنگـی و غیـره پیشـنهاد می‌شـود از دیگران گرفتـه شـده - فلان متفکـر فرنگی ایـن‌طوری گفتـه، فلان متفکر کجـایی ایـن‌طوری گفته - مثل این‌که به آیات قرآن اسـتناد می‌شـود! خیلی از شیوه‌ها منسـوخ اسـت؛ سی‌سـال پیش، چهـل سـال پیش، پنجاه سـال پیش تجربه شـده، بعـد یک روش بهتـر آورده‌اند؛ ولـی ما الان می‌خواهیم از روش منسـوخ آن‌ها در آموزش و پرورش در مسـائل علمی در کارهای دانشگاهی در کارهای اقتصادی و در برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی اسـتفاده کنیم؛ نه، این درسـت نیسـت. از تجربه‌هـا و دانش‌هـا باید اسـتفاده کرد، اما الگـو و شیوه و مدل را بایـد کاملاً بومی و خودی انتخـاب کرد[1].

ماهیت قانون‌گذاری: ریل‌گذاری و تعیین نقشه راه حرکت

قانـون، جـاده‌ای اسـت کـه شـما بـه سـمت هدف‌هـایی کـه کـشور و مدیـران اجـرایی و مسـئولان بایـد به آنجا برسـند، بـاز می‌کنید. قانون اساسـی بـرای ما در همـه بخش‌های خود هدف‌هایی را معیّن کرده اسـت؛ هـم در بخش حقوقِ مردم، هم در بخش تشـکیلات دولتی، هم در سـایر بخش‌ها. هر اصلی از اصول قانون اساسـی در واقع هدف و سـرمنزلی اسـت که بایـد بـه آن رسیـد. بـرای رفتن به این سـمت، حتماً لازم اسـت جاده‌ای وجود داشـته باشـد؛ بـدون جـاده نمی‌شـود حرکت کرد. دسـتگاه اجـرایی کشور باید بـه سـمت آن هدف‌ها برود. دسـتگاه اجـرایی، اعـم از قوّه مجریّـه و قوّه قضاییّـه و نیروهای مسـلّح و همه دسـتگاه‌هایی اسـت که نهادهای دولتی هسـتند و بخشـی از اداره کشور بر عهده آن‌هاسـت؛ این‌ها باید به

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.

سـمت ایـن هدف‌ها حرکت کنند. شـما بـا وضع قانـون، راه‌هـای صحیح را معیّـن می‌کنید و دسـتگاه‌های پیش‌رونـده را از غلتیـدن در ورطه‌هـای خطرنـاک بـاز می‌داریـد. عظمـت و اهمیـت قانون، این‌گونه معلوم می‌شـود؛ بنابرایـن قانون‌گذاری، بسیار بسیار مهمّ اسـت و هر چـه قانـون با نـگاه آگاهانه‌تر و خبره‌تر و شـناخت موضوعـات و مصالح کشور بیشـتر همراه باشـد، استحکام آن بیشتر اسـت. وقتی استحکام قانون بیشـتر بود، کارایی آن بیشتر خواهد بـود و مدت‌زمـان بیشـتری می‌تواند مورد اسـتفاده قرار گیـرد؛ بنابراین نقش قانـون خیلی مهمّ است[۱].

هنـر قانون‌نویسـی و قانون‌گـذاری از برترین‌هـای نمایندگی اسـت. قانـون باید کارآمـد، روان، شـفاف، روزآمـد و بـا این حـال با نـگاه بلندمـدت، دارای گسـتره‌ای هرچـه پهناورتـر و قابل مانـدگاری و یکسـره معطوف به نیازهای مـردم و منافع عمومی باشـد[۲]. قانون‌گذاری وظیفه‌ی مهـمّ درجـه‌ی اوّل مجلـس شورای اسلامـی اسـت. قانون، ریل‌گذاری اسـت، ایجاد نقشـه‌ی راه اسـت بـرای حرکـت قـوای اجرائی کـشور؛ قانون این اسـت دیگر. بایسـتی هـدف قانون را پیشـرفت کـشور و خدمت به مردم دانسـت و قـرار داد[۳].

قانون‌گذاری؛ به منزله ریل‌گذاری

خیلـی مسـائل وجـود دارد که امروز مـا باید به آن‌هـا برسیم و نگوییـم که این‌هـا را دولت باید انجـام دهد. شـما هسـتید که می‌توانیـد راهی جلوِ پای دولـت بگذارید و بگویید مشـی کن؛ و دولـت مجـبور اسـت آن راه را برود. اگـر قانـون مقابل پای دولـت گذاشـتید، دولت خواهد رفت[۴].

آنچـه مهـمّ اسـت، ایـن اسـت کـه امروز شـما تمکّنی داریـد کـه دیروز کـه نماینـده نبودید، نداشـتید: تمکّـن قانون‌گـذاری. وظیفـه اصلی مجلـس، قانون‌گذاری اسـت. البتـه وظایف

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

دیگـر هـم دارد کـه در قانون اساسـی مشـخّص شـده اسـت؛ مثـل نظـارت بـر امور دولت و تعییـن وزرا و از ایـن قبیـل. اهـمّ این وظایـف، قانون‌گذاری اسـت. نبایـد قانون‌گـذاری را به چشـم یـک امـر کوچک و فـردی و جـدای از یکدیگـر نگاه کـرد. مجموعـه قوانینی که شـما می‌گذاریـد - چـه بـه‌صورت قانون‌های جداجـدا، چه بـه‌صورت قانون بودجه یک‌سـاله، چه بـه‌صورت برنامه‌های بلندمدتِ پنج‌سـاله و یا اگر همّت کنند، بیشـتر - همـه این‌ها عبارت اسـت از آن چیـزی کـه ایـن کـشور در آن طریـق سیر خواهـد کرد راه ایـن کـشور و این ملت، همین قانونی اسـت که شـما می‌گذارید دولت هم تابع شماسـت. قانون شماسـت که دولت را موظّـف و مکلّـف می‌کنـد که بایـد از این طرف و یـا از آن طرف حرکت کنـد پس همه چیز به شـما برگشت[1].

شـما موقعیّت خوبی گیرتـان آمده؛ چهار سـال در مجلس شورای اسلامی، جـایی که اداره‌ی کـشور و قانون‌گـذاری کـشور آنجا اسـت. اهمّیّت ایـن قانون‌گـذاری خیلی زیاد اسـت؛ این واقـعاً همـان‌طور کـه بارهـا عـرض کرده‌ایـم، ریل‌گذاری اسـت. شـما حرکـت دولـت را، اوّلاً ریل‌گـذاری می‌کنیـد، بعـد بـا اختیاراتی کـه قانون اساسـی به شـما داده - کـه از جمله‌اش تحقیـق و تفحّـص اسـت کـه در قانون اساسـی تصریـح شـده - می‌توانید تضمیـن کنید که ایـن حرکت انجـام بگیرد. صِرف توصیه نیسـت؛ برطبق قانون می‌توانید دنبـال کنید، تحقیق کنیـد، تفحّـص کنید؛ هیـچ منافاتی هم بـا همکاری با دولت نـدارد. اعتقاد بنده این اسـت و همیشـه عقیـده‌ام در همـه‌ی دولت‌هـا این بـوده که مجلس بایـد با دولت همـکاری کند؛ امّـا ایـن همکاری بـه معنای گذشـت از حقـوق مجلس نیسـت؛ بایسـتی حقّتان را اسـتیفا کنیـد؛ تحقیـق کنید، تفحّص کنید، مؤاخذه کنید که چرا نشـد، چرا کم شـد، چـرا جور دیگر شـد. این یـک فرصت بسیـار مهمّی اسـت؛ این را قـدر بدانید[2].

شـما مجری نیسـتید، امّـا ریل‌گذار اجرا هسـتید، می‌توانیـد تأثیرات بسیار زیادی در مسـائل کـشور و پیشـرفت کـشور و آینده‌ی کـشور بگذاریـد، آن هم در چهار سـال؛ چهار سـال زمان

۱. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.

کمی نیست[۱].

معروف است که قانون‌گذاری ریل‌گذاری است؛ ما هم این را مکرّر گفته‌ایم؛ آقای قالیباف هم الان در بیانشان بود؛ حرف درستی هم هست؛ منتها ریل‌گذاری یعنی مسیر را برای نیروهای اجرائی کشور آماده‌کردن، که از این مسیر بروند. منتها در ریل‌گذاری خصوصیّتی وجود دارد و آن اینکه آن کسی که روی ریل حرکت می‌کند، دیگر قدرت چپ و راست رفتن ندارد - قطار از روی ریل حرکت می‌کند - در حالی که مسئولان اجرائیِ ما و دولت‌ها در طول تاریخ، مواردی از قوانین تخطّی می‌کنند. پس در واقع بگوییم قانون‌گذاری جادّه‌سازی است. ولی به هر حال مسیر را مشخص‌کردن است[۲].

ریل‌گذاری؛ یعنی آماده‌کردن مسیر برای نیروهای اجرایی

معروف است که قانون‌گذاری ریل‌گذاری است؛ ما هم این را مکرّر گفته‌ایم؛ آقای قالیباف هم الان در بیانشان بود؛ حرف درستی هم هست؛ منتها ریل‌گذاری یعنی مسیر را برای نیروهای اجرائی کشور آماده‌کردن، که از این مسیر بروند[۳]. منتها در ریل‌گذاری خصوصیّتی وجود دارد و آن اینکه آن کسی که روی ریل حرکت می‌کند، دیگر قدرت چپ و راست رفتن ندارد - قطار از روی ریل حرکت می‌کند - در حالی که مسئولان اجرائیِ ما و دولت‌ها در طول تاریخ، مواردی از قوانین تخطّی می‌کنند. پس در واقع بگوییم قانون‌گذاری جادّه‌سازی است. ولی به هر حال مسیر را مشخص‌کردن است[۴].

جهت قانون‌گذاری: استحکام‌بخشی به بخش‌های سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

به نظر من آنچه امروز وظیفه اصلی ماست، این است که در بخش‌های سه‌گانه - یعنی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - پایه‌ها را مستحکم کنیم. اگر پایه‌های فرهنگی بخواهد مستحکم شود، شرط اصلی این است که ایمان مردم به دین و مواریث فرهنگی خودشان

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

روزبه‌روز استحکام پیدا کند و تضعیف نشود. ما نمی‌خواهیم در یک جزیره زندگی کنیم و فکر نمی‌کنیم در دنیای امروز می‌شود در یک جزیره زندگی کرد. ما می‌خواهیم مردم به مواریث و ثروت فرهنگی خود ببالند و احساس حقارت نکنند. تلاش بعضی‌ها این است که در مقابل ثروت فرهنگی مردم - که بسیار عظیم است - یک حالت گله‌گزاری و بدهکاری به وجود آورند؛ این خطاست. ثروت فرهنگی ما بسیار عظیم است و بخش عمده آن، ایمان به خدا و اسلام و توکّل به خدا و مفاهیم اسلامی است که بحمدالله در مردم ما کاملاً نافذ و راسخ است؛ بخشی از آن هم مربوط به مسائل فرهنگی ماست. این‌ها را باید قدر دانست و حفظ کرد. قوانین باید در این جهت باشد[1].

استقلال اقتصادی کشور نیز در کنار کارایی بخش‌های اقتصادی، بسیار مهمّ است. در گزارش هم اشاره شد که بحمدالله در بخش‌های اقتصادی، قانون‌گذاری‌های زیادی شده است. البته من الان از تفاصیل قانون‌گذاری‌ها استحضاری ندارم. نفس اهتمام به این مسئله، مهمّ است. امروز این را باید جزو مسائل اساسی ما به حساب‌بید. مردم در زمینه‌های اقتصادی، مشکلات فراوانی دارند. یکی از مشکلات عبارت است از شکاف اقتصادی و تبعیض در مسائل اقتصادی و برخورداری‌های ناروا در مقابل محرومیت‌های سخت و سنگین. این، مردم را آزار می‌دهد. بیش از فقر، تبعیض برای مردم گزنده است. در قوانین، شما باید این‌ها را مراعات کنید؛ با قانون می‌توانید جلوِ این‌ها را تا حدّ زیادی بگیرید. البته قانون، همه چیز نیست؛ باید مدیریّت اجرایی خوب حتماً وجود داشته باشد تا قانون کارایی خود را نشان دهد؛ لیکن قانون هم سهم بسیار زیادی دارد. در زمینه سیاسی هم همین‌طور است: محافظت از پایه سیاسی کشور - یعنی نظام جمهوری اسلامی - و قدردانی از این نظام که حقیقتاً یک پدیده والا در دنیای امروز است. این که رادیوهای بیگانه و سیاسیّون دنیا و رندهای سیاسی عالم، مرتّب تحقیر و توهین کنند، از اهمیت مسئله و عظمت این پدیده نمی‌کاهد. این پدیده عظیم، در دنیا کار خود را کرده است. دشمنان ما با این‌که نمی‌خواهند به اهمیت و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی اعتراف کنند، در عین حال خواه و ناخواه به آن اعتراف می‌کنند. این‌که امروز دنیای اسلام به

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

اسلام‌خواهی خود می‌بالد؛ این‌که قشرهای جوان، دانشگاهی و زبدگان فکری در دنیای اسلام این‌گونه‌اند؛ این‌که امروز مسئله فلسطین با این حجم و عظمت، به خاطر توجّهِ مردم به اسلام، حالت تازه‌ای پیدا کرده و اصلاً مسائل خاورمیانه یک تحوّل اساسی یافته است، ناشی از همین اثرگذاری بسیار عمیق و دنباله‌دار و مستمّر است. علّت دشمنی آن‌ها با جمهوری اسلامی همین است. می‌خواهند سرچشمه را خشک کنند؛ چون می‌دانند سرچشمه این بیداری در دنیای اسلام، به‌پاشدن جمهوری اسلامی است. نفس اقامه جمهوری اسلامی، برای آن‌ها مهم بود. این پایه را باید مستحکم و حفظ کرد و حقیقت آن را درست تبیین نمود[1].

ویژگی‌ها و خصوصیات مجلس

مجلس؛ مصداق مسجد و عبادتگاه به معنای واقعی کلمه

ارزش یک دقیقه وقت شما خیلی زیاد است. نبایستی یک دقیقه وقتِ مقرّر و موظّف مجلس - چه در کمیسیون‌ها و چه در داخل صحن مجلس - تلف و ضایع شود. باید فعّال حرکت کنید. واقعاً مسئولیت سنگینی است. خدای متعال در روز قیامت، از یکایک دقایق و اقدامات شما در این کار سؤال خواهد کرد. از همه آن تأییدها یا ردهایی که می‌کنید، سؤال خواهد کرد. اگر تأیید نکنید و بگویید پس حالا که این‌قدر سخت است، کارت سفید می‌دهیم یا در این مجلس بی‌طرف می‌شویم؛ از این هم سؤال خواهد کرد که چرا رأی ندادید؟ باید رأی دهید. وقتی که شما در امری حَکَم هستید و برای تصمیم‌گیری جهت کاری بزرگ، شما را در آنجا نصب کرده‌اند، باید آن کار را انجام دهید. اگر انجام هم ندهید، مؤاخذه خواهید شد. اوّلاً موظفید انجام دهید، ثانیاً خوب و درست و متقن انجام دهید. قضیه این است. کار بسیار سنگینی است.

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

اگـر بـا ایـن دید بـه نمایندگـی نـگاه کردید، آن وقـت همه آنات شـما حسـنه اسـت. بدانید هیـچ عبادتی هم دیگـر بالاتر از کاری که شـما می‌کنید، نخواهد بـود. هیچ‌کس غصه نخورد کـه مـن بـا آمدن به مجلـس، مـثلاً از فلان وظیفـه عبادی بـاز ماندم و فـرضاً دیگر عمـره و یا زیـارت نمی‌توانـم بروم؛ نخیر، این به‌مراتب از آن بالاتر اسـت. اگر این‌گونـه عمل کردید، از هر عبادتی در میزان الهی سـنگین‌تر اسـت. با احسـاس مسـئولیت و مراقبت نمایندگان الهی و کرام‌الکاتبیـن و «کنـت انت الرّقیب علی من ورائهم والشّـاهد لما خفی عنهـم»[1]، خود خدای متعـال هـم مراقب شماسـت. یک مجلـسِ این‌گونه، در طول چهار سـال می‌توانـد بزرگ‌ترین خدمـات را بـه این کـشور و ایـن ملت بکنـد و هر چه بعـد از انـقلاب در این مملکـت، کارِ خوب شـده اسـت، ثواب و حسـنه بخش عمده‌ای از آن، به نمایندگانی متعلّق اسـت که در دوره‌هـای چهارگانه گذشـته بوده‌اند و خوب عمل کرده‌اند و تلاش مناسـب انجـام داده‌اند[2].

مـن بـه نظرم این‌جور می‌رسـد که اگـر ما به لـوازم مندرج و محتـوای واقعی ایـن مجلس نگاه کنیـم، مجلـسْ عبادتگاه اسـت؛ این مجلس شـما مسـجد اسـت و بـه معنای واقعـی کلمه محـلّ عبادت اسـت. شـما کـه می‌نشینید فکـر می‌کنید، زحمـت می‌کشیـد، کار می‌کنید، همیـن کارهایی را که حـالا آقای دکتر قالیباف بیـان کردند انجام می‌دهیـد، دنبال می‌کنید، قانـون را خـوب می‌گذاریـد و غیـره، هـر کـدام این‌ها یـک عبادت اسـت؛ پس مجلس شـد مسـجد و مصداق ﴿لَمَسـجِدٌ اُسِّـسَ عَلَـی التَّقوی مِـن اَوَّلِ یَـومٍ اَحَـقُّ اَن تَقومَ فیهِ فیـهِ رِجالٌ یُحِبّـونَ اَن یَتَطَـهَّروا﴾[3]؛ مصـداق این آیه اسـت. اهمیّـت مجلس شورای اسلامی این اسـت. بنـده بـا این نگاه بـه مجلس نـگاه می‌کنم و مجلـس را با ایـن تعریف می‌شـناسیم[4].

---

۱. مصباح‌المتهجد، شیخ طوسی، ص ۸۴۴؛ مصباح،الکفعمی، ص۵۵۹؛ اقبال الاعمال، سید بن طاووس، ص۷۰۹.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹

۳. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

لزوم جهت‌گیری کلی مجلس به‌سوی اهداف و ارزش‌های متعالی اسلامی

نخستین نکته، ناظر به جهت‌گیری کلی مجلس است که باید در سمت‌وسوی هدف‌ها و شعارها و ارزش‌های متعالی اسلام باشد. این نکته اگر چه با توجه به این که مجلس، عصاره‌ی ملت مسلمان و انقلابی و محصول انقلاب اسلامی است، سخن تازه‌ای نیست و توصیف افتخارآمیز اسلامی در دنباله‌ی نام مجلس شورا خود گویای طبیعت و جهت آن هست، لیکن در وضع کنونی کشور که بحمدالله حرکت سازندگی با شتاب و استحکام، در حال اوج‌گیری است، توجه و اعتنا به این خصوصیت، نقش و اهمیت تازه‌ای می‌یابد؛ شاید یکی از عوارض دوران سازندگی در نظام‌های ارزشی آن است که برخی افراد ساده‌اندیش و ظاهربین را از نقش عامل ایمان و عقیده و اصول پایه‌ای نظام غافل می‌سازد و این پندار غلط را بر آنان مسلط می‌کند که گویا با ورود به مراحل پیشرفت سازندگی کشور، دوران شعارهای مقدس و ارزش‌های اصیل به سر آمده است. این تصور باطل همراه با برخی انگیزه‌های مادی و شخصی موجب آن می‌شود که این‌گونه اشخاص ارزش‌ها را مورد بی‌اعتنایی قرار داده، رابطه‌ی تنه و شاخه را با ریشه، انکار کنند. برای پیشگیری از این پدیده‌ی خطرناک بر زبدگان ملت است که در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها به نقش بنیانی ارزش‌های اسلام و انقلاب تکیه‌ای حقیقی - و نه زبانی و ظاهری - نشان دهند. بدیهی است که هر ملتی برای تأمین سعادت و عزت خود نیازمند به حرکت سازندگی در کشور خود می‌باشد. مشکل ملت‌هایی که نمی‌توانند با تلاش سازنده، کشور خود را از حضیض فقر و وابستگی و تبعیض و فساد سیاسی و اخلاقی نجات دهند آن است که سازندگی را با فراموش‌کردن اصول ارزشی و اخلاقی و دینی صحیح، طلب می‌کنند و به دنبال سراب سازندگی، خود را در دام بیگانگان یا در ورطه‌ی فساد مالی و سیاسی و اخلاقی می‌افکنند. نتیجه آن است که به نام پیشرفت ظاهری کشور، انسانیت و شرف و استقلال خود را از دست می‌دهند و غالباً حتی به سازندگی پایه‌های مادی کشور خود هم توفیق نمی‌یابند و دنیا و آخرت و ماده و معنی را یکجا فدای غفلت خود می‌کنند.

جمهوری اسلامی مدعی سازندگی کشور و نجات ایران از عقب‌ماندگی‌های دوران

ستم‌شاهی است، و امروز هر گامی در راه پیشرفت علمی و صنعتی و اقتصادی و هر اقدامی در وادی نوسازی کشور، دلیلی بر حقانیت نظام مقدس جمهوری اسلامی و شاهدی بر درستی آن مدعا است؛ ولی هر اقدامی در راه توسعه‌ی اقتصادی و آبادسازی کشور در صورتی با توفیق همراه خواهد بود که از تفکر و اصول اسلامی مایه بگیرد و در جهت تحکیم آرمان‌ها و ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی باشد. در این صورت است که حرکت سازندگی، حرکتی حقیقی و تضمین‌شده خواهد بود و کشور به توهم سازندگی در ورطه‌ی وابستگی و فساد مالی و سیاسی و اخلاقی نخواهد غلتید. نمایندگان محترم مجلس پنجم باید به‌دقت مراقب باشند تا در تصویب برنامه‌ها و طرح‌هایی که مقصود از آن سازندگی کشور است به این نکته توجه کنند و همچنان که دولت خدمتگزار و مجلس شورای اسلامی تاکنون عمل کرده‌اند، آبادانی کشور و عزت و اعتلای ملت را در پرتو ارزش‌های اسلام و انقلاب دنبال کنند.

هرکس به نام سازندگی، ارزش‌های انقلابی را مورد بی‌اعتنایی قرار دهد در دعوی سازندگی نیز دچار خطا و توهم است و هرکس به این عنوان که امروز روز عمل است، شعارهای درخشان انقلاب را تحقیر کند، مانند کسی است که بر سر شاخه نشسته و بن می‌بُرد. لیبرالیسم منحرف غربی که امروزه ملت‌های اروپا و آمریکا در فضای آلوده‌ی آن دست‌وپا می‌زنند و اخلاق و فضیلت و روابط انسانی و اساس خانواده و پیوند نسل جدید را با پدران و مادران و به طور کلی معنویت و ایمان خود را در سایه‌ی شوم آن فانی شده می‌یابند، در میدان سیاست و اقتصاد، توقعات نامشروعی را از نظام اسلامی و مسئولان بلندپایه‌ی آن مطرح می‌کند. وظیفه‌ی مجلس شورای اسلامی در مرتبه‌ی اول، ایستادگی در برابر این توقعات و پای فشردن بر راه روشن و صراط مستقیم اسلام و انقلاب اسلامی است و این مهم‌ترین توقع اینجانب و ملت بزرگ و شجاع ایران از نمایندگان منتخب مردم است[۱].

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۱۱.

لزوم پرهیز از دوقطبی شدن در قانون‌گذاری

خب دسته‌بندی‌ها هست؛ در مجلس هم هست؛ هم در مجلس شما هست، هم در مجالس قبلی بوده. چاره‌ای هم نیست؛ بالاخره سلایق، مختلف است دیگر؛ یک دسته یک جور فکر می‌کنند راجع به مسائل، یک دسته یک جور دیگر. این دسته‌بندی‌ها که ناگزیر هم هست تا یک حدودی، این‌ها در قانون‌گذاری اثر نگذارد. اینکه می‌گویند دوقطبی، دوقطبی؛ معنای دوقطبی همین است؛ معنای دوقطبی اختلاف سلیقه نیست؛ خب اختلاف سلیقه همیشه هست، همیشه بوده. معنای دوقطبی این است که وقتی این اختلاف سلیقه به وجود آمد در هر تصمیمی به‌جای اینکه به حق و مصلحت فکر کنیم به جایگاه این دسته‌بندی فکر می‌کنیم؛ دسته‌ی ما این‌جوری می‌خواهد، پس باید این بشود؛ حالا حق هست یا نیست، مصلحت هست یا نیست، فرقی نمی‌کند؛ معنای دوقطبی این است. خب این‌ها حالا راجع به مسائل قانون[1].

معنای دوقطبی: توجه به جایگاه دسته‌بندی‌ها به‌جای مصلحت و حق

بالاخره سلایق، مختلف است دیگر؛ یک دسته یک جور فکر می‌کنند راجع به مسائل، یک دسته یک جور دیگر. این دسته‌بندی‌ها که ناگزیر هم هست تا یک حدودی، این‌ها در قانون‌گذاری اثر نگذارد. اینکه می‌گویند دوقطبی، دوقطبی، معنای دوقطبی همین است؛ معنای دوقطبی اختلاف سلیقه نیست؛ خب اختلاف سلیقه همیشه هست، همیشه بوده. معنای دوقطبی این است که وقتی این اختلاف سلیقه به وجود آمد در هر تصمیمی به‌جای اینکه به حق و مصلحت فکر کنیم، به جایگاه این دسته‌بندی فکر می‌کنیم؛ دسته‌ی ما این‌جوری می‌خواهد، پس باید این بشود؛ حالا حق هست یا نیست، مصلحت هست یا نیست، فرقی نمی‌کند؛ معنای دوقطبی این است[2].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

لزوم داشتن مشی انقلابی توسط مجلس

مجلس، مجلس انقلاب است، مشی انقلابی باید داشته باشد. منتها در فهم انقلابی‌گری مراقب باشید خطا صورت نگیرد. انقلابی‌گری فقط سروصدا کردن نیست؛ «انقلابی‌گری» یعنی حرکت در سمت آرمان‌ها؛ پایه‌ی اوّل انقلابی‌گری این است؛ یعنی ما فراموش نکنیم برای چه انقلاب شده. خیلی از شما جوان‌ها - که بحمدالله مجلس هم مجلس نسبتاً جوانی است - در دوره‌ی انقلاب نبودید در دوره‌ی مبارزات نبودید، نهضت را ندیده‌اید. اهداف نهضت چه بوده؟ خب در بیانات امام نگاه کنید، معلوم می‌شود؛ در شعارهای انقلاب ملاحظه کنید، معلوم می‌شود؛ در آرمان‌هایی که برای انقلاب ذکر شده ملاحظه کنید.

ما گفتیم «مجلس انقلابی» یک عدّه‌ای خوششان نیامد؛ ولی ما حقیقت را گفتیم؛ حالا بعضی‌ها خوششان می‌آید، بعضی‌ها خوششان نمی‌آید عیبی ندارد. حقیقت همین بود که این مجلس با شعارهای انقلاب تشکیل شد؛ مردم نگاه کردند، گزینه‌هایی را انتخاب کردند که حرکتشان، جهت‌گیری‌شان، شعارشان، حرفشان، حرف انقلاب بود؛ پس مردم هم طرف‌دار همین گرایش و همین حرکتی هستند که شما عنصر انقلابی در شهر خودتان، در منطقه‌ی خودتان شعارش را دادید، حرفش را زدید؛ بنابراین مجلس انقلابی یعنی این دیگر[1].

ویژگی‌های انقلابی‌گری مجلس

از آرمان‌های انقلاب تخطّی صورت نگیرد؛ اوّل‌پایه‌ی انقلابی‌گری این است. بعد هم شجاعت در ابراز عقیده؛ این انقلابی‌گری است؛ یعنی آن عقیده را صریح بیان کنند، با صراحت، با بیان درست، محترمانه عقیده گفته بشود[2]. در مواضع انقلاب، قاطعانه و با شجاعت و با صراحت حرف‌زدن، بیان‌کردن، تصمیم‌گیری کردن، در فلان نقطه‌ی عالم، یک نابخردی یک حرفی می‌زند، به جمهوری اسلامی تهمتی می‌زند که در دنیا منتشر

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

می‌شود؛ مجلس اینجا یکپارچه، قوی، محکم پاسخ بدهد. گاهی اوقات لازم است جمع نمایندگان پاسخ بدهند؛ گاهی یک نماینده، دو نماینده یا مثلاً فرض کنید که نماینده‌ی مربوط به کمیسیون سیاسی لازم است که موضع بگیرد و پاسخ بدهد؛ موضع بگیرد پاسخ بدهد؛ ملاحظه نکنند. انقلابی‌گری این‌ها است. دیگر حالا اینکه از منبرِ باعظمتِ مجلس یک جوری استفاده بشود که حالا مثلاً فرض کنید از آن اهانت و مانند این دربیاید، خیلی مطلوب نیست[۱].

شاخصه انقلاب‌گری نبودن نطق‌های اعتراضی

یکی از چیزهایی که نشانه‌ی نماینده‌ی انقلابی نیست، عبارت است از نطق‌های اعتراضی پُرشورِ میان‌برنامه؛ این نطق‌هایی که آقایان می‌کنید؛ اینکه یک نفر بِایستد آنجا بنا کند اعتراض‌کردن، این اصلاً علامت انقلابی بودن نیست؛ علامت انقلابی بودن این‌هایی است که عرض کردیم و چیزهایی از این قبیل. اعتراض‌کردن و عصبانیّت به‌خرج‌دادن و مانند اینها، این‌ها علامت انقلابی بودن نیست[۲].

لزوم همکاری مجلس با سایر قوا برای تشکیل یک کل و مجموعه واحد

نکته‌ی دیگری که همیشه محل کلام بوده است، ما هم عرض کرده‌ایم، شماها هم می‌گوئید، دولت هم می‌گوید، مسئله‌ی همکاری مجلس و دولت است؛ این باید تحقق پیدا کند. اینکه مجلس بگوید از طرف ما همه‌ی کارها انجام گرفته، دولت است که باید جلو بیاید؛ از آن طرف هم دولت بگوید از طرف ما همه‌ی کارهای لازم انجام گرفته، این مجلس است که باید جلو بیاید؛ این نمی‌شود. صمیمانه باید همکاری کنیم. هم دولت، هم مجلس، هرکدام در قانون حدودی دارند. البته بعضی از این حدود، واقعاً مشخص نیست. حقیقتاً بعضی از این خطوط، خطوط بارز و شاخصی نیست، که از عیوب قوانین ماست؛ باید ما این خطوط را مشخص کنیم. امروز نیاز کشور به همکاری است؛ یعنی نه در دولت باید انگیزه‌ی نافرمانی نسبت به مجلس پدید بیاید و وجود داشته باشد، نه در

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

مجلس بایستی مطلقاً انگیزه‌ی اذیت‌کردن دولت، معطل‌کردن دولت وجود داشته باشد؛ بنابراین هر دو صمیمانه، به‌صورت واقعی، با ملاحظه‌ی جایگاه یکدیگر، بایستی به هم کمک کنند؛ این یک وظیفه‌ی بسیار مهمی است.

مثلاً در مسئله‌ی قانون - که حالا محل کلام هم هست - دو طرف با همدیگر گفتگوهایی می‌کنند. از یک طرف این حرف درست است که دولت باید به قانون عمل کند - یعنی آنچه که شکل قانونی گرفت، وظیفه است که دولت عمل کند - از آن طرف دیگر قانون‌گذار باید نقش مدیر اجرائی را در نظر بگیرد. اجرا کار سختی است. کسانی از شماها خودشان مجری بودند، وزیر بودند، یا در بخش‌های مختلف اجرائی حضور داشتند؛ اجرا خیلی فاصله دارد با طراحی اجرا، با آن طرحی که باید انسان تهیه کند تا اجرا شود؛ بنابراین باید به واقعیت‌ها توجه داشت. دولت، آن عنصر وسط گود است که می‌خواهد کارها را انجام دهد. باید ما کار دولت را تسهیل کنیم. باید ما کار دولت را رعایت کنیم. درست است که دولت باید به قانون عمل کند، این هم درست است که مجلس باید کاری کند که دولت بتواند به قانون عمل کند؛ والّا اگر فرض کنیم یک تکلیفی بر دوش دولت گذاشتیم، اعتبارش را تصویب نکردیم؛ خوب، این نمی‌شود؛ این‌ها مشکلات دارد. یا فرض بفرمائید دولت لایحه‌ای را به مجلس می‌آورد - که دولت طبعاً با توجه به امکاناتش، با توجه به قدرت خودش، با توجه به موجودیِ کشور و زمینه‌های مساعد، این لایحه را تنظیم کرده - بعد در مجلس تصرفاتی در این لایحه می‌شود که به‌کلی یک چیز دیگری از آب در می‌آید. غالباً دولتی‌ها از این جهت به ما گله می‌کنند. بنده هم دستم در کار است. من، هم در دولت، هم در مجلس بوده‌ام؛ می‌دانم چه جوری می‌شود عمل کرد و چه جوری می‌شود درستش کرد و چگونه می‌شود یک جور دیگر عمل کرد. باید به این نکات توجه شود.

واقعاً باید صمیمانه کار کنند؛ این دیگر مربوط به خط و خطوط سیاسی هم نیست. اینی که ما می‌گوئیم، خطاب به کسانی نیست که حالا از لحاظ فکر سیاسی هم‌جهت با دولت‌اند؛ نه، حتّی آن‌هایی که از لحاظ فکر سیاسی، نقطه‌ی مقابل دولت‌اند؛ آن‌ها هم برادران مؤمن‌اند، مسلمان‌اند، بچه‌ی انقلاب‌اند. بحث، سر انقلاب است. بحث،

سـر مصالـح کشور اسـت. همـه باید ایـن‌جور تقیدی را داشـته باشـند. آن طرف، ایـن قانون ایـن‌جوری تنظیـم می‌شـود؛ این طـرف هم دولت الزام خواهد شـد کـه بله، باید بـه این قانون عمـل کنـد. این‌جوری می‌شـود دولت را عـملاً به اجرای قانـون الزام کرد. این همـکاری از دو طرف باید وجود داشـته باشـد[1].

نکتـه‌ی دوّم در بـاب همـکاری بین قوا اسـت. مجلس بخـش مهمّی از نظام سیاسـی کشور اسـت. بدیهی اسـت کـه بخش‌هـای مختلف نظـام بایـد در کنار هم یـک «کل» را تشـکیل بدهنـد، یک «مجموعـه‌ی واحد» را تشـکیل بدهند؛ یعنی قـوّه‌ی مقنّنه، قـوّه‌ی مجریّه، قوّه‌ی قضائیّـه، نیروهـای مسـلّح - که بـه یـک صورت جزو قـوّه‌ی مجریّه هسـتند - بایـد مجموعاً یـک کل را بـه وجـود بیاورنـد اگر لازم باشـد کـه یـک کل از این‌ها به وجـود بیاید، پـس باید با هـم تعامل داشـته باشـند، باید با هـم کار کننـد، باید به هم کمـک کنند، یک جاهـایی باید نسـبت به هـم اغماض کنند، یـک جاهایی بایسـتی به همدیگـر تذکّر بدهنـد، کمک کنند بـه یکدیگـر، که حالا مواردی از این قبیل را شـاید در خلال صحبت عـرض کنیم. اینکه بنده همیشـه در طول این سـالیان متمادی به مجالس سـفارش می‌کردم که بـا دولت‌ها همکاری کننـد بـه خاطـر این اسـت - خیلی مهم اسـت - بایسـتی ایـن مجموعـه‌ی متشـکّل از آراء و دل‌هـا و نظـرات مجموعـه‌ی کـشور بتوانـد نقـش ایفا کنـد در ایجـاد آن کلّ منسـجمی که کشورمـان، مردممـان، نظاممان به آن احتیـاج دارد؛ البته بنده به دولت‌ها هم همین سـفارش را در جای خـود می‌کنم[2].

ارتبـاط منطقـی بـا قـوای دیگر بـر پایه‌ی همـکاری و همدلـی، وظیفـه‌ی مهم دیگـر مجلس اسـت. کمـال این وظیفه آنگاه تحقـق می‌یابد که با اِعمـال نظارت قانونی و نهادینه سـاختن پاسـخگوئی در دیگـر قـوا، که وظیفـه‌ی دیگر مجلس اسـت، همراه گـردد. تعامـل و تفاهم با شورای محتـرم نگهبـان کـه خود، بخشـی از قـوه‌ی مقننه اسـت، البتـه در اولویت قـرار دارد. ارتبـاط با صاحب‌نظـران محیط های علمـی و عملی و بهره‌گیـری از تجربه‌ها و اندیشـه‌های

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

ارزشمند آنان، نیز به غنای مجلس که بحمدالله خود دارای ترکیبی علمی و کارشناسی و تخصصی است خواهد افزود[۱].

سال گذشته هم در چنین جلسه‌ای عرض کردم که ارتباط با دستگاه‌های اجرایی باید منطقی و قانونی و انسانی باشد. نبایستی اخم و قهر کرد و بنا را بر پرخاشگری و بهانه‌گیری و اذیت‌کردن گذاشت، و نبایستی از آن طرف دچار رودربایستی و رفیق‌بازی و بده‌بستان شد؛ باید کاملاً مراقبت کرد که خط وسط و صراط مستقیم جستجو شود و طبق آن عمل گردد؛ در این صورت کارها درست خواهد شد[۲].

بالاخره خود هماهنگی مجلس و دولت هم یکی از برکات این دوره است. دشمنانی هم داشت و دارد؛ این را به شما عرض بکنم. کسانی هستند که با هماهنگی دولت و مجلس مخالف‌اند. از اول هم همین‌طور شعار دادند که این‌ها یکدست کردند؛ با اینکه کسی در این یکدستی تأثیری نداشت؛ ملت این کار را کرده بود و این‌طور انتخاب کرده بود؛ رئیس‌جمهور را آن‌طور، نمایندگان را هم این‌طور. حالا یکدست درآمده‌اند دیگر! چه کار کنیم؟ این یکدستی عیب نیست، حسن است؛ تا بتوانند با همدیگر کار کنند و با هم اهداف مشترکی را دنبال بکنند[۳].

طلب دیگر هم همین توصیه‌ای است که من همیشه دارم و آن، هم‌افزائی با قوه‌ی مجریه است - قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه، لیکن عمدتاً قوه‌ی مجریه؛ چون سروکار مجلس با قوه‌ی مجریه است - باید هم‌افزائی کرد. نبایستی کار را جوری تنظیم کرد، جوری پیش برد که معنایش دعوا و اختلاف باشد؛ این در بیرون، روی مردم، خیلی تأثیراتش بد است. گاهی دیده می‌شود که مثلاً در مجلس، در یک نطقی، در یک اظهارنظری، یک حرفی زده می‌شود. خب، حرف که زده شد، پرتاب شد دیگر اگر خدای‌نکرده حرفی باشد که کسی را یا جمعی را متهم کند، جبرانش به‌آسانی ممکن نیست؛ مردم را ناامید می‌کند.

---

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.

امروز مسئولین دارند تلاش می‌کنند، کار می‌کنند. نگوئید فلان ضعف و فلان ضعف وجود دارد. بنده به ضعف‌ها آگاهم. شاید بنده بعضی از ضعف‌ها را هم بدانم که خیلی‌های دیگر ندانند. با وجود این ضعف‌ها، آن چیزی که امروز در قوه‌ی مجریه وجود دارد، یک شاکله‌ی خوب و مطلوب است. در کشور دارد کار انجام می‌گیرد. خب، بایستی همکاری کرد، باید کمک کرد؛ هم مجلس کمک کند به دولت، هم دولت کمک کند به مجلس؛ هم قانون فصل‌الخطاب است برای عمل دولت، هم گرایش‌های دولت و تشخیص‌های دولت یک اشاره است به قانون‌گذار برای کیفیت قانون‌گذاری. این مسئله با استقلال مجلس منافات ندارد. من نماینده‌ی مجلس هم بودم، رئیس دولت هم بودم؛ من هر دو جا را تجربه کردم در طول این سال‌های متمادی هم، هم مجالس را دیدم، هم دولت‌ها را دیدم. هیچ اشکالی ندارد که یک مجلسی قانون صحیح و درست و قوی و منطقی را جوری تنظیم کند که برای دولت، رفتار طبق آن قانون، عملی باشد، ممکن باشد، آسان باشد. اگر این شد، معنایش این نیست که مجلس استقلال ندارد. بعضی‌ها که شاید می‌خواهند سر به تن این مجلس هم نباشد، آدم می‌بیند که شده‌اند دلسوز استقلال مجلس: آقا مجلس استقلال داشته باشد. این هیچ منافاتی با استقلال مجلس ندارد. انسان نگاه کند ببیند دولت چه جوری می‌تواند عمل کند، چه جوری بهتر می‌تواند عمل کند، چه جوری آسان‌تر می‌تواند عمل کند، قانون را تنظیم کند و در این مجرا بیندازد؛ این ممکن است، هیچ اشکالی هم ندارد. از آن طرف هم وقتی قانون تهیه شد، منجّز شد، دولت موظف است با همه‌ی وجود، با همه‌ی قوا، بدون بهانه‌گیری، طبق آن قانون عمل کند. دو طرف قضیه، این‌جوری است؛ یعنی هر دو می‌توانند به هم کمک کنند، هم‌افزائی کنند؛ این لازم است، این باید انجام بگیرد. اگر چنانچه از هر دو طرف یک بهانه‌هایی اتفاق افتاد؛ این طرف گفت نه این قانون را چون دولت این‌جوری می‌خواهد، ما نمی‌کنیم؛ آن طرف هم گفت: چون این قانون، این گوشه‌اش کج است، ما هم زیر بار نمی‌رویم؛ خب، این که نمی‌شود؛ اوضاع مملکت نمی‌چرخد. رفق خوب است؛ رفق، همسازی، همیاری، مدارا. در باب رفق روایاتی داریم. رفق یعنی سازگاری؛ انسان سازگاری نشان بدهد. آن که آدم نباید با او سازش کند، دشمن است؛ آدم با دوست باید سازگاری

نشـان دهـد. بالاخـره باید تحمل کنند؛ یـک چیزی را ایـن از آن تحمل کند، یـک چیزی را آن از این تحمـل کند[۱].

یـک توصیـه‌ی دیگـر، مسـئله‌ی تعامـل اسـت؛ تعامـل بـا دیگـر قـوا، بخصـوص بـا دولت. خـب، دولت مسـئولیت میـان‌داری را بـه عهـده دارد. آن‌هایی که اهـل ورزش باسـتانی‌اند، درسـت توجّـه دارند که ما چـه عرض می‌کنیـم؛ خب، دیگران هـم دارنـد ورزش می‌کنند؛ اما نگاهشـان بـه میـان‌دار گود اسـت. اگر چنانچـه دولت رفتـار قوی و خـوب و موفّقی داشـته باشـد، دسـتگاه‌های دیگر هـم خواهی‌نخواهی، حرکتشـان حرکت خوبی خواهـد بود؛ دولت یـک چنیـن وضعـی دارد؛ لـذا تعامـل با دولـت، به نظـر ما یـک چیز لازمـی اسـت؛ تعامل با همـه‌ی قـوا، با همـه‌ی دسـتگاه‌های گوناگـون کشور بخصـوص با قـوّه‌ی مجریـه و دولت که ایـن تعامـل، مظهـر واقعی آن چیزی اسـت کـه ما اوّل سـال به همـه‌ی مردم و به شـما عرض کردیـم: همدلـی و هم‌زبانـی. البتّـه من به دولت هـم همین سـفارش را می‌کنم؛ این سـفارش فقـط به شـما نیسـت؛ همین سـفارش را بـه رئیس‌جمهور محتـرم و بـه وزرا هـم می‌کنیم؛ اما شـما هم حتماً لازم اسـت کـه این تعامـل را داشـته باشید[۲].

یـک توصیه‌ی دیگر مسـئله‌ی تعامـل و هم‌افزایی با بقیّه‌ی قوا اسـت. نقشـه‌ی کلّی تعامل به نظر حقیر این اسـت. از طرف دو قوّه‌ی مجریه و قضائیّه تعاملشـان به این اسـت که بایسـتی موبه‌مـو مصوّبـات شـما را عمل کننـد؛ یعنی تعلّل در اجـرای مصوّبات مجلس جایز نیسـت و تعطیـل مصوّبـات مجلـس، و بی‌اعتنائـی به آن‌هـا، جایز نیسـت؛ آن دو قـوّه موظف‌اند که مصوّبـات شـما را عمـل کننـد. از طرف شـما هـم تعامل به این اسـت کـه مصوّبه را بـا توجّه بـه ظرفیت‌هـای کـشور تصویب کنیـد، ایجـاد کنید. خیلـی چیزها هسـت که انسـان دلش می‌خواهـد تصویـب کند، ایـن چیز خیلـی خوبی اسـت، امّا ظرفیّت کـشور، توانـایی کشور، واقعیت‌هـای کـشور پاسـخگو نیسـت. توجـه بشـود بـه ظرفیت‌هـای قـوّه‌ی مجریه و قـوّه‌ی قضائیّـه و ظرفیت‌هـای کـشور و واقعیت‌های موجود، بـا توجّه به این‌ها مصوّبـه تولید کنید و

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.

ایـن بـه نظر مـن می‌تواند یک تعامـل خوبی از دو طـرف به وجـود بیاورد[۱].

لزوم همکاری مجلس با دولت در قانون‌گذاری

بایـد روی ایـن خیلـی تکیـه کنیـد، خیلـی بر همـکاری با دولـت به عنـوان یک اصـل باید تکیـه کنیـد. دولت مال شماسـت، متعلق به شماسـت؛ همـان کاری را که شـما می‌خواهید انجـام بدهید، کمربسـته‌ی آن کار قوه‌ی مجریه و دولت اسـت. انصـافاً دولت، دولت پرکاری هم هسـت. مـن در این دوره‌هـای بعد از انقلاب تـا امروز، کمتـر دوره‌ای را دیدم کـه این‌همه تلاش و کار و فعالیـت متراکـم در او وجود داشـته باشـد؛ بـا نیت‌های خوب. حـالا گاهی در زمینه‌های گوناگون نظرات مختلفی هسـت؛ در مسـائل سیاسی، در مسائل اقتصادی، که این نظـرات مختلف را باید حتی‌المقدور سـعی کرد در محیطی فارغ از هیاهـو، فارغ از غوغاگری و غوغاسـالاری، فـارغ از تبلیغـات، بـه هـم نزدیک‌تـر کـرد. حقیقـتاً می‌تـوان سـمینارهای کوتاه‌مدت دوروزه، یک‌روزه، فشـرده، متراکم بین مسـئولین اساسـی مجلس و دولت تشـکیل داد و نقـاط مشـترکی را پیـدا کـرد، در نقاطی هم کـه مختلَفٌ‌فیـه باقی می‌مانـد، ﴿کلّ یعمل علی شـاکلته﴾[۲] اشـکالی ندارد، عرض کردیم که این جریان‌های خروشـان گوناگون وقتی وارد آن دریاچـه‌ی امـن و آرام ذکر الهی و ادای تکلیف شـوند، آن جـوش و خروش‌ها از بین خواهد رفـت و همه با هم سـازگار می‌شـوند[۳].

یک نکته‌ی دیگر این اسـت که شـما این سـه سـالی که در پیـش دارید با ایـن دولت جدید بناسـت مجتمـعاً کـشور را اداره کنید؛ شـما در یک جهت، دولت در یک جهت؛ شـما مقنن، دولـت مجـری؛ بایـد بـا هـم کار کنیـد بنـا را بـر مماشـات، مـدارا و روح همـکاری بگذارید البتـه مـا تذکراتـی هم در ایـن زمینـه دربـاره‌ی همین مسـئله‌ی همـکاری به دولـت داریم و خواهیـم گفـت - در جلسـات با عناصـر محترم دولـت و با مجموعـه‌ی دولـت - او به‌جای خـود محفـوظ؛ امـا آن چیـزی کـه بـه شـما می‌خواهیم عـرض کنیـم، این اسـت که بنـا را بر

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.
۲. [۱] سوره أسراء، آیه ۸۴.
۳. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

ایـن بگذاریـد که با دولت همکاری بشـود. دولت آن کسـی اسـت که توی میدان اسـت. من هـم تـوی مجلـس بـودم، مثل شـماها نماینـده بـودم، هم تـوی دولت بـودم؛ هـر دو حالت را مـن درک کـردم. خوب، بلـه، نماینده متوقع اسـت که من زحمـت می‌کشـم، می‌نشینم قانون می‌گـذارم، بایـد بـه این قانون عمل بشـود؛ این حرف درسـتی اسـت، حرف حقی اسـت؛ اما دولـت هـم حـرف حقـی دارد؛ دولـت می‌گوید من تـوی این سـنگلاخ، تـوی این راه دشـوار، تـوی ایـن سربالائی نفس‌گیـر، دارم بااین‌همه بـار می‌روم؛ یـک جاگیر می‌کنـم، کمکم کنید؛ سـخت‌گیری نکنیـد. دولـت، آن عنصر وسـط میدان اسـت؛ وسـط معرکه اسـت. تـوی این دسـته‌جات سینه‌زنـی علم‌هـایی حمـل می‌شـود - ظاهـراً اینجاهـا بـه آن می‌گوینـد عَلم یا علامـت؛ ما در مشـهد بـه آن می‌گوئیم جریده، یعنـی همین علامت‌هـای بزرگ - که گاهی ده شـاخه، دوازده شـاخه اسـت و خیلی هم سـنگین اسـت. این گردن‌کلفت‌های مشهد مأمور کشـاندن ایـن جریـده بودنـد؛ خیلی هم سـخت بود. یادم هسـت ایـن جریده‌ها را تـوی بازار می‌آوردنـد یک جـایی از بازار بود که یک‌قـدری وسیع‌تر هم بود؛ آنجا باید ایـن را دور می‌زدند و نمایـش می‌دادنـد و کارهـایی می‌کردند ایـن یک‌نفری که داشـت جریده را حمـل می‌کرد، ده نفـر، دوازده نفـر از او پذیرائی می‌کردنـد: یکی عرقش را پاک می‌کـرد، یکی آب توی دهنش می‌کـرد، یکـی خداقوّت می‌گفـت، یکی گاهی شـانه‌اش را مالش می‌داد. کار اجرائی سـخت اسـت. من یادم هسـت افـراد خدمت امـام می‌رفتند، می‌گفتنـد که آقا فلان‌جا اشـکال دارد، بازرگانـی چنیـن شـده. خـوب، هر بخشـی از کـشور نابسـامانی‌ها زیاد اسـت و همیشـه هم هسـت؛ آن روز هـم بـود، خیلـی هم بـودم. می‌رفتنـد به امـام شـکایت می‌کردند. بنـده دیده بـودم یـا از بعضی‌هـا شـنیده بودم که امـام حرف‌هـا را گـوش می‌کردنـد و بعـد می‌گفتند آقا کار سـخت اسـت، واقعـش هـم همیـن اسـت، کار تـوی برنامه‌ریـزی و روی کاغـذ و چارت و نمودارهـای گوناگـون و فلان یـک معنـا دارد، امـا کار در میـدان عمـل یک معنـای دیگری دارد. همانـی کـه انسـان روی کاغـذ خیلـی راحت می‌کشـد در عمل خیلی سـخت اسـت. این کالک‌های جنگ را می‌آوردند توی اتاق بنده، دوسـتانِ دسـت‌اندرکار در مسـائل جنگی هـم جمع می‌شـدند؛ فرماندهان جنـگ توضیح می‌دادند که نقشـه‌ی عملیات این اسـت از اینجـا می‌رویم، اینجـا من می‌دیدم بعضی از دوسـتان ما نـگاه می‌کردنـد، می‌گفتند عجب،

اینکه خیلی کار آسانی است. این یک خط کوتاه مثلاً به قدر نصف چوب‌کبریت، حرکت است خوب، این نصف چوب‌کبریت، یعنی مثلاً فرض کنید ده‌کیلومتری که بناست چند هزار نفر در اینجا درگیر بشوند و تعداد خیلی زیادی کشته و مجروح بشوند. روی نقشه، نصف چوب‌کبریت راه است و به نظر می‌رسد زحمتی هم ندارد؛ اما در عمل سخت است. غرض، مشکل است؛ باید با دولت مدارا کرد[۱].

مجلس شورای اسلامی با مصوبات خود، راهی را که دولت اسلامی برای اداره‌ی کشور باید بپیماید ترسیم می‌کند و بر این حرکت سرنوشت‌ساز نظارت می‌نماید ادای این وظیفه جز با حمایت از دولت و تعاون و یکرنگی با آن میسر نیست و امروز که دولت خدمتگزار با ریاست یکی از یاران برجسته‌ی امام و یکی از عناصر ممتاز انقلاب که عمر و جوانی خود را در این راه صرف کرده به خدمت مشغول است، این همراهی و مساعدت، وظیفه‌ای روشن‌تر و فوری‌تر از همیشه است این سخن به معنای آن نیست که نمایندگان به وظیفه‌ی نقد و بررسی و نظارت و انتقاد دلسوزانه و ارائه‌ی راه حل‌های درست نپردازند. مجلس در همه حال باید حریت و صراحت و حق‌گرایی و استقلال خود را حفظ کند و راه راست را به مجریان امور بنماید و بر پیمودن آن نظارت کند. نمایندگان باید پاسخگوی رأی اعتمادی که بر اعضاء دولت می‌دهند باشند. با این حال کارشکنی و فتنه‌گری و اغراء به جهل از هیچ‌کس قابل‌قبول نیست[۲].

آدم‌های غیرمسئول را کار نداریم. دولت و مجلس، باید شانه‌به‌شانه هم حرکت کنند. مجلس باید کمکِ دولت باشد، و این مخصوص امروز هم نیست. در همه ادوار این‌گونه است که اگر نمایندگان مردم، دولت‌ها را کمک نکنند، دولت‌ها نمی‌توانند کار کنند مجلس، مرکز قانون‌گذاری است. عِقال، دستِ مجلس است. ترمز، زیر پای مجلس است. اگر دولتی در حال حرکت باشد و ترمز کردید، طبعاً نمی‌تواند حرکت کند. اگر در هدایت دولت، بی‌توجّهی شد، نتیجه خوبی عاید نخواهد شد. باید هدایت انجام گیرد

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.

و همان استقلالی که قبلاً گفته شد، وجود داشته باشد. البته دشمن، هر چیز کوچکی را ممکن است ده برابر و گاهی صد برابر کند؛ اما بحمدالله مجلس پشتیبان دولت است؛ دولت هم در جهت قانون‌گذاری مجلس در حرکت است[۱].

اداره کشور، کار دشواری است. من دیده بودم کسانی خدمت امام (رضوان‌الله تعالی علیه) می‌آمدند و از بعضی اوضاع شکایت می‌کردند. یکی می‌گفت مالیات این‌طور شد، یکی می‌گفت در فلان جا، شهرداری آن گونه عمل کرد، استانداری فلان کرد و از این قبیل مطالب. من غالباً می‌دیدم امام تأمّلی می‌کردند و بعد به آن طرف می‌گفتند: «آقا اداره کشور سخت است».

مقصود این است که در مقامِ تصوّر و توصیف و گفتن، خیلی کارها می‌شود کرد؛ اما وقتی وارد شدید، مشکلات خودش را نشان می‌دهد. باید منصف باشیم. باید ببینیم کاری را که کننده مشغول آن است، اگر ما در پیشروی خودمان داشتیم، بهتر، روان‌تر و بی‌اشکال‌تر انجام می‌دادیم یا نه؟ این باید همیشه موردتوجه باشد. البته به هیچ وجه نباید از اشتباهات و خطاهایی که غالباً در مراتبِ دوم و سوم دولت انجام می‌گیرد، دفاع شود. اگر کسی خطایی کرده است، باید به او گوشزد شود و هیچ‌کس نباید دفاع کند[۲].

اینکه بنده همیشه در طول این سالیان متمادی به مجالس سفارش می‌کردم که با دولت‌ها همکاری کنند به خاطر این است - خیلی مهم است - بایستی این مجموعه‌ی متشکّل از آراء و دل‌ها و نظرات مجموعه‌ی کشور بتواند نقش ایفا کند در ایجاد آن کلّ منسجمی که کشورمان، مردممان، نظاممان به آن احتیاج دارد البته بنده به دولت‌ها هم همین سفارش را در جای خود می‌کنم. حالا خوشبختانه آقای رئیس جمهور هم به خاطر عنوان نمایندگی‌ای که من نمی‌دانم از لحاظ قانونی ایشان نماینده هستند یا نیستند، بالاخره حضور دارند. من به دولت‌ها هم همیشه در مورد مجلس سفارش می‌کنم[۳].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۳/۰۳/۱۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۳/۰۳/۱۱.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

ویـــژگی مجلس تـــراز: تعامل منضبـــط و همدلانه با قوای دیگـــر و رفتار جمعی صحیـــح و صبورانه

بی‌شـک، تعامـل منضبط و همدلانـه با قوای دیگر و نیـز رفتارِ جمعیِ صحیـح و صبورانه در داخـل قـوّه‌ی مقنّنـه، به تحقّـق همه‌ی ویژگی‌هـای یک مجلسِ تـراز کمک خواهد کـرد و یاد نیک نماینـدگان را ماندگار خواهد سـاخت[1].

ضوابط همکاری مجلس با قوای دیگر

نقشه کلی تعامل بین قوای سه‌گانه

بـه شـما عـرض می‌کنیـم؛ قوه‌ی مجریه وسـط میـدان ایسـتاده اسـت - چه ایـن دولت، چه هـر دولـت دیگـری - و کارها بـه عهده‌ی اوسـت، بارهـا بر دوش اوسـت، ملامت‌هـا به‌طرف او سـرازیر می‌شـود، سـؤال‌ها و مؤاخذه‌هـا از او می‌شـود؛ لـذا بایـد ملاحظـه‌ی او را کـرد. بـه قـوه‌ی مجریه هم ما همیشـه سـفارش می‌کنیـم؛ این حق عظیمـی که در قانون بـرای مجلس قانون‌گـذاری و بـرای کل قانـون ملاحظـه شـده، بایـد از طـرف مجریـان رعایت شـود. قانون اسـاس کار اسـت، قانـون ریـل حرکـت ایـن قطـار اسـت؛ شـما بایـد زحمـت بکشیـد این ریل‌گـذاری را بکنیـد، آن‌هـا هـم بایـد بـر روی این ریـل حرکت کنند. شـما کمـک کنید که ایـن ریـل جوری باشـد که این قطار سـر پیـچ بتواند بپیچـد. قطار شـمال را آقایـان دیده‌اند؛ یـک جاهـایی پیچ‌های سـختی دارد، اما بالاخره جوری اسـت که قطـار می‌تواند حرکت کند از ایـن پائیـن تا آن بـالای کوه قطـار حرکت می‌کند، مـی‌رود بـالا و می‌آید پائین، مشـکلی هم برایـش پیش نمی‌آید؛ چون ریل‌ها درسـت چیده شـده اسـت. اگـر چنانچه ایـن انحناهایی کـه لازم بـود بـه وجـود بیاید به این شـکل به وجـود نیامده بـود، اگر مـثلاً جوری تنظیم شـده بـود کـه قطار نمی‌توانسـت حرکت کند، مکرر شـما شـاهد سـقوط قطـار از آن بـالا می‌بودید. ایـن را باید در ریل‌گـذاری ملاحظه کرد. شـما ریل‌گذارید، او روی این ریـل حرکت می‌کند و بایـد قدر شـما را بداند؛ اما شـما هم بدانیـد که بالاخره بنا اسـت روی این ریل حرکت شـود؛

---

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳/۰۳/۰۶.

بنابرایـن دو طـرفِ قضیـه مهم اسـت. عرض کردیـم، این مخصـوص این دولت نیسـت؛ در همـه‌ی دولت‌هـا و در چند دوره‌ی مجلـس و دولت، بنده مکرر این سـفارش را به همه کردم؛ البتـه خب، بعضـی انصـافاً رعایت کردنـد، بعضی هم گاهـی بی‌توجهـی کردند[1].

نقشـه‌ی کلّی تعامل به نظر حقیر این اسـت؛ از طرف دو قوّه‌ی مجریه و قضائیّه تعاملشـان به این اسـت که بایسـتی موبه‌مو مصوّبات شـما را عمل کننـد؛ یعنی تعلّل در اجـرای مصوّبات مجلـس جایز نیسـت و تعطیل مصوّبات مجلـس و بی‌اعتنائی به آن‌ها، جایز نیسـت؛ آن دو قـوّه موظف‌انـد کـه مصوّبـات شـما را عمل کننـد. از طرف شـما هـم تعامل به این اسـت که مصوّبـه را بـا توجّه بـه ظرفیت‌هـای کشور تصویـب کنید، ایجـاد کنید. خیلی چیزها هسـت که انسـان دلـش می‌خواهـد تصویب کند، این چیـز خیلی خوبی اسـت، امّـا ظرفیّت کشور، توانـایی کـشور، واقعیت‌هـای کـشور پاسـخگو نیسـت. توجّـه بشـود بـه ظرفیت‌های قـوّه‌ی مجریـه و قوّه‌ی قضائیّـه و ظرفیت‌های کـشور و واقعیت‌های موجود با توجّه بـه این‌ها مصوّبه تولیـد کنیـد و این به نظر مـن می‌تواند یـک تعامـل خوبی از دو طرف به وجـود بیاورد[2].

تعامل مجلس با دولتمردان؛ منطبق با قانون و شرع

مجلـس بـر حسـب طبیعـت خـود دارای رابطـه‌ای نزدیـک و مهـم بـا دولـت اسـت. تنظیم صحیـح ایـن رابطـه، یکـی از مهم‌تریـن کارهای نماینـدگان محتـرم مجلـس شورای اسلامی اسـت. تصویـب قوانینـی که دولـت را موظف و قـادر بـر اداره‌ی صحیح امور نماید و سـپس نظـارت بـر اجـرای آن از راه‌هـای قانونـی، نخسـتین وظیفـه‌ی مجلـس اسـت و ایـن وظیفه مسـتلزم همـکاری و همدلـی میـان مجلـس بـا دولـت و حمایت مجلـس از دولت اسـت. سلامـت ایـن رابطـه بایـد به‌گونـه‌ای باشـد کـه دولـت، مجلـس را گره‌گشـای کارهـای بزرگ بشناسـد و از حکمـت و مصلحت‌شناسـی آن در اجـرای وظایـف دشـوار خود بهـره بگیرد، هـم در وضـع کنونـی که دولـت خدمتگزار با ریاسـت یکـی از یاران برجسـته‌ی امـام راحل و یکـی از چهره‌هـای درخشـان انقلاب در حـال انجام وظیفه اسـت و هم در دولـت بعدی که

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

به فضل و هدایت الهی مسئولیت اداره‌ی اجرایی کشور بر دوش شخصیت برجسته و برگزیده‌ی دیگری خواهد بود، همواره مجلس محترم باید همچون چشمی تیزبین و مغزی مصلحت‌شناس و سرانگشتی گره‌گشا عمل کند تا دولت و مجلس هر یک در جایگاه خود بتوانند مشکلات مردم را حل کنند و کشور را به پیش ببرند و مجلس، زمینه‌ساز و آسان‌کننده‌ی خدمات و وظایف اجرایی دولت باشد.

بدیهی است که این سخن به آن معنی نیست که نمایندگان به وظایف قانونی تذکر و سؤال و استیضاح در موارد خود عمل نکنند یا در رسیدگی به تخلفات کوتاهی نمایند. نمایندگان محترم در هر حال باید صراحت و حق‌گویی و آزادگی خود را حفظ کنند و بالخصوص مراقب باشند که وسوسه‌های بعضی از شیاطین که احیاناً ممکن است در صفوف مقدس مدیران اجرایی کشور نفوذ کرده باشند آنان را از وظایف نمایندگی ملت که امانتی الهی است باز ندارد.[۱]

یک مسئله هم که بنده همیشه به دوستان مجلس عرض کردم، تعامل با قوه‌ی مجریه است. با قوه‌ی مجریه هم که ما می‌نشینیم، چه با رئیس جمهور محترم، چه با وزرای محترم، چه با مجموع اینها، همین سفارش را به آن‌ها می‌کنیم که با قوه‌ی مقننه تعامل کنند. هر کدام هم حقی دارند مجلس دارای حق است در یک محدوده‌ی مشخصی؛ قوه‌ی مجریه و دست‌های کننده‌ی کار هم دارای حق‌اند در یک محدوده‌ی مشخصی حدود یکدیگر را باید حفظ کنند با یکدیگر تعامل کنند؛ این تعامل، جاده‌ی دوطرفه است - فرنگی‌ها و فرنگی‌مآب‌ها می‌گویند جاده‌ی دوطرفه؛ حرف بدی هم نیست، تعبیر بدی هم نیست - باید از هر دو طرف، این تعامل وجود داشته باشد البته درعین‌حال با همه‌ی حسن‌نیت‌هایی که طرفین دارند، گاهی بی‌تفاهمی‌هایی وجود پیدا می‌کند - اشکالی ندارد - لیکن این عدم تفاهم‌ها در همان حدی که اقتضای طبیعی کار است، ایراد ندارد؛ نباید تشدید کرد، ایجاد کدورت کرد؛ این‌ها را باید مراقبت کرد[۲].

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۱۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

متوقف بودن تعامل مجلس با دولتمردان بر حسن‌ظن، انصاف و پرهیز از اصطکاک و تشنج

خب، حالا اگر بخواهیم این تعامل انجام بگیرد، دو سه نکته در ذیل این تعامل وجود دارد که آن‌ها را عرض می‌کنیم: یکی این است که این تعامل، متوقّف است به حُسنِ‌ظن، اگر سوءِظنّ به همدیگر داشته باشیم، تعامل صورت نخواهد گرفت. اگر چنانچه دو نفر که با هم بنا است همکاری کنند، یکی از آن‌ها از اوّل بنا بگذارد که طرف مقابل می‌خواهد از پشت به او خنجر بزند، خب این تعامل نمی‌شود؛ تعامل بر مبنای سوءِظن ممکن نیست؛ باید حُسنِ‌ظن داشت، تعامل باید با حُسنِ‌ظن همراه باشد. بدون حُسنِ‌ظن و نیک گمانی به‌طرف مقابل، امکان این وجود ندارد البتّه حُسنِ‌ظن به معنای خوش‌باوری نیست؛ به معنای فریب‌خوری نیست حواسمان باید جمع باشد؛ همیشه انسان، همه‌جا و در همه‌ی موارد باید حواسش جمع باشد بنده توصیه نمی‌کنم کسی را به اینکه خوش‌باوری نشان بدهد؛ نه، لکن بنا را بر سوءِظن نباید بگذارند اینکه ما طرف مقابل را از اوّل متّهم کنیم که بنایش بر فلان کار خلاف است - یا بنایش بر سازش است یا بنایش بر خیانت است یا بنایش بر سوءِاستفاده‌ی شخصی است - این نمی‌شود؛ با این نگاه، تعامل امکان‌پذیر نخواهد بود؛ باید با نگاه موافق تعامل کرد این یک نکته در ذیل مسئله‌ی تعامل[1].

یک مسئله‌ی دیگر هم انصاف است. البته این‌هایی که عرض می‌کنیم در واقع توضیح واضحات است و شما آقایان و خانم‌ها به این چیزها واقفید؛ شاید خود شما، مردم را به این چیزها توصیه می‌کنید؛ ولی ما هم وظیفه داریم که این‌ها را عرض کنیم؛ ولو حالا شما بحمدالله شاید هیچ احتیاجی هم ندارید که ما بگوئیم، اما لازم است بگوئیم، انصاف را باید رعایت کرد؛ انصاف در مقابل آن دوستی که در مجلس همکار شما است، انصاف در مقابل آن کسی که بیرون مجلس است، انصاف در مقابل دولت، انصاف در مقابل قوه‌ی قضائیه، انصاف را باید رعایت کنید؛ ﴿و لا یجرمنّکم شنئان قوم علی الّا تعدلوا﴾[2] گاهی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.
۲. سوره مائده، آیه ۸.

مـا با کسـی بدیم، از کسـی بدمـان می‌آید؛ خب، ایـن کار می‌توانـد موجّه باشـد؛ بالاخره یک دلیلـی داریـم، از کسـی خوشـمان نمی‌آید؛ اما نسـبت به همین کسـی هم که از او خوشـمان نمی‌آیـد و اسـتدلال هم داریـم برای اینکه از او خوشـمان نیاید، باید انسـان انصـاف به خرج دهـد، کسـی یـک نقطـه‌ی خوبی دارد؛ آن را تحت‌تأثیـر نقطـه‌ی بـدی کـه از او در ذهـن مـا هسـت، قـرار ندهیم؛ ایـن خیلی چیـز مهمی اسـت بی‌انصافـی و رفتـار نامتناسـب، منجر می‌شـود بـه عکس‌العمل مشـابه در طرف مقابل ما آدم‌های ضعیفی هسـتیم دیگر؛ شـما اگر چنانچـه مثلاً نسـبت به ایـن حقیر یک‌وقتـی بی‌انصافی کردیـد، این حقیـر آن مقدار قدرت و توانائـی و ضبـط نفـس نـدارم که بگویـم خیلی خـوب، حـالا او بی‌انصافی کـرد، بکند؛ من هـم وادار می‌شـوم بـه بی‌انصافی ایـن‌جوری در جامعـه، تبـادل بی‌انصافی‌ها به‌جـای تبادل انصـاف به‌جـای تبادل محبـت، رایج می‌شـود ببینید، چون شـما نماینـده‌ی مجلسید، این تأثیـر وجـود دارد؛ والّا اگر چنانچه شـما جزو افراد معمولـی جامعه بودید، تأثیر داشـت، اما نه بـه ایـن اندازه وقتی ما در روی سـکویی قـرار گرفتیم و مردم بـه ما نگاه می‌کننـد، رفتار ما یک معنـا دارد؛ وقتـی که نه در جمعیت مردم در سـواد مردم گم هسـتیم، همان رفتـار یک معنای دیگری دارد[1].

نبایـد بگذارید کار به اصطکاک برسـد. مردم هم واقعاً دیگر از اصطکاک خوششـان نمی‌آید. بعضـی از دوره‌هـای مجلس، دوره‌های پر اصطکاکـی بود. بازخورد این تشـنج‌ها در مجلس، بـازخورد بسیـار منفـی‌ای بـود. مـردم هیـچ خوششـان نمی‌آیـد هـر وقت مـردم ایـن رادیوی مجلـس را بـاز می‌کردنـد، یـک دعوایی تـوی آن بود؛ یـک حرف نیـش‌دار و گزنـده‌ای توی آن بـود مـردم ایـن را دوسـت ندارند، مـردم می‌خواهند ماهـا که اینجـا در مسـند مدیریت کشور نشسـتیم بـا همدیگر مهربـان باشیم با هم کار کنیم، نسـبت بـه هم صمیمی باشیـم نه اینکه از گناهـان و خطاهای هـم اغماض کنیم؛ ابـداً - اینکه هیچ مطلوب نیسـت، این ضدارزش اسـت - امـا نـوع برخوردها، نـوع صمیمی، نـوع مهربانانه، نوع مؤمنانـه و برادرانه باید باشـد[2].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

پرهیز از تضعیف دولت در موارد اختلاف سلیقه

البتـه ارتباطـات مجلـس و دولت خوب اسـت و من می‌دانـم که ارتباطـات مجلس و دولت چـه‌طور اسـت. الحمـدلله جهت‌گیری‌هـای کلـی، جهت‌گیری‌های یکسـانی اسـت؛ اگرچه اخـتلاف سلایقی وجود دارد در موارد اختلاف سـلیقه، بالاخره هر طرف بایسـتی یک مقداری کوتـاه بیایـد تـا بتوانند مسـائل را جمـع کنند ایـن را به عنـوان یک نـگاه مصلحت‌اندیشـانه اساسـی من عـرض می‌کنـم: با دولت بایسـتی همراهی بشـود. دولـت در اداره‌ی کـشور و در مدیریـت کـشور، جهت‌گیـری درسـتی دارد در همـه‌ی برنامه‌هـا، دولت‌هـا ممکـن اسـت با مجالـس بـا بعضـی از نخبگان یـا با بعضـی از افراد دیگـر اختلاف‌نظرهایی داشـته باشـند؛ در ایـن اختلاف‌نظرهـا هم هیچ‌کـس نمی‌توانـد ادعا کند که قطـعاً و در همه‌جـا، حق با این طـرف اسـت یـا با آن طـرف؛ ممکن اسـت گاهـی حق با ایـن طرف باشـد، گاهی هـم حق با آن طـرف دیگـر باشـد؛ اما ایـن نبایـد موجب بشـود که دولـت اصول‌گـرای معتقد بـه مبانی انـقلاب و به‌شـدت در حـال تحرک و خدمت و زحمت‌کشـی، تضعیف بشـود؛ ایـن را توجه داشـته باشید[1].

شاخص تمییز تضعیف از انتقاد: بیان نقاط ضعف بدون توجه و بیان نقاط مثبت

نـه اینکـه بگوئیم انتقـاد نکنند؛ انتقـاد دو گونـه اسـتعلامتِ دلسوزانه بودن انتقاد این اسـت کـه وقتـی انسـان انتقاد را بیـان می‌کنـد، نقطه‌ی قـوّت را هـم در کنـار او بیان کند تـا معلوم بشـود کـه بنای نظر شـخصی، بنـای انتقام‌گیـری و بنـای اذیت‌کردن نـدارد؛ والّا اگـر ما یک مجموعـه‌ای داشـته باشـیم که نقاط قـوّت و نقاط ضعفی هـم دارد، آن وقت در بیـان انتقاد، نقـاط قوّتـش را اصلاً در نظـر نگیریـم و بـه زبـان نیاوریـم، بعـد یـک یـا دو یـا ده تـا از نقـاط ضعـف را همیـن‌طور بنـا کنیم گفتن؛ معلوم اسـت که تضعیف خواهد شـد علامـت این که نمی‌خواهیـم تضعیـف کنیم، این اسـت کـه نقاط قوت را هـم بیان کنیم. حـالا اگر یک وقت در موردی انتقـادی هـم داریـم، بگوئیـم؛ اشـکالی ندارد و کسـی با آن مخالفتـی ندارد[2].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.

تعامل سازنده‌ی مجلس در شکل‌گیری دولت جدید

گاهی بعضی از دولت‌ها رفتارشان با مجلس این‌جور بود که لایحه نمی‌دادند. از مجلس به بنده شکایت می‌کردند که مثلاً چند ماه منتظر نشسته‌اند، این دولت لایحه نمی‌دهد یا مصوّبه را اجرا نمی‌کند؛ ما در دولت‌ها هم از این قبیل داشته‌ایم. این را هم ما همیشه سفارش می‌کردیم. بالاخره شما به عنوان برادران و خواهران عزیز نماینده‌ی مجلس، یکی از کارهای مهمّتان مسئله‌ی تعامل است. من توصیه‌ی مؤکّدی که اینجا یادداشت کرده‌ام، تعامل سازنده‌ی با دولت جدید است. همه کمک کنند که رئیس‌جمهور منتخب بتواند وظایفی را که در قبال کشور دارد، انجام بدهد. اگر ما توانستیم جوری رفتار کنیم که رئیس‌جمهور موفّق بشود، این موفّقیّت همه‌ی ما است؛ اگر او در اداره‌ی کشور در پیشبرد اقتصاد کشور در مسائل بین‌المللی کشور در مسائل فرهنگی کشور به موفّقیّت دست پیدا کند، همه‌ی ما به موفّقیّت دست پیدا کرده‌ایم؛ پیروزی او پیروزی همه‌ی ما است؛ این را باید واقعاً از بن دندان باور کنیم[1].

تعیین تکلیف فوری کابینه دولت جدید

نکته‌ی هشتم و نکته‌ی آخر در مورد کار فوری مجلس، یعنی رأی به کابینه‌ای است که آقای پزشکیان (حفظه‌الله) ان‌شاءالله ارائه خواهند کرد به مجلس؛ این کار فوری و فوتی شما است. البتّه هر چه زودتر کابینه‌ی پیشنهادی - حالا بعد از کارهایی که باید انجام بگیرد - تصویب بشود و دولت مشغول کار بشود، برای کشور بهتر است؛ منتها در این زمینه، هم شما هم رئیس‌جمهور منتخب محترم، مسئولیت‌های سنگینی دارید چه کسی می‌خواهد میدان‌دار این میدان باشد؟ میدان اقتصاد، میدان فرهنگ، میدان فعّالیّت‌های سازندگی، میدان تولید؛ چه کسی می‌خواهد میدان‌دار باشد؟ آن کسی را باید میدان‌دار کرد که امین باشد، صادق باشد، متدیّن باشد از بُن دندان معتقد به جمهوری اسلامی و به نظام اسلامی باشد ایمان یک شاخص مهم است. امید به آینده، نگاه مثبت به افق، یکی از شاخص‌های مهم است. به آن‌هایی که افق به نظرشان تاریک است و معتقدند کاری

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

نمی‌شود کرد، نمی‌شود مسئولیت‌های اساسی و کلیدی داد. تشرّع، متشرّع بودن، یکی از معیارهای مهم است. اشتهار به پاک‌دستی و صداقت یک معیار است. این معیارها باید رعایت بشود؛ هم رئیس‌جمهور محترم این‌ها را رعایت کنند، هم مجلس رعایت کند؛ یعنی شما یک مسئولیّت مشترک دارید در انتخاب مسئولین کشور سابقه‌ی سوء نداشته باشند؛ این یک معیار است نگرش ملّی داشته باشند؛ یعنی غرق در مسائل جناحی و سیاسی و مانند این‌ها نشوند، نگاه ملّی به کشور داشته باشند، کارآمد باشند. این‌ها را با تحقیق می‌شود فهمید البتّه کارآمدی را غالباً بعد از اشتغال به کار می‌شود فهمید، امّا با تحقیق، با نگاه‌کردن به سوابق با شنیدن حرف‌ها می‌شود کارآمدی را هم تشخیص داد اینها لازم است[۱].

به نظر من، این مسئولیّت بسیار مهمّی است که هم بر عهده‌ی شما است، هم بر عهده‌ی رئیس‌جمهور محترم است که این کار را انجام بدهند؛ ان‌شاءالله یک مجموعه‌ی هیئت وزیران خوب، کارآمد به‌دردبخور، متدیّن و انقلابی‌ای سر کار بیایند و بتوانند مسائل کشور را پیش ببرند. این دعای ما است، امید ما است[۲].

شاخصه‌های رأی اعتماد به وزرا

البتّه هر چه زودتر کابینه‌ی پیشنهادی - حالا بعد از کارهایی که باید انجام بگیرد - تصویب بشود و دولت مشغول کار بشود، برای کشور بهتر است؛ منتها در این زمینه هم شما، هم رئیس‌جمهور منتخب محترم، مسئولیت‌های سنگینی دارید چه کسی می‌خواهد میدان‌دار این میدان باشد؟ میدان اقتصاد، میدان فرهنگ، میدان فعّالیّت‌های سازندگی، میدان تولید؛ چه کسی می‌خواهد میدان‌دار باشد؟ آن کسی را باید میدان‌دار کرد که «امین باشد»، «صادق باشد»، «متدیّن باشد»، «از بُن دندان معتقد به جمهوری اسلامی و به نظام اسلامی باشد» «ایمان یک شاخص مهم است» امید به آینده، نگاه مثبت به افق، یکی از شاخص‌های مهم است. به آن‌هایی که افق به نظرشان تاریک است و معتقدند کاری

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

نمی‌شود کرد، نمی‌شود مسئولیت‌های اساسی و کلیدی داد «تشرّع»، متشرّع بودن، یکی از معیارهای مهم است. «اشتهار» به پاک‌دستی و صداقت یک معیار است. این معیارها باید رعایت بشود؛ هم رئیس‌جمهور محترم این‌ها را رعایت کنند، هم مجلس رعایت کند؛ یعنی شما یک مسئولیّت مشترک دارید در انتخاب مسئولین کشور، سابقه‌ی سوء نداشته باشند؛ این یک معیار است نگرش ملّی داشته باشند؛ یعنی غرق در مسائل جناحی و سیاسی و مانند این‌ها نشوند، نگاه ملّی به کشور داشته باشند. کارآمد باشند، اینها را با تحقیق می‌شود فهمید البتّه کارآمدی را غالباً بعد از اشتغال به کار می‌شود فهمید، امّا با تحقیق با نگاه‌کردن به سوابق با شنیدن حرف‌ها می‌شود کارآمدی را هم تشخیص داد اینها لازم است[1].

کارآمد بودن

مجلس باید بذل اعتماد خود به کارگزاران عالی دولت را مرهون ملاک‌های: تعهد و تدین، کارایی و کارشناسی، وفاداری به نظام و به مردم قرار دهد و در نظارت قانونی بر عملکرد آنان جدی باشد[2].

نگرش ملی داشتن

سوءسابقه نداشتن

اشتهار به پاک‌دستی و صداقت

متشرّع بودن[3]

مجلس باید بذل اعتماد خود به کارگزاران عالی دولت را مرهون ملاک‌های تعهد و تدین، کارایی و کارشناسی، وفاداری به نظام و به مردم قرار دهد و در نظارت قانونی بر عملکرد

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار ششمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۰۶.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

آنان جدی باشد[۱].

امید به آینده و نگاه مثبت به افق داشتن

معتقد به جمهوری اسلامی و نظام اسلامی

امین بودن

لزوم رعایت اولویت‌ها در قانون‌گذاری

سرفصل دیگری که بنده به‌خاطر آن، مجلس را در قلب خودم تحسین کرده‌ام، واکنش به‌موقع نسبت به مسائل حسّاس داخلی و خارجی است. مجلس شورای اسلامی، به معنای حقیقی کلمه، مظهر اراده و حاکمیت مردم است و همان‌طور که تشکیل آن با اراده‌ی ملت است، تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری کلی آن نیز باید طبق اراده‌ی مردم و منطبق با نیازهای آنان باشد. نمایندگان محترم برای این که بتوانند این مقصود را برآورده کنند باید با توده‌های مردم و انتخاب‌کنندگان خود در تماس و ارتباط باشند و نیازهای راستین و خواسته‌های بحق آنان را به‌درستی و از نزدیک بشناسند و آن را در مصوبات مجلس رعایت کنند[۲].

مجلس در مسائل گوناگون - مثل مسئله فرهنگی ماهواره - غایب نیست. خوب؛ البته مسئله ماهواره جزو مسائل اصلی کشور نیست؛ بلکه یک مسئله موسمی، امّا مؤثّر و حسّاس است. گاهی بعضی از مسائل، خیلی بنیانی‌اند؛ هرچند در زندگی مردم بروز و ظهور و تأثیر عاجلی ندارند، امّا بعضی مسائل آن قدر هم بنیانی نیستند؛ بلکه مسائل سطحی‌اند. مسئله ماهواره، مسئله‌ای سطحی است؛ امّا تأثیرات زیاد و مخرّبی دارد شما آنجا خودتان را فوراً رساندید و بنده از بیرون مجلس مراقبت می‌کردم. من مباحثات مجلس را گوش و دنبال می‌کردم؛ دیدم مجلس با وجدان بیدار و درک صحیح از مسئله ماهواره با آن مواجه شد. در قضیه برخورد با سیاست‌های متعرّض استکبار جهانی، برخورد با دولت

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار ششمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۰۶.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.

مستکبر امریکا و در همه دردها و هموم این ملّت، حضور مجلس خیلی مهم است. چیزهایی که ملت به آن‌ها اهتمام می‌ورزد، برای ملت مهم است. این هم یکی از آن سرفصل‌های مهمّ است که یکی دو مثالش این‌ها بود البته مثال‌های زیادی هم دارد که حالا در صدد احصای آن‌ها نیستیم[۱].

مجلس، فراهم آمده‌ی خون مقدس شهدا و محصول مجاهدت‌های عظیم این ملت و یکی از نقاط امید روشن برای آحاد مردم است. هر دقیقه وقت این مجلس با مقیاس‌های مادی و معنوی، دارای ارزش والایی است و هیچ‌کس حق ندارد این سرمایه‌ی گران‌بهای ملت را به هدر بدهد یا صرف کارها و مباحثات کم‌ارزش کند؛ بنابراین در ارائه‌ی لوایح و طرح‌ها تا آن جا که ممکن است باید رعایت اولویت‌ها بشود و مسائل مهم‌تر و فوری‌تر از تقدم برخوردار شود. امروزه جستجو از راه‌هایی که موجب گشایش اقتصادی برای طبقات کم‌درآمد است و نیز قوانینی که به رشد فرهنگی و سالم‌سازی فضای فرهنگی و اخلاقی جامعه بینجامد جزو مسائلی است که از اولویت برخوردارند و شایسته است که نمایندگان محترم به‌طورجدی به آن بپردازند[۲].

در میان گرفتاری‌ها و مشکلات عمومی، شناخت فوریت‌ها و اولویت‌ها، هنر بزرگ مجلس شورای اسلامی است مشکلات عمومی‌تر، محسوس‌تر، مرارت‌بارتر را باید جست و به رفع آن‌ها همت گماشت، مسئله‌ی اشتغال، مسئله‌ی ارزش پول ملی، مسئله امنیت، مسئله‌ی گرانی و مسائل چند دیگری هست که برای پرداختن به آن از همه‌ی فرصت‌ها باید بهره جست و زمان نمایندگی را که بسی زودگذر است، برای گشودن این گره‌ها باید مغتنم شمرد. خطای بزرگ آن است که این خواسته‌های حقیقی مردم به دست غفلت سپرده شود و خواسته‌های جناحی و حزبی و شخصی به‌جای مصالح ملی بنشیند[۳].

نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می‌شناسید؛ اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار ششمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۰۶.

محرومیت از مناطق محروم، مهار تورّم و مقابله با گرانی، روان‌شدن چرخه‌ی خدمت‌رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق‌یافتن علم و تحقیق، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مسئولان حکومتی، در شمار برجسته‌ترین این نیازها است و این‌ها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می‌سازد. نیازهای موهوم و ساخته‌ی دست تبلیغاتچی‌های بیگانه و بدخواه، نباید بجای این خواسته‌های حقیقی بنشیند[۱].

نگاه کنید ببینید چه اولویّت دارد؛ بعضی از قوانین ممکن است مطرح بشود، وقت مجلس را هم بگیرد، یک مسئله‌ای را هم در محیط اجتماعی کشور درست بکند درحالی‌که هیچ اولویّتی هم ندارد؛ این‌ها را باید کنار گذاشت؛ یعنی مثل پولی که انسان احتیاج ندارد و همین‌طور بی‌دریغ خرج می‌کند، وقت مجلس را این‌جوری نباید خرج کرد، وقت مجلس محدود است؛ شما چهار سال بیشتر که وقت ندارید، باید از ذرّه‌ذرّه و لحظه‌لحظه‌ی این وقت استفاده کرد؛ بنابراین، صرفاً موضوعات اولویّت‌دار مطرح شود[۲].

اقتصاد و فرهنگ؛ اولویت‌های اساسی کشور

تحقق‌بخشیدن به اقتصاد مقاوم با همه‌ی الزامات قطعی آن و نیز تلاش مجدّانه برای گسترش و ژرف‌سازی فرهنگ اسلامی، دو اولویّت فوری کنونی است. اولویت‌های مهمّ دیگری در بخش‌های گوناگونِ مربوط به اقتدار ملّی و استحکام امنیّت و مصونیّت کشور، وجود دارد که تضمین‌کننده‌ی استقرار عدالت اجتماعی و استقلال و پیشرفت کشور است. شناخت این اولویت‌ها ازجمله‌ی وظایف نمایندگان و در دسترس ذهن هوشمند آنان است[۳].

در حال حاضر، اقتصاد و فرهنگ در صدر فهرست اولویت‌های کشور است. در باب اقتصاد، علاوه بر مشکلات عمده‌ی مشهود، باید اذعان کنیم که در دهه‌ی پیشرفت و

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۰۸.

عدالـت، نمـره‌ی مطلوبی در باب عدالت به دسـت نیاورده‌ایـم. این واقعیّتِ ناخواسـته باید همـه را بـه تلاش فکری و عملی در باب معیشـت طبقـات ضعیف به مثابـه‌ی اولویت، وادار سـازد توصیه‌ی صاحب‌نظـران به ما می‌گوید که راه درسـت برای این مقصـود اصلاح خطوط اصلـی اقتصـاد ملّی یعنی: اشـتغال، تولیـد، ارزش پول ملی، تورم، اسـراف و امثال آن اسـت. سیاسـت‌های کلّی اقتصـاد مقاومتی در این زمینـه، راهنمای معتبری اسـت. توجّه به تنظیم برنامـه‌ی هفتـم کـه در شـمار وظایـف نزدیک مجلـس یازدهم اسـت و نیـز توجّه بـه کاهش نقـش تعیین‌کننـده‌ی نفت خـام در منابع مالی دولت کـه خود فرصت مغتنمـی برای ترسیم خـطّ اقتصادی کشور اسـت، توصیـه‌ی دیگر اینجانب به شـما عزیزان اسـت[1].

در مقوله‌ی اقتصاد اگر بخواهیم مسـائل کلیدی را مطرح کنیم، مسـئله‌ی تولید یک مسـئله‌ی جدّاً کلیدی اسـت که ما امسـال را گفتیم سـال جهش تولید؛ الان ماه چهارم سـال هسـتیم، بایسـتی نشـان داده بشود در سـال که این جهش انجام گرفته. مسئله‌ی اشـتغال جزو مسائل کلیـدی اسـت کـه البتّـه با تولیـد ارتباط پیـدا می‌کنـد. مسـئله‌ی مهـار تورّم مسـئله‌ی جدّاً کلیـدی اسـت کـه علـل زنجیـره‌ی تورّم و گرانـی را شناسـایی کنیـد و بروید سـراغ این علل مدیریّـت نظـام پولـی و مالی جزو مسـائل کلیدی اسـت؛ عـدم وابسـتگی اقتصاد کـشور به نفت جزو مسـائل کلیدی اسـت؛ این‌ها مسـائلِ مهم اسـت. این‌ها در زمینه‌هـای اقتصادی.

اولویت‌های اقتصادی

مسئله معیشت مردم

در تنظیـم برنامه‌هـای کـشور، اصلی‌تریـن مسـئله عبـارت از رفع فقـر و محرومیـت و نجات طبقـات مسـتضعف و مـحروم و پابرهنـگان از تبعـات دوران ستم‌شـاهی و آثـار سـلطه‌ی بیگانـگان اسـت، همـه‌ی برنامه‌هـای اقتصـادی و تولیـدی و سـازندگی و رونـق اقتصـادی بایـد بـه ایـن هـدف، متوجه باشـد و تنهـا در ایـن صورت اسـت که ایـن برنامه‌ها درسـت و قابل‌قبـول اسـت. نماینـدگان محتـرم بایـد در قوانیـن مصـوب و نیـز در مواجهـات خـود با

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۳/۰۷.

مسئولین اجرایی کشور، این را اصل بدانند و وظیفه‌ی کمک به محرومان را سرلوحه‌ی مسئولیت‌های نمایندگی خود قرار دهند[۱].

امروز در بعضی از گفته‌ها و اظهارات، راجع به شأن و شخصیّت و شرف و کرامت انسان در جامعه حرف زده می‌شود. این بلاشک از اصول اسلامی است؛ اما کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از این که انسانی، رئیس عائله‌ای، پدر خانواده‌ای در جامعه‌ای که در آن همه چیز هم هست، نتواند اوّلیات زندگی فرزندان خودش را تأمین کند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! کدام نقض شخصیّت و شرف و کرامت انسانی از این بالاتر است؟! صبح تا شب کار کند، آخرش به من یا به شما یا به آن مسئول دیگر نامه بنویسد که من دو ماه است به خانه‌ام گوشت نبرده‌ام! یک وقت در جامعه گوشت و میوه نیست، من و شما هم نمی‌خوریم؛ یک وقت در جامعه امکانات رفاهی نیست، من و شما هم استفاده نمی‌کنیم؛ یک وقت ایام عید که می‌شود، فرزندان من و شما هم لباس نو بر تن نمی‌کنند در این حالت کسی احساس سرشکستگی نمی‌کند - البلیة اذا عمت طابت - اما وقتی همه چیز هست، وقتی کسانی در جامعه با استفاده از فرصت‌های نامشروع توانسته‌اند برای خودشان آلاف و الوف و زندگی‌های تجمّلی فراهم کنند، وقتی طبقاتی در جامعه هستند که برایشان پول خرج‌کردن هیچ اهمیتی ندارد، جمع کثیری از مردم که در بین آن‌ها رزمندگان و عناصر نظامی و کارمندان دولت و معلمان و روستاییان و مردم مناطق محروم و دور و مناطق جنوب هستند، نتوانند نان و پنیر بچه‌هایشان را فراهم کنند، کدام شکستن شخصیّت و شرف انسانی از این بالاتر است؟! شما می‌خواهید جواب چه کسی را بدهید؟ شما می‌خواهید دل چه کسی را خوش کنید؟ شما می‌خواهید چه کسی از شما راضی باشد؟

بله، مسئله معیشت قطعاً در اولویّت اوّل است معیشت که نبود، دین هم نیست؛ اخلاق هم نیست؛ حفظ عصمت و عفت هم نیست؛ امید هم نیست کسی را که به موقعیتی دست پیدا کرده به خاطر این که برای رفع نابسامانی و فقر، تلاش و مجاهدت کند و

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.

شب‌وروزِ خودش را صرف نماید، ملامت نخواهند کرد اولویت‌ها را پیدا کنید مسائل اساسی جامعه این‌هاست[۱].

عزیزان من! شما بدانید که دشمن شما، دشمن این انقلاب، دشمن این نظام، بُرنده‌ترین حربه‌ای که در اختیار خواهد داشت، فقر و گرفتاری اقتصادی مردم است. روی این مسئله باید فکر کرد گرفتاری‌های اقتصادی مردم، همین بیکاری‌ای است که در کلمات شما تکرار می‌شود و درست هم هست؛ همین کمبودها و همین مشکلات فراوان است. البته فسادهای گوناگون، سوءاستفاده‌های گوناگون، تبعیض‌های گوناگون، مشکلات اداری و مشکلات قضایی هم در کنارش هست. اولویّت اوّل برای شما این است که امید مردم را حفظ کنید. اولویّت اوّل این است که شکم مردم را سیر کنید. می‌شود نشست و حرف‌های روشنفکری زد. اگر فلان طور نشود، فلان طور نخواهد شد؛ اگر چنین نشود، چنان نخواهد شد؛ اما باید دید واقعیت چیست[۲].

مسئله اقتصاد مقاومتی

در مورد اقتصاد مقاومتی، خوشبختانه در کشور هم‌زبانی هست، امّا مشکل ما در همدلی است؛ آدم می‌ترسد هم‌زبانی باشد، همدلی نباشد.

ای‌بسا هندو و ترک هم‌زبان　　ای‌بسا دو ترک چون بیگانگان

پس زبان همدلی خود دیگر است　　همدلی از هم‌زبانی بهتر است

خب، این هم‌زبانی هست، همدلی هم باید انجام بگیرد؛ یعنی از بُن دندان به مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی باید باور آورده شود؛ باور کنیم که کلید حلّ مشکلات کشور در داخل است؛ ستون فقراتش هم تقویت تولید داخلی است که حالا این کاری که شما کردید - قانون برداشتن موانع تولید - کار خوبی است و شنیدم - آن طوری که گزارش شد به من - کار کارشناسی شده‌ی خوبی هم بوده؛ این‌ها باید دنبال بشود؛ باید همه این را باور کنند.

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.
۲. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

بنـده عقیـده‌ام این اسـت که اگر ما توانسـتیم تولیـد را در داخـل تقویت کنیم، اگر توانسـتیم از ظرفیت‌هـای داخلـی بـه معنـای حقیقـی کلمه اسـتفاده کنیم، حلّ مسـائل بیرونی آسـان خواهد شـد؛ حلّ مسـئله‌ی هسته‌ای آسـان خواهد شد[۱].

خـب، مسـئله‌ی هسـته‌ای به‌صورت یک گـره درآمده؛ ایـن مسـئله راه‌حل‌هـایی دارد، امّا آن راه‌حل‌هـا متوقّـف به تقویتِ درونی ما اسـت؛ اگـر این تقویـت در درون انجام بگیـرد، آن کار آسـان خواهـد شـد غیر از مسـئله‌ی هسـته‌ای هـم سریال‌هـای دیگـری در انتظار ما اسـت؛ ایـن‌جور نیسـت که همه‌ی مسـائل مـا با غرب بـا آمریکا بـا صهیونیسـم بـا گردن‌کلفت‌های اقتصـادی دنیـا فقـط همیـن مسـئله‌ی هسـته‌ای باشـد؛ ایـن تنهـا مسـئله‌ی مـا نیسـت؛ دنبالـه‌اش مسـائل گوناگون - حقوق بشـر و امثاله و امثاله - هسـت؛ حلّ همه‌ی این مسـائل آسـان خواهد شـد، نمی‌گویم به‌خودی‌خود حل خواهد شـد؛ نه، تلاش لازم اسـت؛ اما حل آن مسـائل آسـان خواهد شـد. اگر چنانچه ما توانسـتیم این مسـئله‌ی داخلی را حـل کنیم، این مسـئله‌ی اقتصـاد مقاومتـی را در قانون برنامه‌ی ششـم کاملاً ببینید؛ در قانون بودجه‌ی سـال ۹۵ ایـن را به‌طور کامـل ببینید[۲].

مسئله قاچاق

مسـئله‌ی قاچـاق که اشـاره کردند و بنده هم مکرّر اشـاره کـرده‌ام، خیلی جدّی اسـت؛ یعنی واقـعاً قاچاق، خنجری اسـت که به پشـت نظام وارد می‌شـود یـک عدّه‌ای بـرای خاطر منافع شـخصی خودشـان، منافـع کشور را با قاچـاق لگدمال می‌کننـد؛ باید با این مبـارزه کرد، باید بـا ایـن مقابلـه کـرد البتّه بدیهی اسـت کـه این مقابله آسـان نیسـت؛ بـرای خاطـر اینکه آن کسـانی کـه درآمدهـای میلیـاردی از قاچـاق دارند به ایـن آسـانی‌ها دسـت برنمی‌دارند باید بـرخورد کـرد؛ این برخورد را البتّـه دولت باید بکند، امّا پشـتوانه‌ی این بـرخورد دولتی، مجلس اسـت؛ شـما هسـتید که باید بخواهید، باید تصمیـم بگیرید، بایـد برنامه‌ریـزی کنید این هم

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.

درباره‌ی مسائل مربوط به اقتصاد[۱].

مسئله مهار تورم، مدیریت منابع مالی و پولی، وابستگی به نفت

یک نکته‌ی مهم، قانون برای حلّ معضلات اقتصادی است. همان‌طور که اشاره کردند، یک جلسه‌ای تشکیل شده بحمدالله که رؤسای قوا و عناصری از سه قوّه در آن شرکت دارند، برای اینکه به مسائل اقتصادی به‌طورجدی ورود کنند و تصمیم بگیرند و ببُرند و راه را باز کنند؛ این خیلی مهم است که این جلسه هم حالا تشکیل می‌شود. مجلس در همین جهت، حرکت جدّی باید انجام بدهد. امروز معضلات اقتصادی کشور در اولویّت قرار دارد؛ بایستی این معضلات را به معنای حقیقی کلمه حل کرد. دشمن هم از این نقطه‌ضعف می‌خواهد استفاده کند؛ نباید اجازه داد که یک چنین چیزی را انجام بدهد[۲].

توصیه‌ی بعدی ما این است که به مسائل کلیدی توجّه کنید، اولویّت را به مسائل کلیدی بدهید به مسائل فرعی و درجه‌ی دوگاهی انسان لازم است برسد، لکن جوری برخورد نشود با مسائل درجه‌ی دو که مانع از حرکت جدّی و متمرکز به سمت مسائل کلیدی بشود. مثلاً حالا در مقوله‌ی اقتصاد اگر بخواهیم مسائل کلیدی را مطرح کنیم، مسئله‌ی تولید یک مسئله‌ی جدّاً کلیدی است که ما امسال را گفتیم سال «جهش تولید»؛ الان ماه چهارم سال هستیم، بایستی نشان داده بشود در سال که این جهش انجام گرفته. مسئله‌ی اشتغال جزو مسائل کلیدی است که البتّه با تولید ارتباط پیدا می‌کند. مسئله‌ی مهار تورّم مسئله‌ی جدّاً کلیدی است که علل زنجیره‌ی تورّم و گرانی را شناسایی کنید و بروید سراغ این علل مدیریّت نظام پولی و مالی جزو مسائل کلیدی است؛ عدم وابستگی اقتصاد کشور به نفت جزو مسائل کلیدی است؛ این‌ها مسائلِ مهم است. این‌ها در زمینه‌های اقتصادی[۳].

---

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۳. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

مسئله اشتغال

مسئله‌ی اشتغال که وابسته‌ی به همین مسئله‌ی تولید داخلی و مانند این‌ها است، خیلی مهم است. همین‌طور مدام همه‌ی ما می‌گوییم؛ دولتی می‌گوید، مجلسی می‌گوید، اقتصاددانِ آزادِ روزنامه‌ای می‌گوید که فلان درصد از کارخانه‌ها تعطیل‌اند یا مثلاً کمتر از نصف ظرفیّت کار می‌کنند، خب بالاخره چه می‌شود؟ بالاخره باید این‌ها راه بیفتد، باید کار بکند؛ اگر کار کرد، اشتغال به وجود خواهد آمد. این خجلت و شرمندگی نظام از بیکاری جوان از خجلت خود آن جوان در داخل خانه بیشتر است؛ این را شما بدانید بنده خودم وقتی‌که به فکر این جوان بیکار می‌افتم شرمنده می‌شوم. در بعضی از شهرستان‌ها بیکاری بالا است. البته ما نرخ یا به‌اصطلاح درصد بیکاری را یک مقداری معیّن می‌کنیم؛ حالا دوازده درصد یا ده درصد - همین‌که حالا گفته می‌شود - لکن این میانگین است. وقتی انسان این را می‌بیند شرمنده می‌شود؛ یعنی شرمندگی بنده‌ی حقیر از ملاحظه‌ی این آمار و مطالعه‌ی این حقیقت از شرمندگی آن جوانی که بیکار می‌رود خانه و دستش چیزی نیست، کمتر نیست، بلکه بیشتر است؛ این را باید برطرف بکنیم[1].

توصیه‌ی بعدی ما این است که به مسائل کلیدی توجّه کنید، اولویّت را به مسائل کلیدی بدهید. به مسائل فرعی و درجه‌ی دو گاهی انسان لازم است برسد، لکن جوری برخورد نشود با مسائل درجه‌ی دو که مانع از حرکت جدّی و متمرکز به سمت مسائل کلیدی بشود. مثلاً حالا در مقوله‌ی اقتصاد اگر بخواهیم مسائل کلیدی را مطرح کنیم، مسئله‌ی تولید یک مسئله‌ی جدّاً کلیدی است که ما امسال را گفتیم سال «جهش تولید»؛ الان ماه چهارم سال هستیم، بایستی نشان داده بشود در سال که این جهش انجام گرفته، مسئله‌ی اشتغال جزو مسائل کلیدی است که البتّه با تولید ارتباط پیدا می‌کند مسئله‌ی مهار تورّم مسئله‌ی جدّاً کلیدی است که علل زنجیره‌ی تورّم و گرانی را شناسایی کنید و بروید سراغ این علل مدیریّت نظام پولی و مالی جزو مسائل کلیدی است؛ عدم وابستگی اقتصاد کشور به نفت جزو مسائل کلیدی است؛ این‌ها مسائلِ مهم است. این‌ها در

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.

زمینه‌های اقتصادی[۱].

مسئله تولید

در مسئله‌ی اقتصاد؛ ببینید برادران عزیز، خواهران عزیز! واقعاً مسئله‌ی اقتصاد یک مسئله‌ی اصلی در کشور ما است؛ نه‌فقط امروز، که خب بنده پنج شش سال است که مرتّباً روی مسئله‌ی اقتصاد تکیه می‌کنم. من پنج شش سال قبل از این در صحبت اوّل سال - عید - گفتم ما داریم تهدید می‌شویم از دو ناحیه و یکی - که شاید هم مهم‌تر بود - از ناحیه‌ی اقتصاد است. واقعش هم همین است؛ آن‌وقت هنوز تحریم‌ها نبود و اِعمال نشده بود. دشمن اقتصاد را به‌عنوان یک حربه‌ای علیه ما به کار گرفته، ما هم شاید یک‌خرده ناشیگری کردیم و نشان دادیم که از این حربه خیلی می‌ترسیم و ناراحتیم؛ لذا او بیشتر تشجیع شده و راه خودش را پیدا کرده علی‌ایّ حال، مسئله‌ی اقتصاد مسئله‌ی بسیار مهمّی است؛ باید ما مسئله‌ی اقتصاد کشور را حل کنیم. البتّه اجرا به عهده‌ی دولت است؛ دولت است که باید در میدان و وسط میدان کار کند، امّا شما در این زمینه می‌توانید خیلی کمک کنید. تکیه‌ی مهم باید روی مسئله‌ی رکود باشد، روی مسئله‌ی تولید داخلی باشد؛ تولید داخلی خیلی مهم است. من چند روز پیش بود در یک صحبتی گفتم. هر حرکتی که دولت در زمینه‌ی مسائل اقتصادی می‌کند، بایستی برای ما روشن باشد که این کجای اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی یک جدول تشکیل‌شده از خانه‌های متعدّد است؛ هر اقدامی که ما می‌کنیم، باید معلوم باشد که کجای این جدول را پُر می‌کند. یک معامله‌ای دولت می‌خواست بکند، دفتر ما تماس گرفتند و از آن مسئول مربوط پرسیدند که خب این کجای اقتصاد مقاومتی است؟ باید تشریح کنند، باید توضیح بدهند که این کجای اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد؛ ضدّ اقتصاد مقاومتی نباشد، خنثی هم نباشد؛ نه‌فقط ضدّیّت؛ بنابراین، مسئله‌ی تولید داخلی خیلی مهم است؛ علاج رکود خیلی مهم است[۲].

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.

توصیه‌ی بعدی ما این است که به مسائل کلیدی توجّه کنید، اولویّت را به مسائل کلیدی بدهید به مسائل فرعی و درجه‌ی دو گاهی انسان لازم است برسد، لکن جوری برخورد نشود با مسائل درجه‌ی دو که مانع از حرکت جدّی و متمرکز به سمت مسائل کلیدی بشود. مثلاً حالا در مقوله‌ی اقتصاد اگر بخواهیم مسائل کلیدی را مطرح کنیم، مسئله‌ی تولید یک مسئله‌ی جدّاً کلیدی است که ما امسال را گفتیم سال «جهش تولید»؛ الان ماه چهارم سال هستیم، بایستی نشان داده بشود در سال که این جهش انجام گرفته مسئله‌ی اشتغال جزو مسائل کلیدی است که البتّه با تولید ارتباط پیدا می‌کند مسئله‌ی مهار تورّم مسئله‌ی جدّاً کلیدی است که علل زنجیره‌ی تورّم و گرانی را شناسایی کنید و بروید سراغ این علل مدیریّت نظام پولی و مالی جزو مسائل کلیدی است؛ عدم وابستگی اقتصاد کشور به نفت جزو مسائل کلیدی است؛ این‌ها مسائلِ مهم است. این‌ها در زمینه‌های اقتصادی[۱].

اولویت‌های فرهنگی

مسئله فرهنگ

مسئله‌ی بعدی مسئله‌ی فرهنگ است. البته فرهنگ در بلندمدّت از اقتصاد خیلی مهم‌تر است؛ اقتصاد مسئله‌ی فوری و اولویّت کنونی ما است، امّا مسئله‌ی فرهنگ یک مسئله‌ی مستمرّی است و بسیار مهم است؛ حتّی در قضیّه‌ی اقتصاد هم مهم است. برادران عزیز، خواهران عزیز! در مسئله‌ی فرهنگ، بنده احساس یک ولنگاری می‌کنم؛ در دستگاه‌های فرهنگی - اعم از دستگاه‌های دولتی و غیردولتی - یک نوع ولنگاری و بی‌اهتمامی در امر فرهنگ وجود دارد؛ چه در تولیدِ کالایِ فرهنگیِ مفید که کوتاهی می‌کنیم، چه در جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر که کوتاهی می‌کنیم. اهمّیّت کالای فرهنگی از کالای مصرفی جسمانی کمتر نیست، بیشتر است. فرض کنید مرتّب تکرار بکنند که مثلاً: فلان جور پفک مضر است، نخورید؛ حالا مگر ضررش چقدر است، چه جور ضرری است، چه میزان ضرر دارد، برای چند درصد از مردم ضرر دارد؟ این را دائماً

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

می‌گوینـد، امّـا ضرر فلان جور فیلـم یـا فلان جور کتـاب یا فلان جور بـازی رایانـه‌ای یا امثال این‌هـا را کسـی جرئت نمی‌کند بگوید که مبادا متّهم بشـوند به اینکه جلـوی آزادی اطّلاعات و جریان آزاد اطّلاعات را گرفته‌اند. آن‌هایی که اسـاس این حرف‌ها هسـتند، خودشـان بیشتر از مـا در ایـن مسـائل سـخت‌گیری می‌کنند؛ این را بـاور کنید. حـالا آزادترین مناطـق دنیا از لحـاظ اطّلاعات، مـثلاً فرض کنید دولت‌هـای غربی‌اند، ازجمله آمریـکا؛ از خبرهای دقیق و روشـنی که از آمریکا می‌رسـد در کنترل اطّلاعات افراد و انگشـت گذاشـتن روی آن چیزهایی که دسـتگاه روی آن‌ها حسّـاس اسـت، انسـان واقعاً تعجّب می‌کند؛ ما یک‌دهم آن‌ها کنترل اطّلاعاتـی نداریـم و نمی‌کنیـم. به‌مجرد اینکـه در اینجا یـک فیلمی را ممنـوع کردند یا فرض کنیـد کـه یک جریان رایانـه‌ای را مثلاً محدود کردند یـا ممنوع کردند، فوراً آن‌هـا سروصدا بلند می‌کننـد، مـا هم باورمـان می‌آید؛ ما هـم باور می‌کنیـم که واقـعاً کار خطایی کرده‌ایـم. نه آقا، بایـد مراقبت کرد! وظیفه‌ی مـا تولید کالای فرهنگی مفید و جلوگیـری از کالای فرهنگیِ مضر اسـت. بنـده در ایـن زمینه احسـاس یـک ولنـگاری‌ای می‌کنـم؛ باید ایـن را شـماها در نظر داشـته باشید و اهمّیّـت بدهید[1].

مسئله مسکن، ازدواج و فرزندآوری و جوانی جمعیت، مسئله مدیریت فضای مجازی

در مقوله‌ی مسـائل اجتماعی و غیره هم مسـئله‌ی مسـکن یک مسـئله‌ی جدّاً مهم و کلیدی اسـت؛ در سـبد هزینه‌هـای خانوار، مسـکن سـهم بسیـار عمده‌ای دارد و مسـئله‌ی مسـکن خیلی مهم اسـت. مسـئله‌ی ازدواج جوانان خیلی مهم اسـت؛ جزو مسـائلی اسـت که اصلاً نبایـد از آن غفلـت کرد و راه‌هـایی برای تسـهیل ازدواج، و امـکان ازدواج بـرای جوان‌ها، باید پیش‌بینـی بشـود. بعضـی از ایـن راه‌هـا هزینـه‌ی مـادّی هم نـدارد؛ فقـط تصمیم‌گیـری لازم دارد، توجّه لازم دارد. مسـئله‌ی فرزندآوری و مسـئله‌ی نسـل بسیار مهم اسـت؛ این موضوعی اسـت کـه بنده بارهـا در این چند سـال اخیـر تکیه کـرده‌ام و تأکید کـرده‌ام، ولی متأسّـفانه حـالا که انسـان نتایـج را نـگاه می‌کند، معلوم می‌شـود کـه خیلی ایـن تأکیدها تأثیـر زیادی نداشـته اینهـا احتیـاج دارد بـه قانـون، احتیـاج دارد بـه دنبال‌گیـری جـدّی دسـتگاه‌های

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶،

اجرائی و بایستی بِجِدْ مسئله‌ی فرزندآوری را مهم دانست و از پیری جمعیّت ترسید. حالا خارجی‌ها را کار نداریم؛ دشمن، دشمن است؛ امّا بعضی کج‌سلیقگی‌ها را متأسّفانه آدم در داخل مشاهده می‌کند - یک جایی خواندم - که می‌گویند «آقا! پیری جمعیّت اشکالی ندارد»! چطور اشکالی ندارد؟ یکی از پُرفایده‌ترین ثروت‌های یک کشور، جمعیّت جوان در یک کشور است که ما بحمدالله از اوایل انقلاب تا امروز برخوردار بوده‌ایم و اگر بنا باشد بعداً برخوردار نباشیم، یقیناً عقب خواهیم ماند. مسئله‌ی مدیریّت فضای مجازی جزو مسائل مهمّ ما است که این مسئله، مسئله‌ی بلندمدّت هم نیست؛ مسئله‌ی کوتاه‌مدّت و میان‌مدّت و جزو مسائل نزدیک ما است که باید به آن توجّه بشود و امثال این‌ها مسائل کلیدی‌ای وجود دارد. توجّه کنید دچار حاشیه‌ها نشوید، دچار مسائل فرعی و بی اولویت نشوید[۱].

لزوم اصلاح ساختار بودجه

اضافه‌نکردن کسری به بودجه با محاسبه دقیق و منابع واقعی

یکی از کارهایی که مجلس می‌تواند در مورد بودجه انجام بدهد، این است که به کسری بودجه اضافه نکند؛ یعنی هزینه‌هایی که تعیین می‌شود بدون اینکه درآمد معادلش محاسبه‌ی دقیق شده باشد و معلوم باشد که این درآمد و این منبع وجود دارد. گاهی این‌جوری است که منابع بودجه، منابع خیالی است، منابع واقعی نیست. خب، در قبال منابع خیالی، هزینه‌های واقعی است؛ این کسری بودجه را افزایش می‌دهد؛ کسری بودجه امّ‌الخبائث است؛ بسیاری از مشکلات بزرگ اقتصادی ما ناشی از کسری بودجه است. این هم یک مسئله[۲].

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

نقش بیشتر دولت در اصلاح بودجه نسبت به مجلس

بودجه انصافاً اصلاح نشده؛ یعنی مشکل ترکیب غلط بودجه اصلاح نشده، که یک مقداری از این مربوط به دولت است، یک مقداری مربوط به مجلس است. البته من این را بیشتر باید خطاب به دولتی‌ها بگویم و گفته‌ام و باز هم خواهم گفت ان‌شاءالله؛ امّا شما هم نقش دارید[۱].

لزوم دست‌کاری کمتر لوایح اقتصادی توسط مجلس

یک مسئله‌ی دیگر مسئله‌ی لوایح اقتصادی است که من چند بار این را به مجلس سفارش کرده‌ام. دست‌کاری لوایح اقتصادی محدود باید باشد؛ زیاد دست‌کاری نباید کرد. یک لایحه‌ی اقتصادی است، یک اوّلی دارد، یک آخری دارد، یک مجموعه‌ای دارد، یک پیکره‌ای دارد، یک شاکله‌ای دارد که این را وقتی زیاد شما دست‌کاری کردید و از این شاکله افتاد، از اثر می‌افتد؛ آن‌وقت، وقتی که عمل کردند به نتیجه نمی‌رسد و مسئولیت‌ها لُوث می‌شود. دولت می‌گوید که اگر آن طرحی را که من داده بودم، مجلس به من برمی‌گرداند و تصویب می‌کرد، نتیجه می‌داد؛ می‌افتد گردن مجلس، مجلس هم جور دیگری جواب می‌دهد! این‌جوری نمی‌شود به نظر من هر چه ممکن است در لوایح اقتصادی دست‌کاری کمتری در لایحه صورت بگیرد[۲].

پرهیز از تصویب طرح‌های عمرانی به‌صورت افراطی و بیش از حد بودجه

پیگیری مسائل حوزه‌ی انتخابیّه باید در چارچوب نگاه کلان به مسائل کشور انجام گیرد و از تصویب طرح‌های آبادانی به‌صورت افراطی و بیرون از حدّ طاقت بودجه‌ی عمرانی پرهیز شود[۳].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳/۰۳/۰۶.

تنظیم عملیاتی (هزینه - فایده) بودجه و واقعی‌کردن منابع

در خصوص بودجه هم، حالا مسئولین محترم دولتی می‌گویند بودجه‌ی سال آینده را می‌خواهند عملیّاتی تنظیم کنند. قبلاً هم مکرّر گفته می‌شد «بودجه‌ی عملیّاتی»؛ حتّی می‌گفتند بودجه‌ای که تنظیم کردیم بودجه‌ی عملیّاتی است، بعد معلوم می‌شد نه عملیّاتی نیست، هزینه‌محور است «بودجه‌ی عملیّاتی» یعنی هزینه - فایده؛ آن مقداری که هزینه می‌شود در قبالش عمل و فایده وجود داشته باشد؛ این بودجه‌ی عملیّاتی است. حالا بودجه را که دولت تنظیم می‌کند و به مجلس می‌دهد، شاکله‌ی بودجه محفوظ بماند؛ نه اینکه دست نخورد؛ چرا، بالاخره یک جاهایی هست که مجلس ایراد دارد، حق هم دارد، باید اصلاح کند؛ امّا آن شاکله و آن پیکره‌ی کلّی بودجه دست نخورد. ثانیاً، منابع غیرواقعی در بودجه داخل نشود؛ یکی از مشکلات ما این بوده هزینه‌ها غالباً واقعی است، هزینه‌ها غالباً تخلّف پیدا نمی‌کند، امّا منابع و درآمدها خیلی اوقات غیرواقعی است. در بودجه‌های سال‌های مختلف می‌بینیم دیگر، دولت از فروش فلان چیز این‌قدر درآمد داشته باشد! در حالی که چنین فروشی اصلاً نه امکان دارد، نه وجود دارد. در بودجه، منابع را واقعی کنند؛ این هم یک توصیه‌ی دیگر که عرض کردیم[1].

علاج مشکل کمبود منابع: صرفه‌جویی و انضباط مالی

خب، البتّه بنده این را می‌دانم، برادران ما در دولت هم تکرار می‌کنند که اینکه شما دائم تکرار می‌کنید چه و چه، خب ما دچار کمبود منابعیم بله، بنده هم می‌دانم که ما دچار کمبود منابعیم و تحریم هم تأثیر داشته است. در این کمبود منابع - این را ما شکی نداریم - لکن وقتی انسان کمبود منابع دارد، باید چه‌کار کند؛ باید دو دستی به سر خودش بزند؟ باید شیون کند؟ نه، راه علاج پیدا کنید راه علاج دارد؛ یکی از راه‌های علاج صرفه‌جویی است، صرفه‌جویی کنید؛ در تقسیم و توزیع منابع داخلی، اولویت‌ها را رعایت کنید؛ این‌ها راه علاج است، بن‌بستی وجود ندارد کمبود منابع، مشکل ما است، نه گره بازنشدنی ما؛ یک مشکلی است، این مشکل را باید برطرف کرد؛ خب این راه‌حل دارد. ما الان پول‌ها را

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

گاهـی در جاهـایی خرج می‌کنیم کـه نباید در آنجاها خرج بشـود. بعضی از دسـتگاه‌ها را ما می‌شـناسیم - بنـده از نزدیـک بعضی از دسـتگاه‌ها را می‌شناسـم - که توانسـته‌اند خدمات خودشـان را بـه چندبرابـر افزایـش بدهند بـدون اینکـه یک قِـران به بودجـه‌ی این‌هـا اضافه شـده باشـد؛ با مدیریت درسـت، با نگاه درسـت، بـا کم‌کردن از مصـارف زائد که ایـن البتّه، هـم شـامل دولت اسـت، هم شـامل مجلس اسـت، هم شـامل نیروهای مسـلّح اسـت، غیر از نیروهـای مسـلّح هـم داریم بـه‌صورت موردی، امّا در بخشـی از نیروهای مسـلّح هم در یک جاهـایی دیدیم کـه توانایی‌هایشـان و کارکردشـان مضاعف شـد، بـدون اینکه بودجه‌شـان اضافه بشـود؛ یعنی می‌شـود ایـن کار را کرد، پس بنابرایـن، این کمبود منابع هـم نباید برای ما بـه آن‌های بشـود بـرای اینکه بگوییم نمی‌شـود کار کـرد؛ نه، اگـر انضباط مالی وجود داشـته باشـد، همـه چیز قابل‌حل اسـت. ایـن چیزها هـم قابل‌حل اسـت. البتـه تکـرار می‌کنم این انضبـاط مالـی مخصـوص دولت نیسـت؛ مجلس هـم همین‌جور اسـت، جاهـای دیگر هم همین‌جورنـد؛ همه باید انضباط مالی داشـته باشـند[1].

شناسایی آسیب‌های مجلس و رفع آن آسیب‌ها

مجلـس شورای اسلامـی بـه طبیعت حال یـک آسیب‌هـایی دارد که حالا من عـرض خواهم کـرد؛ این آسیب‌ها را بشـناسید و خودتـان را از این آسیب‌ها دور نگه دارید؛ خطرناک اسـت؛ بنـده در مجلـس بـوده‌ام؛ مدت‌هـا کـه در مجلس بودیم، بعد هم سـال‌ها اسـت بـا مجالس گوناگـون بنـده ارتبـاط دارم؛ مجلس آسیب‌هـایی دارد، این آسیب‌ها اگر شناسـایی نشـود و انسـان دچـار ایـن آسیب‌ها بشـود، آن وقت وضـع مجلس فـرق خواهد کـرد، حرکت مجلس جور دیگـری خواهد شـد این آسیب‌ها انـواع متعدّدی دارد، حالا من دو سـه موردش را عرض می‌کنم[2].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.
۲. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.

شناسایی نقاط ضعف پارلمان‌های دیگر و پرهیز از آن‌ها

من به خاطر دارم که اوایل انقلاب امام این را مکرر به یاد می‌آوردند که در مجالس دیگر در دنیا درگیری‌های شنیع و کتک‌کاری هست؛ اما تفاخر می‌کردند که در مجلس ما این حرف‌ها نیست؛ مباحثه و مجادله هست. این، مهم است. ما باید ببینیم دیگران چه می‌کنند که نقطه‌ی ضعف آن‌ها محسوب می‌شود؛ از آن پرهیز کنیم[۱].

لزوم تصویب اعتبارنامه، تشکیل کمیسیون‌ها و شروع به کار سریع مجلس

من باید از شما برادران و خواهران تشکّر کنم. من به آقای ناطق عرض کردم که اگر بشود، این مجلس زود شروع به کار کند. بحمدالله می‌بینیم که این کار انجام شده است. این، چقدر در روحیه مردم مؤثّر است که ببینند قضیه اعتبارنامه‌ها و تشکیل کمیسیون‌ها و مقدّماتی که گاهی هفته‌ها طول می‌کشیده، زود سپری شده و مجلس وارد اصل موضوع شده است! خیلی مسائل وجود دارد که امروز ما باید به آن‌ها برسیم و نگوییم که این‌ها را دولت باید انجام دهد. شما هستید که می‌توانید راهی جلوِ پای دولت بگذارید و بگویید مشی کن؛ و دولت مجبور است آن راه را برود. اگر قانون مقابل پای دولت گذاشتید، دولت خواهد رفت این دولت، دولتی است که همه وجود و فکر و ذکرش برای خدمت به این کشور و مردم است. رئیس جمهور، جزو بهترین‌ها و وزرا و مسئولین کشور، جزو افراد تجربه شده و آزموده و علاقه‌مند به کارند. منتظرند که شما بگویید راهی که ما تصویب می‌کنیم، این است. از این راه بروید؛ و آن‌ها بروند[۲].

بحمدالله، شما مسئله اعتبارنامه‌ها را که یکی از مسائل مهم بود، خیلی خوب حل کردید. این، چیز بسیار باارزشی است لذا، تریبون کنونی مجلس، مطلقاً در میان مردم تشنّج ایجاد نمی‌کند؛ بلکه حتّی آرامش و سکوت هم به وجود می‌آورد. این، افتخار بزرگی است که شما دارید[۳].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.

حضور سیاسی در فضای کشور و جهان

موضع‌گیری‌هایی هم که مجلس درباره‌ی سیاست خارجی و مسئله‌ی انرژی هسته‌ای و امثال این‌ها کرد، بسیار بجا و به‌موقع و مؤثر و خوب بود؛ چون مجلس نماد آراء مردم است. مصوباتی هم که اشاره کردند، خوب بود[1].

حضور سیاسی در فضای کشور و جهان. مجلس یک صفحه‌ی نمایانی از انقلاب و از افکار عمومی مردم و از سیاست‌های کلان کشور است. قضایایی در منطقه پیش می‌آید، قضایایی در دنیا پیش می‌آید؛ مجلس باید مواضعش را روشن بیان کند. البته خوشبختانه مجالس اخیر در این زمینه فعال بودند، خوب بودند. امروز می‌بینید در منطقه غوغاست. آنچه که در خبرها و تظاهرات بیرونی خبرگزاری‌ها به راست یا دروغ منتشر می‌شود، یک جزء کوچکی از آن حادثه‌ای است که دارد در این منطقه اتفاق می‌افتد. این منطقه هم جزو مناطق عادی دنیا نیست؛ این منطقه، قلب دنیاست؛ منطقه‌ی مهم اتصال سه قاره با هم، منطقه‌ی مهم نفت، منطقه‌ی مهم سیاست استعماری غرب با وجود حکومت صهیونیستی. اینجا منطقه‌ی عجیبی است. قضایای این منطقه، قضایای دنیاست. این‌جور نیست که بگوئیم حالا در فلان گوشه‌ی دنیا چهارتا کشور مثلاً مشکلی داشته باشند، شبیه آن باشد؛ نه، اینجا قلب دنیاست. خب، در اینجا قضایایی دارد اتفاق می‌افتد؛ موضع ما در مورد این قضایا چیست؟ این‌ها مسائل مهمی است. زنده‌بودن مجلس این است که در این قضایا حضور داشته باشید، حرف داشته باشید. این حرف، اثرگذار است. امروز موضع شما می‌تواند اثرگذاری کند در تک‌تک این کشورهایی که الان مورد نظر من‌اند؛ همین کشورهای منطقه. اگر ما درست فکر کنیم، درست جملات و کلمات را انتخاب کنیم و در وقت مناسب و به هنگام این‌ها را ادا کنیم، این اصلاً اثر می‌گذارد روی این حرکت‌هایی که امروز از دو طرف در منطقه وجود دارد؛ چه از طرف دستگاه شیطان و مهاجم غربی، چه از طرف مردم که طرف حق‌اند؛ بنابراین زنده‌بودن، این‌هاست. یک مجلس زنده مجلسی است که بوقت، به هنگام و درست قانون می‌گذارد؛

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

نظـارت می‌کنـد؛ در مسـائل کشور در مسـائل منطقه حـضور دارند[۱].

لزوم اتخاذ مواضع اصولی و انقلابی و جهت‌گیری ضد نظام سلطه

مطلـب دیگـری که عـرض می‌کنیـم، راجـع بـه مواضـع اصولـی در مجلـس شورای اسلامی اسـت. بحمـدالله مواضـع اصولـی مجلـس، خـوب اسـت اشـاره هـم کردنـد رئیـس محترم مجلـس، همین‌جور اسـت؛ بنده هـم می‌شـنوم، می‌بینم، مشـاهده می‌کنم که وقتی مسـائل اساسـی و اصولـی و آن چیزهـایی کـه مبانـی اصلـی نظـام و انـقلاب اسلامـی اسـت مطرح می‌شـود، مواضع مجلـس، مواضع قابل‌قبـول، مثبت و بعضاً کاملاً پیشـرفته اسـت؛ این باید باشـد، این در همه‌ی مجالس باید باشـد. شـاکله‌ی مجلس شورای اسلامـی باید بنای مرتفع مواضـع اصولـی باشـد. معیـار هم، فرمایشـات امـام و وصیت‌نامـه‌ی امام و همین بیسـت و چنـد جلد بیانات امام اسـت؛ این معیار اسـت. نگاه کنیـم ببینیم مجموعـه‌ی بیانات امام چـه رفتـاری را، چـه جهت‌گیـری‌ای را برای انـقلاب و بـرای نظام جمـهوری اسلامـی ترسیم می‌کنـد؛ روی ایـن مواضع بایسـتی ایسـتاد؛ باید شـاکله‌ی مجلس این باشـد. اگر این شـد، آن‌وقـت در پرتـگاه هولناک فروغلتیدن در نظام سـلطه ما دچار نخواهیم شـد؛ در یک چنین پرتـگاه هولناکـی فرو نخواهیـم غلتید؛ والّا اگر این نشـد، خطـرات در این زمینه زیاد اسـت[۲].

لزوم نشانگر عزم و اقتدار بودن تصمیم و حرف نمایندگان بخصوص در فضای خارجی

نشـانه‌ی عـزم و اقتدار باشـد، بخصـوص در فضـای خارجی؛ یعنی شـما بایـد جوری حرف بزنیـد کـه نشـانه‌ی عزم باشـد، نشـانه اقتدار باشـد، نشـانه‌ی این باشـد که ملّت - که شـما نماینـده‌اش هسـتید - دارای عـزم اسـت، دارای اراده اسـت، اراده‌ی ملّـی اراده‌ی محکمـی اسـت، دارای اقتدار اسـت. ایـن خلاف واقع هم نیسـت، واقع قضیّه هم همین اسـت؛ ملّت مـا واقـعاً ملّتی اسـت عازم، جازم. شـما کدام ملّت را سـراغ دارید که در مقابـل قدرت‌هایی مثـل این‌هـایی کـه حـالا در دنیـا مشـغول یـاوه‌گویی و تحمیـل و بـه ایـن و آن دسـتوردادن هسـتند، بایسـتد و سینه سـپر کند و حـرف خودش را محکم و صریح و روشـن بزنـد؟ غیر از

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.

ملّت ما، کمتر ملّتی این‌جوری هستند. اروپایی‌ها در مقابل بعضی از چیزها به خودشان لرزیدند، ملّت ما نه؛ ملّت ما محکم بر سر مواضع خودش می‌ایستد. این‌همه علیه امام تبلیغات کردند و به طور دائم می‌کنند. در روز رحلت امام، شما می‌بینید مردم بعد از چهل و چند سال چه کار می‌کنند! این‌همه علیه انقلاب حرف زدند، شما روز بیست و دوم بهمن در سرما و در آن شرایط می‌بینید مردم چه جوری و با چه وضعی می‌آیند در خیابان! این نشان‌دهنده‌ی اقتدار است، نشان‌دهنده‌ی اراده‌ی قوی است؛ این باید منعکس بشود؛ این باید در بیان شما در اقدام شما در تصمیم‌گیری شما در رد و قبول شما نسبت به قانون و یا نسبت به اشخاص نشان داده بشود. من البتّه تا حدود زیادی می‌بینم و آثار این خصوصیّات را در مجلس مشاهده می‌کنم؛ تا آن حدّی که حالا می‌توانم اطّلاع پیدا کنم، بحمدالله خوب است؛ روی این‌ها تکیه کنید، این‌ها مسائل مهمّی هستند[1].

موضع‌گیری هوشیارانه، وظیفه مجلس در مقابل نقشه و سلطه جهانی

خب، حالا یک نگاه به مسائل منطقه و مسائل جهان و مسائل عمومی کشور است که عرض کردیم. خوشبختانه مواضع مجلس و دولت، خوب بوده است؛ ایستادگی کردند. مسئولین کشور خوشبختانه در مناسبت‌های مختلف توانسته‌اند صدای رسای انقلاب را از فراز این هیاهوهای گوناگونی که منطقه را فراگرفته به گوش مردم منطقه هم برسانند. علی‌رغم هیاهو و جنجال و شلوغ‌بازی‌ای که دشمنان درآوردند، ملت ایران و مسئولین کشور توانستند حرف درست را، حرف متین و منطقی را به گوش‌ها برسانند. این خوشبختانه اتفاق افتاده است و باید هم ادامه پیدا کند.

خب، میدان جنگ است دیگر. میدان جنگ، آدم می‌زند؛ انتظار خوردن هم باید داشته باشد. دشمن بیکار نیست، او هم ضربه می‌زند. انسان باید در این عرصه‌ی وسیع بین‌المللی، خود را در میدان جنگ مشاهده کند. بحث صلح و نوازش و این‌ها نیست. حتّی آنجائی هم که حرف نرم می‌زنند، پشت حرف نرم، یک خنجر آخته‌ای وجود دارد که منتظر غفلتی هستند تا دسته در جگر طرف مقابلِ خودشان فروکنند؛ لذا باید بیدار بود،

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

باید هشیار بود. این هشیاری هست، این بیداری هست. من توصیه و تأکیدم این است که این را حفظ کنیم، نگه داریم[۱].

لزوم پایبندی به خط و راه امام و بیزاری از سلطه آمریکا

در سیزده سال گذشته، همیشه قدرت‌های مداخله‌گری که از انقلاب، سیلی خورده و از ایران رانده شده‌اند، سعی کرده‌اند ملت و دولت را از پیمودن این راه منصرف کنند و همیشه هم شکست خورده‌اند. مجلس چهارم که محور تبلیغات زهرآگین رسانه‌های استکباری و هدف خدعه‌های جنجالی آنان بوده، به طور ویژه موظف است سرسپردگی خود را به امام همیشه فریادگر خود و پایبندی خود را به راه و خط امام و بیزاری خود را از سلطه‌ی امریکا در هر فرصت و موقعیتی به زبان و عمل، آشکار سازد[۲].

مقاومت، ایجاد وفاق و وحدت کلمه وظیفه اصلی در برابر نظام سلطه

ما در جمهوری اسلامی به عنوان کسانی که متصدّی و متعهّد یک تکلیف و وظیفه هستیم، چه تکلیفی داریم؟ این‌که می‌گویم ما متعهّد و موظّفیم به خاطر این است که جمهوری اسلامی بر اساس یک فکر، یک آرمان و یک هدف بزرگ و والا و مقدّس به وجود آمده است و کسانی که معتقد به نظام جمهوری اسلامی و پیام انقلاب هستند، فکر نمی‌کنم از این معنا تخلّفی داشته باشند. ما فکر می‌کنیم یک وظیفه و تکلیف الهی و مسئولیت خدایی را انجام می‌دهیم. به همین دلیل است که بنده معتقدم اگر مسئولان - چه شما که در مجلسید و چه آن‌هایی که در دستگاه‌های اجرایی کشورند - کاری را که بر عهده آن‌هاست، انجام دهند، ثوابش پیش خدای متعال از بسیاری از عبادات بالاتر است؛ چون این بنا برای اعلای کلمه حق و احیای کلمه توحید ساخته شده است. ما به عنوان کسانی که در این مجموعه چنین وظیفه‌ای داریم و این مسئولیت را احساس می‌کنیم در مقابل این سیل جهانی باید مقاومت کنیم. البته واقعیت جهانی‌سازی هم یکی از بخش‌های مهم و بارز همین سیل است. فعلاً مسئله اقتصاد مطرح است؛ اما

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.

گفته و ناگفته، نوشته و نانوشته، جهانی‌سازی در زمینه سیاست و فرهنگ هم حتماً وجود دارد و عمل می‌شود. آیا در مقابل این سیل می‌شود مقاومت کرد؟ ما معتقدیم بله، می‌شود مقاومت کرد؛ این وظیفه اصلی ماست. مقاومت، تنها با استحکام بخشیدن به بنیان‌ها صورت می‌گیرد. هر سیل بنیان‌کنی وقتی به یک صخره استوار برسد، نمی‌تواند در آن اثر بگذارد. ما باید خود را استوار و مستحکم کنیم و بنیان‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را استحکام ببخشیم. هر کاری که در جهت استحکام بخشیدن باشد، مقدّس و خوب و مورد اجر و ثواب الهی است. هر چیزی که در جهت متزلزل کردن این پایه‌ها و بنیان‌ها باشد، بد است؛ این دیگر ربطی به جناح و حزب و گروه و تشکیلات ندارد. به نظر من معیار و ملاک، این است. برای این‌که ما بنیان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را مستحکم کنیم، پیش‌نیاز اوّلی قطعی ما، ایجاد وفاق و وحدت کلمه است. برای وفاق باید همه تلاش کنند. معنای وفاق این نیست که گروه‌ها و تشکیلات و جناح‌های گوناگون اعلام انحلال کنند؛ نه، هیچ لزومی ندارد. معنای وفاق این است که نسبت به هم خوش‌بین باشند؛ ﴿رحماء بینهم﴾[1] باشند؛ همدیگر را تحمّل کنند؛ در جهت ترسیم هدف‌های والا و عالی و برای رسیدن به آن‌ها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنّج، بداخلاقی، درگیری، اهانت و متهم‌کردن بپرهیزند. امروز به نظر من وظیفه ما این است[2].

موضع‌گیری صریح و روشن نسبت به مستکبرین

مجلس شورای اسلامی، رکن مهم نظام اسلامی و انقلابی است و باید پایگاه مستحکم اسلام و انقلاب باشد. چنین بوده و به تأیید الهی چنین نیز خواهد بود. دشمنان سیلی‌خورده‌ی انقلاب و شبکه‌ی تبلیغاتی جهانی آنان، وانمود می‌کنند که مجلس ششم، نه در خدمت آرمان‌های اسلام و انقلاب که در سمت‌وسوی منتقدان و معارضان آن است. یک‌بار دیگر نیز در حوالی انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد 76 شبیه همین ترفند تبلیغاتی با هدف روحیه بخشیدن به معارضان نظام اسلامی و مأیوس کردن انقلابیون

---

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

در ایـران و جهـان، با جنجال و سروصـدای فراوان بـه راه افتاد. موضع‌گیـری صریح و قاطع و مسـتمر رئیس جمـهور مؤمـن و انـقلابی، در آن نوبت نقشـه‌ی دشـمن را خنثی کـرد. امروز نیز موضع‌گیـری بهنـگام و صریح مجلـس شورای اسلامی، باید دشـمنان را مأیوس سـازد. دفاع قاطـع و آشـکار نماینـدگان از انقلاب و نظام اسلامی و راه روشـن و ماندگار امام عظیم‌الشـأن و تبـری از بلندگوهـایی کـه بـا تکرار شـعار ارتجاعـی جدایی دین از سیاسـت در اندیشـه‌ی حـذف جهاد خونین بیسـت و چندسـاله‌ی ملت ایران برای اسـتقرار نظـام مترقی جمهوری اسلامی‌انـد، تلاش پرهزینـه‌ی دشـمن را بیهـوده خواهد سـاخت. ایـن کم‌تریـن انتظار ملت انقلابی و مسـلمان از نمایندگان مجلسـی اسـت که با خون شـهیدان و مجاهـدت ایثارگران پدید آمـده و برقرار مانده اسـت.

در آنجائـی کـه نظـام مواجه اسـت با یـک جبهه‌ی وسیـع خصومـت و کینه‌ورزی در سـطح جهـان، کـه ایـن جبهه بـه مناسـبت‌های گوناگـون حـضور خـود را و موذیگری خود را نشـان می‌دهـد، انسـان می‌بینـد که مجلـس همانند یک عضـو فعال و زنـده، موضع خود را نشـان داده اسـت - در قضایـای فلسـطین، در قضایـای هسـته‌ای، در قضایـای گوناگـون - هم در مسـائل داخلی، همان‌طور که اشـاره کردند؛ برخـی از فتنه‌انگیزی‌ها، بعضـی از بداخلاقی‌ها، مجلـس نقش‌آفریـن بوده اسـت؛ این جای تشـکر و قدردانـی دارد[1].

تشـکر می‌کنیـم از جناب آقای لاریجانـی به خاطر این گـزارش خوبی که دادنـد؛ و همچنین بخصـوص بـه خاطـر ایـن موضع‌گیـری صریح و روشـنی که نسـبت به مسـتکبرین، نسـبت بـه آمریکا، نسـبت بـه زیاده‌خواه‌ها و یاوه‌گوهـای بین‌المللی از زبان شـما نماینـدگان محترم ابـراز کردنـد. البته این‌هـا زبان حال مـردم ما هم هسـت و بایـد حقیقتاً خدا را سپاسـگزاری کـرد بـر ایـن که تفضـل کرده اسـت و توفیـق داده اسـت که ملـت ما در طـول این سـه دهه، همچنـان فهـم دقیـق و روشـن خـود از خط‌کشـی‌ها و جناح‌بندی‌هـای جهانـی و مضمون ایـن جناح‌بندی‌هـا و اهـداف آن‌هـا را حفـظ کنـد، بلکـه روزبـه‌روز بـه آن افزایش ببخشـد. حقیقـت هم این اسـت کـه یکی از مشـکلات و گرفتاری‌هـای ملت‌ها، نداشـتن این آگاهی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.

یـا غفلـت از آن‌هاسـت که در تحولات عالم و در حـوادث گوناگون به آن‌ها ضرر می‌زند و سـر پیچ‌های تند و سـخت سیاسـی، آن‌ها را دچار اشـتباه می‌کند. اگـر جناح‌بندی‌های جهان، جناح‌بندی‌هـای بزرگ و کلان دنیـا در عالـم سیاسـت در عالم اقتصاد، برای ملت‌ها روشـن باشـد، با آن آگاهانه بیندیشـند، هدف‌ها را در این جناح‌بندی‌ها مدنظر داشـته باشـند، تیغ مسـتکبرین عالم کند خواهد شـد. هدف از ایـن تبلیغات وسیعی که شـما ملاحظه می‌کنید - چقـدر ابزارهـای رسـانه‌ای و تبلیغاتی، امروز در خدمت سیاسـت‌های مسـتکبرین اسـت - عمـدتاً غبارآلـود کـردن و ابری کردن فضاسـت تـا ملت‌ها نتواننـد همین آگاهـی را، همین بصیـرت را بـه دسـت بیاورند یـا نتوانند حفظ کننـد. ملت ما ایـن را حفظ کرده اسـت و این جای سـپاس فراوانی دارد.

بنـده بایـد از مجلـس محترم تشـکر کنم به خاطـر اینکه ایـن مواضـع را در طول ایـن دوره تا امروز و ان‌شـاءالله تـا آخـر دوره بـه طور واضـح از خـود بروز و نشـان داده اسـت. خیلـی برای کـشور و برای انقلاب سرشکسـتگی داشـت اگر مجلس احیـاناً در یکی از ایـن قضایای مهم سیاسـی و ایـن حـوادث گوناگـون دچار خطا می‌شـد یـا موضع‌گیـری نمی‌کرد یا بدتـر از آن، موضع‌گیـری غلـط می‌کرد. اینکه مجلس در قضایای مختلف سیاسـی دنیـا، در هجمه‌های دشـمنان بـه جمـهوری اسلامی، قـرص و محکـم، واضح و آشـکار ایسـتاد و موضـع گرفت، واقـعاً جـای افتخـار دارد، جـای تشـکر دارد. مـن صمیمانه تشـکر می‌کنـم و اصـرار دارم بر اینکـه ایـن مواضـع، همچنان بـا همین اسـتحکام با همیـن قوت ادامه داشـته باشـد؛ چون چالش میان انقلاب اسلامی و اسـتکبار جهانی، چالش مسـتمری اسـت، چالش ادامه‌داری اسـت. البتـه به حول و قـوه‌ی الهی تا ابد طـول نخواهد کشیـد؛ هرچه زمان می‌گـذرد، کفه‌ی نظـام اسلامی سـنگین‌تر می‌شـود، قوی‌تر می‌شـود. آن روزی که دشـمنان احسـاس نومیدی کننـد، هجمه‌هـا کـم خواهـد شـد. به‌تدریـج زائل خواهـد شـد؛ لیکن تـا آن روز، ایسـتادگی ملـت، ایسـتادگی نخبـگان ملت، یک امر ضروری و لازم اسـت؛ ایـن را باید ادامـه داد. مبادا ظرافت‌هـایی کـه در نـوع برخورد انـقلاب با دشـمن مورد نظر اسـت، مورد غفلت قـرار بگیرد. ببینیم که امروز نقشـه‌ی دشـمن در مورد انقلاب چیسـت. به تعبیر متعارف و رایج، سناریوی

دشـمن را حدس بزنیم، ببینیم دنبال چیسـت. اگر توانستیم درسـت بفهمیم، درست حدس بزنیم و در مقابل سـناریوی دشـمن رفتار و اعمال خودمان را برنامه‌ریزی کردیم، قطعاً دشـمن شکسـت خواهد خورد[۱].

ویژگی‌ها و خصوصیات قانون خوب

قانـون بایـد کارآمـد، روزآمد، شـفاف، معطوف بـه نیازهـای عمومـی و تأمین‌کننـده‌ی منافع ملّـی باشـد در دهـه‌ی پیشـرفت و عدالـت، همـه‌ی قوانیـن باید بـه تحقق این دو شـاخص عمومـی کمـک کند و با نگاه بلندمدت، گسـتره‌ای هرچه طولانی‌تر و پهناورتر داشـته باشـد. اولویت‌هـای کـشور بایـد احصـاء شـود و جایگاهـی شایسـته را در اهتمـام بـه قانون‌گذاری بیابد[۲].

مـا در آن سیاسـت‌های کلّـی کـه بـا مـشورت مجمـع تشـخیص و صاحب‌نظـران متعدّدی تنظیـم شـده در مورد خصوصیّـات قانـون، نکاتـی را ذکـر کردیم (کـه عبارت‌انـد از): [۳]

منطبق بودن و معارض نبودن قانون و اجرا با احکام اسلامی

تفـاوت عمده‌ای بین مجلس شورای اسلامی و همه پارلمان‌های دنیا وجود دارد و آن، اسلامی بودن اسـت. شـوخی نیسـت؛ امروز صد و پنجاه سـال اسـت که برجسـته‌ترین و شریف‌ترین عناصـر سیاسـی و دینی ملت ما پرچـم حاکمیت اسلام را بلند کرده‌انـد و پایش سینه زده‌اند و بسیـاری در این راه جان دادنـد؛ امثال مدرس‌ها، آخوند خراسـانی‌ها و سید جمالّ الدینها. قضیـه ایـن‌طوری اسـت. ایـن، مربـوط بـه امروزِ ما نیسـت که بگوییـم دین و سیاسـت یکی اسـت، عـدّه‌ای هم بگویند یکی اسـت؛ امـا یک عدّه هـم بگویند نه خیلی هم یکی نیسـت! حرفِ امروز نیسـت؛ این حرف، صد و پنجاه سـال ریشـه دارد. پدرِ برجسـته‌ترین زبدگان این کـشور در راه مبـارزه بـرای این فکر درآمد؛ هـزاران جانِ پاک در این راه شـهید شـدند؛ مدرّسِ

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱/۰۳/۰۷.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

بـه آن عظمـت سینه را بـرای این قضیه سـپر کـرد؛ اصلاً مشروطیـت ایران بـرای همین پیش آمـد، اگرچـه بعـد منحرفش کردنـد؛ عدّه‌ای بـد و ناشیانه عمـل کردند؛ عدّه‌ای هـم متّکی به قدرت‌هـای خارجـی زرنگـی کردنـد و آن را از دسـت مـردم قاپیدند؛ بعـد هم که امـام بزرگوار آمـد، از اوّل حرکتـش را بر این اسـاس قرار داد و ملت ایران هم این را خواسـتند و می‌خواهند. مـن به شـما بگویم حتی ملت‌هـای لائیک‌ترین دولت‌هایی که امروز حول‌وحوش ما هسـتند، همین‌طورنـد - مـن حـالا اسـم آن کشورهـا را نمـی‌آورم، خودتـان در ذهنتـان مجسّـم کنید - یعنـی اگر شـرایطی ایجاد شـود، انسـانی مثل امـام و زمینه‌ای مثـل آن روز در ایـن کشورها به وجـود آید و پرچمی بلند شـود، همین ملت‌هایی کـه می‌بینید دولت‌هایشـان دم از لائیک و لائیسیسـم می‌زننـد و هرکـس ذرّه‌ای علیه تفکّر سکولاریسـتی دم بزند یا حرکـت کند، پدرش را در می‌آورنـد، دور ایـن پرچـم جمـع خواهند شـد. اسلام این اسـت و این درسـت اسـت و بـه صلاح ملت‌هاسـت؛ ملت‌هـا ایـن را می‌دانند. اگـر امروز احـکام اسلام در ایـن مملکت اجـرا شـود؛ یعنی من و شـما ایـن توفیـق را بیابیم که احـکام اسلامـی را اجرا کنیـم، همه این گره‌هـا و مشـکلات باز و حـل خواهد شـد. ما هرچـه عقب‌مانده‌ایـم، به‌خاطر این اسـت که در ایـن زمینه‌هـا یـا کوتاهی کرده‌ایم یا نشـده اسـت. ایـن فریاد صد و پنجاه سـال اسـت که در بیـن مسـلمانان بلنـد اسـت. مگر می‌شـود از آن برگشـت؟! حـال مظهر ایـن تلاش صد و پنجاه‌سـاله کـه محصول خون هزاران جانِ پاک اسـت - آن‌هایی که شـهید شـدند، آدم‌های معمولی نبودند که شـهید شـوند؛ مجاهدان، فداکاران، انسان‌های سـرافراز، رشید و شجاعی بودنـد که وارد میدان شـدند و جانشـان را دادند - چیسـت؟ مجلـس شورای اسلامی، دولتِ جمـهوری اسلامـی، نظام اسلامـی اینها، محصول این‌همه تلاش اسـت. فـرقِ مجلسِ شورای اسلامـی با سـایر پارلمان‌هـای دنیا این اسـت، معنـای این‌که بایـد حکم و قانـون منطبق بر اسلام باشـد، همین است[1].

قانـون و اجـرا بایسـتی با معیارهای خـدایی و با مقررات الهی باشـد؛ یعنی بـا احکام اسلامی یـا بـا احکام مشـخص یا با کلیات و آنچه که از اسلام دانسـته شـده و فهمیده شـده اسـت، منطبق باشـد و معارض نباشـد. افـرادی هم که مجری هسـتند، مشـخصات و خصوصیاتی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷.

دارنـد؛ بایـد عادل باشـند، فاسـق نباشـند - خصوصیاتـی که در قانون اساسـی ما متجسـد شـده - و قانون اساسـی هم همان شـکل اجرایی و دالان عبور به سـمت آن چیزی اسـت که ولایت الهی بـرای ما ترسیـم می‌کند[1].

منطبق با اسناد بالادستی بودن قوانین

دنبـال آرمان‌هـای حقیقی در قالب و لبـاس عملی آن بگردید. نه باید دنبـال ایده‌آل‌هایی بود کـه عملـی و اجرایی نیسـتند، نه باید به کـم قانع شـد و از آن آرمان‌ها دور مانـد. آنچه همواره بایـد مورد نظـر باشـد، چشـم‌انداز بیست‌سـاله اسـت؛ این چشـم‌انداز خیلی مهم اسـت. به شـهادت افـرادی که کارشـناس و متخصص این کار هسـتند، ایـن چشـم‌انداز کاملاً عملی اسـت؛ یعنـی به‌هیچ‌وجـه در آن، بلندپروازی‌هـای بیهوده و بی‌پشـتوانه وجود ندارد. درسـت نـگاه کنیـد، دقـت کنیـد و چشـم‌انداز بیست‌سـاله را بخوانیـد. ما ملت ایـران با ایـن قانون اساسـی جامـع و با ایـن ارکان نظـام - اگر خـوب کار کننـد و درسـت کار کننـد - می‌توانیم در ظـرف بیسـت سـال کشور خـود را به نقطـه‌ی اوج و قلـه‌ای کـه در این چشـم‌انداز تصویر شـده، برسـانیم. سیاسـت‌ها را در نظر داشـته باشید. سیاسـت‌ها بر اسـاس این چشـم‌انداز تنظیـم شـده اسـت. قانون‌ها باید بـا سیاسـت‌ها هماهنگ باشـد؛ یعنی در دل سیاسـت‌ها جـا بگیرد و به سـمت این چشـم‌انداز حرکت کند. آن چشـم‌انداز هم بر پایه‌ی اسلام اسـت. بایـد همـه‌ی وقـت و همـت و شـغل را مـصروف همین اهـداف کـرد و در واقـع ذوب در این اهـداف شـد. اگر می‌گوئیم به کارهای اساسـی بپردازیـد با همین ملاحظات اساسـی دیگری اسـت که در ایـن کار وجـود دارد، مثلاً یک‌وقتـی امام بـه نمایندگان مجلـس شورای اسلامی فرمودنـد کـه درسـت اسـت که هر چه شـما تصویـب کنید بـه شورای نگهبـان مـی‌رود و اگر مخالـف قانـون اساسـی بود رد می‌شـود؛ اما ایـن معنایش این نیسـت که شـما از اول، چیزی را کـه می‌دانیـد مخالف قانون اساسـی اسـت تصویب کنید و بـه آنجا بفرسـتید؛ آن‌ها هم رد می‌کننـد؛ بعـد هم بالاخـره یک مجمع تشـخیصی وجـود دارد کـه برود آنجا! نه، ایـن تضییع

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

وقـت مجلـس اسـت. آوردن قانونـی که صریحاً بر خلاف قانون اساسـی اسـت بـه مجلس[۱].

با اسـناد بالادسـتی و سیاسـت‌هایی هم که اعلام می‌شـود، سـعی کنید قانون انطباق داشته باشـد. حالا مثلاً برنامه‌ی ششـم در دسـتور کار شـما اسـت؛ خیلی هم مهم اسـت؛ این را من عـرض بکنـم. برنامه‌ی ششـم فوق‌العـاده مهم اسـت؛ در مورد ایـن برنامه کوتاهـی و اغماض و کم‌گذاشـتن، هیـچ جایـز نیسـت؛ یعنـی واقعاً بایـد برنامـه را کامـل و خوب و دقیـق تمام بکنیـد. خـب اوضاع، اوضاع خاصّی اسـت؛ هم از لحـاظ اقتصادی، هم از لحاظ سیاسـی؛ بـرای کـشور الان اوضـاع ویژه‌ای اسـت و بایـد برنامه‌ای که شـما بـرای پنج سـال می‌گذارید، یـک برنامـه‌ی به معنـای واقعی کلمـه کامل باشـد. خب، طبعاً وقتـی این برنامه تنظیم شـد، این شـد جزو اسـناد بالادسـتی؛ قانـون که می‌خواهیـد بگذارید با ایـن برنامه یا بـا برنامه‌های دیگـر مـثلاً فرض کنید سیاسـت‌های کلّی اصـل ۴۴ و امثـال این‌ها باید تطبیـق بکند[۲].

منطبق با اسـناد بالادسـتی باشـد؛ یکـی از نکاتی کـه در قانونِ خوب لازم اسـت این اسـت: انطباق با اسـناد بالادسـتی؛ تعـارض به وجـود نیاید[۳].

وظیفـه‌ی مجلـس ایـن اسـت کـه قانون‌گـذاری را منطبق با ایـن سیاسـت‌ها انجـام بدهد؛ معـارض با این سیاسـت‌ها نباشـد؛ خب ایـن خیلی اهمّیّـت دارد؛ به این بایـد توجّه کنید[۴].

در چارچـوب همـان حدود و اختیاراتی که قانون اساسـی برای مجلـس شورای اسلامی معین کـرده، اگـر چنانچـه در زمینـه‌ی این اختیـارات و این حـدود بحثـی وجـود دارد، این بحث بایـد بیرون از محیـط مجلـس و در یک محیط میان قوه‌ای بحث شـود مـواردی را ما دیدیم و پیـش می‌آمد که مجلس آن را جزو حقوق خودش می‌دانسـت، قـوه‌ی مجریه آن را جزو حقوق مجلـس نمی‌دانسـت خیلـی خـوب، این راه‌حـل دارد ما هـم قانون اساسـی داریـم، هم خود قانون اساسـی مفسـر قانون اساسـی را مشـخص کرده، هـم صاحب‌نظران و خبـرگان حقوقی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

داریم؛ بنشینند این چیزها را مشخص کنند در این چارچوب قانون بایستی صادر بشود و ماندگار که یکی از اهمیت‌های قانون همین است که قانون هر روز با عوارض گوناگون تغییر پیدا نکند؛ یعنی قانون‌گذار ملاحظه‌ی خاطرجمعی مخاطب خودش را که مردم هستند، بکند. کسی می‌خواهد اقدامی بکند، کسی می‌خواهد سرمایه‌گذاری‌ای بکند، کسی می‌خواهد یک حرکتی انجام بدهد، کسی می‌خواهد یک‌رشته‌ی کاری را برای خودش انتخاب کند، خاطرجمع باشند که این قانون، قانونی نیست که امروز می‌آید، فردا با یک انگیزه‌ی دیگری عوض می‌شود[۱].

مدنظر داشتن قانون اساسی و برطرف‌کردن موانع اجرایی آن در قانون‌گذاری

کلیّت قانون اساسی باید مورد نظر و توجّه شما باشد در یک برنامه‌ریزی بلندمدت و میان‌مدت، تلاشتان این باشد که تا آنجایی که بر عهده شماست و فرصت‌های شما اجازه می‌دهد، اگر گیری در اجرای این قانون هست، آن را برطرف کنید[۲].

عمل به قانون اساسی، علاج اساسی دردهای این کشور

انقلاب اسلامی یک تجربه جدید و یک حرف نو در دنیاست. نظام اسلامی یک حرف تازه در محیط سیاسی عالم است. این چیزی نیست که نظام‌هایی که منافع کلان قدرت‌های مستقر و مسیطر عالم به آن‌ها وابسته است، حاضر باشند به‌آسانی از سرش بگذرند؛ لذا، مقابله و معارضه و کارشکنی و تهدید می‌کنند؛ برای این‌که بتوانند این تجربه جدید را به شکست بکشانند؛ بنابراین، مشکلات، تحمیلی است. علاوه بر ضعف‌ها و فتورها و بی‌فکری‌ها و عقب‌ماندگی‌هایی که در طول زمان بر ملت و کشور ما تحمیل شد، فشارهای دشمن هم زیاد است. در این محیطِ حقیقتاً جنگ احزابی، مسئولان نظام‌وظیفه دارند از همه توانشان استفاده کنند؛ برای این که بتوانند یک‌قدم جلو بروند و کاری انجام دهند و یکی از مشکلات را حل کنند و گره‌ها را بگشایند؛ و این بااخلاص، باصفا، با همکاری، با حفظ آن مبانی‌ای که این انقلاب بر اساس آن به وجود آمد، ممکن است. عمل به

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

قانـون اساسـی، علاج اساسـی دردهـای ایـن کـشور اسـت و عمل هـم متوقّف بر این اسـت کـه عناصـر عمل‌کننده؛ چه آن‌هـایی که مجـاری اجرای قانون اساسـی را معیّـن می‌کنند - مثـل دسـتگاه‌های قانون‌گـذاری - چـه کسـانی کـه آن را اجـرا می‌کننـد - مثل قـوّه مجریّه - چـه کسـانی کـه عدالـت و تخلّف‌هـا را مورد ملاحظه قـرار می‌دهند - مثـل قـوّه قضاییّه - و همه دسـت‌اندرکاران این کـشور در مقام عمل، اخلاص و صفا و مسـئولیت و انجام وظیفه را ملاک خودشـان قرار دهند، این اسـاس قضیه اسـت[۱].

تبیین اصول قانون‌گذاری در سیاست‌های کلی تقنین

لزوم تقنین برای شیوه قانون‌گذاری

خـب، خـود قانون‌نویسـی و قانون‌گـذاری هـم یـک اصولـی دارد کـه البتّـه ایـن اصـول در سیاسـت‌های تقنیـن آمـده کـه حـالا آن سیاسـت‌ها هـم بایـد تبدیـل بـه قانـون بشـود کـه متأسّـفانه نشـده و چند سـال اسـت که مانده. یکی از کارهـایی که باید حتماً انجـام بگیرد، تقنیـن برای شیـوه‌ی قانون‌گذاری اسـت - قانون‌گذاری برای شیوه‌ی قانون‌گـذاری - تا معلوم باشـد که قانون‌گـذاری چـه جوری انجـام می‌گیرد[۲].

تسریع در قانون‌گذاری برای اجرای سیاست‌های کلی تقنین

البتّـه شـما می‌دانیـد کـه مدت‌هـا اسـت سیاسـت‌های کلّی مربـوط بـه تقنین ابلاغ شـده؛ بـرای اینکـه ایـن سیاسـت‌ها اجرا بشـود، قانـون لازم اسـت؛ باید مجلـس خودش بـرای این سیاسـت‌ها قانـون بگـذارد؛ ایـن قانون‌گـذاری هنوز نشـده؛ ایـن بایـد زودتر انجـام بگیرد[۳].

---

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

نسبت قانون‌گذاری با سیاست‌های کلی نظام

قانون‌گـذاری یک نسـبتی با سیاسـت‌های کلّی دارد؛ چـون یک چیزی هم در قانون اساسـی بـه نام سیاسـت‌های کلّی هسـت. این سـؤال گاهـی مطرح می‌شـود که خب سیاسـت‌های کلّـی چـه‌کاره اسـت؟ قانون‌گذاری چه‌کاره اسـت؟ پاسـخش این اسـت که عـرض می‌کنم، سیاسـت‌های کلّـی جهـت را معیّن می‌کنـد، قانون‌گـذاری راه‌هـا و جادّه‌هایی را کـه به این جهت می‌شـود حرکت کرد مشـخّص می‌کند؛ فرقش این اسـت. مثلاً در سیاسـت‌های کلّی گفتـه می‌شـود بایـد برویـم طرف شـمال؛ امّـا راه به سـمت شـمال، راه‌های متعدّدی اسـت؛ ایـن دولـت می‌گویـد مـن ایـن راه را انتخاب می‌کنـم، آن دولـت می‌گویـد من ایـن راه دیگر را انتخـاب می‌کنـم؛ اشـکالی ندارد؛ لذاسـت که سیاسـت‌های کلّـی برای همـه‌ی سلایق و همـه‌ی شیوه‌هـای مدیریّتـی ظرفیّـت دارد. ایـن مجلـس می‌گوید من ایـن قانون را بـرای این مورد انتخـاب می‌کنـم، یک مجلس دیگر ممکن اسـت یـک قانون دیگـری را انتخاب بکند؛ تفاوتـش این اسـت. خب ایـن خیلی مهم اسـت که جهـت باید فراموش نشـود. قانـون از آن «جهـت» باید تخطّی نکند؛ نسـبت بیـن سیاسـت‌گذاری و قانون‌گذاری این اسـت[1].

تعیین جهت حرکت نظام به‌وسیله سیاست‌های کلی

قانون‌گـذاری یک نسـبتی با سیاسـت‌های کلّی دارد؛ چـون یک چیزی هم در قانون اساسـی بـه نام سیاسـت‌های کلّی هسـت. این سـؤال گاهـی مطرح می‌شـود که خب سیاسـت‌های کلّـی چـه‌کاره اسـت؟ قانون‌گذاری چه‌کاره اسـت؟ پاسـخش این اسـت که عـرض می‌کنم: سیاسـت‌های کلّـی جهـت را معیّن می‌کنـد، قانون‌گـذاری راه‌هـا و جادّه‌هایی را کـه به این جهت می‌شـود حرکت کرد مشـخّص می‌کند؛ فرقش این اسـت. مثلاً در سیاسـت‌های کلّی گفتـه می‌شـود بایـد برویـم طرف شـمال؛ امّـا راه به سـمت شـمال، راه‌های متعدّدی اسـت؛ ایـن دولـت می‌گوید من ایـن راه را انتخـاب می‌کنـم، آن دولت می‌گویـد من ایـن راه دیگر را انتخـاب می‌کنم؛ اشـکالی ندارد[2].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

لزوم اهمیت‌دادن به قوانین برآمده از سیاست‌های کلی نظام

یک مسئله‌ی دیگر این است که به قانون‌هایی که از دل سیاست‌های کلّی در می‌آید، باید اهمّیّت داد. سیاست‌های کلّی طبق قانون اساسی به رؤسای سه قوّه یعنی به سه قوّه ابلاغ می‌شود؛ این سیاست‌های کلّی نظام اسلامی به دولت، به مجلس، به قوّه‌ی قضائیّه ابلاغ می‌شود که هر کدام وظایفی در قبال این‌ها دارند؛ وظیفه‌ی مجلس این است که قانون‌گذاری را منطبق با این سیاست‌ها انجام بدهد؛ معارض با این سیاست‌ها نباشد؛ خب این خیلی اهمّیّت دارد؛ به این باید توجّه کنید. الان من می‌خواهم عرض کنم؛ مثلاً سیاست‌های کلّی انتخابات - که به نظرم آقای قالیباف هم یک اشاره‌ای کردند - الان پنج شش سال است این سیاست‌ها ابلاغ شده، ولی قانون هنوز تنظیم نشده؛ این باید انجام بگیرد یا سیاست‌های کلّی قانون‌گذاری که آن هم یک سیاست‌هایی دارد؛ این سیاست‌ها بررسی‌شده است؛ روی آن کار شده، روی آن فکر شده؛ این هم به نظرم دو سال، سه سال است ابلاغ شده امّا هنوز قانونی بر اساس آن‌ها گذاشته نشده؛ این هم یکی از توصیه‌های ما[1].

متقن بودن قانون

وجود این متخصّصین و افراد وارد، مطلّع و خردمند در مجلس خیلی قیمت دارد برای این جهت؛ دقّت کنید که اولاً: قانون متقن باشد، قانون اتقان داشته باشد؛ یعنی دلایل وضع این قانون جوری باشد که هرکس نگاه می‌کند، ببیند بله، این قانون، قانون متقنی است[2].

جامع، کامل و ماندگار بودن قانون

قانون باید جامع باشد، باید کامل باشد، باید ماندگار باشد، باید کارشناسی شده باشد، باید گره‌گشا باشد، باید ناظر به مشکلات زندگی مردم باشد. همه‌جانبه‌نگر باشد؛ نگاه

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.

جزئی و بی‌توجّه به جوانب گوناگون، قانون را از حیّز انتفاع می‌اندازد[۱]. نمی‌گوییم قانونی که برای کوتاه‌مدت یک گره‌ای را باز می‌کند، لازم نیست، چرا؛ بعضی از قوانین هست که یک گره کوتاه‌مدت را باز می‌کند، چاره‌ای هم نیست، بایستی این قانون گذاشته شود - این‌جور قوانین هم داریم - لیکن طبع اکثری و طبیعی قوانین این است که ماندگار، قابل‌تطبیق با شرایط گوناگون، مفید، صریح، شفاف و غیرقابل‌تأویل باشد[۲].

یکی از اشکالات بزرگ این است که قوانین طوری با بی‌دقتی یا عدم مراجعه‌ی لازم به مواردی که باید مراجعه کرد، تنظیم شود که اندکی نگذشته، احتیاج به تجدیدنظر پیدا کند و یک مقدار وقت مجلس به تصویب مجدد قانون بگذرد، گفت:

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت

یک روز قانون را درست کنیم، یک روز قانون را رد کنیم و یا تغییر کلی بدهیم؛ این‌طوری نباشد؛ قوانین با ثبات و مستحکم باشد[۳].

لزوم وضع قانون با نگاه جامع و بلندمدّت

البتّه سیاست‌ها (برنامه ششم) ابلاغ شده است، دستگاه‌های دولتی کارهای زیادی کردند کارهایی انجام گرفته است؛ اما نگاه کنید ببینید کجای این جدول ناقص است. بالاخره اگر یک دارویی را تجویز کنند که علاج قطعی فلان بیماری است و این دارو هم مثلاً فرض کنید که پنج جزء دارد، اگر یک جزء از این پنج جزء نبود، این دارو نیست ولو چهار جزء دیگرش باشد؛ باید همه‌ی این اجزاء وجود داشته باشد تا انسان بتواند منتظر شفا و نتیجه باشد نگاه کنید ببینید کدام قسمت این جدول - به قول فرنگی‌مآب‌ها این پازل - خالی است و باید پُرش کرد، آن را پیدا کنید. در قانون برنامه در قانون بودجه‌ی ۹۵ این را کاملاً نگاه کنید[۴].

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۲. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.

یک توصیه این است که قانون را با نگاه جامع و بلندمدّت وضع کنید. اینکه ما هر مطلبی پیش می‌آید، مطلب کوچک یا متوسّط، فوراً بپردازیم به اینکه یک قانون برای این درست کنیم که دولت هم لایحه ندارد، طرح باید بدهیم - که حالا راجع به طرح هم عرض خواهم کرد - این منتهی خواهد شد به انباشت قانون، تراکم قانون که در آن همین مشکلات قانون پیش می‌آید که به این تنقیح قوانینی که شما کارهای خوبی در این دو سال در زمینه‌ی تنقیح قوانین کردید محتاج خواهیم شد؛ یعنی تراکم قانون چیز خیلی مطلوبی نیست. قانون را وقتی مجلس می‌خواهد وضع کند، باید با نگاه بلندمدّت وضع کند با نگاه جامع وضع کند؛ هر مسئله‌ی جزئی کوچکی درخور وضع قانون نیست؛ یکی این[1].

ثبات قانون یکی از خصوصیّات است؛ البتّه قانون باید بِروز بشود؛ در این شکّی نیست لکن، به‌روزشدن قانون یک حرف است، تغییرات پی‌درپی، تبصره زدن و مانند این‌ها یک حرف دیگر است که این از حالت قانونی خواهد افتاد منقّح باید باشد؛ بدون تعارض باید باشد. خب، این‌ها بایدها است؛ از این بایدها، نبایدها را می‌شود فهمید[2].

باکیفیت، دقیق و دارای انسجام با بقیه قوانین

خب، یک مسئله در مورد قانون است. قانون‌گذاری شأن اصلی شما است منتها قانون را دو جور می‌شود گذارد و وضع کرد: خوب و بد؛ می‌شود خوب قانون‌گذاری کرد، می‌شود بد قانون‌گذاری کرد. صرفاً هم بد و خوب‌بودن به این نیست که قانون خوب باشد یا قانون بد باشد؛ نه، گاهی یک قانون خوب را شما وضع می‌کنید؛ اما این وضع، بد است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه در کیفیّت وضع این قانون رعایت دقّت نشده، انسجام با بقیّه‌ی قوانین مراعات نشده، وجود وضوح در قانون رعایت نشده. اوّلاً: قانون بایستی باکیفیّت باشد؛ افزایش قانون، زیاد بودن قانون خیلی چنگی به دل نمی‌زند؛ باید قانون باکیفیّت باشد[3].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.

یعنی مضمون قانون ممکن است خوب باشد؛ اما قانون‌گذاری خوبی نیست، قانون‌گذاری بدی است؛ بنابراین قانون باید کیفیّت داشته باشد[۱].

قانون‌گذاری، ریل‌گذاری که اساس کار در مجلس است - البتّه نظارت هم هست، لکن عمده قانون‌گذاری است - بایستی روزبه‌روز کیفیّتش را بالا ببرید؛ روزبه‌روز؛ یعنی باید هر دوره‌ای بلکه هر سالی کیفیّت قانون‌گذاری بهتر بشود از دوره‌ی قبل و از سال قبل. حالا نکاتی را در مورد این قانون‌گذاری عرض می‌کنم[۲].

لزوم تعیین شاخص کمیت و کیفیت طرح‌ها و لوایح در مدیریت کشور

یک نکته‌ی مهم این است که شاخص کمّی برای ارزیابی کافی نیست؛ اینکه ما چه تعداد مصوّبه گذراندیم، کافی نیست؛ بایستی مشخّص بشود که وزن این مصوّبه‌ها در اداره‌ی کشور چقدر است؛ چون شما مدیر کشورید و قانون‌گذار کشور و ریل‌گذارِ حرکتِ اجرا شما هستید دیگر، یعنی این بخش مهم از مدیریّت در اختیار شما است؛ این چیزی که تصویب شده است، چقدر در رفع مشکلات و پیشرفت کشور و رعایت حال عموم مردم تأثیر داشته است؛ پس صرفاً کمّیّت کفایت نمی‌کند، بایستی کیفیّت را ملاحظه کرد؛ البتّه شرایط دیگری هم دارد که عرض می‌کنیم؛ چیزهای دیگری هم غیر از این معنا لازم است[۳].

قابلیت اجرایی قانون

بسیاری از قوانین ما خوب هستند؛ اما جواب نمی‌دهند؛ چون در اجرا اشکال دارند. اگر حقیقتاً چشم بینای مجلس - البته با انصاف، با عدالت، با رعایت حدود الهی - متوجّه مجریان باشد، این مشکل برطرف یا لااقل کم خواهد شد. اینها چیزهای بسیار مهمّی است[۴].

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۴. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

دیگـر اینکـه بـا توجّه بـه ظرفیّت کـشور، قابل اجـرا باشـد. گاهی مجلـس قانونـی را تصویب می‌کنـد کـه دولت قـادر به اجرا نیسـت؛ یعنـی امکانات کـشور و اسـتعدادهای کـشور یا به خاطـر بودجـه یا بـه خاطر مسـائل گوناگون دیگر، تـوان کشیدن این بـار را ندارد ایـن هم باید رعایـت بشـود[۱]. عملی‌بـودن؛ گاهـی اوقـات یـک قانونـی تصویـب می‌شـود که معلوم اسـت عملی نیسـت، یعنی کار کارشناسـی نشـان نمی‌دهد که اگـر این قانون تحقّق پیـدا کرد، این کار عملیّاتـی خواهد شـد؛ این کنار گذاشـته بشـود[۲].

راهکار اجرایی‌شدن قوانین؛ کاهش طرح و افزایش لایحه

خـب، وقتـی لایحه می‌آید در واقـع دولت خـودش دارد می‌گوید من می‌توانم ایـن کار را انجام بدهـم؛ امـا طـرح نه. ممکن اسـت شـما با زحمـت زیادی یـک طرحـی را فراهم بکنیـد، بعد بـا زحمـت زیـادی آن طـرح را در مجلـس تصویب بکنیـد، بعد به دولـت که می‌رسـد بگوید خـب، مـن، مثلاً این امـکان را ندارم یـا اجرا نمی‌شـود؛ یعنی زحمت‌هـا از بین مـی‌رود اینکه مـن گفتم ناظـر به اجرا باشـد، یک بخـش آن هم همین مسـئله‌ی کاهش طرح اسـت[۳].

لزوم اجرای قوانین مصوب

یـک مسـئله‌ی دیگر، مسـئله‌ی اجـرای قوانین اسـت خـب، رئیـس محترم مجلـس چندی پیـش گفتنـد که فلان قانون را دو سـال اسـت که فلان دسـتگاه اجـرا نکرده؛ سـؤال بنده این اسـت کـه خب در این دو سـال شـما که مجلس هسـتید، چه‌کار کردیـد؟ اگر او اجـرا نکرد، شـما بایـد دنبـال بکنیـد، چرا اجرا نشـود؟ این‌همه شـما خـرج می‌کنیـد وقت و عمـر و پول و امکانـات و ماننـد این‌هـا را بـرای اینکـه ایـن قانون تصویب بشـود؛ حـالا این قانـون بعد از این‌همـه مقدّمـات، تصویب شـده، آن مسـئول اجـرا نمی‌کند! خـب باید یک فکـری برایش بکنیـد حـالا گفتنـد بعضی از این عـدم اجراها را به قـوّه‌ی قضائیّـه ارجاع داده‌انـد، آن‌ها هم گفته‌انـد کـه ایـن جزو عناوین مجرمانه نیسـت؛ خـب، اگر چنانچـه بخواهیـد جزو عناوین

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

مجرمانـه باشـد، چـه کسـی بایـد بکند ایـن کار را؟ بـاز هم خـود مجلـس باید بکنـد. نخیر، (کار) قـوّه‌ی قضائیّـه نیسـت؛ قـوّه‌ی قضائیّـه بایسـتی عناوین مجرمانـه را تعقیـب کند؛ چه کسـی می‌توانـد بگویـد ایـن جزو عناوین مجرمانه اسـت؟ مجلـس شورای اسلامـی. مجلس بایسـتی ایـن کار را انجام بدهد. شـما بگوییـد این تخلّف اگـر چنانچه این‌جوری شـد، این جرم اسـت و این‌قـدر مجازات دارد، بعد این را بفرسـتید تـا آن‌ها بتوانند عمـل بکنند؛ یعنی ایـن کار، کار خـود مجلـس اسـت؛ بنابراین، مسـئله‌ی دنبال‌گیـری قوانین هم بـه نظر ما یک مسـئله‌ی بسیار مهمّی اسـت که بایسـتی انجـام بگیرد[۱].

پیگیری علل عدم اجرای قانون توسط دستگاه‌های مجری

یـک مسـئله‌ی دیگـر، مسـئله‌ی اجـرای قوانین اسـت. خب، رئیـس محترم مجلـس چندی پیـش گفتنـد که فلان قانون را دو سـال اسـت که فلان دسـتگاه اجـرا نکرده؛ سـؤال بنده این اسـت کـه خب در این دو سـال شـما که مجلس هسـتید، چه‌کار کردیـد؟ اگر او اجـرا نکرد، شـما بایـد دنبـال بکنید چـرا اجرا نشـود؟ این‌همه شـما خـرج می‌کنیـد وقت و عمـر و پول و امکانـات و ماننـد این‌هـا را بـرای اینکـه ایـن قانون تصویب بشـود؛ حـالا این قانـون بعد از این‌همـه مقدّمـات، تصویب شـده، آن مسـئول اجـرا نمی‌کند! خـب باید یک فکـری برایش بکنید[۲].

ارجاع به قوه قضائیه در صورت عدم اجرای قانون

یـک مسـئله‌ی دیگر، مسـئله‌ی اجـرای قوانین اسـت خـب، رئیـس محترم مجلـس چندی پیـش گفتنـد که فلان قانون را دو سـال اسـت که فلان دسـتگاه اجـرا نکرده؛ سـؤال بنده این اسـت کـه خب در این دو سـال شـما که مجلس هسـتید، چه‌کار کردیـد؟ اگر او اجـرا نکرد، شـما بایـد دنبـال بکنیـد، چرا اجرا نشـود؟ این‌همه شـما خـرج می‌کنیـد وقت و عمـر و پول و امکانـات و ماننـد این‌هـا را بـرای اینکـه ایـن قانون تصویب بشـود؛ حـالا این قانـون بعد از این‌همـه مقدّمـات، تصویب شـده، آن مسـئول اجـرا نمی‌کند! خـب باید یک فکـری برایش

۱. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

بکنیـد حـالا گفتنـد بعضی از این عـدم اجراها را به قـوّه‌ی قضائیّـه ارجاع داده‌انـد، آن‌ها هم گفته‌انـد کـه ایـن جزو عناوین مجرمانه نیسـت؛ خـب، اگر چنانچـه بخواهیـد جزو عناوین مجرمانـه باشـد، چـه کسـی بایـد بکند ایـن کار را؟ بـاز هم خـود مجلـس باید بکنـد. نخیر، (کار) قـوّه‌ی قضائیّـه نیسـت؛ قـوّه‌ی قضائیّـه بایسـتی عناوین مجرمانـه را تعقیـب کند؛ چه کسـی می‌توانـد بگویـد ایـن جزو عناوین مجرمانه اسـت؟ مجلـس شورای اسلامـی. مجلس بایسـتی ایـن کار را انجام بدهد. شـما بگوییـد این تخلّف اگـر چنانچه این‌جوری شـد، این جرم اسـت و این‌قـدر مجازات دارد، بعد این را بفرسـتید تـا آن‌ها بتوانند عمـل بکنند؛ یعنی ایـن کار، کار خـود مجلـس اسـت؛ بنابراین، مسـئله‌ی دنبال‌گیـری قوانین هم بـه نظر ما یک مسـئله‌ی بسیار مهمّی اسـت که بایسـتی انجـام بگیرد[1].

تمکین از قانون نشان‌دهنده ارجحیت و کاربری قانون

خوشـبختانه قوانینـی هـم کـه وجـود دارد، قوانیـن خوبی اسـت؛ قوانیـن معقولـی اسـت. همیـن‌طور کـه مکرر عرض کردیم، بن‌بسـتی وجود ندارد؛ لذا مشـاهده می‌کنیـد که در همین انتخابـات تـا ایـن مرحله‌ای کـه تا الان پیـش آمدیـم، روال قانونی جریـان پیدا کـرد. وقتی که از نامزدهـای محترم سـؤال کردنـد که اگر چنانچـه شورای نگهبان نظری بدهد، شـما تمکین می‌کنیـد، همـه‌ی آن‌هـا گفتنـد: بله، مـا تمکیـن می‌کنیم. تمکیـن هم کردنـد ما بایـد واقعاً تشـکر کنیـم از همـه‌ی این نامزدهـا؛ آن‌هـایی که به نحـوی صلاحیتشـان احراز نشـد. اینها گفتنـد: از نظـر شورای نگهبـان تمکیـن می‌کنیـم و به قـول خودشـان عمل کردنـد و تمکین کردنـد؛ این نشـان‌دهنده‌ی اهمیـت و ارجحیت قانون اسـت، نشـان‌دهنده‌ی کاربری قانون اسـت؛ چون قانون بر مملکت حاکم اسـت. ممکن اسـت بنده یا جنابعالـی از قانون ناراضی هـم باشیـم - گاهـی ایـن‌جوری اسـت - اما وقتـی انسـان در مقابل قانـون تمکین کـرد، حل اختلاف می‌شـود، فصل‌الخطاب می‌شـود؛ این نعمت بزرگی اسـت، این برکت بزرگی است[2].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

تأویل ناپذیر، صریح و واضح بودن قانون

تأویل ناپذیر باشد. قانونی که صریح نباشد و قابل‌تأویل باشد، کسانی که اهل سوءاستفاده هستند - که بنده تعبیر کردم از آن‌ها به قانون‌دانانِ قانون‌شکن می‌توانند سوءاستفاده کنند. نگذارید؛ قانون را تأویل ناپذیر و صریح وضع کنید[۱].

یکی مسئله‌ی تأویل ناپذیری قانون است؛ یعنی قانون صریح باید باشد، جوری نباشد که مجدّداً احتیاج به استفساریّه‌ی مجلس داشته باشد که باز یک بحث تکراری‌ای پیش بیاید؛ باید به کارشناسی جامع اتکا داشته باشد، اتقان داشته باشد، واقعاً روی آن کارشناسی شده باشد، قابل اجرا باشد. یکی از خصوصیّاتِ قانونِ خوب قابل اجرا بودن است؛ اگر یک قانونی است که از لحاظ منابع مالی کشور از لحاظ ظرفیت‌های کشور قابل اجرا نیست، این قانون، قانونِ خوبی نیست. خب، خیلی از آرزوها را انسان دارد منتها باید دید می‌توانیم این آرزو را عملی بکنیم، یعنی اگر مثلاً شما به‌جای اینکه نماینده‌ی مجلس باشید، وزیر فلان دولت بودید یا رئیس فلان دولت بودید، می‌توانستید این را اجرا کنید؟ این مهم است؛ این را باید در نظر گرفت وقتی که می‌خواهیم قانون بگذاریم، قابل اجرا بودن قانون معلوم بشود ثبات قانون یکی از خصوصیّات است؛ البتّه قانون باید بِروز بشود؛ در این شکّی نیست؛ لکن، به‌روزشدن قانون یک حرف است، تغییرات پی‌درپی، تبصره زدن و مانند این‌ها یک حرف دیگر است که این از حالت قانونی خواهد افتاد منقّح باید باشد؛ بدون تعارض باید باشد. خب، این‌ها بایدها است؛ از این بایدها، نبایدها را می‌شود فهمید[۲].

واضح باشد؛ جوری نباشد که پی‌درپی اصلاحات مکرّر لازم داشته باشد، مرتّب استفساریّه بیاید مجلس؛ وقتی قانون واضح نبود، وقتی جامع نبود، مرتّباً استفساریّه می‌آید که آیا مرادتان این بوده یا آن بوده؛ گاهی نتیجه‌ی استفساریّه‌ای که مجلس صادر می‌کند،

---

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

نقطـه‌ی مقابل مضمـون خود قانون اسـت[۱].

قانـون صریح باید باشـد، جوری نباشـد کـه مجدّداً احتیاج به استفسـاریّه‌ی مجلس داشـته باشـد که باز یک بحـث تکراری‌ای پیـش بیاید[۲].

مبتنی بر کار کارشناسی بودن قانون

قانون خوب یک خصوصیّاتی دارد. یکی از خصوصیّات قانون خوب این است که مبتنی بر کارشناسی باشد. هرچه بیشتر قانون مبتنی باشد بر کارشناسی، این قانون بهتر است؛ این یکی از خصوصیّات[۳]. یک توصیه‌ی دیگر، تأکید بر کار کارشناسی است که البتّه من قبلاً هم مکرّر این را گفته‌ام؛ به نظرم به شما هم گفته‌ام، به مجالس قبل هم که مکرّر گفته‌ام، کار کارشناسی خیلی مهم است. سطح کیفی قوانین باید بالا برود؛ باید قانون جوری باشد که سال‌های متمادی، مجریان رغبت داشته باشند از این قانون استفاده کنند و به آن پایبند باشند. بالابودن سطح کیفی قانون، هم به قوّت قانون است، هم به واقع‌بینانه بودن قانون است، هم به عملی‌بودن قانون است، هم به صریح و روشن و بی‌ابهام بودن قانون است، هم به تأویل ناپذیر بودن قانون است؛ کیفی شدن قانون به این صورت است. این هم با کارشناسی به وجود می‌آید؛ سطح کارشناسی را باید بالا برد. خب، خوشبختانه مجلس، مرکز پژوهش‌ها را دارد که یک مرکز خوبی است، جای کارشناسی خوبی است. خود کمیسیون‌های تخصّصی، مرکز کارشناسی است؛ اما علاوه‌ی بر این‌ها خودِ نماینده بایستی کار کند؛ باید مطالعه کنید. روی آن طرح یا آن لایحه که در اختیار شما قرار می‌گیرد، بنشینید مطالعه کنید، فکر کنید؛ احیاناً اگر چنانچه دسترسی دارد با افرادی که صاحب‌نظرند مشورت بکنید تا این سطح کارشناسی بالا برود[۴].

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۴. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.

لزوم تقویت بنیه کارشناسی مجلس

هرچه دقت و سنجیدگی و بکار گرفتن دانش و اطلاعات در کار قانون‌گذاری بیشتر باشد، پیشرفت و موفقیت و گره‌گشایی در کار اجرا، ممکن‌تر خواهد شد و این حقیقت روشن، بار مسئولیت نمایندگان محترم را سنگین‌تر می‌سازد. بدیهی است که قانون‌گذاری صحیح و حکیمانه، مستلزم آن است که نمایندگان همه‌ی وقتی را که مجلس شورای اسلامی به آن نیاز دارد، صرف کنند و علاوه بر حضور در جلسات عمومی و کمیسیون‌ها که در آن مباحثه و تبادل نظر انجام می‌شود، ساعاتی را هم صرف مطالعه و تفکر و مشورت با کارشناسان کنند و نیز از وجود کارشناسان امین در کمیسیون‌ها استفاده برند. غیبت‌های ناموجه از ساعات کار مجلس، تعدی به حق مردم و بی‌اعتنایی به اعتمادی است که مردم به نماینده‌ی منتخب خود کرده‌اند[۱].

در تنظیم و تصویب قانون، جنبه‌های کارشناسی به‌شدت باید رعایت بشود. خوشبختانه مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز خوبی است؛ گزارش‌هایی که بنده از این مرکز پژوهش‌ها دارم، خبرهای خوبی را از آنجا به ما منتقل می‌کنند؛ امکان کارشناسی خوبی در آنجا متراکم و متمرکز است؛ حدّاکثر استفاده را از آن باید کرد؛ علاوه بر این - که این یک بازوی توانمند کارشناسی مجلس است و از این باید استفاده کرد - بایستی از نخبگان بیرون از محیط مجلس هم استفاده بشود. گاهی شما ملاحظه می‌کنید در یک مسئله‌ای در یک حوزه‌ی تخصّصی‌ای، یک کسی چند سال مثلاً کار کرده، فکر کرده؛ شما اگر در این حوزه‌ی تخصّصی از او مشورت بگیرید، گاهی با یک کلمه‌ی کوتاه با یک سطر، یک راه‌گشایی بزرگی را انجام می‌دهد؛ یعنی این‌جوری است؛ گاهی اوقات کمک نخبگان این‌جوری است که یک پیشنهاد کوچکشان یک راه‌گشایی بزرگی را انجام می‌دهد[۲].

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

لزوم تقویت کمیسیون‌های مجلس؛ به‌مثابه اتاق‌های فکر مجلس

از ایـن کمیسیون‌هـا نبایـد غفلت کرد؛ ایـن کمیسیون‌ها مهم اسـت؛ این‌هـا اتاق‌های فکرند بـرای پختـه کـردن مسـائل در صحـن مجلـس؛ بعـد هـم تصمیم‌گیـری در صحـن مجلس، یعنـی تصمیم‌گیـری برای سرنوشـت کشور، نه‌فقط برای چهار سـال. گاهی شـما یـک قانونی می‌گذاریـد، این قانون بیسـت سـال در کـشور اثرگذار اسـت؛ یک خطـی را معیـن می‌کند[1].

نکتـه‌ی دیگـری کـه می‌خواهیـم عـرض کنیـم، مورد تأییـد برادرانـی از مجلـس اسـت کـه صاحب‌نظرنـد، سـابقه دارنـد. کمیسیون‌ها در مجلس خیلـی وظیفه و نقش بـر عهده دارند. کمسیون‌هـا خیلـی باید کار کننـد صحن علنی مجلـس البته جای تصمیم‌گیری اسـت، اما کار بنیانـی در کمیسیون‌هـا انجـام می‌گیـرد؛ بلکـه حتّی ما در طـول این سـال‌های متمادی در مجلس کسـانی را سـراغ داشـتیم که قبـل از اینکه بیایند تـوی کمیسیـون اظهارنظر کنند، خودشـان پیش مطالعه می‌کردند، می‌رفتند نگاه می‌کردنـد، مطالعه می‌کردند، جوانب قضیه را می‌سـنجیدند ایـن‌جور کاری خیلی خوب اسـت، آن وقت شـما هنگامی کـه وارد مجلس شـدید، وارد صحن شـدید، قانون که مطرح شـد، موافـق و مخالف که صحبـت می‌کنند، هر نکتـه‌ای از سـخنان آن‌هـا مورد توجه قـرار می‌گیرد. ایـن که نباشـد، آدم خالی‌الذهن باشـد، حـرف موافـق و مخالـف مثـل این اسـت که یـک چیـزی دارند تـوی فضـا و هـوا می‌گویند؛ تصمیم‌گیـری انسـان هـم تصمیم‌گیری متکـی به حجـت نخواهد بود؛ چـه دربـاره‌ی قانون، چـه دربـاره‌ی بعضی از مصوبات دیگـر؛ تعیین اشـخاص، وزیر، غیر وزیر وقتـی قبلاً مطالعه شـده باشـد، انسـان با حجـت وارد می‌شـود. گاهی می‌شـود کـه ده نفـر مخالفـت می‌کنند، فضـا فضـای مخالف اسـت؛ اما شـما که موافقید، اسـتدلال داریـد، فکر دارید و بـر طبق آن اجتهـاد و فهمـی کـه از مسـئله دارید، عمـل می‌کنید؛ این درسـت اسـت. یعنـی می‌خواهم خدمـت آقایـان و خانم‌هـا عرض کنم کـه کار بررسـی در کمیسیـون، بلکه قبـل از کمیسیون را بایـد جـدی گرفت؛ لـذا، حضور در کمیسیون‌ها خیلی مهم اسـت و حضور سـر سـاعت و

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.

حضور مستمر خیلی اهمیت دارد[۱].

لزوم تقویت مرکز پژوهش‌های مجلس

مرکز پژوهش‌های مجلس هم جای مهمی است؛ باید از نخبگان و فکر و نظر آن‌ها در اینجا حداکثر استفاده بشود. امیدواریم ان‌شاءالله با رعایت اخلاق و نظم و انضباط، همه‌ی کارها به بهترین وجه پیش برود و آینده بهتر از گذشته باشد[۲]؛ ﴿وللاخرة خیر لک من الأولی﴾.[۳]

من راجع به مرکز پژوهش‌ها یکی دو سال، دو سه سال پیش از این یک صحبتی کردم و از آن تمجید کردم؛ مرکز پژوهش‌ها بسیار مهم است. هر چه می‌توانید مرکز پژوهش‌ها را تقویت کنید؛ یعنی بایستی هم در مرکز پژوهش‌های مجلس، هم در کمیسیون‌های تخصّصی، کارِ کارشناسی به طور قوی انجام بگیرد؛ یعنی بنیه‌ی کارشناسی مجلس باید افزایش پیدا کند. این یکی از مسائل بسیار مهم است. من البتّه حالا خیلی خاطرم جمع نیست؛ اما گزارش‌هایی که از مرکز پژوهش‌ها اخیراً به دست ما می‌رسد، خیلی گزارش‌های دلگرم‌کننده‌ای نیست[۴].

استفاده از نظرات کارشناسی خارج از مجلس

یک نکته‌ی دیگری که در مورد قانون می‌خواهم عرض بکنم، این است که از کارشناسی‌ها استفاده کنید. یکی از بخش‌های مهمّی که از کارشناسی آن می‌توانید استفاده کنید، بدنه‌ی دولت است. دولت در بخش‌های مختلف کارشناس‌های خوبی دارد از بدنه‌ی کارشناسی دولت - حالا چه سازمان برنامه، چه جاهای دیگر - در بخش‌های مختلف حتماً استفاده بشود؛ امّا مخصوص آن‌ها هم نیست؛ در بیرون دولت هم الان شما ملاحظه کنید در زمینه‌ی مسائل اقتصادی - که حالا اجمالی عرض خواهم کرد - افرادی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.
۳. سوره ضحی، آیه ۴.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

هستند که در دولت هم نیستند در دانشگاه‌اند، تدریس می‌کنند یا اقتصاددان‌اند؛ این‌ها کارشناس‌اند از بدنه‌ی کارشناسی حتماً استفاده بشود برای تصمیم‌گیری‌ها[۱].

در تنظیم و تصویب قانون، جنبه‌های کارشناسی به‌شدت باید رعایت بشود خوشبختانه مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز خوبی است؛ گزارش‌هایی که بنده از این مرکز پژوهش‌ها دارم، خبرهای خوبی را از آنجا به ما منتقل می‌کنند؛ امکان کارشناسی خوبی در آنجا متراکم و متمرکز است؛ حدّاکثر استفاده را از آن باید کرد؛ علاوه بر این - که این یک بازوی توانمند کارشناسی مجلس است و از این باید استفاده کرد - بایستی از نخبگان بیرون از محیط مجلس هم استفاده بشود. گاهی شما ملاحظه می‌کنید در یک مسئله‌ای در یک حوزه‌ی تخصّصی‌ای، یک کسی چند سال مثلاً کار کرده، فکر کرده؛ شما اگر در این حوزه‌ی تخصّصی از او مشورت بگیرید، گاهی با یک کلمه‌ی کوتاه با یک سطر، یک راه‌گشایی بزرگی را انجام می‌دهد؛ یعنی این‌جوری است؛ گاهی اوقات کمک نخبگان این‌جوری است که یک پیشنهاد کوچکشان یک راه‌گشایی بزرگی را انجام می‌دهد[۲].

کنارنگذاشتن طرح‌های کارشناسی شده باقی‌مانده از مجلس قبلی

تراکم طرح‌ها یکی از مشکلات این طرح‌ها این است که غالباً مجالس جدید که تشکیل می‌شود، طرح‌های باقیمانده‌ی از مجلس قبلی را کنار می‌گذارند؛ حتّی طرح‌های دارای فوریّت را؛ طرح‌های یک‌فوریتی را یا شاید بعضی از طرح‌های دوفوریّتی را هم کنار می‌گذارند! یعنی مجلس جدید که تشکیل شد، طرحی را که مجلس قبل نشسته‌اند، فکر کرده‌اند، کار کرده‌اند، تصویب کرده‌اند یا در جریان تصویب قرار گرفته، کنار می‌گذارند؛ این‌همه زحمت، این‌همه فکر، این‌همه وقت به هدر می‌رود؛ آن وقت، وقتی طرح زیاد شد، کارِ کارشناسی هم مشکل می‌شود؛ اینکه شما بخواهید روی این‌همه طرح کارِ کارشناسی دقیق بکنید، خیلی کار مشکلی است. این هم یک مسئله[۳].

---

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

خصوصیات کارشناسان تخصصی

نظرات کارشناسان را بگیرید. البته کارشناس را باید بشناسید. هر کارشناسی مورد اعتماد نیست. ای بسا کارشناسانی که مسئولین بالا را گمراه کردند! ما در این چند سال، این‌ها را دیده‌ایم. این‌ها جزو تجربیّات ماست که کارشناسی، راهی را جلوِ نماینده مجلس یا مسئول می‌گذارد که به‌وسیله آن، واقعیتی را واژگونه و غلط به او معرفی می‌کند. این‌طور نیست که شما بتوانید به هر کارشناسی اعتماد کنید. کارشناس باید شناخته شده باشد؛ باید مورد اعتماد باشد؛ باید به انگیزه و عشق اسلامی و انقلابی و میهنی او، اطمینان حاصل شده باشد و بدخواه نباشد. با استفاده از چنین کارشناسانی، با تأمّل و فکر و مطالعه روی طرح‌ها و لوایح، و مشورت صحیح و واقعی - که صحنه مجلس و کمیسیون‌ها جای مشورت واقعی است - باید شما بهترین قوانین را پیدا و تصویب کنید و به دولت بگویید که این بهترین راه را مشی کند[1].

رعایت اولویت‌های داخلی در قانون

خب، قانون باید در پی حلّ مشکلات مردم باشد؛ اولویت‌های داخلی را باید رعایت کند؛ در درجه‌ی اوّل درصدد رفع مشکل مردم ضعیف و طبقات ضعیف باشد. در کشور طبقاتی هستند که ضعیف‌اند یا متوسّطین‌اند یا زیر حدّ توسط‌اند؛ قانون بیشتر باید متوجّه رفع مشکل این‌ها باشد. البتّه قانون برای همه است و خیرِ همه‌ی طبقاتِ کشور را می‌خواهد - فرقی نمی‌کند - امّا این در اولویّت است، چون مسئله‌ی طبقات ضعیف، مشکلات فعلی زندگی است؛ قانون درصدد برطرف‌کردن این مشکلات باشد[2].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

کاهنده شکاف بین فقر و غنی

یک قانونِ شما می‌تواند شکاف بین فقیر و غنی را عمیق‌تر کند؛ می‌تواند هم مقداری این را جمع کند. باید دنبال این باشید که این فاصله را کم و این شکاف را پُر کنید[۱].

لزوم تجلی «آرمان‌گرائی» و «واقع‌بینی» در قانون

در نگاه به مسائل کشور - که در مورد مسئولیت شما به شکل قانون و قانون‌گذاری تجلی می‌کند - بایستی دو خصوصیت «آرمان‌گرائی» و «واقع‌بینی» را در نظر داشت. نگاهتان نگاه آرمان‌گرا باشد. از آرمان‌ها پائین نیائید، کوتاه نیائید، نگاه باید نگاه آرمانی باشد، منتها با توجه به واقعیت، سقفی را معین می‌کنیم؛ منتها تکلیفی را که برای خودمان یا دولت یا مسئولین معین خواهیم کرد، بایستی با توجه به واقعیت‌های موجود باشد، منتها به‌طرف آن آرمان، تا هی این توانائی‌ها روزبه‌روز بیشتر شود. واقع‌گرائی به معنائی که در مقابل آرمان‌گرائی است، مطلوب نیست. ملاک این است که ما می‌خواهیم به آن آرمان‌ها برسیم؛ منتها در کنار این، واقع‌بینی لازم است؛ نباید دچار توهم شد. گاهی ممکن است انسان در تصمیم‌گیری در آنچه که باید انجام بگیرد، دچار توهم باشد؛ خوب، این هم غلط است. آرمان‌ها را باید در نظر داشت. پله‌ها را باید مطابق با واقعیت‌هایی که وجود دارد، یکی پس از دیگری چید و به سمت آن آرمان‌ها پیش رفت. این یک نکته است[۲].

لزوم تنقیح، رفع تراکم و تعارض قوانین

یک مسئله‌ی دیگر در مورد قانون، این است که تراکم ایجاد نکند که حالا من مسئله‌ی تراکم را بعداً باز عرض می‌کنم، تکرار می‌کنم. تراکم قانونی یکی از مشکلات ما است. گاهی در یک موضوع واحد، قوانین متعدّدی تصویب شده با مشترکاتی و موارد افتراقی که از آن موارد افتراق، افراد سوءاستفاده‌چی خیلی می‌توانند استفاده کنند. تراکم قانونی واقعاً یک چیز مشکلی است برای کشور. حالا گاهی پیشنهاد می‌شود که ما به مجلس بگوییم

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.

بنشینید تراکم قانونی را برطرف کنید؛ بنده می‌ترسم نصف عمر مجلس را این کار بگیرد، اگر بخواهند بنشینند تراکم را کم کنند! لکن به هر حال در قانون‌گذاری مراقب این معنا هم باشید[۱].

یکی از نبایدها انباشته‌شدن قانون است - که حالا هم گفتند، گزارشی هم به من رسیده بود که قوانین به وسیله‌ی هوش مصنوعی دارد تنقیح می‌شود - که این تعارض‌ها از بین برود؛ تعارض قوانین که ناشی از انباشته‌شدن قانون است؛ مثلاً یک موضوع واحد در قانون بودجه‌ی سال می‌آید، فرض کنید که در قانون مربوط به محیط زیست می‌آید، و در برخی قوانین دیگر؛ خب، این قوانین با همدیگر ممکن است سازگار نباشد؛ وقتی تکلیف، بین قوانین مختلف معطّل شد، آدمی که می‌خواهد سوءاستفاده کند، سوءاستفاده می‌کند. این قانون‌دانانِ قانون‌شکن که بنده بارها تکرار کرده‌ام، همین‌جاها است که استفاده می‌کنند... [۲].

مسئله‌ی دوّم، مسئله‌ی تنقیح قوانین است. بنده مکرّر روی مسئله‌ی تنقیح قوانین بحث کرده‌ام، صحبت کرده‌ام؛ حالا هم بیرون، آقایان - آقای قالیباف و دوستانشان - یک صفحه‌ای را به ما نشان دادند در مورد کارهایی که برای تنقیح قوانین دارد انجام می‌گیرد از جمله، مثلاً فرض کنید قوانین نامعتبر در زمینه‌ی محیط زیست را استخراج کرده‌اند، اینجا نوشته‌اند؛ قوانین نامعتبر در چند زمینه را استخراج کرده‌اند. اخیراً هم از برنامه‌ی هوش مصنوعی و وسایل الکترونیکی و مانند این چیزها می‌خواهند استفاده کنند برای اینکه این کار انجام بگیرد؛ برای من شرح دادند. من به آن برادرانی که آنجا توضیح می‌دادند گفتم: که این‌ها همه مقدّمه است، این‌ها همه مقدّمات تنقیح قوانین است، این‌ها تنقیح قوانین نیست؛ اگر چنانچه این مقدّمات را درست به کار بگیرید و بروید در دل قضیّه، تنقیح قوانین می‌شود. یک گزارشی به من داده‌اند - که البتّه آقای قالیباف مناقشه می‌کنند در این گزارش ما، می‌گویند لابد اطّلاع ندارند - که می‌گوید از پنجاه

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

عنوانی که برای تنقیح قوانین در نظر گرفته شده، یک عنوان تصویب شده، ۴۹ عنوانِ دیگر باقی‌مانده! آنچه حالا گزارش ما می‌گوید این است؛ ان‌شاءالله که این گزارش خلاف است؛ ایشان معتقدند که این گزارش، گزارش دقیقی نیست؛ ان‌شاءالله که دقیق نباشد؛ ولی اگر باشد، این درست نیست. تنقیح قوانین خیلی مهم است و فوایدی که ایشان برای تنقیح قوانین ذکر کردند، همین فواید در ذهن ما هم بوده که این‌قدر تأکید کردیم[۱].

یک نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی تازه‌گردانی قوانین است. منطق بعضی از قوانین تمام شده است که همین مسئله‌ی تنقیح قوانین است که من قبلاً هم مکرّر عرض کرده‌ام؛ بله چند سال قبل، قانونی در خود جمهوری اسلامی یا قبل از جمهوری اسلامی تصویب شده؛ قانون است؛ لکن الان این قانون منطقی ندارد، این قانون را حذف کنید؛ یعنی مجلس شورای اسلامی می‌تواند این کار را انجام بدهد، هیچ دستگاه دیگری نمی‌تواند قانونی را که منطق ندارد و فلسفه‌ی وجودی‌اش تمام‌شده است، بایستی رها کرد بعضی از قوانین هم موجب تضاد و اشکال کار و گره در انجام کارها و مانند این‌ها هستند. به معنای واقعی کلمه این مسئله‌ی تنقیح قوانین را دنبال کنید. بعضی از قوانین مشکل‌زا هستند، باید آن‌ها را برطرف کرد. من شنیدم و آن روز هم در یک صحبتی گفتم که وزارت اقتصاد بعضی از مقرّراتی را که مانع بهبود وضع کسب‌وکار در کشور است، دارد حذف می‌کند؛ این بسیار کار خوبی است. بعضی از کارها هست که خب، مسئول دولتی می‌تواند انجام بدهد، امّا بعضی از کارها هست که از عهده‌ی او برنمی‌آید، فقط از عهده‌ی مجلس برمی‌آید؛ این هم یک مطلب[۲].

پرهیز از انباشت و تراکم قانون

یک توصیه این است که قانون را با نگاه جامع و بلندمدّت وضع کنید. اینکه ما هر مطلبی پیش می‌آید، مطلب کوچک یا متوسّط، فوراً بپردازیم به اینکه یک قانون برای این درست کنیم که دولت هم لایحه ندارد، طرح باید بدهیم - که حالا راجع به طرح هم

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

عـرض خواهـم کرد - این منتهی خواهد شـد به انباشـت قانـون، تراکم قانون کـه در آن همین مشـکلات قانـون پیش می‌آیـد که به ایـن تنقیح قوانینـی که شـما کارهـای خوبی در این دو سـال در زمینـه‌ی تنقیـح قوانین کردیـد محتاج خواهیم شـد؛ یعنـی تراکم قانـون چیز خیلی مطـلوبی نیسـت. قانـون را وقتی مجلـس می‌خواهد وضع کنـد، باید با نـگاه بلندمدّت وضع کنـد با نـگاه جامع وضـع کند؛ هر مسـئله‌ی جزئـی کوچکـی درخور وضع قانون نیسـت[1].

لزوم علاج مشکل تراکم قوانین

یکـی از چیزهـایی کـه مـا دچـارش هسـتیم، مسـئله‌ی تراکـم قوانین اسـت؛ این‌قـدر که در مسـائل مختلـف قانـون داریم! حـالا آقای دکتـر لاریجانی اشـاره کردنـد به مسـئله‌ی آمایش سرزمیـن؛ آمایـش سرزمیـن از زمانی که بنـده رئیس‌جمهور بـودم در هیئت دولت مطرح شـد؛ زمـان ریاسـت‌جمهوری خـود من که حالا سـی سـال، سـی و چند سـال از آن‌وقت گذشـته، مسـئله‌ی آمایـش سرزمیـن در دولت مطرح شـد - کـه روی کلمـه‌ی آمایش هم بحـث کردیم که این کلمه فارسـی اسـت، چیسـت، ریشـه‌اش چیسـت - و بنا شـد دنبال کند؛ در همه‌ی دولت‌هـا هم دنبال شـده، امّا هنوز هم عملی نشـده. خـب، حالا قانون هم گذاشـته‌ایم، برای آمایـش سرزمیـن قانـون هـم وجـود دارد؛ حالا شـما بیـا چند قانـون دیگـر هـم روی آن اضافه کـن! راه‌هـای میان‌بُـر را باید طی کرد. فـرض بفرمایید حالا شـما می‌خواهید بـه برکت آمایش سرزمیـن و آشـنایی‌ای که با اسـتعدادها و ظرفیت‌های اسـتان‌ها یا منطقه‌ها پیـدا می‌کنید، از امکانـات اسـتان‌ها و مناطـق گوناگـون کـشور اسـتفاده کنید؛ خیلـی خب، حـالا اگر این نشـد، راه دیگـری در کنـار این وجود دارد. خب، درسـت اسـت که آمایش علمـی، مثلاً فرض کنید در زمینه‌ی اسـتان خراسـان اتّفـاق نیفتاده؛ اما، اسـتاندار آنجا و مسـئولین محلّیِ آنجا چیزی از اسـتعدادهای آن اسـتان می‌دانند که کسـی که در مرکز نشسـته آن چیز را نمی‌داند؛ ایـن خـودش یـک فرصت اسـت؛ از ایـن راه‌هـا اسـتفاده بشـود؛ بنابرایـن، می‌خواهـم این را عـرض بکنـم کـه تراکم قانـون و افزایـش کمّیّـت قانون، حُسـن نیسـت؛ عمده این اسـت که

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

قانون کیفیّت داشته باشد؛ جامع باشد[۱].

ارائه طرح‌های زیاد؛ از علل تراکم قوانین

قانون اساسی دست مجلس را باز گذاشته در ارائه‌ی طرح؛ یعنی مواردی که شما لایحه‌ی دولتی ندارید و مسئله‌ی مهمّی هست، می‌توانید طرح ارائه بدهید. خب، طرح خوب است، منتها در ارائه‌ی این طرح اگر ما افراط کردیم - که مواردی از افراط به بنده گزارش شده، دیگر لازم نیست من عددها را عرض بکنم - خود این موجب مشکل خواهد شد تا یک مشکلی پیش می‌آید در کشور، به‌جای اینکه منتظر لایحه‌ی قانونی باشیم و اقدام دولت را دنبال کنیم، اینجا فوراً یک طرح فراهم کنیم! خود این موجب تراکم قانون است؛ یعنی در ارائه‌ی طرح‌ها واقعاً بایستی قناعت بشود به حدّاقلّ لازم و نه بیشتر که اگر بیشتر شد، یکی از علل تراکم قانون همین ارائه‌ی طرح‌ها است. الان در مجلس که شماها وارد شده‌اید، طرح‌های زیادی وجود دارد که رسیدگی به این‌ها - رسیدگی و ابلاغ و مانند این‌ها - سال‌ها طول خواهد کشید این هم این مسئله[۲]. آن وقت، وقتی طرح زیاد شد، کارِ کارشناسی هم مشکل می‌شود؛ اینکه شما بخواهید روی این‌همه طرح کارِ کارشناسی دقیق بکنید، خیلی کار مشکلی است. این هم یک مسئله[۳].

سوءاستفاده قانون‌دان‌های قانون‌شکن از تراکم قوانین

ما قوانین زیادی داریم که این‌ها همین‌طور بر روی هم متراکم است؛ بعضی‌ها تاریخ مصرف گذشته است، بعضی‌ها تکراری است، بعضی‌ها متعارض و متناقض است؛ یک فکری باید برای این قوانین بشود. وقتی قوانین این‌جور متراکم شد، آن کسی که می‌خواهد از زیر قانون مصوّب شما فرار کند، می‌گردد در آن قوانین، یک راه فراری پیدا می‌کند؛ این است دیگر. یکی از مضرّات قوانین گوناگون همین است که اگر کسی بخواهد از زیر کار در برود - قبلاً من گفته‌ام: (۳) قانون‌دان‌های قانون‌شکن - می‌گردند یک راه فراری پیدا

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

می‌کننـد. این قوانین، دسـت‌وپاگیر اسـت و نمی‌گـذارد کار پیش برود[۱].

لزوم تعیین گروه کارشناسی به‌منظور تنقیح قوانین

یکـی از کارهـا به نظر من این اسـت که یـک زمانی را معیّـن کنید، یک مهلتـی بگذارید، یک گروهی را مشـخّص کنیـد، بنشینند قوانین را تهذیب کننـد و کم کنند[۲].

مبتنی بر لایحه بودن قانون بجای طرح

سیاسـت کلّـی بایـد این باشـد کـه کار مجلس بیـش از طـرح، بـر روی لوایح انجـام بگیرد[۳]. خـب، وقتـی لایحه می‌آید در واقـع دولت خـودش دارد می‌گوید من می‌توانم ایـن کار را انجام بدهـم؛ امـا طرح نه. ممکن اسـت شـما با زحمت زیـادی یک طرحـی را فراهم بکنیـد، بعد با زحمـت زیادی آن طـرح را در مجلس تصویب بکنیـد، بعد به دولت که می‌رسـد بگوید خب مـن مثلاً این امـکان را ندارم یا اجرا نمی‌شـود؛ یعنـی زحمت‌ها از بیـن می‌رود[۴].

خصوصیّـت لایحـه این اسـت که امـکان توانایـیِ کارشناسـی دولت هم پشـتوانه‌اش اسـت؛ چـون دولـت هم دسـتگاه کارشناسـی وسیعـی دارد. لوایح خب از ایـن هم برخوردار اسـت؛ یعنـی علاوه بـر اینکـه شـما کارشناسـی می‌کنیـد، در دولـت هـم کارشناسـی شـده؛ بعلاوه وقتـی که لایحه باشـد، چـون مجری دولت اسـت و او می‌خواهـد اجرا کند، طبـعاً با موافقت بیشـتری اجـرا خواهد شـد؛ این هم یـک مطلب[۵].

نگذاریـد طـرح بـر لایحه غلبه پیـدا کند. خـب، وقتی لایحـه می‌آیـد در واقع دولـت خودش دارد می‌گویـد مـن می‌توانـم ایـن کار را انجام بدهم؛ اما طرح نه. ممکن اسـت شـما با زحمت زیـادی یـک طرحـی را فراهم بکنیـد، بعد بـا زحمت زیـادی آن طـرح را در مجلـس تصویب

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.
۲. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۵. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.

بکنیـد، بعـد به دولت که می‌رسـد بگوید خب من، مـثلاً این امکان را ندارم یا اجرا نمی‌شـود؛ یعنـی زحمت‌هـا از بین مـی‌رود. اینکه من گفتم ناظر به اجرا باشـد، یک بخـش آن هم همین مسـئله‌ی کاهـش طرح اسـت. حـالا البتّه یـک جاهایی طـرح باید باشـد که من بعداً اشـاره می‌کنـم؛ یـک مـواردی هسـت که اگـر مجلس به خـودش نجنبـد و طـرح احالـه (۸) نکند، اصلاً کـشور معطّـل می‌مانـد؛ امّا سیاسـت کلّی باید این باشـد کـه کار مجلس بیـش از طرح بـر روی لوایح انجـام بگیرد[۱].

لزوم ارائه طرح در صورت لایحه ندادن دولت

یـک توصیـه‌ی دیگـر مسـئله‌ی طرح اسـت؛ خـب شـما یـک خلأیی را احسـاس می‌کنید، دولـت هم لایحه‌ای نداده یا نـدارد و نمی‌دهد، کمااینکه اتّفاق افتاد؛ یک‌وقتی یک مجلسـی همیـن چند سـال قبل از این، مدّتی از تشـکیل مجلس گذشـته بـود به بنـده مراجعه کردند، شـکایت کردند، گفتنـد دولت اصلاً لایحه نمی‌دهـد به ما؛ هیچ لایحه‌ای در طول پنج شـش مـاه نیامـده. خب، یکـی از وظایف مجلس همین اسـت دیگر؛ وقتی که یک مسـئله‌ی لازمی وجـود دارد، لایحـه‌ای هـم وجـود نـدارد باید طـرح تهیّـه کند کـه جزو حقوق مجلس اسـت؛ جزو هـم حقـوق مجلس اسـت، هـم وظایـف مجلس اسـت که بایـد طـرح تهیّه کنـد؛ البتّه بـا شـرایطی کـه در قانـون اساسـی ذکر شـده منتها مـن عرضم این اسـت کـه ایـن طرح‌ها را نگذاریـد افزایـش پیـدا کنـد؛ یعنی زیاد طـرح تهیّه بشـود، داده بشـود؛ ایـن اشـکال دارد که البتّـه مـن شـنیدم، گـزارش به مـن دادند - حـالا این را نشـده من از آقـای قالیباف بپرسـم - کـه در ایـن مجلس خیلـی زیاد، بیـش از مجالس قبلـی طرح تهیّه شـده و تنظیم شـده؛ این کار تعریفـی نـدارد. شـما وقتی طـرح تهیّـه می‌کنید، بعـد این طرح فـرضاً تصویب می‌شـود، مـی‌رود در اختیـار دولت؛ من‌باب‌مثـال دولت می‌گوید مـن این طرح را نمی‌توانـم اجرا کنم و بـه هر دلیلـی نمی‌تواند اجـرا کند؛ در این صورت مسـئولیّت لوث می‌شـود؛ انسـان نمی‌داند بـه دولـت بگویـد که چرا ایـن قانون را عمـل نکردید یا بـه مجلس بگویـد که چرا ایـن قانون را

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

کـه عملی نبود شـما تصویـب کردید؛ این اسـت؛ لوث مسـئولیّت[۱].

قانون‌گذاری برای اجرای کامل برنامه‌های پیشرفت و توسعه

برنامـه، یعنـی قالب حرکـت عمومی کشور. برنامـه که امر کوچکی نیسـت. بودجه سـالانه که نیسـت. برنامـه، جهت‌گیـری در همه مسـائل اسـت و اهتمـام لازم دارد. مجلس هـم اهتمام ورزیـد. مـن می‌دانم کـه مجلس، وقتـی می‌بیند کـه نمی‌توانـد کاری در وقت برسـاند، تأخیر می‌انـدازد و بعـد رسیدگـی می‌کنـد. همـه اینهـا، نشـانه اهتمام اسـت. مـردم وقتـی بدانند نماینـدگان آن‌ها ایـن‌طور عمل می‌کنند، خوشـحال می‌شـوند[۲].

لزوم برخورد جدی و فعال با برنامه‌های پیشرفت و توسعه

برنامـه، جهت‌گیری در همه مسـائل اسـت و اهتمـام لازم دارد مجلس هم اهتمـام ورزید. من می‌دانـم کـه مجلس، وقتی می‌بینـد که نمی‌توانـد کاری در وقت برسـاند، تأخیـر می‌اندازد و بعـد رسیدگـی می‌کند. همه اینها، نشـانه اهتمام اسـت. مـردم وقتی بدانند نماینـدگان آن‌ها ایـن‌طور عمل می‌کنند، خوشـحال می‌شـوند. خوب؛ این مجلس ماسـت[۳].

تهیه سند برای بخش‌های مختلف مثل معدن، صنعت و کشاورزی

یکی از مشـکلات اساسـی ما مسـئله‌ی معدن اسـت. این‌همه معدن ارزشـمند در این کشور وجـود دارد و کـشور از درآمـد اینهـا از منافـع اینها، حـالا نمی‌گویـم صددرصد امّا نـود درصد محروم اسـت. بعضـی از معادن دسـت‌نخورده باقی می‌مانـد، بعضی هم بـدون ارزش افزوده از دسـترس خارج می‌شـود. بـدون اینکه روی ایـن محصول معدن کار بشـود، مـی‌رود بیرون. خب مثلاً حالا معدن؛ برای مسـئله‌ی معدن - یک مسـئله اسـت دیگر در کشور - یک سـند تهیّـه کنید؛ مثلاً سـند مربـوط به معدن، سـند مربوط بـه صنایع آن. حضـرات صنعتی کشور کـه اینجـا جمـع بودند به آن‌هـا من گفتم که سـند صنعتی کشور چیسـت؟ ما در چند سـال

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.

آینـده در مورد صنعـت چـه کار می‌خواهیـم بکنیم؟ آن سـند کلّی‌ای که نشـان بدهـد که ما راهبردمان در مورد صنعت چیسـت، آن سـند کجا اسـت؟ چنین سـندی نداریم. کشاورزی هـم همیـن‌جور. ایـن سـندها باید تهیّه بشـود بـا توجّه بـه امکانات کـشور با توجّه به مسـائل گوناگون، مسـائل آمایش سرزمیـن؛ وقتی آمایش سرزمیـن موردتوجه قرار نمی‌گیـرد، ما آن وقت می‌آییـم؛ مثلاً فلان کارخانه را در یک جایی می‌گذاریم که نباید می‌گذاشـتیم؛ یا فلان کشـت را در فلان نقطـه‌ای کشـت می‌کنیـم کـه نبایـد آنجا ایـن را کشـت می‌کردیم. این‌جور اسـت دیگـر؛ آن وقـت وضع معـدن ما هم بـه آن شـکل در می‌آید؛ بنابراین، مسـئله‌محور شـدن که ایـن سـند هم علمی باشـد هم بـا توجّه بـه آمایش سرزمین باشـد بـا توجّه به امکانـات کشور باشـد، یکی از راه‌های پُرفایده کردن برنامه‌ی پنج‌سـاله اسـت[۱].

مسئله‌محور کردن برنامه‌ی هفتم

برنامـه‌ی هفتـم یعنـی تکلیف پنج سـالِ آینـده‌ی کـشور را معیّن کنیـد؛ برنامـه‌ی هفتم یک سـال هـم عقب‌افتاده دیگـر، یعنی باید پارسـال تمام می‌شـد کـه نشـد. اصلاً در برنامه‌های پنج‌سـاله و بـه تعبیـر رایـج برنامه‌هـای توسـعه - کـه بنده بـا این کلمه‌ی توسـعه هـم خیلی موافـق نیسـتم، امّـا حالا بالاخـره مصطلح اسـت - کلّـی‌گویی فایـده‌ای ندارد. گاهـی اوقات در ایـن برنامه‌های توسـعه یک کلّی‌گویی‌هایی می‌شـود کـه هرگونه اقدامی با هر سـلیقه‌ای را می‌شـود در آن گنجانـد؛ ایـن فایـده‌ای ندارد. برنامه بایسـتی راه را به طور روشـن نشـان بدهد و جلـوی پای دسـتگاه‌های اجرائـی کشور بگذارد، جلـوی پای همه‌ی دسـت‌اندرکاران کشور بایـد بگـذارد. به نظـر ما راهش هم این اسـت کـه برنامه‌ی هفتـم را مسـئله‌محور کنید؛ یعنی یکـی از چیزهـایی که در برنامه‌ی هفتم مهم اسـت، مسـئله‌محور کردن اسـت[۲].

پرهیز از کلی‌گویی در تدوین برنامه‌های پنج‌ساله

کلّـی‌گویی فایـده‌ای نـدارد. گاهـی اوقـات در ایـن برنامه‌هـای توسـعه یـک کلّی‌گویی‌هایی می‌شـود کـه هرگونـه اقدامی بـا هر سـلیقه‌ای را می‌شـود در آن گنجانـد؛ این فایـده‌ای ندارد.

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

برنامـه بایسـتی راه را بـه طور روشـن نشـان بدهـد و جلوی پـای دسـتگاه‌های اجرائـی کشور بگـذارد، جلـوی پـای همـه‌ی دسـت‌اندرکاران کـشور باید بگـذارد به نظـر ما راهـش هم این اسـت که برنامـه‌ی هفتم را مسـئله‌محور کنید؛ یعنی یکـی از چیزهایی کـه در برنامه‌ی هفتم مهم اسـت، مسـئله‌محور کردن اسـت[1].

لزوم اجرایی‌کردن حداقل ۹۰ درصد برنامه هفتم

یک مسـئله، مسـئله‌ی برنامه‌ی هفتم اسـت. شروع برنامه‌ی هفتم تقریباً بـا شروع این مجلس هماهنـگ و هم‌زمان بود؛ این یک فرصت اسـت برنامه‌های قبلی - خـب، این برنامه‌ی هفتم اسـت؛ یعنی چه؟ یعنی قبلش شـش برنامه داشـتیم - حدّاکثر حدوداً ۳۵ درصد تحقّق پیدا کـرده؛ خـب این یعنی چه؟ یعنـی برنامه‌ریزان از دولـت از مجلس - چـون برنامه‌ها را مجلس تصویـب می‌کنـد، دیگـر - بنشینند سـاعت‌ها وقت صـرف کننـد، این‌همه منبع انسـانی و منبـع مالی صرف بشـود، یـک برنامه بیایـد بیرون، بعـد به این برنامه عمل نشـود! شـما بروید تاکسـی بگیریـد، پول زیـادی بدهیـد، خودتان را برسـانید به مطـب دکتر، آنجا یک سـاعت یـا دو سـاعت منتظـر بنشینید تا نوبتتان بشـود، بعـد بروید پیـش دکتر، دکتر یک نسـخه‌ای بنویسـد، شـما هم بیایید بیرون نسـخه را پاره کنیـد بریزید دور! این چقدر عاقلانه اسـت؟[2]

لزوم قانون‌گذاری برای بندبند برنامه هفتم

نبایـد کاری کنیـم کـه برنامـه ۳۵ درصد عمل بشـود، بلکه برنامـه باید ۱۰۰ درصد عمل بشـود. حـالا اگـر مـثلاً یک خـرده کوتاهـی‌ای وجود داشـته باشـد - کـه معمـولاً کوتاهی داریـم - ۹۵ درصـد یـا ۹۰ درصـد باشـد، امّـا برنامـه باید عمـل بشـود. این را شـما دنبـال کنید. حـالا در صحبت‌هـای آقـای قالیبـاف هـم بـود، منتهـا باید جـدّاً اقـدام کنید. برنامـه، برنامه اسـت، احتیـاج دارد بـه قانون؛ اجرای بندبند برنامـه قانون لازم دارد. ببینید هر جا بـرای اجرای برنامه قانـون کـم داریـد و لازم دارید به شـکل صحیحـی ان‌شـاءالله قانون‌گذاری بشـود[3].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

لزوم توجه به شعار سال در اولویت قانون‌گذاری

حالا امسال ما شعار را رفع موانع تولید و پشتیبانی از تولید قرار دادیم که این نکته‌ی مهمّی است. به نظر من تولید، آن محور اساسی اقتصاد در کشور است که اگر ما توانستیم تولید را زنده کنیم، اقتصاد کشور جان خواهد گرفت و رو خواهد آمد. خیلی چیزها به تولید وابسته است. موانع تولید و مانند این‌ها باید برطرف بشود و پشتیبانی از تولید باید انجام بگیرد؛ این را در برنامه بگذارید[۱].

لزوم تبیین رسانه‌ای قوانین

یک توصیه‌ی دیگر ما مسئله‌ی تبیین رسانه‌ای است؛ حالا شما می‌گویید: رسانه‌ی ملّی، خیلی خب رسانه‌ی ملّی یک وظیفه‌ای دارد، گاهی می‌کند، گاهی هم ممکن است نکند؛ اما خود شما هم وظیفه دارید. شما یک قانونی تنظیم می‌کنید، روی آن کار می‌کنید، مطالعه می‌کنید با سروصدا و هیاهو تصویب می‌کنید؛ اما به مردم توضیح نمی‌دهید که این قانون چیست و چرا تصویب شده. خب، وقتی توضیح نمی‌دهید، یک عدّه‌ای فرصت پیدا می‌کنند علیه آن قانون بنا کنند جوسازی کردن، هیاهوکردن و شما را از تصویب این قانون پشیمان کنند؛ این است دیگر؛ بنابراین تبیین رسانه‌ای قوانین هم یکی از کارهایی است که خود شما مجلس بایستی انجام بدهید[۲].

لازم است همین آمارها به اطّلاع مردم برسد و در دل آن‌ها این اطمینان و آرامش به وجود آید که نمایندگانشان دلسوزانه در پی حلّ مشکلات آن‌ها هستند؛ بنابراین، گفتن این چیزها را لازم بدانید و در ارائه این گزارش‌ها به مردم امساک نکنید؛ این برای فضای جامعه و آرامش دل‌های مردم بسیار مؤثّر و مفید است[۳].

---

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

نفوذ نداشتن افراد و دستگاه‌های مختلف در تدوین قانون

قانـون تحت‌تأثیـر نفـوذ ایـن و آن هـم نبایـد قـرار بگیـرد. مـا در مجالـس قانون‌گـذاری دنیا شـنیدیم - شـاید حالا یک مواردی هـم در بین خودمان دیده شـده اسـت، نمی‌توانیم به‌کلی بگوییـم نبـوده اسـت - کـه گاهـی بـرای اینکه منفعـت یک کسـی یا یـک کسـان معدودی تأمیـن بشـود با عجلـه‌ی تمام یـک قانونی در یک مجلسـی از مجالس دنیا گذشـته اسـت و بعد که آن غرض حاصل شـده اسـت به فاصلـه‌ی مدت کوتاهی - چند ماه - آن قانون نسـخ شـده! از ایـن قبیل موارد داشـته‌ایم.

خیلـی بایسـتی مراقبـت کـرد کـه قانون تحـت نفـوذ افـراد متنفذ قـرار نگیـرد. این کـه گفته می‌شـود کـه در جمهوری اسلامی خوب اسـت نماینـدگان محترم در تبلیغـات و در تلاش‌ها و فعالیت‌هـای انتخاباتی‌شـان کمـک مالـی از بعضـی از مراکـز دارای طمع قبـول نکنند به خاطـر ایـن اسـت؛ چون بالاخـره کمک‌کـردن با طمع، مشـکلات ایـن‌جوری را به دنبال سـر مـی‌آورد. نماینـده‌ی مجلـس ایـن اسـتقلال را که قانون اساسـی به او داده اسـت، خـدا به او داده اسـت، ایـن قـدرت تصمیم‌گیـری و انتخـاب را خیلـی بایـد اهمیـت بدهـد؛ این چیز مهمـی اسـت، چیـز بزرگی اسـت، این را نمی‌شـود بـا چیزهـای کوچک معاملـه کرد.[۱]

عمـده این اسـت که قانـون نباید آلت دسـت صاحبـانِ زروزور باشـد؛ این مهم اسـت؛ آلت دسـت آن‌ها نباشـد. حـالا یک‌وقت یـک قانونی شـما وضع می‌کنیـد که اگر فـرض بفرمایید کسـی نردبـان گذاشـت به دیـوار خانه‌ی کسـی و بـالا رفـت، قانونش این اسـت کـه این‌جور مجـازات بشـود؛ فرقـی نمی‌کند کـه نردبان را به خانـه‌ی چه کسـی بگذارد؛ فقیر باشـد، غنی باشـد، بالاشهری باشـد، پایین‌شـهری باشـد، تفاوتی نمی‌کند، همه از این قانون سود می‌برند. قانـون برای همه اسـت منتهـا یک جا یک اولویت‌هـایی وجود دارد؛ نباید اجـازه داد قانون در اختیار کسـانی قرار بگیرد کـه از زروزور اسـتفاده می‌کنند[۲].

قانون‌گـذاری ناظر به منافع اشـخاص، یکی از آفات قانون‌گذاری اسـت که قانون ناظر باشـد

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

به منافع فلان قشر یا فلان شخص یا فلان مجموعه؛ این‌ها آفات قانون است که باید مراقبت کرد[۱].

پرهیز از وضع قوانین زمینه‌ساز فساد

از قوانینی که زمینه‌ساز فساد است جلوگیری کنید، یعنی به‌دقت مراقب باشید. یکی از چیزهایی که حالا این مخصوص مجلس ما نیست - البتّه گاهی در مجلس ما هم اتّفاق افتاده؛ چند باری بنده در این سال‌ها یادم هست - امّا در مجالس دنیا معمول است، این است که یک قانونی را تصویب می‌کنند و ده روز دیگر نسخ می‌کنند؛ در این ده روز، افرادی به میلیاردها می‌رسند! قانون فسادانگیز. یعنی این قانون جوری است که فرض کنید فروش یک چیزی را منع می‌کنند، ورود یک چیزی را یا صدور یک چیزی را منع می‌کنند، آن کسی که باید استفاده‌ی خودش را بکند از این منع استفاده می‌کند، بعد ده روز دیگر آزاد می‌کنند؛ افراد یک‌شبه به میلیاردها می‌رسند این قانون فسادانگیز است ازاین‌قبیل قوانین وجود دارد؛ مراقب باشید قانونی که گذاشته می‌شود، ضدفساد باشد[۲].

ویژگی‌ها و خصوصیات نمایندگان مجلس

هر مجلس جدید می‌تواند درخششی تازه در افق روشن کشور پدید آورد و بر امید و انگیزه‌ی ملّت بیفزاید. ترکیب نمایندگان تازه‌نفَس با منتخبان کارآزموده و مجرّب، این پیام را می‌رساند که خانه‌ی ملّت با بهره‌گیری از اختیاراتش در قانون اساسی و با التزام به مسئولیّت سنگینش در جمع ارکان کشور، خواهد توانست روزآمدی و نوآوری را با پختگی و سنجیدگی همراه کند و قانون‌گذاری و نظارت را از تلاطم و آشفتگی و نیز از رکود و سکون دور نگه دارد[۳].

مردم همیشه طرف‌دار نمایندگانی با ایمان، خدمتگزار، عدالت‌خواه، امین و تلاش‌گر در

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳/۰۳/۰۶.

راه عـزت و اسـتقلال کشورنـد و در هـر دوره کسـانی را کـه دارای ایـن ویژگی‌ها دانسـته‌اند به نمایندگـی برگزیده‌انـد. بـه اعتمـاد مـردم ارج نهیـد و از ایـن ویژگی‌ها در مجلس، پاسـداری کنید[۱].

بیـن مجلـس شورای اسلامی و آحـاد نمایندگان، فرق هسـت. یعنی اگر مـا از مجلس شورای اسلامـی سـتایش می‌کنیـم - کـه جای سـتایش هـم دارد - ایـن بدیـن معنا نیسـت که این سـتایش‌ها، مـالِ همـه اعضـا و نماینـدگان مجلـس اسـت. نماینـده، بایدهـا و نبایدهـایی دارد. بعضـی نماینـدگان بـه این بایدهـا و نبایدها، خیلـی پایبندند و بعضی به طور متوّسـط پایبندنـد. شـاید بعضی هـم، خدای‌ناکرده، کمتـر پایبند باشـند. این بایدهـا و نبایدها را در امـر نمایندگـی باید در نظـر گرفت[۲].

نگه‌داشـتن این نظـام، تلاش مخلصانه لازم دارد. ایـن تلاش مخلصانه، در هرکـس به‌گونه‌ای اسـت. یـک بخـش از ایـن تلاش مخلصانـه کـه خیلـی هـم مهـم اسـت، مربـوط بـه نیروی قانون‌گـذاری اسـت. بایـد بـا اخلاص وارد شـد و ایـن بخـش را تأمین کـرد. امروز، ایـن بار بر دوش شماسـت. دیروز بـر دوش دیگـران بـود، فـردا هم بـر دوش دیگرانـی دیگر خواهـد بود. امروز در ایـن لحظـه، شـما مخاطبیـد. ببینید چگونـه عمل خواهیـد کرد. مصالـح جامعه را رعایـت کنیـد. اولویت‌هـا را رعایـت کنیـد. از اوقات مجلـس، حداکثـر اسـتفاده را بکنید[۳].

عمـل پاکیـزه و نیکـو و عدم مسـابقه در احـراز این یـا آن جایـگاه، موضع‌گیری‌هـای انقلابی در حـوادث مهـمّ جهانـی و داخلـی، اهتمام بـه مرکز پژوهش‌هـا و دیوان محاسـبات، صدور آرامـش و اطمینـان بـه افـکار عمومـی کـشور در نطق‌هـا، تعامـل برادرانـه بـا قـوای مجریّه و قضائیّـه، نسـخ قوانیـن زائـد و مزاحـم و اجتنـاب از تکثّـر و تراکم قوانیـن، توصیه‌هـای دیگر اینجانـب به شـما نمایندگان ملّت اسـت. مطمئنّم که رعایت این سـرفصل‌ها بـه ملّت ایران ثابـت خواهـد کرد کـه انتخاب آنان درسـت بوده اسـت و میل به حـضور در انتخابـات را در

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

آنـان افزایـش خواهـد داد. تقوا و تـوکّل و اعتمـاد به خـدا را سـرمایه بی‌پایان خـود بدانید و با قـدرت و جدّیّـت حرکت کنیـد، خدا یارتـان باد[۱].

همچنیـن نماینـدگان محتـرم را بـه اهمیـت‌دادن به‌وقـت مجلـس و کمیسیون‌هـای آن و جلوگیـری از هدررفتـن حتـی یـک دقیقـه از آن و اجتنـاب از غیبت‌هـای ناموجـه، توصیـه می‌کنـم و نیـز به اسـتفاده از اطلاعات کارشناسـانه در کمیسیون‌هـا و بخش‌های مختلف و دقـت و مطالعـه بـر روی لوایـح و طرح‌هایی که تقدیم مجلس شـده اسـت و شـرکت حتمی در رأی‌گیـری و رأی‌دادن بـر طبـق صلاح کـشور و در چهارچـوب احـکام نورانـی اسلام و سـنجیده‌گویی در همـه‌ی اظهاراتـی کـه از بلندگـوی مجلس منتشـر می‌شـود[۲].

نقش حقیقی نمایندگان در اداره و هدایت کشور

مجلـس در نظـام اسلامـی دارای نقشـی حقیقـی در اداره و هدایـت کـشور اسـت و درسـت ایفاکـردن ایـن نقش تأثیر عمیـق و تعیین‌کننده‌ای در سرنوشـت و مسیـر و جهت‌گیری‌های اصلـی کشور به‌جـای می‌گذارد. بر عهده‌ی یکایـک نمایندگان محترم اسـت که مجلس را بر ادای چنیـن وظیفـه‌ای قادر سـازند و حـضور و تصمیم‌گیری‌های خود را بـا توجه به این نقش حسـاس و تعیین‌کننده، تنظیـم نمایند[۳].

نماینده مردم بودن نمایندگان به‌صورت حقیقی

امروز مجلـس، مجلـسِ این مردم اسـت. نمایندگان، حقیقـتاً نماینـدگان مردم‌اند. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که در این مجلس، کسـانی وجود داشـته باشـند که نخواهند احکام اسلامی در این کشور مسـتقر و پیاده شـود. من چنین گمانـی نمی‌کنم.[۴]

مبـادا کسـی خیـال کند که حـالا ما در مجلس بـه این امـر بپردازیم یـا نپردازیـم در امر کشور

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۳/۰۷.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵۱/۰۳/۱۱.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

چـه تأثیـری دارد؟ نـه آقـا، مجموعـه همیـن رفتارهاسـت که منـش کلّـی مجلس را بـه وجود مـی‌آورد و منـش کلّی مجلـس، حرکت کـشور را به سـمت اهـداف والای آن تنظیـم می‌کند. خـب؛ این‌هـا خصوصیّاتی اسـت کـه به خاطرشـان باید خـدا را شـکر کنیم. شـما عزیزان و مسـئولین مجلـس هـم، باید نسـبت به آن‌هـا سپاسـگزار باشیـد و از آن‌ها تقدیـر کنید.

نکتـه دیگر این اسـت که بیـن مجلس شورای اسلامـی و آحاد نمایندگان، فرق هسـت. یعنی اگـر مـا از مجلس شورای اسلامی سـتایش می‌کنیم - که جای سـتایش هـم دارد - این بدین معنا نیسـت که این سـتایش‌ها، مالِ همه اعضا و نمایندگان مجلس اسـت. نماینده، بایدها و نبایدهـایی دارد. بعضـی نماینـدگان به این بایدهـا و نبایدها، خیلی پایبندنـد و بعضی به طور متوّسـط پایبندنـد. شـاید بعضی هـم، خدای‌ناکرده، کمتر پایبند باشـند. ایـن بایدها و نبایدهـا را در امر نمایندگی بایـد در نظر گرفت[1].

تعریف سازوکاری برای حرکت در جهت صحیح و مسیر رشد و کارایی بیشتر

مـا به ایـن قانع نیسـتیم که مجلـس شورای اسلامی داریم. تقریباً بیسـت و پنج سـال اسـت کـه مجلس شورای اسلامـی داریم. ما باید سـازوکاری پیدا و دنبال کنیم کـه مجلس روزبه‌روز در همیـن جهـتِ صحیـح و به سـمت اهداف رشـد کنـد و پیـش برود؛ کارایی و تأثیرش در کـشور زیاد شـود تـا بتواند به‌طور واقعـی اثرگذاری کند و حرکـت کلی کشور را بـا ایجاد قوانین و بـا نظارت‌هـای بجا و بـا موضع‌گیری‌هـای درسـت، روزبـه‌روز پیشـرفته‌تر و متعالی‌تر کند؛ بخصـوص که دشـمنان نظام اسلامی همـواره یک مجلس بی نقش را خواسـته‌اند؛ مجلسـی کـه تأثیری نداشـته باشـد یا تأثیر منفی داشـته باشـد. نخیـر، مجلس بایـد اثرگـذار، پُررنگ، فعـال و دارای نقـش باشـد؛ همـه‌ی تلاش بایـد دنبال این باشـد. به ایـن هم قانع نیسـتیم و کافـی نمی‌دانیـم کـه بگوییم ما هـم مثل کشورهـایی که نام دمکراسـی را به دوش می‌کشـند، پارلمـان داریـم؛ نـه، آن پارلمان‌هـا در کنـار نقاط قوّتی کـه احیاناً دارنـد - و لابـد دارند؛ هیچ مرکـزی بدون نقطـه‌ی قوّت و نقطه‌ی ضعف نیسـت - نقاط ضعف اساسـی‌ای هم دارند؛ ما

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.

بایـد از نقاط ضعف اساسـی آن‌ها پرهیـز کنیم[۱].

لزوم استفاده از همه ظرفیت‌های مجلس برای موفقیت بیشتر

نکتـه‌ای کـه بسیـار مهم اسـت، ایـن اسـت کـه از همـه‌ی ظرفیـتِ کاری مجلس اسـتفاده کنیـد. اگر قرار باشـد یـک روز دسـتگاهی بخواهد موفق‌تریـن مجلس ایـران را در دوره‌ی بعد از انـقلاب ارزیـابی کند، بلاشـک موفق‌ترین مجلس، مجلسـی اسـت کـه توانسـته از همه‌ی ظرفیـتِ کاری خـود اسـتفاده کند. ظرفیـت قانون‌گـذاری، یکـی از ظرفیت‌هـای بسیار مهم اسـت. ابزارهای نظارت در دسـت شـما قرار دارد. دیوان محاسـبات را دسـت‌کم نگیرید. من در مجالـس قبلـی مکرر به مسـئولان و دسـت‌اندرکاران می‌گفتـم دیوان محاسـبات را خیلی جـدی بگیریـد؛ این ابزار بسیار مهمی اسـت. به شـما هـم این نکتـه را عرض می‌کنـم. البته بعضـی گـوش کردنـد، بعضـی هـم گـوش نکردند؛ اما شـما گـوش کنیـد. دیوان محاسـبات خیلـی مهـم اسـت. بودجه‌ی عظیـم این ملت، تنهـا درآمد عمـده‌ی عمومی ملت اسـت که در اختیـار دسـتگاه‌ها قـرار می‌گیرد؛ باید مشـخص باشـد که ایـن بودجه چگونه خرج شـد. مسـئله‌ی تفریـغ بودجه و تشـخیص صحت‌وسـقم کاری که انجـام گرفته، یکـی از مهم‌ترین ابزارهـای نظارتی شماسـت؛ از این غفلـت نکنید[۲].

تقویت بصیرت خود برای اثرگذاری بیشتر

اگـر دشـمن بخواهد بـرای تحقق آرزوی بزرگ خود - که ریشـه‌کنی جمـهوری اسلامی و پایین آوردن پرچـم اسلام از قله‌ی این کشور اسـت - طراحی کند، طبیعـتاً طراحی، اجزا و مقدماتی دارد. ایجـاد اخـتلاف، ایجاد بی‌ایمانی، ایجاد مشـکلات بـرای مردم، عمیق کـردن فاصله‌ی طبقاتی، ترویج فسـاد، بدبین کردن مردم به مسـئولان و دسـتگاه‌های ضابـط و انضباط‌بخش را از حیثیـت انداختـن - مثـل از حیثیـت انداختـن قـوه‌ی قضاییـه، از حیثیـت انداختـن شورای نگهبـان از حیثیـت انداختن مجلـس از حیثیـت انداختن دسـتگاه‌های گوناگون - همـه جزو اجزاء این‌هاسـت، بعضی‌ها به این بخـش کمک می‌کنند، بـدون این‌که به ارتباط

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.

ایـن بخـش با دیگـران توجه کنند؛ این بـر اثر عدم بصیرت اسـت. ما بارها عـرض کرده‌ایم که امیرالمؤمنیـن در جنـگ صفین - شـاید این جمله را دربـاره‌ی عمار هم فرموده باشـد - مکرر ایـن جملـه را می‌فرمود: «و لا یحمل هذا العلـم الّا اهل البصر والصّبر» چـه عبارت زیبایی هم هسـت؛ حروف بصـر و صبـر یکی اسـت، ترکیبش دوتاسـت؛ و چـه زیبا! فقط اهـل بصیرت و پایـداری می‌تواننـد این پرچـم را بردارند. بصیرت را بایـد در خودمان تقویـت کنیم. اگر این معنا حاصل شـود و شـما به عنوان نمایندگان مـردم در مجلس شورای اسلامـی - که جایگاه و موقعیت مهمی در روشـنگری مردم نسـبت به نقشـه‌های دشـمن دارید - اثرگـذاری کنید، بسیـاری از این خلأها و تاریکی‌ها و غبارها برطرف خواهد شـد. یک مسـئله‌ی عملی‌اش هم این اسـت که داخل مجلس و سـر قضایای سیاسـی - و الان هم انتخابات ریاست‌جمهوری - اخـتلاف و تشـنج و دعـوا و درگیـری پیش نیاید؛ یک عـده طرف‌دار یک نفـر، یک عده هم طـرف‌دار یـک نفر دیگر طـرف‌داری، حق هر کسـی اسـت؛ منتهـا نباید تخریـب و اهانت و تحریـک کـرد. گاهـی اوقات انسـان بـه نحـوی از محبـوب و مطلوبِ خـود دفـاع می‌کند که تحریک‌کننـده‌ی دیگـران اسـت؛ دیگـران را وادار به تخریـب و عکس‌العمل می‌کنـد. این‌ها چیزهـای مهمـی اسـت و بایـد رعایت کـرد. البته از افـرادی که در سـطوح دیگری هسـتند و این‌همه مسـئولیت بر دوش آن‌ها نیسـت، نمی‌شـود خیلی توقع داشـت؛ اما از مسـئولان چرا. به‌هرحـال حفظ فضای وحدت، حفـظ فضای محبت، حفظ فضای همـکاری و همدلی در مجلـس، جزو اولویت‌های قطعی مجلس اسـت[۱].

الزامات معرفتی و اخلاقی نمایندگان

توجه به یاد خدا در امر قانون‌گذاری

قانـون را بایـد به‌سلامـت، با طهـارت، به نام خـدا، برای خدا، بایـد این‌جوری قانون را نوشـت کـه اگـر ایـن‌طور شـد، آن وقت برکـت پیدا می‌کنـد. قانـون اگر ایـن‌جور با ایـن ملاحظات و

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

با نیّت خوب نوشته بشود و تصویب بشود، واقعاً برکت پیدا می‌کند، دیگر دولت‌ها هم ناچار می‌شوند عمل کنند[۱].

بعد هم خدا را در نظرداشتن، خود را در محضر خدا دیدن. امام رضوان‌الله علیه با همان بیان مختصر گفتند: «عالم محضر خدا است». حضر «یعنی محلّ حضور». همه‌ی این عالم وجود، محلّ حضور خدای متعال است. الان که من و شما داریم حرف می‌زنیم در محضر الهی داریم حرف می‌زنیم؛ بدانیم چه داریم می‌گوییم، رضای خدا را در نظر بگیریم، آنچه خدای متعال از ما خواسته و موجب رضای الهی است، آن را در نظر بگیریم؛ انقلابی‌گری این‌ها است[۲].

توجه به انجام تکلیف و مسئولیت الهی

حادثه‌ای پیش پای ماست و تکلیفی هم در مورد آن حادثه هست، هیچ جا هم تکلیف مبهم نیست نمی‌شود گفت که من در این قضیه، تکلیف خود را نمی‌دانم در شریعتِ «سمحه سهله»، اگر تکلیف‌ها ناپیدا و مبهم و معضل باشد، خلاف حکمت است و چنین چیزی هم نیست. یا بیّن‌الرشد است که باید انجام داد و یا بیّن‌الغی است که باید اجتناب کرد و یا مشتبه است که میدان باز است و در موارد مشتبه، گاهی جای آن است که انسان بگوید من تکلیف ندارم. گاهی به خاطر اهمیت قضیه، جای آن است که انسان هر چند تکلیف را نمی‌داند، ولی مثل مکلّف عمل کند. هیچ جا مبهم نیست. آن جایی هم که موضوع مبهم می‌نماید، حکم روشن است. شارع مقدّس نگذاشته است که مکلّفان در فهمیدن تکلیف شرعی خودشان، دچار تردید و تزلزل و ریب شوند. ریبی وجود ندارد[۳].

تقسیم‌بندی جناح‌ها به چپ و راست و مدرن و سنّتی و غیره، حرف است. این‌ها حقایق نیست. حقیقت عبارت است از آن تکلیف و مسئولیتی که شما دارید. آن مهم است. آن

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

چیزی است که گریبان ما را می‌گیرد، آن چیزی است که ما را به پاسخگویی در مقابل خدا وادار می‌کند[۱].

ما در جمهوری اسلامی به عنوان کسانی که متصدّی و متعهّد یک تکلیف و وظیفه هستیم، چه تکلیفی داریم؟ این‌که می‌گویم ما متعهّد و موظّفیم به خاطر این است که جمهوری اسلامی بر اساس یک فکر، یک آرمان و یک هدف بزرگ و والا و مقدّس به وجود آمده است و کسانی که معتقد به نظام جمهوری اسلامی و پیام انقلاب هستند، فکر نمی‌کنم از این معنا تخلّفی داشته باشند. ما فکر می‌کنیم یک وظیفه و تکلیف الهی و مسئولیت خدایی را انجام می‌دهیم، به همین دلیل است که بنده معتقدم اگر مسئولان - چه شما که در مجلسید و چه آن‌هایی که در دستگاه‌های اجرایی کشورند - کاری را که بر عهده آن‌هاست، انجام دهند، ثوابش پیش خدای متعال از بسیاری از عبادات بالاتر است؛ چون این بنا برای اعلای کلمه حق و احیای کلمه توحید ساخته شده است. ما به عنوان کسانی که در این مجموعه چنین وظیفه‌ای داریم و این مسئولیت را احساس می‌کنیم در مقابل این سیل جهانی باید مقاومت کنیم. البته واقعیت جهانی‌سازی هم یکی از بخش‌های مهم و بارز همین سیل است. فعلاً مسئله اقتصاد مطرح است؛ اما گفته و ناگفته، نوشته و نانوشته، جهانی‌سازی در زمینه سیاست و فرهنگ هم حتماً وجود دارد و عمل می‌شود. آیا در مقابل این سیل می‌شود مقاومت کرد؟ ما معتقدیم بله، می‌شود مقاومت کرد؛ این وظیفه اصلی ماست.

مقاومت، تنها با استحکام بخشیدن به بنیان‌ها صورت می‌گیرد. هر سیل بنیان‌کنی وقتی به یک صخره استوار برسد، نمی‌تواند در آن اثر بگذارد. ما باید خود را استوار و مستحکم کنیم و بنیان‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را استحکام ببخشیم. هر کاری که در جهت استحکام بخشیدن باشد، مقدّس و خوب و مورد اجر و ثواب الهی است. هر چیزی که در جهت متزلزل کردن این پایه‌ها و بنیان‌ها باشد، بد است؛ این دیگر ربطی به جناح و حزب و گروه و تشکیلات ندارد. به نظر من معیار و ملاک، این است.

---

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

برای این‌که ما بنیان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را مستحکم کنیم، پیش‌نیاز اوّلی قطعی ما، ایجاد وفاق و وحدت کلمه است. برای وفاق باید همه تلاش کنند. معنای وفاق این نیست که گروه‌ها و تشکیلات و جناح‌های گوناگون اعلام انحلال کنند؛ نه، هیچ لزومی ندارد. معنای وفاق این است که نسبت به هم خوش‌بین باشند؛ «رحماء بینهم» باشند؛ همدیگر را تحمّل کنند؛ در جهت ترسیم هدف‌های والا و عالی و برای رسیدن به آن‌ها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنّج، بداخلاقی، درگیری، اهانت و متهم‌کردن بپرهیزند. امروز به نظر من وظیفه ما این است[1].

انجام تکلیف با درخواست از خداوند، تلاش، استغاثه و طلب کمک از خدا

کمک الهی یک امر تصادفی و غیرمنطقی و بی‌محاسبه نیست؛ کمک الهی هم مترتب بر این است که انسان از خدا بخواهد، تلاش کند، استغاثه کند و او را به کمک بطلبد. پیامبر بزرگوار ما - که این روزها به نام آن بزرگوار مزیّن است و ایام ولادت با سعادت اوست و برای همه مؤمنین و برای همه مسلمانان اسوه است - در هنگامه‌های سخت، ملاحظه نمی‌کرد که تضرّع او پیش خدا و کمک خواستن او از خدا ممکن است در ذهن مخاطبان و شاهدان و ناظران، این تأثیر را بگذارد که او به‌خودی‌خود ناتوان است. به‌صراحت می‌گفت من به‌خودی‌خود ناتوانم و بدون کمک خدا از من کاری برنمی‌آید. در جنگ احزاب در حالی که همه دشمنان از اطراف، مدینه و پیامبر و گروه مؤمنین را محاصره کرده بودند با این نیّت که اسلام و قرآن و پیام جدید را به‌کلّی از بیخ‌وبن بکَنند، پیامبر اکرم در کنار آرایش نظامی در کنار تدابیر بسیار هوشمندانه‌ای که در آنجا به کار برد در کنار تحریض مردم بر مقاومت در مقابل چشم مردم بر زمین زانو گذارد! بارها این کار تکرار شد که در کتاب‌های سیره هست. پیامبر دستش را بلند می‌کرد، تضرّع می‌کرد، اشک می‌ریخت و می‌گفت: پروردگارا! به ما کمک کن و نصرتت را به ما برسان و به ما توفیق بده.

بدون کمک الهی نمی‌توانیم کاری انجام دهیم؛ و کمک و رحمت الهی جز با توجّه و

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

توسّـل بـه او، جز با شستشـوی دل، جز با خالص کـردن نیّت، جز با کنارگذاشـتن هدف‌های حقیـر و کوچـک شـخصی میسّـر نخواهد بـود؛ و این انـقلاب با ایـن روحیه و بـا این حالت پیروز شـد؛ و ایـن مجلس شورای اسلامی - کـه افتخاری برای نظام جمـهوری اسلامی و برگ زرّینـی بر شناسـنامه انـقلاب و نظام ماسـت - با این ترتیـب پیش آمد[۱].

انجام شکر الهی به‌خاطرداشتن مسئولیت و خدمت به اسلام و مردم

نماینـدگان مجلـس شورای اسلامـی بایـد این عنـوان بزرگ را قدر دانسـته با همـه‌ی وجود به وظایف آن قیام کنند[۲]. شـکر نعمت نمایندگی در آن اسـت که قدر آن دانسـته شود و نماینده در همـه‌ی ایـن دوران، همه‌ی تـوان و ظرفیت خـود را در خدمت آن قرار دهد سرگرم‌شـدن به هـر کاری کـه در ایـن وظیفه خلل وارد آورد، ناروا و ناسپاسـی اسـت. حضور کامـل در همه‌ی جلسـات عام و خاص مجلس، لازمـه‌ی حتمی این وظیفه‌گزاری اسـت[۳].

اولیـن مطلبـی کـه هر مسـئولی در نظـام اسلامی مناسـب اسـت که در ذهن داشـته باشـد، شـکر خداوند متعال به‌خاطر این مسـئولیت بزرگ اسـت. این‌طور نیسـت که هر وقت انسان بخواهـد در خدمـت مـردم در خدمـت اسلام و در خدمت هدف‌هـای عالی قـرار گیرد، این کار برایـش میسّـر باشـد زمان‌هـا و شـرایط مختلـف اسـت و امکانات همیشـه در دسـترس نیسـت. این شـرف بزرگی برای یک انسـان مؤمن و متعهّد اسـت که احسـاس کند در جایی قـرار گرفتـه کـه می‌تواند بـرای مردم، بـرای کشور، بـرای اسلام، بـرای هدف‌هـای والایی که در عظمـت آن‌ها تردیدی نیسـت، تلاشـی کند، زحمتی بکشـد و قدمـی بردارد[۴].

غفلت‌نورزیدن از وظیفه خدمتگزاری، شرط الزامی شکرگزاری

نمایندگـی در مجلـس، حـضور در عرصه‌ی خدمتگـزاری به مردم اسـت. این توفیـق بزرگ را عطیـه‌ای الهـی بدانید و خداوند را بر آن شـکر گزارید و به شـرط الزامی آن کـه غفلت‌نورزیدن

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.
۲. پیام به مناسبت پایان دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۰۶.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.
۴. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

از وظیفـه‌ی خدمتگـزاری اسـت پایبنـد بمانیـد. مجلـس را حقیقـتاً - و نه‌تنهـا در زبـان - خانه‌ی مـردم بدانید[۱].

لزوم افزایش معرفت و ایمان و کسب قدرت معنوی در برابر دشمنان

مشـکل دنیـا، مواجه‌شـدن بـا دعـوت دیـن اسـت. دنیـا کـه عـرض می‌کنیـم، مـراد، همین دسـتگاه‌های اداره‌کننـده‌ی دنیاسـت؛ این‌هـا کسـانی هسـتند کـه قوامشـان، هویتشـان بر اسـاس غارت انسـان‌ها، ضربه‌ی به انسـانیت، ضربه‌ی به ارزش‌های انسـانی، بـرای تمتعات مـادی اسـت. فرعون‌هـای تاریـخ را شـنیده‌اید، دیده‌اید. خـب، فرعون‌های تاریـخ در مقابل ارزش‌هـای انسـانی قـرار دارنـد؛ دنیـا دسـت این‌هاسـت. در مقابلـه‌ی بـا اینها، شـما وقتی کـه یـک دسـتگاه مدیریتـی و حکومتی به وجـود می‌آوریـد که داعیـه‌ی آن عبارت اسـت از گرایـش بـه معنویت، دفاع از ارزش‌های انسـانی، دفـاع از ارزش‌های الهی - کـه روح و معنای ارزش‌های انسـانی هم همین اسـت - طبیعی اسـت که یک معارضه‌هایی دارد. خب، در راه ایـن معارضـه، بایـد به یک قدرتـی متکی بود. ایـن قدرت، قـدرت سلاح مـادی و بمب اتم و این‌هـا نیسـت؛ این قدرت، یـک قدرت معنوی اسـت؛ اتکا به خداسـت؛ این اسـاس قضیه اسـت. من و شـما - بنده بیشـتر از شـما - محتاجیم به این که نیتمان را، دلمان را، هدفمان را بیش‌ازپیش خدایی کنیم. اگر این شـد، مشـکلات حل خواهد شـد؛ اگر این شـد، ما پیش خواهیـم رفـت؛ اگر این شـد، دشـمن از غلبـه‌ی بر مـا ناامید خواهـد شـد. محدودیت‌های دشـمن زیاد اسـت؛ این‌ها بحث‌هـای طولانی مفصلی دارد که جایش اینجا نیسـت، و شـما هم بحمدالله همه از سـطوح بالای فکر و اندیشـه و سـواد و علم برخوردارید؛ می‌توانید مسـائل را کاملاً بدانیـد و تحلیـل کنید. واقع قضیه این اسـت؛ اگر انسـان در این نظام الهی توانسـت رابطـه‌ی خـودش با خدا را مسـتحکم کند، به هر نسـبتی کـه در این راه پیش برویم، بلاشـک در مقابلـه‌ی بـا دشـمن، موفقیت‌هایمان زیاد خواهد شـد؛ موانع برداشـته خواهد شـد؛ این را بایـد در نظر گرفـت. البته در هر سِـمتی در هر کاری در هـر مأموریتی، یـک اقتضائاتی وجود دارد؛ مجلـس هـم طبـعاً اقتضائاتـی دارد؛ در دولـت که باشیـد، اقتضائات دیگـری دارد؛ در

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.

دستگاه‌های گوناگون دیگر یا در خارج از دستگاه‌های حاکمیتی که باشید، اقتضائات دیگری وجود دارد. هدف باید این باشد: برای خدا کار کنیم. بسیاری از اشکالاتی که امروز به ما می‌گیرند - که خیلی‌اش هم بر ما وارد است - اگر چنانچه این نیت را، این جهت‌گیری را درست کردیم، این اشکالات به‌خودی‌خود برطرف خواهد شد[1].

لزوم تقویت بنیه معرفتی نمایندگان با جلسات اخلاقی و معرفتی

در کنار این (جنبه نظری قانون‌گذاری)، آن جنبه‌ی عملی و خارجی قضیه هم مورد توجه آقایان باشد. یعنی شما که می‌خواهید رعایت اخلاق اسلامی را در قوانینتان مورد توجه قرار بدهید، خوب است که عملاً هم جلسات اخلاقی و معرفتی داشته باشید. انسان خالی می‌شود. در بحبوحه‌ی کار، انسان تهی می‌شود. یک مقداری باید در وسط این گرماگرمِ کارهای اجرائی، آسمانی شد، خدائی شد، بالا رفت، سبک شد و دوباره برگشت بنده یک‌وقتی مثال می‌زدم به این آبی که از آسمان می‌آید پاکیزه و طاهر و طیب، بعد توی این استخرها و توی این دریاها و دریاچه‌ها آلوده می‌شود؛ بعد از آلوده‌شدن، باز تبخیر می‌شود، می‌رود بالا؛ دوباره پاکیزه می‌شود، برمی‌گردد برویم بالا و پاکیزه شویم و برگردیم من و شما خیلی احتیاج داریم.

ما از دورانی که در قم بودیم، یک رفیقی داشتیم که از لحاظ معنوی خیلی من به او دلبستگی داشتم؛ از جلسات ایشان - جلسات دوستانه دونفری، سه‌نفری که می‌نشستیم با هم گعده‌های طلبگی می‌کردیم - من خیلی بهره می‌بردم؛ از معنویات او از خلقیات او از گفتارها و رفتارهای معرفتی او. ایشان را سال‌ها ندیده بودیم؛ چون رفته بود نجف و ما هم که اینجاها مشغول بودیم، سرگرم بودیم. بعد از آنکه من رئیس‌جمهور شده بودم، ایشان به ایران آمده بود. یک وقت تصادفاً ایشان را دیدم، گفتم رفیق! من الان به تو احتیاجم بیشتر از آن وقت است. من حالا رئیس‌جمهورم؛ آن وقت یک طلبه‌ی معمولی بودم. قرار گذاشتیم که هر هفته‌ای، دوهفته‌ای یک‌بار بیاید پیش ما؛ و همین‌جور هم بود تا از دنیا رفت؛ رحمة الله علیهما نیاز داریم. هر کدام مسئولیتمان بیشتر است، نیازمان بیشتر

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.

اسـت. «آنان کـه غنی‌ترنـد، محتاج‌ترند» به این جلسـات اخلاقـی به این جلسـات معنوی[۱].

لزوم افزایش تضرع و توسل با افزایش مسئولیت

آخریـن عرایـض من عبارت اسـت از اینکـه بـرادران عزیز، خواهران عزیز! شـماها مسـئولید؛ هر چه مسـئولیّت انسـان بیشـتر می‌شـود، تضرّعش و توسّـلش به درگاه پروردگار باید بیشـتر بشـود. عبادت را، تضرّع را، دعا را، توسّـل بـه درگاه الهی را، تلاوت قـرآن را فراموش نکنید؛ این جزو کارهـای واجـب و لازم اسـت، ایـن به شـما کمک خواهد کـرد، این شـما را پیش خدای متعـال و پیـش بنـدگان خـدا روسـفید خواهـد کـرد. از خـدای متعال کمـک بخواهیـد، به خـدای متعال توسّـل کنیـد، ائمه هدی علیهم‌السلام را شـفیع قـرار بدهید از طریـق ائمّه از خدای متعال درخواسـت کنیـد، بخواهید، خدای متعال به شـما برکت خواهـد داد؛ این کار، برکت کار شـما را افزایـش خواهـد داد. امیدواریم ان‌شـاءالله خـدای متعال به همه‌ی شـماها توفیق بدهد[۲].

لزوم تلاوت قرآن و ترجمه آن در جلسات رسمی مجلس

یکـی از کارهـای خوبی کـه در مجلـس از اول پایه‌گـذاری شـد، تلاوت قرآن در اول جلسـات رسـمی مجلـس بـود. اخیراً هـم در زمان ریاسـت آقـای دکتر حـداد عادل یک سـنت خوب دیگـری بـه آن اضافـه شـد و آن خوانـدن ترجمه‌ی قـرآن بـود - کـه نمی‌دانم حالا هم سـاری و جـاری اسـت یـا نـه - کـه خیلی خوب اسـت ایـن قـرآن نبایـد فقط حالـت شـکلی پیدا کنـد؛ بایـد گـوش کنیـم، از کلمات قـرآن بهره ببریـم دلمـان را بدهیم به قـرآن هر کلمـه‌ای از ایـن کلمـات قـرآن می‌تواند یک انـقلابی در دل‌های مـا به وجود بیـاورد؛ البته برای کسـی که مأنـوس با قرآن باشـد. به‌حسـب تجربه، آدمـی که مأنوس با قرآن نباشـد، بهـره‌ی زیادی هم از قـرآن نمی‌بـرد ﴿ایّکم زادته هـذه ایمانا﴾[۳] آیـه‌ای که می‌آمـد، منافقین می‌گفتند: ها چی شـد؟ ایمانتـان زیـاد شـد؟ چیـزی از قـرآن نمی‌فهمیدند اگر انـس با قـرآن باشـد و دل‌دادن به قرآن

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۳. سوره توبه، آیه ۱۲۴.

باشـد، انسـان آن وقـت می‌بیند از هـر کلمه‌ی قرآن یک قطـره‌ی مصفا و پاکیـزه‌ای نوش جان می‌کنـد؛ نوری بـه دل انسـان می‌تابد به ایـن قرآن و به ایـن تلاوت توجه بشـود؛ بخصوص که حـالا برای کسـانی کـه احتیاج بـه ترجمه دارند بـا ترجمه هم همراه اسـت. جلسـات اخلاقی و جلسـات معرفتی باشـد؛ کسـانی بیایند ما را نصیحـت کنند؛ چیزهایی را کـه می‌دانیم هم بـه ما بگویند همان‌طور که عرض کردم در شـنیدن گاهی اثری اسـت که در دانسـتن نیسـت خیلـی چیزهـا را مـا می‌دانیم، امـا یادمان نیسـت؛ وقتی می‌گوینـد، دل ما بیدار می‌شـود[1].

لزوم حاکمیّت اخلاق در مباحثات صحن عمومی مجلس

مجلـس شورای اسلامـی، صحنـه‌ای علنـی در معـرض دید همـه‌ی آحـاد ملت ایـران بلکه همه‌ی مردم جهان اسـت. پخش مسـتقیم مذاکرات مجلس، یکی از افتخارات نظام اسلامی و نشـانه‌ی بارز آزادی اندیشـه و بیان اسـت و همه‌ی نمایندگان مردم با هر گرایش سیاسـی و اقتصـادی، بـه برکت ایـن آزادی کم‌نظیر، قادرنـد از تریبون مجلس با آحاد ملت ایران سـخن بگوینـد ایـن فرصت و امکان بزرگ از سـوی دیگر، وظیفه‌ی شـما نمایندگان محتـرم را بسیار سـنگین و خطیر می‌سـازد اگر نماینده‌ای از تریبون مجلس خدای‌نخواسـته، سـخنی خلاف واقـع یـا موجـب اضطـراب و تشویـش اذهـان عموم یـا متضمـن اهانت و افتـرا به دیگـران یا همراه با افشـای اسـرار کشور، یا مایه یأس و سـرخوردگی مردم را پخش کند. گناه ناشـی از آن به عظمت و گسـتردگی شـعاع این رسـانه‌ی مهم اسـت و مردم چنین کسـی را عفو نخواهند کـرد. چه نیکو اسـت کـه مجلس محتـرم بـا پیش‌بینی‌های قانونی لازم، خود پیشـقدم شـده و چنیـن فـرد بی‌مسـئولیتی را از غفلـت خارج سـازد همچنیـن رعایت تقـوا و اخلاق و ادب اسلامـی در گفتگوهـا و مباحثات از جمله‌ی مسـائل مهـم و قابل‌توجه نماینـدگان و مجلس محتـرم اسـت. نماینـدگان عزیز باید توجـه کنند که هـر کار و گفتار آنـان در جامعه منعکس شـده و تأثیـر سیاسـی و اخلاقی ویژه‌ای بـر فضای کشور می‌گـذارد، بیگمـان هنگامی که در مذاکـرات مجلـس، نشـانه‌های تقوا و راسـت‌گویی و پایبنـدی به ارزش‌هـای اخلاقی و حس

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

مسـئولیت مشـاهده شـود، فضای کشور به عطر این خصال پسـندیده معطر خواهد شـد[۱].

مجلـس بایـد مرکز انتشـار و صدور آرامـش و طمأنینه به سـطح افـکار عمومی کشور باشـد؛ بایـد شـما از مجلـس امـواج مثبت صـادر کنید بـرای مـردم؛ مجلس نباید منشـأ تشـنّج در افـکار عمومی مردم بشـود؛ یـا سیاه‌نمایی‌کـردن، منفی‌بافی کردن که گاهـی اوقات در بعضی از مجالـس، از ناحیـه‌ی بعضـی از نماینـدگان دیـده شـد؛ البتّـه اغلـب نمایندگان همیشـه پایبنـد بـه ایـن مبانی مهـم و معتبـر بوده‌انـد؛ واقعاً ما ایـن را بـدون تعارف عـرض می‌کنیم، واقعیّـت این اسـت؛ امّا در مواردی هم خلاف این مشـاهده شـد. حضور نماینـدگان، نه فقط در مجلـس بلکـه در مجامـع عمومی - خیلـی از شـماها در مجامع عمومـی در نمازجمعه‌ها در شـهرهای مختلـف پیـش از خطبه‌هـا حـضور پیـدا می‌کنید - یـا در فضای مجـازی که امروز حاکـم بـر خیلـی از فعّالیّتهای همه اسـت، بایـد آرامش‌بخـش باشـد؛ اختلاف‌برانگیز نباید باشـد. هر جا شـما سـخنی می‌گویید، حرفی می‌زنیـد، نظری می‌دهید، مخاطب شـما دلگـرم بشـود به اینکه شـما طـرف‌دار اتّحاد و اتّفـاق و همدسـتی و همدلی نیروها هسـتید؛ خلاف این را نبایسـتی پیـام بدهید این حفظ امنیّت روانی مردم اسـت و ایـن مطلب مهمّی اسـت. البتـه غافـل هـم نباید بـود؛ بنـده کاملاً اعتقـاد دارم و اطّلاع دارم که لشـکر سـایبری دشـمن منتظر سوءاسـتفاده اسـت؛ گاهی اوقات آن‌ها از زبان رقیب سیاسـی شـما به شـما دشـنام می‌دهنـد، بـرای اینکـه شـما را عصبانی کنند؛ یـا به شـخصیّت مورد احترام شـما یا یـک شـخصیّت موجّه دینی یا سیاسـی اهانت می‌کنند، بـرای اینکه شـما را برافروخته کنند؛ ایـن هـم هسـت بـه این هـم بایسـتی توجّـه داشـت؛ یعنی هر چـه شـما در فضـای مجازی می‌بینیـد، اگـر برخلاف نظر شـما اسـت، همیشـه باور نکنیـد که این را آن کسـی کـه رقیب سیاسـی یا مخالف سیاسـی شما است، گذاشـته؛ نه، ممکن است دشـمن مشترک هر دوی شما گذاشـته باشد[۲].

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

لزوم ممزوج کردن سیاست با اخلاق اسلامی

نکته‌ی بعدی مربوط به التزامات اخلاقی است. سبک زندگی اسلامی که بخش مهمّی از آن را فضایل اخلاقی تشکیل می‌دهد در عرصه‌ی چالش‌های سیاسی و رقابت‌های مشروع، اهمّیّت بیشتر می‌یابد. در اینجا است که کیمیای تقوا و گذشت و انصاف و صداقت و مسئولیّت‌پذیری و کار بی‌منّت، قیمت اصلی خود را آشکار می‌سازد. شهیدان پرواز اردیبهشت - که اکنون سراسر کشور داغدار آن‌ها است - یکی از خصوصیّاتشان رعایت فضیلت‌های اخلاقی بود. مراقبت از خویش در این زمینه را باید جدّی گرفت[۱].

چند نکته است که بنده در نفس و ذهن خودم، روی آن‌ها خیلی تکیه دارم و به آن‌ها معتزّ و مسرورم. یکی این است که مجلس چهارم، سیاست را با اخلاق ممزوج کرده است و بحمدالله، سیاست را در جهت ضدّاخلاقی نکشانیده است؛ لذا، شما مشاهده می‌کنید که در مجلس، درس اخلاق هست مشاهده می‌کنید که در موضع‌گیری‌های مجلس - چه موضع‌گیری‌های سیاسی و مربوط به جناح‌های مختلف فکری، چه موضع‌گیری‌های کاری مربوط به لوایح، طرح‌ها و گفتگوهای داخل مجلس و چه موضع‌گیری در مقابل مسئولین - از زبان نماینده مجلس، اشاعه خلاف، گناه و ذکر سوء نمی‌شود[۲].

لزوم حفظ عزت ملی در نتیجه اخلاق درست نمایندگان

نماینده، بایدها و نبایدهایی دارد. بعضی نمایندگان، به این بایدها و نبایدها، خیلی پایبندند و بعضی به طور متوسّط پایبندند شاید بعضی هم، خدای‌ناکرده، کمتر پایبند باشند. این بایدها و نبایدها را در امر نمایندگی باید در نظر گرفت. یکی از آن‌ها این است که نماینده مجلس، چون نماینده این ملت عزیز است، باید عزّت این ملت را حفظ کند. بالاخره انتساب به یک جای بالا و بزرگ، اقتضائاتی دارد. آن کس که فرضاً یک نوجوانِ معمولی در کوچه و بازار است، یک‌طور حرکت می‌کند؛ اما همین نوجوان، وقتی پسر فلان آقای محترم بود، مجبور است طوری دیگر حرکت کند؛ و ناچار، باید را رعایت نماید و

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳/۰۳/۰۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.

محدودیت‌هـایی را بپذیـرد؛ لذا اگر شـما روشـی را از پسـر فلان آقا مشـاهده کنید بـه او ایراد می‌گیریـد؛ امّـا همـان کار را اگـر از یـک نوجوان معمولـی در کوچه و بـازار ببینیـد، می‌گویید «حـالا نوجوانی اسـت که کاری انجام داده اسـت.» خوب؛ مـا نماینده ملتی هسـتیم که حقاً و انصـافاً مصـداق آیه شریفـه ﴿کنتم خیر امّة اخرجت للناس﴾[1] اسـت. اگـر ملت‌های مظلوم دنیـا بخواهنـد به کارنامـه یک ملت نگاه کننـد و نیرو بگیرند؛ احسـاس عزّت و شـرف کنند و درس بگیرنـد، بایـد بـه ایـن ملت نـگاه کنند. این، ملتی اسـت کـه مادرِ چهار شـهیدش، احسـاس افتخار می‌کند که چهار شـهید در راه خدا داده اسـت. این، ملتی اسـت که جانباز و آزاده‌اش که ده، دوازده سـال در زندان دشـمن مانده اسـت، به‌خاطر سربـازی اسلام و قرآن، احسـاس افتخـار می‌کنـد. این‌هـا چنـان مقامات بالایی اسـت کـه اگـر واقـعاً در زندگی ما اتّفـاق نیفتـاده بود، حق داشـتیم بـاور نکنیم که می‌شـود این‌گونه بـود که ما این‌کـه خیلی از مجاهدت‌ها، فداکاری‌ها و بزرگ‌منشـی‌های صدر اسلام را، وقتی در گذشـته در سخنرانی‌ها و گفتارهـای خصوصی، نقـل می‌کردیم، بعضی - حتّی گاهی خود گوینده‌هایش - ته دلشـان خیلـی بـاور نمی‌کردند کـه همه این جزئّیـات، همین‌طور اتّفـاق افتاده اسـت؛ از بس بزرگ و باعظمـت اسـت آنچه مـا امروز می‌بینیم، واقعاً من به شـما عرض می‌کنم کـه در صدر اسلام در زمـان نبـی اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم، نمونه‌های نادری دارد حتّی بعضـی‌اش اصلاً نمونه ندارد[2].

انسجام و اتحاد و همدلی عامل عزت و هیبت در سیاست خارجی و جهان

راجـع به مسـائل سیاسـی کلی کشور هـم چند جمله عـرض کنم. شـماها بحمـدالله عناصر سیاسـی هسـتید و مراقبیـد با انسـجام و اتحاد کلمـه و همدلی، کشور در سیاسـت خارجی و مسـائل جهانـی عـزت و هیبت پیـدا می‌کند؛ و در اجـرای مقررات و سیاسـت‌های لازم در داخـل، قدرت می‌یابد؛ بنابراین، انسـجام و وحدت و همدلی و هم‌فکری، بسیار مهم اسـت. مطمئـناً همچنـان که شـما به عنوان مسـئولان کشور و نظام موظفید مهندسـی کلـی کشور را دائـماً در نظـر داشـته باشید - چـون بدون یک مهندسـی کلان نمی‌شـود جزئیـات را ترتیب

۱. سوره آل‌عمران، آیه ۱۱۰.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.

داد؛ شما باید اول طرح را در نظر داشته باشید، نقشه را بدانید و مهندسی صحیح کرده باشید تا بتوانید این دیوار را اینجا بالا ببرید، آن خشت را آنجا بگذارید، آن گودال را آنجا بکنید - دشمن شما هم به کشور و نظام شما عیناً یک نگاه کلان و یک مهندسی کلی دارد این مهندسی هم اجزایی دارد. بلاشک اعتماد و دلگرمی دشمن به کمک عناصر داخلی است. هیچ کشوری هم نیست - از جمله کشور ما - که در داخل، عناصری که دلشان با نظامِ حاکم نیست، وجود نداشته باشند؛ همه‌جا هستند؛ در کشور ما هم هستند؛ از اول انقلاب هم بوده‌اند؛ کم‌وزیاد و پیدا و پنهان و جو را جور دارد؛ لیکن اصلش همیشه بوده، بعد از این هم خواهد بود. عده‌ای با نظام ما خوب نیستند. چشم امید دشمن به کسانی است که در داخل هستند؛ منتها برای یارگیری و سربازگیری، دشمن روش‌های گوناگونی دارد. این‌طور نیست که همه‌ی کسانی که به دشمن کمک می‌کنند، کسانی باشند که دشمن را شناخته‌اند و نقشه‌ی کلی و مهندسی کلان او را نسبت به نظام دانسته‌اند و عالماً و عامداً به او کمک می‌کنند؛ نه، عده‌ای هم هستند که اگر به آن‌ها گفته شود شما دارید به دشمن کمک می‌کنید، حاضرند یقه‌ی خودشان و شما را بگیرند و پاره کنند و بگویند این حرف‌ها چیست! این‌ها واقعاً هم با دشمن مخالف و بدند. اگر شما مهندسی کلی و کلان نظام را در نظر داشته باشید، از این پرهیز خواهد شد. هر کس متوجه و مراقب خود و رفتارش باشد، از این‌که نادانسته و ناخواسته کمک دشمن باشد، پرهیز خواهد کرد. وقتی حروف کلمه یا جمله‌ای در جدول گذاشته می‌شود، باید عبارتی درست شود. بعضی‌ها نمی‌دانند حرفی که دارند در این خانه می‌گذارند، مکمل آن عبارت است تمهیداتی فراهم می‌شود و این‌ها می‌آیند این حرف را در این خانه می‌گذارند - ﴿و هم یحسبون انّهم یحسنون صنعا﴾[1] دلیل و استدلالی هم برایش درست می‌کنند؛ اما توجه ندارند که این حرف، آن کلمه یا جمله‌ی پانزده حرفی جدول را یک‌قدم به تحقق نزدیک کرد؛ درست مثل یک پازل که جاها معین است و معلوم است که چه قطعه‌ای کجا باید گذاشته شود. نادانسته از منِ نوعی می‌خواهند که این قطعه را اینجا بگذارم؛ من هم فکر می‌کنم اشکالی ندارد؛ غافل از این‌که وقتی این جزء با آن نود جزء دیگر همراه شد، آن

۱. سوره کهف، آیه ۱۰۴.

شـکل، ظاهـر می‌شـود و مـن کمک‌کننـده‌ی به تشـکیل آن بـوده‌ام! بعضی ایـن‌طوری عمل می‌کنند[۱].

لزوم وجود عقلانیت، طمأنینه، حالت سکینه و آرامش عقلانی

ایـن مجلـس انـقلابی کـه دارای رویکـرد انـقلابی و اقبال بـه ارزش‌هـای انقلاب اسـت، باید نشـان بدهـد که باکفایت اسـت، بـرای اداره‌ی امور تقنینی مجلس دارای کفایـت و کارآمدیِ لازم اسـت، می‌تواند درسـت ریل‌گذاری کند؛ البتّه این خبرهایی که داده شـده، گزارش‌هایی کـه بنده دیده‌ام یا شـنیده‌ام و آن چیزی کـه امروز رئیس محترم مجلس گفتنـد، این‌ها خوب اسـت، همیـن چیزها خیلی خوب اسـت؛ لکن، ریل‌گـذاری بـرای اصلاح امور کشور کارهای فراتـری را نیـاز دارد؛ زیـاد باید کار کرد، زیاد بایـد تلاش کرد. اگر بخواهیـم این خصوصیّت در مجلس باشـد، این احتیـاج دارد به عقلانیّـت و طمأنینه‌ی لازم.

بایـد در مجلـس، آن حالـت سـکینه‌ی لازم و آرامـش عقلانی لازم وجود داشـته باشـد. اینکه مـن عرض می‌کنم آرامش ناشـی از عقلانیّـت، این در مقابل کارهای هیجانی اسـت؛ کارهای هیجانی، احساسـی، تصمیم‌گیری‌های دفعی، این‌ها نبایسـتی وجود داشـته باشـد. مجلس یکـی از مظاهـر عمـده‌ی خِرد جمعی در کشور اسـت. خـب، اگر مجلس مظهـر خِرد جمعی اسـت، پـس احتیـاج دارد به رفتـار خردمندانـه در کارهایی که انجـام می‌گیـرد، بعضی‌ها در ایـن زمینـه دچـار اشـتباه‌اند؛ شـما بایـد مراقب باشیـد ایـن‌جوری نشویـد - من اشـاره‌ام به داخل مجلس نیسـت؛ در بیرون مواردی داشـته‌ایم در گذشـته هم داشـتیم، امروز هم داریم - انقلابی‌گری را با رفتار هیجانی اشـتباه می‌گیرند با حرف‌های غیرمسـئولانه اشـتباه می‌گیرند؛ نـه، انقلابی‌گری این نیسـت؛ انقلابی‌گـری آن روحیه‌ی اقدام صحیح، عـازم و جازم در جهت درسـتی اسـت که با عقلانیّت برخاسـته‌ی از روحیـه‌ی انقلابی‌گری ترسیم شـده ببینید؛ امام بزرگـوار مـا الگو اسـت؛ امـام از همـه انقلابی‌تـر بـود؛ خـب، ماهـا از اوّل کار در خدمت این قضیّـه بودیـم؛ واقعاً ماهـا کم می‌آوردیم، امّـا امام هیچ‌وقت کـم نیاورد؛ از همـه انقلابی‌تر امام بـود از همـه عاقل‌تر هم امـام بود؛ از همه عاقل‌تر بـود از همه پخته‌تر و سـنجیده‌تر کار می‌کرد

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

و حـرف مـی‌زد؛ پـس ایـن هم یـک مطلـب؛ یعنی کارکـرد مجلـس یـک کارکـرد خردمندانه، پخته، سـنجیده و حساب‌شده بایسـتی باشد[1].

وظیفه مهم مجلس: حفظ التیام و همدلی ملی

مجلـس شورای اسلامـی، مظهر وحدت ملی و یکپارچگی و اتفاق همـه‌ی گروه‌ها و قومیت‌ها و سلائـق و عقاید اسـت. در ایـن مجلس کـه از منتخبان حقیقـی ملت بزرگ ایران تشـکیل شـده اسـت، نمایندگان شـهرها و اسـتان‌های دور و نزدیک، نمایندگان اقوام گوناگون ایرانی، نماینـدگان سلائـق و عقاید سیاسـی، نمایندگان اقلیت‌هـای دینی در کنار مسـلمانان، همه بـا هـم بـرای انجام وظایـف قانونـی مجلـس شورای اسلامـی همـکاری و تلاش می‌کنند این یکـی از باشـکوه‌ترین جلوه‌هـای اتحـاد ملت ایران اسـت. این جـا همه برای پیشـرفت ایران اسلامـی، و سربلنـدی و پیروزی نظـام پرافتخار جمهوری اسلامی مجاهـدت می‌کنند و همه یـک هـدف را می‌جوینـد. نماینـدگان محتـرم باید ایـن یکپارچگـی را قدر شـناخته، همه‌ی کوشـش و مجاهـدت خود را صـرف تحکیم و تعمیـق آن کنند. همه‌ی گفته‌هـا و مصوبه‌ها و نطق‌هـا در مجلـس بایـد در جهـت همدلی بیشـتر میان ملت باشـد و حتی منـش و رفتار و گفتـار نماینـدگان محترم باید زخم‌هایی را که احیاناً در هنـگام انتخابات در برخی از حوزه‌ها پدیـد آمده اسـت، التیام بخشـد. هـر حرکت و گفتار و نطقـی در مجلس که به دودسـتگی و اخـتلاف یـا تشویش اذهان مردم بینجامـد، کاری بر خلاف طبیعـت و جهت مجلس شورای اسلامـی اسـت. مجلـس در همـه‌ی دوره‌هـای چهارگانه‌ی گذشـته محـل تلاقـی جناح‌ها و سلائـق سیاسـی موجـود در کـشور بـوده و در ایـن دوره نیـز چنین اسـت. در برخـی دوره‌ها، برخوردهـای سیاسـی نمایندگان، نتوانسـته اسـت تریبون مجلـس را از وظیفـه‌ی مهم «حفظ التیـام و همدلـی ملـی» بـاز دارد و آن را بـه وسیلـه‌ای بـرای ایجاد تشـنج و جنـگ اعصاب بدل سـازد. این بی‌شـک بـرای هـر دوره‌ای از ادوار مجلس شورای اسلامی مایـه‌ی مباهات و افتخـار اسـت. تضارب آراء و مناقشـات نمایندگان در همه‌ی مسـائلی کـه در مجلس مطرح می‌شـود، چیزی سودمند و سـازنده بلکه لازم اسـت. ابتکار و نوآوری در پیشنهادها و طرح‌ها

---

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.

مایه‌ی پیشرفت است؛ ولی همه‌ی این‌ها باید در محیطی سالم و آرام و به دور از تشنج و پیراسته از کارهای غیراخلاقی باشد. بلندگوی مجلس نباید وسیله‌ای برای پراکندن سخنان زهرآگین و خاموش‌کردن فروغ امید در دل‌های مردم و بدبین کردن آنان به دولت یا مجلس یا دیگر مسئولان بخش‌های گوناگون کشور باشد. جناح‌های گوناگون سیاسی باید در عین دوگانگی‌هایی که در فهم مسائل گوناگون دارند سعی خود را بر پیشرفت کشور در زیر پرچم پر عزت احکام اسلامی متمرکز کنند. جبهه‌گیری‌های ناسالم و نسبت‌هایی که به معنای وجود چنددستگی در مراکز عالی نظام است، مناسب مجلسی که می‌باید مظهر وحدت ملی باشد نیست. در جمهوری اسلامی همه‌ی کانون‌های اصلی اندیشه و سیاست و تدبیر موظف‌اند، بر گرد محوری واحد، جهت واحدی را دنبال کنند که متوجه به هدف والای بنای ایران اسلامی آباد و مقتدر و سربلند است و بحمدالله هیچ‌کس از مسئولان نظام جمهوری اسلامی، از این وظیفه‌ی بزرگ روی‌گردان نیست. مجالس کشورهای غربی همچنان که از لحاظ اخلاق سیاسی، صلاحیت آن را ندارند که الگو قرار گیرند، از لحاظ ترکیب سیاسی نیز لزومی ندارد که در کشور بزرگی چون ایران که از لحاظ اخلاق و سیاست و ارزش‌های متعالی، از منبع فرهنگی سرشاری برخوردار است، مورد تبعیت و تقلید واقع شوند. تعبیرهای چپ و راست یا اصرار بر وجود احزاب سیاسی در مجلس قانون‌گذاری و مانند اینها، سوغات‌های بی‌ارزشی است که شأن مجلس شورای اسلامی بالاتر از پذیرش کورکورانه‌ی آن‌ها است.[۱]

حفظ و افزایش آرامش و متانت و پرهیز از تشنج در مجلس

مجلس شورای اسلامی می‌تواند سرچشمه و مظهر وفاق ملی و آرامش و اعتماد عمومی و یا خدای‌نخواسته منشأ دودستگی و تشویش و اضطراب دل‌ها و فکرها شود محسوس‌ترین و نقدترین هدیه‌ی نمایندگان محترم به مردمی که آنان را به مجلس فرستاده‌اند، آن است که با منش و گفتار خود، امید و نشاط و آرامش را بر فضای عمومی کشور حاکم سازند و گفتارها و نطق‌های خود را همچون الگویی از رفتار سیاسی سالم و سرشار از سماحت و

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۱۱.

تحمل و انصـاف، تنظیم کنند[۱].

نکتـه‌ای که همواره بر آن تأکید می‌کنم آن اسـت که مجلس بایـد آرامش‌بخش و امیدآفرین و برانگیزاننـده‌ی همت‌هـا و دعوت‌کننده بـه همدلی و برادری در محیط عمومی کشور باشـد. در خـود مجلس نیز مسـابقات بی‌فایده‌ی رسـانه‌ای و مجادلات مضرّ سیاسـی، وقت و عمر کوتـاه دوران مسـئولیّت را به خود مصروف نسـازد؛ وگرنه ظرفیّت ارزشـمند حـضور نمایندگان در این جایگاه والا ضایع خواهد شـد و این خسـارت بزرگی اسـت[۲].

خوشـبختانه مجلس شـما منشـأ تشـنج در جامعه نیسـت؛ این نعمتِ خیلی بزرگی اسـت. واقـعاً یکـی از جاهـایی که باید به شـماها دسـت‌مریزاد گفـت، همین‌جاسـت. در بعضی از دوره‌هـا ایـن‌طور بود کـه وقتی انسـان رادیوی مجلـس را باز می‌کـرد، کأنه از ایـن بلندگو دارد دعـوا بیرون می‌ریزد! دعوا و تشـنج و جنگ اعصاب همین‌طور سرریز می‌شـد و درون جامعه می‌ریخـت. مجلـس شـما بحمدالله این‌طوری نیسـت؛ و در هیچ شـرایطی بـه خودتان اجازه ندهیـد ایـن‌طور بشـود. کسـی دارد حرفـی می‌زند، امـا طبق نظر شـما نیسـت؛ خیلی خوب، گـوش کنیـد تـا حرفـش تمام شـود؛ بعد اگـر اقتضا داشـت کـه این حرف پاسـخ داده شـود، شـما هـم در یـک فرصـت قانونی و به شـکل درسـتی به او پاسـخ دهیـد. حرف تـوی حرف، جنجـال و های‌وهـوی، کار مناسـبی نیسـت. متأسـفانه بعضی‌هـا ایـن رسـم را در مجلـس گذاشـتند؛ شـما این رسـم را بردارید و ریشـه‌کن کنید شـما عملاً باید خونسـردی را در مقابل حرف‌هـای تحریک‌آمیـزی کـه احیـاناً ممکن اسـت به گوشـتان برسـد، حفظ کنیـد. فضای متانـت و وقـار مجلس را که بحمدالله تا امروز حفظ شـده اسـت، حفظ کنیـد و افزایش دهید و نگذارید خدشـه‌دار شود[۳].

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار ششمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۰۶.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳/۰۳/۰۶.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

دلگرم‌شدن مردم به اتحاد و همدلی ملی با کلام نمایندگان

به نظر من امروز از جمله‌ی مسائل مهمی که ما در کشور به آن نیاز داریم، اتحاد است. اتحاد به معنای همسان بودن فکرها نیست. خب، الحمدلله شماها همه در سطوح بالای فکری و علمی هستید؛ این‌ها برای شما، گفتن ندارد. ما احتیاج داریم به این که به ما تذکر داده شود تا عمل کنیم؛ والّا خیلی از چیزها را می‌دانیم. امروز باید اتحاد وجود داشته باشد. دوئیت و اختلاف و تفرقه، مظهر ضعف و انحطاط و انهزام یک ملت است؛ باید نگذارید این اتفاق بیفتد. اختلاف‌نظر هم وجود دارد، ابایی هم از گفتن اختلاف‌نظر نیست؛ بله، ما در این قضیه با هم اختلاف‌نظر داریم، اما دستمان توی دست هم است. مثلاً او می‌گوید: این کار باید بشود، من می‌گویم: باید نشود. بالاخره یک مرجعی وجود دارد؛ یا مرجع، قانون است؛ یا مرجع، دستگاه قضائی است؛ یا مرجع، شورای نگهبان است - یا هرچه - آن مرجع هم تعیین تکلیف خواهد کرد؛ اما با هم دست‌به‌یقه نمی‌شویم. این اتحاد باید وجود داشته باشد. باید در جهت مصالح عالیه‌ی کشور، بین دستگاه‌ها همدلی وجود داشته باشد؛ این باید بروز کند؛ البته همه هم همین را می‌گویند. یک‌وقتی یک‌نفری با عصبانیت داشت از یک چیزی دفاع می‌کرد، یک نفر به او گفت: آقا حالا چرا عصبانی می‌شوی؟ با همان عصبانیت داد کشید: من عصبانی نیستم! حالا از اطراف - از دو طرف هم نمی‌شود گفت - بعضی دائم دم از اتحاد هم می‌زنند، اما در عین حال باز نشانه‌ها و نمونه‌های تفرق گاهی دیده می‌شود. من خواهش می‌کنم به این مسئله توجه کنید؛ هم در درون مجلس بین خود دوستان که در مجلس هستید، هم در بین مجلس و قوای دیگر - قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه - این اتحاد و اتفاق را حفظ کنید و بدانید که این ملت، این کشور، این نظام، این جهت‌گیری، بشارت داده‌ی به توفیق و پیروزی است؛ این لطف خداست، سنت‌های الهی این را اقتضا می‌کند[1].

هر جا شما سخنی می‌گویید، حرفی می‌زنید، نظری می‌دهید، مخاطب شما دلگرم بشود به اینکه شما طرف‌دار اتّحاد و اتّفاق و همدستی و همدلی نیروها هستید؛ خلاف این

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.

را نبایستی پیام بدهید. این حفظ امنیّت روانی مردم است و این مطلب مهمّی است. البته غافل هم نباید بود؛ بنده کاملاً اعتقاد دارم و اطّلاع دارم که لشکر سایبری دشمن منتظر سوءاستفاده است؛ گاهی اوقات آن‌ها از زبان رقیب سیاسی شما به شما دشنام می‌دهند، برای اینکه شما را عصبانی کنند؛ یا به شخصیّت مورد احترام شما یا یک شخصیّت موجّه دینی یا سیاسی اهانت می‌کنند، برای اینکه شما را برافروخته کنند؛ این هم هست به این هم بایستی توجّه داشت؛ یعنی هر چه شما در فضای مجازی می‌بینید، اگر برخلاف نظر شما است، همیشه باور نکنید که این را آن کسی که رقیب سیاسی یا مخالف سیاسی شما است، گذاشته؛ نه، ممکن است دشمن مشترک هر دوی شما گذاشته باشد[۱].

پرهیز از تبدیل پیروزی ملی (انتخابات) به خطر و آفت با بگومگو

هر گفتار و کرداری در مجلس که به فرسایش نظام و بر افروختن چالش‌های جناحی بینجامد؛ همبستگی ملی را سست و دشمن را به نفوذ در صفوف ملت و مسئولان امیدوار کند؛ مردم را از کارگشائی نمایندگان خود نومید و در راست‌گویی آنان به تردید افکَند؛ بیگمان در سمتی مخالف با وظیفه‌ی نمایندگی است. نماینده‌ی مجلس در این صورت، وکیلی بی موکل و نشسته بر اریکه‌ای ناسزاوار است[۲].

البته پیروزی بزرگ، هم شکر دارد و هم پرهیز از خطر بعد از همه پیروزی‌ها، یک احتمال خطر وجود دارد. ملت ایران که در این حادثه پیروز شده است، باید خدا را شکر کند احتمال خطر چیست؟ احتمال خطر این است که یک وقت خدای‌نکرده بعضی از افراد، کوتاهی‌هایی در رفتارشان نشان دهند، نسبت به دیگران بگومگوهایی بین مردم انجام گیرد. هم شما آقایان و خانم‌های محترمی که نمایندگان مردمید و جزو برگزیدگان ملت هستید، نگذارید و هم آحاد مردم نگذارند که دشمن خوشحال شود.

دشمن منتظر است که بین شما بگومگو باشد. دشمن منتظر است که صفوف متّحد

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.

شـما بـه هم بخورد. دشـمن منتظر اسـت که نمایـش رأی سـی‌میلیونی را - که نمایـش اتّحاد ملـت ایـران در دفاع از نظام اسلامی اسـت - به یک دعـوا و تنازع و تنافـس و بگومگو تبدیل کند و این شیرینی را از شـما بگیـرد. نگذارید اینجا، جای هوشیاری شماسـت. همه نامزدها متعلّـق به نظام اسلامی هسـتند؛ همـه از نظام اسلامی دفـاع کردند؛ همه بـرای نظام اسلامی و بـرای خطـوط اصلـی آن و آنچـه کـه جزو بیّنـات انـقلاب اسـت، شـعار دادنـد؛ بنابراین، حرکـت متّحدی بـه نفع نظام اسلامـی اتّفاق افتاده اسـت. باید هوشیار بود؛ بخصوص شـما نماینـدگان مردم بایسـتی متوجّه باشید هـم در مجلس و هم در حوزه انتخابیّـه که می‌روید به خاطـر موفّقیت سـی‌میلیونی به مـردم تبریک بگویید. این، بزرگ‌ترین مسـئله اسـت[1].

پرهیز از منشأ تشنج در افکار عمومی جامعه شدن

نکتـه‌ی سـوّم، مربـوط بـه حاکمیّـت اخلاق در مباحثـات صحـن عمومـی مجلس اسـت. عزیـزان مـن! مجلـس باید مرکز انتشـار و صـدور آرامـش و طمأنینه به سـطح افـکار عمومی کـشور باشـد؛ باید شـما از مجلس امواج مثبـت صادر کنید بـرای مردم؛ مجلس نباید منشـأ تشـنّج در افکار عمومی مردم بشـود؛ یا سیاه‌نمایی‌کردن، منفی‌بافی کردن که گاهی اوقات در بعضی از مجالس از ناحیه‌ی بعضی از نمایندگان دیده شـد؛ البتّه اغلب نمایندگان همیشـه پایبنـد بـه ایـن مبانی مهـم و معتبـر بوده‌انـد؛ واقعاً ما ایـن را بـدون تعارف عـرض می‌کنیم، واقعیّـت این اسـت؛ امّا در مواردی هم خلاف این مشـاهده شـد. حضور نماینـدگان، نه فقط در مجلـس بلکـه در مجامـع عمومی - خیلـی از شـماها در مجامع عمومـی در نمازجمعه‌ها در شـهرهای مختلـف پیـش از خطبه‌هـا حـضور پیـدا می‌کنید - یـا در فضای مجـازی که امروز حاکـم بـر خیلـی از فعّالیّتهای همه اسـت، بایـد آرامش‌بخـش باشـد؛ اختلاف‌برانگیز نباید باشد[2].

مراقبت در استفاده از تریبون و پرهیز از بی‌احتیاطی

یکی از آسیب‌ها بی‌احتیاطی در اسـتفاده‌ی از تریبون و بلندگویی اسـت که در اختیار شـما

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۶/۰۳/۰۷.

۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

اســت. فرمایشــات شــما به طور مســتقیم پخش می‌شــود در کشور یا بعداً به وسیله‌ی رسانه‌ها منتشــر می‌شــود؛ این امکان در اختیار همه نیســت در اختیار نماینده اســت؛ مراقب باشید کــه در اســتفاده‌ی از این امــکان بی‌احتیاطی نشــود و در ارائــه‌ی نقدهای خــود، نظرات خود دقّــت کنید. گاهی انســان نظرات تنــدی هم دارد که این نظرات را می‌شــود در یک جلســه‌ی دونفــره، ســه‌نفره، پنج‌نفــره گفــت؛ اما اگــر این را در ســطح عموم مــردم گفتید، ممکن اســت به‌جــای فایده ضرر داشــته باشــد. بعضــی خیــال می‌کنند که هر نظــر انتقادی‌ای نســبت به هــر جــایی دارند باید ایــن را اعلان کنند و به اطّلاع عموم برســانند در حالی که به اطّلاع عموم رســاندن، گاهی فایده ندارد و گاهی علاوه برنداشــتن فایده ضررهــای فراوانی دارد؛ بنابراین در اســتفاده‌ی از این رســانه‌ها بایستی مراقبت بشــود و بی‌احتیاطی نشود[1].

مجلس، مرکز انتشار و صدور آرامش و طمأنینه به سطح افکار عمومی

نکتــه‌ی دیگر این اســت که شــما دویســت و نود نفر نخبــگان گردآمده‌ی از اطــراف کشورید؛ این فرصتِ خیلی بی‌نظیری اســت دویســت و نود نفــر به عنوان نماینــده‌ی ملت از نخبگان و از قشــرهای گوناگــون در مرکــزی زیــر یــک ســقف جمع شــوند و چهار ســال با هم باشــند؛ ایــن فرصــتِ بسیــار بی‌نظیر و اســتثنایی اســت. جای چالــش منطقی و بحــث و مجادله‌ی صحیح بر ســر مســائل اساســی کشور، همین‌جاســت. بنده با مجادلات داخل مجلس هیچ مخالفتــی ندارم؛ خیلــی موافقم. امــام رضوان‌الله‌علیه مــکرر می‌فرمودند: که مجلس جــای مباحثه، مثــل مباحثه‌های طلبگی اســت. دو نفر طلبه وقتــی با همدیگر مباحثه می‌کنند، گاهی ســر یکدیگــر داد هم می‌کشــند؛ اما ایــن دادکشیدن نه از روی کینه اســت، نــه از روی انگیزه‌های سیاســی اســت، نــه از روی انگیزه‌های شــخصی اســت؛ این شــخص از حقیقتی کــه به نظر او حقیقــت اســت، دفاع می‌کند، آن شــخص هــم از نظرِ خــودش دفاع می‌کنــد؛ غالباً هم به یک نتیجه می‌رســند. فرق اســت بین جنجــال صاحب‌نظران و مجــادلات منطقی اصحاب علــم و تجربه و تخصص با غوغاهای دبســتانی انســان وقتی وارد دبســتان می‌شــود، سروصدا و جنجــال بلند اســت؛ به یک محیــط علمی هم که پا می‌گــذارد، عده‌ای نشســته‌اند و دارند

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.

بـا یکدیگر بحـث می‌کنند؛ آنجا هم جنجال بلند اسـت؛ اما این جنجال بـا آن جنجال فرق دارد جنجال‌هـای دبسـتانی، جنجال‌هـای حزبی و جنجال‌های دلال مآبانـه‌ای که چند نفر بـر سـر جیفه‌ی دنیا یقـه‌ی هم را می‌گیرند، زشـت و دون شـأن مجلس اسـت؛ اما مجادلات علمـی، مباحثـات تخصصـی، بخصـوص در کمیسیون‌هـا - کـه کمیسیون‌هـا جـای ایـن حرف‌هاسـت - بسیار صحیح و درسـت اسـت. با این روش، نشـاط مجلس تأمین می‌شـود و باید حتماً وجود داشـته باشـد[۱].

مجلـس بایـد مرکز انتشـار و صدور آرامـش و طمأنینه به سـطح افـکار عمومی کشور باشـد؛ بایـد شـما از مجلـس امـواج مثبت صـادر کنید بـرای مـردم؛ مجلس نباید منشـأ تشـنّج در افـکار عمومی مردم بشـود؛ یـا سیاه‌نمایی‌کـردن، منفی‌بافی کردن که گاهـی اوقات در بعضی از مجالـس از ناحیـه‌ی بعضی از نمایندگان دیده شـد[۲].

پرهیز از جو زدگی، ملاحظات جناحی یا دسته‌بندی‌های گوناگون (آفت قانون‌گذاری)

یکـی از آفـات قانون‌گـذاری کـه خب، این هـم برای دوسـتان کاملاً روشـن اسـت، اثرپذیری نماینده‌ی قانون‌گذار از جو اسـت؛ جو زدگی گاهی اوقات می‌شـود تبلیغات اصحاب تبلیغ، حـالا چه دشـمن، چـه آن‌هایی که دشـمن هم نیسـتند؛ امـا خب، بالاخـره اهـل تبلیغات و ماننـد این چیزها هسـتند، یک جوّی، فضائی درسـت می‌کنـد؛ ایـن در روح قانون‌گذار نباید اثـر بگـذارد؛ عرض من این اسـت. این کـه «حالا بدشـان می‌آیـد»، «در بین مـردم این‌جوری می‌شـود»، «فلان‌کس‌ها اعتراض می‌کنند، ایراد می‌کنند»، این‌هـا باید مطلقاً در قانون‌گذاری تأثیـر نگذارد. جـو زدگی یا ملاحظات جناحـی یا دسـته‌بندی‌های گوناگون[۳].

اوّلین مسـئله این اسـت، اوّلین توصیه این اسـت. برای خـدا، یعنی حقیقتاً بـا نیّت خالص، تصمیـم بگیرید بـرای مردم کار کنیـد. اسیر جَو و ماننـد این چیزها هم نشویـد. گاهی اوقات می‌شـود جـوّی به وجـود می‌آید که انسـان را می‌کشـاند بـه یک‌طرفی؛ نـه، نگاه کنیـد ببینید

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

تکلیف چیست، چه چیزی برای مردم مفید است؛ ولو بر خلاف جوّ حاکم هم باشد، اشکالی ندارد، آن را دنبال بکنید. اسیر جَو نشوید و به تعبیر معروف، جَو زده نشوید[۱].

تلطیف فضای جامعه با نطق‌های پیش از دستور

نطق‌های پیش از دستور، می‌تواند فضای جامعه را تلطیف کند؛ می‌تواند فضای جامعه را معطّر کند[۲].

برخورد با متانت و خردمندی و پرهیز از برخورد احساسی

بنابراین، تفکیک کنید بین آنچه وظیفه‌ی شما است و آنچه ممنوع است. برای شما شرع و قانون یک چیزهایی را به عنوان کارهای بایدِ شما معیّن کرده، یک چیزهایی را به عنوان نبایدِ شما معیّن کرده؛ هم به بایدها، هم به نبایدها، بایست توجّه بکنید. برخورد احساسی نباید کرد، برخورد غیرمنطقی نباید کرد؛ برخورد متین، خردمندانه، قابل توجیه، ولو قوی. گاهی هست که شما حرف طرف مقابل را صددرصد قبول ندارید؛ یعنی صددرصد رد می‌کنید؛ هیچ اشکالی ندارد، لکن باید جوری نظر و همین رأی مخالف ادا بشود که کسی که از بیرونِ مجلس دارد نگاه می‌کند، ببیند حق با شما است؛ یعنی با متانت و با خردمندی[۳].

زیان‌بخش بودن درگیری‌ها منازعات و مجادلات برای افکار عمومی

در زمینه‌ی همکاری‌های با قوا و با دولتمردان، دو نکته‌ی دیگر هم هست که آن را هم عرض می‌کنم. یک نکته اینکه به تجربه در طول این سال‌های متمادی ثابت شده که درگیری‌ها و منازعات و مجادلات در صدر، برای افکار عمومی مردم زیان‌بخش است، مردم را ناراحت می‌کند. بله؛ مردم از شما و از دولت یا قوّه‌ی قضائیّه توقّع دارند که حق را بیان کنید و حق را دنبال بکنید، امّا توقّع ندارند که با هم مجادله کنید و گریبان یکدیگر

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.
۳. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

را بگیرید؛ این را مردم هیچ دوست نمی‌دارند و تشنّج در رئوس دستگاه‌ها بخصوص، مردم را اذیّت می‌کند، ناراحت می‌کند، روی افکار عمومی تأثیر منفی می‌گذارد[۱].

لزوم حضور هم‌زمان جسمانی و معنوی و قلبی در مجلس

به نظر من چیزی که در مجلس مهم است، حضور نمایندگان محترم سر پُست‌هاست. برخی از نمایندگان محترم به من گفتند: تعطیلات مجلس زیاد است؛ درباره‌ی این مسئله من نمی‌توانم اظهارنظری بکنم؛ این را هیئت‌رئیسه‌ی محترم باید بررسی کنند؛ لیکن در همان بخشی که غیرتعطیل و وقت کار است، حضور باید منضبط، سروقت و با رعایت دقیقه و ثانیه باشد؛ هم در داخل صحن مجلس و هم در کمیسیون‌ها[۲].

گاهی هم بعضی در مجلس هستند - این هم یک پدیده‌ای است - در رأی‌گیری شرکت نمی‌کنند؛ آقایان آن عقب مجلس می‌نشینند، گعده می‌کنند! این هم مصلحت نیست. یعنی هم حضور جسمانی در مجلس، هم حضور قلب در مجلس - یعنی متوجه آن مسئله بودن، حرف موافق و حرف مخالف را شنیدن - لازم است؛ این‌ها جزو وظایفی است که قوام نمایندگی به این‌ها است و نمی‌شود از این‌ها صرف‌نظر کرد؛ این‌ها خیلی چیزهای مهمی است. واقعاً درخواست من از برادران و خواهران عزیز نماینده این است که به این مسئله توجه کنند، اهتمام بورزند؛ هم برای حضور در مجلس به معنای حضور جسمانی و مادی؛ هم به معنای حضور معنوی و روحانی، یعنی حضور قلب و حضور ذهن؛ این مسئله‌ی مهمی است[۳].

لزوم توجه به مسئله‌ی فرهنگ قانون‌مداری در کشور

یک مسئله‌ی دیگر هم - که حالا دارد صحبت ما طولانی می‌شود - مسئله‌ی فرهنگ قانون‌مداری در کشور است. ما واقعاً احتیاج داریم به اینکه قانون در تمام امور کشور،

---

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

یک شاخص، یک محور، یک فصل‌الخطاب محسوب شود. اگر ما قانون‌مدار باشیم، واقعاً این زندگی مردم را روان خواهد کرد؛ درست مثل چراغ‌های سبز و قرمز سر تقاطع‌ها ببینید رعایت‌نکردن این مسئله چقدر مشکل ایجاد می‌کند خوب، شما با اتومبیلتان رسیدید سر چهارراه فرض کنید یک دقیقه، دو دقیقه چراغ‌سبز بود و داشتند می‌رفتند؛ تا شما رسیدید، قرمز شد سخت است دیگر؛ باید حالا مدتی اینجا بایستید. ورود شما در این منطقه‌ی ممنوعه، برای خاطر آسایش خودتان و دل خودتان، موجب می‌شود که چند ده برابر شما گاهی آدم و اتومبیل در دو طرف مسیر کارشان دچار اختلال بشود؛ آن کسی هم که به عنوان پلیس راهنمائی آن وسط ایستاده که باید کار را تنظیم کند، دچار مشکل بشود. خب، قانون را رعایت کنید تا این‌همه مشکل به وجود نیاید ببینید، این یک مثال واضحی است که به طور روزمره با آن مواجهیم و لذا غالباً هم رعایت می‌کنند همه‌ی جاها قانون همین است. اگر رعایت قانون شد، کارها روان می‌شود؛ اگر بی‌قانونی آمد وسط میدان - که هر کسی هم برای بی‌قانونی خودش بالاخره یک توجیهی دارد؛ یکی می‌گوید: آقا این قانون حق من را ضایع کرد، این قانون نمی‌دانم چنین بود، این قانون چنان بود؛ اما این توجیه‌ها قابل‌قبول نیست - کارها مختل می‌شود. اگر بی‌قانونی رایج شد، کارها گره خواهد خورد؛ ترافیک سنگین خواهد شد، گره‌های ترافیکی به وجود می‌آید، کار مردم از بین می‌رود، مصالح مردم پامال می‌شود. همه بایستی به قانون احترام بگذارند و من به شما عرض بکنم؛ این مورد هم مثل موارد دیگر از چیزهایی است که فرهنگ آن بایستی از نخبگان سرریز بشود به بدنه‌ی جامعه اگر شما که جزو نخبگان هستید، قانون را رعایت نکردید، انتظار نداشته باشید که بدنه‌ی جامعه قانون را رعایت کند. ادعای نخبگی بکنیم - نخبگی سیاسی، نخبگی علمی - اما در همان مورد کارِ خودمان به قانون بی‌اعتنایی کنیم. در همین قضایای جاری هم بنده مُصر بودم و هستم و خواهم بود بر اجرای قانون؛ یعنی یک‌قدم از قانون فراتر نخواهیم رفت؛ قانون کشورمان، قانون جمهوری اسلامی مطمئناً نه نظام، نه این مردم به هیچ قیمتی زیر بار زور نخواهند رفت. نقطه‌ی مقابل قانون‌گرایی و انقیاد در مقابل قانون، دیکتاتوری است. این هم دوستان حتماً می‌دانند و بدانند - اگر نمی‌دانند - که در زمینه‌ی روحی

همـه‌ی ما یـک میل به دیکتاتوری وجود دارد؛ این را باید سـرکوب کنیـد. همین‌طور که عرض کردیـم، ایـن فیلِ مسـتِ درون را با چکش قانـون و دین و تعبـد دائماً سربه‌راه نگـه داریم. اگر خود ما علاج نکنیم، علاجش مشـکل خواهد شـد. اگـر انقیاد به قانون نبـود، روح دیکتاتوری یواش‌یـواش بروز خواهـد کـرد. در جوامع، دیکتـاتوری همین‌جور به وجـود می‌آید[۱].

الزامات و شاخصه‌های رفتاری نمایندگان

لزوم تلاش برای کسب امتیاز بیشتر نسبت به دوره قبلی و حرکت روبه‌جلو

بـه نظر می‌رسـد کـه در هـر دوره‌ای نماینـدگان مجلس و مسـئولان عالی مجلس باید سـعی کننـد که این دوره امتیاز بیشـتری کسـب کند، برتـری‌ای پیدا کند و کیفیّت مجلس را سـعی کننـد بـالا ببرند. خـب، اگر بخواهیم امتیاز بیشـتری کسـب بکنیم، راهش این اسـت که کار بیشـتری انجـام بدهیـم، کار بهتـری انجـام بدهیـم؛ میـدان کار و خدمت این‌جوری اسـت دیگـر؛ اینجـا اگر انسـان بخواهد صدر جـدول قرار بگیـرد بایـد کار بکند، بایـد تلاش بکند؛ کار برتر لازم اسـت، اقدام لازم اسـت، عمل اساسـی لازم اسـت[۲].

لزوم دخالت‌نکردن نمایندگان در انتصابات دولتی

یـک سـفارش مؤکّـد هم بکنـم؛ البتّـه آقـای قالیباف حالا کـه می‌آمدیـم داخل به مـن گفتند کـه شـما در یکی از این سـال‌ها راجع به اینکـه نمایندگان در مورد انتصاب‌هـا و امثال این‌ها دخالـت کننـد یک چیـزی گفتید کـه بعضی از همـکاران ما ناراحت شـدند. بنـده ناراحتی شـما را که اصلاً نمی‌خواهم و نمی‌پسـندم؛ اما شـما را هم خیلی دوست دارم، مصلحت شما را می‌خواهـم؛ واقـعاً نباید دخالت کنید در انتصابات! بله، ایشـان گفتند: بعضی از دوسـتان خوششـان نیامده؛ نه این‌طور نباشـد؛ شـما فرض کنید وقتی که راجع بـه فلان مدیرکل، راجع بـه فلان فرمانـدار و حتّـی راجع بـه اسـتاندار و مانند این‌ها مثلاً بـه آن وزیر مربوطه پیشـنهاد می‌کنیـد یا احیاناً مثلاً خدای‌نکرده فشـار وارد می‌کنید، این موجب می‌شـود که اگر چنانچه

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

آن مـأمور بدعمـل کـرد، آدم نداند یقه‌ی چه کسـی را باید گرفـت؛ نه مردم بدانند، نه دسـتگاه قضائـی بدانـد که یقـه‌ی آن وزیـر را باید گرفت که چـرا این را گذاشـتی یا یقه‌ی ایـن نماینده را بایـد گرفـت کـه چرا فشـار آورده؛ چرا ایـن کار را بکنید؟ یکی از مسـائل مهمّ قانون اساسـی همیـن مسـئله‌ی «تفکیک قوا» اسـت؛ یعنی شـما بگذاریـد او کار خودش را بکند، شـما هم کار خودتـان را بکنیـد؛ اگر ایرادی دارد به شـکل مناسـب و لازم ایرادش را مطـرح کنید. البتّه توصیـه‌ی مـن بـه دولتی‌ها هم همیشـه این بـوده؛ قبلاً هم همیشـه توصیـه کـرده‌ام، حالا هم توصیـه می‌کنـم از نظـرات نمایندگان اسـتفاده کنند. نماینده مال این شـهر اسـت، نماینده اهـل این شـهر اسـت؛ یعنی اینجا را می‌شناسـد، مسـائل اینجـا را می‌داند، لذا مغتنم اسـت مـشورت بـا نماینده؛ او ایـن کار را باید بکند، شـما هم متقـابلاً این‌جور باید عمـل بکنید؛ به نظر من این مهم اسـت[1].

یکـی از آسیب‌هـا ورود نماینـدگان در مسـائل اجرائی اسـت؛ فـرض بفرمایید، واردشـدن در اینکـه مدیـرکلّ فلان تشـکیلات در شـهر مـا یا در اسـتان مـا مثلاً فـرض کنید که چه کسـی باشـد، چه کسـی نباشـد؛ اسـتاندار، فرمانـدار و از این قبیل حـالا یک وقت در مـواردی یک حالـت اضطراری ممکن اسـت رخ بدهد که آن موارد اسـتثنائی را من کاری نـدارم؛ اما به طور معمـول نمایندگان محترم از این مسـائل اجرائی باید کناره بگیرند، واردشـدن در این مسـائل و بـا مسـئول اجرائی در ایـن زمینه گفتگوکـردن و توافق‌کـردن و امثال این‌ها خطراتـی دارد؛ از این بایسـتی اجتناب بشـود[2].

لزوم استفاده و مشورت‌گرفتن از نمایندگان هر شهر برای انتصابات دولتی

یکی از مسـائل مهمّ قانون اساسـی همین مسـئله‌ی «تفکیک قوا» اسـت؛ یعنی شما بگذارید او کار خـودش را بکنـد، شـما هم کار خودتـان را بکنید؛ اگر ایرادی دارد به شـکل مناسـب و لازم ایـرادش را مطـرح کنیـد. البتّـه توصیـه‌ی من بـه دولتی‌ها هم همیشـه این بـوده؛ قبلاً هم همیشـه توصیه کرده‌ام، حالا هم توصیـه می‌کنم از نظرات نمایندگان اسـتفاده کنند. نماینده

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۲. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.

مال این شـهر اسـت، نماینده اهل این شـهر اسـت؛ یعنی اینجا را می‌شناسـد، مسائل اینجا را می‌دانـد، لـذا مغتنم اسـت مشورت بـا نماینده؛ او ایـن کار را باید بکند، شـما هـم متقابلاً ایـن‌جور بایـد عمل بکنید؛ بـه نظر من این مهم اسـت[۱].

لزوم تلاش همه‌جانبه و مخلصانه و صمیمانه

مـا احتیـاج به تلاش داریم؛ تلاش همه‌جانبه و عظیمی که بخشـی از آن را قـوّه مقنّنه و عمدتاً مجلـس شورای اسلامی بر عهده دارد. به‌هرحال، ما دیدگاهمان نسـبت به شـما، این اسـت. مردم دیدگاهشـان این اسـت. مـردم ما مردمی هسـتند متدیّن و فـدایی و علاقه‌مند به اسلام و اگـر کسـی را مورد اعتماد قـرار می‌دهند از صدر تا ذیـل، به این خاطر اسـت. حال بگذریم از افـرادی معـدود؛ آن خواصّی کـه امیرالمؤمنین در نامه به مالک‌اشـتر، او را از گرایش به آن‌ها بـر حـذر مـی‌دارد، کاری نداریـم بـا فلان آدمِ فرصت‌طلـب یا سـرمایه‌دار یا چه و چـه. بحثِ آن‌هـا نیسـت. بحثِ عموم مردم ماسـت. بحثِ توده مردم ماسـت. بحثِ کسـانی اسـت که کـشور و انـقلاب بـه آن‌هـا متّکی اسـت. در انقلاب هم بـه آن‌ها متّکـی بود. در جنـگ هم به آن‌هـا متّکـی بـود. امروز هم اگر مسـئله‌ای برای این کشور پیـش آید به آن‌ها متّکی اسـت. در تلاش اقتصـادی هـم بـاز به آن‌هـا متّکی اسـت. صحبتِ این‌هاسـت. این‌ها با دیـن سروکار دارنـد. نماینـده را متدیّـن می‌خواهنـد. در خدمت حقیقـت می‌خواهنـد. در خدمت اسلام می‌خواهنـد. خداونـد بایـد به همه مـا توفیق دهد و خـود ما هم بایـد تلاش کنیم[۲].

حرفـی کـه بنـده همـواره - از قبـل از شروع انتخابـات تابه‌حـال - در بـاب مجلـس داشـتم، ایـن اسـت که بایـد مخلصانـه و صمیمانـه کار کرد و همین اسـت کـه مؤثّر می‌افتـد و مردم می‌پسـندند و بـه آن دل می‌دهنـد. خطاسـت اگـر نماینـده‌ای بیایـد در تریبون بـاز مجلس بایسـتد؛ بـدون توجّه بـه اقتضائات مالـی و بودجه‌ای، بـدون توجّه به اولویت‌هـا، بدون توجه بـه برنامه‌هـایی که مجلس قاعـدتاً باید آن‌ها را تصویب کند، سـنگی بیندازد کـه «آقا، بیایید ایـن کار را بـرای حوزه انتخابیّـه مـن بکنیـد» قصدش هم این باشـد کـه به مردم آنجـا بگوید

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

«ببینید! من برای شما کار می‌کنم!» خطاست اگر خیال کنیم که این کار در جلب محبّت مردم نسبت به او اثر خواهد کرد و دیدید که نکرده است[۱].

لزوم کار مخلصانه برای نگه‌داشتن نظام اسلامی توسط نیروی قانون‌گذار

امروز در شرایطی خاص هستیم. نظامی به نام اسلام برافراشته شده و سر به آسمان کشیده است. این نظام در مقابل حرکت قلدرانه و کافرانه و استبدادی قدرت‌های بزرگ ایستاده و سنگ راه آن‌ها شده است. اگر نظام اسلامی نبود، امروز قدرت‌های بزرگ در جهت مطامع و هدف‌های نامشروع خودشان گام‌های موفق‌تری برمی‌داشتند. این، نظام اسلامی بود که این‌طور، احساس اسلامی را در ملت‌ها بیدار کرد. این، نظام اسلامی بود که در مردم دنیا و ملت‌های ضعیف، احساس امکان اتکابه‌نفس را دمید. این، نظام اسلامی بود که به ابرقدرت‌ها تفهیم کرد: چنین نیست که آنچه آن‌ها می‌خواهند عمل خواهد شد و تحقّق پیدا خواهد کرد!

این نظام در دنیا یک الگوی بسیار درخشان و یک بنای سر برافراشته‌ای شده است. نگه‌داشتن این نظام، تلاش مخلصانه لازم دارد. این تلاش مخلصانه در هرکس به‌گونه‌ای است. یک بخش از این تلاش مخلصانه، که خیلی هم مهم است، مربوط به نیروی قانون‌گذاری است. باید با اخلاص وارد شد و این بخش را تأمین کرد. امروز، این بار بر دوش شماست. دیروز بر دوش دیگران بود. فردا هم بر دوش دیگرانی دیگر خواهد بود. امروز در این لحظه، شما مخاطبید. ببینید چگونه عمل خواهید کرد. مصالح جامعه را رعایت کنید. اولویت‌ها را رعایت کنید. از اوقات مجلس، حداکثر استفاده را بکنید[۲].

اخلاص؛ عامل جذب دل مردم

چیزی که می‌تواند دل مردم را به‌طرف ما جلب کند - اگر جلب دل مردم لازم باشد که البته لازم هم هست - اخلاص لله است. این، راز قضیه است. یکی از حِکَم قرآنی و یکی از

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

حِکَم اسلامی، این است. این، خودش حکمت است. حکمت یعنی این‌که «من اصلح ما بینه و بین اللّه، اصلح اللّه ما بینه و بین النّاس»[۱] یعنی من و شما، اگر میانه خودمان را با خدا درست کنیم، خدا میانه ما را با مردم، درست خواهد کرد. راه دیگری وجود ندارد. حکمت، یعنی این! حقیقتی است فراتر از محاسبات مادّی و حقیر که چه ارتباطی دارد ما مخلصانه به این لایحه رأی بدهیم یا مخلصانه رأی ندهیم؟ یا مخلصانه این حرف را بگوییم؟ یا مخلصانه از گفتن این حرف استنکاف کنیم؟ این امضا را بکنیم یا این امضای را نکنیم؟ این، چه ربطی دارد به این‌که مردم به ما علاقه‌مند شوند؟ طبق محاسبات مادّی و ظاهری، گاهی اینها، هیچ ارتباطی با هم ندارد. اما، ماورای این محاسبات بسیار حقیر و کوته‌بینانه مادّی، محاسباتی حقیقی در عالم وجود، وجود دارد که آن، محاسبات حکمت‌آمیز الهی است[۲].

انجام تکلیف نمایندگی؛ عامل جذب محبت مردم

اگر شما برای خدا کار کردید و در راه خدا قدم برداشتید، خدا مشکل شما را با مردم، حل خواهد کرد. راه، این است؛ یعنی اگر انسان، حتی قصد جلب نفوس را هم داشته باشد، راهش این است که با صمیمیّت عمل کند. اما ما باید قصدمان از این هم بالاتر باشد. ما باید تکلیفمان را انجام دهیم. امام این را به ما یاد داد. امام این درس را مکرّر تکرار کرد. برادران و خواهران! ما امروز در شرایطی خاص هستیم. نظامی به نام اسلام برافراشته شده و سر به آسمان کشیده است. این نظام در مقابل حرکت قلدرانه و کافرانه و استبدادی قدرت‌های بزرگ ایستاده و سنگ راه آن‌ها شده است. اگر نظام اسلامی نبود، امروز قدرت‌های بزرگ در جهت مطامع و هدف‌های نامشروع خودشان گام‌های موفق‌تری برمی‌داشتند. این، نظام اسلامی بود که این‌طور، احساس اسلامی را در ملت‌ها بیدار کرد. این، نظام اسلامی بود که در مردم دنیا و ملت‌های ضعیف، احساس امکان اتکابه‌نفس را دمید. این، نظام اسلامی بود که به ابرقدرت‌ها تفهیم کرد: چنین نیست که آنچه آن‌ها

---

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۸۹.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

می‌خواهنـد عمـل خواهد شـد و تحقّق پیدا خواهـد کرد[۱].

لزوم قانون‌گذاری برای کل کشور نه فقط پیگیری امور حوزه انتخابی

همـگان از همـه اوضـاع مطّلـع هسـتند. این‌کـه نماینـده باید بـه فکـر حوزه انتخابیّـه خود باشـد، معنایـش ایـن اسـت. والّا این‌که مـا فرض کنیـم، نماینـده وظیفـه دارد بیاید بایسـتد آنجـا و مشـکلات حوزه انتخابیّـه‌اش را به عنوان وظیفـه نمایندگی بیان کند، نـه. این، وظیفه نمایندگـی نیسـت. بیـان مشـکلات حوزه انتخابیّـه، البتـه کار خوبی اسـت و اگر به شـکل صحیحـی انجـام گیـرد، مفیـد اسـت. امّـا این‌کـه ما خیـال کنیـم کـه نماینده فلان شـهر و فلان حوزه انتخابیّـه بـودن، معنایـش ایـن اسـت که بیاییـم و بگوییم آنجا آسـفالت نـدارد یا آب نـدارد یا دانشـگاه نـدارد یا چه و چـه، این وظیفه نمایندگی نیسـت. شـما بایـد قانونی را بگذرانیـد کـه بتوانـد امور همه جای کـشور را متکفّل شـود. بما فیـه حوزه نمایندگی شـما؛ تا مبـادا حوزه نمایندگی‌تان، از قانونی که همه‌جانبه وضع نشـده اسـت، بـه اقتضای کیفیّتش، خـارج بمانـد. مسـئله این اسـت. در این کار، بـرادران و خواهـران عزیز؛ باید بـا صمیمیت و اخلاص وارد شد[۲].

لزوم تقدیم مصالح ملی بر مصالح منطقه‌ای

نـگاه ملّی به همـه‌ی قوانین و برنامه‌های مصـوب مجلس، وظیفه‌ی عموم نمایندگان اسـت. انـواع سـلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسـی و اقوام ایرانـی و پیروان ادیان و اهالـی مناطق گوناگون کـشور در مجلـس حـضور دارنـد. همه‌ی تمـایلات منطقـه‌ای و قومی و بخشـی بایـد در پرتو نـگاه ملّـی برآورده شـود و بجـای قوانیـن کم‌عمق یـا کم‌عُمـر و کم‌اثر یـا غیرعملـی، قوانینی گره‌گشـا، پرتأثیـر، جامع و سـنجیده فراهم گردد[۳].

نماینـدگان محتـرم را به توکّل و حسـن‌ظن به وعده‌هـای خداوند قادر و اسـتقامت در صراط

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.

مستقیم الهی توصیه می‌کنم و از سرگرم‌شدن به زائده‌های جناحی و غالب ساختن انگیزه‌های شخصی بر مصالح عمومی برحذر می‌دارم[۱].

نکته‌ی آخر یادآوریِ این حقیقت است که هر یک از نمایندگان مجلس، نماینده‌ی همه‌ی ملّت ایران است؛ این بدان معنی است که کار اصلی نماینده تأمین منافع ملّی است. پیگیری مسائل حوزه‌ی انتخابیّه باید در چارچوب نگاه کلان به مسائل کشور انجام گیرد و از تصویب طرح‌های آبادانی به‌صورت افراطی و بیرون از حدّ طاقت بودجه‌ی عمرانی پرهیز شود[۲].

بایستی کارهای جزئی و ایراد نطق برای جلب‌توجه این یا آن را و این که فلان طایفه و اهل فلان شهر و فلان روستا از ما راضی شوند و فلان خطّ سیاسی از ما خوشش بیاید، این کلمه را بگوییم یا نگوییم، این تأیید را بکنیم یا نکنیم، کنار گذاشت. اینها کارهای مجلس نیست. بعضی معوّق کار مجلس است، بعضی هم خنثی است. اگر بعضی از نمایندگان به خاطر این که اهل حوزه انتخابیه خوششان بیاید، پیشنهادی بکنند و بگویند فلان‌جا فلان چیز را بسازید که دولت الان آمادگی و بودجه هم ندارد و در برنامه هم نیست، این کارها مناسب شأن نمایندگی نیست[۳].

مسئله‌ی بعد، ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌ای است؛ این هم از چیزهایی است که به زبان خیلی آسان است، اما در عمل خیلی مشکل است. بنده هم یک وقت در مجلس بوده‌ام و می‌دانم نمایندگی چگونه است؛ با مجلس هم که سال‌هاست سروکار داریم. مصالح منطقه‌ای را بر مصالح کلی ترجیح ندهید. من‌باب‌مثال عرض بکنم: به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به دولت‌ها و به رئیس‌جمهور از جمله‌ی توصیه‌هایی که سال‌هاست بنده دارم و الان هم توصیه می‌کنم و همین اواخر هم که رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آمده بود، باز به ایشان هم توصیه کردم، این است که طرح‌های نیمه‌تمام را

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۰۸.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳/۰۳/۰۶.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

در کشور زودتر جمع‌وجور کنید. ما چند هزار طرح نیمه‌تمام داریم؛ طرح‌هایی که باید سه سال یا چهار سال تمام می‌شده، اما ده سال یا گاهی بیشتر طول کشیده. چرا؟ یک مقدار از آن مربوط به ضعف مدیریت‌هاست، بخشی از آن هم مربوط به کمبود منابع است. اگر بخواهیم طرح‌های نیمه‌تمام را تمام کنیم، باید مجدداً طرح اضافه نکنیم؛ والّا این‌ها هم نیمه‌تمام خواهد ماند. بدیهی است که اگر بتوانیم پولمان را صرف کنیم و یک مدرسه بسازیم تا دانش‌آموزان بتوانند در کلاس سر میز بنشینند، این بهتر از این است که ساخت دو مدرسه را شروع کنیم و هر دو در مرحله‌ی سفت‌کاری بماند و تمام نشود؛ در نتیجه، یک دانش‌آموز هم سر کلاس نخواهد رفت. همت را بالا می‌گیریم و ساخت دو مدرسه را شروع می‌کنیم؛ اما یکی هم تمام نمی‌شود. این بهتر است یا این‌که بیاییم همان پول را صرف کنیم، یک مدرسه بسازیم و تمام کنیم تا دانش‌آموزان بروند سر کلاس بنشینند؟ طرح‌های منطقه‌ای فلان‌جا فرودگاه، فلان‌جا جاده، فلان‌جا اتوبان و... توقعاتی وجود دارد؛ نماینده هم این‌ها را به مجلس منتقل می‌کند و از آنجا به دولت منتقل می‌شود و در نتیجه، فشار دولتی‌ها هم بالاخره به هر دلیلی تسلیم می‌شوند و زیر بار می‌روند؛ اما نتیجه چیست؟ نتیجه این است که طرح‌های نیمه‌تمام ما اگر در حدود چهارهزار طرح است، می‌شود پنج هزار، می‌شود ده‌هزار کار سختی است، اما باید آن را تحمل کرد[۱].

نمایندگان محترم در قانون‌گذاری‌ها نگاهشان به کل کشور باشد. البته مصلحت منطقه‌ی خودشان را حتماً باید در نظر بگیرند - شکی نیست - لیکن آن مصلحت بایستی داخل بشود در مجموعه‌ی نگاه به کل کشور؛ والّا اگر قرار باشد که نماینده‌ی شرق برای شرق کار کند، ولو بر علیه غرب؛ نماینده‌ی غرب به نفع غرب کار کند، ولو بر علیه شرق، اینکه نمی‌شود. نماینده‌ی شرق بودن یا نماینده‌ی شمال بودن یا نماینده‌ی جنوب بودن خاصیتش این است که در وضع قانون، نیاز آن منطقه را شما می‌دانید و در قانون دخالت می‌دهید، نه اینکه قانون را فقط برای آن منطقه می‌نویسید؛ قانون برای همه است. این، نگاه عام به کشور در باب قانون‌گذاری[۲].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

یـک مسـئله در مورد قانون این اسـت کـه مصالح ملّـی را مقـدّم بداریم بر مسـائل منطقه‌ای. البتّـه شـماها کـه از مناطـق مختلـف کـشور آمده‌ایـد، خـب مـردم از شـما توقّعاتـی دارند، انتظاراتـی دارنـد؛ انتظـارات بـه‌طور کامـل قابل‌قبـول نیسـت، تا حـدودی قابل‌قبول اسـت، امّـا اینکـه حالا تـصوّر کنند که شـما کـه از آنجا آمدید، راهشـان، آبشـان، برقشـان، بودجه‌ی دولتی‌شـان، همه چیزشـان حل خواهد شـد، نه، خب اینکه امکان ندارد. شـما قهراً خودتان را موظّـف می‌دانیـد مقـداری بـه خواسـته‌ها و توقّعـات مـردم منطقـه توجّـه کنیـد. خب، تا حـدودی اشـکال نـدارد منتها تا آنجایی کـه معارض با مصالح ملّی نباشـد؛ گاهـی اوقات با مصالح ملّی معارض اسـت؛ فرض کنید در فلان اسـتان اصرار اسـت بر اینکـه فرودگاه ایجاد بشـود - خب فرودگاه از چیزهای پُرخرج اسـت؛ جزو موضوعات پُرخـرج و زیربناهای پُرخرج، یکـی فرودگاه اسـت - فـرض کنید فرودگاه لازم دارند. شـما نـگاه می‌کنیـد می‌بینید که خب ایـن فرودگاه بـرای اینجـا واقعاً لازم نیسـت؛ بله، یک امتیـازی برای آنجا اسـت لکن خب در همسـایگی آن در ایـن طرفـش در آن طرفـش فرودگاه‌های نزدیـک هسـت، من‌باب‌مثال؛ پول مملکـت را، توانایی‌هـای مملکـت را، فرصت‌هـای کـشور را صرف کنیم برای یـک چیزی که اولویّـت نـدارد! اینجـا شـما این مصلحـت ملّی را ترجیـح بدهید بـر آن مسـئله و مصلحت منطق‌هـای و محلّـی؛ بنابرایـن، بنـده نمی‌گویـم به‌کلی به خواسـته‌های منطقـی بی‌اعتنائی کنیـد کـه خب چنین چیزی امـکان ندارد، امّا آنجـایی که با مصلحت ملّی یـک معارضه‌ای دارد، حتـماً مصلحـت ملّـی را در قانون‌گـذاری رعایت کنید[1].

لزوم اتّحاد و انسجام داخلی در مقابل دشمن

امروز شـما ملاحظـه می‌کنیـد می‌بینید دشـمن غـدّار، ایـن جبهه‌ی دشـمن - فقـط آمریکا نیسـت؛ آمریکا خبیث‌ترین و قبیح‌ترینشان اسـت، والّا فقط آمریکا نیست؛ دشمن یک جبهه اسـت - همـه نیرویـش را متمرکز کرده بـرای اینکه جمـهوری اسلامی را بلکه بـه عقب‌نشینی وادار کنـد. البتّـه ایـن هـم جزو افتخـارات ما اسـت؛ اینکـه جبهه‌هـای قدرتمند سیاسـی و اقتصـادی در دنیـا همه‌ی توانشـان را روی‌هـم بگذارند بیایند مقابل انسـان، نشـان‌دهنده‌ی

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.

اقتداری است که در شما وجود دارد. اگر شما قوی نبودید، اگر شما مقتدر نبودید، آن‌ها لازم نبود این‌قدر خِیل و رَجِل جمع کنند، این‌همه نیرو و سیاهی لشکر دنبال خودشان راه بیندازند بیایند مقابل شما؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که شما قوی هستید، امّا بالاخره واقعیّت این است که دشمن همه‌ی نیرویش را به میدان آورده؛ نیروی اقتصادی را، نیروی سیاسی را، نیروی تبلیغاتی را می‌بینید؛ شاید بشود گفت هر روز یا لااقل هر دو سه روز یک‌بار این یاوه‌گوهای آمریکایی، آن وزیر خارجه و آن یکی دیگر و آن رئیسشان، حتماً یک چیزی راجع به ایران می‌گویند؛ یا در یک مصاحبه یا در یک مجمع مثلاً بین‌المللی یا اگر هیچ جا نباشد، لااقل در لابی صهیونیستی، یک چیزی، یک غُری، یک نِقی، یک حرف چرندی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌زنند. خب، این نشان‌دهنده‌ی این است که این‌ها بِجِد تصمیم گرفته‌اند که همه‌ی امکان تبلیغاتی خودشان را هم وارد میدان کنند؛ علاوه بر امکانات اقتصادی، امکانات این‌جوری را هم وارد میدان کنند. خب در این شرایط، تکلیف ما چیست؟ تکلیف ما اتّحاد داخلی و انسجام داخلی است که نشان‌دهنده‌ی وحدت در مقابل دشمن است. بله؛ اختلاف سلیقه داریم، اختلاف‌نظر داریم، بعضی افرادمان ممکن است همدیگر را قبول هم نداشته باشیم، امّا در مقابل دشمن، همه با هم دست‌به‌دست هم می‌دهیم، یک حرف می‌زنیم، یک فریاد می‌کشیم، یک اقدام می‌کنیم، یک حرکت انجام می‌دهیم[1].

اتحاد و مقابله با ایجاد اختلاف بین دستگاه‌های مدیریتی کشور توسط دشمن

یک نقطه‌ی دیگر - که آن هم خیلی واضح است - ایجاد اختلاف بین دستگاه‌های مدیریت‌کننده‌ی کشور است؛ این هم یکی از کارهای اساسی آن‌هاست. این مسئله را پنهان هم نمی‌کنند. نه اینکه نمی‌خواهند پنهان کنند؛ پنهان‌کردنی نیست. نوع کار دشمنان در این قضایای مهم و کلان و بین‌المللی اقتضا می‌کند که یک کارهایی را بکنند، یک چیزهایی را بگویند، اظهاراتی را داشته باشند؛ لذا این تدابیر و سیاست‌های دشمنان در پرده نمی‌ماند. می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند. این اختلاف را به هر شکلی بتوانند،

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

تزریـق می‌کنند؛ ما بایسـتی بیـدار باشیم. اختلاف سـلیقه، اختلاف‌نظر، اخـتلاف عقیده در مسـائل سیاسـی، نباید به چالـش میان جناح‌هـای کشور، میـان عناصر کشور منتهی شـود. گنـاه بزرگ فتنه‌گـران در سـال ۸۸ ایـن بـود کـه اگـر خوش‌بینانه نگاه کنیـم و بگوئیـم این‌ها یک شـبهه‌ای، خدشـه‌ای در ذهنشـان بود، این خدشـه را به‌صورت ایجاد چالـش برای نظام اسلامـی مطـرح کردنـد. این گنـاه بزرگ، قابـل اغماض هم نیسـت؛ آثـار آن هـم همچنان در جامعـه‌ی مـا موجود اسـت. البته ملـت، ملت بیداری اسـت. نصاب لازم در فهـم و بصیرت ایـن ملـت موجب می‌شـود که خیلـی از این حـوادث پوشیده بشـود و به‌تدریج آثـار آن زائل شـود؛ لیکـن این‌هـا بـه خاطر همیـن، ضربـه زدند. ایجـاد دعـوا، گریبـان یکدیگـر را گرفتن، ایجـاد اخـتلاف عمیق، یکی از کارهـای بسیار بد، بسیـار بزرگ و نکوهیده اسـت؛ این همان چیزی اسـت که دشـمن می‌خواهد. شـما در مجلس شورای اسلامی سـهم خودتان را در این زمینـه ایفـا کنید. ربطـی ندارد ایـن مطلب به اینکه آن کسـی کـه در مجلس اسـت، مال چه نحله‌ی سیاسـی اسـت، چه مذاق سیاسـی‌ای دارد؛ فرقی نمی‌کند؛ مسـئله، مسـئله‌ی دفاع از کـشور، دفـاع از انقلاب، دفاع از اسلام، دفاع از دسـتاورد بزرگ ملت ایران اسـت؛ این دیگر بیـن همه‌ی جناح‌ها مشـترک اسـت، مگر آن کسـانی که بیگانه‌انـد؛ والّا بیـن جناح‌هایی که معتقدند - حالا وابسـته به هر نحله‌ی سیاسـی می‌خواهند باشـند - مشـترک اسـت[1].

تسریع در قانون‌گذاری در مواقع ضروری و مورد نیاز دولت‌ها

البتّـه یـک تذکّر دیگر در مورد قانون این اسـت که گاهی دولت‌ها بـرای یک کار فوری احتیاج بـه قانـون دارنـد. این هم مـکرّر برای مـا اتّفـاق افتاده؛ یـک مسـئله‌ی فوری پیـش می‌آید در ارتبـاط بین‌الملـل در یـک کار اساسـی اقتصـادی در یـک مسـئله‌ی سـازندگی که بایـد فوراً اقـدام کننـد، قانون ندارنـد دولت‌هـا در این‌گونه مـوارد، راه آسـان را پیش می‌گیرنـد؛ می‌آیند پیـش مـا که رهبـری مـجوّز بدهد تا بـدون قانـون ایـن کار را انجام بدهنـد؛ بنده البتّـه غالباً امسـاک می‌کنـم، مگـر یک‌وقتی کـه حـالا از روی اضطرار ناچـار باشیـم. در این مـوارد بهتر اسـت کـه مجلس وقتـی در مقابل درخواسـت دولت قرار گرفـت - در موارد اضطـرار - تسریع

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

کنـد در قانون‌گـذاری؛ ایـن هم تذکّـر دیگـری در مورد قانون[۱].

لزوم رعایت انضباط در مجلس

آخریـن مطلـب، انضبـاط اسـت. مـن ایـن را عرض بکنـم؛ خیلـی از اوقـات که در گذشـته تلویزیـون مجلـس را نشـان مـی‌داد و مـن صندلی‌هـای خالـی را می‌دیـدم، پـای تلویزیون از مـردم خجالت می‌کشیدم و احسـاس شـرم می‌کـردم! ما به این مـردم گفته‌ایم پـای صندوق بیاییـد؛ آن‌هـا هـم آمده‌انـد و نماینده معیـن کرده‌اند؛ حالا چـه دارد مطرح می‌شـود؟ مطلب مهـم. به مجلس نـگاه می‌کنیـد، می‌بینیـد چهارتا صندلی خالی اسـت؛ یکی نشسـته، پنج تـا صندلـی خالی اسـت. بنده اینجـا پـای تلویزیون وقتـی این صحنـه را می‌دیـدم، حقیقتاً احسـاس شـرمندگی می‌کـردم. ایـن، بی‌انضباطی اسـت و مطلقاً نبایـد این را بـرای مجلس برتافـت. سـر وقت حاضرشـدن در کمیسیـون، حاضرشـدن در صحن علنی، حاضرشـدن و کارکردن، خیلی مهم اسـت[۲].

وقف کردن دوران نمایندگی در راه خدمت به مردم

بنـده گاهـی بـه آقایـان وزرا و مسـئولان گوناگـون دسـتگاه‌های مختلـف این نکتـه را عرض می‌کنـم؛ به شـما هـم عرض می‌کنم: این چهار سـال مسـئولیت را از دورانی که بناسـت برای آینـده‌ی مـادی زندگی‌تـان منشـأ سـودی باشـد، خارج کنید. ممکن اسـت انسـان شـصت سـال، هفتاد سـال، هشـتاد سـال عمـر کند؛ در طـول عمرش هـم بـرای آینده‌ی خـود فکر و تمهیـد و مقدمه‌سـازی داشـته باشـد - فلان چیز را بخریـم، فلان چیز را نگه‌داریـم - ولی این چنـد سـالی کـه وزیـر هسـتیم از دوره‌ای که بایـد به فکـر آینده‌ی خـود باشیم، خـارج کنیم. وکالت مجلس هم همین‌طور اسـت؛ این چند سـال را از آن دوره خـارج کنید. خیال خودتان را راحـت کنیـد؛ نخواهید پایـه‌ی زندگی آینده‌ی مـادی را در این چند سـال بچینید؛ نه، این چنـد سـال را وقف کنید؛ خـدای متعال به شـما عـوض خواهد داد[۳].

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

یـک وقـت در دوره‌ی جوانی بنـده قضیه‌ای پیش آمد و من در میـان دوراهی مهمی در زندگی شـخصی قـرار گرفتـم. برای مـشورت به شـخصی مراجعه کـردم و گفتـم اگر مـن بخواهم این کار را بکنـم در واقـع رو گردانـدن از دنیـا و آخـرت اسـت - یعنـی اگـر دنیـا هـم بخواهم، آن طـرف اسـت؛ آخـرت هم بخواهـم، آن طرف اسـت - آن شـخص تأملـی کرد و به مـن گفت: شـما بیـا برای خـدا این عملِ دیگـر را انجام بـده؛ خدا دنیـا و آخرت تـو را از آنجـا برمی‌دارد و بـه اینجـا مـی‌آورد. ایـن حرف تا اعمـاق دل مـن اثر کرد؛ لـذا به آن عمـل کردم. شـما برای خـدا ایـن چهار سـال را وقف کنیـد: مثل این‌که انسـان مالـی را، زمینـی را، خانـه‌ای را وقف می‌کنـد - و بگوییـد برای زندگـی و آینده‌ی خودمـان نمی‌خواهیم از این چهار سـال و از این موقعیـت اسـتفاده کنیم؛ خدای متعال هم متقابلاً چشـم شـما را روشـن می‌کنـد؛ هر طور که بـه مصلحت شـما باشـد، خدای متعـال کریم و اکـرمِ از شماسـت - اکرم الأکرمین اسـت - شـما چیـزی را در راه خـدا دادید، محال اسـت کـه او در مقابلـش چیزی به شـما ندهد[1].

پرهیز از غیبت و خالی بودن بیش از اندازه صندلی نمایندگان

بـه نظر مـن چیزی کـه در مجلس مهم اسـت، حـضور نمایندگان محترم سـر پُست‌هاسـت. برخـی از نمایندگان محتـرم به من گفتند تعطیلات مجلس زیاد اسـت؛ درباره‌ی این مسـئله مـن نمی‌توانـم اظهارنظـری بکنم؛ ایـن را هیئت‌رئیسـه‌ی محترم باید بررسـی کننـد؛ لیکن در همـان بخشـی که غیرتعطیـل و وقت کار اسـت، حضور باید منضبط، سـر وقـت و با رعایت دقیقـه و ثانیه باشـد؛ هم در داخل صحن مجلـس و هم در کمیسیون‌هـا، کار کمیسیون‌های تخصصـی هـم خیلـی مهـم اسـت. حـضور در کمیسیون‌هـا، سـر وقـت در کمیسیون‌هـا حاضرشـدن، کارکـردن، واقـعاً مطالعه‌کـردن، پیـش مطالعه‌کـردن، لوایـح را دیـدن، طرح‌ها را سـنجیدن با افرادی که لازم اسـت مشورت شـود، مشورت‌کردن، حتّی مباحثه‌کردن در داخل مجلـس قبـل از این‌که انسـان بـه مرحلـه‌ی تصمیم‌گیری برسـد - چه در کمیسیـون و چه در صحن مجلس - لازم اسـت[2].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

گاهی اوقات انسان می‌بیند خیلی از صندلی‌ها خالی است؛ به‌قدری که از نصاب جایز فراتر است! حالا یک تعدادی صندلی قهراً همیشه یک عذری برایش وجود دارد، اما بالاخره این یک نصابی دارد. گاهی که انسان می‌بیند از این نصاب بالاتر است، احساس می‌کند که بر طبق وظیفه عمل نشده است[۱].

پرهیز از رأی ندادن با وجود حضور در صحن مجلس

گاهی هم بعضی در مجلس هستند - این هم یک پدیده‌ای است - در رأی‌گیری شرکت نمی‌کنند؛ آقایان آن عقب مجلس می‌نشینند، گعده می‌کنند! این هم مصلحت نیست. یعنی هم حضور جسمانی در مجلس، هم حضور قلب در مجلس - یعنی متوجه آن مسئله بودن، حرف موافق و حرف مخالف را شنیدن - لازم است؛ این‌ها جزو وظایفی است که قوام نمایندگی به این‌ها است و نمی‌شود از این‌ها صرف‌نظر کرد؛ این‌ها خیلی چیزهای مهمی است. واقعاً درخواست من از برادران و خواهران عزیز نماینده این است که به این مسئله توجه کنند، اهتمام بورزند؛ هم برای حضور در مجلس به معنای حضور جسمانی و مادی؛ هم به معنای حضور معنوی و روحانی، یعنی حضور قلب و حضور ذهن؛ این مسئله‌ی مهمی است[۲].

لزوم استفاده از همه‌وقت مقرر برای مجلس

یک روز را هم نباید از دست بدهید؛ این نکته را من غالباً به برادران و خواهرانی که در جاهایی مسئول می‌شوند، عرض می‌کنم؛ به شما هم عرض می‌کنم. گاهی بعضی‌ها تصور می‌کنند چهار سال وقت دارند و دو سه ماهِ اول چیزی نیست. نه آقا همان دو سه روز اول هم مهم است. یک روز را هم نباید از دست داد. چهار سال، وقت زیادی است؛ به شرط آنکه از همه‌ی ساعات و روزهای آن استفاده شود؛ نه این‌که توقع زیادی داشته باشیم از همه‌ی وقتی که برای مجلس مقرر است، باید به نحو صحیح استفاده شود؛ آنگاه چهار سال، وقتِ واقعاً قابل عرضه‌ای است. یکی از نام‌های دارای افتخار در تاریخ

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

مـا - به همـان اندازه‌ای که واقعیت دارد - امیرکبیر اسـت. امیرکبیر در کشور ما سـه سـال در رأس دولت بوده اسـت. معلوم می‌شـود سـه سـال وقت خیلی زیادی اسـت. همه‌ی کارهایی کـه امیرکبیـر انجـام داده و همـه‌ی خاطـرات خوبی کـه تاریخ و ملـت ما از این شـخصیت دارد، محصـول سـه سـال اسـت؛ بنابرایـن چهـار سـال، وقـت کمی نیسـت - وقـت خیلی زیـادی اسـت - به شـرط این‌کـه از همه‌ی این وقت به نحو درسـت اسـتفاده شـود[1].

ارزشمندبودن وقت مجلس از تحصیل مال و تأمین آینده حتی تحصیل علم

یکـی از مسـائلِ مربـوط بـه بایدهـا و نبایدهای این مجلـس، این اسـت کـه ذرّه ذرّه وقت آن، قیمـت دارد. وقـت نبایـد هدر برود. بدیـن صورت که مثلاً در وقت معیّن، سـرِ ایـن مأموریت حـضور نداشـته باشیم یـا در هنگام مباحثـات در مباحثـات داخل نباشیم. فـرض کنید در حالـی که شـخصی بـه دفـاع از مسـئله‌ای می‌پـردازد و دیگـری رد می‌کند، ما بـرای خودمان مشـغول مطالعـه یـا مذاکـره باشیـم یـا فرصـت نمایندگـی را بـرای کارهـای غیـر نمایندگی مغتنـم بشـماریم. مـن عرض می‌کنم: شـغل نمایندگـی، اعزّ از مشـاغل دیگـر و قیمت وقتِ مجلـس، حتّـی از تحصیـلِ علـم بالاتر اسـت؛ چه رسـد به تحصیـل مال یـا تأمیـن آتیه! در داخـل مجلـس، همه اهتمام باید به کاری باشـد که در صحن مجلس یـا در داخل کمیسیون می‌گـذرد. ایـن، اسـاس قضیه اسـت[2]. بایـد مجلس این‌گونه باشـد. یـک دقیقـه از وقت این مجلـس نبایـد هـدر برود این قبیل مسـائل، جزو شـئون نمایندگی مجلس و چیزهایی اسـت کـه عزّت، عظمـت و قرارگرفتن مجلس در موضع حکمت، وابسـته به این‌هاسـت که اگر این رعایت نشـود، مجلـس از آن پایگاه خواهـد افتاد[3].

حضور به موقع در صحن و کمیسیون‌ها

حضور باید تأمین باشـد و حتماً همه در مجلس حاضر باشـند؛ مگر این‌که اضطراری باشـد. خـدای متعال هـم در نماز و روزه، اضطرار را به شـکلی قبول فرموده اسـت. آن، بحث دیگری

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.

است. در غیر موارد اضطراری، همه نمایندگان در سر مأموریتشان حاضر می‌شوند؛ در حالی که استراحت کرده‌اند و برای لایحه مورد بحثشان، پیش مطالعه کرده‌اند و آماده‌اند که راجع به لایحه دولت یا طرحی که در مجلس مطرح است، منصفانه از روی کمال بینش و دقت و با استفاده از نظرات کارشناسی، نظری بدهند و تصمیمی بگیرند[۱].

به نظر من چیزی که در مجلس مهم است، حضور نمایندگان محترم سر پُست‌هاست. برخی از نمایندگان محترم به من گفتند تعطیلات مجلس زیاد است؛ درباره‌ی این مسئله من نمی‌توانم اظهارنظری بکنم؛ این را هیئت‌رئیسه‌ی محترم باید بررسی کنند؛ لیکن در همان بخشی که غیرتعطیل و وقت کار است، حضور باید منضبط، سر وقت و با رعایت دقیقه و ثانیه باشد؛ هم در داخل صحن مجلس و هم در کمیسیون‌ها کار کمیسیون‌های تخصصی هم خیلی مهم است. حضور در کمیسیون‌ها، سر وقت در کمیسیون‌ها حاضرشدن، کارکردن، واقعاً مطالعه‌کردن، پیش مطالعه‌کردن، لوایح را دیدن، طرح‌ها را سنجیدن، با افرادی که لازم است مشورت شود، مشورت‌کردن، حتّی مباحثه‌کردن در داخل مجلس قبل از این‌که انسان به مرحله‌ی تصمیم‌گیری برسد - چه در کمیسیون و چه در صحن مجلس - لازم است[۲].

یک مسئله‌ی دیگری که من بارها این را به نمایندگان محترم در دیدارها عرض کرده‌ام و به شما هم عرض می‌کنم، مسئله‌ی حضور به‌موقع در کمیسیون‌ها و در صحن مجلس است. گزارش‌هایی که می‌آید خیلی خرسندکننده نیست در این مورد؛ گاهی گفته می‌شود که در کمیسیون‌ها امکان رأی‌گیری به‌خاطر به حدنصاب نرسیدن حضور نمایندگان نیست؛ بایستی هر نماینده‌ای خود را موظّف بداند که در تمام ساعات و دقایقی که لازم است در مجلس باشد یا در کمیسیون باشد، حضور پیدا کند[۳].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

لزوم حضور نمایندگان در صحن علنی مجلس

موضوع سوّم، مسئله‌ی حضور نمایندگان است. من یک‌بار در یک مجلسی که نمایندگان یکی از مجالس دوره‌های گذشته اینجا جمع شده بودند، یک جمله‌ای گفتم که البتّه مایل نیستم نسبت به این مجلس بگویم آن مطلب را، لکن به آن‌ها این‌جور گفتم؛ گفتم من وقتی تصویر جلسه‌ی عمومی مجلس را در تلویزیون می‌بینم، از مردم خجالت می‌کشم، چون خیلی از صندلی‌ها خالی است. این مهم است؛ حضور در صحن مجلس و حضور در کمیسیون‌ها لازم است[۱].

لزوم حضور با آمادگی نمایندگان در صحن و کمیسیون‌ها

لزوم دوّم، آمادگی است؛ یعنی شما پیش مطالعه کنید. خدا رحمت کند مرحوم آقای اختری را. ایشان وقتی که نماینده‌ی مجلس بود به من گفت - به نظرم گفت چند ساعت - من قبل از مجلس مطالعه می‌کنم؛ می‌گفت در مورد این قانونی که امروز بنا است مطرح بشود، من چند ساعت می‌نشینم مطالعه می‌کنم، اطرافش را می‌سنجم یا احیاناً مثلاً با کارشناس مطرح می‌کنم. این‌جوری باید باشد؛ یعنی مجلس یک کار اساسی است. این‌جور نیست که یک کار فرعی در کنار کارهای دیگر باشد؛ نه، کار اصلی برای نماینده در این چهار سال است. کار اصلی این است؛ باید در کمیسیون‌ها و در صحن مجلس با آمادگی کامل و با مطالعه وارد شد[۲].

لزوم بررسی و مطالعه و احساس مسئولیت در هنگام رأی‌دادن به طرح و لوایح

لایحه‌ای به مجلس می‌آید - بنده خودم هم در مجلس بودم و این موارد را از نزدیک تجربه کردم - وقتی که لایحه به کمیسیون داده می‌شود و در معرض دید این نماینده قرار می‌گیرد، گاهی با این لایحه مثل یک کار مربوط به شخص خود رفتار می‌کند؛ دقت می‌کند، مطالعه می‌کند، تحقیق می‌کند با کارشناس می‌نشیند مباحثه می‌کند، مطلب را در ذهن

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

خـود بـه‌صورت محقَّق ترسیـم می‌کند؛ گاهی هـم نه لایحـه می‌آید یا مثلاً طرحـی در مجلس می‌خواهـد تصویـب شـود، ایـن نماینـده خیلـی محتوای لایحـه و طـرح را نمی‌دانـد، خیلی احسـاس مسـئولیت نمی‌کنـد، رسیدگـی نمی‌کند؛ نـه در کمیسیـون، نـه در صحن مجلس ایـن رأی «آری» یـا «نـه» او به یک چنیـن لایحه یا طرحی، خالی از شـبهه نیسـت؛ رأی ممتنع او هـم خالی از شـبهه نیسـت. ما که نیامدیـم اینجا بنشینیـم رأی ممتنع بدهیم؛ مـا آمده‌ایم بگوئیـم ایـن بشـود، ایـن نشـود رأی ممتنع مـال آنجایی اسـت که انسـان زحمت خـودش را کشیـد، کار خـودش را کـرد، بالاخره ذهنـش به جـایی نرسید؛ خـب، اینجا البته انسـان رأی ممتنـع می‌دهـد؛ مثـل فقیـه و مجتهـدی که زحمـت خودش را می‌کشـد بـه منابـع مراجعه می‌کنـد، ادلـه‌ی اجتهـادی و ادلـه‌ی فقاهتـی را می‌بینـد، بعد ذهنـش به جایی نمی‌رسـد؛ می‌گویـد خـب، اینجـا احتیـاط کنید؛ می‌گویـد من رأی نـدارم، فتـوا نـدارم. رأی ممتنع مال اینجا اسـت؛ امـا اینکه مـا مطالعه نکنیـم، کار نکنیم، بعد بـرای اینکه خودمـان را اسیر آری یـا نه بی‌دلیل و غیرمسـتند نکـرده باشیـم، می‌گوئیم خیلی خـوب، ما رأی ممتنـع می‌دهیم! این نمی‌شـود، پـس یکی از کارهای بسیار مهـم و لازم و اصلی در مجلـس، همین کار بر روی لوایح اسـت؛ چه لوایحی که دولت می‌فرسـتد، چـه طرح‌هایی که خود شـما در مجلس آن‌ها را تنظیـم می‌کنیـد. واقعاً باید کار شـود. هر کس اگر اهـل اجتهاد در این فن اسـت به‌صورت اجتهـادی؛ و اگـر چنانچـه خودش صاحب‌رأی نیسـت با مشـاوره گرفتن از ایـن و آن به یک نتیجـه‌ی قطعی برسـد؛ این یکی از کارهای بسیار اساسـی اسـت[1].

مبارزه با فساد

از جملـه‌ی مهم‌ترین کارها، مبارزه‌ی با فسـاد اسـت. مبارزه‌ی با فسـاد، یـک جنبه‌ی اخلاقی محض نیسـت؛ اداره کشور متوقف به مبارزه‌ی با فسـاد اسـت. بنده دو سـه سال پیش که آن نامـه را دربـاره‌ی مبارزه‌ی با فسـاد به مسـئولان کشور نوشـتم، به دنبال یـک کار طولانی و یک بررسـی و مطالعـه‌ی وسیع و همه‌جانبه بـود. از هر طرف می‌رویم، می‌بینیم اگر با فسـاد مبارزه نشـود، همـه‌ی کارها لنگ خواهـد ماند. این همـه کار خـوب دارد در کشور انجـام می‌گیرد -

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

کارهـایی کـه انجـام گرفته، کم نیسـت - امـا وجود فسـاد، بعضـی از آن‌ها را خنثـی می‌کند. اسـتخری را در نظـر بگیریـد کـه از چنـد چـاه عمیـق با لوله‌هـای چنـد اینچی مرتـب در آن آب ریختـه می‌شـود، اما اسـتخر پُر نمی‌شـود. وقتی نـگاه می‌کنید، می‌بینید بدنه‌ی اسـتخر تـرک‌خورده و تـه آن سوراخ اسـت؛ هرچه از این طـرف آب می‌ریزید از آن طـرف بیرون می‌رود؛ بـه کانال‌هایی که شـما در نظـر گرفته‌اید آبیاری کنید، اصلاً آب نمی‌رسـد. فسـاد در جامعه، این‌طوری اسـت. فسـاد مالی، مثل خوره، ایدز و سـرطان اسـت؛ بایـد با آن مبارزه کـرد. البته نبایـد بزرگ‌نمـایی کرد. بعضی‌هـا جنجال و بزرگ‌نمـایی می‌کنند و طوری حـرف می‌زنند که کانّـه این سـرطان همه‌جـا را گرفته؛ نخیـر، این‌طوری نیسـت. این‌همه ما دسـت‌های پاکیزه، چهره‌های پاکیزه و انسـان‌های پاکیزه در دسـتگاه‌های گوناگون از بالا تا پایین داریم؛ اکثریت هـم با این‌هاسـت؛ منتهـا یک نقطه‌ی فسـاد، همـه‌ی بدن را آلـوده می‌کند. وقتـی یک جای بدن بیمار می‌شـود و درد می‌گیرد - مثلاً وقتی دندان فاسـد می‌شـود - انسـان شـب خوابش نمی‌بـرد. قلب، سـالم؛ معده، سـالم؛ ریه، سـالم؛ جریـان خون، سـالم؛ اما یک دندانِ ناسـالم خـواب را از انسـان می‌گیرد. فسـاد، این‌طوری اسـت؛ باید با فسـاد مبارزه‌ی جـدی کرد. یک پایـه‌ی مبـارزه، شـمایید. آن روزی کـه بنـده مسـئله‌ی مبـارزه‌ی با فسـاد را گفتـم، توقعم این بـود کـه مجلـس شورای اسلامی سینه سـپر کنـد و جلـو بیایـد و در این میـدان حرکت کند تـا مـا دیگر احتیـاج نداشـته باشیم دنبـال کنیم؛ اما متأسـفانه این‌طور نشـد. آن‌هـا نکردند، شـما بکنید. البته به قول برادر ظریف و نکته‌سـنجمان با دسـتمال کثیف نمی‌شـود شیشـه را تمیـز کـرد. اگر انسـان بخواهـد با فسـاد مبارزه کنـد، باید در درجـه‌ی اول مراقب باشـد که فسـاد دامـن خـودش را نگیـرد. داخـل خودتـان و درون مجلس مراقـب باشید. دسـت‌پاک، دامن‌پـاک، زبان پاک و چشـم‌پاک خواهد توانسـت در حوزه‌ی اقتدار وسیعی که شـما دارید، همه چیـز را کند[1].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.

حافظ منافع توده مردم بودن نه سرمایه‌دار و شرکت و کارتل و...

در بسیاری از مجالس کشورهای سرمایه‌داری معمول و رایج است که نماینده علناً به زبان می‌آورد و در عمل هم نشان می‌دهد که حافظ منافع شرکت‌ها و کارتل‌ها و تراست‌ها و کمپانی‌های گوناگون است؛ از این کار ابایی هم ندارد. مقاصد و منافعی را که کمپانی‌های بزرگ و مراکز عظیم مالی - که بیش‌ترین ظلم دنیا از سوی آن‌هاست - تعریف می‌کنند، این‌ها در مجالس دنبال قانون‌گذاری و ردیف‌کردن کار آن‌ها هستند؛ این بزرگ‌ترین نقطه‌ی ضعف آن‌هاست. نماینده‌ی مردم باید نماینده‌ی توده‌ی مردم باشد؛ بخصوص نماینده‌ی کسانی باشد که به حضور نماینده‌شان در سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور بیشتر نیاز دارند؛ آن‌هایی که دستشان به جایی نمی‌رسد و محرومیت بیشتری را دارند. پس در درجه‌ی اول، نمایندگی از مردم محروم را برای خودتان تعریف کنید، درست است که هر یک از شما نماینده‌ی همه‌ی ملت ایرانید؛ نماینده‌ی جمع خاصی، نماینده‌ی آن منطقه و نماینده‌ی فقط رأی‌دهندگان نیستند - مجلس، نماینده‌ی همه‌ی ملت ایران است - اما درعین‌حال برخی از اقشار ملت ایران به حضور نماینده‌ی خود در مناطق تصمیم‌گیری نیاز دارند؛ چون محروم‌اند، چون مشکلات دارند، چون از فقر و کمبود امکانات و تبعیض‌ها رنج می‌برند و از فسادهایی که دیگران به راه می‌اندازند، آن‌ها صدمه می‌بینند؛ بنابراین خودتان را در درجه‌ی اول، نماینده‌ی این‌ها بدانید.

پرهیز از اشرافی‌گری

نمایندگان محترم غالباً وابسته به قشرهای متوسط و برخاسته از متن توده‌های میلیونی مردم‌اند، توقع می‌رود که میان آنان و توده‌های مردم به‌ویژه مستضعفان و محرومان، رابطه‌ای مداوم برقرار باشد و رنج‌ها و محرومیت‌ها و خواست‌های حقیقی و فوری این قشرها در مجلس که خانه‌ی ملت و محل امید آن است، انعکاسی شایسته بیابد، نماینده‌ای از همت و نظر بلند برخوردار است که از صف صدرنشینان و برخورداران عبور کرده خود را به دورافتادگان و کوته دستان برساند و با آنان و برای آنان باشد[1].

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار ششمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۰۶.

نماینـده‌ی ملت از جنس ملت اسـت. شـما نـه از قصرهای رفیـع و خاندان‌های اشـرافی که از متـن مـردم از مدرسـه و حوزه و دانشـگاه و از میدان‌هـای کار بـه مجلس گسیل شـده‌اید. ایـن رابطـه و ایـن منش را پـاس بداریـد و برای خـود نـگاه دارید. خـوی اشـرافی و گرایش به اسـراف و طعمـه انگاشـتن ایـن مسـئولیت، بلای بزرگی اسـت کـه گاه مردمِ سـابقاً نجیب و پارسـا هم ممکن اسـت نتوانند خـود را از آن برحذر بدارند. همه باید به‌شـدت مراقب خویش باشیم و دوره‌ی مسـئولیت خود را، حسـنه‌ای ماندگار و نه سیئه‌ای دامن‌گیر، بسـازیم. در این کار دشـوار کمک خواسـتن متضرعانـه از خداوند رحیـم و قدیر و مراقبت از خـود، بزرگ‌ترین کمک‌کار توانـد بود[1].

یک مسـئله‌ی مهمّ دیگری که فقط مسـئله‌ی شـما نیست و مسـئله‌ی کشور است، مسئله‌ی اشـرافی‌گری اسـت؛ بلای اشرافی‌گری، بلای بزرگی اسـت. برای بنده تصویر یک ساختمانی را کـه بـا پول بیت‌المال در یک نقطه‌ای سـاخته شـده اسـت آوردند، من حیرت کـردم واقعاً که چطور جرئت شـده اسـت، چطور دست‌ودل کسـی به او اجازه داده اسـت که پول بیت‌المال را صـرف یـک چنین چیزی بکند مسـئله‌ی اشـرافی‌گری اگر چنانچه رایج شـد، جزو سـبک زندگـی مـا شـد، آثـار و تبعـات آن و ریزش‌هـایی که بـه وجـود می‌آید، دیگـر انتهائـی ندارد، خیلی مشـکل اسـت، خیلی کار را مشـکل خواهد کرد؛ این را بایسـت در نظر داشته باشید[2].

انتقادپذیری

انتقادپذیری مسـئولان - که جزو برنامه‌های این مجلس ذکر شد - از اساسی‌ترین کارهاست[3]. یک نکته‌ی دیگر این اسـت که مجلس جای گفتگوسـت. سـطح گفتگوها هـم علی‌القاعده بالاسـت؛ چون سـطح فکـر و علم و معرفت دوسـتان بحمدالله بالاسـت. اظهارنظر می‌شـود، مشورت می‌شـود، جای مشـاوره اسـت. آنـی که مـن می‌خواهم تأکیـد کنم و به همه‌ی شـما بـرادران و خواهـران عرض کنم، این اسـت کـه روحیه‌ی تحمـل حرف مخالـف را در مجلس

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۳. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

بـالا ببریـد. یک چیـزی برخلاف نظر شماسـت؛ خـوب، بگوید؛ آسـمان که به زمیـن نمی‌آید. گـوش کنیـد، بعـد هم بـا اسـتدلال آن را رد کنیـد. اگر وقـت ردکردن و جـواب گفتـن ندارید برطبق آن رأی ندهید، عمل نکنید. اگر رفیقی، دوسـت و آشـنائی داریـد که می‌خواهید ذهن او را روشـن کنیـد، خیلی خوب، آهسـته بـه او بگوئید. نگذاریـد گفتن‌هـا و اظهارنظرکردن‌ها ابتـر و ناقـص بمانـد. متأسـفانه در مجالـس مـا از اوائل هـم این حالـت بود که یـک عده‌ای وسـط صحبتی، وسـط حرفی، پرخاشـگرانه صدا را بلند کنند و حرف بزنند. من یادم هسـت، زمـان ریاسـت جمهوری یک‌بار رفتـم مجلس برای یـک موضوعی، یک سـخنرانی در مجلس داشـتم؛ سـخنرانی طولانـی و مفصلـی هم شـد. یکـی از نمایندگان کـه با ما دوسـت هم بود، امـا زاویـه داشـت دیگـر - از لحاظ افکار سیاسـی، یـک زاویه‌ای با ما داشـت کـه آن وقت‌ها می‌دانیـد یـک مقداری برخوردها تندوتیـز بود - از آن ته مجلس هـی شروع کرد با صدای بلند حـرف‌زدن؛ بـه قـول آقایان پارازیـت دادن، مـن می‌گفتم خوب، بـرادر عزیز! مـن حرف‌هایم را می‌زنم، شـما هم قبول نکن؛ اینکه اشـکالی ندارد ساکت می‌شـد، اما بعد از یک لحظه‌ای باز صدایـش را بلنـد می‌کرد. او را بعد دیدم، گفتم شـما چـرا این‌جوری می‌کنیـد؟ خوب، حرف را گـوش کنیـد؛ بعـد هم بیایید شـما بایسـتید آنجا - مجلس اسـت، مال شماسـت - حرف خودتـان را بزنیـد من که آمدم حـرف بزنـم، رئیس‌جمهورم، مـی‌روم بیرون؛ مجلـس در اختیار شماسـت؛ هرچـه خواسـتید، بگوئیـد، گفت نه نکته‌اش این اسـت که شـما وقتـی می‌گوئید در دل بعضی‌هـا اثـر می‌گذارید؛ مـن می‌خواهم از همیـن اثر جلوگیری کنم! خـوب، این یک روشـی اسـت؛ اما به نظر من روش مجلـس شورای اسلامی مجمع نخبـگان جامعه‌ی اسلامی نیسـت. ما تـوی بحث‌هـای طلبگی خودمان همیشـه عـادت کـرده بودیم. رسـم بحث‌های طلبگـی، حـرف تو حـرف آوردن اسـت؛ یعنـی یک نفـر بنـا می‌کند، اسـتدلال‌کردن؛ وسـط حـرف او می‌گوینـد: نخیر، این‌جوری نیسـت؛ او می‌گوید نخیر، این‌جوری نیسـت، بحث‌ها غالـباً هـم به آخر نمی‌رسـد. شـنفتید بحث‌های طلبگـی که کتاب بـه هم می‌زننـد و اینها؟ ایـن ناشـی از همیـن اسـت. یواش‌یواش توی حوزه از سـال‌ها پیـش این عادت رایج شـد که در مباحثـات، انسـان گوش کنـد؛ حرف‌هایی که به نظر انسـان غلط، خلاف واقع، سسـت و ضعیـف می‌آیـد، همه‌ی این‌هـا را گوش کند؛ بعد بگویـد خیلی خوب، حالا شـما گوش کن؛

ایـن حرفـت جوابش این اسـت، این حرفت خدشـه‌اش این اسـت. بعضی از رفقـای ما، من می‌دیـدم، می‌بینـم تـا ایـن اواخر هم آن حالـت را حفـظ کرده‌انـد؛ حرف‌هایشـان را می‌زنند، آدم گـوش می‌کنـد تـا حرف‌ها تمام می‌شـود؛ بعد کـه انسـان شروع می‌کند به حـرف‌زدن، باز آن‌هـا شروع می‌کنند همین‌طور هـی جواب‌دادن! این باب یک مجلسـی مثل مجلس شورای اسلامی نیست.

بنابرایـن، هـم به ایـن معنا که انسـان در مجلس حالت تحمـل را بالا ببرد، هم به اینکه سـعی شـود اظهارنظرها از سـر لجاجت نباشـد، توجه شـود؛ البته گفتنش آسـان اسـت، اما عملش سخت است[1].

مـن قـبلاً به برخـی از نماینـدگان محتـرم این نکتـه را عرض کـرده‌ام، حـالا هم چـون همه‌ی شـما تشریـف دارید، به شـما هـم می‌گویم: مجلس جـای گفتگـوی حکیمانـه و خردمندانه اسـت. شـما یک حرفـی می‌زنیـد، اسـتدلالی داریـد، اسـتدلالتان را ذکـر می‌کنیـد؛ بعد نفر بعـدی می‌آیـد، می‌گویـد به این دلیل، حرف ایشـان غلط اسـت، استدلالشـان غلط اسـت؛ بالاخـره مجموعـه هم یـا به این رأی می‌دهـد یا بـه آن رأی می‌دهد؛ این درسـت، اگر چنانچه وقتی شـما داریـد حرف می‌زنیـد، دیگری مـثلاً شروع کند به دسـت‌زدن یا هیاهوکـردن، برای اینکه صدای شـما به گوش آن مسـتمع نرسـد، این کار، کار حکیمانه اسـت؟ کار خردمندانه اسـت؟ این عادت باید در مجلس ریشـه‌کن شـود که وقتی یک نماینده‌ای دارد حرف می‌زند یـا یک وزیـری، یک مسـئول دولتـی‌ای دارد حـرف می‌زند از یک‌گوشـه‌ی مجلـس چهار نفر شروع کننـد یک صدایی در آوردن! این خیلی چیز بدی اسـت. متأسـفانه در مجلس هشـتم ایـن بـود؛ مـن نمی‌دانم حـالا در مجلس هفتم هم بـود یا نه. مـن اوّلی که با ایـن قضیه برخورد کـردم، حیـرت کـردم: مگـر چنین چیـزی ممکن اسـت؟ دیدیـم بله، هـم ممکن اسـت، هم واقع اسـت! در مجلس اتفـاق افتاده. مجلس جای این حرف‌ها نیسـت بلـه، در اجتماعات عمومـی، مـردم عامـی ممکن اسـت از این کارهـا بکنند؛ یکـی می‌آید حرف می‌زنـد، دیگری صـدایی در می‌آورد در تاریخ، همیشـه هـم از این کارها بوده در قرآن هسـت که: ﴿و هم ینهون

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

عنه و ینئون عنه﴾[۱]؛ وقتی پیغمبر حرف می‌زد، یک عده‌ای نمی‌گذاشتند صدا به گوش دیگران برسد؛ هیاهو می‌کردند؛ اما این باب جمهوری اسلامی نیست؛ آن هم در مجلس شورای اسلامی مجلس شورای اسلامی جای حرف است طرف کاملاً حرفش را بزند، تمام کند؛ بعد اگر حرفش غلط است، غیرمنطقی است، جنابعالی وارد شوید، استدلال کنید، بگوئید نخیر، این حرف آقا هیچ منطقی ندارد، هیچ مبنایی ندارد؛ ردش کنید این کار اشکال ندارد[۲].

پرهیز از تعرض به آبروی دیگران

یکی از چیزهایی که در مجلس واقعاً نشانه‌ی سلامت است، پرهیز از تعرض به آبروی این و آن است. خب، یک منبری در اختیار شماست؛ این منبر، منبر عمومی است. شما وقتی حرف می‌زنید، پشت یک بلندگوی ملی دارید حرف می‌زنید؛ به گوش همه می‌رسد اگر در این فرمایشاتی که شما در مجلس می‌فرمایید، مطلبی باشد که تعرض به آبروی کسی باشد، متهم‌کردن یک کسی باشد - ولو به نظر شما گناهکار است، لیکن گناهش ثابت نشده - یا تعرض به یک امری باشد که ولو اصلاً واقع هم باشد، وظیفه‌ی من و شما نیست به آن بپردازیم؛ مثلاً مسائل خصوصی افراد، چرا باید در مجلس در پشت بلندگوی مجلس، اسمی از این چیزها آورده شود؟ از این‌ها باید به‌شدت پرهیز کرد. اگر از این‌ها پرهیز شد، نشانه‌ی سلامت است[۳].

پرهیز از اظهارنظر از سر لجاجت

بنابراین، هم به این معنا که انسان در مجلس حالت تحمل را بالا ببرد، هم به اینکه سعی شود اظهارنظرها از سر لجاجت نباشد، توجه شود؛ البته گفتنش آسان است، اما عملش سخت است. من واقعاً قبول دارم که عملش هم سخت است. گاهی انسان از روی لجاجت از روی ستیزه‌گری و مخالفت با فلان زیدی یا فلان جریانی یا فلان گروهی

۱. سوره أنعام, آیه ۲۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.

اظهارنظری می‌کند؛ این درست نیست؛ یعنی حرف‌زدن بر اساس لجاجت و بر اساس زورآزمائی شخصی و جناحی و این‌ها نباید باشد. حرف هر کسی را، ولو آن کسی که حرف می‌زند، جزو جریان شما و گروه شما و جبهه‌ی شما و هرچه که می‌خواهید اسمش را بگذارید، نیست، گوش کنید؛ اگر دیدید حرف درستی است، آن وقت «فیتّبعون احسنه» حکمت قرآنی را ملاحظه کنید: ﴿یستمعون القول فیتّبعون احسنه﴾[1] باید استماع کرد؛ بعد هرچه بهتر است، انسان قبول کند؛ ولو آن بهتر از زبان کسی در بیاید که انسان او را دوست ندارد، قبول ندارد. این خیلی حالت خوبی است. اگر این پیش بیاید، خیلی خوب است؛ برخلاف اینکه انسان تا دید این کسی که پا شده، جزو جناح مخالف است، جزو گروه منفی است از نظر من، از همان اول بنا بگذارد که او را رد کند. این به نظرم خیلی مسئله‌ی مهمی است. علمی و استدلالی و فکرشده عمل بشود، سالم و اخلاقی گفتگو و مشورت بشود، از سر لجاج نباشد، تحمل نظر مخالف وجود داشته باشد[2].

لزوم توجه به حفظ آبروی افراد در نطق‌های مجلس

یک مسئله هم مسئله‌ی آبروی افراد است؛ مراقب آبروی افراد باشید. گاهی اوقات انسان می‌بیند فرض کنید در یک صحبتی یا در یک نطقی در مجلس - بلندگوی مجلس با مثلاً فلان پایگاه اینترنتی و فضای مجازی فرق دارد؛ اینجا یک مرکز مهمّ مسئول است - از این بلندگو گاهی اوقات راجع به یک کسی یک چیزی گفته می‌شود که تحقیق‌نشده است! خب وزر و وبال این کار پاک‌شدنی نیست؛ چه جوری می‌خواهید وزر و وبال این را پاک کنید؟ اگر بعد ثابت شد برای خودتان که مثلاً این حرف خلاف بوده، آدم چه جوری می‌خواهد جبران کند؟ یعنی خیلی مشکل است؛ البتّه ممکن است جبرانش، امّا بسیار مشکل است. مراقب باشید این انجام نگیرد[3].

---

۱. سوره زمر، آیه ۱۸.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

ایجاد آرامش و امیدآفرینی با حرف نمایندگان در جامعه

مجلس همیشه برای همه - برای مردم و برای مسئولان - نقطه اساسی امید است. کار مهمِ شما این است که نگذارید این امید ضعیف شود[۱].

این حرف و سخنی که شما در منبر مجلس بیان می‌کنید باید در محیط جامعه امید بیافرینند، آرامش بیافرینند؛ البتّه خوشبختانه حالا چندی است که مجلس این حالت را دارد؛ سابق‌ها، در یک برهه‌ای از زمان، بلندگوی مجلس را که انسان باز می‌کرد، از درونش دعوا و اختلاف و مانند این‌ها بیرون می‌آمد؛ حالا بحمدالله این‌جور نیست، مجلس اختلاف‌برانگیز نیست و تا حدود زیادی واقعاً آرامش‌بخش است؛ این مهم است. آنچه در مجلس گفته می‌شود و از زبان نماینده صادر می‌شود، نشانه‌ی عقلانیّت مجلس باشد، نشان‌دهنده‌ی این باشد که از روی فکر دارد کار می‌شود و صحبت می‌شود؛ مستمع این تلقّی را پیدا کند؛ این خیلی تأثیر می‌گذارد، نشان‌دهنده‌ی پایبندی به اصول انقلاب باشد. خیال نکنیم که خوشایند زید و عمروی که در خانه‌های خودشان در فلان گوشه‌ی دنیا نشسته‌اند، باید روی حرف ما تأثیر داشته باشد؛ نه، ما اصولی داریم، آرمان‌هایی داریم، تکالیف مسجّلی داریم که پایبندی به این‌ها در بیانات نمایندگان محترم باید نشان داده بشود[۲].

لزوم نقش‌آفرینی صحیح با توجه به تحولات دنیا و منطقه

امروز کشور و منطقه‌ی ما در شرائط ویژه‌ای به سر می‌برد. حضور نیروهای متجاوز و اشغالگر آمریکائی و انگلیسی در عراق و تحریکات مستکبرانه و ابلهانه‌ی آنان و بخصوص جریحه‌دار ساختن احساسات دینی و غیرت ملّی مسلمانان، وضعیت حساسی پدید آورده است. برخی تهدیدها که تضعیف جایگاه جمهوری اسلامی و کُندی یا توقف روند دانش و فناوری را هدف گرفته است، نیز دامن زده می‌شود.

---

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱،

بی‌شک این‌ها هیچ یک نخواهد توانست خللی در عزم راسخ مسئولان پدید آورد و گام استوار ملت و دولت را سست کند. نمایندگان مردم در مجلس وظیفه‌ی سنگینی در این باره بر عهده دارند. گفتار و عمل آنان باید یکپارچگی ملت، عزت ملی، ایمان و امید و تلاش، بیداری و آگاهی، اخلاق و فضیلت و آزادگی و عزم و اراده‌ی پولادین را برای کشور به ارمغان آورد. چنین مجلسی بی‌شک، عصاره‌ی فضائل و به طور طبیعی در رأس امور خواهد بود[1].

امروز کشور شما - و شاید درست این باشد که بگوئیم تاریخ شما - نگران رفتار من و شماست. ما امروز در یک موقعیت حساس از لحاظ تاریخی داریم زندگی می‌کنیم. نقش ما، تصمیم ما، فعل ما، ترک ما، بر روی نسل‌های آینده، بر روی سرنوشت کشور اثرگذار است؛ اگرچه همه‌ی دوران انقلاب از همین قبیل است. این سی سال، سی سالی است که در سرنوشت تاریخی آینده‌ی ما اثرگذار خواهد بود؛ اما این‌جور به نظرم می‌رسد که این دوران، این شرائط سال‌های محدودِ کنونی، خصوصیت‌های ویژه و منحصربه‌فردی دارد.

وضع دنیا در حال تغییر است. شرائط سیاسی دنیا، موازنه‌های سیاسی و موازنه‌های قدرت در سطح دنیا در حال تحولات است و انسان شکل‌گیری جدیدی را مشاهده می‌کند. شما که دستی در سیاست دارید، خوب می‌دانید که در این شرائط، همه‌ی عناصر حاضر در صحنه می‌توانند به نفع اهداف و آرمان‌های خود نقش بیافرینند، یا می‌توانند عاطل‌وباطل بمانند. آن وقتی که جابه‌جائی‌ها دارد صورت می‌گیرد، تحولات جهانی دارد انجام می‌گیرد، یک عنصر بیکار، کم‌کار و غافل قطعاً در تحول آینده، در شکل جدیدی که بناست بر اوضاع سیاسی دنیا حاکم شود، نقش ضعیف‌تری نصیب خود خواهد کرد. عنصری که فعال است، هوشیار است، بیدار است، صحنه را رصد می‌کند، فعل‌وانفعالات را می‌بیند و پیش‌بینی می‌کند، او می‌تواند در شکل جدیدی که بناست به وجود بیاید، برای خود جایگاه محکم‌تری، بابرکت‌تری و نزدیک‌تر به اهداف و آرمان‌های خود فراهم کند. شرائط امروز این است.

---

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.

به همین منطقه‌ی خودمان، به خاورمیانه نگاه کنید؛ حوادثی که امروز در خاورمیانه و حول‌وحوش مسئله‌ی فلسطین دارد اتفاق می‌افتد، دیگر سابقه ندارد؛ شبیه این، هیچ‌وقت پیش نیامده است. این نشانه‌ی این است که یک جابه‌جائی دارد صورت می‌گیرد، یک تحول دارد اتفاق می‌افتد. در سطح دنیا هم که نگاه کنید - جایگاه آمریکا، جایگاه برخی کشورهای اروپائی، تأثیرات آن‌ها در دنیا، نقش‌آفرینی‌هایشان - می‌بینید تغییرات بزرگی در حال انجام است. در دوران این سی سال، در برهه‌هایی - که من حالا یک مواردی را در ذهن دارم - شبیه این را ما دیدیم؛ اما امروز به شکل روشنی آدم این را احساس می‌کند.

اگر ما در این شرائط نقش‌آفرینی کنیم، یقیناً به نفع آینده‌ی کشور، آینده‌ی نظام و آینده‌ی تاریخ ما خواهد بود. این نقش‌آفرینی هم متوقف به این است که در داخل، انسجام لازم، اقتدار لازم، انگیزه‌ی کافی، همکاری‌های صمیمی و تنگاتنگ وجود داشته باشد. به مسائل کشور، به مسائل قانون‌گذاری، به رابطه‌ی دولت و مجلس، به موضع‌گیری‌های گوناگون در زمینه‌ی مسائل داخلی و خارجی، با این دید باید نگاه کرد؛ از این منظر باید همه‌ی این مسائل را دید. آن وقت خیلی از چیزهایی که حالا ممکن است به نظر ماها در نگاه اول اهمیت پیدا کند، کم‌قدر خواهد شد و از اهمیتش کاسته خواهد شد؛ لذا من اعتقادم این است که مجلس کنونی - که بحمدالله ترکیب خوبی دارید؛ مؤمنید، انقلابی هستید، با مسائل آشنا هستید، در بین شما افراد تحصیل‌کرده و باسواد زیادند؛ مسائل کشور هم مسائل حساسی است - در این دو سالی که از عمرش باقی‌مانده است، از همه‌ی فرصت استفاده کند، برای اینکه آنچه که بجاست، بحق است و شایسته است، به وسیله‌ی این مجلس انجام بگیرد[1].

پیش‌بینی نقشه دشمن و عدم غفلت از آن

چالش میان انقلاب اسلامی و استکبار جهانی، چالش مستمری است، چالش ادامه‌داری است. البته به حول و قوه‌ی الهی تا ابد طول نخواهد کشید؛ هرچه زمان می‌گذرد، کفه‌ی نظام اسلامی سنگین‌تر می‌شود، قوی‌تر می‌شود. آن روزی که دشمنان احساس نومیدی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.

کننـد، هجمه‌هـا کـم خواهـد شـد، به‌تدریـج زائل خواهـد شـد؛ لیکن تـا آن روز، ایسـتادگی ملـت، ایسـتادگی نخبـگان ملت، یک امر ضروری و لازم اسـت؛ ایـن را باید ادامـه داد. مبادا ظرافت‌هـایی کـه در نـوع برخورد انـقلاب با دشـمن مورد نظر اسـت، مورد غفلت قـرار بگیرد. ببینیم که امروز نقشـه‌ی دشـمن در مورد انقلاب چیسـت. به تعبیر متعارف و رایج، سناریوی دشـمن را حدس بزنیم، ببینیم دنبال چیسـت. اگر توانستیم درسـت بفهمیم، درست حدس بزنیم و در مقابل سـناریوی دشـمن رفتار و اعمال خودمان را برنامه‌ریزی کردیم، قطعاً دشـمن شکسـت خواهد خورد[1].

دشـمن یـک سـناریوی جامع و سـر و تـه‌داری را بـرای نظام اسلامـی و برای حرکـت اسلامی و بیـداری اسلامـی تـدارک دیـده اسـت. خوشـبختانه مـا کفایت بـرخورد بـا این سـناریو را داریـم؛ در ایـن تردیدی نیسـت. این را من بـا قاطعیت عـرض می‌کنم: با مایه‌هـای اعتقادی و فلسـفی و عقیدتـی غنـی و قـوی‌ای کـه در بیـن مـا بالفعـل وجـود دارد - حـالا آن کارهای بالقـوه به‌جـای خـود - با نیروی انسـانی علاقه‌منـد و کارآمد، ایـن کفایت در نظـام جمهوری اسلامـی هسـت کـه در مقابل ایـن هجمـه مقابله کنـد؛ همچنان کـه در طول این سـی و دو سـال، جمهوری اسلامی این کفایت را نشـان داده. در این سـی و دو سـال بیـکار که نبودند. مرتـباً تلاش شـده، مرتـباً فکر شـده، بـه قول خودشـان اتاق‌هـای فکرشـان مشـغول کار بوده اسـت. پول خـرج کرده‌اند، مرتباً طـرح بیرون داده‌انـد، آدم معیّن کرده‌اند، مأمور گذاشـته‌اند، رفـت و آمد کرده‌اند؛ در زمینه‌های دیپلماسـی هرچه توانسـته‌اند، کرده‌انـد؛ ولی خب، نتیجه ایـن شـده اسـت کـه جمـهوری اسلامی جلـو آمـده، آن‌هـا عقـب رفته‌انـد. البته اگـر برخی کوتاهی‌هـای مـا نبـود، برخـی از ضعف‌هـای اخلاقـی و غیراخلاقـی مـا نبـود، مـا از این هم جلوتـر می‌رفتیـم. بالاخره اشـکالاتی در ما وجود داشـته؛ لیکن با وجود اشـکالات، امروز ما به طور واضـح و بیّـن جلو رفته‌ایم، و دشـمن بـه طور واضح و بیّـن عقب رفته. آمریـکای دوره‌ی ریـگان بـا آمریـکای دوره‌ی اوبامـا زمین تا آسـمان تفـاوت کرده. جمـهوری اسلامی سـال ۶۰ هـم بـا جمهوری اسلامی سـال ۹۰ زمین تا آسـمان تفـاوت کرده. مـا جلو رفته‌ایـم، آن‌ها عقب رفته‌انـد؛ بنابرایـن کفایـت بـرخورد وجـود دارد، منتهـا بیم آن هسـت که مـا یا غافـل شویم یا

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

مـغرور شویـم؛ هر دوتای این‌ها خطر اسـت. نـه باید غفلت کرد و سـرگرم کارهـای حاشیه‌ای شـد، نه باید مغرور شـد و دشـمن را خرد و بیچاره شـمرد؛ باید هشیاری باشـد. تک‌تک ماها مخاطـب این حرف هسـتیم. یعنی شـما دویسـت و نود نماینـده در مجلس، هـر یک‌یکتان جداگانـه مخاطـب ایـن خطاب الهـی و این مسـئولیت الهی هسـتید؛ باید مواظـب باشید. دولـت هم همین‌جور، مسـئولین قضائی هم همین‌جور، مسـئولین بخش‌هـای گوناگون کشور هـم همیـن‌طور؛ نظامی‌ها یـک‌جور، غیرنظامی‌هـا یک‌جور، آحـاد مردم هم همیـن‌جور؛ همه مسـئولیم؛ منتهـا مسـئولیت مسـئولان حکومتی، مسـئولیت محدّد و روشـن و غالـباً تعریف شـده‌ای اسـت. همـه مسـئولیم، یعنـی با این دیـد به مشـاغل خودمان نـگاه کنیـم؛ بنده در شـغل خودم، شـما در شـغل خودتـان، دیگری در شـغل خودش.

مـا بـار امانـت سـنگینی را بـر دوش گرفته‌ایـم. خـدای متعال ایـن بار امانـت را بـر دوش ما گذاشـته. اختیـاری هم نیسـت که بگوئیـم خیلی خـوب، ما ایـن امانـت را نمی‌خواهیم؛ نه، ایـن امانتی اسـت که بایـد آن را مقتدرانه و امینانه به سـرمنزل رسـاند. هر کاری کـه می‌کنیم - کار سیاسـی می‌کنیـم، کار فکـری می‌کنیـم، کار اقتصـادی می‌کنیـم، کارهـای مدیریتـی می‌کنیـم - همـه بایـد با این نگاه باشـد. اگـر فارغ از ایـن نـگاه کار کردیم، بیم آن هسـت که کار مـا در جهـت خلاف این اهـداف بـه کار بیفتد؛ آن وقـت مؤاخذه‌ی الهی اسـت. خدای متعـال از این‌گونه گناهان بزرگ نمی‌گذرد. امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه در چند مورد از مسـائل اجتماعی و گناهـان اجتماعـی و تخلفـات سیاسـی و این‌جوری، همیـن تعبیر را داشـتند: این گناهی اسـت که خدای متعال از آن نخواهد گذشـت، چون توبه‌اش آسـان نیسـت. خب، انسـان از هـر گناهی توبـه کند، خـدا می‌گذرد؛ اما وقتی انسـان یک حرکتـی کرد، یک ضربـه‌ای به یک ملـت وارد شـد، چطور می‌شـود ایـن را توبه کرد؟ چطور می‌شـود جبـران کرد؟ چطور می‌شـود از تک‌تـک کسـانی که آسیب دیده‌اند، انسـان اسـتحلال و طلـب عفو کند؟ لذا خـدا از این گناهـان نمی‌گذرد. حسـاسیت موضع من و شـما از این جهت اسـت[1].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

توجه به مسائلی که دشمن بر آن‌ها تکیه دارد

همه‌ی شواهد نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن امروز بر روی چند نقطه تکیه‌ی اساسی دارد. از واضح‌ترین‌هایش انسان شروع کند، یکی مسئله‌ی اقتصاد است. این که ما امسال گفتیم «سال جهاد اقتصادی» ناظر به این بخش قضیه است. به‌زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصاد، عقب راندن و پس راندن کشور در زمینه‌ی اقتصاد که منتهی بشود به فلج پایه‌های اقتصادی، منتهی بشود به نومیدی مردم، یکی از کارهای اساسی است. خب، این چیز واضحی است؛ خودشان هم این را دارند بیان می‌کنند و می‌گویند. این، هم برای مجلس، هم برای دولت، هم برای یکایک مسئولانی که در بخش‌های مختلف مشغول تلاش هستند، خط روشنی را ترسیم می‌کند که چه باید کرد[1].

مقابله با رقیق کردن اعتقادات و احساسات اسلامی و رسوخ دادن تفکرات الحادی توسط دشمن

یکی دیگر از قلم‌های واضحِ اساسی، رقیق کردن اعتقادات اسلامی و احساسات اسلامی و رسوخ دادن تفکرات الحادی و شبه الحادی از طرق مختلف است؛ این جزو سیاست‌های این‌هاست. دستگاه‌های گوناگونِ تبلیغاتی را با مبالغ کلان، با پیگیری‌های همه‌جانبه و گسترده، در خدمت تغییر فکر جوانان ما به کار می‌گیرند. البته این مخصوص جوانان ما هم نیست. امروز در همین کشورهای عربی که این قیام‌ها و انقلاب‌ها اتفاق افتاد، عین همین قضیه دارد با شدت پیگیری می‌شود؛ دارند دنبال می‌کنند. میلیاردها دلار خرج کردند برای اینکه بتوانند ذهن و فکر جوانانی که در فلان میدان قاهره یا فلان میدان تونس اجتماع کردند و آن حوادث بزرگ را به وجود آوردند، تغییر دهند، عوض کنند. این‌ها اتفاقاتی است که دارد می‌افتد. این‌ها حدس و تحلیل نیست؛ این‌ها اطلاع است. خب، دشمن مشغول است؛ با همه‌ی قوا مشغول است. از این قبیل کارها به وسیله‌ی دشمن انجام می‌گیرد. ترویج فساد هست، ترویج فحشا هست، ایجاد تردید در عقاید هست[2].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

عدم کمک به دشمنان با حرف و عمل

خب از آغاز شروع کار این مجلس یک عدّه‌ای برنامه‌ی خودشان را این قرار دادند که یک تصویر منفی از مجلس نشان بدهند؛ اظهاراتی کردند و باز هم می‌کنند؛ در فضاهای رسانه‌ای گوناگون که امروز در اختیار همه است، اظهاراتی می‌کنند که انسان بوی دلسوزی را از این اظهارات نمی‌شنود. یک وقت کسی انتقاد می‌کند به قصد اصلاح و تکمیل؛ یک وقت نه بر اساس احساسات یا نظرات خاص و بدون دلسوزی انتقاد می‌کند. انسان احساس می‌کند که در این حرکات دشمنانه نشانه‌های اخلاص وجود ندارد؛ انسان این را می‌بیند. من می‌خواهم به شما عرض بکنم که شما اعتنا نکنید و خودتان را مشغول نکنید؛ شما کار خودتان را دنبال کنید و برنامه‌های مفید را تعقیب کنید؛ مردم خودشان تشخیص می‌دهند، جامعه‌ی نخبگانی تشخیص می‌دهند، جوان‌ها تشخیص می‌دهند، می‌فهمند که چه کسی دارد چه‌کار می‌کند. تبلیغات بدون نیّت خیر غالباً دیر یا زود افشا خواهد شد و خلاف واقع بودن آن‌ها روشن می‌شود. منتها آن توصیه‌ای که من می‌خواهم بکنم، این است که شما مراقب باشید که با عمل خودتان یا با گفتار خودتان به مخالفین خودتان کمک نکنید؛ توصیه‌ی مؤکّد بنده این است. رفتار و گفتار در درون مجلس یازدهم باید جوری باشد که حرف و رویکرد مخالفین این مجلس را تأیید نکند. حالا بر این اساس من چند توصیه را عرض می‌کنم[1].

توجه به بیان، نطق و نظارت برای عدم فهم دشمن از وجود طرف‌دار او

توجه بکنید در این اظهاراتی که بر زبان می‌آورید - هم نطقِ پیش از دستور، هم بیان تذکر، هم راه‌های نظارت بر دولت: سؤال و تذکر و استیضاح - در طرف مقابل و جبهه‌ی مقابل، دشمن از روی غفلت خود یک پیام غلطی دریافت نکند. چون گاهی اوقات ما قصد بدی هم نداریم، اما طوری حرف می‌زنیم که طرف مقابل از حرف ما دچار اشتباه می‌شود؛ خیال می‌کند که یک گرایش طرف‌دار او در بین این مجموعه وجود دارد؛ آن وقت

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.

تشویـق می‌شـود و روحیـه پیدا می‌کنـد. مواظب باشید دشـمن روحیه پیـدا نکند[۱].

لزوم پشتوانه بودن مجلس برای دولت در فعالیت و مذاکرات بین‌المللی

مجلـس یک وزنه سـنگین اسـت؛ دولت‌ها در دنیا از این وزنه‌ی سـنگین مجالس خودشـان اسـتفاده می‌کنند؛ هم در مذاکـرات، هم در تعامل، هم در مشـارکت‌های عملی در مذاکرات یک مطلبی را شـما در پشـت میز مذاکـره به‌طرف مقابـل می‌گویید، می‌گوید: آقـا! مجلس ما نمی‌گـذارد، قانـون داریـم، نمی‌توانیـم. از مجلس بـه عنوان یک پشـتوانه در مذاکره اسـتفاده می‌کننـد. در چالش‌هـای گوناگونـی کـه بـا دولت‌هـا وجـود دارد - طبـعاً دولـت در مسـائل گوناگونی ممکن اسـت چالش‌هایی داشـته باشـد - مجلس می‌تواند وزن سـنگینی به دولت بدهـد، دسـت دولـت را پُر کند؛ لذا حضور شـما در مسـائل سیاسـی و بین‌المللی و مسـائل دیپلماسـی مهم است[۲].

قانون اقدام راهبردی، یک نمونه خوب پشتوانه بودن مجلس در مذاکرات

یـک نمونـه از کارهـای خوب، همیـن قانون اقـدام راهبردی در مجلـس قبل بود؛ ایـن یکی از کارهـای بسیـار خوب بـود. البتّه بعضی‌هـا اعتراض کردنـد و عیب‌جویی کردنـد؛ مطلقاً این عیب‌جویی وارد نیسـت و کار بسیار درسـتی بود. همین قانون جامع تحریم آمریکایی‌ها علیه جمـهوری اسلامـی، علیه ایران، این قانونی که معروف اسـت به «سیسـادا» این را مجلسشـان تصویـب کـرد؛ البتّه رئیس‌جمهور دموکرات آن سـال آدم دورویِ بددل که هـم دورو بودند، هم بـددل بودنـد، هم زرنـگ بودند؛ از مسـئولین مـا زرنگ‌تـر بودند که انصـافاً انسـان در بعضی از مـراودات ایـن را می‌بینـد - امضـا کـرد آن را، می‌توانسـت امضا نکنـد؛ ادّعا می‌کـرد که در قضیّه‌ی مسـئله‌ی هسـته‌ای و مانند این‌ها می‌خواهـد با ایران همکاری کنـد، همراهی کند، امّـا در عین حـال امضا کـرد! قانون جامع را مجالسشـان انجـام دادند؛ مجالس ایـن کارها را می‌کننـد؛ بنابراین، مجلـس در این زمینه می‌تواند فعّال باشـد[۳].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

تصویب قانون برای برطرف‌کردن تحریم‌ها

در همین مسئله‌ی تحریم - که خب سرِ زبان‌ها خیلی می‌چرخد؛ بخصوص در ایّام انتخابات، تکرار می‌شد در اظهارات گوناگون نامزدهای انتخاباتی و مردم و طرف‌دارانشان و مانند این‌ها - مجلس می‌تواند حضور داشته باشد، واقعاً تأثیرگذار باشد. ما می‌توانیم؛ هم می‌توانیم تحریم‌ها را به وسیله‌ی وسایل شرافتمندانه برطرف کنیم، هم بالاتر از برطرف‌کردن تحریم‌ها خنثی‌کردن تحریم‌ها است. بنده مکرّر این را گفته‌ام که برداشتن تحریم دست شما نیست - باید شما تدبیر بیندیشید یک‌جوری، دست طرف مقابل است - امّا خنثی‌کردن تحریم دست شما است؛ راه‌های خوبی وجود دارد برای خنثی‌کردن تحریم، بعضی از این راه‌ها را هم رفته‌ایم، اثرش را هم دیده‌ایم؛ یعنی مسئولین دولتی رفته‌اند، اثرش را هم دیده‌ایم، خیلی هم خوب بوده و می‌توان این کار را کرد. مجالس در این زمینه - مجلس عزیز ما - می‌توانند نقش‌آفرینی کنند[1].

پرهیز از دیدار و معاشرت با افراد زاویه‌دار با اسلام و انقلاب

این ملتِ به این عظمت، جلالت قدر و عزّت، از وقتی بنده خدا شد، سر در مقابل غیر خدا فرود نیاورد. شانزده سال است که این ملتْ به دنبالِ عبدِ صالحِ خدا حرکت کرده و همه قیود بندگی قدرت‌ها، شخصیت‌ها و مقامات را برای خاطر بندگی پروردگار، بُریده است. پناه خودش را از همه قطع کرده و به خدای متعال پناه برده است. چنین ملّتی، عزیز است «عزّ جارک» ای خدای متعال! آن که به تو پناه می‌آورد، عزیز است. خدا پناه‌آورنده به خودش را وانمی‌گذارد. آن شأن لئام است که کسانی را که به آن‌ها پناهنده می‌شوند و با آن‌ها پیوند دوستی می‌بندند، در گرفتاری‌ها رها می‌کنند «اکرم الاکرمین» کسی را که به او پناه آورده است، عزیز می‌دارد؛ همچنان که خود او عزیز است «عزّ جارک و جلّ ثنائک» همان‌طور که می‌گوییم «جلّ ثناءالله»، همین‌طور هم می‌گوییم «عزّ جارالله» باید این عزّت حفظ شود. نماینده مجلس نباید خدای‌ناکرده یک وقت در مقابل کسانی که با این نظام دلِ همراه ندارند، یا فلان آدم طاغوتی که یک شاهی صنّار پول در جیبش

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

اســت - احیاناً فـرض کنید در قضایای انتخابات یک خرج بیخود هم کرده اســت - سـر فرو آورد. یـا در مسـافرت به حوزه انتخابی، یـا فلان نقطه دیگر (احیاناً عرض می‌کنم، این مسـائل ممکـن اسـت گاهـی پیش آیـد) به‌جـای این‌کـه شـما را در حسینیـه حـزب‌اللّه و خانه فلان شـهید ببیننـد، خبردار شـوند که بـه خانه فلان آدمـی که با انـقلاب، نظام اسلامـی و با اصل اسلام هیـچ رابطـه‌ای نـدارد یا رابطه خوبی نـدارد، رفته‌ایـد. این، حفظ عزّت اسلام نیسـت[1].

پرهیز از حواشی زیان‌بار، انگیزه ناسالم و جناحی، سهل‌انگاری

آفـت عمـده، سرگرم‌شـدن نماینـده بـه حواشـی زیان‌بـار، یـا واردکـردن انگیزه‌هـای ناسـالم شـخصی و جناحـی، یـا سـهل‌انگاری در کار، یـا دسـته‌بندی‌های احیـاناً ناسـالم قومـی و منطقـه‌ای و قبیلـه‌ای و امثـال آن اسـت[2].

لزوم کاهش سفرهای خارجی

یـک مسـئله هم مسـئله‌ی سـفرهای خارجی اسـت. سـفرهای خارجـی را هم هرچـه ممکن اسـت، دوسـتان و بـرادران و خواهران عزیز رعایت بکننـد که واقعاً رفتن به سـفرهای خارجی در حـدّ ضرورت، در حـدّ نیـاز باشـد؛ بـه‌صورت دسـت‌ودل‌بازی در این زمینـه نباید حرکت کـرد[3]. وقت‌گذاشـتن بـرای مجلس، خیلی مهم اسـت. بایـد جهت‌گیری را کاهش سـفرهای خارجـی قرار داد. البته سـفرهای داخلـی، آنجایی که بخصـوص مربوط بـه حوزه‌ی انتخابیه اسـت، مقولـه‌ی دیگـری اسـت؛ امـا رغبت زیـاد به مسـافرت، مطلوب و پسـندیده نیسـت؛ مواظـب باشیـد مجلـس در چنیـن دام‌هـایی گرفتـار نشـود؛ برای شـما مشـکلات درسـت خواهـد کرد[4].

یکی هم مسـئله‌ی اسـراف و این‌هاسـت؛ اسـراف در هزینه‌ها، اسـراف در سـفرها؛ این‌ها هم چیزهایی اسـت که گاهـی بعضی از نماینـدگان محترم به من می‌نویسـند یـا می‌گویند. خود

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸ .
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۳/۰۷.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

شـما بایـد به ایـن نکته توجـه کنیـد، نگذاریـد جوری بشـود کـه مجلـس شورای اسلامی آن حالـت پارسـائی و زهـد را از دسـت بدهد؛ خیلی بایسـتی به این مسـئله توجه شـود[۱].

گزینش هوشمندانه، عالمانه و دقیق مسئولان

در تشـخیص‌ها، در گزینـش اشـخاص و در گزینـش مسـئولان، باید خـدا را در نظـر بگیرید. گزینـش بایـد گزینش هوشـمندانه، عالمانه و دقیق باشـد. اینهـا جزو وظایف حتمی اسـت. آن کسـی را که شـما سـرِ کار می‌آورید، آن کسـی را که شـما به او اعتراض می‌کنید، آن کسی را که شـما از او سـؤال می‌کنید، آن کسـی را که شـما اسـتیضاح می‌کنید، یک مسـئول در نظام اسلامی اسـت کـه قدرت و توانـایی و امکانات خود را از شـما دارد. در این که ایـن توانایی را به چه کسـی بدهیـد، چگونه تصمیم‌گیـری کنید، چگونه تشـخیص بدهید، بایسـتی دقیق، هوشـمندانه و بـدون ملاحظه ایـن و آن عمل کنید[۲].

در گزینش و محاسـبه مسـئولان، در دیوان محاسـبات، در تنظیم بودجه، در تنظیم برنامه، در وضـع قوانین، مُرّ حقیقت را در نظر بگیرید. این اسـاس قضیه اسـت[۳].

الزامات و شاخصه‌های نماینده انقلابی

یـک نکته‌ی دیگـری که برای بـرادران و خواهـران عزیز نماینـده قابل ذکر اسـت، بحث رفتار نماینـدگان اسـت. بـه نظر من آن کلمـه‌ی کلّـی و فراگیر و جامعـی که می‌شـود در این زمینه گفـت، کلمـه انقلابی‌گری اسـت. رفتار نماینـدگان مجلس بایـد رفتار انقلابی باشـد؛ برخورد باید برخورد انقلابی باشـد. شـما در سـوگندی هـم که یاد کردید، این سـوگند را یـاد کردید که انـقلاب، نتایج انـقلاب، فراورده‌هـای انقلاب و فراورده‌هـای نظام جمـهوری اسلامی را حفظ کنیـد؛ چـطور ممکن اسـت؟ بـدون انقلابی بـودن که نمی‌شـود حفظ کـرد. رفتار، بایـد رفتار انـقلابی باشـد؛ رفتار انـقلابی به معنـای رفتـار غیرمدبّرانه نیسـت، بـه معنای رفتـار عاقلانه

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳،
۲. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹،
۳. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹،

و مدبّرانـه و مجاهدانـه اسـت؛ حرکـت جهادی. اینکـه ما به مدیـران مرتّب توصیـه می‌کنیم مدیریّـت جهـادی ایـن در مورد مجلس، رفتار جهادی اسـت، سـخن‌گفتن جهادی اسـت، اقدام‌کـردن مجاهدانـه و جهـادی اسـت، انقلابی‌گـری اسـت. روحیـه‌ی ایمـان و انگیـزه‌ی انـقلابی بایـد بـر همـه‌ی کارهـای نماینـده‌ی محتـرم مجلـس حاکـم باشـد. نگهبانـی از دسـتاوردهای انـقلاب و مبانـی نظام، جزو سـوگند نمایندگی شـما اسـت که اگر ایـن انجام نگیـرد، حـضور نماینـده، هـم از لحـاظ قانونـی اشـکال پیـدا می‌کند، هـم از لحاظ شـرعی اشـکال پیدا می‌کند. اگر چنانچه دسـتاوردهای انقلاب مراعات نشـود و دستاوردهای نظام موردتوجـه قـرار نگیـرد، ایـن، هـم از لحـاظ قانون اساسـی، هـم از لحاظ شـرع دچار مشـکل می‌شود[۱].

خـب حـالا انقلابی چیسـت؟ مـن چند تا شـاخص بـرای نماینـده‌ی انـقلابی عـرض کردم. شـماها الحمدلله موفّقید دیگر، خدای متعال به شـما توفیق داده، در مجلس هسـتید، دارید کارهـای خوبی می‌کنیـد؛ ایـن گـزارش جناب آقـای قالیباف را هم مـن شـنیدم. البتّه هم در بیرون، ایـن نمایشـگاه را و ایـن به‌اصطلاح تصویرهـایی را که همین گـزارش را توضیح می‌داد نـگاه کردیـم، هـم گزارش‌هـایی که قبلاً دسـت من رسیـده، همین‌هـایی را که ایشـان در این گزارش‌هـا گفتنـد دیدیـم؛ بحمدالله مشـغولید لکـن در عین حـال تذکّر خوب اسـت. بدانیم اگـر بخواهیـم نماینده‌ی انـقلابی بمانیم چـه‌کار کنیم. من چنـد نکته را اینجا نوشـته‌ام[۲].

مجلس انقلابی؛ دارای کفایت و کارآمدی لازم و تلاش زیاد

اگر مجلس، مجلسـی باشـد که خـود نماینده و کمیسیـون فکر کند و تشـخیص دهد و روی آن پـا بفشـارد و دولت را به دنبال خود بکشـد، آن وقت این مجلـس، مجلس کارآمدی خواهد بـود کـه می‌توانـد کـشور را بـه بهتریـن وجهـی اداره کنـد. این عرضی اسـت کـه ما مـکرّر در مـکرّر، بـا بـرادران و خواهـران نماینده در میان گذاشـتیم و حالا هم به شـما عـرض می‌کنیم. البتـه - همـان‌طور کـه عرض کردم - خوشـبختانه مسـئولان دولتـی، دلـسوز و علاقه‌مندند و

۱. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

از روی احساس وظیفه کار می‌کنند. حدس من این است که در بین وزرا کسانی هستند که کارهایی را که انجام می‌دهند، یکایکش را ملاحظه می‌کنند و می‌بینند که آیا رضای خدا در آن هست یا نه بحمدالله امروز چنین وزرا و دولتی داریم. حالا شخص رئیس جمهور و خصوصیات ایشان که مردی مؤمن، عالم، مجاهد فی سبیل‌الله، مسلّط بر امور کشور، مجرّب و کارآزموده است، به جای خود محفوظ بحمدالله شخص رئیس دولت و آحاد وزرای ما هم از این امتیازات بزرگ برخوردارند؛ لیکن شما نماینده مردم هستید و شأن شما بایستی آن شأنی باشد که از شما توقّع می‌رود. به هر حال، به خدا توکّل کنید. خدای متعال هم ان‌شاءالله کارها را آسان خواهد کرد. این وحدت و همدلی و تلائمی را که بحمدالله در مجلس هست، روزبه‌روز بیشتر کنید. اگر در پایان این دوره، جناح‌های سیاسی‌ای که حالا خیال می‌کنند با هم اختلاف دارند، به این نتیجه برسند که با هم اختلافی ندارند و با هم رفیق و دوست هستند، بدانید که هم کشور و هم شما، یک بُرد بزرگ کرده‌اید.[۱]

توصیه‌ی بعدی این است که شما عناصر انقلابی هستید - یعنی این جوری شناخته شده‌اید؛ مجلس، مجلس انقلاب است، مجلس انقلابی است، دشمنی بعضی‌ها هم به خاطر همین است - این مجلس انقلابی که دارای رویکرد انقلابی و اقبال به ارزش‌های انقلاب است، باید نشان بدهد که باکفایت است، برای اداره‌ی امور تقنینی مجلس دارای کفایت و کارآمدیِ لازم است، می‌تواند درست ریل‌گذاری کند البتّه این خبرهایی که داده شده، گزارش‌هایی که بنده دیده‌ام یا شنیده‌ام و آن چیزی که امروز رئیس محترم مجلس گفتند، این‌ها خوب است، همین چیزها خیلی خوب است لکن ریل‌گذاری برای اصلاح امور کشور کارهای فراتری را نیاز دارد؛ زیاد باید کار کرد، زیاد باید تلاش کرد. اگر بخواهیم این خصوصیّت در مجلس باشد، این احتیاج دارد به عقلانیّت و طمأنینه‌ی لازم[۲].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.
۲. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.

لزوم رفتار مجاهدانه و جهادی نمایندگان مجلس

یک نکته‌ی دیگری که برای برادران و خواهران عزیز نماینده قابل ذکر است، بحث رفتار نمایندگان است. به نظر من آن کلمه‌ی کلّی و فراگیر و جامعی که می‌شود در این زمینه گفت، کلمه انقلابی‌گری است. رفتار نمایندگان مجلس باید رفتار انقلابی باشد؛ برخورد باید برخورد انقلابی باشد. شما در سوگندی هم که یاد کردید، این سوگند را یاد کردید که انقلاب، نتایج انقلاب، فراورده‌های انقلاب و فراورده‌های نظام جمهوری اسلامی را حفظ کنید؛ چطور ممکن است؟ بدون انقلابی بودن که نمی‌شود حفظ کرد. رفتار، باید رفتار انقلابی باشد؛ رفتار انقلابی به معنای رفتار غیرمدبّرانه نیست، به معنای رفتار عاقلانه و مدبّرانه و مجاهدانه است؛ حرکت جهادی. اینکه ما به مدیران مرتّب توصیه می‌کنیم «مدیریّت جهادی» این در مورد مجلس، رفتار جهادی است، سخن‌گفتن جهادی است، اقدام‌کردن مجاهدانه و جهادی است، انقلابی‌گری است. روحیه‌ی ایمان و انگیزه‌ی انقلابی باید بر همه‌ی کارهای نماینده‌ی محترم مجلس حاکم باشد. نگهبانی از دستاوردهای انقلاب و مبانی نظام، جزو سوگند نمایندگی شما است که اگر این انجام نگیرد، حضور نماینده، هم از لحاظ قانونی اشکال پیدا می‌کند، هم از لحاظ شرعی اشکال پیدا می‌کند. اگر چنانچه دستاوردهای انقلاب مراعات نشود و دستاوردهای نظام موردتوجه قرار نگیرد، این، هم از لحاظ قانون اساسی، هم از لحاظ شرع دچار مشکل می‌شود[۱].

ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات

اوّلش ساده‌زیستی است؛ اسیر تجمّلات و اعیان‌منشی و امثال این‌ها نشدن؛ شما قبل از اینکه بیایید در مجلس، یک‌جور زندگی‌ای داشتید؛ حالا که آمدید مجلس، نباید فکر کنید که دیگر حالا ما نماینده‌ایم، مثلاً باید این‌جوری زندگی کنیم؛ نخیر؛ ساده‌زیست، همان زندگی معمولی‌ای که داشتید، همان را ادامه بدهید. یکی‌اش امانت‌داری است؛ امانت‌داری خیلی مهم است؛ این آیه‌ای که این قاری عزیزمان اینجا خواند ﴿اِنّا عَرَضنَا

۱. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

الأَمانَـةَ عَلَـى السَّـمَاوَاتِ وَ الأَرضِ وَ الجِبـالِ فَأَبَيـنَ أَن يَحمِلنَهـا وَ أَشـفَقنَ مِنهـا وَحَمَلَهَـا الانسـان﴾[1]، انسـان امانـت را قبول کـرده، امانت الهـی را، بخشـی از این امانت الهـی همینی اسـت که الان دسـت شـما است. بخشـی از آن امانت، همینی اسـت که الان در اختیار شما اسـت! ایـن امانت را باید درسـت حفـظ کنید[2].

مسئولیت‌پذیری

یک مسـئله، مسـئله‌ی مسـئولیّت‌پذیری اسـت؛ قانونـی را تصویـب می‌کنید، اگر بـه نظرتان ایـن قانـون، قانون خوبی اسـت و بایـد تصویب می‌شـده، محکم بِایسـتید، بگوییـد بله، من ایـن را تصویـب کردم؛ بلـه، ما تصویـب کردیم. این‌جور نباشـد که مـا بگوییم ما ایـن قانون را تصویـب می‌کنیـم، می‌دانیم هم که شورای نگهبان رد می‌کند، خب بگذار مسـئولیّتش بیفتد بـه گـردن شورای نگهبـان. می‌دانیم کـه این قانون عملی نیسـت، بعضـی از قوانیـن این‌جور اسـت؛ ببینیـد مـن خـودم نماینـده‌ی مجلس بـودم، بنـده مجلـس را از داخل می‌شناسـم؛ گاهـی آدم می‌دانـد که این قانـون را دولت با ایـن امکاناتی کـه دارد، با این شـرایطی که دارد، نمی‌توانـد عمـل کنـد؛ می‌گویـد خیلـی خب، مـن تصویـب می‌کنم، بگـذار او عمـل نکند، مـردم او را متّهـم کننـد، او را مسـئول به‌حسـاب بیاورنـد کـه چرا عمل نشـد. نه، این درسـت نیسـت؛ باید مسـئولیّت‌پذیری داشته باشد[3].

عدم لحاظ اغراض شخصی در محاسبات کاری

یکـی از ارکان انقلابی‌گـری این اسـت که در محاسـبات کاری، اغراض شـخصی مطلقاً کنار برود؛ مـثلاً فرض کنید از لحاظ برخوردها یا از لحاظ سـلیقه‌ی سیاسـی، از یکی آدم خوشـش می‌آیـد، از یکـی آدم خوشـش نمی‌آیـد؛ این‌هـا را بگذاریـم کنار. در محاسـباتی که بـرای کار انجـام می‌گیرد، مسـائل شـخصی و خودی و سلایـق شـخصی و مانند این‌ها کنار گذاشـته

---

۱. سوره أحزاب، آیه ۷۲.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

بشـود؛ این انقلابی‌گری است[۱].

مردمی‌بودن

توصیـه‌ی اینجانـب بـه نماینـدگان محتـرم آن اسـت کـه رابطه‌ی خـود را بـا توده‌هـای مردم بخصـوص قشـرهای مـحروم برقرار و مسـتحکم سـازند. این کار، هـم نیازهـای حقیقی مردم را بـه آنـان نشـان خواهـد داد، هـم اولویت‌هـا را مشـخص خواهد کـرد و هم اهمیـت رعایت بیت‌المـال و حـذف هزینه‌هـای غیـرلازم را آشـکار خواهـد نمـود و نماینـدگان محتـرم را در ارائـه‌ی طریـق به مسـئولان دولتی و نیـز در عمل شـخصی، از معرفـت لازم بـرخوردار خواهد سـاخت[۲].

پیونـد حقیقـی با مردم، مسـتلزم حـضور در میان آنان و دورنشـدن از سـطح متوسـط زندگی آنان اسـت. ساده‌زیستی و پرهیز از اسـراف و پرهیز از هزینه‌کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیـرضروری، شـرط لازم بـرای حفظ این پیوند اسـت. ترویـج فرهنگ اشـرافی‌گری و تجمّل و سـفرهای پرهزینـه و بیهـوده‌ی خارجـی از کیسـه‌ی مـردم، دور از شـأن نمایندگـی و عامل گسیخته شـدن پیونـد نماینده با مردم اسـت[۳].

یـک نکتـه‌ی دیگـری کـه مـن لازم می‌دانـم بـه برادرها عـرض کنـم - تـوی آن پیامـی هم که خدمـت دوسـتان فرسـتادم، روی ایـن نکتـه تکیه کردم - این اسـت کـه آقایـان و خانم‌های نماینـده سـعی کنند مردمـی بماننـد. مردمی‌بودن هـم فقط این نیسـت که انسـان هر گاهی یک‌بـار بـه محـل انتخابات سـر بزند. البتـه آن خیلی لازم اسـت، بایـد رفت، سـر زد، با مردم ملاقـات کـرد، منقطـع از مردم نباید شـد؛ در این شـکی نیسـت؛ امـا فقط این نیسـت. نباید مـا در جمـهوری اسلامی کمـک کنیم بـه ایجاد یک طبقـه‌ی جدید، یـک طبقه‌ی بـرخوردارِ اشـرافی جدیـد. نبایـد بگذاریـم ایـن کار انجـام بگیـرد. این هـم با دسـتور و حکـم و فرمان

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۱۱.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.

حاصل نمی‌شود، با دل، با ایمان، با انگیزه، شدنی است[۱].

یکی دیگر از شاخص‌ها مردمی‌بودن است؛ مردمی‌بودن یعنی چه؟ مردمی‌بودن یعنی با مردم عادی معمولی مخلوط شدن، نشست و برخاست کردن، هم گوش شنوا برای شنیدن حرف مردم داشتن، هم زبان گویا برای روشن‌کردن ذهن مردم داشتن. اینکه ما برویم در یک جمعی از مردم، یک داعیه‌ای دارند، یک خواسته‌ای دارند، حرفشان را بشنویم و بعد هم بگوییم بله صددرصد حق با شما است و این کسانی که گوش نمی‌کنند، عمل نمی‌کنند، چنین‌وچنان هستند، نه، کافی نیست؛ یک وقت‌هایی هست یک گرهی در ذهن مردم هست، شماها باید این گره را باز کنید؛ این جهاد تبیین که ما عرض کردیم، شامل این موارد می‌شود. مشکلاتی وجود دارد؛ فرض کنید فلان قشر یک مطالبه‌ای دارد، خب شما نماینده‌ی مجلسید، از مصرف کشور و درآمد کشور مطّلعید، می‌دانید که این عملی نیست؛ وقتی می‌دانید عملی نیست، منتظر نمانید که مثلاً فلان نماینده‌ی اجرائی یا قضائی بیاید بگوید نمی‌توانیم؛ نه، شما بگویید نمی‌شود؛ یعنی هم گوش برای شنیدن حرف مردم، هم زبان برای روشن‌کردن ذهن مردم داشته باشید. ممکن است در آن جمعی که مقابل شما هستند، دو نفر، سه نفر، ده نفر جماعتی هم بگویند برو بابا! این هم کاری نکرد! بگویند؛ شماها بایست به وظیفه‌ی خودتان عمل کنید. مردمی‌بودن یعنی این؛ اینکه می‌گوییم مردمی، مردمی، فقط این نیست که ما مثلاً فرض کنید که همین‌طور مدام شعار طرف‌داری از مردم بدهیم؛ نه، باید به مردم کمک کنیم؛ کمک، هم شنیدن حرف آن‌ها است، هم اجراکردن خواسته‌ی آن‌ها است در صورت امکان، هم روشن‌کردن ذهن آن‌ها است در صورت وجود اشکال و عدم امکان[۲].

همراهی با عموم مردم در عین حال عوام‌زده نبودن

یکی از شاخصه‌های نماینده‌ی انقلابی این است که با عموم مردم، با عامّه‌ی مردم همراه است؛ اما عوام‌زده نیست. من به شما عرض بکنم هیچ‌وقت جَوزده نشوید. بعضی از

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

مشـکلات ما در بخشـی از این سـال‌ها به خاطر این بود که جَوزده شـدیم. فرض کنید در یک جلسـه‌ای نشسـتیم، از مسـئولین عالی‌رتبـه‌ی کشور - این‌ها یـک چیزهایی اسـت که اتّفاق افتـاده، بنـده هـم همان وقت‌ها بهشـان اعتـراض کـردم - در جلسـه‌ای نشسـته بودند، مثلاً فـرض کنید اسـاتید دانشـگاه هـم آنجا حـضور داشـتند، یکی یک چیـزی گفته، یکی‌شـان بلافاصلـه یـک امتیـاز بزرگـی را که بـه صلاح هـم نبـوده، همان‌جا مـثلاً در بین سـخنرانی به مجموعـه‌ی حاضـر در جلسـه داده؛ ایـن جـو زدگی اسـت، ایـن فایـده‌ای نـدارد، این مضر اسـت. همراهـی با مـردم، غیـر از عوام‌زدگـی و جـو زدگـی و تحت‌تأثیـر های‌وهـو قرارگرفتن اسـت؛ نـه. یکـی از مهم‌تریـن خصوصیّات امام (رضـوان‌الله علیـه) همین بود؛ اگـر یک‌وقتی یـک نظـری داشـت که همـه بـا او مخالـف بودنـد و او معتقد بـود که ایـن نظر، نظـر الهی و شـرعی و درسـت اسـت، می‌ایسـتاد؛ می‌گفت همه‌ی دنیا هم با من مخالف باشـند، باشند. قـرآن هـم همین دسـتور را به پیغمبـر می‌دهـد: ﴿وَ اِن تُطِـع اَکثَرَ مَـن فِـی الاَرضِ یُضِلّوکَ عَن سَـبیلِ اللهِ﴾[1]؛ ایـن مطلـب بارهـا در قـرآن تکـرار شـده. نماینـده انـقلابی آن کسـی اسـت که جَوزده نمی‌شـود. شـما یـک قانـون را تصویـب کردیـد، به نظر شـما قانون درسـتی هـم بوده، یـک عـدّه‌ای مخالفـت کردنـد، البتّـه طبیعت کار این اسـت کـه نگاه کنیـد ببینیـد آیا این مخالفیـن منطـق درسـتی دارند یا ندارنـد؛ اگر منطق درسـتی داشـتند البتّـه می‌پذیرید، اگر منطـق درسـتی نداشـتند بِایسـتید؛ بگویید بلـه، من تصویـب کردم ایـن قانـون را، پایش هم می‌ایسـتم. اینکـه در سـایت‌ها و در فضـای مجـازی و مانند این‌هـا علیه مـا، علیه مجلس، علیـه ایـن مجموعـه، علیه این قانـون جنجـال کنند، نباید شـما را به‌زانـو دربیـاورد؛ یکی از خصوصیّـات نماینده‌ی انقلابی این اسـت[2].

پرهیز از جوزدگی و دادن امتیاز بی‌خود

بعضـی از مشـکلات ما در بخشـی از این سـال‌ها بـه خاطر این بـود که جَوزده شـدیم. فرض کنیـد در یـک جلسـه‌ای نشسـتیم، از مسـئولین عالی‌رتبـه‌ی کـشور - این‌ها یـک چیزهایی

۱. سوره أنعام، آیه ۱۱۶.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

است که اتّفاق افتاده، بنده هم همان وقت‌ها بهشان اعتراض کردم - در جلسه‌ای نشسته بودند، مثلاً فرض کنید اساتید دانشگاه هم آنجا حضور داشتند، یکی یک چیزی گفته، یکی‌شان بلافاصله یک امتیاز بزرگی را که به صلاح هم نبوده، همان‌جا مثلاً در بین سخنرانی به مجموعه‌ی حاضر در جلسه داده؛ این جو زدگی است، این فایده‌ای ندارد، این مضر است. همراهی با مردم، غیر از عوام‌زدگی و جو زدگی و تحت‌تأثیر های‌وهو قرارگرفتن است؛ نه[۱].

پرهیز از تبعیض و ایجاد طبقه برخوردار اشراف در جامعه

یک نکته‌ی دیگری که من لازم می‌دانم به برادرها عرض کنم - توی آن پیامی هم که خدمت دوستان فرستادم، روی این نکته تکیه کردم - این است که آقایان و خانم‌های نماینده سعی کنند مردمی بمانند. مردمی‌بودن هم فقط این نیست که انسان هر گاهی یک‌بار به محل انتخابات سر بزند؛ البته آن خیلی لازم است، باید رفت، سر زد، با مردم ملاقات کرد، منقطع از مردم نباید شد؛ در این شکی نیست؛ اما فقط این نیست. نباید ما در جمهوری اسلامی کمک کنیم به ایجاد یک طبقه‌ی جدید، یک طبقه‌ی برخوردارِ اشرافی جدید. نباید بگذاریم این کار انجام بگیرد. این هم با دستور و حکم و فرمان حاصل نمی‌شود، با دل، با ایمان، با انگیزه، شدنی است.[۲]

اجتناب جدّی از تبعیض و فساد؛ اجتناب! یک وقت می‌گوییم ضدّیّت جدّی با فساد، خب بله، همه ضدّند، ما هم همه ضدّیم؛ منتها گاهی اوقات می‌شود که این ضدّیّت با فسادِ در دیگران است، با تبعیضِ در دیگران است. باید خودمان مراقبت کنیم، خودمان جدّیّت داشته باشیم، هم با تبعیض و فساد در زید و عمرو، هم با تبعیض و فساد در شخص خودمان[۳].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۲. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

دنبال حلّ مشکلات اساسی کشور بودن

دنبال حلّ مشکلات اساسی کشور بودن؛ یعنی واقعاً اساسی‌ترین مسائل را نگاه کنید، آن‌ها را دنبال کنید. من به تعبیر بهتر بگویم در مسائل کشور، مسائل اصلی وجود دارد، مسائل فرعی وجود دارد؛ تا وقتی مسائل اصلی پیش پای ما است، نوبت به مسائل فرعی نمی‌رسد. سراغ مسائل فرعی رفتن در حالی که ما مسائل اصلی را جلوی چشم داریم، جایز نیست. دنبال حلّ مشکلات اساسی و مسائل اصلی باشید؛ اصلی - فرعی کنید موضوعات را[۱].

همکاری صمیمانه با دیگر دست‌اندرکاران مدیریّت کشور

همکاری دلسوزانه با قوای دیگر و کمک به پیشرفت برنامه‌ی توسعه که اکنون دستور کار قوه‌ی مجریه است، فصل مهمی از وظایف مجلس شورای اسلامی است. امروز نیز بحمدالله در رأس دستگاه اجرایی کشور، روحانی برگزیده‌ای قرار دارد که از یاران و ارادتمندان امام و خود آراسته به علم و عمل و وابسته به بیت رفیع روحانیت و سیادت است. همکاری از دو سو میان دستگاه‌های قانون‌گذاری و اجرا می‌تواند راه پیشرفت کشور را هموار و حرکت‌های سازنده را روان و شتابان سازد. بدیهی است که این به معنای کوتاهی ورزیدن در وظایف نظارتی مجلس نیست. مجلس باید بذل اعتماد خود به کارگزاران عالی دولت را مرهون ملاک‌های تعهد و تدین، کارایی و کارشناسی، وفاداری به نظام و به مردم قرار دهد و در نظارت قانونی بر عملکرد آنان جدی باشد[۲].

همکاری حقیقی و صمیمی با قوای دیگر و پرهیز از چالش‌های ناموجّه نیز یک شاخص مهم دیگر و دارای سهم تعیین‌کننده در اتحاد ملّی است که دلسوزان کشور همواره بر آن پای فشرده و منافع عمومی و وجاهت چهره‌ی ملت ایران در چشم جهانیان را در گرو آن دانسته‌اند. این توصیه عیناً به دیگر قوای کشور و همه‌ی اشخاص و نهادهای مسئول نیز

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

۲. پیام به مناسبت آغاز به کار ششمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۰۶.

متوجه است. همه باید قانون را فصل‌الخطاب بدانند[۱].

همکاری صمیمانه با دیگر دست‌اندرکاران مدیریّت کشور، یکی از مشکلات کشور ناهماهنگی بوده؛ ناهماهنگی مسئولان سه قوّه و بدنه‌ی سه قوّه. حالا گاهی مسئولان هم با هم رفیق‌اند، می‌نشینند دُور هم و توافق می‌کنند، بدنه توافق نمی‌کند؛ این اشکال ایجاد می‌کند در اداره‌ی کشور؛ این دیگر تجربه‌ی سال‌های متمادی ما است. باید همکاری صمیمانه وجود داشته باشد؛ گروکشی نباید وجود داشته باشد؛ معارضه‌ی بی‌معنا نباید وجود داشته باشد. همکاری صمیمانه با دولت، با دستگاه قضائی، با دیگران، با هر کسی که به نحوی سروکار دارد؛ همکاری کنند برای پیشرفت کارهای درست کشور؛ البتّه اگر چنانچه آدم خطایی در آن طرف مشاهده می‌کند، باید صریح آن خطا را متذکّر بشود؛ امّا آنجایی که واقعاً جای همکاری است، همکاری کند[۲].

عدم گروکشی، عدم معارضه بی‌معنا و همکاری برای پیشرفت کارهای درست

نکته‌ی بعدی این است که تعامل به معنای گروکشی نباشد. ببینید، این یک مرز خیلی باریکی دارد؛ می‌دانید، بنده در مجلس هم بوده‌ام، من نمایندگی هم کرده‌ام و تجربه‌ی شما را بنده دارم؛ در دولت هم که بوده‌ام و تجربه‌ی دولت را هم دارم. تعامل که می‌گوییم، معنایش این نیست که بین نماینده و بین وزیر یک نوع گروکشی انجام بگیرد، مثلاً بگوید: وِل کن تا وِل کنم، این‌جوری نباید باشد، هر دو - هم نماینده و هم وزیر - باید نگاهشان به وظیفه‌ی قانونی و مصالح کشور و نگاهشان به این باشد که خدای متعال دارد ما را می‌بیند؛ تعامل بر این مبنا؛ این هم یک نکته. پس تعامل را با گروکشی اشتباه نباید کرد[۳].

یکی از مشکلات کشور ناهماهنگی بوده؛ ناهماهنگی مسئولان سه قوّه و بدنه‌ی سه قوّه. حالا گاهی مسئولان هم با هم رفیق‌اند، می‌نشینند دُور هم و توافق می‌کنند، بدنه توافق نمی‌کند؛ این اشکال ایجاد می‌کند در اداره‌ی کشور؛ این دیگر تجربه‌ی سال‌های متمادی

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱/۰۳/۰۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.

مـا اسـت. باید همکاری صمیمانه وجود داشـته باشـد؛ گروکشـی نباید وجود داشـته باشـد؛ معارضـه بی‌معنا نباید وجود داشـته باشـد. همـکاری صمیمانه با دولت با دسـتگاه قضائی بـا دیگـران با هر کسـی کـه بـه نحـوی سروکار دارد؛ همـکاری کنند بـرای پیشـرفت کارهای درسـت کـشور؛ البتّه اگر چنانچـه آدم خطایی در آن طرف مشـاهده می‌کنـد، باید صریح آن خطـا را متذکّر بشـود؛ امّـا آنجایی کـه واقعاً جای همکاری اسـت، همـکاری کند[1].

پایبندی به قانون اساسی

یکـی از مسـائل بسیـار مهـم در کار مجلـس، پایبنـدی بـه قانون اساسـی اسـت؛ آن مواردی کـه قانون اساسـی تکلیفـی معیّن کـرده، حتماً رعایت بشـود. این قانـون اساسـی نباید حتّی اندکی مخدوش بشـود، حـالا البتّه تکلیف انطباق با قانون اساسـی با شورای نگهبان اسـت؛ امـا خود شـما هم یـک مـواردی را می‌توانید بررسـی کنید؛ حـالا این‌هـا مثال‌هایی هـم دارد. برخـی از نشـانه‌های نماینـده‌ی انقلابی‌ای - که ما هـم مخلص نمایندگان انقلابی هسـتیم و مرید شـما هسـتیم - این‌ها است[2].

انقلابی نگه داشتن خود و مجلس

شـما که مجلس شورای اسلامی هسـتید، یک نهاد انقلابی هسـتید؛ مجلـس شورای اسلامی یـک نهـاد انـقلابی و برآمـده‌ی از انـقلاب اسـت؛ بایـد انـقلابی عمـل کنیـد، بایـد انـقلابی باشیـد و بمانیـد؛ البتّه انـقلابی بـودن صُوَری دارد، اَشـکالی دارد؛ پریروز در مرقـد امام، بنده یـک مقـداری در ایـن زمینه‌ها صحبت کـردم؛ اگر بودیـد یا اگر گـوش کردید یا اگر شـنیدید می‌دانیـد. بالاخـره انـقلاب یـک ضوابطـی دارد، یـک مبانـی‌ای دارد. به‌هرحـال شـما در قانون‌گـذاری انـقلابی عمل کنیـد. در موضع‌گیری‌ها انـقلابی عمل کنیـد؛ موضع‌گیری‌ها هم دو جور اسـت: یکـی موضع‌گیری‌های شـخصی شـما اسـت کـه در نطق‌های شـما خودش را نشـان می‌دهـد، یکـی موضع‌گیری‌های عمومی اسـت. مجلـس نهم در این جهـت انصافاً کارنامـه‌ی خوبی داشـت. در جهـت مقابلـه و مواجهـه‌ی بـا جریان‌های معـارض و متعرّض

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

سیاسی علیه انقلاب، باید موضع‌گیری داشت، باید موضع داشت. شما ببینید، مثلاً فرض کنید حالا کنگره‌ی آمریکا - دولت آمریکا که قطعاً رفتارش با ما کاملاً خصمانه است؛ یعنی این را که بنده عرض می‌کنم، نه متعصّبانه است، نه از روی حدس و گمان است، بلکه از روی اطّلاعات روشن و دقیق عرض می‌کنم؛ دولت آمریکا برخوردش با جمهوری اسلامی به‌شدت خصمانه است - اعتراض دارد به دولت آمریکا که شما با ایران مدارا می‌کنید؛ مرتّب هم قطعنامه صادر می‌کنند و حرف می‌زنند و چه می‌کنند. خب، چه کسی باید جواب این‌ها را بدهد؟ چه کسی باید به میدان این‌ها بیاید؟ چه کسی باید دهان این‌ها را ببندد؟ دشمن در عرصه‌ی سیاسی روی عکس‌العمل‌ها محاسبه می‌کند. اگر او یک چیزی گفت و شما ساکت شدید، یک‌جور حساب می‌کند؛ اگر ساکت شدید و سرتان را هم پایین انداختید، یک‌جور حساب می‌کند؛ اگر ساکت شدید و سرتان را پایین انداختید و نُچ‌نُچ هم کردید با خودتان، یک‌جور حساب می‌کند؛ امّا اگر سرت را بالا گرفتی و جواب دادی، یک‌جور دیگر حساب می‌کند. اگر دشمن احساس بکند که شما منفعل هستید، اهل عقب‌نشینی هستید، کوتاه نمی‌آید اصلاً در عالم سیاست «کوتاه‌آمدن» نیست، می‌آیند جلو مرتباً زیاده‌خواهی می‌کنند؛ در قضایای مختلف که حالا همین قضیّه‌ی مذاکرات هسته‌ای آخری‌اش است؛ می‌بینید دیگر! مرتّب دارند مطالبه می‌کنند، زیادی می‌خواهند، تهدید می‌کنند. همان حرف‌هایی که آن زمان راجع به حرکت هسته‌ای و غنی‌سازی و بیست درصد و مانند این‌ها می‌گفتند که گزینه‌ی جنگ روی میز است و از این حرف‌ها - که پی‌درپی می‌گفتند - حالا باز همان حرف‌ها را دوباره دارند تکرار می‌کنند؛ هم دولتی‌هایشان دارند تکرار می‌کنند، هم مجلسی‌هایشان تکرار می‌کنند، هم نامزدهای ریاست‌جمهوری آینده‌شان تکرار می‌کنند؛ این دو سه نامزدی که حالا در صحنه‌اند و باقی مانده‌اند، این‌ها هم حتّی تکرار می‌کنند که ما اگر سرکار بیاییم، این کار را می‌کنیم، این کار را می‌کنیم[1].

یک نکته‌ی اساسی انقلابی ماندن است. ببینید جلسه، جلسه‌ی صمیمی و خصوصی است دیگر، جلسه‌ی برادرانه است. الان کاملاً جلوی چشم بنده هست که کسانی بودند که مثلاً

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.

سال ۵۸ - که بنده عضو شورای انقلاب بودم و آن وقت‌ها هنوز رئیس‌جمهور هم نبودم - می‌آمدند پیش ما که حالا خودمان جزو بچّه‌های انقلاب بودیم و مثلاً با سوابق مبارزاتی فلان، می‌نشستند حرف‌هایی می‌زدند تند، داغ، آتشین که ما چشممان خیره می‌ماند که این‌ها چه کسانی هستند دیگر! یعنی به تعبیر فرنگی‌مآب‌ها سوپر انقلابی؛ بعد برگشتند و انقلابی نماندند. همان افراد با آن شیوه‌ی برخورد با آن شیوه‌ی نگاه، نتوانستند خط را ادامه بدهند، طاقت نیاوردند. ببینید حقیقت قضیّه این است که طاقت نیاوردند! اینکه کسی بخواهد وانمود کند که ما نگاه کردیم، دیدیم این انتخاب بهتر از آن انتخاب است؛ نخیر، این حرف‌ها نیست. رفتن در این راه، ماندن در این راه طاقت می‌خواست، طاقت نیاوردند. اگر من حافظه‌ام خطا نکرده باشد، امام رضوان‌الله علیه راجع به سوره‌ی هود، این آیه‌ی شریفه که می‌فرماید: ﴿فَاستَقِم کَما اُمِرتَ وَمَن تابَ مَعَک﴾[۱] هم خودت استقامت کن و ایستادگی کن در این راه، هم کسانی که با تو به سمت خدا حرکت کردند، آن‌ها ایستادگی کنند. به نظرم این‌جور می‌آید - نشده مراجعه کنم - فرمودند اینکه حضرت رسول فرمودند «شَیَّبَتنی سورَةُ هود»[۲] این آیه این بزرگوار را پیر کرد؛ این آیه پیر کرد؛ این‌قدر سخت است! ﴿فَاستَقِم کَما اُمِرت﴾[۳]؛ بایست، بمان، ادامه بده راه را. خب، پس ببینید مشکل‌تر از انقلابی بودن و گرایش انقلابی داشتن، انقلابی ماندن است؛ چه فرد، چه جمع که کلّ مجلس باشد[۴].

به نفع کشور بودن شعارهای انقلاب

شعارهای انقلاب به نفع کشور است؛ بر خلاف کسانی که می‌خواهند وانمود کنند که انقلاب برای کشور دردسر است، نه به‌عکس، انقلاب و شعارهای انقلابی و آرمان‌های انقلابی - که البتّه هنوز به آرمان‌ها نرسیده‌ایم؛ امّا توجّه به این آرمان‌ها و رفتن به سمت این آرمان‌ها - درمان دردهای کشور است؛ دردسر نیست، رفع دردسر است؛ انقلاب این‌جوری است. خب، حالا البتّه در فضای مجازی در فلان روزنامه در فلان نوشته، کسی یک عقیده‌ای دارد می‌گوید:

۱. سوره هود، آیه ۱۱۲.
۲. کنز العمال، ج ۲، ص ۳۱۳.
۳. سوره هود، آیه ۱۱۲.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

عیب ندارد بگویند؛ اما حقیقت قضیّه همین است که حرکت، حرکت انقلابی بود، مجلس هم انقلابی است[۱].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.



فصل چهارم
شأن نظارت مجلس شورای اسلامی



نظارت نماینده بر خود (خودمراقبتی، تقوای فردی)

لزوم تقویت استحکام ارتباط با خداوند جهت انجام وظیفه سنگین خود

وظیفـه سـنگین اسـت؛ اگـر بخواهیم ایـن وظایـف را انجـام بدهیم، احتیـاج داریـم به این اسـتحکام ارتبـاط. باید ارتبـاط را قوی کرد؛ روزبـه‌روز باید ایـن ارتباط را حفظ کـرد. ذکر دائم برای این اسـت؛ اینکه نماز را در هر روز گذاشـته‌اند و با تناوب گذاشـته‌اند، برای این اسـت کـه ما دچار غفلـت نشویم. یکـی از بزرگ‌ترین نعمت‌هـای خدا، همین واجب کـردن نماز بر مـا اسـت. اگر نمـاز را بر ما واجـب نمی‌کردند، ما غرق در غفلت می‌شـدیم؛ صبـح از خواب کـه پـا می‌شوید، به یاد خدا؛ ظهر، وسـط اشـتغالات زندگی و معیشـتی به یاد خدا؛ شـب در پایـان یـک روزی کـه در آن تلاش کردید و کار کردید بـه یاد خدا.

با یاد رویت جای در بستر گرفتم　　با آرزویت سر ز بستر برگرفتم

ایـن آن ترتیب و برنامه‌ای اسـت که برای مـا در نظر گرفتند. عمل می‌کنیـم؟ اگر عمل بکنیم، آن‌وقـت می‌توانیـم مطمئـن باشیم کـه «اخرِجنی مِـنَ الدُّنیا سـالِما»[1] در دعاهای ما اسـت - می‌توانیـم خاطرجمـع بشویـم کـه سـالم از اینجـا بیرون خواهیم رفـت. در دعـای صحیفه‌ی سـجّادیه آمده: «اللّهـمَّ... اَمِتنـا مُهتَدینَ غَیـرَ ضالّیـنَ طائِعینَ غَیـرَ مُسـتَکرِهینَ تائِبینَ غَیرَ عاصیـنَ وَ لا مُصِرّیـن»[2] جوری مـا را بمیـران کـه در عیـن هدایـت از دنیـا برویـم؛ جوری ما را بمیـران که بـه آن عالَم با طـوع و رغبت رو کنیـم. کفّار این‌جوری نیسـتند، فسّـاق این‌جوری نیسـتند، ملائکـه می‌آیند بالای سرشـان و بـا فشـار و زور می‌گوینـد: ﴿اَخرِجوا اَنفُسَـکم﴾[3] امّا مؤمنیـن نـه، مؤمنیـن خاطرشـان از آن طـرف جمع اسـت و با طـوع و رغبت می‌روند؛ چشـم از چیزهـای زوال‌پذیـر می‌بندنـد؛ امـا ناگهان چشـم باز می‌کننـد به نعمت‌هـای عجیبی که دنیـا را فرامـوش می‌کنند. یک سـفر خوشـی که شـما می‌کنیـد، دَمِ گاراژ ممکن اسـت فرض کنیـد فرزند شـما، برادر شـما از شـما دور می‌شـود، دل شـما را نگران کنـد؛ امّا وقتی به سـفر

۱. مفاتیح الجنان ، ص ۶۳۳-۷۰۴.
۲. صحیفه سجادیه: دعای ۴۰.
۳. سوره انعام، آیه ۹۳.

رفتید، این مناظر عالی، این زندگی خوب، تنوّع و مانند اینها، اصلاً آن نگرانی یادتان می‌رود. وقتی آنجا شما با رضای الهی، رضوان الهی، پاداش الهی وارد شدید - ﴿نُزُلاً مِن غَفورٍ رَحیم﴾[۱] آیاتی که الان خواندند - با این وقتی انسان مواجه شد همه‌ی آن چیزهایی را که اینجا بود و موقّت بود و دلبستگی داشتیم و خودمان را برایشان می‌کشتیم، فراموش می‌کنیم؛ باید این‌جوری انسان از دنیا برود، این وظیفه‌ی ما است. البته این حرف‌ها در درجه‌ی اوّل خطاب به خود این حقیر است؛ بنده بارم از شما سنگین‌تر است و مشکلاتم بیشتر از شما است؛ ولی همه‌مان بایستی توجّه داشته باشیم. این اوّلین چیزی است که مورد نظر است[۲].

اکنون در طلیعه‌ی مجلس نهم، اصلی‌ترین توصیه‌ی اینجانب به نمایندگان محترم آن است که در جایگاه خطیری که با رأی مردم به دست آورده‌اند، تنها به مسئولیت الهی و اَدای وظیفه‌ی سنگین نمایندگی از ملّت بیندیشند و انگیزه‌ها و حُب و بُغض‌های شخصی و گروهی و طائفی و محلی را در قانون‌گذاری که مهم‌ترین وظیفه‌ی مجلس شورای اسلامی است و نیز در نظارت بر اجرای قانون و البته در موضع‌گیری‌هایی که فضای کشور را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، دخالت ندهند[۳].

لزوم خودسازی و مراقبت از خود

انسان گاهی اوقات وارد یک میدانی می‌شود، پاک وارد می‌شود، لیکن ممکن است خدای‌نکرده پاک از آنجا بیرون نیاید انگیزه‌های مادی جذاب‌اند، خطرناک‌اند. پول چیز خطرناکی است عزیزان من! ببینید امام سجاد علیه‌السلام در آن دعای مرزدارانِ صحیفه‌ی سجادیه که به مرزداران و سربازان و مجاهدان جبهه دعا می‌کند از جمله‌ی دعاهایش این است که پروردگارا! یاد مال فتون را از دل این‌ها ببر. این تعبیر «فتون»؛ فتنه‌انگیز، فقط در مورد مال در این دعا به‌کاررفته؛ «المال الفتون» مال، فتنه‌انگیز است فتنه همیشه به

۱. سوره فصلت، آیه ۳۲.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱/۰۳/۰۷.

معنـای فتنـه‌ی در عرصـه‌ی اجتماع نیسـت؛ بدتر از او، فتنه در عرصه‌ی دل انسـان اسـت. اگـر راه دل‌بسـتن بـه پول و بـه زندگی و بـه تشریفات و به جـاه و جلال و این‌هـا را بر روی دل بـاز کردیـد، دیگر واقـعاً حد یقـف ندارد.

و اصـل قضیـه هم همان‌طور که عرض کردیم، مراقبت از خود اسـت. خودسـازی و مراقبت از خود، اسـاس همه‌ی این کارهاسـت که می‌تواند ان‌شـاءالله همه‌ی ما را هدایت کند و خدای متعال بایسـتی کمک کند از خدای متعال بایسـتی کمک خواسـت، باید اسـتغاثه کرد، باید بـه قـرآن و دعـا و تضرع پناه بـرد. من از جمله‌ی سـفارش‌هایی کـه گاهی قبلاً هم به دوسـتانِ نماینـده‌ی مجلـس عرض کردم به مسـئولین دولت هم همین‌جور، این اسـت که تلاوت قرآن را نگذاریـد از زندگی‌تـان حـذف شـود، حتـماً قـرآن بخوانید؛ هـر روز، ولو کم، ولـو روزی یک صفحـه؛ بـا تأمل و با دقت. اصرار ما بر این اسـت که دوسـتان رابطه‌شـان را با قرآن از دسـت ندهنـد. به آن ده دقیقـه‌ای هم که در اول مجلـس قرآن خوانده می‌شـود، اکتفا نکنید[1].

لزوم حفظ و رعایت تقوا

بـرادران و خواهـران نماینـده را بـه رعایت تقوا و توکل بـه خداوند و توجه بـه معنویت و اخلاق و عبـادت و بی‌اعتنـایی به تشریفـات زاید و تجملات اسـراف آمیز و اجتنـاب از گروه‌گرایی و مقـدم داشـتن مصالح کـشور و مردم بر مصالح شـخصی و گروهـی و انقیـاد در برابر حق و پرهیـز از توصیه‌های خصوصی و شـخصی و دوری از صرف نابجای بیت‌المال و دوسـتی و مهربانـی بـا رقبـای دوران انتخابات و بر حذر بودن از وسوسـه‌ی شیطان و اغـوای نفس اماره، توصیه می‌کنم[2].

منتهـا یـک نکتـه‌ای اینجـا وجـود دارد؛ آن نکتـه ایـن اسـت کـه مـا ایـن طبیعـت را در مصداق‌هـای متعـدّدِ این مجلس حفـظ کنیم و نگه داریم؛ یعنی چون بنا شـد ﴿اُسِّسَ عَلَی

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷.

التَّقوی﴾[۱] باشد، تقوا را در مجلس محفوظ نگه داریم[۲].

همچنین همه‌ی برادران و خواهران نماینده را توصیه می‌کنم به رعایت تقوا و روی‌آوردن به توجه و عبادت و معنویت و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و خرد و حقیر دانستن پست و مقام و بزرگ و مهم شمردن خدمتگزاری به مردم، و اهتمام به برپایی حق و سرکوب باطل و برحذر داشتن خود از تکبر و غفلت و اسراف و انحراف و این موعظه‌ی عظیم قرآنی را به یاد آنان می‌آورم: ﴿تِلْکَ الدّارُ الاخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذینَ لایُریدُونَ عُلُوّاً فی الاَرْضِ وَ لا فَساداً وَ العِاقَبةُ لِلْمُتَّقینِ﴾[۳]. [۴]

عزیزان من! بدانید که هیچ‌کدام از ما مصون و معصوم از بروز فساد نیستیم؛ حتی انسان‌های صالح و انسان‌های مؤمن که در آن روایت دارد: «والمخلصون فی خطر عظیم»[۵] وقتی که مخلصین در خطرند، تکلیف ما معلوم است دیگر! دائم باید مراقب خودمان باشیم. فساد گاهی از یک نکته کوچک شروع می‌شود، بعد در انسان توسعه پیدا می‌کند و متسرّب می‌شود. یک وقت انسان احساس می‌کند که یا رفته است یا در شُرف رفتن است؛ آن وقت تصمیم‌گیری هم مشکل می‌شود. خدای‌نکرده در هنگامی که انسان بفهمد بیماری نفوذ کرده، دیگر تصمیم‌گیری هم سخت می‌شود باید مراقب بود؛ این مراقبت همان چیزی است که همه ادیان و سرتاسر قرآن و نهج‌البلاغه متوجه به آن است؛ یعنی همان تقوا این که می‌بینید امیرالمؤمنین در دوران حکومت خود این‌همه به تقوا امر می‌کند - که شاید کمتر موضوعی در نهج‌البلاغه به قدر تقوا موردتأکید قرار گرفته است - همچنین در دعاها و روایات چقدر از خدا تقوا خواسته شده است و نیز در فرمایش‌های امام رضوان‌الله تعالی علیه آن همه در خصوص رعایت تقوا تذکّر داده شده است به خاطر همین است که تقوا «حصار» است. تقوا، یعنی همان مراقبت دائمی شما از خودتان. این

---

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

۳. سوره عنکبوت، آیه ۸۳.

۴. پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۱۱.

۵. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۴۵، روایت ۱۸.

حصـاری اسـت بـه گرد شـما، مبادا بگذاریـد این حصار شکسـته شـود؛ چون ایـن جایگاه، جایگاه مهمّی اسـت. ممکن اسـت شـما در سـال‌های بعد هم همین مسـئولیت‌ها را داشته باشید، ممکن اسـت نداشـته باشید؛ این مهم نیسـت؛ مهم این اسـت که در هر لحظه‌ای - تـا آن سـاعت آخـر و روز آخر - که شـما این مسـئولیت را داریـد، این را رعایـت کنید[1].

به دنبال این توصیه، این را هم عرض کنم که از لغزشگاه‌ها بترسید. امام سجاد علیه‌السلام در دعای صحیفه‌ی سجادیه، وقتی برای سربازان اسلام دعا می‌کنند از جمله‌ی چیزهایی که روی آن تکیه می‌کنند، این است که خدایا یاد و محبت و علاقه‌ی به «المال الفتون» - مال فتنه‌انگیز - را از دل این‌ها بگیر. مال و پول، خیلی خطرناک و فتنه‌انگیز است و خیلی‌ها را می‌لغزاند. ما آدم‌های درشتی را در تاریخ دیدیم که وقتی پایشان به اینجا رسید، لغزید؛ بنابراین، خیلی باید مراقب باشید. در شرع مقدس، اسم این مراقبت چیست؟ تقوا، این‌که در قرآن از اول تا آخر این‌همه به تقوا توصیه شده، معنایش همین مراقبت و مواظبت از خود است. نفس انسان، زیاده‌خواه است. من وقتی در مطبوعات خواندم که شماها تصمیم گرفته‌اید در بعضی از مسائل مجلس و برخی از برخورداری‌های بیخودی تجدیدنظر کنید، حقیقتاً خوشحال شدم و به بانیان این کار دعا کردم، مثلاً فرض بفرمایید، آدمی خانه دارد، باز خانه می‌خواهد؛ امتیاز دارد، باز امتیاز می‌خواهد، واقعاً من تشکر می‌کنم از این‌که شما در این راه وارد شدید و همت گماشتید این راه را ادامه دهید و بر سر این کارها پای بفشارید. هرچه می‌توانید، منطقی و صحیح رفتار کنید؛ البته ما توصیه نمی‌کنیم و توقع هم نداریم که مثلاً در مجلس، نمایندگان گشنگی و تشنگی بکشند و زهد به خرج دهند - نه ما این‌طوریم، نه شما این‌گونه‌اید - ما می‌گوییم زیاده‌روی و اسراف نشود و کارهای بی‌قاعده و خرج‌های بیخودی انجام نگیرد. ممکن است سرجمع همه‌ی این خرج‌ها مبلغ خیلی کلانی هم در مجلس نشود؛ اما وقتی شما این راه را قطع کردید، دست مردم و دستگاه‌ها الگو می‌دهید و راه و جهت را مشخص می‌کنید. کار شما خیلی ارزش دارد و بسیار خوب است؛ این را دنبال کنید[2].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.

خداونـد در آیات آخر سوره‌ی مبارکه‌ی حشـر می‌فرمایـد: ﴿یا ایّها الّذین امنـوا اتّقوا اللّه ولتنظر نفـس مـا قدّمت لغد﴾[۱]؛ تقوا پیشـه، کنیـد - یعنی مراقب خودتان باشید - و حواسـتان باشـد کـه لغـزش و اشـتباه و انحرافـی پیـش نیایـد؛ و نتیجـه‌ی ایـن مواظبـت - «ولتنظـر نفس ما قدّمـت لغـد» - باید این باشـد که ببینیم برای فردا چـه فراهم کرده و از پیش فرسـتاده‌ایم بعد بلافاصلـه می‌فرمایـد: «واتّقـوا اللّه انّ اللّه خبیر بما تعملـون»؛ خدای متعال بینا و داناسـت، ما بایـد مراقـب خـود و بینای کار خود باشیم و حواسـمان باشـد؛ به نظر من، ایـن خط و جهت اصلـی اسـت. اگـر این رعایت شـد و اهتمام به این گماشـته شـد، هـم طرح‌هـای خوب در مجلـس مطـرح خواهد شـد؛ هـم لوایح به‌موقـع تصویب خواهد شـد؛ هـم وظیفـه‌ی نظارتی، خـوب انجـام خواهد شـد؛ هم ملاحظـه‌ی حال مردم خواهد شـد؛ هـم ملاحظه‌ی توسـعه‌ی کـشور خواهد شـد؛ هم ملاحظـه‌ی عدالت خواهد شـد؛ یک مقـدارش را خود مـا می‌فهمیم، یـک مقـدارش را هـم خـدا بـه ما کمـک می‌کنـد و مـا را هدایـت و دسـتگیری می‌کنـد. اگر ایـن قـدم از اول در ایـن جهت برداشـته نشـد، همه نـوع احتمالی وجـود دارد و واقعاً انسـان نمی‌توانـد مطمئن باشـد که چـه خواهد کرد و چگونه خواهد شـد؛ بنابراین عـرض اصلی من ایـن اسـت که مراقـب باشید ایـن چهار سـال می‌گذرد[۲].

از جمله، کارهای دوران مسـئولیت - خط رعایت تقوا و احسـاس وظیفه و مسـئولیت را پیش بگیریـم، خـدای متعال هـم توفیقات خـودش را ارزانی خواهد داشـت؛ ﴿یـا ایّهـا الّذین امنوا اتّقـواالله و قولوا قولا سـدیدا یصلح لکم اعمالکـم و یغفر لکم ذنوبکم﴾[۳] اگر تقـوا به میان بیاید، خـدای متعـال هـم اعمـال را اصلاح و مـا را هدایـت می‌کنـد؛ ﴿انّ علینا للهـدی﴾[۴]؛ خدای متعـال هدایـت را بر عهـده‌ی خودش دانسـته. اگر مـا در خط تقـوا، رعایت امرونهـی الهی و مواظبـت از رفتـارِ خود حرکـت کنیم، بدون شـک خدای متعال مـا را هدایـت و کمبودهای

۱. سوره حشر، آیه ۱۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.
۳. سوره أحزاب، آیه ۷۰.
۴. سوره لیل، آیه ۱۲.

کار ما را جبران خواهد کرد - ﴿یغفرلکم ذنوبکم﴾ -[۱] و اگر در جاهایی نادانسته خطا و اشتباهی از ما سر بزند، آن‌ها را مورد مغفرت قرار خواهد داد و آبروی ما را حفظ خواهد کرد؛ بنابراین تقوا ملاک است؛ یعنی غیر از ملاک ارزشی که چه کسی پیش خدا بالاتر است - و آن تقواست - برای خود ما هم که بفهمیم چه‌کار بکنیم، چه‌کار نکنیم؛ کدام کار خوب است، کدام کار منتج است و کدام کار نیست؛ معیار، تقواست. اگر تقوا را رعایت کردیم، حرف و عمل ما هم با هدایت و کمک الهی در مسیرِ درست قرار خواهد گرفت. پس اول و آخرِ همه‌ی حرف‌های ما تقواست[۲].

لزوم انجام محاسبه و مراقبه دائمی

توصیه‌ی بنده این است که باید مراقبه کنیم، باید حساب‌کشی کنیم از خودمان مراقبه‌ی دائمی لازم است. ما انسان‌ها ضعیفیم، در معرض خطریم، در معرض لغزشیم؛ مراقب باشیم، مراقب خودمان باشیم. این مراقبت، در اصطلاح قرآنی و اسلامی، اسمش تقوا است؛ تقوا یعنی همین مراقبت دائمی از خود که دامن انسان گیر نکند به این خارهای دُور و بَر خب، یک توصیه این بود که به نظر من توصیه‌ی اصلی همین است[۳].

این مسئولیت‌ها امروز هست، فردا نیست. همه ما درگذریم. مجلس شورای اسلامی به فضل الهی پایدار بوده و پایدار خواهد ماند؛ لیکن ما که پایدار نیستیم؛ ما چهار روز در این جا هستیم و وظایفی داریم که آن وظایف را بایستی انجام دهیم. در درجه اوّل باید خدا را راضی کنیم. البته مردم را باید راضی و دل آن‌ها را شاد کرد؛ اما در درجه اوّل این است که فکر محاسبه الهی را بکنیم. عزیزان من! خدای متعال از هر ساعتِ عمر شما در مجلس، از هر تصمیم‌گیریِ شما، از هر نشست و برخاست شما - که اکنون مهم شده است - سؤال خواهد کرد تا چندی پیش، شما می‌نشستید، برمی‌خاستید؛ حرکت و گفتار شما تأثیری نمی‌گذاشت؛ اما امروز شما یک کلمه حرفتان، یک نشست و برخاستتان،

---

۱. سوره نوح، آیه ۴.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

۳. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.

یک دست بلندکردن و موضع‌گیری‌تان مؤثّر است. این یک امکان است و این امکان با خودش مسئولیت سنگینی را می‌آورد. در درجه اوّل هم خدای متعال از ما سؤال می‌کند[۱].

چه خوب است که انسان - در هر مرتبه و در هر شغلی - وقتی به پشت سر خود نگاه می‌کند، در یک محاسبه‌ی دقیق و سخت‌گیرانه و بدون مسامحه، فهرستی از کارهایی را مشاهده کند که قابل ارائه‌ی به پیشگاه الهی است. این که به ما گفته‌اند: «حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا»[۲] و علمای سلوک و اخلاق، محاسبه را یکی از اولین وظایف سالک دانسته‌اند، برای این است که ما دائم در حال خواندن نامه‌ی عمل خودمان باشیم و در روزی که این نامه‌ی اعمال خوانده خواهد شد، غافلگیر نشویم. قبل از این‌که نامه‌ی اعمال ما در پیشگاه الهی مورد محاسبه و مطالعه قرار بگیرد، خود ما بخوانیم؛ اگر کمبودی هست، اصلاح کنیم؛ اگر نقطه‌ی قوّتی در آن هست، خدا را بر آن سپاس بگزاریم. والّا اگر این محاسبه را انجام ندهیم و غافل بمانیم، آن‌وقت غافلگیر می‌شویم.

امام سجاد علیه‌السلام در دعای ابوحمزه عرض می‌کند: «اللّهم فارحمنی إذا انقطعت حجّتی و کلّ عن جوابک لسانی و طاش عند سؤالک ایّای لبّی»[۳]، در مقابل سؤال الهی حجت انسان و استدلال انسان تمام می‌شود - به تعبیر رایج امروز، انسان کم می‌آورد - زبان انسان از گویائی می‌افتد و حتّی ذهن و عقل و لبّ انسان هم آشفته می‌شود؛ «و طاش عند سؤالک ایّای لبّی» آن‌هایی که خودشان را زیر مداقه‌ی یک محاسبه قرار دادند، امید فرجی دارند. وقتی به نامه‌ی اعمال خود نگاه کردیم و دیدیم این نقاط کمبود وجود دارد، چون هنوز وقت باقی‌ست و عمر باقی‌ست، جبران می‌کنیم؛ ﴿و أنیبوا إلی ربّکم﴾ - [۴] «أنیبوا» یعنی برگردید و جبران کنید - اگر دیدیم نقاط روشنی وجود دارد، به کمک الهی، به توفیق الهی و به هدایت الهی دلگرم و امیدوار می‌شویم؛ هم خدا را شکر می‌گزاریم، هم

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.
۲. بحار الأنوار، ج۶۷، ص۷۳.
۳. اقبال الاعمال، ص ۶۷ ؛ مصباح المتهجد، ص ۵۹۲؛ بحارالانوار، ج 95، ص 83.
۴. سوره زمر، آیه ۵۴ .

ادامـه می‌دهیم؛ محاسـبه فایده‌اش این اسـت[۱].

لزوم مراقبت از حرف و عمل در جهت عدم همراهی دشمن

مراقـب باشیـد حـرف شـما و عمـل شـما بـه هدف‌هـای آمریـکا کمک نکنـد. مـا گاهی در گذشـته مواردی را داشـته‌ایم که نماینده‌ی مجلـس یک حرفی زده که ایـن حرف، صددرصد در خدمـت هدف‌هـای رژیـم صهیونیسـتی بـوده؛ یعنـی صددرصـد، نـه نـود درصـد! کأنّـه درسـت حرف‌هـای آن‌هـا را دیکتـه کردند بـه او و او اینجـا منعکس کـرده. داشـته‌ایم از این قبیـل مـواردی، البتّـه بنـدرت؛ مراقب باشیـد چنیـن چیزهایی پیـش نیاید[۲].

سخت‌گیری در تسویلات نفسانی برای جلوگیری از اشتباه

امروز کـه بـه فضـل پروردگار، نظـام اسلامـی مسـتقر و دولتـی اسلامـی بـر سـر کار اسـت و مسـئولان کشور جزو ممتازان اسلامی و دینی و تجربه‌شـده‌های این راه هسـتند، برای انطباق ایـن دو خـط، زمینه از همیشـه آماده‌تر اسـت. شـما برای خـدا کار کنید و ببینیـد تکلیفتان چیسـت و چه چیزی خدا را از شـما راضی می‌کند در شـناخت موضوع، سـخت‌گیری کنید کـه تـسویلات نفسـانی جلوِ چشـم را نگیرد؛ چـون می‌دانید که تـسویلات نفسـانی در مراحل مقدّماتـی، جلـوِ چشـم انسـان را می‌گیرد. انسـان بـا دقّـت می‌تواند آن پـرده را از جلوِ چشـم بردارد و حسـاب خود را با خدا روشـن کند و در امر خود دچار اشـتباه نشـود. ایـن، برای همه ممکن اسـت. سـعی کنیـم که این‌طور شـود. اگر این‌گونه شـد، بدون تردیـد مجلس، مجلسِ موفّقـی خواهد شـد و کشور پیـش خواهد رفت ﴿ولینصـرن‌اللّه من ینصره﴾[۳]، یک آیـه بیّنه قرآن کریـم اسـت که هیچ ابهامی در آن نیسـتخدا را نصـرت کنید، خدا هم شـما را نصرت خواهد کـرد ﴿والّذیـن جاهدوا فینـا لنهدیّنهم سـبلنا﴾[۴]، یـک آیه مبیّنه اسـت و هیچ تشـابهی در آن

۱. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۳. سوره حج، آیه ۴۰.
۴. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

نیست. شما برای خدا مجاهدت کنید، خدای متعال هم راه را به شما نشان خواهد داد.[۱]

توجه به تأثیر کلام و تصمیم خود در فضای عمومی جامعه

یک نکته‌ی دیگر این است که نماینده به تأثیر سخن خود و اقدام خود و تصمیم خود در فضای عمومی کشور واقف باشد. شما قبل از اینکه نماینده بشوید مثلاً معلّم بودید، پزشک بودید، کاسب بودید، طلبه بودید، فرض کنید که مشغول کارهای گوناگون بودید، ممکن بود نظری داشته باشید، حرفی بزنید که این‌قدر انعکاسی نداشت، این‌قدر تأثیری نداشت؛ امّا همین شما وقتی در این منبر قرار گرفتید - منبر مجلس - حرف شما آن‌وقت دیگر دارای تأثیر است. یک عدّه‌ای از حرف شما یک برداشتی می‌کنند - همه که پرهیزکار و باتقوا نیستند؛ بعضی هم هستند که بی‌تقوایند - و بر طبق خواست خودشان از آن حرف یک استفاده‌ی سوئی می‌کنند به ضرر کشور، به ضرر نظام، به ضرر دولت، به ضرر منافع ملّی؛ باید مراقب حرف‌زدن بود[۲].

توجه به سنگینی مسئولیت و عدم امکان توبه و جبران پس از پایان آن

این زندگی هم می‌گذرد. پنجاه سال، شصت سال، هفتاد سال - کمتر یا بیشتر - مثل برق می‌گذرد. این مسئولیت‌ها هم زودتر از زندگی تمام می‌شود. تا دیروز کسانی در این مجلس می‌نشستند، امروز شما می‌نشینید، فردا هم کسان دیگری می‌نشینند. این مأموریتِ کوتاه‌مدت، ارزش این را ندارد که به‌صورت یک اصل در مقابل تکلیف شرعی - که بزرگ‌تر از آن است - قرار گیرد. آن مأموریت کوتاه‌مدت، در مقابل تکلیف شرعی کوچک است. این، حرف اساسی ما با شماست[۳].

برادران عزیز! بعضی از کارها توبه دارد، بعضی از کارها توبه هم ندارد؛ چون اصلاحش ممکن نیست. شما ببینید در قرآن کریم بعد از «الاّ الّذین تابوا» در موارد متعدّدی دارد

۱. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

«واصلحوا». گاهی توبه نسبت به کار شخصی ماست. در مسائل فردی، کار اشتباه و غلطی از ما سر می‌زند، بعد هم به خدای متعال عرض می‌کنیم: پروردگارا! اشتباه کردیم، غلط کردیم. این تمام می‌شود و می‌رود. یک وقت است که این کار در صحنه جامعه تأثیر می‌گذارد؛ واقعیتی را به وجود می‌آورد یا از بین می‌برد؛ توبه این، به این است که آن را اصلاحش کنیم. مگر ممکن است همیشه اصلاح کرد؟ مگر در همه موارد ممکن است آبِ رفته را به جوی بازآورد؟ لذا بسیار باید دقّت کرد. بنده ضمن این که به خاطر این مسئولیت سنگینی که دارید، باید به شما عزیزان تبریک عرض کنم، باید هشدار هم بدهم: مواظب باشید؛ این مسئولیت بسیار سنگین و کار بسیار بزرگی است. همان‌قدر این مسئولیت سنگین است که مسئولیت بقیه کسانی که در مسئولیت قبل از شما بودند یا بعد از شما خواهند آمد. از خدای متعال باید کمک و حمایت بخواهید[1].

شما برادران و خواهرانی که بحمدالله در مجلس شعار حفظ مبانی انقلاب و جلوه بخشیدن به سخنان امام را مطرح کرده‌اید، مسئولیت مضاعفی دارید؛ چون مردم حقیقتاً به میدان آمده‌اند و با گزینش خود، راه کشور را مشخص کرده‌اند. مدعیان این‌طور القا می‌کردند که راه امام و خط امام و انقلاب و اسلام و عدالت اجتماعی تمام شد؛ روزگار و فصل دیگری آمد و کارهای دیگری باید کرد. مردم آمدند راه را تصحیح کردند؛ مثل سوزنبان ماهری که می‌آید خط را مشخص می‌کند تا معلوم باشد مسیر از اینجاست. شما با این توجه، با این توقع و در واقع با این ادعا وارد مجلس شده‌اید؛ این مسئولیت خیلی سنگینی است. انتظار مردم این است که شما این مسئولیت را فراموش نکنید. چیزهایی هست که انسان گاهی هم دوست می‌دارد، می‌خواهد دنبال کند و رگ گردنش را هم پُر می‌کند؛ اما در مقابل این مسئولیت چیزی نیست؛ بنابراین باید به‌راحتی آن را کنار گذاشت. برخی احساسات شخصی، برخی توقعات و خواهش‌های شخصی، و بعضی مسائل گروهی را باید به‌خاطر آن مسئولیت زیر پا گذاشت[2].

---

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

یک نکته‌ی اساسی در اینجا وجود دارد که همه‌ی ما باید به آن توجه کنیم - بنده بیشتر از شما به توجه به این نکته احتیاج دارم؛ همه‌ی شما هم به اقتضای مسئولیت، احتیاج دارید - و آن، احساس تکلیف است؛ اخلاص نیت و عمل برای خداست. این اگر شد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد، همه‌ی راه‌ها گشاده خواهد شد؛ این اگر شد، رحمت الهی و کمک الهی شامل حال خواهد شد؛ ﴿ان تتّقوا الله یجعل لکم فرقانا﴾[1] - همین آیاتی که الان تلاوت کردند - این اگر شد، توهّم غلطِ انهزام در مقابل دشمن و تسلط دشمن از بین خواهد رفت. توکل به خدا، ارتباط با خدا - که ناشی از این نیت خالص است - همه‌ی مشکلات را حل می‌کند. انقلاب هم همین‌جور پیروز شد. اگر امام بزرگوار ما - که حقیقتاً رهبر به تمام معنای کلمه بود - این توکل را، این اخلاص را نداشت، قطعاً این انقلاب پیروز نمی‌شد. اگر مردمی که آمدند توی میدان، نخبگانی که مردم را کشاندند وسط میدان، این اخلاص را، این کار برای خدا را نمی‌داشتند، کار پیش نمی‌رفت. در دوران دفاع مقدس هم همین‌جور بود. فرمودند که عده‌ی زیادی از شماها در دوران دفاع مقدس بودید؛ خب، آن‌هایی که بودند، از نزدیک می‌دانند که چه بود و چگونه بود و چه خبر بود. راز اصلی این است: دنبال تکلیف باشیم، دنبال کسب رضای الهی باشیم. اگر با نگاه تاجرانه به زندگی نگاه کنیم، باز نتیجه همین است. بنده سال‌های پیش مکرر می‌گفتم که شهادت در راه خدا، مرگِ تاجرانه است؛ یعنی مرگِ سودمحور است. واقعاً همین‌جور است. آن کسی که در راه خدا شهید نمی‌شود، این جانی را که به عاریت به ما سپرده‌اند، در راه خدا نمی‌دهد، بالاخره نمی‌تواند این را نگه دارد؛ خواهد داد؛ چه‌بهتر که این روغن ریخته، نذر امامزاده شود؛ چه‌بهتر که این امر ناگزیر - مرگ که یک حادثه‌ی ناگزیر برای ماست - وسیله‌ی سعادت ما بشود؛ وسیله‌ی برخورداری ما در زندگی واقعی، از لطف الهی واقعاً شهادت، مرگ تاجرانه است.

عین همین قضیه در مورد تلاش‌های دنیایی ماست. اگر ما از پول بگذریم، از تمتعات و هوس‌های بی‌مورد و حرام بگذریم، کار تاجرانه کرده‌ایم و سود برده‌ایم؛ چون خدای متعال به خاطر این گذشت، آن‌چنان پاداشی به ما خواهد داد که همه‌ی آنچه که ممکن بود در

۱. سوره انفال، آیه ۲۹.

ایـن تمتعات به دسـت بیاوریـم، در مقابل آن، صفر و زیر صفر اسـت؛ هیچ اسـت. کار برای خـدا این‌جوری اسـت. به نظر من این، اسـاس قضایای ماسـت[۱].

نمایندگی مجلس، مسئولیت و انجام تکلیف نه وسیله کسب امتیاز شخصی

نماینـدگـی مجلـس، دارای دو بعد اسـت. یعنـی از دو دیدگاه می‌شـود به این امر نگریسـت. یـک دیدگاه این اسـت که مـا از نمایندگـی و حضور در مجلـس شورای اسلامی و دسترسـی داشـتن بـه مسـئولین کـشور و بـه تریبـون آزاد، به چشـم یک امتیـاز نـگاه کنیم؛ یـک امتیاز شـخصی و عنوانـی. البتـه در دنیـای مـادّی، غالـباً وضع بـه همین نحـو اسـت. می‌کوبند؛ می‌زنند؛ زحمت می‌کشـند؛ پـول خرج می‌کنند؛ انواع و اقسـام تلاش‌هـا را می‌کنند، تا به این امتیـاز دسـت پیـدا کنند. یک محاسـبه مادّی و واضحی هم هسـت؛ نوعی تجـارت و نوعی به‌دسـت‌آوردن فرصـت! اما در نظـام اسلامی و در جمـهوری انقلابی ما؛ در میـان مردم ما که شـما هـم از متن آن مـردم برخاسـته‌اید و بسیـاری از شـما، تجربه‌هـای پر افتخـار فداکاری در ایـن راه را داریـد - در جبهه‌هـا بوده‌ایـد؛ در زندان‌هـای دشـمنان بوده‌ایـد؛ در اسـارت بوده‌ایـد؛ سـال‌ها در تلاش و سـازندگی بوده‌اید؛ زحمـت کشیده‌اید و خدمـت کرده‌اید - این دیـدگاه مردود اسـت. اگر بخواهیم یک حکـمِ علی‌القاعـده بکنیم، باید بگوییـم که در میان نماینـدگان مـا حتّـی یک نفـر هم با این فکـر و از ایـن دیدگاه، نگرنـده به موضـوع نمایندگی نیسـت. قاعده مطلب، این اسـت.

دیـدگاه دوم ایـن اسـت که ما بـه نمایندگی مـردم در مجلـس شورای اسلامی، بـه عنوان یک مسـئولیت، یـک ادای وظیفه و یک صحنـه کارآمد برای خدمت نگاه کنیم. اگر شـوقی هم به نماینده شـدن هسـت، به این خاطر باشـد. اگر تلاشـی هم در راه معرفی خود و بیان مطالب در بـاب خـود و تلاش بـرای رسیدن بـه این میدان هسـت، برای ایـن مقصود باشـد؛ مثل آن بسیجـی سـر از پا نشـناخته که وقتـی به پایـگاه می‌آمد که او را اعـزام کنند و آن‌هـا می‌گفتند «اعزامـت نمی‌کنیـم رو برمی‌گرداند و «و تفیـض اعینه من الدّمع»؛ درسـت مثل همان چیزی کـه در صدر اسلام بود. با دلِ شکسـته برمی‌گشـت که چرا او را به جبهـه نبردند. تلاش می‌کرد

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.

تـا برود و در میـدان مجاهـدت کنـد. این هم یک دیدگاه اسـت برای رفتن بـه مجلس شورای اسلامـی کـه کسـی تلاش کنـد تـا بتوانـد بـه اسلام خدمـت کند؛ بـه مـردم خدمـت کند، و اسـتعداد خـود را در اینجا در معـرض آزمایش الهی و مردمـی قرار دهد[1].

خدمـت، خیلی سـخت اسـت؛ خیلـی هم شیرین اسـت. هـر چه سـختی خدمت بیشـتر باشـد، آسـایش معنـوی و روحی انسـان پـس از انجـام‌دادن آن خدمت، بیشـتر خواهـد بود. ان‌شـاءالله همان‌قدر کـه زحمت می‌کشید و تلاش می‌کنید و سـنگینی‌ها و فشـارهایی را که بـه طور طبیعـی برای مسـئولان - در هر جا باشـند - وجـود دارد، تحمّل می‌کنیـد، امیدواریم خداونـد متعـال به شـما اجر و پاداش دهد و دل‌ها و چشـم‌های شـما را با لطف خود روشـن کند[2].

حفظ ارتباط با خدا با نیت خدمت و حرکت در راه انجام وظیفه

مـا کـه در جمـهوری اسلامـی مشـغول خدمـت هسـتیم، فراتر از همـه فکرهـا و سـلیقه‌ها و گرایش‌هـا و انگیزه‌هـا و تفاوت‌هـایی کـه قهراً وجود دارد، همـه باید در یک چیز مشـترک و به آن مهتـم باشیم و آن حفظ رابطه خودمان با خداسـت؛ ذکر نعمت الهی اسـت؛ به‌یادداشـتن لطـف و فضل پروردگار اسـت به خاطر فرصتی که به ما داده اسـت. این بـه اختلاف سلایق، بینش‌های سیاسـی و گرایش‌های گوناگون سیاسـی و جناحی و حزبی و غیره ارتباطی ندارد؛ این مربوط به همه اسـت. هرکس مسـئولیتش بیشـتر است، به این بیشـتر احتیاج دارد. بنده ضعیـف و ناتوانی که مسـئولیتم سـنگین اسـت، بیـش از شـما احتیـاج دارم. مخاطب این موعظـه در درجـه اوّل خـود من هسـتم. دل‌هـا را باید با خدا آشـنا نگهداشـت. آنچـه در این راه مهـمّ اسـت، نیّت خدمـت و تلاش برای خدمت اسـت. این نیّت را باید حفـظ کرد؛ نیّت مقدّسـی اسـت. خود انسـان هم خـوب می‌توانـد بفهمـد در کجا، کـدام موضع‌گیـری، کدام حـرف، کدام تسـلیم و کدام رد - مثلاً در مجلس - با نیّت خداسـت و بـرای خدا کار می‌کند یـا انگیـزه دیگـری دارد. ممکـن اسـت دیگـران نیّت مـا را تشـخیص ندهنـد؛ بـرای دیگران

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

می‌شود طور دیگری واقعیت‌ها و باطن‌ها را جلوه‌گر کرد؛ اما انسان برای خود نمی‌تواند این کار را بکند اگر انسان با دقّت و تأمّل نگاه کند، همه چیز در مقابل او باز و افشا شده است. مهم این است که نیّت خدمت و حرکت در راه انجام وظیفه را حفظ کنیم؛ آن‌گاه همه کارها دارای اجر خواهد بود. ممکن است در خصوص مسئله‌ای، دو موضع‌گیری کاملاً متضاد وجود داشته باشد؛ اما هر دو هم مشمول لطف و مغفرت و قبول الهی باشد؛ به شرطی که نیّت خوب باشد و عمل بر طبق آنچه انسان احساس وظیفه می‌کند، انجام گیرد. برای شما این فرصت خیلی فراهم است؛ چون نقش شما مهمّ است[1].

تأمین ذخیره معنوی برای خود در دوره خدمت نمایندگی

این یک سال هم گذشت. مثل همه چیزهای دیگر، عمر خدمت‌ها و عمر ما کوتاه است و مانند برق و باد این فرصت‌ها می‌گذرد. در هر مسئولیتی هستیم، آنچه برای ما باید مهم شمرده شود، این است که سعی کنیم گذر عمر و ایّام مسئولیت، برای ما ذخیره‌ای داشته باشد؛ والّا وقتی انسان از این مرز عبور کند، از این اعتبارات و حیثیّات هیچ چیزی در دست او نیست. عمر، چیزِ بی‌اعتباری است؛ هیچ نمی‌شود اطمینان داشت که ما تا فردا، تا آخر دوره و تا یک دوره دیگر هستیم و این فرصت را داریم. در اوّلِ تشکیل این مجلس که ما شما برادران و خواهران عزیز را در همین حسینیه زیارت کردیم، جمعی در بین ما حضور داشتند که الان نیستند. آن‌ها هستند و عملشان؛ آن‌ها هستند و نیّاتشان؛ آن‌ها در محضر خدای متعال هستند. امیدواریم خداوند متعال با آن‌ها با نهایت رحمت و مغفرت و فضل خود رفتار کند و مقاماتشان را ان‌شاءالله عالی گرداند. به هر حال ما، هم فرصت استغفار و هم فرصت عمل داریم. آن‌هایی که رفتند، دیگر این فرصت‌ها را ندارند: «و فی الاخرة عذابٌ شدیدٌ و مغفرةٌ من اللّه و رضوان؛ باید برای یکی از این دو، هدف‌گیری کرد؛ از این دو حالت خارج نیست. یا مغفرت و رضوان الهی است، یا خدای‌نخواسته خشم و سخط الهی. تأمین‌کننده هم جز خود ما کس دیگری نیست. اگر قرار است فضل الهی شامل ما شود، یا رحمت و مغفرت الهی ما را دریابد، باز با خواست خود ماست؛

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

باید خودمان آن رحمت را بخواهیم: «لیس یردّ غضبک الّا حلمک و لا یردّ سخطک الّا عفوک و لا یجیر من عقابک الّا رحمتک و لا ینجینی منک الّا التّضرع الیک» باید به خدای متعال متوسّل و متضرّع شد[۱].

حسنه و قرب الی الله بودن هر کاری در صورت نیت الهی داشتن

برادران و خواهران گرامی! کار با نیّت خدمت به مردم، عمل صالح و حسنه‌ی مأجور الهی است و خدای شاکر علیم، در دنیا و آخرت به آن پاداش خواهد داد. جذب دل‌های مردم و سپاس بی‌دریغ آنان یکی از پاداش‌های الهی در دنیا است و تشییع چندین میلیونی رئیس‌جمهور فقید و همراهان عزیزش نمونه‌ای از این پاداش الهی است. مردم وفادار و هوشیار در شهرهای مختلف، با گل‌باران و اشک‌باران این پیکرهای پاک، یاد شهیدان دهه‌ی ۶۰ را برای نسل جدید کشور زنده کردند و در عمل، به هزاران دروغ و تهمت و شایعه پاسخ دادند رحمت و درود خدا بر آنان.

هدف را باید خدا قرار داد. اگر برای نماینده، هدف خدا باشد، هدف خدمت به کشور باشد، خدمت به انقلاب باشد، نفس‌کشیدنش هم حسنه است. هر طی طریق او از خانه تا مجلس، هر لحظه نشستن او روی آن صندلی، هر کلمه حرفی که می‌زند، هر تلاشی که می‌کند، هر اعصابی که او مایه می‌گذارد، همه این‌ها حسنه است، صدقه است، مایه قرب الی اللّه است؛ وقتی هدف خدا باشد، وقتی هدف خدمت به مردم باشد، وقتی هدف، پیش‌بردن کار انقلاب باشد و وقتی هدف، رسیدن به هدف‌های انقلاب باشد[۲].

خسران بودن اهداف مادی

حقیقت قضیه این است که زندگی انسان، وقتی معنی پیدا می‌کند که این زندگی در راه یک هدف مقدّس مصرف شود. زندگی‌ای که هدفی مقدّس و الهی را دنبال نمی‌کند و این حیات و سرمایه، در همین مدّت کوتاه که در دست ماست صرف این می‌شود که به

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۴۰۳/۰۳/۰۶.

مـا خـوش بگذرد، زندگی ضایع شـده‌ای اسـت. بنده یک وقت مثـال می‌زدم کـه در این‌گونه حیات‌هـا و تلاش‌هـا، انسـان زندگی می‌کنـد تا بخورد، تا بـا آن خوردن، باز زندگـی کند که آن زندگـی هـم هدفش چیزی جز خوردن نیسـت! البته خوردن به عنوان یک رمـز و به عنوان یک سـمبل گفته می‌شـود. چیزهـای دیگری هـم از اهداف مادّی هسـت که مثل خوردن اسـت. خوشـگذرانی کردن، آقایی کـردن، فرمانروایی کردن، کبـر ورزیدن و ناز فروختـن، امرونهی کردن و در جـای بالاتـر نشسـتن که باید به خدا پنـاه ببریم از این‌که دل ما بسـته به این‌ها شـود. در مثلـی دیگـر به آن می‌مانـد که اتومبیلـی را بـه پمپ‌بنزین ببریم؛ بـاک آن را از بنزیـن پر کنیم و اتومبیـل را بـه راه بیندازیـم و هدفمـان این باشـد که بـه پمپ‌بنزین بعدی برسیـم که در آن پمپ‌بنزیـن بـاز مخـزن را پر کنیـم تا حرکت و طـی طریق کند و بـه پمپ‌بنزین بعدی برسـد! خلاصـه، همـه دوران ایـن اتومبیـل بـه این بگـذرد که از ایـن محلّ پمـپ، به آن محـلّ پمپ برود، بـرای راه‌افتـادن و بـرای رسیدن به یک پمپ‌بنزیـن دیگر؛ بدون این‌که بـا آن طی طریقی کنیـم؛ بـدون این‌که با آن، هدفی را وجهه همّت سـازیم؛ بدون این‌که بـا آن بخواهیم از بیابان خطرناکـی عـبور کنیم و بـدون این‌که بـا آن بخواهیم به کسـی خدمتی کنیم!

چقـدر خسـران اسـت برای یک انسـان که هدفـش در زندگی، همیـن چیزهای مادّی باشـد؛ زندگـی راحت‌تـری به‌دسـت‌آوردن و چند صباحی را با یـک عزّت خیالـی گذرانیدن! خیالی بـودن این عزّت را انسـان می‌تواند از نابودشـدن و پوچ شـدن و زایل شـدن و بی‌معنی شـدن آن در میلیون‌هـا مورد، در مقابـل چشـم خـود در دنیـا ببیند. روی این کرسـی‌ها، انسـان‌های زیادی نشسـتند یک روز هسـتند، یک روز نیسـتند در همه دنیا، مناصب گوناگون - مناصب دولتی و مناصب شـبه‌دولتی - یک روز دسـت زید اسـت، یک روز دسـت عمرو است. وقتی عمرو آمد، از زید خبری نیسـت. عبرتی از این بالاتر نیسـت. فقط کسـی می‌تواند به آن دوران تکیه کند که در آن دوران کاری کرده باشـد؛ ذخیره‌ای برای خود درسـت کرده باشـد والّا «لَفی خُسْر»؛ سـرمایه‌اش سوخته است[1].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

ملاک بودن کسب رضای الهی

نکته‌ی دومی که وجود دارد - که در خلال صحبت هم به آن اشاره شد - این است که در همه امور زندگی، گذر زمان را باید عبرت شناخت. همه چیز می‌گذرد. این مقام‌های ظاهری، این عنوان‌ها، همه گذراست. همچنان که ملاحظه می‌کنید، یک روز اوّلین روزی است که انسان در این جایگاه مسئولیت پیدا می‌کند؛ یک روز هم از آنجا خارج می‌شود. افرادی از شما که دوران جوانی را پشت سر گذاشته‌اید، خوب می‌دانید که جوانی و عمر چه زود می‌گذرد؛ این بقیه مدّت هم همین‌طور به‌سرعت خواهد گذشت. آنچه مهم است، آن چیزی است که در پایان کار، در مقام محاسبه نفس، بینکم و بین‌الله شما می‌توانید در مقابل خودتان عرضه کنید؛ بنابراین، ملاک، کسب رضای خداست؛ هیچ‌چیز دیگر را ملاک ندانید[1].

در این مسائل خطّی و خطوطی و نزاعی و دعوا و خط‌کشی‌ها و امثال این‌ها - کاری نداریم که این‌ها درست است یا غلط است - مهم این است که اگر همه اطراف قضیه که معتقد به مبانی اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی و ارزش‌های اسلام‌اند، چنانچه معیارشان همین باشد که بخواهند رضای خدا را کسب کنند، هیچ‌کدام از این‌ها به انقلاب ضرر نخواهد زد؛ اما اگر این معیار و ملاک نبود؛ دنبال رضای خدا نبودیم، دنبال هواها و هوس‌ها و خواسته‌ها و خودخواهی‌ها و خودبینی‌ها بودیم، طبیعی است که ده‌ها و صدها مشکل به وجود خواهد آمد؛ ده‌ها و صدها منفذ برای نفوذ دشمن به وجود خواهد آمد و خدای متعال هم ما را هدایت نخواهد کرد. اگر ما رضای الهی را هدف قرار ندهیم، از هدایت الهی هم به گمان زیاد محروم خواهیم ماند. البته یک وقت هم ممکن است تفضّلاً لطفی در حق ما بشود، اما نمی‌توانیم دیگر به هدایت الهی مطمئن باشیم و سکون نفس داشته باشیم. این سکون نفس، آن وقتی پیش خواهد آمد که ما هدفمان را رضای خدا قرار دهیم؛ بخصوص شما برادران و خواهران عزیز نماینده، چون جای مهمی نشسته‌اید، این را باید در همه‌جا معیار خودتان قرار دهید. در درجه اوّل، این مسائل

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰.

دوستی‌ها و دشمنی‌ها را بر اساس این تفسیر کنید؛ نه این که رضای خدا را بر اساس آن‌ها توجیه کنید. شما بحمداللّه در این سه سالی که بر عمر این مجلس گذشته است، کارهای بزرگی هم کرده‌اید و در این سال آینده هم کارهای بزرگ و مهمّی دارید؛ برنامه سوم توسعه را دارید، برنامه قانون بودجه سال آینده را دارید؛ در همه این‌ها ملاحظه کنید که رضای الهی چیست؛ آنچه که نشانه اسلامیّت و پیروی از قرآن در این نظام است، چیست؛ آن را بایستی محکم حفظ کنید و نگهدارید. خدای متعال هم کمک خواهد کرد؛ کمااینکه بحمداللّه تاکنون هم شما را کمک کرده است. امیدواریم ان‌شاءاللّه ادعیّه ذاتیه حضرت بقیةاللّه شامل حال همه ما و شما باشد و روح مطهّر امام بزرگوار از همه ما راضی باشد و بتوانیم با کاری که انجام می‌دهیم، با نیّتی که می‌کنیم، با اقدامی که می‌کنیم، رضای الهی را ان‌شاءاللّه کسب کنیم[1].

کسب سعادت فردی و جمعی با عمل برای رضای الهی

ویژگی عجیبی که در معارف اسلامی وجود دارد - و شاید همه ادیان همین‌طورند - تلفیق بین سعادت فردی و سعادت جمعی است. اگر چه این‌طور هم نیست که همه‌جا سعادت نهایی فردی، با سعادت و فلاح اجتماعی ملازم باشد - مثل این که یک نفر در راه خدا مبارزه می‌کند، شهید می‌شود و به سعادت فردی خود می‌رسد، اما آن نهضت مثلاً در نهایت ناکام می‌شود - اما غالباً این‌گونه است که این دو خط روی‌هم قرار دارند. یعنی اگر انسان‌ها حتّی سعادت فردی خود را طلب کنند و برای خدا کار کنند تا به بهشت بروند و رضای خدا را طلب نمایند؛ ولو قصدشان هم هیچ‌چیز غیر از این نباشد و فرضاً بگویند ما کاری به کشور نداریم و می‌خواهیم ببینیم که چه چیزی ما را پیش خدا روسفید می‌کند و آن وقت با چشمِ باز و معلومات کافی بنشینند ببینند که چه چیزی آن‌ها را پیش خدا روسفید می‌کند و آن را انجام دهند؛ اگر این هم بشود، کشور - مثل افراد - به روسفیدی خواهد رسید.[2]

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

حل‌شدن اکثر مشکلات با تفهیم مهم بودن کسب رضای الهی

انگیزه‌های انسانی، در همه این کارها جلوی انسان رژه می‌روند. بعضی از این انگیزه‌های انسانی، انگیزه‌های الهی‌اند و به رضای الهی برمی‌گردند. بعضی از این انگیزه‌ها، به رضای الهی برنمی‌گردند؛ بلکه به هوای نفس برمی‌گردند. اگر من و شما نتوانیم انگیزه‌های یکدیگر را بفهمیم، انگیزه‌های خودمان را می‌توانیم بفهمیم. این یک دستور کلّی است. عزیزان من! اگر این‌طور عمل کردیم، مجلس ما مجلسِ موفّق، کشور ما کشورِ پیشرفته و راه ما راهِ مستقیم و روشنی خواهد بود و اهداف ما - حتّی اهداف دنیایی - تحقّق پیدا خواهد کرد.[1]

اگر رفتار و احساسات ما این‌گونه باشد و ما بتوانیم این را به خودمان تفهیم کنیم که رضای الهی از همه رضاها و از همه انگیزه‌ها بالاتر است، اکثر مشکلات حل خواهد شد؛ خیلی از اختلافات حل خواهد شد؛ خیلی از تعارض‌ها و کشمکش‌ها تمام خواهد شد؛ خیلی از عقباتی که انسان خیال می‌کند ورود در آن‌ها مشکل است، آسان خواهد شد. این انقلاب هم این‌طوری پیروز شد؛ یعنی در برهه‌ای از زمان، به برکت حضور امام بزرگوار و روحانیت و دین در میان مردم، روح دینی بر این ملت و بر این کشور آن‌چنان سلطه و غلبه‌ای پیدا کرد که بسیاری از موانع در مقابل مردم محو شد؛ هیچ عامل دیگری هم ممکن نبود بتواند چنین کار بزرگی، انجام دهد. بعضی‌ها می‌نشینند تحلیل‌هایی می‌کنند که زمینه این‌طور شده بود، شرایط اجتماعی و اقتصادی این‌طور بود. البته بعضی از این‌ها معدّاتی است؛ کمک می‌کند، تسهیل می‌کند، نزدیک می‌کند، دور می‌کند؛ لیکن این‌ها هیچ‌کدام عامل نبود. ما آن وضعیت را لمس کرده‌ایم. قبل از انقلاب، کسانی که در جریان اوضاع سیاسی بودند و مبارزه را با همه وجودشان حس می‌کردند، می‌دانند که روزبه‌روز مبارزه سخت‌تر شده بود؛ روزبه‌روز امید فَرَج کمتر شده بود؛ سخت‌گیری‌ها بیشتر شده بود؛ راه‌های غلبه بر «حرکت مبارزی» پیچیده‌تر و مدرن‌تر و همه‌جانبه‌تر شده بود؛ اما قضیه این بود که به‌خاطر حضور دین و ایمان دینی در جامعه، احساس تکلیف می‌شد.

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

وقتی که دین باشد و احساس تکلیف شود، همه نیروهای بشری در خدمت این احساس قرار می‌گیرد. طبیعت اجتماعات بشری هم این است که روی‌هم اثر می‌گذارند؛ بعضی، بعضی را وارد میدان می‌کنند و به دنبال خود می‌کشانند که آن حرکت عظیم به وجود آمد. سلسله‌جنبان این قضایا هم آن مردی بود که بیننا و بین‌الله در طول مدّتی که ما این مرد را از نزدیک شناختیم، برایش غیر از رضای خدا و ادای تکلیف، چیزی مطرح نبود. ادای تکلیف، چیز خیلی مهمّی است؛ البته کارهای گوناگون، اَشکال گوناگون، حتّی گاهی در مواردی جهت‌گیری‌های گوناگون در آن بزرگوار بود؛ اما همه‌جا معیار اصلی برای او این بود که تکلیف شرعی او چیست؟ این برای ما درس است[۱].

معیار اصلی در تقوای نمایندگی؛ توجه به شناخت و انجام تکلیف شرعی

ببینید تکلیف شرعی‌تان چیست؛ هرچه که تکلیف شرعی شما بود، به آن عمل کردید، پیش خدای متعال مأجورید. البته باید برای فهمیدن موضوع و حکم شرعی، انسان چشم‌هایش را باز کند و تلاش نماید - در این شکّی نیست - اما اگر شما برای ادای تکلیف شرعی تلاش کردید و اشتباه کردید، در عین حال شما اجر دارید؛ این بد است؟! این معامله بدی با خداست؟! «من کان للّه کان اللّه له»[۲]؛ هرکس برای خدا کار کند، خدا هم همه این قدرت عظیم خود را برای او، در جهت او و در خدمت او قرار خواهد داد. فرموده است: ﴿والّذین جاهدوا فینا لنهدیّنهم سبلنا﴾[۳]؛ هدایت هم می‌کند. وقتی شما برای او تلاش کردید، نمی‌گذارد در گمراهی بمانید؛ هدایت هم می‌کند. شما دیدید که انقلاب پیروز شد، جنگ پیروز شد، مبارزه عمیق بنیانی با استکبار پیروز شد. وقتی که دو قطب با هم مشغول مبارزه‌اند و یکی از این دو قطب هدفش نابودی، یا برگرداندن، یا متوقّف کردن دیگری است، بزرگ‌ترین پیروزی برای آن طرف این است که نابود و متوقّف نشود و برنگردد. اینها در جامعه‌ی ما اتّفاق افتاد؛ انقلاب روزبه‌روز قوی‌تر شد، روزبه‌روز

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰.

۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۷۹، ص ۱۹۷ ؛ روضة المتقین ، محمد تقی مجلسی، ج۱۳، ص ۱۹۵؛ الوافی، فیض کاشانی، ج ۸، ص ۷۸۴ .

۳. سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۶۹.

پیش رفت، روزبه‌روز بال‌های خودش را گسترده‌تر کرد؛ امروز هم همین‌طور استان‌شاءالله همین روند حرکت تکاملی در انقلاب پیش خواهد رفت و چشم مسلمانان عالم را روشن خواهد کرد؛ کمااینکه تابه‌حال هم بحمدالله همین‌طور بوده است. این، به برکت همان راه و خطّی بود که امام بزرگوار در این جامعه به وجود آورد؛ خودش هم عمل کرد، جامعه هم به همان سمت پیش رفت. این باید برای ما درس باشد[۱].

رعایت اخلاص در مجلس

مجلس چون بنا شد عبادتگاه باشد و در عبادت اخلاص لازم است، اخلاص را نگه داریم که من در این باره چند نکته را یادداشت کرده‌ام که عرض می‌کنم این باید باشد، این‌ها باید نگه داشته بشود؛ یعنی شرافت مجلس شورای اسلامی، با این بیانی که عرض کردیم، یک امرِ به هر صورت دارای بقا و دوام نیست؛ این را باید نگه داشت، باید به این صورت حفظش کرد، باید به این صورت اداره‌اش کرد؛ و الا برصیصای عابد هم یک وقت از آن مقام عبادت نزول می‌کند: ﴿کَمَثَلِ الکَلبِ اِن تَحمِل عَلَیهِ یَلهَث اَو تَترُکهُ یَلهَث﴾[۲] این‌جوری می‌شود. باید نگهش دارید، باید حفظش کنید[۳].

لزوم کار برای خدا

یک جمله به مناسبت آیه‌ای که برادر عزیزمان در اینجا تلاوت کردند - ﴿و ما اوتیتم من شیء فمتاع الحیاة الدّنیا و ما عندالله خیر و ابقی﴾[۴] - عرض کنم هرچه شما دستاورد دنیوی دارید، بهره‌ی زندگی نزدیکی است که تا چشم به هم بزنید، می‌گذرد؛ ماندنی نیست. این بهره، فقط پول نیست. این فرصت‌ها، این مسئولیت‌ها، این شأن‌ها و موقعیت‌هایی که گیر من و شما می‌آید، از دید ارتباط این مسئولیت‌ها با شخص خود ما، همین‌طور است. نمایندگی مجلس هم از همین چیزهاست - «ما اوتیتم من شیء فمتاع الحیاة الدّنیا» - اگر

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰.
۲. سوره اعراف، آیه ۱۷۶.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۴. سوره قصص، آیه ۶۰.

در این کار، هدف خدا باشد، آن وقت ﴿ما عندالله خیر و ابقی للّذین امنوا و علی ربّهم یتوکّلون﴾[۱] اگر هدف ما از نمایندگی مجلس و از مسئولیت‌های دولتی و از تکیه‌زدن بر مناصب و مسندهای گوناگون - از آنجایی که شما نشسته‌اید، تا آنجا که بنده نشسته‌ام، تا آنجایی که دولت نشسته است، تا آنجایی که مسئولان گوناگون در رده‌های مختلف نشسته‌اند - همین شأن ظاهری و برخورداری‌های ظاهری باشد (که این هم پوچ است، باطن این هم چیزی نیست؛ به‌ظاهر، برخورداری به نظر می‌آید، اما برخوداری واقعی نیست) - بدون شک سرمان کلاه رفته است؛ چون ما در مقابل آنچه می‌گیریم، چیزی می‌دهیم. شما در طول مدت عمرتان هیچ‌چیز را یک‌جانبه نمی‌گیرید؛ چیزی می‌گیرید، چیزی می‌دهید. آنچه می‌گیریم، همین چیزهایی است که در طول زندگی گیر ما می‌آید - از علم، از معنویت، از پول، از مقام، از جلوه‌گری در چشم مردم، از محبوبیت و غیر این‌ها - آنچه می‌دهیم، از همه‌ی این‌ها مهم‌تر است و آن، عمر و زندگی ماست؛ ﴿انّ الانسان لفی خسر﴾[۲] ما در مقابل همه‌ی دستاوردهای خود، چیزی را داریم به‌طور مستمر و بی‌وقفه تحویل می‌دهیم و آن، مدت مهلت و فرصت ما در این دنیاست؛ این دارد تمام می‌شود. سرمایه‌ی اصلی دارد ذره‌ذره کم می‌شود؛ مثل یخی که انسان در دستش بگیرد و آب شود. این سرمایه را باید به سرمایه تبدیل کنیم. شما در باب مسائل اقتصاد کلان کشور می‌گویید نفتِ استخراج شده سرمایه‌ی ملی است و نباید آن را خرج خوراک روزمره بکنیم؛ باید به یک سرمایه‌ی ماندگار تبدیل کنیم. عین همین قضیه در مورد شخص من و شماست. یک سرمایه‌ی تجدید ناشدنی - یعنی عمر - را داریم می‌دهیم؛ باید در مقابل آن یک سرمایه بگیریم تا برای ما بماند. این جاه و جلال، این محبوبیت، این موقعیت سیاسی و این پول برای انسان نمی‌ماند؛ آنچه می‌ماند، «ما عندالله» است؛ این «خیر و ابقی» است؛ این ماندنی است. هدف از نمایندگی باید این باشد؛ در این صورت ضرر نمی‌کنید؛ چه محبوبیت شما در چشم مردم باقی بماند، چه نماند؛ چه دوره‌ی بعد انتخاب بشوید، چه نشوید؛ چه در این دوره زحمت‌های زیادی بر دوش شما بار بشود، چه نشود؛ هرچه اتفاق بیفتد، خیر اوست؛

---

۱. سوره شوری، آیه ۳۶.

۲. سوره عصر، آیه ۲.

«در طریقت آنچه پیش سالک آید، خیر اوست» هرچه پیش می‌آید، به خیر شماست؛ چرا؟ چون دارید یک معامله و تجارت پُر سود انجام می‌دهید. اگر می‌خواهید برای خدا کار کنید، قیامتان، قعودتان، امضایتان، نطقتان، تصویبتان، ردتان، برای انجام وظیفه باشد؛ چون برای انجام وظیفه است، پس در دیوان الهی ثبت می‌شود. «لا یغادر صغیرة و لا کبیرة الّا احصاها»[1]؛ همه چیز را احصاء می‌کنند؛ چیزهایی که ما یادمان می‌رود. وقتی ما نهایت احتیاج را داریم، با سود و بهره، آن را به ما تحویل می‌دهند؛ پس ما ضرری نکرده‌ایم جز این، هر کاری بکنیم، سرمان کلاه رفته است؛ من هم همین‌طورم، شما هم همین‌طورید؛ هیچ فرقی هم بین ما از این جهت نیست[2].

لزوم خالص کردن نیت‌ها و کارکردن برای مردم

مسئله‌ی مسئولیّت‌های شما نمایندگان عزیز که بحث اصلی در واقع این است و من اینجا هم البتّه نمی‌خواهم زیاد صحبت کنم، چند مطلب را به عنوان توصیه عرض می‌کنم. اوّلین مطلب این است که برادران عزیز، خواهران عزیز! نیّتتان را خالص کنید و برای مردم کار کنید. در پارلمان‌های دنیا به نام مردم خیلی حرف زده می‌شود، امّا برای مردم کار نمی‌شود. یک پارلمان منحط آن پارلمانی است که در آن، مسائل شخصی و مسائل جناحی بیشتر از مسائل ملّی و مسائل مردمی تأثیرگذار باشد. اوّلین مسئله این است، اوّلین توصیه این است. برای خدا، یعنی حقیقتاً با نیّت خالص، تصمیم بگیرید برای مردم کار کنید[3].

بیان سرفصل‌های مهم وظایف نمایندگان در سوگندنامه

وامدار کسی هم نباید بود؛ فقط وامدار آن سوگندی که خورده‌اید، باشید. آن سوگند هم سوگند حقیقی است؛ یعنی قسمی شرعی است که اگر نقض شود، یقیناً خلاف شرع

---

۱. سوره کهف، آیه ۴۹.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.

۳. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

انجـام شـده اسـت و پیش خـدای متعال مسـئولیت‌های سـنگینی هم بـرای انسـان دارد[۱].

سـوگند نماینـدگان - کـه در نخسـتین روزِ کاریِ خـود اداء خواهنـد کرد و سـوگندی شـرعی و الزام‌آور اسـت - سـرفصل‌های اساسـیِ وظایـف نمایندگـی در مجلس را بیان کرده اسـت؛ شـما بـرادران و خواهران محترم می‌توانیـد با حکمت و خردمندی و اخلاص و پارسـایی، این وظایـف را در خلال عمـل قانونـی خـود - کـه عمـدتاً قانون‌گـذاری و نظارت اسـت - تحقّق بخشیـده، نزد خدا و خلق سـرافراز گردید. در این صورت اسـت که مجلـس شورای اسلامی را در جایـگاه ویـژه‌ی خویش یعنـی در رأس امور کشور نگاه خواهید داشـت[۲].

ایجاد تعهد با خواندن سوگند شرعی نمایندگی

شـما گزیـده‌ی مردمـی می‌باشید که دلبسـتگی خـود به نظام اسلامـی و ارزش‌هـای والای آن را بـه اثبـات رسـانده‌اند. تعهـدی کـه از ایـن گزینش بر ذمه‌ی شـما اسـت، در اصـول قانون اساسـی و به‌ویـژه در سـوگند نمایندگـی به‌روشـنی تبیین شـده اسـت. به اهمیـت و عمق و ابعـاد این سـوگند در همـه حال پایبنـد باشید[۳].

عزیـزان مـن! دوران نمایندگـی کوتاه، و مسـئولیت شـما سـنگین، و هـر فعل و تـرک و گفت و سـکوت شـما در دیـوان الهـی ثبت و ماندگار اسـت. سـوگندنامه را کـه باید با نیـت و جِدّ خوانـده شـود، همـواره در یاد نگهداریـد و خود را بـا آن تطبیق کنیـد، بدین ترتیب حسـنه‌ی مانـدگاری از خود بـر صحیفه‌ی الهـی باقی خواهیـد گذارد[۴].

نکتـه‌ی دیگر درباره‌ی سـوگند نمایندگی اسـت. این سـوگند، نمایشـی و تشریفاتی نیسـت؛ سـوگندی حقیقی و مسـئولیّت‌زا اسـت که در دنیا و آخرت گریبان‌گیر خواهد بود. نمایندگان محتـرم، ناگزیر باید در همه‌ی مدّت نمایندگی، بندبندِ این سـوگند شـرعی را در پیش چشـم

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۰۸.
۳. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.
۴. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.

داشته باشند و پایبندی به آن را معیار قضاوت درباره‌ی عملکرد خویش بدانید[۱].

در قانون اساسی شما موظّف شده‌اید از دستاوردهای انقلاب و مبانی اسلام دفاع کنید؛ در سوگندتان بود. من در پیامم به شما عرض کردم. این سوگند، سوگند حقیقی است؛ یعنی اگر این سوگند نقض بشود، کفّاره دارد سوگند خورده‌اید که مبانی اسلام را و دستاوردهای انقلاب را حفظ کنید[۲].

شما در سوگندی هم که یاد کردید، این سوگند را یاد کردید که انقلاب، نتایج انقلاب، فراورده‌های انقلاب و فراورده‌های نظام جمهوری اسلامی را حفظ کنید؛ چطور ممکن است؟ بدون انقلابی بودن که نمی‌شود حفظ کرد. رفتار، باید رفتار انقلابی باشد؛ رفتار انقلابی به معنای رفتار غیر مدبرانه نیست، به معنای رفتار عاقلانه و مدبّرانه و مجاهدانه است؛ حرکت جهادی اینکه ما به مدیران مرتّب توصیه می‌کنیم «مدیریّت جهادی «این در مورد مجلس، رفتار جهادی است، سخن‌گفتن جهادی است، اقدام‌کردن مجاهدانه و جهادی است، انقلابی‌گری است. روحیه‌ی ایمان و انگیزه‌ی انقلابی باید بر همه‌ی کارهای نماینده‌ی محترم مجلس حاکم باشد. نگهبانی از دستاوردهای انقلاب و مبانی نظام، جزو سوگند نمایندگی شما است که اگر این انجام نگیرد، حضور نماینده، هم از لحاظ قانونی اشکال پیدا می‌کند، هم از لحاظ شرعی اشکال پیدا می‌کند. اگر چنانچه دستاوردهای انقلاب مراعات نشود و دستاوردهای نظام مورد توجّه قرار نگیرد، این، هم از لحاظ قانون اساسی، هم از لحاظ شرع دچار مشکل می‌شود[۳].

یک مطلب، مسئله‌ی سوگند شما است. این سوگندی که در آغاز مجلس دسته‌جمعی اداء می‌شود، یک سوگند شرعی است و به هیچ وجه تشریفات ظاهری نیست؛ این قسم‌خوردن است، یعنی تعهّد ایجاد می‌کند. شما در این سوگند تعهّد کردید که پاسدار حریم اسلام باشید، نگاهبان دستاوردهای انقلاب باشید؛ این‌ها در متن سوگند شما

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳/۰۳/۰۶.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

آمـده. بایسـتی بِجِد پایبنـد این معنا باشیـد؛ یعنی نگاهبان دسـتاوردهای انـقلاب و پایبند جـدّی به ایـن تعهّد و پاسـدار حریم اسلام، تخلّف از این سـوگند، بازخواسـت شـرعی دارد، بازخواسـت الهی دارد؛ یعنی روز قیامت خدای متعال از انسـان سـؤال می‌کند. این مثل یک قسـم معمولی عادّی هم نیسـت؛ آن هم البتّـه تخلف‌کردنش کفّاره دارد، آن هم سـؤال دارد از طـرف خـدای متعـال، امّا این خیلی فـرق می‌کند بـا اینکه مثلاً مـا یک قسـمی بخوریم برای یک کار شـخصی؛ این یک مسـئله‌ی عمومی اسـت، مسئله‌ی مردمی اسـت، باید جواب داد و این سـوگند، سـوگند مهمّی است[1].

حفظ حرّیّت و صراحت نمایندگان با تقوا و صداقت کافی

یـک توصیـه‌ی دیگـری هـم کـه می‌خواهـم عـرض بکنـم، ایـن اسـت کـه حفـظ حرّیّـت و صراحتـی کـه شـما داریـد، خیلـی خـوب اسـت. حرّیّـت و صراحـت ایـن مجلـس خـوب اسـت. ایـن حرّیّـت و صراحـت را بـا تقـوا و صداقـت کافـی حتـماً همـراه کنید؛ یعنـی اگر بنـا اسـت یـک چیزی گفتـه بشـود، یک حرفـی گفته بشـود، خـب با صراحـت گفته بشـود، منتهـا رعایـت صداقت بشـود، رعایت تقوا بشـود. قـرآن کریـم می‌فرمایـد: ﴿اِنَّ الَّذیـنَ یُحِبّونَ اَن تَشیـعَ الفاحِشَـةُ فِـی الَّذینَ آمَنوا﴾[2] اگر چیزی اسـت که می‌توان به دسـتگاه‌های مسـئول، دسـتگاه‌های اطّلاعاتـی، دسـتگاه‌های دولتی تذکّـر داد و گفـت و جلواش را گرفـت، لزومی نـدارد که انسـان این را علنـی بکند یک جایی البتّه چرا، لازم اسـت، امّا آنجا هم بایسـت تقوا رعایـت بشـود، صداقت رعایت بشـود. گاهی ما می‌خواهیم به فلان مسـئول مـثلاً فرض کنید کـه سیلـی‌ای بزنیم، بـه مجلس سیلی می‌زنیم؛ این اسـت دیگـر. یعنی ضربـه خوردن به یک شـخص گاهـی مصادف می‌شـود با ضربـه خوردن به مجلس حیف نیسـت؟ مجلـس با این زحمـت، بـا ایـن تلاش خراب بشـود! غرض، تعـرّض بـه آبروی افـراد جایز نیسـت؛ تعرّض به آبروی افـراد، تعرّض بـه هویّت دینی و انقلابی افراد. البتّه این حرف مخصوص شـما نیسـت. ایـن مربـوط بـه همـه‌ی کشور، همـه‌ی آحـاد مردم از بـالا و پاییـن اسـت، منتها امثـال من و

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.
۲. سوره نور، آیه ۱۹.

شما که روی منبرهای بلندی نشسته‌ایم که صدای ما را همه می‌شنوند، در مورد ما این ملاحظات بایستی بیشتر باشد[۱].

لزوم آگاهی از توانایی‌ها و آسیب‌های خودمان

خب، اوّلاً از توانایی‌های خودمان آگاهی داشته باشیم، ثانیاً آسیب‌پذیری‌های خودمان را درست بشناسیم، هم بدانیم توانایی‌هایمان چیست، هم آن آسیب‌پذیری‌هایمان؛ به تعبیر رایج فارسی چشم اسفندیار را در خودمان کشف کنیم؛ ببینیم کجای ما آسیب‌پذیر است، حواسمان باشد. علاوه‌ی بر این‌ها بایستی سعی کنیم خطا نکنیم، اشتباه نکنیم. دشمن بیش از آنکه به توانایی‌های خودش امیدوار باشد، به خطاهای ما امیدوار است؛ اینکه ما یک اشتباهی بکنیم، به قول نظامی‌ها پهلو بدهیم به دشمن. شما با دشمن روبه‌رو هستید دیگر؛ اگر غفلت کردید، دشمن دُور زد شما را، از پهلو به شما حمله کرد، هیچ کار نمی‌توانید بکنید. یکی از کارهایی که فرماندهان نظامی مراقب‌اند که در میدان جنگ انجام نگیرد پهلو دادنِ به دشمن است؛ مراقب باشیم پهلو به دشمن ندهیم. خب، این حالا راجع به مسائل کلّی مجلس[۲].

نظارت نمایندگان بر مجلس (تقوای جمعی)

نظارت مجلس بر خویشتن؛ راهکار تأمین و تضمین اقتدار مجلس

یکی از چیزهایی که به معنای واقعی کلمه می‌تواند این را در مجلس تأمین کند و تضمین کند، نظارت مجلس بر خویشتن است؛ من این را در مجلس هشتم گفتم. مجلس بر خودش نظارت کند. بالاخره مجلس تشکیل می‌شود از تعدادی انسان؛ ما انسان‌ها همه‌مان در معرض خطا هستیم؛ یعنی شوخی ندارد، بزرگ و کوچک هم ندارد، پیر و جوان هم ندارد، همه‌مان در معرض خطا و در معرض لغزش هستیم. چه کسی باید جلوی این لغزش را بگیرد؟ خود مجلس. انواع و اقسام لغزش‌ها هم متصوّر است؛ مجلس اگر نظارت

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

کـرد، جلـوی لغزش نماینـده را گرفـت و نماینده توانسـت ایـن پاکیزگی و طهـارت خودش را در طـول ایـن چند سـال حفظ کنـد، آن‌وقـت زبانش بـاز خواهـد بـود؛ آن‌وقـت می‌تواند اگر چنانچـه نقطه‌ی اشـکالی در هرجا دیـد آن را بیان کند؛ این را باید مجلـس رعایت بکند. من خواهـش می‌کنم مسـئله‌ی خودنظارتی، خویشـتن‌نظارتی مجلس را دسـتِ‌کم نگیرید. این را حفظ کنید[1].

لزوم حفظ شأن و جایگاه مجلس توسط خود نمایندگان مجلس

آنکه می‌تواند مجلس را در این جایگاه شایسـته بنشـاند، شـما نمایندگان محترمید. آنگاه که نماینـدگان مجلس با شـناخت درسـت از شـرایط و اولویت‌های کشور، و با کارشناسـی، و با حـضور فعّال و منظّم، و با پاک‌دسـتی و امانـت‌داری، وظیفه‌ی قانون‌گـذاری و دیگر وظایف خـود را انجـام دهنـد، مجلـس، نقطـه‌ی امیـد مـردم و نقطـه‌ی اتـکای مجریان، و بـه معنی حقیقـی، در رأس امور کـشور خواهـد بـود و چنین مجلسـی در رسـاندن کشور بـه هدف‌های والا، سهم بسـزا خواهد داشت[2].

چـه کسـی باید حفظ بکند؟ شـما؛ شـما باید حفـظ کنید، خـود نمایندگان مجلس بایسـتی ایـن شـأن را نگه دارند. مـا از بیرون باید به مجلس احتـرام کنیم و البتّه می‌کنیم ان‌شـاءالله - یعنـی همـه باید به مجلـس احترام کننـد - امّا در درون مجلس چه کسـی بایـد آن حقیقت، آن طبیعـت، آن شـرافت، آن نزاهت را که در مجلـس شورای اسلامی وجـود دارد، حفظ کند؟ نماینـده‌ی حاضـر در مجلس؛ آن‌ها هسـتند که باید حفـظ کنند؛ لذا رفتار شـما خیلی مهم اسـت، برخوردتـان خیلـی مهم اسـت؛ لذا بـرای مجلـس یـک بایدونبایدهایی هسـت. حالا در ایـن سـال‌های متمـادی هر مجلسـی که تشـکیل شـده، بنده یـک چند کلمـه‌ای، چند سـطری، چنـد صفحـه‌ای به عنـوان پیشـنهاد و به عنوان عـرض عقیـده بیان کـرده‌ام که در خدمـت آقایـان هسـت. بایدونبایدهایی هسـت که بایـد این‌هـا را رعایت کـرد؛ چیزهایی را هـم خود شـماها گفته‌ایـد، دیگـران گفته‌اند، من هـم حالا چند مطلـب را یادداشـت کرده‌ام

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۳/۰۷.

که عـرض می‌کنم[۱].

پرهیز از تضعیف مجلس

مجلـس شورای اسلامـی نبایـد تضعیف شـود. بنده با این‌که کسـانی بـه هر کیفیّتـی و با هر بهانـه و مستمسـکی مجلـس شورای اسلامـی را تضعیـف کننـد، مخالفـم. مجلـس یکی از نهادهای اساسـی کشور اسـت؛ نبایـد آن را تضعیف کـرد. به‌صرف این‌که نقطـه‌ای موردقبول کسـی نیسـت، نباید مجلس و هیچ‌یک از دسـتگاه‌ها تضعیف شـود. قوّه مقنّنه، قوّه قضاییّه و قـوّه مجریّـه بـه عنـوان قـوّه و یک نهـاد و یک دسـتگاه و یـک رکـن، نباید تضعیف شـوند؛ هیچ‌کـس نبایـد این‌هـا را تضعیـف کنـد. دسـتگاه‌ها باید در جهـت تقویـت یکدیگر تلاش کنند[۲].

لزوم حفظ هیبت و اقتدار مجلس توسط نمایندگان

مـن یک‌وقـت - ظاهـراً یـا بـا آقـای لاریجانی یـا یکی از رؤسـای مجلـس - گفتـم کـه از اوّل مشروطـه ایـن‌جوری بـود تا وقتـی رضاخان سـرِ کار آمد. رضاخـان که آمد، مجلـس و قانون و قانون‌گـذاری و ماننـد این‌هـا همـه دود شـد رفت هـوا؛ امّا قبـل از آمدن رضاخـان - که خب مسـئله‌ی قانون‌گذاری و مجلس و مجلس شورا اسـت و تازه هم مشروطیّت سـرِکار آمده بود؛ ظاهـراً در دوره‌ی دوّم یا سـوّم مجلس؛ بالاخـره قبل از قدرت‌گرفتن رضاخـان - رئیس مجلس مؤتمن‌الملـک بود که از رجال خوشـنامِ زمان قاجار اسـت، برادر مؤتمن‌الملک، نخسـت‌وزیر بـود کـه مشیرالدّولـه اسـت. او هم اتّفـاقاً از رجال خوشـنام اسـت؛ یعنـی این دو بـرادر جزو رجال نسـبتاً خوشـنام دوره‌ی قاجار و اوّل پهلوی هسـتند. پـس برادر بزرگ‌تر کـه مشیرالدّوله بـود، رئیـس دولت بـود، نخسـت‌وزیر بـود؛ مؤتمن‌الملک - بـرادر کوچک‌تـر - رئیس مجلس بـود. رئیس دولت - نخسـت‌وزیر - از مجلس وقـت گرفت که بیاید آنجا یک گزارشـی بدهد؛ مـثلاً سـاعت هشـت صبح یـک سـخنرانی بکند. سـاعت هشـت صبـح شـد، مشیرالدّوله نرسیـد؛ مؤتمن‌الملـک بـه سـاعتش نـگاه کـرد، دیـد پنـج دقیقه از هشـت گذشـت، گفت

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

نخست‌وزیر را دیگر راه ندهید؛ نخست‌وزیر را راه ندهید؛ پنج دقیقه بعد مشیرالدّوله رسید به مجلس، راهش ندادند! این‌جور است. نخست‌وزیر پنج دقیقه از وقت معیّن تأخیر کرده، رئیس مجلس که برادرش بود - برادر کوچک‌ترش هم بود - راهش نداد؛ این یعنی اقتدار مجلس، هیبت مجلس این است؛ این را باید حفظ کنید. این دست خود شما است و شما می‌توانید این کار را بکنید[1].

لزوم رعایت تقوای فردی و جمعی

البته من این را عرض بکنم؛ اینجا جای تقوای جمعی است. ما یک تقوای فردی داریم که هر کسی خود را تحت مراقبت دائم داشته باشد. تقوای کامل این است که انسان به طور دائم خود را تحت مراقبت داشته باشد؛ مثل کسی که در یک محوطه‌ی پوشیده‌ی از خارهای دامن‌گیر دارد حرکت می‌کند - این مثال، هم در روایات هست، هم در کلمات بزرگان هست - باید دائم حواسش باشد؛ یعنی زیر پایش را نگاه کند. اگر غفلت کنید، خار دامن شما را می‌گیرد، لباس شما را پاره می‌کند، پای شما را مجروح خواهد کرد تقوا را تشبیه کرده‌اند به حرکت در خارستان. خب، این تقوای فردی است و لازم است؛ راه دستیابی به فوز و فلاح هم فقط همین است. اگر کسی بخواهد به فلاح برسد، به فوز برسد، به نجات ابدی برسد، بایستی تقوا داشته باشد. هر مقدار این حالت بیشتر بود، فوز و فلاح بیشتر است. یک تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمع‌ها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی‌مراقبتی جمع‌ها نسبت به مجموعه‌ی خودشان، موجب می‌شود که حتّی آدم‌هایی هم که در بین آن جمع‌ها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمع‌ها بغلتند و به جایی بروند که نمی‌خواهند در طول این سی سال، ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم. یکی از جاهایی که ضعف نشان داده‌ایم، همین بوده[2].

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

تقوای جمعی یعنی خودنظارتی

یک تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمع‌ها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی‌مراقبتی جمع‌ها نسبت به مجموعه‌ی خودشان، موجب می‌شود که حتّی آدم‌هایی هم که در بین آن جمع‌ها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمع‌ها بغلتند و به جایی بروند که نمی‌خواهند. در طول این سی سال، ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم. یکی از جاهایی که ضعف نشان داده‌ایم، همین بوده. در دهه‌های قبل، یک جریانی در کشور وجود داشت به نام جریان چپ. آن‌ها شعارهای خوبی هم می‌دادند، اما خودشان را مراقبت نکردند و تقوای جمعی به خرج ندادند. در میانشان آدم‌هایی بودند که تقوای فردی هم داشتند، اما نداشتن تقوای جمعی، کار آن‌ها را به جایی رساند که فتنه‌گرِ ضد امام حسین علیه‌السلام و ضد اسلام و ضد امام و ضد انقلاب توانست به آن‌ها تکیه کند! آن‌ها نیامدند شعار ضد امام و ضد انقلاب بدهند، اما شعاردهنده‌ی ضد امام و ضد انقلاب توانست به آن‌ها تکیه کند؛ این خیلی خطر بزرگی است. آن‌ها غلتیدند؛ بنابراین تقوای جمعی لازم است. من پارسال به شما عرض کردم که در داخل مجلس شورای اسلامی، خودنظارتی بگذارید. این، همان تقوای جمعی است. مجموعه، خود را بپاید. حالا حرف‌هایی گوشه‌کنار زدند که نماینده باید آزاد باشد، چه باشد. کسی با آزادی نماینده مخالف نیست؛ با کج‌رفتاری نماینده مخالف است. یک نماینده‌ی کج‌رفتار ممکن است مجلس شورای اسلامی را بدنام کند، متهم کند؛ حیف نیست؟ مجلسِ به این عظمت، این نهاد قانونی اساسی در کشور[1].

اول انقلاب خدمت امام رفتیم، برای اینکه یکی از بزرگانِ بین خودمان را به عنوان رئیس‌جمهور به امام معرفی کنیم تا امام ایشان را قبول کنند و ما بیاییم ایشان را در حزب جمهوری اسلامی به عنوان رئیس‌جمهور مطرح کنیم. امام به دلیلی قبول نکردند. بعد به ما گفتند که بروید سراغ مجلس؛ مجلس مهم است. از نگاه رهبر انقلاب و بنیان‌گذار این نظام و پدیدآورنده‌ی این مجموعه، مجلس یک چنین جایگاهی دارد. خب، این را باید

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

نگـه داشـت، بایـد آبرویش را حفـظ کرد، بایـد چهـره‌اش را حفظ کـرد؛ ایـن، خودنظارتی لازم دارد. اگـر ایـن خودنظارتی نباشـد، اشـکال به وجـود می‌آید؛ خود شـما هم داریـد می‌بینید. مـن پارسـال در این خصوص سـفارش کردم. البته اخیراً در مجلس نسـبت بـه این قضیه کار کـی انجـام گرفت، امـا اهمیت این قضیه درسـت به دسـت نیامـد. این خودنظارتـی، تقوای جمعی است[1].

در مجلـس، سلائـق مختلـف و جریان‌هـای مختلـف هسـتند. بنده هیـچ اصرار نـدارم که جریان‌هـا بیاینـد همـه یکـی بشـوند؛ نه، اخـتلاف سـلیقه، اختلاف فکـر، اخـتلاف مذاق و اخـتلاف عقیـده‌ی سیاسـی وجـود دارد و طبیعـی اسـت. ایـن اخـتلاف سـلیقه‌ها در موارد بسیـاری مفید اسـت؛ حالا ممکن اسـت یک جاهایی هم ضررهایی داشـته باشـد. اصراری نیسـت بـر این کـه این خطـوط حتماً برداشـته شـود؛ اصـرار اولاً بـر آن چیزی اسـت که قبلاً گفتـم: یقـه‌ی یکدیگر را نگیرند؛ اختلاف سـلیقه منتهی نشـود به کشـمکش و دعوا و چالش و دشـمن خونـی همدیگـر شـدن و فراموش‌کـردن آمریـکا. متأسـفانه بعضـی از جناح‌هـای مـا این‌جوری‌انـد؛ وقتـی با طـرف مقابل مخالـف می‌شـوند، دیگر آمریـکا فراموش می‌شـود، اسـرائیل فراموش می‌شـود، مخالفین انقلاب و دشمنان امام فراموش می‌شـوند؛ تضاد اصلی، می‌شـود همینـی که در مقابلـش قرار دارد! خـب، این غلط اسـت؛ پس جناح‌ها بـا همدیگر ایـن‌جور جنجال و دعوا نداشـته باشـند.

دوم هـم اینکـه در بیـن خودشـان خودکنترلـی داشـته باشـند، خودمراقبتی داشـته باشـند، نگذارنـد جریانشـان انحـراف پیـدا کنـد؛ والّا در میـان ایـن جریانـات، آدم‌هـای خـوب کـم نیسـتند؛ امـا وقتی جریان اشـکال پیدا کـرد، آدمِ خوب را هم بـا خودش می‌غلتانـد و می‌برد. ایـن نـکات، جزو چیزهـای روشـن و طبیعـی اسـت. مـن خیلـی بنـا نـدارم بـرای بـرادران و خواهـران، توسّـع در حـرف و بیان داشـته باشـم[2].

در ایـن طـرح نظـارت هم کـه حالا کلیاتـش تصویب شـده، دوسـتان جوری تنظیـم کنند که

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

یک نظارت واقعی انجام بگیرد؛ یعنی حالت سازوکار بده بستانی پیش نیاید. جوری عمل کنید که واقعاً یک چشم بصیر و بینائی از خود مجلس مراقبت کند. این جور نباشد که رودربایستی و بده‌بستان و این‌ها بر این قضیه حاکم شود[۱].

این جور نباشد که ما تا وارد مجلس شدیم، به فکر بیفتیم که خب حالا چه‌کار کنیم که مثلاً در مرحله‌ی بعد یا در فلان دولت به فلان پست برسیم؛ این‌ها آسیب‌ها است، مجلس از این قبیل آسیب‌ها دارد. عزیزان من! مراقب باشید؛ شما هنوز اوّل کارتان است بحمدالله، تازه وارد شده‌اید و این آسیب‌ها ان‌شاءالله به سراغ شما نیامده و نخواهد آمد؛ اما مراقب باشید. در این زمینه بایستی هیئت نظارت فعّال باشد؛ هیئت نظارتی که نظارت دارد بر رفتار نمایندگان بایستی در این زمینه فعّال باشد؛ امّا بیش از نظارت، آن تقوای درونیِ خود شما و مراقبت‌های درونی خود شما است که می‌تواند کارآمد باشد و شما را از این آسیب‌ها محفوظ بدارد. خب این هم یک توصیه[۲].

توجه جدی به فلسفه تشکیل هیئت نظارت بر عملکرد نمایندگان

یک هیئتی در مجلس تشکیل شد برای نظارت بر عملکرد نمایندگان. آقایانی که سابقه دارند یادشان است؛ یک تذکّری در یک دوره‌ای داده شد. نمایندگان هم سریع رفتند و یک هیئتی را تشکیل دادند برای نظارت بر عملکرد نمایندگان. فلسفه‌ی این هیئت چیست؟ فلسفه‌اش این است که گاهی یک نماینده‌ای از روی غفلت یا به هر انگیزه‌ای یک حرکتی انجام می‌دهد، ۲۹۰ نماینده زیر سؤال می‌روند. یعنی با عمل یک نفر، یک مجلس از چشم مردم می‌افتد؛ نباید این‌جور بشود؛ باید پیشگیری بشود؛ اگر پیشگیری ممکن نشد، علاج بشود؛ این مهم است. ما نتوانستیم ببینیم و بفهمیم که آن‌چنان که بایدوشاید و آن مقداری که از این هیئت انتظار بود، کار انجام بگیرد. این هم توصیه‌ی بعدی ما است[۳].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۰۳/۰۶.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

لزوم تقویت نظارت بر رفتار نمایندگان

بحث نظارت بر نمایندگان را که چند سال پیش ما گفتیم و نمایندگان مجلس همّت کردند و یک مجموعه‌ی نظارت بر رفتار نمایندگان درست شد، باید تقویت کنید؛ یعنی باید کاری کنید که به معنای واقعی کلمه نظارت شود؛ حالا شما نظارت بر دولت و رفتارهای دیگران را که بر عهده‌تان دارید، این به نظر من مهم‌تر از آن است؛ این نظارت بر نفْس است، نظارت بر خویشتن است، نظارت بر سلامت مجلس است[1].

لزوم مراقبت و تکافل اجتماعی به‌وسیله هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان

امروز مجلس ما بحمدالله یک مجلس نمونه در دنیاست. انسان در بین نمایندگان مجلس شورای اسلامی که نگاه می‌کند، چهره‌های پاک، منزّه، مردمی، اهل تقوا، اهل علم، اهل معرفت، اهل تخصّص، اهل مجاهدت، با زبان رسا و با شجاعت می‌بینند. امروز مجلس ما بحمدالله هیچ نگرانی و دغدغه‌ای را در کسی که منصف باشد ایجاد نمی‌کند. اما باید مراقب باشید؛ زیرا این امانتی در دست شماست. استمرار ماجراها، باید صحیح باشد. ﴿وَأَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسۡقَيۡنَٰهُم مَّآءً غَدَقا﴾[2] استقامت بر طریق است. راه را باید درست و مستمر رفت و الّا اگر چهار صباح خوب و درست رفتیم، ولی بعد رها کردیم، فایده‌ای ندارد. امروز مسئولیت مجلس این است که بنایی بگذارد، کاری کند و مَنِشی نشان دهد که اگر در آینده، نماینده یا نمایندگانی خواستند به خلاف این منش رفتار کنند، مثل مزاج سالمی که جسم بیگانه را به نحوی از انحا از خودش دفع می‌کند، مجلس هم آن عضو نامناسب و نامتناسب را دفع کند. این بنا را شما باید امروز بگذارید. دشمنان بیدارند، ما هم باید بیدار باشیم؛ همچنان که بحمدالله تا امروز بیدار بوده‌ایم. امروز ملت ما بیدار است، دولت ما بیدار است، مجلس ما بیدار است، مسئولین قضایی کشور، بیدارند. امروز همه بحمدالله هشیارند؛ اما هشیاری امروز، کافی نیست. باید کاری کنید که این هشیاری و این خدمتِ الهی، استمرار پیدا کند. در دعای کمیل عباراتی که

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.

۲. سوره جن، آیه ۱۶.

می‌خوانیم برای ما درس است: قوّ علی خدمتک جوارحی، و اشدد علی العزیمة جوانحی، و هب لی الجدّ فی خشیتک و الدّوام فی الاتّصال بخدمتک»[۱] این دوام، لازم است و اتّصال به خدمت پروردگار، باید مستدام باشد. این درس است به ما بحمدالله، مجلس منشِ خوبی داشته است. آنچه که در این برهه لازم می‌دانم این است که اندک کاری که دشمن را امیدوار کند، نباید از مراکز مسئولیت سر بزند[۲].

نکته‌ی دیگر درباره‌ی شأن نظارتی مجلس است. ببینید، مجلس نسبت به دستگاه‌های اجرائی کشور شأن نظارتی دارد - که خوب، چیز بسیار بااهمیتی هم هست - یک شأن نظارتی هم برای خود مجلس و برای آحاد نمایندگان تعریف کنید. من معتقدم که شما دو سال دیگر توی مجلسید، معلوم نیست بعد از این توی مجلس باشید یا نباشید؛ ممکن است دیگر هرگز گذارتان به مجلس نیفتد؛ اما صدها و صدها نفر در طول زمان از اینجا عبور خواهند کرد؛ کسانی خواهند آمد و روی این صندلی‌ها خواهند نشست. اگر شما امروز توانستید یک سازوکار کنترلی متقن و محکم برای نظارت بر کار نماینده پایه‌گذاری کنید، تا هر وقتی که این دستگاه خوب کار کند، اجرش مال شماست؛ مزد الهی‌اش مال شماست. آن طرف قضیه هم متأسفانه همین‌جور است. اگر امروز با قدرتی که خدا به شما داده - توان نمایندگی - می‌توانید این ابزار کنترلی را کار بگذارید، ولی کار نگذارید، از شما سؤال خواهد شد. روز قیامت خدا سؤال می‌کند. همه‌اش این‌جور نیست که ما فکر کنیم حرف دادگاه پسند داریم یا نه. این دادگاه‌ها که چیزی نیست، دادگاه‌های بشری که اهمیتی ندارد؛ دادگاه الهی اهمیت دارد ﴿یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصّدور﴾[۳]؛ اعماق دل‌های ما برای خدا روشن است. یک کاری بیش از اندازه‌ی تکلیفمان انجام دادیم، هیچ‌کس نمی‌فهمد، هیچ‌کس تشکر نمی‌کند؛ اما خدای متعال می‌فهمد، کرام‌الکاتبین می‌نویسند و خدا تشکر می‌کند. یک کوتاهی‌ای کردیم، هیچ‌کس نفهمیده؛ ظاهرسازی کردیم، یک جوری که خیال کردند آره، ما کار را خوب انجام دادیم؛

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۴۴؛ إقبال الأعمال، ص ۷۰۶؛ بلد الأمین، ص ۱۸۸؛ مفاتیح الجنان، ص ۶۲.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۳/۰۳/۱۱.
۳. سوره غافر، آیه ۱۹.

در حالی که در باطن کوتاهی کردیم هیچ‌کس نمی‌فهمد، هیچ‌کس ما را ملامت نمی‌کند؛ اما کرام‌الکاتبین می‌بینند، می‌نویسند و خدای متعال مؤاخذه می‌کند. این به نظر من چیز مهمی است. خوب، نماینده - مثل همه‌ی ماها - در معرض این جور لغزش‌ها و آسیب‌ها قرار دارد. مال، فتنه‌انگیز است. این، حرف من نیست؛ حرف امام سجاد علیه‌السلام است؛ «المال الفتون»؛ مال فتنه‌انگیز، پول، فتنه‌انگیز است؛ دل‌ها را از راه در می‌برد؛ خیلی‌ها را می‌لرزاند؛ کسانی که آدم خیال نمی‌کند این‌ها هم بلغزند، اما آدم می‌بیند گاهی می‌لغزند. قدرت هم همین جور است، رودربایستی هم همین جور است، محبت‌ها هم همین جور است، دشمنی‌ها هم همین جور است؛ ماها را می‌لغزاند یک جایی. باید بر کارش نظارت کند. خدا را شکر می‌کنیم که شما برادران و خواهران با دل بیدار از این مسئله استقبال می‌کنید[1].

مرکز دوّم مرکز نظارت بر رفتار نمایندگان است که چند سالی است راه افتاده؛ این هم خیلی مهم است. شماها البتّه همه خیلی خوبید، خدا ان‌شاءالله که همه‌ی شما را اجر بدهد؛ امّا خوب‌بودن یک مسئله است، خوب ماندن یک مسئله‌ی دیگر است؛ باید سعی کنیم خوب بمانیم. همه‌ی ما در معرض اشکال هستیم، ممکن است خدای‌نکرده لغزشی برایمان پیش بیاید. همه‌ی ما - بنده هم همین جور هستم، شما هم همین جور هستید - در معرضیم، بایستی مراقبت کنیم؛ هم خودمان از خودمان مراقبت کنیم، هم ﴿وَ تَواصَوا بِالحَقِّ وَ تَواصَوا بِالصَّبر﴾[2] این مرکز نظارت بر رفتار نمایندگان همان «تَواصَوا بِالحَقِّ وَتَواصَوابِالصَّبر» است، همان امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر است، همان مراقبت و تکافل اجتماعی است که در اسلام وجود دارد[3].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.
۲. سوره عصر، آیه ۳.
۳. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

نداشتن تقوای جمعی در مجلس؛ عامل سقوط نمایندگان دارای تقوای فردی

یک تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمع‌ها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی‌مراقبتی جمع‌ها نسبت به مجموعه‌ی خودشان، موجب می‌شود که حتّی آدم‌هایی هم که در بین آن جمع‌ها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمع‌ها بغلتند و به جایی بروند که نمی‌خواهند. در طول این سی سال، ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم. یکی از جاهایی که ضعف نشان داده‌ایم، همین بوده. در دهه‌های قبل، یک جریانی در کشور وجود داشت به نام جریان چپ. آن‌ها شعارهای خوبی هم می‌دادند، اما خودشان را مراقبت نکردند و تقوای جمعی به خرج ندادند. در میانشان آدم‌هایی بودند که تقوای فردی هم داشتند، اما نداشتن تقوای جمعی، کار آن‌ها را به جایی رساند که فتنه‌گرِ ضد امام حسین علیه‌السلام و ضد اسلام و ضد امام و ضد انقلاب توانست به آن‌ها تکیه کند! آن‌ها نیامدند شعار ضد امام و ضد انقلاب بدهند، اما شعاردهنده‌ی ضد امام و ضد انقلاب توانست به آن‌ها تکیه کند؛ این خیلی خطر بزرگی است. آن‌ها غلتیدند؛ بنابراین تقوای جمعی لازم است.

من پارسال به شما عرض کردم که در داخل مجلس شورای اسلامی، خودنظارتی بگذارید. این، همان تقوای جمعی است. مجموعه، خود را بپایید. حالا حرف‌هایی گوشه‌کنار زدند که نماینده باید آزاد باشد، چه باشد. کسی با آزادی نماینده مخالف نیست؛ با کج‌رفتاری نماینده مخالف است. یک نماینده‌ی کج‌رفتار ممکن است مجلس شورای اسلامی را بدنام کند، متهم کند؛ حیف نیست؟ مجلسِ به این عظمت، این نهاد قانونی اساسی در کشور[1].

لزوم محاسبه جمعی مجلس شورای اسلامی

همان‌طور که یک فرد باید خودش را محاسبه کند، یک جمع هم - مثل مجلس شما، مثل دولت‌ها، مثل مجموعه‌ها و افراد مسئول در کشور - باید خودشان را محاسبه کنند؛ ما

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

خودمان را باید محاسبه کنیم. اگر انسان چنین فهرستی داشته باشد - مثل این فهرستی که جناب آقای دکتر حداد در بیانات شیرین و خوش لفظ و معنای خودشان طبق معمول بیان کردند - طبعاً خوشحال می‌شود و خدا را شکر می‌کند؛ لکن قانع نمی‌شود. قانع نباید شد و از غفلت‌ها و قصورها نباید اغماض کرد؛ همچنان که در محاسبه‌ی دیگران هم - تا جایی که پای دوستی‌ها و رابطه‌ها و ملاحظه‌ها در میان نباشد - اغماض نمی‌کنیم، سخت‌گیری می‌کنیم و نکته می‌گیریم برای خودمان هم باید همین‌گونه باشد. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال به شما، به ما، به همه‌ی مسئولین این لطف را بکند که چشم بصیرِ به خود به ما بدهد و قوّت بر عمل و قوّت بر عزم را در ما روزبه‌روز بیفزاید؛ «قوّ علی خدمتک جوارحی و اشدد علی العزیمة جوانحی»[۱].

مجلس؛ یک نهاد پرسشگر و در عین حال پاسخگو

یک نکته‌ی اساسی در کار مجلس این است که شروع کار شما در سال پاسخگویی است. کار شما در زمینه‌ی پاسخ دو بعد دارد؛ هم باید پاسخ بدهید، هم باید پاسخ بخواهید. اگر دولت بخواهد پاسخ بدهد، پاسخ دولت می‌تواند به افکار عمومی باشد - که خوب هم هست و بنده هم غالباً برادران دولت را تشویق می‌کنم که به افکار عمومی توضیح بدهند و حرف بزنند - اما سازوکار قانونی، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی به مجلس است. شما باید پاسخ بخواهید و در زمینه‌ی کار خودتان هم باید پاسخ بدهید. اولویت‌هایتان را مشخص کنید. شما هر کدام از منطقه‌ای انتخاب شده‌اید؛ شعارهایی داده‌اید، حرف‌هایی زده‌اید و وعده‌هایی داده‌اید؛ این‌ها را جمع کنید و ببینید اولویت‌ها کدام است. این اولویت‌ها را آنجایی که در لوایح تقدیمی دولت باید دنبال شود، آنجایی که با طرح‌های خود مجلس باید تأمین شود، آنجایی که با پاسخگویی و توضیح خواستن از دستگاه‌های دولتی باید حاصل شود، مشخص، اولویت‌بندی و حتّی زمان‌بندی کنید؛ بعد هم به مردم گزارش بدهید و بگویید ما می‌خواستیم این قانون را وضع کنیم،

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۴۴؛ إقبال الأعمال، ص ۷۰۶؛ بلد الأمین، ص ۱۸۸؛ مفاتیح الجنان، ص ۶۲.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.

می‌خواستیم با این مشکل مقابله کنیم؛ زمان آن شش ماه بود، سر شش ماه به اینجا رسیدیم. اینکه آقای دکتر حداد عادل می‌گویند سال آینده بتوانیم کارنامه‌ی قابل قبولی ارائه دهیم، در صورتی امکان‌پذیر است که شما اولویت‌بندی، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی کنید و بگویید ما دنبال این اولویت‌ها هستیم. همه‌ی کارها را هم نمی‌شود یک‌شبه با هم انجام داد؛ اولویت‌هایی وجود دارد؛ پیداکردن و دنبال‌کردن این اولویت‌ها مهم است. در این صورت، شما، هم به مردم پاسخگو خواهید بود؛ هم از دستگاه‌هایی که زیر نظارت شما هستند، باید پاسخ بخواهید[۱].

مجلس صرفاً یک نهاد پرسشگر نیست، بلکه یک نهاد پاسخگو هم هست. برخلاف تصوّر بسیاری که خیال می‌کنند مجلس با جعل قانون به دولت دستور می‌دهد، بعد هم سؤال می‌کند، استیضاح می‌کند، کارهایی از این قبیل می‌کند و پرسشگر است، بله، این وظایف وجود دارد، لکن پاسخگو هم هست[۲].

توجه به اصل پاسخگویی در مقابل خداوند متعال و قانون

مجلس به چه کسی پاسخگو باشد؟ در درجه‌ی اوّل به خدا. ماها مؤمنیم، می‌دانیم روزی هست که از ما از جزئیّات کارهایمان و اعمالمان سؤال خواهد شد. شما یک قانونی را که جعل می‌کنید و وضع می‌کنید، یک حکمی را که امضا می‌کنید، باید جواب بدهید. همه‌ی ما باید به این مسئولیّت بزرگ فکر کنیم. این مسئولیّت در مقابل خدا است که از همه‌ی مسئولیت‌ها، از همه‌ی سؤال‌ها بالاتر، خطیرتر و درخورِ اهتمامِ بیشتر است[۳].

اوّلین مطلب از این باید و نبایدها این است که نماینده باید خودش را پاسخگو بداند؛ در مقابل چه کسی؟ در مقابل خدا و در مقابل قانون؛ یعنی هر اقدامی که می‌خواهید بکنید، احساس کنید که یک داوری وجود دارد که راجع به این از شما سؤال خواهد کرد؛ خودتان را پاسخگو باید بدانید. لازمه‌ی پاسخگو دانستن چیست؟ این است که در کارهایی که

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

در مجلس می‌کنید، رأیی که به فلان قانون می‌دهید، رأیی که به فلان قانون نمی‌دهید، در این رأی‌دادن و ندادن، اغراض شخصی دخالت پیدا نکند. واقعاً نگاه کنید، با تشخیص، با دقّت، ببینید مصلحت چیست، آنچه خدای متعال را راضی می‌کند چیست، طبق آن رأی بدهید؛ اغراض شخصی دخالت پیدا نکند. لازمه‌ی اوّلِ پاسخگو بودن این است که انسان اغراض و مقاصد شخصی را دخالت ندهد؛ به تعبیر رایج این روزها که ظاهراً برگرفته‌ی از تعبیر فرنگی است، «تعارض منافع»؛ تسلیم «تعارض منافع» نشوید[۱].

لزوم توجه ویژه شأن پاسخگو بودن مجلس

نکته‌ی اوّل مجلس صرفاً یک نهاد پرسشگر نیست، بلکه یک نهاد پاسخگو هم هست. برخلاف تصوّر بسیاری که خیال می‌کنند مجلس با جعل قانون به دولت دستور می‌دهد، بعد هم سؤال می‌کند، استیضاح می‌کند، کارهایی از این قبیل می‌کند و پرسشگر است، بله، این وظایف وجود دارد، لکن پاسخگو هم هست. مجلس یکی از ارکان کشور است، یک نهاد تصمیم‌گیر است، یک نهاد اقدام‌کننده است و هر مجموعه یا فرد تصمیم‌گیر و اقدام‌کننده پاسخگو هم هست؛ بنابراین، مجلس باید شأن پاسخگویی خودش را همیشه در نظر داشته باشد. وظایفی هست که باید انجام بدهد؛ اگر ندهد، مورد سؤال قرار می‌گیرد. کارهایی هست که باید نکند؛ اگر بکند، مورد ایراد قرار می‌گیرد[۲].

ما در طول این چند ده سال داشته‌ایم مجالسی را که کارهایی کردند که مردم نپسندیدند این کارها را و از این کارها خوششان نیامده؛ نتیجه این شده که عوامل آن کارها از چشم مردم افتادند. ما این‌ها را در این سال‌ها تجربه کردیم و مشاهده کردیم. تک‌تک نمایندگان محترم باید به این نکته‌ی «پاسخگویی» توجّه داشته باشند؛ رفتارشان، گفتارشان، نطقشان، رأی‌شان، موضع‌گیری‌شان را با توجّه به این نکته تنظیم بکنند این نکته‌ی اوّل[۳].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

عدم دخالت اغراض شخصی؛ لازمه پاسخگو دانستن خود

اوّلیـن مطلـب از ایـن بایدونبایدها این اسـت که نماینده بایـد خودش را پاسـخگو بداند؛ در مقابـل چه کسـی؟ در مقابل خـدا و در مقابل قانـون؛ یعنی هر اقدامی کـه می‌خواهید بکنید، احسـاس کنیـد که یک داوری وجود دارد که راجع به این از شـما سـؤال خواهـد کرد؛ خودتان را پاسـخگو باید بدانید. لازمه‌ی پاسـخگو دانسـتن چیسـت؟ این اسـت کـه در کارهایی که در مجلـس می‌کنیـد، رأیی که به فلان قانون می‌دهیـد، رأیی که به فلان قانـون نمی‌دهید، در ایـن رأی‌دادن و ندادن، اغراض شـخصی دخالت پیدا نکند. واقعاً نگاه کنید، با تشـخیص، بـا دقّت، ببینید مصلحت چیسـت، آنچه خـدای متعال را راضی می‌کند چیسـت، طبق آن رأی بدهیـد؛ اغـراض شـخصی دخالت پیـدا نکند. لازمـه‌ی اوّلِ پاسـخگو بودن این اسـت کـه انسـان اغـراض و مقاصد شـخصی را دخالت ندهـد؛ به تعبیر رایـج این روزهـا که ظاهراً برگرفتـه‌ی از تعبیر فرنگی اسـت، «تعارض منافع»؛ تسـلیم «تعـارض منافع» نشوید[1].

لزوم پاسخگو بودن مجلس در مقابل مردم

مجلس به چه کسـی پاسـخگو باشـد؟ در درجه‌ی اوّل بـه خدا. ماها مؤمنیـم، می‌دانیم روزی هسـت کـه از مـا از جزئیّـات کارهایمان و اعمالمان سـؤال خواهد شـد. شـما یـک قانونی را کـه جعـل می‌کنید و وضـع می‌کنید، یک حکمـی را که امضـا می‌کنید، باید جـواب بدهید. همـه‌ی مـا باید به ایـن مسـئولیّت بزرگ فکر کنیم. این مسـئولیّت در مقابل خدا اسـت که از همـه‌ی مسـئولیت‌ها، از همه‌ی سـؤال‌ها بالاتـر، خطیرتر و درخورِ اهتمامِ بیشـتر اسـت. بعد هـم در قبـال مـردم، حالا مردم اگـر چنانچه از مجلسـی یک امـر خلاف انتظاری را مشـاهده کننـد، یقه‌ی مجلـس را البتّه نمی‌گیرنـد؛ یعنی سـازوکار قانونی‌ای برای ایـن کار وجود ندارد، لکـن در رفتار آن‌هـا، در روش آن‌هـا، در واکنش آن‌ها، انسـان می‌تواند مشـاهده کند رضایت آن‌هـا یا عدم رضایـت آن‌ها را[2].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

نبود سازوکاری برای اعلام اعتراض مردم به مجلس

حـالا مردم اگر چنانچه از مجلسـی یک امر خلاف انتظاری را مشـاهده کننـد، یقه‌ی مجلس را البتّـه نمی‌گیرنـد؛ یعنی سـازوکار قانونی‌ای بـرای این کار وجـود ندارد، لکـن در رفتار آن‌ها، در روش آن‌هـا، در واکنش آن‌ها، انسـان می‌تواند مشـاهده کند رضایت آن‌هـا یا عدم رضایت آن‌ها را[۱].

نشانه‌های زنده و سالم نگه‌داشتن مجلس

در خصـوص مجلـس شورای اسلامـی آنچـه کـه مـن بـه عنـوان جمع‌بنـدی می‌توانـم در دو جملـه عـرض بکنم، این اسـت که مجلس بایسـتی هم زنده باشـد، هم سـالم باشـد؛ این دو خصوصیـت در مجلس لازم اسـت[۲].

خودنظارتی و تواصی

بسـترهای ارتباط آلوده با دسـتگاه‌های اجرایی همیشـه وجود دارد و مسـئولان بـالای اجرایی هـم از آن باخبـر نمی‌شـوند. در این میان، دسـت‌هایی به دنبال این هسـتند کـه ارتباط‌های ناسـالمی را به وجـود بیاورند؛ باید خیلـی مراقب باشید. هـم هیئت‌رئیسـه‌ی محترم مجلس و رؤسـای کمیسیون‌هـا، و هـم خود شـما نماینـدگان باید بـه این رهنمـود الهی عمـل کنید؛ ﴿وتواصـوا بالحق و تواصـوا بالصّبر﴾[۳] واقعاً نمایندگان باید یکدیگـر را نصیحت و حفظ کنند. گفتـن و توصیه‌کردن، بسیار مهم اسـت[۴].

مـن در یکـی دو سـال قبل از ایـن، در همین دیـدار نمایندگان محتـرم، راجع بـه خودْنظارتی مجلـس مطالبـی گفتـم که خـب، قانونـی هم تصویب شـد ببینیـد، همیـن آیه‌ای کـه اینجا

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.
۳. سوره عصر، آیه ۳.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

تلاوت کردند ﴿و اتّقوا فتنة لا تصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّة﴾[۱] خیلی مهم است. ممکن است در یک ساختمان، آن کسی که بنزین می‌ریزد و بی‌احتیاطی می‌کند و کبریت می‌کشد، یک نفر باشد؛ اما کسی که می‌سوزد، فقط آن یک نفر نیست. ممکن است یک نفر کشتی را سوراخ کند؛ اما کسی که غرق می‌شود، فقط آن یک نفر نیست. قرآن می‌گوید از یک چنین فتنه‌ای پرهیز کنید که وقتی آمد، فقط دامن آن کسی را که موجب فتنه است، دامن آن کسی را که ظالم است، نمی‌گیرد؛ دامن بی‌گناه‌ها را هم می‌گیرد؛ دامن کسانی را هم که در ایجاد این فتنه تأثیر نداشته‌اند، می‌گیرد. واتّقوا؛ از یک چنین فتنه‌ای پرهیز کنید، مراقب باشید. لازمه‌ی این کار چیست؟ لازمه‌اش خودْنظارتی است؛ یعنی بر یکدیگر نظارت کنیم؛ «و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر»؛ دائم تواصی کنیم. اینها نشانه‌های سلامت است[۲].

سلامت سیاسی، اخلاقی و مالی مجلس

در کنار زنده‌بودن مجلس، مسئله‌ی سالم‌بودن هم مهم است؛ باید هم زنده باشد، هم سالم. سالم‌بودن هم از جهات مختلف است؛ سلامت سیاسی، سلامت اخلاقی، سلامت مالی؛ این‌ها مسائلی است که به یک‌یک دوستان عزیزمان، نمایندگان محترم ارتباط پیدا می‌کند. اگر چنانچه در مجلس گرایشی پیدا شود - البته این‌جور گرایش‌ها قاعدتاً گرایش‌های کوچک خواهد بود؛ گرایش‌های عمومی و کلی نخواهد بود - که با بعضی از اصول انقلاب منافات داشته باشد، این عدم سلامت است یا اگر چنانچه دغدغه‌ی وظیفه در مجلس گم شد، این عدم سلامت است. اگر چنانچه در مورد مسائل مالی بی‌مبالاتی حاکم شد - پول گرفتن، پول دادن، مرتبط شدن، واسطه شدن؛ از این حرف‌هایی که خیلی جاها هست - این عدم سلامت است؛ این چیز مهمی است. خرج‌تراشی‌های بیخود برای مجلس، عدم سلامت است. دیروز ما با جناب آقای لاریجانی در این زمینه مفصل صحبت کردیم. واقعاً باید یکی از کارهایی که مجلس می‌کند، این باشد: الگو

۱. سوره أنفال، آیه ۲۵.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴،

بشوید برای دستگاه‌های مختلف دیگر در کم‌کردن هزینه‌ها؛ هزینه‌های سفرهای احیاناً بی‌مورد، هزینه‌های گوناگون شخصی نمایندگان که البته بخش مهمی از این کار، مربوط به هیئت‌رئیسه‌ی محترم مجلس است که باید مراقبت کنند؛ و همچنین یکایک نمایندگان. البته من می‌دانم - هم اطلاع کلی دارم، هم اطلاع خاص دارم - که واقعاً در بین نمایندگان، کسانی که احتیاط می‌کنند و مراقبت می‌کنند، کم نیستند افرادی هستند که واقعاً انسان در قلبش آن‌ها را تحسین می‌کند و خوشحال می‌شود و خدا را شکر می‌کند که یک چنین افرادی در مجلس حضور دارند. بالاخره این قضیه مهم است[۱].

حضور مفید در محیط کار

حضور مفید در محیط کار؛ این جزو علامت حَیَویت است. البته این‌هایی که من عرض می‌کنم، توقعات از مجموعه‌ی مجلس است؛ منتها مجموعه‌ی مجلس، متکی به افراد است. شخص شما اگر چنانچه در وقت کار مجلس یا در صحن علنی مجلس یا در کمیسیون حضور نداشته باشید، درست است که شما می‌گوئید من یک دویست و نودم هستم، اما خود این تأثیر خواهد گذاشت؛ هم به قدر وزن شخصی شما، هم به عنوان تأثیر روی دیگران. یعنی شما که حضور پیدا نکردید، حضورپیدانکردن در مجلس به همین اندازه آسان می‌شود؛ دیگری هم که تا حالا مقید بود حضور پیدا کند، او هم حضور پیدا نمی‌کند. این از جمله‌ی گرفتاری‌های مجلس است؛ شما سعی کنید در مجلس نهم واقعاً این گرفتاری را برطرف کنید. پس حضور مفید در محیط کار، جزو علامت حَیَویت است[۲].

قانون خوب و نظارت درست

زنده‌بودن مجلس به این است که نشاط و تحرک و حَیَویت از خود نشان بدهد. مجلس اگر راکد بود، خمود بود، خروجی درست و مناسبی در بخش‌های مختلف نداشت، ناقص است. این نشانه‌ی حیات و دلیل حیات عبارت است از تحرک و نشاط چگونه

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴،
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.

می‌شود این نشاط و تحرک را در بیرون عینیت بخشید؟ باید وظایف را درست انجام داد؛ قانون خوب در ذیل این کلمه‌ی قانون خوب، ده تا پانزده تا شاخص می‌شود معین کرد: به‌روز باشد، تکراری نباشد، معارض نداشته باشد، چه، چه، چه؛ این‌ها می‌شود قانون خوب. دوم: نظارت درست. دو وظیفه‌ی اصلی مجلس این‌هاست دیگر؛ در درجه‌ی اول، قانون‌گذاری، و بلافاصله مسئله‌ی نظارت درست. نظارت درست را می‌شود ترجمه کرد. نظارتِ درست شاخص‌هایی دارد؛ این شاخص‌ها را مشخص کنید. لازم نیست من این شاخص‌ها را بگویم؛ خود شما می‌دانید؛ این‌ها جزو معارف روشن و واضح ماست. نظارت‌هایی که ناشی از نیت‌های نادرست باشد، نظارتِ نادرست است. نظارت‌های جانب‌دارانه و ضد جانب‌دارانه، هر دو، نظارت‌های نادرست است. نظارت‌هایی که عمق‌یابی نمی‌کند، نادرست است. نظارتِ درست شاخص‌هایی دارد؛ این‌ها را باید مشخص کنید[۱].

نظارت مجلس بر سایر نهادها

البتّه تعبیر نظارت در قانون اساسی نیست - عنوان نظارت مجلس نیست - لکن احکام فراوانی که در مورد سؤال، تذکّر، تحقیق و تفحّص در مجلس وجود دارد، نشان‌دهنده‌ی لزوم نظارت است دیگر؛ یعنی تحقیق و تفحّص می‌کنید یا سؤال می‌کنید یا تذکّر می‌دهید برای چه؟ برای اینکه اطّلاع پیدا کنید. پس نظارت بر قوّه‌ی مجریّه یکی از وظایف مجلس است[۲].

هدف از نظارت مجلس بر سایر نهادها: «ارتقای کارآمدی دولت»

هدف از نظارت، ارتقای کارآمدی دولت است. برای این است که اگر چنانچه اشکالی در کار دولت وجود دارد، این را شما به عنوان مجلس بشناسید، تشخیص بدهید، تذکّر بدهید، کارایی دولت ارتقای پیدا کند و کار پیش برود؛ هدف از نظارت این است. مبادا خدای‌نکرده نظارت ناشی بشود از هدفی غیر از این؛ یعنی فرض کنید که انسان با یک

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

وزیـری یـک مشـکل پیدا کنـد، تذکّر بدهد، سـؤال پشـت سـر سـؤال یـا حتّی اسـتیضاح و امثال اینها؛ مسـائل جناحی، مسـائل شـخصی، مسـائل سیاسـی مطلقاً نبایـد دخالت کند. نظارت فقط ناشـی از همین اسـت: احسـاس یک کمبـود در قوّه‌ی اجرائی، و تذکّـر و توجّه به آن و سـعی بـرای برطرف‌کردن آن؛ ایـن یک مطلب در بـاب نظارت[۱].

مطلـب دیگر اینکـه در باب نظارت نه افـراط کنیم، نـه تفریط. گاهی به ملاحظـات، آنجایی کـه باید نظـارت انجام بگیرد انجـام نمی‌گیرد؛ این هم غلط اسـت. گاهی هـم نظارتْ زیادی انجـام می‌گیـرد؛ سـؤالِ متعدّد می‌شـود. من به شـما عـرض بکنـم، در این سـال‌ها - در این چنـد سـالی که مـا مسـئولیّت داریم - الان کـه فکر می‌کنـم، تقریبـاً در همـه‌ی دولت‌ها وزرا بـه بنـده مراجعـه می‌کردند و شـکایت می‌کردنـد از کثرت سـؤال در مجلـس؛ می‌گفتند چه در صحـن مجلـس، چـه در کمیسیون‌هـا می‌برنـد مـا را، چنـد سـاعت از وقـت مـا را صرف می‌کننـد، سـؤال می‌کننـد، سـؤال‌پیچ می‌کننـد، و کارهایی از ایـن قبیل. افراط نباید بشـود. البتّـه تفریـط هـم نباید بشـود؛ یعنـی آنجایی کـه باید سـؤال کنید، آنجـایی که بایـد نظارت را اِعمـال کنیـد، بایـد اِعمال کنید لکـن منصفانه باشـد؛ نظارت‌هـا منصفانه انجـام بگیرد؛ ملاحظات شـخصی و سیاسـی و ماننـد این‌ها وسـط نیاید[۲].

رعایت انسجام ملی در مسئله نظارت

یـک بایدِ دیگر مسـئله‌ی انسـجام ملّی اسـت. انسـجام ملّـی امروز از همیشـه لازم‌تر اسـت؛ همیشـه لازم بـوده، امّا امروز بیشـتر از همیشـه اختلاف، اخـتلافِ یقه‌گیری، همیشـه به ضرر اسـت؛ ولـو ایـن یقه‌گیری مثلاً فـرض کنید کـه به خاطر مسـئله‌ی شـخصی هم نباشـد، امّا اینکـه ما اختلافات سـلیقه‌ای و سیاسـی و کاری و ماننـد این‌های خودمان را به شـکل دعوا و بـه شـکل اختلاف مطـرح کنیم، این همیشـه مضر اسـت، امروز از همیشـه مضرتر اسـت. مـن مـکرّر عرض کرده‌ام که از کشور باید در مسـائل اساسـی صـدای واحـد بیرون بیاید، باید یـد واحده باشـند؛ ملّت مـا و مجموعه‌ی مـا، مجموعه‌ی سیاسـی ما، مجموعـه‌ی مدیریّتی

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.
۲. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

کشور باید ید واحده باشند. زمینه هم فراهم است. خوشبختانه رؤسای قوا دیدارهای خوبی دارند. بنده در بعضی از دولت‌ها اصرار می‌کردم، تأکید می‌کردم که جلسه کنید با هم، بنشینید مسائلتان را با هم حل کنید، به‌جای پشت بلندگو - که علیه هم حرف می‌زنید - داخلِ مجلسِ خصوصی با هم حرف بزنید، سختشان بود؛ حالا بحمدالله می‌نشینند با هم صحبت می‌کنند، مسائلشان را مطرح می‌کنند، مشکلات را می‌خواهند با هم حل کنند. الان از این جهت زمینه آماده است و یک همگرایی نسبی‌ای بحمدالله در بین قوا وجود دارد؛ این حفظ بشود؛ این حفظ بشود، جبهه‌بندی نشود و این‌جور نباشد که بلندگوی مجلس، اختلاف را نشان بدهد که خب الحمدلله این‌جور هم نیست. حالا این‌ها در واقع، کلّیّات نصایح ما و عرایض ما است؛ یک چیزهای جزئیِ مصداقی هم وجود دارد که من سه چهار مورد را یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم[۱].

چارچوب نظارت مجلس بر دولت؛ دوگانه تقریب یا تخریب

توصیه‌ی اوّل عبارت است از نوع رابطه‌ی مجلس با قوای دیگر بخصوص با قوّه‌ی مجریّه؛ این، آن مطلب اساسی است. باید نوع رابطه را تنظیم کرد. یک دوگانه‌ای اینجا وجود دارد: دوگانه‌ی تقریب و تخریب؛ یک نگاه، نگاه تقریبی است؛ یک نگاه، نگاه تخریبی است[۲].

الف) دیدگاه تقریب

این نگاه، نگاه یک پیکره دیدن مجموعه‌ی نظام است:

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

نظام یک پیکر است: یکی قلب است، یکی مغز است، یکی شبکه‌ی عصبی است؛ این‌ها باید با همدیگر کار کنند. اگر مکمّل هم نباشند، مغزی که قلب کمکش نکند، قلبی که مغز کمکش نکند، شبکه‌ی اعصابی که مغز کمکش نکند به کار نمی‌آید؛ باید همدیگر را تکمیل کنند؛ اصلاً مکمل هم هستند. این یک نگاه است. این نگاه، نگاهِ

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱،
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳،

درستی است؛ این نگاه، آن نگاهِ واقعی است؛ بنابراین توصیه‌ی اوّل و مهمّ من این است که نگاه مجلس در این یک سال - حالا شما که در سال چهارم و آخر مجلس هستید، کلّاً نگاه مجالس؛ چه شما باشید، چه دیگری - بایستی نگاهِ همکاری و هم‌افزایی باشد؛ البتّه ما به دولت و به قوّه‌ی قضائیّه در موارد خودش این تذکّرات را می‌دهیم؛ حالا هم به شما عرض می‌کنیم[1].

خب دولت بار اجرا را بر دوش دارد؛ این را که توجّه دارید! بعضی از شماها، خودتان قبلاً در قوّه‌ی مجریّه بوده‌اید، چه در حدّ وزیر، چه در حدّ مدیر، در قوّه‌ی مجریّه بوده‌اید و می‌دانید قوّه‌ی مجریّه با قوّه‌ی مقنّنه فرق می‌کند. آنجا کار هست، تلاش هست، فشار کار هست، توقّع هست، مطالبه هست؛ باید مراعات قوّه‌ی مجریّه را کرد و بعضی از مناقشات غیرمنطقی را نباید دخالت دادگاهی اوقات می‌شود که مجلس وقتی با دولت همکاری می‌کند، یک عدّه‌ای از این بداخلاق‌ها که گوشه‌کنار نشسته‌اند، فوراً در روزنامه و در فضای مجازی و مانند این‌ها می‌گویند: «مجلس استقلال خودش را از دست داد، مجلس دولتی شد!»؛ به این‌ها اصلاً اعتنا نکنید یا از روی غرض این حرف‌ها گفته می‌شود یا از روی بی‌اطّلاعی از مصلحت نظام این حرف‌ها گفته می‌شود[2].

ب) دیدگاه تخریبی

در نگاه تخریبی، رقیب‌پنداریِ قوّه‌ی دیگر حاکم بر ذهنیت‌ها است؛ حالا قوّه‌ی قضائیّه کمتر، عمده قوّه‌ی مجریّه و قوّه‌ی مقنّنه است که این‌ها خود را رقیب هم خیال کنند؛ رقیبی است که باید شانه‌ی طرف مقابل را به زمین برساند؛ این نگاه، نگاه خطرناکی است. حالا، هم از ناحیه‌ی دولت ممکن است این اتّفاق بیفتد، هم از ناحیه‌ی مجلس ممکن است اتّفاق بیفتد؛ یعنی هر دو طرف می‌توانند در این نگاه غلط مشکل درست کنند. دولت‌ها گاهی اوقات مجلس را یک امر زائد، یک امر مزاحم به‌حساب می‌آورند؛ گاهی لج می‌کنند. سال‌ها پیش یکی از رؤسای محترم مجلس، پیش من شکایت می‌کرد

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳،
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

کـه ایـن دولـت اصلاً به مـا لایحـه نمی‌دهد! بیـکار مانده‌ایـم. ایـن واقعیّـت دارد! یعنی یک مجلسـی تشـکیل شـده بـود کـه ترکیـب مجلـس بـرخلاف میـل آن دولت بـود؛ ایـن دولت همـکاری نمی‌کـرد، اصلاً لایحـه نمی‌داد. این‌کـه گفتم بعضـی اوقات طرح واجب می‌شـود، اینجـا اسـت. وقتی که دولت لایحه نمی‌دهد، علاجش این اسـت شـما هم مدام پشـت سـر هـم طـرح تنظیـم کنید و تصویـب کنیـد و ارائه بدهیـد، ابلاغ کنیـد. یعنی یـک دولت وقتی می‌خواهـد مجلـس را اذیّـت کند، یکی از راه‌هایش همین اسـت که اصلاً لایحـه ندهد. طبعاً وقتـی لایحـه نیامـد، کـشور معطّل می‌مانـد. این نمونـه‌ی واقعی اسـت؛ این مثالی اسـت که اتّفـاق افتـاده. یا قانـون تنظیم می‌شـود، ابلاغ می‌شـود، بعـد قانـون را بگذارند داخل کِشـو و درش را هـم قفل کنند! اجرا نکنند یا قانونی اسـت که ابلاغ شـده امّـا آیین‌نامه‌هایش مدت‌ها اسـت تنظیم نشـده. قانونِ بدون آیین‌نامه که قابل اجرا نیسـت؛ باید آیین‌نامه درسـت بشود، بایـد داده بشـود برای اجـرا؛ این کار نمی‌شـود. اینها از طـرف دولت‌ها.

از ناحیـه‌ی مجلس، افـراط در به‌کارگیـری ابزارهای نظارتـی. خب بله، شـما ابزارهای نظارتی داریـد؛ از سـؤال و تذکّر، تا اسـتیضاح. خـب، این‌ها به‌جای خـودش باید بـه کار برود، این‌ها ابزارهـای مجلس اسـت؛ مجلـس چاره‌ای نـدارد، برای اداره‌ی کـشور به این‌هـا احتیاج دارد؛ امـا افـراط در به‌کارگیـری این‌ها نه. وزرا در دولت‌هـای مختلف مکرّر پیش بنـده آمده‌اند و از تعداد سـؤال‌هایی که از این‌ها می‌شـود شـکایت کرده‌انـد؛ می‌گویند اصلاً وقت ما بیشـتر به پاسـخ بـه این سـؤال‌ها می‌گذرد کـه باید یا برویـم کمیسیون، یـا برویم صحـن مجلس جوابِ سـؤال بدهیـم یا مثلاً فـرض بفرماییـد وزیـر از مجلس رأی اعتمـاد گرفته، چند ماه بعد - سـه مـاه بعـد، چهار ماه بعد - همین وزیر اسـتیضاح بشـود! خب اسـتیضاح برای چـه؟ مگر در یـک وزارتخانـه در سـه ماه چـه‌کار می‌شـود کرد که اگـر نکـرد، آدم اسـتیضاحش بکند؟ این افـراط در به‌کارگیـری ابزارهـای نظارتی اسـت یـا از این قبیل چیزهـایی که تکـرار نکنیم بهتر اسـت؛ بنابرایـن این یک نگاه اسـت که نگاه، نگاه تخریب اسـت، نـگاه رقیب‌پنداریِ طرف مقابل است[1].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

یکـی از مـواردی کـه من بـر آن تکیه می‌کنـم، همین مسـئله‌ی بعضـی از سـخت‌گیری‌ها در مورد وزرایی اسـت کـه به مجلس ارائه می‌شـود. گاهی اوقات در مورد وزیر پیشـنهادی دولت یـک سـخت‌گیری‌های غیرلازمی می‌شـود که موجب می‌شـود که وزارتخانـه مدت‌ها بی وزیر بمانـد و با سرپرسـت اداره بشـود؛ خـب این به کـشور ضربه می‌زنـد. باید دقّت کرد، بایسـتی صلاحیت‌ها را تشـخیص داد، در این تردیدی نیسـت، منتها سخت‌گیری در حدّ منطقی، در حـدّ معقول؛ حـالا الان در چند وزارتخانـه ما وزیر نداریم کـه این‌ها همه به مجلـس می‌آیند[1].

لزوم قانونی‌بودن نظارت مجلس بر دستگاه‌های اجرایی

اگـر بخواهیـد از ابزارهـای نظارتـی اسـتفاده کنیـد، همـه‌ی تلاش خـود را بـر این قـرار دهید کـه ارتباط بـا دسـتگاه‌های اجرایی و تحـت نظارتتـان، قانونی باشـد. بعضـی از ارتباط‌های مخـدوش، مطلقاً به ضرر شماسـت نمی‌خواهیم به کسـی یا چیزی یا جمعی اشـاره کنیم؛ اما در فرض‌های ذهنی می‌گنجد که بین بخشـی از نمایندگان و بخشـی از دسـتگاه‌های تحت نظـارت، ارتباطـاتِ مخـدوش و غیرصحیحی به وجود بیایـد. این، قطعاً نظـارت را مخدوش خواهـد کـرد و قـدرت نظـارت را خواهـد گرفت و توانـایی عظیمی کـه قانون بـه مجلس داده اسـت، از مجلس سـلب خواهد کرد؛ آنـگاه مجلس دیگـر اثرگـذار نخواهد بود[2].

ایفای نقش نظارتی با متانت، خردمندانه و بدون حاشیه

مـن البتّـه نقش نظارتی مجلـس را خیلی مهم می‌دانـم؛ یعنی واقعاً نقـش نظارتی مجلس یک نقـش اساسـی و حیاتی اسـت و هیچ نبایسـتی به ایـن نقش نظارتـی بی‌توجّهی بشـود، لکن معتقـدم کـه ایـن نقش را بـا متانت ایفـا بکنیـد؛ خردمندانه و بـا متانت و بـدون حاشیه ایفا بشود[3].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
۳. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

پرهیز از اهانت به وزرا

نکته‌ی بعدی در مورد تعامل این است که در مجلس، بخصوص در کمیسیون‌ها به وزرا اهانت نشود. بعضی از وزرای محترم به من شکایت می‌کنند که ما به کمیسیون که می‌رویم، با یک لحن اهانت‌آمیزی برخورد می‌کنند؛ من البتّه معتقدم همه با هم برادرند؛ یعنی نگاه سلطنت‌مآبانه هم نباید داشت که حالا بگوییم «ما عضو دولتیم، ما چنینیم، همه در مقابل ما بایستی خضوع و خشوع کنند»، این قطعاً نیست، امّا متقابلاً هم نگاه تحقیر و اهانت و «ریشت دست من است» و «پدرت را درمی‌آورم» هم نباید داشت؛ این نگاه هم نگاه درستی نیست؛ با احترام باید برخورد کرد، با ادب باید برخورد کرد؛ ادب در همه‌ی مراحل لازم است[۱].

همکاری با دولت در استفاده از ابزارهای نظارتی مجلس

یک توصیه‌ی دیگر مسئله‌ی همکاری با دولت است. خب همکاری یک عرض عریضی و یک دامنه‌ی وسیعی دارد. یکی از انواع همکاری‌ها با دولت این است که مسئولین دولتی را با تکثیر سؤال، تکثیر احضار به مجلس، مشغول نباید کرد. دولتی‌ها - نه‌فقط این دولت؛ البتّه این دولت هم به من شکایت کردند، امّا دولت‌های قبلی خیلی بیشتر - آمدند آمار دادند به ما که در این فاصله این تعداد سؤال انجام گرفته! یک تعداد خیلی زیاد؛ در حالی که همه‌ی این سؤال‌ها لازم نیست، همه‌ی احضارها لازم نیست؛ وزیر را احضار کنیم به کمیسیون، مدّتی - دو ساعت، سه ساعت، بیشتر - وقتش گرفته بشود. یک مقدار این‌ها را کاهش بدهید؛ یعنی یک مصداق همکاری با دولت این است؛ به حدّاقل اکتفا بشود یا این تحقیق و تفحّص‌هایی که گاهی انجام می‌گیرد که حالا به عنوان نظارت مجلس است؛ یعنی حقّاً و انصافاً مجلس حقّ تحقیق و تفحّص دارد، منتها در کجا، با چه رویکردی، از چه انگیزه‌ای؟ آخر یک وقت هست که یک منبع رسمی معتبری یک گزارشی از یک دستگاهی به ما می‌دهد که مجبوریم برویم تحقیق و تفحّص کنیم؛ یک وقت هست که نه یک منبع موثّق آن‌چنانی نیست، یک گزارشی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.

رسیده از یک جایی؛ اینجا، هم مجلس گرفتار می‌شود، هم آن دستگاه گرفتار می‌شود؛ پس بنابراین، یک توصیه‌ی دیگر ما هم این است که این تحقیق و تفحص‌ها را و سؤال‌ها و این احضارها و مانند این‌ها را هر چه ممکن است به حدّ لازم کاهش دهید. البتّه بنده برای مجلس این حق را به طور جدّی قائلم، منتها در حدّ لازم؛ بیشتر از حدّ لازم انجام نگیرد[1].

کاهش تحقیق و تفحص‌ها در حد لازم

یا این تحقیق و تفحّص‌هایی که گاهی انجام می‌گیرد که حالا به عنوان نظارت مجلس است؛ یعنی حقّاً و انصافاً مجلس حقّ تحقیق و تفحّص دارد، منتها در کجا، با چه رویکردی، از چه انگیزه‌ای؟ آخر یک وقت هست که یک منبع رسمی معتبری یک گزارشی از یک دستگاهی به ما می‌دهد که مجبوریم برویم تحقیق و تفحّص کنیم؛ یک وقت هست که نه یک منبع موثّق آن‌چنانی نیست، یک گزارشی رسیده از یک جایی؛ اینجا، هم مجلس گرفتار می‌شود، هم آن دستگاه گرفتار می‌شود؛ پس بنابراین، یک توصیه‌ی دیگر ما هم این است که این تحقیق و تفحص‌ها را و سؤال‌ها و این احضارها و مانند این‌ها را هر چه ممکن است به حدّ لازم کاهش دهید. البته بنده برای مجلس این حق را به طور جدّی قائلم، منتها در حدّ لازم؛ بیشتر از حدّ لازم انجام نگیرد[2].

به حداقل رساندن سؤال و احضار دولتی‌ها در مجلس

یک توصیه‌ی دیگر مسئله‌ی همکاری با دولت است. خب همکاری یک عرض عریضی و یک دامنه‌ی وسیعی دارد. یکی از انواع همکاری‌ها با دولت این است که مسئولین دولتی را با تکثیر سؤال، تکثیر احضار به مجلس، مشغول نباید کرد. دولتی‌ها - نه فقط این دولت؛ البتّه این دولت هم به من شکایت کردند، امّا دولت‌های قبلی خیلی بیشتر - آمدند آمار دادند به ما که در این فاصله این تعداد سؤال انجام گرفته! یک تعداد خیلی زیاد؛ در حالی که همه‌ی این سؤال‌ها لازم نیست، همه‌ی احضارها لازم نیست؛ وزیر را

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

احضـار کنیـم به کمیسیون، مدّتی - دو سـاعت، سـه سـاعت، بیشـتر - وقتش گرفته بشـود. یـک مقـدار این‌هـا را کاهـش بدهید؛ یعنـی یک مصـداق همکاری بـا دولت این اسـت؛ به حدّاقل اکتفا بشـود[1].

لزوم تأکید اساسی به جایگاه دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی

نکتـه دومـی کـه در کار این مجلس مشـاهده می‌شـود، این اسـت که ضمـن این‌که مجلس بـا دولـت خدمتگـزار و بخصـوص رئیس دولـت و کارهـای ارزشـمندی که در دولـت انجام می‌گیـرد، همـکاری دارد، نقـش نظارتـی خود را هـم ایفا می‌کند کـه یک مصـداق آن، همین موضـوع دیوان محاسـبات اسـت. مـن چـه در آن وقتی کـه در مأموریـت ریاسـت‌جمهوری مشـغول بـودم و چـه غیر آن زمان، نسـبت به دیـوان محاسـبات، خیلی تأکید و حسّـاسیت داشـتم. خـوب، بحمـدالله، دیـوان محاسـبات حالا فعّال اسـت و کارهـایی از قبیلِ مسـئله تفریـغ بودجـه، نظـارت بر بعضـی از کارهـای مربوط بـه بودجه کـشور و صرف و خـرج پول و صرفـه‌جویی را پیگیـری می‌کنـد. این کارها واقعاً باارزش و خوب اسـت. بدون شـک، دولت سـالم، خـوب و خدمتگـزار مـا، از نقـش مجلـس خشـنود اسـت؛ چـون مجلـس در جهت اصلاح امور کـشور و ضبـط امور مالـی - کـه جای ضبـط و انضباط زیادی هـم دارد - کمکِ دولت است[2].

ابزارهـای نظـارت در دسـت شـما قـرار دارد. دیوان محاسـبات را دسـت‌کم نگیریـد. من در مجالـس قبلـی مـکرر بـه مسـئولان و دسـت‌اندرکاران می‌گفتـم دیـوان محاسـبات را خیلی جـدی بگیریـد؛ ایـن ابزار بسیار مهمی اسـت به شـما هـم این نکتـه را عرض می‌کنـم؛ البته بعضـی گـوش کردنـد، بعضـی هـم گـوش نکردند؛ اما شـما گـوش کنیـد. دیوان محاسـبات خیلـی مهـم اسـت. بودجه‌ی عظیـم این ملت، تنهـا درآمد عمـده‌ی عمومی ملت اسـت که در اختیـار دسـتگاه‌ها قـرار می‌گیرد؛ باید مشـخص باشـد که ایـن بودجه چگونه خرج شـد. مسـئله‌ی تفریغ بودجه و تشـخیص صحت و سـقم کاری کـه انجام گرفته، یکـی از مهم‌ترین

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.

ابزارهـای نظارتـی شماسـت؛ از این غفلـت نکنید[۱].

لزوم بررسی همه شرکت‌های دولتی توسط دیوان محاسبات

ایـن گزارش‌هـای تفریغ بودجـه در موعد خودش خیلـی زود و خوب انجام می‌شـود، این چیز بسیـار خوبی اسـت کـه اخیراً به بررسـی شـرکت‌های دولتی هـم پرداخته‌اند؛ ایـن باید ادامه پیدا کند. حالا برخی از شـرکت‌های دولتی مورد توجّه و بررسـی دیوان محاسـبات اسـت، اگر ایـن بـه همـه‌ی شـرکت‌های دولتـی تعمیم پیـدا کنـد - البتّه من حـالا یک فکری اسـت که دارم می‌گویم، روی آن بایسـتی بررسـی بشـود - و اگـر بتوانید این کار را بکنیـد، به نظر من این یکی از امتیـازات بزرگ مجلس شـما خواهد بود[۲].

لزوم چابک‌سازی و فعال‌شدن دیوان محاسبات

یک مسـئله‌ی دیگری که مورد توجّه بنده اسـت، مسـئله‌ی دیوان محاسـبات اسـت که خب بحمـدالله در ایـن سـال‌های اخیر دیوان محاسـبات چابـک، فعّال و خوب شـده؛ یعنی این گزارش‌هـای تفریـغ بودجـه در موعـد خـودش خیلـی زود و خـوب انجـام می‌شـود، این چیز بسیـار خوبی اسـت کـه اخیراً به بررسـی شـرکت‌های دولتی هـم پرداخته‌اند؛ ایـن باید ادامه پیدا کند. حالا برخی از شـرکت‌های دولتی مورد توجّه و بررسـی دیوان محاسـبات اسـت، اگر ایـن بـه همـه‌ی شـرکت‌های دولتـی تعمیم پیـدا کنـد - البتّه من حـالا یک فکری اسـت که دارم می‌گویم، روی آن بایسـتی بررسـی بشـود - و اگـر بتوانید این کار را بکنیـد، به نظر من این یکی از امتیـازات بزرگ مجلس شـما خواهد بود[۳].

لزوم احترام به سلایق و فعال‌نکردن گسل‌های جناحی کشور

امیدواریـم کـه خـدای متعـال بـه شـما توفیق دهـد. البتـه صحن مجلـس، معـاملات درون مجلـس بـا یکدیگر؛ یعنـی حرف‌زدن‌هـا، گفتگوها، مباحثـات، همان‌طور که امـام یک وقت

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

بـه نمایندگان مجلـس فرمودند «مباحثـه طلبگی»، هیچ اشـکالی ندارد. بگو بشـنوِ طلبگی، ایـن بگویـد، او رد کنـد؛ ایـن اسـتدلال کنـد، او جـواب دهـد. اینهـا هیـچ اشـکالی نـدارد. همچنانـی کـه ایسـتادن پای مسـئولیت سـوگندی که در بـرخورد با دولـت خوردیـد، در ارائه قوانیـن، در جـواب خواسـتن از دولـت؛ این‌ها هیچ اشـکالی نـدارد. این‌ها هـم خیلی خوب اسـت؛ اما باید مخلصانه باشـد؛ بایـد دور از جنجال باشـد؛ باید دور از روش‌هایی باشـد که حاکـی از بی‌صداقتـی و بی صمیمیتی اسـت[1].

یـک نکتـه‌ای کـه بایـد خیلی بـه آن دوسـتان توجّـه بکننـد: ببینید مـا در داخل کـشور یک گسـل‌هایی داریـم، گسـل‌های قومی داریم، گسـل‌های عقیدتـی داریم، سـنّی و شیعه داریم؛ مـثلاً فـرض بفرماییـد، گسـل‌های جناحی داریم - همیـن جناح‌هایی که هسـت که می‌بینید - ایـن گسـل‌ها تـا مادامی کـه فعّال نشـده، زلزله به وجـود نمی‌آید؛ اشـکالی هم نـدارد. بودن اختلافـات اشـکالی نـدارد. اگـر چنانچـه ایـن گسـل‌ها فعّـال شـد، آن‌وقـت زلزله بـه وجود می‌آیـد؛ سـعی دشـمن در فعال‌کـردن ایـن گسـل‌ها اسـت؛ حواسـتان باشـد. مرتّـباً دارند بر آتـش اختلافـات می‌دمنـد بـرای اینکـه آن را برافروخته‌تـر و مشـتعل‌تر بکننـد؛ سـعی کنیـد ایـن اتّفـاق نیفتد. ما عقیـده‌ات را داشـته باش؛ یکی جناح «الف»اسـت، یکـی جناح «ب» اسـت، یکـی جنـاح فلان اسـت، خب باشـند، اشـکالی هم نـدارد؛ اما اگـر چنانچـه این به یقه‌گیـری و کشـمکش زبانـی منجر شـد کـه کشـمکش زبانی هم گاهـی به کشـمکش یدی منتهـی می‌شـود - «فَإنَّ الحَـرب اوّله اللسـانُ»؛ همه‌ی جنگ‌هـا غالباً از زبان شروع می‌شـود - ایـراد دارد. خـب، مراقب باشید دشـمن این گسـل‌ها را فعّـال نکند. یکی از نقـاط مهم این اسـت هیچ اشـکال ندارد که شـما در مجلس در فلان قضیّه‌ی سیاسـی، طبـق همان نگاه و بینـش سیاسـی خـودت رأی بدهـی، دیگری هـم طبق سیاسـت خودش؛ امّـا این را بـه دعوا نکشـانید، بـه اخـتلاف نکشـانید، عین همیـن قضیّه را مـن بین دولـت و غیر دولـت قائلم؛ از جملـه دولـت و مجلـس، دولت و مـردم. ممکن اسـت مردم سیاسـت‌های یـک دولتی را قبول نداشـته باشـند - یا اغلبِ سیاسـت‌هایش را، یا همـه‌ی سیاسـت‌هایش را، یا بعضی از سیاسـت‌هایش را - اشـکالی ندارد. کیسـت که مخالف نداشـته باشد؟ کیسـت که معترض

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

و منتقد نداشته باشد؛ همه‌ی ماها مخالفینی داریم، معترضینی داریم، منتقدینی داریم؛ ایرادی هم ندارد. ایراد آنجایی است که این مخالفت به یقه گرفتن یکدیگر منتهی بشود؛ این را مراقب باشید که در مجلس انجام نگیرد؛ اگر در مجلس تشنّج به وجود بیاید - همچنان که در بعضی از دوره‌ها داشتیم که تشنّج در مجلس به وجود می‌آمد - این تشنّج سرریز می‌شود روی ملّت، در داخل مردم تشنّج ایجاد می‌کند؛ ولو از لحاظ روانی اگر در مجلس آرامش باشد، این آرامش سرریز پیدا می‌کند بر مردم و این آرامش خیلی مهم است؛ ﴿هُوَ الَّذی اَنزَلَ السَّکینَةَ فی قُلوبِ المُؤمِنینَ لِیَزدادُوا ایمانًا مَعَ ایمانِهِم﴾[1] خاصیّت سکینه این است؛ سکینه یعنی همان آرامش، آرامش روحی، طوفانی نبودن؛ این موجب می‌شود که «لِیَزدادُوا ایماناً مَعَ ایمانِهِم»، فرصت افزایش ایمان به انسان می‌دهد؛ این خیلی چیز مهم و با اهمّیّتی است. خب، دشمن در سطح افکار عمومی دنیا سعی می‌کند ایران اسلامی را متّهم کند، در سطح داخلی ما سعی می‌کند گسل‌ها را فعّال کند، در سطح منطقه - این منطقه‌ی غرب آسیا - سعی دشمن این است که نقشه‌های حسّاس و مهم خودش را برای این منطقه‌ی حسّاس پیش ببرد و مانع را - که عبارت است از ایران اسلامی که مانع از تحقّق نقشه‌های او است - خنثی کند؛ سعی دشمن این است. در مورد عراق این‌ها نقشه دارند، در مورد سوریه نقشه دارند، در مورد فلسطین نقشه دارند، در مورد لبنان نقشه دارند؛ نقشه‌های مشخّص. یک روزی از دهنشان در رفت، اسم خاورمیانه‌ی جدید و خاورمیانه‌ی بزرگ را آوردند؛ آن خانمی که رأس سیاست خارجی‌شان بود، آن سال‌ها گفت اشتباه کردند؛ امّا گفتند این به تعبیر آن‌ها «خاورمیانه» - که این تعبیر، تعبیر غلطی است و کاملاً از فکر و ایده و ذهن متکبّر غربی برمی‌خیزد، یعنی هرچه به غرب نزدیک است و به اروپا نزدیک است، این اسمش خاور نزدیک است؛ هرچه دور است، خاور دور است؛ هرچه وسط است، خاورمیانه است؛ یعنی معیار اروپا است، حالا آسیای به این عظمت معیار نیست - که آن‌ها حالا به تعبیر خودشان «خاورمیانه‌ی بزرگ» و «خاورمیانه‌ی جدید» گفتند، آن‌ها برای این منطقه برنامه دارند؛ علّتش هم این است که این منطقه بسیار حسّاس است از لحاظ مختلف؛ از لحاظ وجود مسلمان‌ها، وجود

---

۱. سوره فتح، آیه 4.

اسلام، از جهـات وجـود رژیم صهیونیسـتی، از جهـت وجود منابـع عظیم نفتـی در اینجا، از جهـت وجود آبراه‌های مهـمّ دنیا در اینجا - تنگه‌ی هرمز اینجا اسـت، تنگـه‌ی باب‌المندب اینجا اسـت، چند تنگـه‌ی مهم در این منطقه اسـت؛ این تنگه‌ها خیلی مهم اسـت در دنیا، از لحـاظ جغرافیـای سیاسـی بسیـار مهم اسـت، از لحاظ راهبـردی خیلی مهم اسـت - لذا روی ایـن منطقه حسـاس‌اند؛ برنامه دارند، نقشـه دارنـد؛ نقشه‌هایشـان را می‌خواهند بی‌مانع و بی‌دردسـر دنبـال کننـد جمـهوری اسلامـی حـالا وارد شـده و جلـوی نقشـه‌های این‌ها را گرفتـه؛ عراق را می‌خواسـتند ببلعنـد؛ جمهوری اسلامی نگذاشـته، اینها از ایـن ناراحت‌اند؛ نقشه‌هایشـان به هم خورد؛ این‌ها می‌خواسـتند عراق را ببلعند. عـراق خیلی کشور ثروتمندی اسـت؛ می‌دانید؟ عراق خیلی ثروتمند اسـت؛ این‌ها می‌خواسـتند عراق را ببلعند و با تسلّط بـر عراق، ایـران را دائماً تهدیـد کنند. همچنان که از شـرق، جور دیگری می‌خواسـتند تهدید کننـد؛ هدفشـان ایـن بود. سیاسـت‌های جمـهوری اسلامـی مانع شـده و نگذاشـته. خب، این‌هـا درصددنـد کـه این مانـع را برطرف کنند؛ شـبیه همین قضیّه در سوریّه اسـت، شـبیه ایـن قضیّـه در فلسـطین اسـت؛ سیاسـت‌ها این‌ها اسـت؛ مقابل این سیاسـت‌ها بایسـتی بِایسـتید. چهره‌ی اسـتکبار را افشـا کنید؛ حقایقـی را که در مورد اسـتکبار و نظام سـلطه در اختیار شـما قرار دارد یا قرار می‌گیرد افشـا کنید، بگویید؛ فضا درسـت کنید؛ در نطق‌هایتان، در موضع‌گیری‌هـای عمومی[1].

پرهیز از ایجاد اختلاف با استفاده نادرست از ابزارهای نظارتی مجلس

در مسـئله‌ی نظـارت هـم عـرض کردیم، نظـارت مجلس چیـز بسیار لازمی اسـت. حـالا یا با همیـن ابزارهـای نظارتـی مثـل دیـوان محاسـبات و از این قبیـل چیزهـا، یا خـود نمایندگان مسـتقیماً؛ مثـل سـؤال‌ها و تذکرهـا و از ایـن چیزهـایی که ابزارهـای نظارت مجلـس شورای اسلامـی اسـت؛ این چیـز خیلی لازم و خیلی مهمی اسـت؛ منتهـا این وسیله‌ای نباید بشـود بـرای معارضـه‌ی دو نیرو بـا یکدیگـر و بدانیـد - البته شـماها می‌دانیـد، این گفتـن ندارد - خیلی هسـتند که همتشـان این اسـت کـه بین قوای کـشور، بیـن جریان‌هـای تصمیم‌گیری

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶.

در کشور نزاع و اختلاف و دعوا ایجاد کنند. ایجاد شکاف و رخنه در بافت یکپارچه‌ی فرماندهی کلی کشور - یعنی همین مجموعه قوای سه‌گانه که دارند بر امور کشور فرماندهی و حکمرانی می‌کنند - یکی از آرزوهای بزرگی است که سال‌هاست برای ضربه‌زدن و شکست‌دادن جمهوری اسلامی، دشمنان جمهوری اسلامی دارند این نقشه‌اش را تعقیب می‌کنند البته یک‌وقت علناً این حرف را می‌گویند؛ مثل اینکه یک روز یادتان هست که بحث حاکمیت دوگانه را صریحاً مطرح می‌کردند دیگران می‌گفتند، یک عده‌ای هم اینجا طوطی‌وار آن‌ها را در داخل تکرار می‌کردند. اصل قضیه مال عناصر بیرون بود، داخل هم از روی غفلت - واقعاً باید گفت بیش‌ترین چیزی که بود، غفلت بود - همان‌ها را تکرار می‌کردند یک‌وقت هم نمی‌گویند، به زبان نمی‌آورند؛ مثل حالا که تصریح نمی‌کنند به این معنا، اما هدف این هست. ما توی این گزارش‌های خارجی، گزارش‌های مربوط به سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی، کارهایی که در بعضی از محافل نخبه‌ی سیاسی دنیا دارد می‌گذرد - که گزارش‌هایی می‌رسد - به‌خوبی رد پای این را داریم مشاهده می‌کنیم: بنا بر ایجاد اختلاف نباید بگذارید[۱].

یکی از چیزهایی که من واقعاً باید از برادران مجلس هفتم، بخصوص جناب آقای دکتر حداد عادل تشکر کنم - حالا آنچه که در بیرون منعکس است، ممکن است در مواردی جور دیگری باشد؛ اما ما در متن قضایا بودیم و حرف‌ها را از این طرف و از آن طرف می‌شنیدیم و تلاش‌ها را می‌دیدیم - این است که حقاً و انصافاً تلاش زیادی در مجلس هفتم می‌شد برای اینکه نگذارند بین دولت و بین مجلس اختلاف به وجود بیاید واقعاً تلاش و کار می‌شد.[۲]

دو عنصر نظارت و همکاری صمیمانه، در تعامل با قوای دیگر، باید دو بخش تفکیک‌ناپذیر باشند. مسئولیت نظارتی مجلس هرگز نباید به دست اهمال سپرده شود، اما هرگز هم نباید نظارت مجلس به معنای رقابت با دولت و نشنیدن نیازها و ضرورت‌ها

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
۲. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

و تنگناهـای آن شـمرده شـود. مـحور کار و عمـل در کـشور و نمـاد داخلـی و خارجـی نظام جمـهوری اسلامـی، عمدتاً قـوه‌ی مجریه اسـت. همه باید بـه آن کمک کنند و هـرگاه دولتی بانشـاط بیشـتر و همـت بالاتـر و ارزش‌گـرایی قوی‌تـر در صحنـه اسـت، ایـن کمـک بایـد مضاعـف گـردد. متقابلاً دولـت باید مجلـس قانون‌گـذاری را راهنمای عمل خـود بداند و به قوانیـن مجلـس، یکسـره پایبند باشـد و از آن تخلف نکند بر سـر دوراهی‌هـای اختلاف‌نظر، کارشناسـانی از دوطـرف، گـره را بگشـایند و راه درسـت را پیـش پـای هر دو طرف بـاز کنند. اکنـون کـه بحمدالله دولـت و مجلس را مردمـی مؤمن و انـقلابی و وفادار بـه ارزش‌ها و اصول اسلامـی، انباشـته‌اند باید ایـن تعامل برادرانه بـا رعایت حقـوق قانونی از هر دو سـو، بیش از همیشـه دیده شـود[۱].

در اقـدام به وظیفـه‌ی نظارتی، تأکید اینجانـب بر رعایت تقوا و انصـاف و اجتناب از حبّ و بغض‌های شـخصی و جناحی اسـت. نـه حقّی از مدیر و مجری خـدوم و زحمت‌کش ضایع شـود و نه اغماض و اهمـالِ بی‌مورد صورت گیرد[۲].

در مورد قانـون و اهمّیّـت قانون‌گذاری باید عرض بکنم درسـت اسـت که شـما برای مجلس دو شـأن قائلید، شـأن قانون‌گذاری و شـأن نظارت - به همان معنایی که «نظـارت» در قانون معنا شـده - امّا شـأن قانون‌گذاری خیلی بالاتر از مسـئله‌ی نظارت است[۳].

پرهیز از افراط در بکارگیری ابزارهای نظارتی

از ناحیـه‌ی مجلس، افـراط در به‌کارگیـری ابزارهای نظارتـی. خب بله، شـما ابزارهای نظارتی داریـد؛ از سـؤال و تذکّـر، تا اسـتیضاح خب، این‌هـا به‌جای خـودش باید بـه کار برود، این‌ها ابزارهـای مجلس اسـت؛ مجلـس چاره‌ای نـدارد، برای اداره‌ی کـشور به این‌هـا احتیاج دارد؛ امـا افـراط در به‌کارگیـری این‌ها نه. وزرا در دولت‌هـای مختلف مکرّر پیش بنـده آمده‌اند و از تعداد سـؤال‌هایی که از این‌ها می‌شـود شـکایت کرده‌انـد؛ می‌گویند اصلاً وقت ما بیشـتر به

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۳/۰۷.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

پاسـخ بـه این سـؤال‌ها می‌گذرد کـه باید یا برویـم کمیسیون، یـا برویم صحـن مجلس جوابِ سـؤال بدهیـم یا مثلاً فـرض بفرمایید وزیـر از مجلس رأی اعتمـاد گرفته، چند ماه بعد - سـه مـاه بعـد، چهار ماه بعد - همین وزیر اسـتیضاح بشـود! خب اسـتیضاح برای چـه؟ مگر در یـک وزارتخانـه در سـه ماه چـه‌کار می‌شـود کرد که اگـر نکـرد، آدم اسـتیضاحش بکند؟ این افـراط در به‌کارگیـری ابزارهـای نظارتی اسـت یـا از این قبیل چیزهـایی که تکـرار نکنیم بهتر است[1].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

فصل پنجم
توصیه‌هایی برای سال آخر دوره مجلس

سال آخر، سال حسّاسی است. حالا بعداً ممکن است یک کلمه‌ای هم راجع به این سال آخر عرض بکنم. یکی از گرفتاری‌های کشور، سال آخر مجالس است که در شرف انتخابات و نگاه مردم و مانند این چیزها است. غرض، این نقاط قوّت خودتان را در این سال آخر ادامه بدهید؛ سالم وارد شدید، سالم خارج بشوید «رَبِّ اَدخِلنی مُدخَلَ صِدقٍ وَ اَخرِجنی مُخرَجَ صِدق» این‌جوری باشد ان‌شاءالله؛ از کار، آنچه برای انسان می‌ماند این است. این که حالا ما دوره‌ی بعد هم انتخاب بشویم یا نشویم، این‌ها مسائل دنیایی است؛ مسائل درجه‌ی چندم است. اصل قضیّه این است که چه ما بعداً به مجلس بیاییم چه نیاییم، کاری که تا الان کردیم موردقبول خدای متعال قرار بگیرد؛ اصل قضیّه این است[1].

سه سال گذشت؛ این سه سال - همین‌طور که جناب آقای حداد از قول این حقیر نقل کردند - زمان کم و زمان کوتاهی نبود؛ لکن همین زمان‌های زیاد، به چشم بر هم زدنی می‌گذرد و تمام می‌شود؛ انسان تا به خود می‌آید، می‌بیند گذشت. عمر هم همین‌طور است. انسان وقتی به هفتاد سال و سنین بالا هم می‌رسد - حالا که الحمدلله خیلی از شماها جوانید - می‌بیند با چشم بر هم زدنی همه چیز گذشته و از این راه طولانی عبور کرده. این یک سال آخر هم باز با چشم بر هم زدنی خواهد گذشت. برای ما چه می‌ماند؟ کاری که در این یک سال انجام بدهیم و آن مضمونی که در این جدول و خانه‌های یک‌ساله بگنجانیم؛ مثل این حروف مقطعه‌ای که در جدول می‌گنجانیم تا یک جمله‌ی تمام و یک سخن درست از او در بیاید. نگاه کنیم، ببینیم ذره‌ذره‌ی کاری که در این مدت انجام خواهیم داد، چگونه است؟ چیست؟ با چه نیتی است؟ در کدام جهتی است؟ از پیش بدانیم چه می‌خواهیم و برای آنچه که می‌خواهیم، تدبیر لازم را انجام بدهیم. البته یک سال، زمان کمی هم نیست و زمان زیادی است. در این یک سال خیلی کارهای بزرگی می‌شود انجام داد که بعد به آن‌ها اشاره‌ای خواهم کرد[2].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳،

۲. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸،

یک نکته‌ای هم، هم خطاب به شما عرض می‌کنم، هم به دولتی‌ها؛ مجموعاً توجّه کنید. سال آخر دولت‌ها معمولاً سال حسّاسی است. خب تجربه‌ی بنده دیگر زیاد است در این زمینه. سال چهارم دولت‌ها، بخصوص اگر سالِ چهارمِ دوّم باشد، سال بسیار حسّاسی است و معمولاً در این سال اگر چنانچه مراقبت نشود، کارها سست خواهد شد. اوّلاً همه‌ی دولت‌ها موظف‌اند تا روز آخر تلاش کنند و کار کنند؛ تا لحظه‌ی آخر. بنده اعتقاد راسخ دارم که دولت‌ها بایستی تا آخرین روز مسئولیتشان تلاش کنند و کار کنند و وظایف خودشان را انجام بدهند، بعد امانت را به دولت بعدی تسلیم کنند، البتّه عقیده‌ام این است که با صورت‌وضعیّت؛ مثل مهندسی که وسط کار، بنا را به یک مهندس دیگری تحویل می‌دهد و صورت‌وضعیّت می‌دهد؛ این کاری است که انجام گرفته، این وضعی است که الان موجود است. بایست تا روز آخر مشغول کار باشند. در این شرایطِ حسّاسِ سالِ آخریِ دولت که سال اوّل شروع کار شما و فعالیّت شما است، بایستی هر دو - هم دولت، هم مجلس - سعی کنند فضا را به نحوی مدیریّت کنند که به کار لطمه نخورد. مراقبت بشود؛ جوری مدیریّت کنید فضا را که به کار مهمّ کشور هیچ‌گونه لطمه‌ای وارد نشود[1].

عدم تفاوت سال آخر با سال‌های دیگر

خوب، بحمدالله حالا مجادلات بیخودی و پوچ در مجلس نیست. امروز بحمدالله مجلس به این مسائل توجّه دارد. وقت مجلس باید به طور کامل صرف شود؛ زیرا به همین خاطر است که نماینده، نماینده است. خوب؛ این هم البته در دنباله این قضیه است که تا آخرین روز نمایندگی، شما نماینده هستید. سال آخرِ نمایندگی، با سال اوّل هیچ فرقی ندارد. حالا ما وارد سال آخر می‌شویم. جلسات سال آخر هم باید از همه جهت، مثل جلسات سال اوّل باشد. انسان باید با خدا معامله کند و خدای متعال هم آنچه را که مصلحت است تأمین می‌کند. حالا اگر خیلی هم دلمان بخواهد نماینده شویم، بالاخره باز هم سروکار با خداست و او بهتر از دیگران می‌تواند این کار را صورت دهد و به انجام

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲،

رساند[۱].

سال آخر مجلس؛ سال پاسخگویی مخصوصاً در پیشگاه خداوند

خب، سه سال از دوران این مسئولیت و این فرصتی که شما داشتید گذشت؛ این آخرین دیدار این حقیر با مجموعه‌ی مجلس شما است - چهارمین دیدار است و آخرین دیدار - یعنی یک سال دیگر شما بیشتر وقت ندارید، بیشتر فرصت ندارید برای انجام خدمت. سه سال فرصت بود؛ این سه سال فرصت تمام شد، حالا دوران پاسخگویی شروع شد. وقتی که کاری را به انسان محوّل کردند، تمام شد و بیرون آمد، حالا باید بگوید که چه‌کار کرده؛ مسئولیتِ سنگین این‌طور است. سؤال، نه سؤال مردم، آن را انسان یک جوری می‌تواند رفع و رجوع کند؛ نه، سؤال ملأاعلی، سؤال کسانی که ﴿لا یعزُبُ عَنهُ مِثقالُ ذَرَّةٍ فِی السَّماواتِ و لا فِی الاَرض﴾[۲] سؤال آن کسی که بر دل‌های ما هم حاکم است، عالِم است، چه برسد بر عمل‌های ما؛ این شروع می‌شود؛ باید خود را آماده کرد برای پاسخگویی؛ خودمان را باید آماده کنیم برای پاسخگویی؛ تلاش کنیم. حالا بالاخره خدای متعال هم «غَفورٌ رَحیم» است لکن این غفران و رحمت، برای تنبل‌ها، برای بی‌اعتناها، برای لاابالی‌ها خیلی بعید است؛ برای کسی است که زحمت بکشد، تلاش کند. بالاخره

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل که گر مراد نجویم به‌قدر وسع بکوشم

این یک سال را مغتنم بشمرید؛ یک سال دیگر از این فرصت هنوز باقی است؛ نمی‌دانید و نمی‌دانیم که آیا این فرصت بار دیگر نصیب بنده و شما خواهد شد یا نه؟ این یک سالی که حالا فرصت هست - به‌حسب ظاهر فرصت هست؛ حالا اجل هم که دست خدا است - مغتنم بشمریم، تلاش کنیم، کار کنیم، زحمت بکشیم. با همین معیارها، با همین میزان‌ها، با میزان رعایت حقّ الهی، لسان صادق، نظر حق، دل شائق، با این میزان‌ها حرکت بکنیم[۳].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.
۲. سوره سبإ، آیه ۳.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.

بحمدالله در این سه سال هم کارهای خوبی انجام گرفته است که رئیس محترم مجلس در گزارششان - در همین سخنرانی امروز - بیان کردند؛ قبلاً هم من گزارش مکتوب را دیده بودم؛ کارهای خوبی انجام گرفته است که ان‌شاءالله با نیت صادق و صالح و با نیت قربت انجام گرفته باشد، قطعاً مقبول درگاه الهی است و امیدواریم که ان‌شاءالله کارهایی که کردید، قرارهایی که گذاشتید، قوانینی که به نفع مردم، به نفع کشور، به نفع اسلام و مسلمین گذراندید، قوانین ماندگاری باشد، عمل بشود، اثر خودش را در جامعه ببخشد؛ مردم آثار کار شما را ان‌شاءالله حس کنند. این آن امیدی است که ما داریم. اصل عرایض ما همین‌هایی بود که عرض کردیم؛ یعنی در واقع به زبان نصیحتِ به شما، بنده خودم را نصیحت کردم که شاید ان‌شاءالله دل ما تحت‌تأثیر این حرف‌ها قرار بگیرد و بتوانیم کاری که باید بکنیم انجام بدهیم[1].

تعیین اولویت‌ها و اهم‌ها و دنبال‌کردن آن‌ها در سال آخر مجلس

آنچه که به نظر من می‌رسد که در این یک سال انجام بگیرد - با این تصور که چون شما یک سال دیگر هم فرصت دارید که برای مردم در قواره‌ی مجلس شورای اسلامی کار کنید، باز همین یک سال هم فرصت مهمی است - این است که نگاه کنید و ببینید اولویت‌ها و اهم‌ها چیست و با جدیت دنبال آن بروید. البته یک فهرستی هم رئیس محترم مجلس چندی پیش به من ارائه کردند که پانزده، شانزده مورد در آن نوشته شده بود؛ خوب بود؛ البته بنده نه تعیین می‌کنم و نه ترجیح می‌دهم، شما خودتان می‌دانید. تعدادی از چیزهایی را که واقعاً برای کشور مهم و اساسی و ماندگار است، یا فوری و فوتی است - و لو خیلی اساسی نیست، اما برای وضع کنونی از یک‌فوریتی برخوردار است - انتخاب کنید و بدون نگاه به مسائل خاصی که ممکن است برای هر کسی پیش بیاید - مسائل جناحی و شخصی و غیرذلک - آن‌ها را دنبال کنید. این یک سال، می‌تواند سال بابرکتی باشد[2].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶،

۲. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸،

تکمیل لوایح و طرح‌ها و ناقص نگذاشتن آن‌ها در سال آخر مجلس

توصیه‌ی آخر هم این است که شما امسال یعنی تا سال آینده - حالا انتخابات آخر سال است؛ اما همین ماه‌های پیش‌رو که در پیش دارید و مهم هم هست - کارهای بزرگی در مقابلتان هست: یکی‌اش برنامه‌ی هفتم است؛ یکی‌اش همین مسئله‌ی شعار سال است؛ مسئله‌ی مهار تورّم و رونق تولید؛ این‌ها کارهای بسیار مهمّی است. یکی این لوایح نیمه‌کاره مانده است که اشاره کردند که بعضی از لوایح یا طرح‌ها در جریان تصویب است، و هنوز تصویب نشده؛ خب این‌ها به جایی برسد، به یک نقطه‌ای برسد. بالاخره این سال آخر یک فرصتی است که انسان نگاه کند پشت سرش؛ اگر چنانچه در این دو سه سال گذشته یک خلأیی باقی‌مانده، یک قصوری انجام گرفته، آن را در این سال آخر ان‌شاءالله جبران کنید و همان‌جور که سرافراز وارد مجلس شدید، ان‌شاءالله سرافراز از مجلس خارج بشوید[1].

پرهیز از دچار بی‌حوصلگی شدن و تأثیر در برنامه ششم در سال آخر

مراقب باشید به خاطر انتخابات آخر سال در اسفند، این ده ماهی که باقی‌مانده، مجلس دچار رکود و کم‌کاری نشود. بیم آن هست که توجه دوستان و نمایندگان محترم به حادثه‌ی دوازده اسفند آینده موجب بشود که همه‌ی کارهای لازمِ فاصله‌ی بین امروز و دوازده اسفند تحت‌الشعاع قرار بگیرد. خواهشم این است که این اتفاق نیفتد. من در همه‌ی دولت‌ها این سفارش را به دولتی‌ها می‌کردم که مراقب باشید سال آخر سست نشود. این در مورد مجلس اهمیتش بیشتر است، چون خطرش بیشتر است. سال آخر برای دولتی‌ها فقط همین است که سال آخرشان است؛ خودشان تلاش و تحرکی برای تداوم مسئولیت نمی‌توانند داشته باشند؛ اما نماینده‌ی مجلس چرا، می‌خواهد تلاش کند، چه کند. این تلاش نبایستی وظیفه‌ی امروز را - که وظیفه‌ی نقد و لازمی است - تحت‌الشعاع قرار بدهد. من جداً درخواستم از برادران و خواهران این است که این را رعایت کنند[2].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳،

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸،

توصیه‌ی دوّم مربوط به برنامه‌ی ششم است؛ برنامه‌ی ششم - که سیاست‌هایش در مراحل نهایی است و ان‌شاءالله به‌زودی به دستگاه‌های مختلف ابلاغ خواهد شد - با دقّت مورد توجّه قرار بگیرد. سال آخر مسئولیت، معمولاً در بخشی از اوقات خود دچار آفت بی‌حوصلگی است - مخصوص شما هم نیست؛ دولت هم همین‌جور است - آن آخر کار، یک حالت بی‌حوصلگی بهشان دست می‌دهد؛ این آفت، دامان برنامه‌ی ششم را نگیرد. برنامه‌ی ششم مهم است؛ شما در برنامه‌ی ششم دارید برای پنج سال آینده‌ی کشور، قانون وضع می‌کنید، آن‌وقت ممکن است شما نماینده‌ی مجلس باشید، ممکن است نباشید، امّا قانونتان هست؛ دولت‌ها موظف‌اند از آن قانون تبعیت کنند، مردم متأثّر از آن قانون‌اند. این قانون را - قانون برنامه‌ی ششم را - با این نگاه تدوین کنید؛ در همه‌ی بخش‌ها: بخش‌های اقتصادی، بخش‌های فرهنگی، بخش‌های خدماتی، بهداشتی و درمانی، بخش‌های دفاعی و امنیتی، و امثال اینها دچار بی‌حوصلگی نشوید در تدوین قانون برنامه‌ی ششم[۱].

پرهیز از تأثیرگذاری عامل انتخابات در تغییر رفتار نمایندگان در سال آخر

یک توصیه مربوط به نحوه‌ی رفتار دوستان - آقایان و خانم‌ها - در این سال آخر است؛ مراقب باشید که عامل انتخاباتِ آخر سال، بر نحوه‌ی اقداماتی که در این سال می‌کنید، اثر نگذارد؛ این خیلی مهم است. کاری که انجام می‌دهید، حرفی که می‌زنید، تأییدی که می‌کنید، مخالفتی که می‌کنید، نطقی که می‌کنید، تحت‌تأثیر عامل انتخابات آخر سال نباشد؛ فرض کنیم چنین انتخاباتی وجود ندارد، معیار را همان حق قرار بدهید در این یک سالی که باقی‌مانده[۲].

پرهیز از جلب پشتیبانی منطقه‌ای برای رأی آوردن دوره بعد مجلس

سال آخر یکی از سال‌های امتحان است. من در اولِ این دوره به شما گفته‌ام - البته قبلاً به دوره‌های دیگر هم گفته‌ام - در مجلس، نباید نماینده‌ی فلان منطقه تصور کند که هنر

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶،
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.

نمایندگی او در این است که برای آن منطقه دائماً پشتیبانی جلب کند. اصلاً مسئله‌ی نماینده‌ی مجلس این نیست؛ نباید فکر کنیم که چون ما نماینده‌ی فلان شهر یا فلان استانیم، مرتب بایستی برای آن شهر یا استان امتیاز بگیریم. این یک میدان رقابتِ غلط و بی‌برنامه و نادرستی است که تبعات بدی هم دارد. شما درست است که از فلان نقطه‌ی کشور انتخاب شده‌اید، اما فقط نماینده‌ی آنجا نیستید؛ شما نماینده‌ی همه‌ی ملت ایرانید. شأن مجلس هم قانون‌گذاری است، نه گرفتن تسهیلات و کمک‌های عمرانی و غیره برای آن منطقه‌ی خود؛ به قانون اساسی هم نگاه کنید. شأن شما این است که قانون بگذارید؛ منتها قانونی بگذارید که آن‌قدر محکم و خوب و شامل باشد که منطقه‌ی شما را هم سیراب کند. این حالت گاهی در سال آخر تشدید می‌شود؛ حالا ما این را بی‌رودربایستی به شما عرض بکنیم؛ مراقب باشید؛ بنابراین سال آخر، سال امتحان الهی است. همیشه این‌طور بوده، حالا هم همین‌طور است. مراقب باشید[1].

پرهیز از نزدیک‌شدن به صاحبان قدرت و ثروت

یک مسئله‌ی دیگر هم نزدیک‌شدن به صاحبان قدرت و ثروت است؛ این را ما با شما بی‌رودربایستی عرض کنیم بالاخره ما برادرانِ هم هستیم؛ همدیگر را بایستی تواصی به حق و تواصی به خیر کنیم. این خیلی خطر بزرگی است که کسی به خاطر تأمین نمایندگی در یک دوره، نزدیک بشود به صاحبان ثروت یا به صاحبان قدرت؛ این خیلی چیز بدی است؛ این از آن چیزهایی است که خدای متعال از آن‌ها نمی‌گذرد و انتقام خواهد گرفت. این چیزها روی شخص، روی عاقبت - عاقبت‌به‌خیری که این‌قدر برایش اهمیت قائلیم - و روی جامعه اثر منفی می‌گذارد[2].

پرهیز از تأثیر وجاهت‌طلبی بر حرف‌ها و شعارها برای رأی آوردن

توصیه‌ی بعدی همین مطلب سال آخر است که قبلاً اشاره کردم. نگذارید وجاهت‌طلبی روی حرف‌ها و شعارها اثر بگذارد؛ یعنی اینکه حالا ما اگر چنانچه این حرف را زدیم، این

۱. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

شـعار را دادیم، مـردم به ما علاقه پیدا می‌کننـد، احتمال رأی‌آوری بالا مـی‌رود، این را به‌کل از ذهنتـان خارج کنیـد؛ این یکی از آن مجاهدت‌های مهم و لازم اسـت. ایـن هم یک توصیه[1].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

فصل ششم
شاخصه و ویژگی‌های ادوار مجلس

مجلس چهارم، امتزاج اخلاق و سیاست

امروز مـردم بحمـدالله از مجلـس شورای اسلامـی احسـاس آرامـش می‌کننـد. چقـدر خوب اسـت که وقتی رادیو را بـاز می‌کنند یا روزنامه‌هـا را می‌خوانند و از مذاکرات مطّلع می‌شـوند، در آن‌هـا چیـزی نیابنـد که مایه افسـردگی دل‌هـای بااخلاص باشـد و این از بـرکات مجلس چهـارم اسـت. امیدواریـم کـه ان‌شـاءالله روزبـه‌روز وضـع مجلـس در همیـن جهـت، بهتر و کامل‌تر شـود[1].

مـن چند خصوصیـت را در این مجلـس دنبال کـرده‌ام. البته بعضـی از آن خصوصیّات، در مجالـس گذشـته هـم بوده اسـت. خداونـد نماینـدگان دوره‌های قبـل را هم اجر عطـا کند و زحمـات و تلاش‌هایشـان را بـه فضل خـود مقبول قرار دهـد. بعضی از ایـن خصوصیّات هم، از انحصـارات ایـن مجلـس اسـت. این‌ها را عـرض می‌کنیم، تا هم مردم خوشـحال شـوند و حـس کنند که بحمـدالله، نمایندگان آن‌هـا چگونه عمل کرده‌اند و هم نمونـه‌ای برای کارهای ممتـازی کـه در یـک مجلـس شورای اسلامـی باید انجـام گیرد، باشـد. چند نکته اسـت که بنـده در نفـس و ذهن خودم، روی آن‌هـا خیلی تکیه دارم و به آن‌ها معتـزّ و مسرورم. یکی این اسـت که مجلـس چهارم، سیاسـت را بـا اخلاق ممزوج کرده اسـت و بحمدالله، سیاسـت را در جهـت ضدّاخلاقی نکشـانیده اسـت؛ لذا، شـما مشـاهده می‌کنید کـه در مجلس، درس اخلاق هسـت. مشـاهده می‌کنیـد کـه در موضع‌گیری‌های مجلـس - چـه موضع‌گیری‌های سیاسـی و مربوط به جناح‌های مختلـف فکری، چه موضع‌گیری‌هـای کاری مربوط به لوایح، طرح‌هـا و گفتگوهـای داخل مجلس و چـه موضع‌گیری در مقابل مسـئولین - از زبان نماینده مجلس، اشـاعه خلاف، گناه و ذکر سـوء نمی‌شـود[2].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۳/۰۳/۱۱،
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸

مجلس کوشا در راستای اهداف نمایندگی و نزدیک‌شدن به جایگاه حقیقی

خـدا را سپاسـگزاریم که از عمـر بابرکت مجلس چهارم، یک سـال مفید دیگر هم گذشـت و مـا مجـدداً این توفیق را پیـدا کردیم که دقایقی در خدمت مجموع شـما خواهـران و برادران - نماینـدگان عزیـز مجلس شورای اسلامـی - باشیم. نظر بنده درباره مجلس چهارم این اسـت کـه بحمـدالله تا این تاریخ، مجلس چهارم کوشـش بسیاری کرده اسـت که خـود را به اهداف والای نمایندگـی از ایـن ملـت عزیـز، بزرگ و عظیم‌الشّـأن، و جایگاه حقیقـی مجلس شورای اسلامـی - چـه آنچه که در قانون تصریح شـده اسـت و چه آنچه که لازمه آن هسـت - نزدیک کنـد و توفیق زیادی هم پیدا کرده اسـت[1].

غخئ . برادران و خواهران عزیـز نماینده و منتخبان و برگزیدگان این ملتِ بزرگ و هوشـمند؛ خیلـی خـوش آمدیـد. باید خـدای متعـال را سپاسـگزار باشیم کـه در نهایت لطـف و فضل خـود بر ایـن کشور و این ملت، انتخابات را تسـهیل و ملت عزیز و عظیـم را بر حضور در این میـدان امتحان تشویـق فرمود و آن‌ها را بـه گزینش‌های خوب و درسـت هدایت کرد.

مجلـس پنجم در شـرایطی تشـکیل شـد که دشـمنان ایـن ملت و ایـن کشور، بـا تنگ کردن دایـره حمله‌هـای تبلیغاتـی و سیاسـی خـود، بیـش از همیشـه می‌خواسـتند و می‌خواهنـد کـه جمـهوری اسلامـی را بـه نحـوی مورد تضعیـف و کید و مکـر خودشـان قرار دهنـد. آرزو می‌کردند که این مجلس، سـر وقت تشـکیل نشـود، یا حـضور مردم در انتخابـات آن، حضور چشـمگیری نباشـد، یا در مراحل انتخاب نمایندگان، درگیری‌هایی میان مردم، میان خواص و میـان طـرف‌داران چهره‌هـای مـعروف واقـع شـود و یـا فضای کـشور بـه خاطـر انتخابات، تیره‌وتـار گـردد و جوّ کینه‌ورزی نسـبت بـه یکدیگر، راه را بـر بصیرت‌هـا و دلسوزی‌ها ببندد. این‌هـا آرزوهای دشـمن بـود. با همـه وجود باید خـدای متعال را شـکر کنیم کـه هیچ یک از این‌هـا تحقّق پیدا نکرد. مردم از همیشـه بیشـتر شـرکت کردند و با وجود حـضور جناح‌های فکـری و سـلیقه‌ای مختلف، میدان انتخابـات، میدانی پاک و بـدون گردوغبارهای معمولی انتخابـات گوناگـون در دنیـا انجام گرفـت. در آن جایی که آحـاد و خواص مـردم و گروه‌های

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸

حزبی ادّعـا می‌کننـد که از تمدّن و نزاکت برخوردارند، ملاحظه می‌کنید و می‌شـنوید که مردم بـه خاطـر انتخابات، با سـاطور به جـان یکدیگر می‌افتند! قتل‌ها می‌شـود، تشـنج‌ها صورت می‌گیـرد و کشورهـا تا مدّتـی، رهین حـوادث انتخابات می‌شـوند. در کشور ما بحمـدالله این امتحـان الهـی به بهتریـن وجهی انجام گرفـت و مردم از ایـن امتحانْ سربلنـد بیرون آمدند و یک‌بـار دیگـر نظـام مقـدّس اسلامی ثابت کـرد و نشـان داد کـه کارایی اداره کـشور، همراه با نظـم و انضبـاط و خویشـتن‌داری افـراد و به‌کارگیری حدّاکثـر فکر و حوصله و منش انسـانی و بزرگوارانه را داراسـت.[۱]

مجلس به تمام معنا مردمی

مجلـس، بحمـدالله مجلـسِ خوبی اسـت. تقریـباً می‌شـود گفـت کـه مجالـس قبلـی ما هم بـه طور عمـوم یـا اغلـب، ایـن‌طور بـوده اسـت. مـن بـه ترکیـب مجلـس کـه نـگاه می‌کنم، می‌بینـم کـه در آن ترکیب‌هـای خوبی دور هم نشسـته‌اند: انسـان‌های مؤمن، انسـان‌هایی از طبقات متوسّـط مردم، بدون وابسـتگی‌های اشـرافی و بدون وابسـتگی‌های ناسـالم سیاسی جناح‌هـای سیاسـی‌ای هم کـه در بین بـرادران و خواهران ماسـت، اگر چه یک دسـته‌بندی اسـت و نمی‌خواهیـم جلوِ ایـن معنا گرفته شـود - بالاخره هـر گروهی شـعاری دارند و حرفی می‌زننـد - امـا اگـر بـه حـاقّ واقع نـگاه کنید، همـه یکی هسـتند و یـک چیـز می‌خواهند و یـک‌طور می‌اندیشـند. اگر فرض کنیـم افـرادی از این مجموعه، شـاذّ و بیرون باشـند، بسیار بسیـار کـم و نادرنـد که مـن بعید هـم می‌دانـم چنین چیزی وجود داشـته باشـد[۲].

خوشـحالیم کـه بـه فضل پروردگار، مجلسـی بـه تمام معنـا مردمی - کـه آیینـه‌ای از افکار و سلایـق و گرایش‌هـا و خواسـت‌های ملت ایران اسـت - داریـم. همان‌گونه کـه رئیس محترم مجلـس، جنـاب آقای ناطق نوری اشـاره کردند، من هم تصدیق می‌کنم کـه مجلس در زمینه وظایـف خود، چـه رسیدگی به طرح‌ها و لوایـح و تهیه قانون‌های لازم بـرای اداره کشور، چه در زمینه مسـائل کلّی کشور، مسـائل سیاسـی، موضع‌گیری‌هـای بین‌المللـی و جهانی، و چه در

۱. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹،
۲. بیانات در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

سایر مسئولیت‌های بزرگی که بر دوش آن است، فعال است. من از یکایک شما عزیزان، مخصوصاً از شخص جناب آقای ناطق نوری، مدیر و رئیس محترم مجلس تشکّر می‌کنم. امیدوارم که همیشه همین‌طور باشید، در همین جهت حرکت کنید و مسئولیت‌های عظیمِ متوجّه به مجلس شورای اسلامی را به چشم اعتبار نگاه کنید؛ هم همکاری با دولت، هم نظارت بر امور کشور، هم تهیه قوانین که برای اداره کشور، ابزارهای لازم در دست دولت است و نیز بقیه‌ی چیزهایی که بر عهده شماست. بحمدالله به خاطر همین وضع خوبی که در مجلس هست و همین مدیریّت قوی و سالمی که وجود دارد، مجلس مایه آرامش برای مردم است؛ مایه تشتّت آراءِ مردم و مایه تشنّج نیست. نطق‌ها، حرف‌ها، گفته‌ها و موضع‌گیری‌ها در مجلس، می‌تواند در مردم آرامش ایجاد کند - که بحمدالله امروز این‌طور است - و می‌تواند در مردم ایجاد اضطراب کند که بحمدالله این‌گونه نیست. به هر حال، این از افتخارات ماست[1].

مجلس ششم؛ تلاشمندی دشوار

به همه شما برادران و خواهران به‌خاطر تلاش‌هایی که در مجلس شورای اسلامی و به اقتضای مسئولیت نمایندگی می‌کنید - که بخشی از آن‌ها را جناب آقای «کرّوبی» امروز در صحبت‌هایشان بیان کردند - خسته نباشید عرض می‌کنیم. از شخص جناب آقای کرّوبی، هم به‌خاطر تلاش دشواری که در مسئولیت مدیریّت مجلس دارند و زحماتی که این مدیریّت بر ایشان تحمیل می‌کند، صمیمانه تشکّر می‌کنیم و به ایشان هم خسته نباشید عرض می‌گوییم[2].

از تحریم انتخابات تا کارهای مغایر اصول نظام

شرائطی که قبل از پدیدآمدن این مجلس (هفتم) به وسیله‌ی بعضی اشخاصی که از روی غفلت، کارهایی انجام می‌دادند به وجود آمده بود - رفتن به سمت تحریم انتخابات، رفتن به سمت استعفای نمایندگان، اعتصاب در مجلس، مقابله‌ی مجلس - چیزهای بد

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۶/۰۳/۰۷.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷.

و عجیبی بود و صدای عمومی مجلس، با خیلی از مبانی و اصول نظام مغایرت داشت. در یک چنین فضایی، این مجلس روئید[۱].

مجلس هفتم؛ دارای رویکرد ارزشی

همچنین لازم است که به اقتضای قدرشناسی و انصاف، از عموم نمایندگان مجلس هفتم به‌ویژه از رئیس فرزانه و پرتلاش و بُردبار مجلس جناب آقای دکتر حداد عادل و هیئت‌رئیسه محترم آن تشکر کنم. مجلس هفتم با رویکرد ارزشی و شجاعانه‌ی خود در مسائل جهانی و ملی، و با دفاع از حقوق ملت در برابر بیگانگان، و با تلاش در راه رفع مشکلات مردم و با حرمت‌نهادن به آرامش فضای سیاسی و پرهیز از آشفته‌سازی و جنجال‌آفرینی، کارنامه‌ی تحسین‌برانگیزی به‌جای گذاشت[۲].

آنچه که در مورد این دوره‌ی از مجلس این حقیر می‌توانم عرض بکنم و جمع‌بندی‌ای که تا امروز از این مجلس، فی‌الجمله در ذهن هست - به عنوان یک شاهد و یک ناظر که در بعضی از این مجالس متعدد، اندکی بودیم و بقیه را هم از نزدیک شاهد بودیم و با آن‌ها تعامل داشتیم - به نظر من مجلس خوبی است و جزو دوره‌های خوب مجلس محسوب می‌شود. این مجلس، از جهتی یک خصوصیتی دارد و آن این است که این ترکیب - ترکیبی که بعضی از جهات کلی و خطوط اصلی آن را عرض خواهم کرد - در یک فضای نامناسب روئید؛ مثل گیاه یا درختی که از میان سنگلاخ برویَد «ألا و إنّ الشّجرة البرّیّة أصلب عوداً و أبقی وقوداً»[۳]؛ درختی که در میان سنگ می‌رویَد، هم محکم‌تر و استوارتر است و هم آن وقتی که او را تبدیل به آتش کردند، آتش ماندگارتری دارد و اثرش برای مدت‌ها می‌ماند؛ مجلس شما این‌گونه است[۴].

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.
۲. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.
۳. نهج‌البلاغه، نامه ۴۵.
۴. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.

دارای اهتمام به طبقات ضعیف و موضع‌گیری سیاسی خوب

مجلس را که کسی نصب نمی‌کند؛ مجلس را مردم انتخاب می‌کنند؛ معنایش این است که دل این ملت برای همان چیزی می‌تپد که کسانی برنامه‌ریزی کرده بودند که آن را قلعِ ماده کنند؛ دل این ملت برای اصول اسلامی می‌تپد. نمی‌خواهیم ادعا کنیم که همه‌ی آحاد ملت جزو مقدسینِ درجه‌ی یک‌اند؛ اما می‌خواهیم ادعا کنیم که آن‌هایی هم که در عمل جزو مقدسین درجه‌ی یک نیستند، برای اسلام و برای ارزش‌های اسلامی و برای ارزش‌هایی که این انقلاب به این کشور داد، اهمیت قائل‌اند و طعم آن‌ها را چشیده‌اند. حافظه تاریخی این ملت، نمی‌تواند آن دورانی را که این کشور بزرگ و این ملتِ تاریخی، بازیچه‌ی دستِ استعمارگران و بازیگران صهیونیست شده بود، فراموش کند؛ می‌خواستند اقتصاد او را، فرهنگ او را، دل مردم را، جهت زندگی مردم را، پوشش مردم را، عقاید مردم را، دست‌مایه‌ی بازی خودشان قرار بدهند؛ اهانتی از این بزرگ‌تر به این ملت متصور نبود. فقر بود، تبعیض بود، زورگویی بود، ظلم بود؛ در عین حال، همه‌ی این‌ها با اهانت به مقدسات بود، با جهت‌گیری‌های ضداسلامی و قرآنی و دینی بود؛ با کشاندن مرد و زن به سمت منجلاب فساد بود. حافظه‌ی این ملت، آن دوران را فراموش نخواهد کرد. اگر فرض کنیم در زمان حاضر، اکثر افراد ملت، آن دوران را با پوست و گوشتشان لمس نکرده‌اند - چون جوان‌اند؛ البته ماها لمس کرده‌ایم - اما یک ملت چیزهایی را در ذهن و حافظه‌ی خود نگه می‌دارد و آن‌ها به معارف آن ملت، فهم آن ملت و بصیرت آن ملت تبدیل می‌شود. ملت این اصول را دوست دارد.

از این خواست ملت، این مجلس جوشید. شما هم در تبلیغات انتخاباتی‌تان غالباً بر روی اصول اسلامی، پایبندی به ارزش‌ها، مبارزه‌ی با فساد، کار برای طبقه‌ی محروم، تلاش برای حفظ استقلال و عزت ملی، تکیه کردید. مردم هم از این شعارها و حرف‌ها استقبال کردند و رأی دادند و این مجلس تشکیل شد. این یک پدیده است و به یک مقطعی در تاریخ کشور تبدیل می‌شود. تاریخ، بی‌رحم است. آیندگان نگاه می‌کنند، قضاوت خواهند کرد و نظر خواهند داد و این مقطع یکی از آن مقاطع بسیار حساس و مهم بود.

هویت مجلس شـما این اسـت.

بر مبنای همین هویت و در امتداد این شـعارها، خطوط اساسـی و خوبی هم - حقاً و انصافاً - تعقیب شـد؛ نه دوسـتان شـما - طرف‌داران مجلس - و نه دشـمنان شـما نمی‌توانند منکر آن‌هـا بشـوند. مجلس نشـان داد که به طبقـات ضعیف در جامعـه اهتمام مـی‌ورزد؛ برای او مسـئله‌ی اساسـی، جبران ضعـف طبقات ضعیف و مردمـان فقیر و دورمانـدگان از بسیاری از امتیـازات اسـت؛ بـه ایـن توجه نشـان دادیـد - هـم در گفته‌ها گفته شـد، هـم در برخی از قوانیـن منعکس شـد - کـه بسیار مهم و خـوب بود. در زمینـه‌ی سیاسـت‌های اصل چهل و چهـار - کـه می‌توانـد یک حرکت عظیـم اقتصـادی در کشور بوجـود بیاورد - مجلس پاسـخ خوبی داد. همین کمیسیون ویژه‌ای که اشـاره کردند، تشـکیل شـده و دارد خوب کار می‌کند. منتهـا بایـد مجلـس و همـه‌ی نماینـدگان از آن حمایـت کنند و این‌کـه فقط چنـد نفر - که عضـو آن کمیسیون هسـتند - دنبـال کنند، کافی نیسـت. پیش بروید و یـک قانون محکم و قـوی بوجود بیاورید تا یادگاری شـما بـرای کشور بمانـد. از جمله‌ی نقاط قـوّت بسیار بارز در ایـن مجلس، مواضع محکـم و اصولی در مسـائل بین‌المللی و در مواجهه‌ی با اسـتکبار بود. خیلـی بد اسـت کـه دشـمنانی که با یـک ملت، بـا جهت‌گیـری یک ملـت و بـا اصول یک ملـت مخالف‌انـد، ناگهـان از دل تشـکیلاتِ مدیریت کشور، یـک چراغ‌سـبز و یک علامت موافقتـی دریافـت کنند! خیلی خجالت‌آور اسـت و انسـان احسـاس خفّـت می‌کند. منطق مـا در مقابلـه‌ی بـا دسـت‌اندازی‌های امریـکایی، منطق ضعیفی نیسـت. منطقی اسـت که اگـر بـرای همـه ملت‌هـای دنیا تبیین بشـود، بـا همـه‌ی دل بـه آن می‌گروند. ما حـرف زوری نمی‌زنیـم؛ حـرف خلاف متعارفی نمی‌زنیم. مـا می‌گوییم یک ملت و یک کـشور، نمی‌خواهد اجـازه بدهـد کـه یک قـدرت، یـک امپـراطوری متجـاوز، مدعـی و طلبـکار از همـه دنیا، به منابـع او دسـت بینـدازد، بـه منابع انسـانی او دسـت بینـدازد، سیاسـت او را تعییـن کند و از او سـلب اختیـارات کنـد. می‌گوینـد: فلان کار را بکنیـد، فلان کار را نکنیـد، فلان چیـز را بفروشیـد، فلان چیـز را بخریـد، این کار را بـرای حکومتتان بپذیریـد، آن را نپذیرید: این کاری اسـت کـه الان آمریکایی‌هـا در خیلی از جاهـای دنیا دارنـد می‌کننـد. در متصرفات شوروی

سابق مکرر کردند؛ در منطقه‌ی خاورمیانه ده‌ها سال است دارند می‌کنند؛ در آسیا و در خیلی از کشورها دارند می‌کنند. ایران گفت ما نمی‌خواهیم شما در کار ما دخالت کنید؛ می‌خواهیم خودمان تصمیم بگیریم. این حرف بدی است؟ ملت ایران در مواجهه‌ی روبه‌رو و آشکار با استکبار، می‌گوید شما چرا دم از حقوق بشر می‌زنید و این‌جور آشکار و فاضح حقوق بشر را در همه‌جا - در عراق، در افغانستان، در آفریقا، در کوزوو، حتّی در خود امریکا - نقض می‌کنید؟ این حرفی نیست که ملت‌ها این را نفهمند. شما ببینید، امروز مسئولین کشور - رئیس‌جمهور یا مسئولان بلندپایه‌ی دیگر - به هر کشوری که سفر می‌کنند، اگر بتوانند در بین دانشگاهی‌ها، در بین روشنفکرها یا در بین توده‌ی مردم حضور پیدا کنند و حرفی بزنند، با پاسخی از اعماق دل آن‌ها مواجه می‌شوند. برای چیست؟ قبلاً هم همین‌جور بود: سفر بنده به پاکستان، سفر آقای هاشمی به آفریقا و سفرهای آقای خاتمی به بعضی نقاط دیگر. امروز رئیس‌جمهور ما به هر کشور اسلامی‌ای که می‌رود، اگر به مردم میدان بدهند و اجازه بدهند، به‌خاطر مواضع قاطعی که از ایشان شنیده‌اند، با گرمی بیش از حد استقبال می‌کنند. اینها معنایش این است که ملت‌ها - بخصوص دنیای اسلام - این حرف‌ها را می‌پسندند.

حالا ما به عنوان یک دولت، یک ملت، یک کشور، به‌صورت یکپارچه و یک تشکیلات حکومتی - نه به‌صورت یک گروه یا حزب معترضِ مسلح یا غیرمسلح در یک گوشه‌ی دنیا - ایستاده‌ایم و داریم این حرف‌ها را می‌زنیم و همه‌ی دنیا هم ما را به‌خاطر این ایستادگی تحسین می‌کنند؛ ولی ناگهان از وسط جبهه‌ی ما - به‌خصوص از چادر و خیمه‌ی فرماندهی نظام - یک علامتی داده بشود که ما با شماییم! ﴿یاایّها الّذین امنوا لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم اولیاء تسرّون الیهم بالمودّة﴾[1]

این مجلس در موضع رفیع و والای مجلسِ قانون‌گذاری ایستاد و در همه‌ی ماجراها و فراز و نشیب‌ها، این موضعِ ضداستکباری خودش را علناً، با صراحت، با وضوح و با منطق، بیان کرد. منطق و استدلال هم بر سخنان و رفتار او حاکم بود. این خیلی باارزش است

۱. سوره ممتحنة، آیه ۱.

و نمی‌شود آن را ندیده گرفت. دوستان شما هم این را قبول دارند، دشمنان شما هم این را قبول دارند. این هم یکی از آن خطوط اساسی افتخارات شماست که در محاسباتتان، باید شکر او را بگزارید.

یکی از امتیازات این مجلس در این سه سال گذشته - که ان‌شاءالله در یک سال باقیمانده هم همین‌طور باشد - این بود که منشأ تشنجات سیاسی و بگومگوهای اختلاف‌افکن در بیرون نشد؛ رادیو را که انسان باز می‌کند تا گفتگوی مجلس را بشنود، با مجموعه‌ای از بیان‌ها و گفتارهایی مواجه بشود که جز دعوا و تشنج و اختلاف و اتهام از آن بیرون نمی‌آید. این مجلس در این زمینه، مواضعِ خوب و قابل قبولی داشت. البته برخی از اظهارات در مجلس هست که به آن اشاره می‌کنم؛ لکن مجموعاً مجلسِ تشنج‌آفرینی نبود و در درون خودش خوب بود. امتیازات دیگری هم جناب آقای دکتر حداد نقل کردند و کارها و فعالیت‌هایی که انجام گرفته را گفتند[1].

البته در آن خطوط اساسی مهمی که لازم بود به عنوان امتیاز عرض بکنیم، مواضع قاطع شما در قضیه‌ی هسته‌ای بود که آن هم یکی از نقاط برجسته است. خیلی خوب عمل کردید. کار درست همین بود که دولت را الزام کنید به ایستادگی؛ دولت هم خودش علاقه‌مند به این کار و پیشرو در این کار است. این درست بر طبق مصلحت کشور و مصلحت آینده است[2].

مجلسی هماهنگ با دولت

بالاخره خود هماهنگی مجلس و دولت هم یکی از برکات این دوره است. دشمنانی هم داشت و دارد؛ این را به شما عرض بکنم. کسانی هستند که با هماهنگی دولت و مجلس مخالف‌اند. از اول هم همین‌طور شعار دادند که این‌ها یکدست کردند؛ با این که کسی در این یکدستی تأثیری نداشت. ملت این کار را کرده بود و این‌طور انتخاب کرده بود؛

۱. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸،
۲. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸،

رئیس‌جمهور را آن‌طور، نمایندگان را هم این‌طور حالا یکدست درآمده‌اند دیگر! چه کار کنیم؟ این یکدستی عیب نیست، حسن است؛ تا بتوانند با همدیگر کار کنند و با هم اهداف مشترکی را دنبال بکنند[1].

مجلس هشتم، مواضع سیاسی درست

بنده باید از مجلس محترم تشکر کنم به خاطر اینکه این مواضع را در طول این دوره تا امروز و ان‌شاءالله تا آخر دوره، به طور واضح از خود بروز و نشان داده است. خیلی برای کشور و برای انقلاب سرشکستگی داشت. اگر مجلس احیاناً در یکی از این قضایای مهم سیاسی و این حوادث گوناگون دچار خطا می‌شد یا موضع‌گیری نمی‌کرد یا بدتر از آن، موضع‌گیری غلط می‌کرد. اینکه مجلس در قضایای مختلف سیاسی دنیا، در هجمه‌های دشمنان به جمهوری اسلامی، قرص و محکم، واضح و آشکار ایستاد و موضع گرفت، واقعاً جای افتخار دارد، جای تشکر دارد. من صمیمانه تشکر می‌کنم و اصرار دارم بر اینکه این مواضع، همچنان با همین استحکام، با همین قوت ادامه داشته باشد؛ چون چالش میان انقلاب اسلامی و استکبار جهانی، چالش مستمری است، چالش ادامه‌داری است. البته به حول و قوه‌ی الهی تا ابد طول نخواهد کشید؛ هرچه زمان می‌گذرد، کفه‌ی نظام اسلامی سنگین‌تر میشود، قوی‌تر میشود. آن روزی که دشمنان احساس نومیدی کنند، هجمه‌ها کم خواهد شد، به‌تدریج زائل خواهد شد؛ لیکن تا آن روز، ایستادگی ملت، ایستادگی نخبگان ملت، یک امر ضروری و لازم است؛ این را باید ادامه داد[2].

مجلس یازدهم، مجلس انقلابی

مطلب بعدی در مورد مجلس کنونی است. من از اوّل تشکیل این مجلس، اعتقاد خودم و علاقه‌ی خودم به این مجلس را که از روی اطّلاع بود، عرض کردم، گفتم مجلس، مجلسِ انقلابی است. الان هم من بعد از سه سال همین را تکرار می‌کنم. این مجلس بحمدالله مجلسی است انقلابی، باسواد، جوان، پُرتحرّک، پُرکار. البتّه قضاوت‌هایی که انسان راجع

۱. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۰۳/۰۸.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

بـه یک مجموعه می‌کند، با نگاه به مجموعه اسـت؛ حالا یک اسـتثناهایی هم ممکن اسـت وجود داشـته باشـد؛ به آن اسـتثناها کاری نداریم. مجموعه را که انسـان نگاه می‌کند، با نگاه مجموعـی، ایـن مجلس انصـافاً یک مجلـس انقلابی اسـت. حـالا از گوشـه‌وکنار، از چپ و راسـت، یـک متلکی، یـک حاشیه‌ای، یک مـثلاً چیزی گاهی بـه مجلس زده می‌شـود، خب بگویند؛ نمی‌شـود انتظار داشـت که همـه از آدم تعریف کنند؛ نه، بالاخـره مخالفت‌هایی هم می‌شـود، امّا واقع قضیّه همین اسـت که عرض کـردم؛ یعنـی از روی آن اطّلاع و آگاهی‌ای که بنـده دارم، این‌جور اسـت که ایـن مجلس انصافاً این خصوصیّـات را دارد[1].

یکی از مجالس قوی و انقلابی دوران انقلاب

خوشـبختانه مجلسِ تشکیل‌شـده یکـی از قوی‌تریـن و انقلابی‌ترین مجالـس دوران انقلاب هم هسـت. بحمدالله سرشـار اسـت از نیروهای پُرانگیزه و پُرایمان، نیروهـای پُرتوان، نیروهای جـوان هم جوانـان تحصیل‌کـرده و انقلابی در بین شـماها زیاد هسـتند - جوانـان کاربلد، نه دور از مسـائل اجرائـی؛ در بیـن مجموعه‌ی شـما جوانانی هسـتند کـه هم پُرانگیزه هسـتند، پرتوان‌انـد، هـم کاربلدنـد - هـم مدیران انـقلابی دوره‌هـای گذشـته؛ تعـدادی از مدیرانی که کار اجرائی کرده‌اند، اجرا را می‌شناسـند، عرصه‌ی عمل را کاملاً می‌شناسـند، در بین شـماها جمعـی از این‌هـا هسـتند که وجودشـان مغتنم اسـت؛ و هـم بالاخـره سـابقه‌داران در قوّه‌ی مقنّنـه؛ یعنـی عـدّه‌ای کـه قـبلاً در مجلس بودنـد و شیوه‌هـای کار مجلـس را می‌شناسـند. مجموعـه‌ی ایـن سـه گروه - آن جوانـان، و آن مدیـران، و ایـن پیش‌کسـوتان و سـابقه‌داران - مجموعـه‌ی بسیـار خوب و کارآمـد و به‌دردبخوری را بحمدالله در این مجلـس به وجود آورده؛ بنابرایـن، مجلـس، مجلـس بسیـار خوبی اسـت. خوشـبختانه بـه مسـائل انـقلاب هـم این مجلـس حسّـاس اسـت. در همین یک مـاه و اندی که گذشـته، انسـان احسـاس می‌کند به مسـائل انقلاب حسـاس‌اند. سـرعت عمل هم به خرج دادید؛ هم در تشـکیل هیئت‌رئیسـه، هـم در تشـکیل کمیسیون‌های تخصّصی و تعیین رؤسـای این کمیسیون‌هـا، و بحمدالله کار

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

را زود پیش بردید و این‌ها همه در خور تحسین است[۱].

مظهر امید و انتظار مردم

این مجلس - مجلس یازدهم - مجلس امید و انتظار مردم است، نقطه‌ی امید مردم و مظهر امید مردم است؛ چرا؟ چون مردم در شرایط سخت اقتصادی پای صندوق‌ها آمدند و به شما نمایندگان محترم رأی دادند؛ در شرایط سخت اقتصادی. علاوه‌ی بر این، امواج تبلیغات گوناگون از اطراف از سوی دشمنان خارجی، بعضاً هم عدّه‌ی قلیلی در داخل بود، حرف‌هایی زده می‌شد، تبلیغاتی می‌شد که مأیوس‌کننده بود، ناامیدکننده بود و به طور طبیعی بایستی مردم را از آمدن به عرصه‌ی انتخابات مانع می‌شد. با همه‌ی این شرایط، مردم با یک درصد قابل قبولی - که باز در دنیا جزو درصدهای خوب است - پای صندوق‌ها آمدند و نمایندگان خودشان را انتخاب کردند و به شماها رأی دادند؛ چرا؟ چون امیدوار بودند. علی‌رغم همه‌ی این عواملی که دست‌به‌دست هم داده بود تا مردم را از صندوق و از مجلس و از انتخابات مأیوس کند و ناامید کند، مردم آمدند و امیدوارانه به تشکیل مجلس شورای اسلامی رأی دادند و شماها را انتخاب کردند. پس این مجلس مظهر امید مردم است، مظهر انتظار مردم است؛ این بسیار نکته مهمّی است[۲].

ساده‌زیستی و تواضع در برابر مردم

یکی از امتیازات مجلس یازدهم که من اصرار دارم این را بگویم و به زبان بیاورم، ساده‌زیستی است؛ یعنی تا آنجایی که به من گزارش شده، نسبت به بسیاری از افراد این مجلس، رفتار اشرافی‌مآبانه و نگاه از موضع بالا و به مردم بی‌اعتنائی کردن، یا نیست یا کمتر هست. حالا عرض کردم استثناهایی هم وجود دارد؛ یعنی استثناها هم الان جلوی چشم بنده هست، امّا روش کلّی این است؛ این روش کلّی خیلی چیز خوبی است. این‌ها را از دست ندهید؛ من می‌خواهم عرض بکنم این نشست‌وبرخاست با مردم، این تواضع

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.
۲. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

در مقابـل مـردم، این شـنیدن حرف مـردم را از دسـت ندهید[۱].

شنیدن حرف مردم و در عین حال ندادن وعده‌های غیرممکن

البتّـه شـنیدن حـرف مردم غیـر از وعده‌دادن به مردم اسـت؛ یعنـی این‌جور نباشـد که وقتی در شـهر خودتـان در حوزه‌ی انتخابیّـه نشسـته‌اید و آمدنـد شـکایت کردند، شـما همین‌طور وعـده بدهیـد؛ نـه، این وعـده را نه شـما می‌توانید عمـل کنید، گاهـی مجلس هـم نمی‌تواند عمـل کند، گاهـی کلّ نظام هـم نمی‌تواند عمـل کند. وعده ندهیـد؛ بشـنوید، بگویید تلاش می‌کنیـم، زحمـت می‌کشیـم، شـاید حل بشـود؛ یعنی شـنیدن حرف مـردم با چهـره‌ی باز و روی خـوش، بـدون اَخم‌وتَخم، بعضی‌هـا با مـردم اَخم‌وتَخـم می‌کردند! گفت:

چون وا نمی‌کنی گرهی، خود گره مباش

ابروگشاده باش چو دستت گشاده نیست

یعنـی بالاخـره با ابروی گشـاده و بـا روی باز با مـردم روبه‌روشـدن، این‌ها خیلی ارزش اسـت، این‌هـا اهمّیّـت دارد؛ این‌ها را داشـته باشـید. این نقاط قـوّت را - که من عـرض کردم و خود شـما هـم کاملاً بهتـر از من می‌دانیـد - برای ایـن گفتیم که در این سـال آخر، این‌هـا را ادامه بدهید[۲].

شناخت مشکلات کشور و قانون‌گذاری بر اساس آن

مجلس یازدهم مشـکلات کشور را شـناخته؛ مهم این اسـت. مشـکلات کشور شـناخته شده و بر اسـاس شـناخت مشـکلات، قانون گذاشـته شـده. این تفصیلی که آقای قالیباف دادند - کـه قـبلاً هم یـک گـزارش مفصّلی برای مـن فرسـتاده بودند؛ البتّـه من از جاهـای دیگر هم گـزارش دارم، یعنـی گزارش فقـط گزارش مجلس نیسـت - از کارهـایی که شـده، قانون‌هایی کـه تصویـب شـده یـا الان در مجـرای تصویـب قـرار دارد، این‌هـا همه حاکـی از آشـنایی با

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

مشـکلات کـشور اسـت. وقتـی مشـکلات را انسـان دانسـت، قانون را بـر طبق مشـکل وضع می‌کند[۱].

هـدف این قوانیـن، مبارزه با فسـاد بوده، رفـع تبعیض بوده، رفـع انحصار بـوده، بهبود فضای کسـب‌وکار بـوده و بقیّـه‌ی مسـائل اقتصادی دیگـر. این قوانین بـا صراحـت و قاطعیّت نظر داده، حکـم کـرده و تصویب شـده. ایـن هم مهم اسـت؛ یعنی ملاحظـه و لاپوشـانی و مانند این‌ها در قوانین نیسـت، صریح و روشـن اسـت[۲].

تصویب قانون راهبردی جهش تولید دانش‌بنیان

یـا قانون «جهش تولیـد دانش‌بنیـان» این‌ها قوانین راهبردی اسـت. قوانین دیگـری هم از این قبیل هسـت که این‌ها قوانین راهبردی اسـت[۳].

تصویب قانون راهبردی حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

گفتیـم قانـون در پی حلّ مشـکلات واقعی باشـد؛ من ملاحظه کـردم بعضـی از قوانین مربوط به خانواده که در مجلس مطرح اسـت و بحث می‌شـود یا تصویب می‌شـود، انسـان احسـاس می‌کنـد کـه تحت‌تأثیر و اثرپذیری از رسـوم غربی اسـت؛ از این باید اجتناب بشـود. غربی‌ها نسـبت بـه خانـواده هیچ‌گونـه اهتمامـی ندارند؛ نـه اینکـه نخواهند، بلکه شـرایط و سـبک زندگـی غربی معـارض بـا خانـواده به معنـای واقعی کلمه اسـت؛ این را خودشـان هـم دارند می‌گویند و سـال‌ها اسـت گرفتارش هسـتند؛ حالا می‌خواهند علاج کنند و نمی‌توانند علاج کننـد؛ یعنـی بنیاد خانـواده، نهـاد خانواده در غرب به‌شـدت تضعیف‌شـده اسـت. حالا ما بیاییـم چیزهـایی را کـه این‌ها مـثلاً راجع به زن و جـوان و فرزند و پـدر و مـادر و مانند این‌ها در عـرفِ خودشـان دارنـد، در مسـائل مربوط بـه خانـواده راه بدهیم! نـه، این مطرح نیسـت. مـا بـرای خانـواده بایسـتی قانونـی را وضـع کنیـم که بـه معنـای واقعـی کلمـه، حل‌کننده‌ی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

مشـکلات خانواده‌ها باشـد - اگر مشـکلاتی وجـود دارد، حل‌کننده‌ی این مشـکلات باشـد - تأثّـر از آن منطقه نباشـد[۱].

یـا قانـون حمایـت از خانواده و جوانـی جمعیّت که بـه معنای واقعـی کلمـه از آن قانون‌های حیاتی اسـت. بنده سـال‌ها اسـت - یعنی چند سـال اسـت - این را می‌گویم، امّا قانون شما غیـر از گفتن ما اسـت؛ گفتـن ما در مـواردی حالت نصیحت پیـدا می‌کند، ولی قانون شـما اجرائـی و الزامی اسـت، باید عمل بشـود. این قانـون خیلی قانون مهمّی اسـت[۲].

تصویب قانون مهم اقدام راهبردی در مسائل هسته‌ای برای خروج از حیرت

برخـی از ایـن قوانینـی کـه شـما تصویـب کرده‌ایـد، قوانیـن راهبـردی اسـت؛ یعنـی قوانیـن موضعـی و مقطعی نیسـت، یـک قوانین راهبردی اسـت برای کـشور که واقعاً جـای احترام و تمجیـد دارد؛ چـه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌هـای غیراقتصادی؛ در همه‌ی این‌ها قانـون اقدام راهبردی کـه همان اوّلِ کار تصویب کردید، یک قانون اساسـی اسـت، یک قانون مهمّـی اسـت. این قانـون، کـشور را از سـرگردانی در قضیّه‌ی هسـته‌ای نجـات داد؛ یعنی آن حالـت حیـرت و حالـت ندانـم‌کاری را از بین برد. وقتی ندانم‌کاری و حیرت هسـت، انسـان به‌مقتضـای هـر قدمـی یک تصمیمـی می‌گیـرد و گاهـی تصمیم‌هـای متعارض! ایـن قانون کاملاً مشـخّص کـرد کـه باید چـه کار کنیـم، الان هم داریـم نشـانه‌هایش را در دنیا مشـاهده می‌کنیم[۳].

مجلس دوازدهم؛ برجسته، ممتاز و دارای وزن حقیقی

از اوّل انـقلاب تـا حـالا، این مجلـس شـکل‌های گوناگونـی و گرایش‌های سیاسـی گوناگونی داشـته - در ایـن تردیدی نیسـت؛ همـه‌ی دوره‌ها یکسـان نبودنـد - امّا مجمـوعاً وقتی نگاه

۱. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.
۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳.

می‌کنیم، این مجلس با مجالس دیگر فرق دارد؛ این مجلس، مجلس برجسته‌ای است، مجلس ممتازی است. احترامی که ما برای مجلس شورای اسلامی قائلیم ناشی از این است که علاوه بر آن وزن حقوقی، وزن حقیقی دارد. احترامی که برای نماینده قائل می‌شویم به خاطر این است که جزو این مجموعه‌ی باارزش و ارجمند محسوب می‌شود. خب، لذاست که از قول امام (رضوان‌الله علیه) نقل شد که مجلس عصاره‌ی فضایل ملّت است؛ یعنی به معنای واقعی کلمه مجلسی که این جور رشد پیدا می‌کند، این جور دارای منشأ است، این مجلس طبعاً عصاره‌ی فضایل یک ملّت محسوب می‌شود و ارزشش ارزش بسیار والا و بالایی است[1].

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴/۰۳/۲۱.

نتایج و توصیه‌های سیاستی برای نمایندگان مجلس

تحلیل منظومه بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (اعلی الله مقامه الشریف)، در دیدارهای سالیانه با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نشان داد که در نگاه معظمٌ‌له، مجلس شورای اسلامی صرفاً یک نهاد قانون‌گذار نیست، بلکه یکی از ارکان اصلی مدیریت کشور، مظهر مردم‌سالاری دینی، تجلی اراده ملت و قوه مفکره نظام اسلامی است. از این منظر، قانون‌گذاری و نظارت دو مأموریت اساسی مجلس به شمار می‌روند که کیفیت تحقق آن‌ها تأثیر مستقیمی بر کارآمدی نظام، تحقق عدالت، پیشرفت کشور و افزایش سرمایه اجتماعی خواهد داشت.

تحلیل مضامین این بیانات، مجموعه‌ای از سیاست‌های کلان قانون‌گذاری را آشکار می‌سازد که می‌تواند به عنوان چارچوب راهبردی تقنین در جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گیرد. از مهم‌ترین این سیاست‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: (لازم به ذکر است که سیاست‌های کلی ابلاغی نظام قانون‌گذاری در بخش پیوست‌ها ضمیمه شده است.)

- التزام کامل به مبانی اسلام، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام
- مسئله‌محوری و نیازمحوری در قانون‌گذاری و توجه به اولویت‌های اساسی کشور
- حمایت از عدالت اجتماعی و اقشار ضعیف

استحکام‌بخشی به استقلال و اقتدار ملی

- پرهیز از تورم و تعارض قوانین
- تقویت قابلیت اجرایی قوانین
- توجه به آثار فرهنگی و اجتماعی مصوبات
- آینده‌نگری و بهره‌گیری از کار کارشناسی عمیق.

بر اساس این سیاست‌های کلان، رهبر شهید انقلاب همواره توصیه‌های مهمی را در حوزه قانون‌گذاری به نمایندگان مجلس ارائه کرده‌اند. مهم‌ترین این توصیه‌ها عبارت‌اند از:

- رعایت اولویت‌های واقعی کشور و پرهیز از پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و کم‌اثر

- تدوین قوانین متقن، جامع، شفاف و ماندگار

- اجتناب از تصویب قوانین غیر قابل اجرا

- توجه به پیوست‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قوانین

- استفاده از ظرفیت کارشناسان و نخبگان و جلوگیری از نفوذ منافع شخصی و گروهی در فرایند تقنین

- توجه به مبانی دینی، سیاست‌های کلی نظام و اسناد بالادستی.

- همکاری سازنده با سایر قوا و پرهیز از دو قطبی‌سازی‌های سیاسی در عرصه قانون‌گذاری.

به تعبیر کلان، در نگاه معظم‌له، قانون مطلوب قانونی است که ضمن برخورداری از استحکام حقوقی و شرعی، بتواند مشکلات واقعی کشور را حل کرده و مسیر پیشرفت و عدالت را هموار سازد.

در کنار وظیفه قانون‌گذاری، نظارت نیز جایگاهی بنیادین در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب دارد. ایشان نظارت را ابزاری برای ارتقای کارآمدی دستگاه‌های اجرایی، صیانت از حقوق مردم و جلوگیری از انحراف در مسیر حکمرانی می‌دانند. در این چارچوب، رعایت نکات ذیل برای نمایندگان مجلس در امر نظارت ضروری است:

- دنبال‌کردن وظیفه نظارت با رویکرد اصلاح، کمک و ارتقای عملکرد دستگاه‌ها

- پرهیز از تبدیل‌شدن امر نظارت به ابزاری برای تخریب، تسویه‌حساب‌های سیاسی و

منازعـات جناحی

- اسـتفاده هوشـمندانه و مسـئولانه از ابزارهـای نظارتی به‌منـظور حفظ انسـجام ملی و توجه بـه منافع عمومـی کشور

- رعایت عدالت و انصاف در فرایند نظارت

از سـوی دیگـر، یافته‌هـای ایـن پژوهش نشـان می‌دهد کـه در اندیشـه رهبر شـهید انقلاب، نمایندگـی مجلـس صـرفاً یـک مسـئولیت سیاسـی یـا اداری نیسـت، بلکـه امانتـی الهی و مسـئولیتی ملـی اسـت کـه نیازمنـد مجموعـه‌ای از ویژگی‌هـای معرفتـی، اخلاقـی، رفتاری و تخصصـی بـرای نماینـدگان اسـت. نماینـدگان مجلـس موظف‌انـد در کنـار ایفـای نقش تقنینـی و نظارتـی، نسـبت بـه حفظ هویت انـقلاب اسلامـی، صیانـت از منافع ملـی، دفاع از حقـوق مـردم، تلاش بـرای رفـع مشـکلات کـشور، حفـظ شـأن و اقتـدار مجلـس، تقویت اعتمـاد عمومـی، تعامل سـازنده بـا سـایر ارکان نظـام و ارتقای کارآمـدی حکمرانـی اهتمام ورزنـد. احسـاس مسـئولیت، اخلاص، شـجاعت، اسـتقلال، عدالت‌خواهـی، مـردم‌داری، ساده‌زیسـتی، قانون‌مـداری، تقوای فردی و جمعی و توجه مسـتمر به نیازهـای واقعی جامعه از جملـه شـاخص‌های اساسـی نماینده تراز انـقلاب اسلامـی در این منظومه فکری اسـت.

در مجمـوع، شـبکه مضامین استخراج‌شـده از بیش از سـه دهه بیانات رهبر شـهید انقلاب اسلامـی نشـان می‌دهـد کـه مجلـس مطلـوب در جمـهوری اسلامی، مجلسـی اسـت که با بـرخورداری از نمایندگانـی مؤمن، متخصص، انـقلابی، مردم‌مدار و مسئولیت‌شـناس، بتواند از طریـق قانون‌گـذاری متقـن و نظـارت کارآمـد، مسیـر تحقـق آرمان‌هـای انـقلاب اسلامی، پیشـرفت کـشور، عدالـت اجتماعی و افزایش اقتـدار ملی را هموار سـازد. از ایـن رو، مطالعه دقیـق ایـن مجموعـه بـرای نماینـدگان مجلـس شورای اسلامـی، به‌ویـژه در آغاز مسـئولیت نمایندگـی و در فراینـد تصمیم‌گیری‌هـای تقنینـی و نظارتـی، می‌توانـد بـه منزلـه راهنمـایی عملـی و تجربـه‌ای ارزشـمند در ایفای مسـئولیت خطیر نمایندگـی ملت مورد اسـتفاده قرار گیرد.

امیـد اسـت بهره‌گیـری از ایـن میـراث فکـری و راهبـردی، زمینه‌سـاز ارتقـای کیفیـت قانون‌گـذاری، تقویـت جایـگاه مجلـس شورای اسلامـی و تحقق هرچه بیشـتر اهـداف نظام مقـدس جمـهوری اسلامـی ایـران باشـد.

پیوست‌ها

سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ابلاغی رهبر شهید انقلاب

توجه به موازین شرع به‌عنوان اصلی‌ترین منشأ قانون‌گذاری در تنظیم و تصویب طرح‌ها و لوایح قانونی.

ارزیابی و پالایش قوانین و مقررات موجود کشور از حیث مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد سازوکار لازم برای تضمین اصل چهارم قانون اساسی.

تعیین سازوکار مناسب برای عدم مغایرت مقررات با قانون اساسی.

نظارت بر عدم مغایرت یا انطباق قوانین با سیاست‌های کلی نظام، با همکاری شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب قوانین لازم برای تحقق هریک از سیاست‌های کلی نظام.

- تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مراجع وضع قوانین و مقررات با ارائه‌ی تعریف روشن و مشخص از «قانون»، «آیین‌نامه، تصویب‌نامه و بخشنامه موضوع اصل ۱۳۸»، «قانون آزمایشی و اساسنامه موضوع اصل ۸۵»، «برنامه و خط‌مشی دولت و تصمیمات موضوع اصل ۱۳۴»، «آراء وحدت رویه و ضوابط موضوع اصل ۱۶۱» و سایر مقررات و همچنین طبقه‌بندی و تعیین هرم سیاست‌ها، قوانین و مقررات کشور بر اساس نص یا تفسیر اصول قانون اساسی حسب مورد، از طریق مجلس شورای اسلامی.

تعیین حدود اختیارات مجلس در اصلاح لوایح با رعایت اهداف لایحه.

تعیین محدوده‌ی اختیار مجلس در تصویب ساختار و مفاد بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور (پیش‌بینی درآمدها، هدف‌گذاری‌ها، موارد هزینه و...) با تصویب قانون لازم و اصلاح آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس.

تعییـن وظایـف دولـت و مجلـس در مورد تعـداد وزرا و وظایـف و اختیـارات آنـان، وظایف قانونـی رئیس‌جمـهور موضوع اصـل ۶۰ و ۱۲۴ قانون اساسـی و هرگونه ادغام، الحـاق، انتزاع و ایجـاد سـازمان‌های اداری، از طریق تصویـب قانون.

رعایـت اصـول قانون‌گذاری و قانون‌نویسـی و تعیین سـازوکار برای انطبـاق لوایح و طرح‌های قانونی بـا تأکید بر:

- قابل‌اجرا بودن قانون و قابل‌سنجش بودن اجرای آن.

- معطوف بودن به نیازهای واقعی.

- شفافیت و عدم ابهام.

- استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی.

- بیان شناسه‌ی تخصصی هر یک از لوایح و طرح‌های قانونی و علت پیشنهاد آن.

- ابتناء بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون.

- ثبات، نگاه بلندمدت و ملی.

- انسجام قوانین و عدم تغییر یا اصلاح ضمنی آن‌ها بدون ذکر شناسه‌ی تخصصی.

- جلـب مشـارکت حداکثـری مـردم، ذی‌نفعـان و نهادهـای قانونـی مردم‌نهـاد تخصصی و صنفـی در فراینـد قانون‌گذاری.

- عدالت‌مـحوری در قوانیـن و اجتنـاب از تبعیـض نـاروا، عمومـی بـودن قانـون و شـمول و جامعیـت آن و حتی‌الامـکان پرهیـز از اسـتثناهای قانونـی.

۱۰- تعییـن عناویـن قوانین جامـع، تبویب، تنقیح و تعیین شناسـه‌ی قوانیـن موجود کشور در طول برنامه‌ی ششـم توسعه.

تعیین سـازوکاری از سـوی مجلـس شورای اسلامی برای تشـخیص قابلیت طـرح در مجلس

(موضـوع اصـل ۷۵ قانون اساسـی) قبل از طـرح و اعلام وصول.

ضابطه‌مندسـازی و تعییـن نصـاب بالا بـرای ارجاع به مجمع تشـخیص مصلحـت نظام در موارد تعـارض مصوبه‌ی مجلـس با نظـر شورای نگهبان.

بازنگـری در مصوباتی که بر اسـاس مصلحت در مجمع تشـخیص مصلحـت نظام تصویب شـده اسـت از حیث تعیین دوره‌ی اعتبار مصلحـت. رعایت صلاحیت ذاتی قوای سـه‌گانه در قوانین مربوط

تشـکیل نهادهایی از قبیـل شوراهای عالی؛ بازنگری در قوانین موجـود این نهادها؛ پیش‌بینی سـازوکار کارآمد قانونی لازم بـرای تضمین عدم مغایرت مصوبات آن‌هـا با قوانین عادی.

تعییـن اولویت‌هـای قانون‌گـذاری بـا محوریـت: گره‌گشـایی از امور اجـرایی کـشور، اصـول اجرانشـده‌ی قانون اساسـی، سند چشـم‌انداز، سیاسـت‌های کلی نظام، برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی توسـعه و مطالبـات رهبری.

رعایت تدابیر فرماندهی کل نیروهای مسلح در قانون‌گذاری برای نیروهای مسلح.

ترویـج و نهادینه‌سـازی فرهنـگ رعایـت، تمکیـن و احتـرام بـه قانـون و تبدیـل آن بـه یـک مطالبـه‌ی عمومـی.